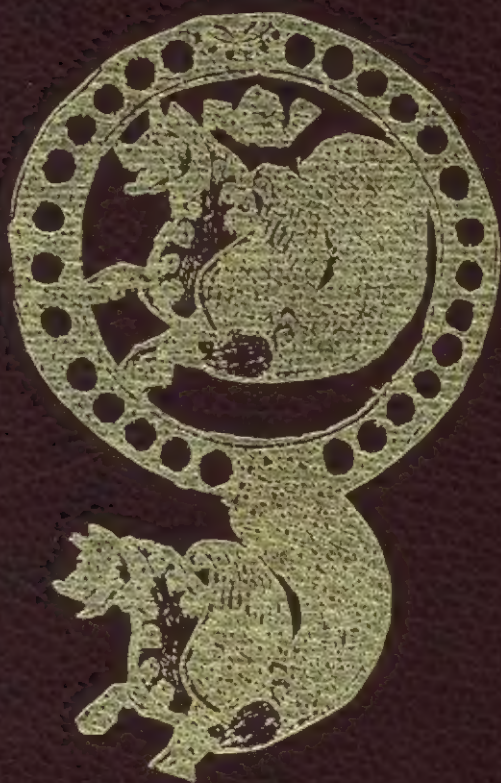


# واژه‌نامه فارسی-کردی

دکتر محمد تقی ابراهیم پور



منتدى اقرأ الثقافي

[www.iqra.ahlamontada.com](http://www.iqra.ahlamontada.com)

# واژه‌نامه

## فارسی - کردی

دکتر محمدتقی ابراهیم‌پور



انتشارات قنوس

تهران - ۱۳۷۳

### انتشارات ققنوس

خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، شماره ۲۱۵، تلفن: ۶۴۰۸۶۴۰

---

محمد تقی ابراهیم پور

واژه‌نامه فارسی - کردی

چاپ اول، ۲۰۰۰ نسخه، زمستان ۱۳۷۳

چاپ دیبا

حق چاپ محفوظ است

ISBN: 964-311-025-7

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۰۲۵-۷

نظر به اینکه مراحل آماده‌سازی و نسخه‌پردازی دو کتاب ارزشمند واژه‌نامه کردی - فارسی و واژه‌نامه فارسی - کردی به دلیل عدم دسترسی به ویراستار و مصححی که به زبان کردی و لهجه‌های آن آشنا باشد، کار بسیار دشواری بود، لذا مؤلف محترم جناب آقای دکتر ابراهیم پور بر ناشر منت گذاشتند و این کار خطیر را به عهده گرفتند. با این امید که محصول به بار آمده که ماحصل تلاش و کوشش بی‌دریغ و چندساله ایشان است، مبارکشان باشد و تقدیر و سپاس ناشر را بپذیرند.

در پایان از آقای محسن محمدی که صفحه‌آرایی این کتاب و کتاب واژه‌نامه کردی - فارسی را نیز بر عهده داشتند، تشکر و سپاسگزاری می‌شود.

انتشارات ققنوس



با سپاس از آقای دکتر داریوش مدی که تصاویر را انتخاب و  
آقای عبدالرحمن شاهرخی که واژه‌های اورامانی و آقای سید  
جلال‌الدین نظامی کورانه که واژه‌های کردی شمال را تصحیح  
فرموده‌اند.

مؤلف





## مقدمه

مقدمه این کتاب را بر بنیاد درست نویسی الفبای کنونی کردی می نویسم و بر این مقدمه نیز دیباچه کوتاهی در باب دشواریهای نوشتار فارسی می آورم، اما پیش از آن بررسی مختصری درباره زبان و گویش خواهد آمد، با این امید که مجموع آن مورد توجه استادان، نویسندگان و ادیبان و کردزبانان قرار گیرد.

## زبان - گویش

گویایی بخشی از احساس است که انسان با آن منظور خود را ادا و تفهیم می کند. تعریف بالا گویایی را به نوع انسان منحصر می سازد و جانوران دیگر را فاقد آن قلمداد می کند، حال آنکه چنین نیست و می دانیم که انواع حیوانات و پرندگان، اگر نه مانند انسان، دارای آواهای ویژه نوع خود بوده و هیچ دلیلی وجود ندارد که این آواهای یکنواخت و قابل تقلید عامل انتقال اندیشه و بیان نباشند حتی اگر تصور کنیم از ویژگی تفهیم اندیشه خالی هستند، نمی توان منکر شده که وسیله ارتباط افراد گروه می باشند. شکی نیست که هماهنگ و توأم ساختن این اصوات با حرکات سر و دم و گردن و بال در پرندگان بیان کننده احساس نفرت و محبت و عصبیت و درخواست... بوده و هر نوع، به خوبی آن را درک کرده و وسیله تبادل احساس و اندیشه قرار می دهد.

اخیراً کتابی به نام چگونه می‌توان با اسب حرف زد وسیله «هنری بلاک» نوشته و چاپ و منتشر شده است. در این کتاب محقق، سی و چهار نت یا واژه یا فراز یا جمله پایه‌ای به اسب نسبت می‌دهد که به یاری سی و هفت آوای شاخه‌ای دیگر حیوان می‌تواند احساسات خود را به همگونه خود منتقل کند. به عقیده هنری بلاک اسب موقعی که می‌گوید «ناشتایی من چگونه شد؟» صدایی در می‌آورد یا نتی اجرا می‌کند یا جمله‌ای می‌گوید که با زمانی که می‌گوید «شام مرا بیاورید» اختلاف دارد. اگر چنین است، که حتماً چنین است، پس اسب و حیوانات دیگر زبان ویژه برای بیان مطلب خود دارند، بنابراین هر کس، هر نوع یا گروه و دسته با هر صدا و کلام که بیان مقصود کند به یک زبان حرف می‌زند و با این استدلال طرح موضوع گویشها تا حدودی منتفی و بر شمار زبانها افزوده می‌شود. اما گاهی مشابهاً بسیار و تفاوتها ناچیز هستند، مانند لهجه اصفهانی و کاشانی نسبت به خود و به زبان فارسی و زمانی مشابهاً تنها در بنیاد واژه‌ها وجود دارند و شاخه‌ها و فروعات دگرگون شده و از پایه آغازین به دور افتاده‌اند؛ در این صورت زبان دیگری به وجود آمده است. هر چند، از دید زبانشناسی این گونه زبانها در یک بخش قرار می‌گیرند، مثلاً می‌گویند زبانهای ایرانی و ارمنی از ریشه آریایی هستند و زبانهای فارسی و اردو و پشتو و کردی جزو شاخه زبانهای ایرانی هستند.

## زبان فارسی

اظهار نظر شده است که زبان فارسی با توجه به شایستگی بسط و گسترش و نرمی و روانی و شیرینی و شیوایی می‌تواند زبان جهانی بوده و در سطح بین‌المللی، عموم ملتها با آن صحبت کنند. این عقیده وسیله (وندت) ابراز شد که می‌گوید: «در زبان فارسی از ۳۰ واژه اصلی و ریشه‌ای می‌توان ۳۰۰-۳۵۰ واژه گونه‌گون ساخت». به درستی چنین است، زبان فارسی شایستگی شگفتی‌برانگیزی در جهت گسترش و بیان دارد در عین حال نوازشگر گوش است و سامعه‌آزار نیست. به این چند واژه توجه کنید: آسمان‌نما «پلاناتریوم»، آسایشگاه «دارالمجانین»، ماهواره «قمر مصنوعی» و... و واژه‌هایی از این دست هم مفهوم هستند، هم رسایی و سنگینی

کلماتی مانند دارالمجانین را فاقد هستند. پس فارسی زبانی است که با این ویژگیها می بایست زبان همگانی مردم دنیا باشد اما چرا چنین نبوده و چنین نیست.

بی شک برتری سیاسی و نظامی ملتهای صاحب زبان تأثیر عمده ای در وسعت بخشیدن به تعداد متکلمین هر زبان دارد، چنانکه در زمان تسلط سیاسی ایران از ماوراءالنهر تا بین النهرین به زبان فارسی شعر سروده می شده است و امروز زبان انگلیسی با توجه به نیروی سیاسی و اقتصادی امریکا و انگلستان زبان عمومی جهانیان است. اما مسائل دیگری نیز وجود دارند که پیش برنده و عامل توسعه یا مانع پیشروی و دلیل محدودیت زبان هستند و مهمترین آنها خط و روش نوشتن است و زبان فارسی با کمال تأسف از این جهت در بدترین شرایط قرار دارد. این درست است که آموزش زبان از راه گویایی و شنوایی است اما نوشتن و نوشتار، امروزه، کمک بسیار مؤثری در جهت ضبط واژه ها و آموزش زبان به عمل می آورد. با اندک توجه به راه نوشتن فارسی دشواریهای آموزش آن، از این راه، معلوم و مشخص می شود. برای نمونه واژه «استهزاء» هر چند از عربی گرفته شده و معادل فارسی آن «به مسخره گرفتن» وجود دارد اما واژه مصطلحی است که در بیان و مکاتبات بسیار به کار گرفته می شود. این واژه را ۶۳ نوع می توان نوشت. واژه «اصطبل» که فارسی آن طویله و کردی آن «پاگ» است می توان ۴۵ نوع نوشت.

حال دیده می شود که در این راه چه دشواری بزرگی برای خارجی زبانانی که می خواهند فارسی یاد بگیرند وجود دارد. موضوع جالب این است که این کلمات در زبان عربی چون حروف با آواهای ویژه خود ادا می شوند، درست اجرا شده و چنین اشتباه و خطاهایی پیش نمی آورند.

حال، به نام یک خارجی که می خواهد زبان و نوشتن فارسی بیاموزد از خود پرسید: «از ۶۳ نوع نوشتن کلمه استهزاء کدام یک را باید انتخاب کرد و نوشت؟».

## کردی

تاکنون تلاش شده است که نوشتار کردی از نقایصی که دامنگیر نوشته های فارسی است به دور باشد و آنچه به زبان می آید روی کاغذ تصویر گردد. اما این

تلاش کاملاً موفقیت آمیز نبوده است و هنوز نارساییها و نابسامانیهایی در نوشته های این زبان وجود دارد که می توان و باید آن را رفع کرد.

قرار گذاشته شده است که به جای علامت تشدید، حرف مشدد را دوبار بنویسند، مانند «که لله» یعنی (سر، کله). از طرفی یک گونه کسره سبک بین حروف وجود دارد که به نوشتن نمی آید (در این باره به تفصیل بحث خواهد شد)، مانند کسره سبک بین (ک) و (ر) - (د) و (ن) در مصدر (کردن) که اگر با حروف لاتین نوشته شود چنین است: (kerden). دو [e] موجود در شکل لاتین علامت آن کسره کوتاه است. در این صورت (که لله kalla) را (که لله kalela) هم می توان خواند.

برخی از کلمات و افعال با این حروف به نوشتن نمی آیند. مثلاً حالت شرطی فعل بودن در گرایش سنجی. در این گرایش مصدر بودن (بوون) است و وجه شرطی التزامی آن (بوم)، مانند: ته گهر بوم به میر (اگر امیر بشوم). تلفظ وجه (بوم) که کردهای ولایات دیگر آن را (بیم) ادا می کنند و به معنای (بشوم) است چنین است (bewem)، در حالی که در نوشتار کردی (بوم bom) نوشته می شود که به معنای بمب و مواد منفجره است.

و بسیار اشکالات دیگر...

پس چه باید کرد؟

ابتدا به شرح القبای زبان می پردازیم:

القبای زبان کردی جنوب دارای ۲۸ شکل و ۳۷ آوا به شرح زیر است:

ا - ب - پ - ت - ج - چ - ح - خ - د - ر - ز - ژ - س - ش - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی.

از ۲۸ شکل فوق ۲۵ شکل ایستا (consonant) هستند و سه شکل واکه (vowel). سه شکل واکه عبارتند از: ا، و، ی.

بعضی از این حروف اعم از اینکه ایستا باشند یا واکه دارای یک یا چند آوا می باشند:

۱- حروفی که دارای یک آوا می باشند مجموعاً ۲۴ حرف هستند: ا - ب - پ - ت - ج - چ - ح - خ - د - ز - ژ - س - ش - ع - غ - ف - ق - ک - گ - م - ن - ه.

- ۲- حروفی که دارای دو آوا هستند عبارتند از: ر - ل.
- ۳- حروفی که دارای سه آوا و بیشتر هستند عبارتند: و - ی.
- ۴- حروف و آواهایی که به خاطر زبان کردی شمال باید افزوده شوند: پ - چ - ص - ط - گ.

## تشریح حروف و آواها:

۱: در نوشته فارسی همزه الفی است که در آغاز کلمه می آید، در نوشتار کردی نیز چنین است اما در نوشتار کردی شکل ویژه آن را (ئ) می نویسند و این درست است، هر چند عده ای همزه و الف توأم آغاز کلمه را مانند نوشتار فارسی و عربی (آ) می نویسند. استدلال آنان این است که اینچنین زیباتر است و می افزایند که چون اساس این الفبا عربی است تقلید از آن بدون مانع می باشد و هماهنگی بیشتری به وجود می آورد که البته هر سه دلیل درست است، اما اگر چنین کنیم یک شکل به اشکال الفبای کردی افزوده می شود که ضروری نیست و از ترکیب همزه و الف هم همان صدا که مورد نیاز است به وجود می آید.

همزه در زبان کردی محاوره ای در وسط کلمات تغییر شکل می دهد یا اصولاً حذف می شود، مانند: مسؤول که «مه سؤول» و مأمور که «ماموور» و سوء استفاده که «سوی ئیستفاده» گفته می شود.

ت: در گریشهای کردی جنوبی دارای یک آوا به جای خود و «ط» در نوشتن به کار برده می شود.

د: یکی از حروف ایستا است. اردلانها و گورانها (ستندج و اورامان)، گاهی (د) را با لغزاندن فک پایین به جلو به گونه ای اجرا می کنند که صدایی بین (د) و (و) به وجود می آید، زیر این اجرای (د) را من یک خط افقی قرار می دهم اما چون اجرا یا عدم اجرا به صورت دوم تغییری در معنای کلمه نمی دهد لذا (د) را حرف یک صدایی نامیده ایم مانند: خودا (خُدا). داد (داد، عدل).

ر: به دو صورت اجرا می شود: ساده و غلطان. در آغاز کلمه (ر) همیشه غلطان است. اجرای دوگانه این دو صدا معانی مختلف به واژه می دهد، لذا در زیر نوع

غلطان آن نشانه (v) قرار داده می شود. مانند: گوړه وان (نگهبان قبرستان)، له پړا (ناگاه)، به ردل (پیش قلیانی، صبحانه).

ز: با تنها آوای خود به جای (ذ، ض، ظ) نیز در نوشتار می نشیند.

س: در گویشهای کردی جنوب به جای (ث، ص) و در گویشهای کردی شمال به جای (ث) و بعضاً به جای (ص) به کار برده می شود.

ل: دارای دو صدا است که معنای واژه را تغییر می دهد. یک صدای آن دقیقاً مانند (ل) فارسی است، مانند: گول (جذامی) و نوع دیگر آن مانند: (ض) عربی کهن اجرا می شود و به این خاطر روی آن علامت (v) قرار داده می شود مانند: گول (گل).

و: در زبان کردی، دارای چهار آوا می باشد:

۱- صدایی شبیه پیش فارسی و ضمه عربی مانند: کورد Kord (گرد)، لوړ Lor (لُر).

۲- صدای (و) کشیده که با علامت (v) بر روی آن مشخص می شود مانند: ژور Zör (زیاد)، گو gō (توان، نا، گوی).

۳- صدای (و) مانند اجرای آن در کلمه فارسی محمود مانند: مه حموو Mahmu (محمود)، روو ru (رو، رویه، نما).

۴- یک نوع دیگر صدای (و) وجود دارد مانند: (w) انگلیسی تلفظ می شود. این نوع (و) در آغاز و وسط کلمه به تبع حرف بعدی حرکت پیدا می کند. آغاز مانند: ورج werc (خرس ماده)، در وسط مانند تاوه ژوو âwaju (برگشته)، در انتها و ساکن مانند دراو drâw (پول).

ی - دارای سه صدا است که دو نوع آن فعلاً به خط و تصویر می آید و از سومین آوا غافل مانده اند. سه صدا عبارتند از:

۱- (ی) آنچنان که در شیر و پنیر فارسی به کار برده می شود مانند پیر pir (پیر)، نیان niân (نهادن و نشاندن).

۲- آوای دیگر (ی) کشیده ای است که در فارسی وجود ندارد و آن را با علامت (ˆ) مشخص می کنند مانند: شیر sêr (شیر حیوان درنده)، میړد mêrd (مرد).

۳- همچنان که قبلاً گفته شد یک کسره کوتاه بین بعضی حروف وجود دارد که نقش

و تصویری در جمع حروف نیافته و در حقیقت آن را سماعی قرار داده‌اند، حال آنکه به سادگی می‌توان نقش و شکل آن را معین کرد و از اشتباهاتی که ممکن است در اثر نبودن آن پدید آید جلوگیری کرد.

موضوعی که تذکر آن لازم است، این است که بر خلاف زبان فارسی، در زبان کردی برخی کلمات بی‌صدا (ایستا)، بدون واسطه به هم می‌پیوندند و یکی از نقاط قابل اشتباه، درست در این پیوستگیهای حروف بی‌صداست. به این مثالها توجه شود:

کردن (کردن) Kerdən

نیشن (نشستن) niştən

هه‌لخړان (انگیختن، تحریک کردن)

haləxrānən

بزن (بزن) bezen

در مقایسه نوشته از راست با نوشته از چپ (لاتین)، دیده می‌شود که در نوشته لاتین هر جا کسره کوتاه وجود دارد حرف (e) آمده است به عبارت دیگر جای (e) در ترکیب حروف کردی در این کلمات خالی است و وقتی جای آن خالی است تلفظ کلمه ناقص می‌ماند.

حال یک‌یک واژه‌های بالا را بررسی می‌کنیم:

(کردن) را به سه صورت می‌توان خواند: (kerdn, kerdən, krden) آیا جز شکل

میانین، آن دو دیگر درست هستند؟ البته خیر.

همچنین است (بزن) که به سه صورت (bzen, bezn, bezen) خوانده می‌شود که

فقط آخرین آن درست است.

(نیشن)، این کلمه در شکل کنونی چنین خوانده می‌شود (niştən). حال آنکه

می‌دانیم که در فاصله (ت) و (ن) کسره کوتاهی وجود دارد که باید نوشته شود.

حذف آن ارتباط (ت) و (ن) را مانند اجرای (ش) و (ت) به هم وصل می‌کند. در

حقیقت برای یک نوآموز اعم از اینکه خارجی باشد یا کودک تازه به مدرسه رفته

دشوار است که مصدر نشستن را (nişteten) یا (niştən) یا (niştetn) تلفظ کند.

در مورد «هه لَخِرَّانَن» کار مشکلتر است چون در این واژه سه حرف ایستا و ساکن به هم چسبیده‌اند، در این صورت بیان و نوشتن کلمه دشوارتر خواهد شد. نوآموز نمی‌داند (haləxṛānen یا haləxerānen یا haləxṛānn یا haləxerānn یا haləxṛānn یا haləxerānn یا haləxṛānen یا haləxerānen) تلفظ کند و بنویسد.

وقتی این مسئله را با یکی دو نفر از دوستان در میان نهادم یکی از آنان که اصلاً منکر وجود چنین کسره‌ای شد که البته کاری با ایشان نداریم. دومی و سومی گفتند که مشکلی در خواندن و نوشتن ندارند، حتی یکی از آنها کلمه (بزن)-را روی کاغذ نوشت و از فرزندش خواست که آن را بخواند و او هم به روانی خواند، اما موضوع چنین نیست. هیچ آدم باسوادی واژه استهزاء را (عصطحظاع) نمی‌نویسد و نمی‌خواند یا اصطبل را (عستبل) نمی‌نویسد. اما یادگرفتن آن برای بچه‌ها سخت و برای خارجیان تقریباً غیرممکن است و همچنان که گفته شد دشواری زبان فارسی در نوشتار است نه در گفتار که هم شیرین است و هم روان. پیشنهاد می‌کنم:

به جای دو صدای «ی» سه صدا و سه شکل در نظر گرفته شود، به این ترتیب:

کسره کوتاه	«ی» کشیده	ی
ی	یَ	ی
پَ	پَیَ	پ
کیردین	شیرَ	شیر
بیزین	فیرَ	شیرین
نیشین	میمیلَ	دیلماج
هه لَخِرَّانین	پیش میژَ	په تی
پیرَ	لَیْقَ	پیر
لیکاندین	لَیْوَارَ	زیوه

اگر چنین کنیم اشتباهی در خواندن روی نمی‌دهد و مسئله تشدید هم خودبه‌خود حل خواهد شد، زیرا وقتی که یک حرف تکرار شود یعنی تشدید و اگر



تشدید نباشد باید در فاصله آنها «ی - یه» یا کسره کوتاه حضور داشته باشد.

حروف ویژه کردی شمال

پ - چ - ص - ط - گ

حروف بالا در سه گروه دسته بندی می شوند:

- ۱- کلمات و واژه هایی که در آنها حروف فوق وجود دارند و اختلاف آنها با واژه مشابه در زبان کردی جنوب فقط در همین یک حرف است، چنانکه مثلاً اگر به جای (گ)، (ک) یا (گ) به کار برده شود تغییری در معنای واژه پدید نمی آید.

چهم = چه م

پهز = په ز

پهنیر = په نیر

نمونه:

گهو = که و

صوور = سوور

صال = سال

- ۲- کلمات و واژه هایی که مانند دسته اول هستند، اما اگر آوای آنها (حروف ویژه) تغییر کند معنای کلمه در داخل زبان کردی شمال تغییر می یابد.

نمونه: (گیلان) برابر است با واژه (کیلان) در زبان کردی جنوب و معنای آن شخم زدن است، اما (گیلان) در کردی شمال معنای جنباندن و تکان دادن مشک را می دهد.

- ۳- کلمات و واژه هایی هستند که با آوا و شکل خود در زبان کردی جنوب معنا و مفهوم ندارند و اگر تغییر آوا یابند در زبان کردی شمال نیز تغییر معنا می دهند یا بی معنا می شوند.

گۆور (بز پیشرو گله)

کوور (عمیق)

نمونه:

گۆتی (دندان زده، خراشیده)

کوۆتی (پست، زشت)

حال به بررسی شکل و آوای این حروف می پردازیم:

پ: حرفی است که با چسباندن لب بالا و پایین و گشودن سریع آن هنگام اجرا ادا می شود و آوایی بین (ب) و (پ) دارد. تعداد زیادی از واژه ها و کلمات که در زبان فارسی و کردی با (ب) و (پ) اجرا می شوند، در زبان کردی شمال از این گونه آوا استفاده می شود. و تعداد زیادتری واژه وجود دارند که معنای

مستقل و شکل و آوای مستقل دارند و تغییر آوایی آنها را از معنی ساقط می‌کند.

پاتک (لباس کهنه و بی‌ارزش)      پاتک (پشت گردن)

نمونه:

پئی (پا)      پئی (به وسیله، با)

پانی (پهنا)      پانی (پاشنه)

چ: آوای این حرف که از چسباندن قسمت قدامی زبان به جلو سقف دهان و لغزاندن اندک آن حاصل می‌شود، بین (ج) و (چ) می‌باشد. شکل و آوای این حرف نیز مانند (پ) باید در الفبای کردی آورده شود، زیرا اجرای درست و نادرست آوای آن معانی مختلفی به کلمات می‌دهد.

چال (گوسفند پیشانی سفید)      چال (چاه)

نمونه:

چِر (صدای پاره شدن پارچه)      چِر (جیر، سفت)

چِیِر (چپ چشم، احول)      چِیِر (چرا، تعلیف)

ص: مانند (ص) عربی با نزدیک کردن ابتدای زبان به سقف دهان و گذردادن هوا در فاصله آن آوای (ص) به وجود می‌آید.

سنگ (سینه)      سنگ (میخ طویلۀ چوبی)

نمونه:

سل (قهر)      صل (توده مدفوع انسان یا حیوان)

گ: با فشردن دو طرف قسمت میانی زبان به دو طرف سقف دهان و خالی گذاشتن وسط آن صدایی بین (ک) و (گ) حاصل می‌آید که با شکل (گ) نمایش داده شده است. معانی مختلف در پاره‌ای از واژه‌های کردی شمال بستگی به اجرای درست آن دارد.

کیّو (چاقو)

گیّو (لایق، شایسته)

نمونه:

کیّ (چه کسی؟)

گیّ (حرف ندا برای مؤنث)

کهل (گرم، داغ)

گهل (قلعه)

پس اگر قرار باشد که الفبایی یکنواخت برای زبان کردی در نظر گرفته شود باید پنج حرف ذکرشده را نیز به جمع حروف الفبا افزود و در نتیجه الفبای کامل و یکنواخت زبان کردی دارای ۳۳ شکل و ۴۲ آوا می‌باشد.

با سپاس از آقای سیدجلال‌الدین نظامی کورانه که در تهیه قسمت کردی شمال این مقدمه همکاری فرموده‌اند.

مؤلف





آ : نا.

آ : به لّی، نه ری.

آئینه : ا. ناوینه، نایینه، جام. هوّدی،

نهینووک (ش).

آب : ا. ناو، ناوی (ه). ئاف (ش).

آباد : نه زدا، نابا، باب و با بیر. باوان ،

باوا و بایر. کال و باف (ش).

آباد : ص. ناوا، ناباد، دایر، ناوه دان،

ناوان، به ریا. ئافا، ئادان (ش).

آبادان : ص مبر. ئاوا، ئاوه دان.

ئافاهین (ش).

آبادانی : ح مص. ا. نابادانی، ناوانی،

نابادی، ئاوه دانی. ئافاهی،

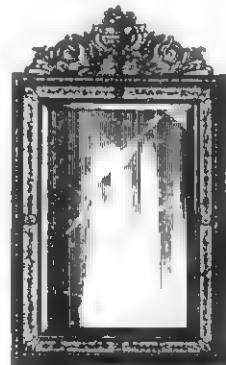
ئافه دانی (س).

آبادی : ح مص. ا. نابادی، دئی، ناوایی،

لادی، ئاوه دانی، ناوانی. لاده گا،

ده گا (ه). گوند، ئافاهی، نادانی

(س).



آبان (ماه) : وهران، گه لاریزان.  
 آب انبار : امر. هه ماراو، هه ساری،  
 حررز. نافه عه تباری (ش).  
 آب افداختن : م. ناو خسن، ناودان.  
 آب باران : امر. باراناو.  
 آب باز : امر. افا. مه له وان، ناو باز.  
 نافزن، مه له فان، نو به ربه (ش).  
 آب بیدی : ح مه. ناو به نی، ناو  
 به ندی. ناو به سی (ه).  
 آب بیسی : امر. ناو لووت، حلم. کم،  
 کلمیش، کلمیج (س).  
 آب بیسی حشک شده : چلمه ره مه،  
 که مبله، ره قبله. حشک (س).  
 آب باش : امر. ناو ناس، ناو یررن.



آب چکان : امر. ناو جک.  
 آب چلو : امر. ناو حلاو، ناو بلاو.  
 آب چین : افا. امر. ناو هه لچن.  
 آب خوردن : م. ناو خواردن، ناو  
 خواردنه وه. ناوی واردهی (ه).  
 آب خوری : امر. لیوان، ناو خو هری،  
 گوزه له، ترار، گلیمه. ناو وهری  
 (ه). نفاق، ته رار، جهیه، گیلان،  
 گوسک، په رداخ (ش).  
 آب خیز : امر. ناو خیزه، ناو هزا.  
 نافزی (ش).  
 آب دادن<sup>۱</sup> : م. ناودان، ناو دتران،  
 ناو هه ل کردن. ناو وهیره، ناو وهره  
 وهی، ناو ور که ردهی، ناو  
 آب پاشیدن : م. ناو پز آمدن، ناو لی  
 کردن، ناو براس، ناو بررتن، ناو  
 نسان، ناو بررتن کردن. ناو برگای  
 (ه). ره قتاندن (ش).

- وسته بره، ناو قور کهردهی (ه).  
 آب دادن<sup>۱</sup> : ناودانهوه.  
 آب دادن<sup>۲</sup> : داناو دان، داناو دای (ه).  
 آب داده : امف، دهواب، ناودریا،  
 چهوهر دار، دهان، زاخدار.  
 آبدار<sup>۳</sup> : افا، ناودار، ناوار.  
 آبدار<sup>۴</sup> : افا، ناودار، جابجی،  
 فاوهچی، جاجی.  
 آبدارخانه : امر، ناوارخانه، فاوهخانه،  
 کونه لان، چانخانه، ناودارخانه.  
 آبدان : امر، تیزانگ، گمیزدان، یزدان،  
 میزلدان، مربهمانی، یزلی (ه).  
 برزانگ، بفلک (ش).  
 آب درهاون کوبیدن : ناو له دنگا  
 کوبان.  
 آبدزدک<sup>۵</sup> : امر، ناو دزهک، هه بره  
 بکن، هه بره کس، هه بره حکتی.  
 آبدزدک<sup>۶</sup> : امر، هه سته بره، هو له،  
 هوو له، هه سته بره، جوو بیک.  
 سک (س).  
 آب دزدیدن زحم : ناوحز کردن، ناو  
 دزی، بیاوی بوون، ناف دزین (س).  
 آبدوغ : امر، دؤ، ماساوه، ناو و دؤ،  
 چه له ماس.  
 آندوغ حیار : امر، دوغورمه، ناو دؤ

کند.

۵. بطره چکان.

۶. جانوری از دسه راسب بالان، رده

حسرات و از شاخه نندیاپان.

۱. آب دادن ضمیر.

۲. آب دادن غلات به هنگام دانه کردن.

۳. هر چیزی که آب دارد.

۴. خدمتگزار که جای و نوشتابه فراهم

آبرو ریختن : م. ناو پروو پرتانسن.  
 ناوپروو متهی (ه). نافر وو هلدان (س).  
 آبرو مند : ص. مر. ناوپروو مهن، با  
 ناوپروو، ناوپروو مهن، ناوپروو دار.  
 آب ریختن : م. ناو رزاندن، ناو رزائن،  
 ناو پزگنای، ناو مجیای،  
 ناو متهی (ه).

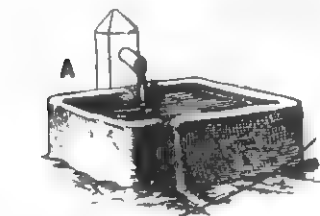
آبریز<sup>۱</sup> : امر. ناو ریز، مله گا، ناو ریز.  
 کیه (ه)، سول، نافریر (ش).  
 آبریز<sup>۲</sup> : امر. ناو ریزگا، مستراح،  
 عهده خانه، که ناراو، مه بال، مه وال.  
 آبزا : نک. آبخیز.

آب زیرگاه : ص. مر. ناو زیرکا، بوزه،  
 فتنه، ناو گرزیرکا، کوته بنه، پاکله،  
 کوته فتنه، دیدووک، کوته وهیوا، کوته  
 واوه بلا. ناو و جیر و سمره (ه).  
 سوفار (ش).

آبست : ص. ا. ناوه نیا، ناو پیر.  
 آبستن : ص. ا. ناوس، دو گیان، حامله،  
 زلپی، زه یسان. بهی گران، باردار،  
 سلک دار، ناو، له مه پی (ه).  
 نافس (ش).

آبستنی : ح. مه. ناوسی، زلپی،  
 زه یسانی. بهی گران، له مه پیری،  
 ناوری (ه).

آب سردگن : امر. ص. مر. ناو سارک .



۱. سرازیری که از آن آب به رودخانه

ریزد.

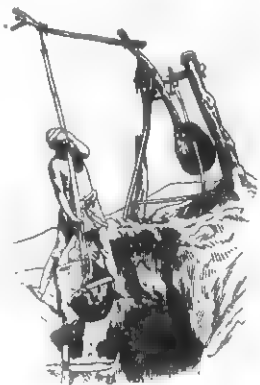
۲. مستراح، میرز.

۳. آب کردن یخ و روغن.

۴. آب کردن فلزات.



آب کشیدن : م. ناو کیسان، ناو کیسانن.  
 آنگند : ص. مر. گهناو، گهناکاو.  
 آنگوشت : امر. ناو گوشت، سوزبه،  
 گوساو  
 آنگوشت مرغ : فرو و جاو.  
 آنگیر : امر. ناو گیر، بهنداو، پیتاو،  
 برکه، نهستر، حالاو، ناو بهن، خزن،  
 گول، ههسن، نهسن، ناو بهگ،  
 هوز. ههساری، ماس (ه). گهر،  
 نافگر، ناف بهند (س).  
 آنگیر آسیا : بهوورهی ناساو. گوله  
 ناسا (ه).



آب کسیدن زحم : سک. آب دردیدن  
 زحم.  
 آب کم : امر. ص. مر. بهنگاو، کور او،  
 حور او.  
 آبکند : امر. ناودر، کهناو، جوم، ناو  
 دزک، سول (ش).  
 آبکی : ص. نسب. ناوه کی، نه په نو لکه،  
 نه په، تلپز، نه په تو و لکاوه، تلپس،  
 تو و تو و پکاوه، نه په. نرای (ه).  
 آبگاه : امر. کاول، لاکاول، کهله که،  
 خالیگه، خالیگا، بهنست، بووه گا،  
 پالوو، هالیگا، لالوو، غالیگا، نه فی،  
 کور نه کهله که.  
 آبگردان : امر. ناو گهردان.  
 جهرحه بوو، که و جیز (ه). نرار (ش).  
 آب گرفتن : م. ناو گرن، گووشانن،  
 چه لائن، ناو چنین، گووشاندن.  
 سواری (ه).  
 آب گرم : امر. ص. ناو گهرم.  
 آنگیری : ح. مصد. ناو گیری.  
 آنگیه : سیه، سووسه، حام. نافگه.  
 آب لیمو : ص. مر. دژله مه.  
 وسارنای (ه).  
 آبله : ا. ناوله، ههوله، هاوله. هه لوی  
 (ه). خروبلکه، خوریک (س).  
 آبلهرو : ص. مر. ههوله پروو، هاوله پروو.  
 روس، فور (س).  
 آبله فرنگی : امر. ناگره. نایره (ه).  
 ناهه سکا (س).  
 آبله کوب : ص. مر. هاوله کوب. ههوله  
 کوب. هه لوی کو (ه). خوریک  
 کوب (س).  
 آبله کوبیدن : م. هاوله کوبانن، هاوله  
 کوبان. هه لوی کوبای (ه). خوریک  
 کوبان (س).  
 آبله مرغان : امر. دریلله.  
 حوریک (س).  
 آب لیمو : امر. ناو لیمو.



آبگردان

- آب مروارید : امر. ناومروار، ره‌شاو،  
ناومرواری.
- آب نبات : امر. ناونه‌وات، ناو دونان ،  
ناونه‌بات، که‌شکه‌په‌قه.
- آب ندیده : ص. مر. ناو نه‌دیده.
- آب نما : امر. ناونما، حه‌وز.
- آب نمک : امر. ناوخوا، خوئی‌ناو.
- آبنوس : ا. شیرمایی، ناوه‌نوس.
- آب‌پورز : نک. آب باز.
- آب و تاب : امر. ناو و تاو.
- آب و رنگ : امر. ناو و په‌نگ.
- آب و هوا : ناو و ه‌وا.
- آبی<sup>۱</sup> : ص. نسب. ناوی، کزله‌وس،  
ناویه، به‌راو، وه‌راو، ته‌په‌کال.  
نامی (ش).
- آبی<sup>۲</sup> : ا. شین، ناوی، ناسمانی، که‌وه،  
که‌وگ، که‌وله.
- آبیبار : ص. مر. ناودیر، ناویار، ناودار،  
شه‌دیر.
- آبیاری : ح. مصد. ناویاری، ناو دیری،  
ناوداری.
- آبیاری کردن : نک. آب دادن.
- آت و آشفال : نات و ناشفال، زی و  
زویل.
- آتش : ا. ناگر. نامرء ناویر، ناهیر،  
نهر، ناهش، نار، ناپهر (ه).
- آتش انداختن : م. ناگر به‌ردان،  
ناگرنی به‌ردان. ناویر وه‌دی، نهر
- فسینه (ه). ناگره‌اتین (ش).  
آتش بازی : ح. مصد. گم‌گیران، ناگر  
بازی، چوکه‌چزی، ناگره‌کلی.  
ناویر بازی، نهر بازی،  
نهره‌کلی (ه).
- آتش بس : امر. ناگر بهس.
- آتش به جان افتادن : ناگر که‌فته گیان.  
ناویر به گیان که‌وته‌یره،  
ناگر به‌یری تی (ه).
- آتش‌پاره : ص. مر. ناگرپاره.
- آتش پرست : افا. ناهش په‌رس، ناویر  
په‌رس، ناگر په‌رست. خارسک .  
ناگر په‌رس، گاور، ه‌لا، گهور. نهر  
بریس (ه). گهر (ش).
- آتش پرستی : ح. مصد. ناگر په‌رسی.  
ناویر په‌رسی، نهر بریسانی (ه).
- آتشخانه : امر. ناهش‌خان، تیون،  
ناویرگا. نهرگا، مخه‌یری (ه).
- آتشدان : امر. ناگردان، نوون، نوجاخ،  
ناوون، به‌رده‌سیل، هوولکه، کوانگ.  
نارگا، منگه‌لیه، مخه‌یری (ه).
- آتش در افتادن : م. ناگرنی به‌ر بوون.
- آتش روشن کردن : م. ناگرروشن  
کردن، ناگرداگرسانن، ناگر  
کردنه‌وه، داگر سانن، ناگر نانه‌وه،  
ناگر ه‌لکردن. نهر گبسانیه (ه).
- آتش زدن : م. ناگر دان، سووزانن،  
ناگر به‌ردان، ناگر تی به‌ردان،

سووتان، گیدان، داگران، سووزان.	نالۆر.
ناویردای، نهیردای (ه)، پان (ش).	آشین : نک . آسی.
آتش زنه : امر. چه خماخ. هسته، نهستی، چه خماق (س).	آنی، آتییه : نایه نه، لییره ولا، هاسی، له مهوسا، له مهو دووا. چیو دمای، چیو ولای (ه). پانیۆکه (س).
آتش سوزی : ح مص. ناگر گرتن، ناگر نئی چوون. ناویر گرتای، نهیر گرتهی، ناگر بهریه (ه).	آج : ا. ناژ، گرنج، دندک.
آتشفشان : افا، امر. ناگر بار، ناگر باران.	آجان : ا. نازان، پلیس، پاسهوان.
آتشک : امر. ناگره، ناته شک، کوف. ناویره، نهیره (ه).	آجدار : ص فا. ناژدار، گرنج گرنج، گرنال، گرنۆر، گرنی، گرنۆز.
آتشکده : امر. ناته شکده، ناته شگا. نارگا، ناویر گا (ه).	آجر : ا. ناچۆر. باکف <sup>۱</sup> ، که لیک، کولیک (ش).
آتشگاه : امر. قوولکه، ناته شگا، نارگا. نهیر گا، ناویر گا (ه). فانون (ش).	آجرپز : ص شفل. کووره گهر، کووره پز. که لیچ جی کهر (ش).
آتش گردان : امر. تاوله مه، ناگر گه شو کهره.	آجرپزی : ح مص. کووره گران، کووره بهزی.
آتش گرفتن : م. ناگر گرتن، سوون، سووزیان، گوپ گرتن، ناگر تی بهر بوون، ناگر تی چوون، گر گرتن، گرپه نن. ناویر گرتهی، نهیر گرتهی، گرپنای (ه).	آجر فرش : امر. ناچۆر فرش.
آتشگیره : امر. پیفک، پووشو، قار، پووشی. یفی، یفه (ه).	آجیده : نک . آجدار.
آتش نشان : افا. ناگر کوزین.	آجیل : ا. شهوچهره، شهوچهرزه، ناجیل، چورو، دهم چورو، گوپزه وانه، گوپزه بانه، گوپزه بانه.
آتش نشاندن : م. ناگر کوزاندنه وه.	آجیل خوری : امر. ناجیل خوه ری.
آتشی : ص نسب. ناته شی، ناگرین. ناویرین، نارگون، بهرب، سووره،	آجیل فروش : افا. ناجیل فروش.
	آچار : ا. ناچار، کتیل.
	آخ : ص ست. ناخ، وهی، نای، نوخ، نهپۆ، نووخ، ناخ و دووخان، ههپۆ. گهلو (ش).
	آخال : نک . آشغال.

- آخر ۱: ص. ناخر، نيتړ.  
آخر ۲: دووايی، دمايی، دما، دماچار، ياش، ناکام، سهره نجام، بيايان، هره، عافيت، دوومای، دوواچار.  
آخر: نک. آخوړ.  
آخرت: ۱. ناخرم، نهو دنيا، چهوه دنيا، عافيت، قيام.  
آخرسر: امر. ناخرسهر، ناخر، دماچار، سهره نجام، ناخرچار.  
آخرين: ص. ۱. ناخرين، پيرگين، قره، دوواگين، ناخرمين. دمايين (ه). ناشين (ش).  
آخوړ: ۱. ناخوړ. ناوهر (ه). نافر، هافر (ش).  
آخوند: ص. ۱. ناخوون، مهلا، مهلا، ماوړا.  
آخيه: ۱. ناخيه، ميخ ناخوړ، سنگ (ش).  
آدرس: ۱. نشانی، نادرص، ناوښتان.  
آدرمه: ۱. نهرمه زبې، ناسرمه، نهمه دزين، بن زين، ته که لتو.  
آدم ۲: ۱. به شمر، ئينسان، عينان، مروق، ناديم، بهنی ناديم.  
آدم ۴: ۱. بابا عه مره، باوه عه مره، کورته بالا، کورته بنه، کورته له، باوه
- قورمت، سمه خرته، کورته له، وردپکله، گن، کورت، کورته (ش).  
آدم ۵: کوله پې، کوټاله.  
آدم ۶: خرته له، خرته له، خرته، کورتم، کورتمه.  
آدم ۷: نوکمر، پيا، پياگ، خو لام. خودام (ش).  
آدم خوار: اف. ناديم خوړ، مروق خوړ، بنام خوړ.  
آدمک: امصف. دالهو، داهول، دالو، هلامت، سهره خهر. قه لوك (ش).  
آدمی: ص. نسب، ۱. ناده می، غينسانی، مروقی.  
آدميزاد: ص. مر. ناده ميزاد، ناديم، مروق، عينان، به شمر، ئينسان، بنيادهم.  
آفرخشی: امر. پرووسکه، پرووسکه تيژک، برووسی، چه خماخه.  
آفرماه: امر. نازره، گاښوې، ساران، سهرماوه، هوسار، حوسار.  
آذوقه: ۱. تفاق، رزق، نازووخه، نازووه.  
آراستگی: ح. مصد. ناراسته یی.  
آراستن: م. دق دان، رازاننوه، رازاندن، رازانن، به دق کردن، زهریف کردن، ناراسته کردن.

۵. آدم کوتاه قد عضلانی.

۶. آدم کوتاه قد شکم بزرگ.

۷. نوکر و خدمتکار.

۱. در: «آخر به تو چه بگویم؟».

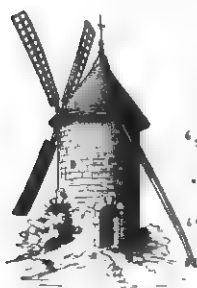
۲. سرانجام، ۳. انسان.

۴. آدم کوتاه قد.

ونارای، رازیای، دق دای، رازنای،  
 ومش کرده ی (ه). خم ملاندن (ش).  
 آراسته : امف. به دق، رازیاو، رازیگ،  
 ناراسته. خم ملیو (ش).  
 آرام : ص. ق. نارام، یه واش، نه رم،  
 لهم، نه سپایی، ورینگ، کره، ثوقره،  
 سه رووختی، ره حمت، وه قره، ستار،  
 سه قام، سه رخو، مدن، پاچرکی،  
 هیمن، هاستم، نه هوون، خنه خن،  
 پاچرکی، بی چرکه، بی چرکه،  
 سه روت، سه رافت، هاستم،  
 کاوه خو. هیدی، ته وات (ش).  
 آرامش : امص. نارامش، ورینگ،  
 نیمنی، هیونی، نوقره، ناسایش،  
 توتکه، سونگه، سه قام. سیه نو،  
 رامان (ه).  
 آرام شدن : م. ورینگ گرتن، نوقره  
 گرتن، وه قره گرتن، سه قام گرتن،  
 دامرکیان، نارام گرتن، نارام بوون،  
 داسره فتن، من بوون، تاقعت گرتن،  
 داکاسیان، هیمن بوون، ژیره بوون،  
 نه هوو نهو بوون، هیون بوون، تونکه  
 خواردن، بمن بوون، ستار گرتن،  
 سه قام گرتن، بی چرکه بوون، ویسان،  
 سه رفتن، سه روین، داسره وین. نارام  
 گرتی، نه ره مرده ی، سه روتی،  
 مدرای (ه). لهم بین، گر بین، ره حمت  
 بین (ش).  
 آرامگاه : امر. نارامگاه، گو، قه ور،  
 زیاره تان، قه بر، ستارگا، مهرزل،  
 زیارته، خلك، گلکو. قرب (ش).  
 آرام گرفتن : نك. آرام شدن.  
 آرایش : امص. نارایش، نارایشته،  
 به زك، دق، لاولووسه. رازنایوه،  
 رازناوه ی (ه). خم ملین (ش).  
 آرایشگاه : امر. نارایشگا، سه لمانی،  
 آرد : ا. نارد، پهینکه <sup>۱</sup>. ناردی، هاردی  
 (ه). زیراف، نار (ش).  
 آردبیز : نك. الك.  
 آرد شده : ص. منف. هاریاگ، هاریا.  
 هیرای (ه).  
 آردوله، آرتوله : نارد و پوون، قیساخ،  
 نارد هوا، لولکه، ژاژ پوون (ش).  
 آرزو : ا. نه لها، ناره زوو، عاره زوو،  
 نازری، ته صاع خواز، نوات،  
 خوازگه، تاسوخ، خازی، تارسه،  
 ناله، که لکه له، تاسه، خوازه،  
 عه زرت، قلوفا، ته ما، خوازه. گزوفت،  
 وه شتی (ه). قین (ش).  
 آرزومند : ص. مر. ناره زوومه ند،  
 عاره زوومه ند، ناره زووخاز، گرنگ،  
 ناره زوومه ند، تاسه من، ناوانه خواز،  
 تامازو، ته مدار. ناوانه واز (ه).  
 آرمیدن : م. پال دانه وه. یالو دای (ه).

۱ - آردی که چانه خمیر روی آن باز  
 کنند.

- آرنج : ۱. نانيسك، فنگانيسك، نانيسك. بیره زنه، هره زنه (ه). لاساخ (ش).  
آرواره : ۱. هاروو، چناکه، نارواره شویله (ش).  
آروغ : ۱. فورقینه، فورپ، قورپینه، قولینه. بری، برک (ش).  
آروغ زدن : م. فورقینه لی دان. فورپینه دای (ه). بری لیدان، برک دان (س).  
آری : ۱. اثبات. ناء باء نم، به لئی، نه ها، نه ری. نه دی (ه). لئی (س).  
آز : ۱. هماء، هماء، ناز. سهره جو، نازا، هره زه، ناراد، رهف، وتل، هره لا، سهرارا، سهریس. به وی ریو (ه). نه واپ (س).  
آزادنه : م. سهره ستانه، نازادانه. آزاد شدن : م. نازا بوون، به ره لا بوون، سهره خو بوون، ویل بوون، بهر بوون. ره ها بوون. نازا بیه، به ره لا بیه، وتل بیه (ه). هرسین، نازا بین، قیل بین، به ره لا بین (ش).  
آزاد کردن : م. نازا کردن، به ره زه کردن، ره ها کردن، به ره لا کردن، بهردان، ویل کردن، سهره ست کردن. وهردای (ه)، هرساندن (س).  
آزادکرد : م. نازا، جووانمهرد، ییگ، ییاء، نازاد.  
آزاده : م. نازاده، جوامیر، به خو زیو، سهرازا، نه دن، شامیوز، سهر به خو.  
آزادی : ح. مصد. سهره سسی، نازادی، سهر به خوئی.
- آزادیخواه : افا. نازادخوا، نازادیخواز، نازادینا.  
آزار : ۱. نازار، جه زره وه، عه زیمت، ناخوه شی، سزا، جه زره به، نه مه ره. ناوه سی (ه).  
آزار کردن : م. نازار کردن، عه زیمت کردن، عه زیمه دان، جه زره وه دان، نازار دان.  
آزوده : امف. رهنجبا، رهنجباگ، نازورده، نالوز.  
آزگار : ق. نازگار، روچار.  
آزمایشی : امف. ناسی، بهراوه رده، نازماس، لیمنتحان، نه جره به. جهره به (س).  
آزمایشت : نک. آزمایش.  
آزموده : امف. بافی کراو، شاره زا، آزدان : نک. آجان.  
آزنگ : م. نازنگ، نال، نه تلح. آس : ۱. ناس.  
آسا : م. وک، چماء، مانه، ناسا، ناسایی، گونه. بیسه (ه). هک (ش).  
آسان : م. ی. ناسان، ره حمت، سانا، سه ماهی (س).  
آسایش : امف. ناسایی، ناسایتب، وه ره، نوفره، ستار، ره حه سی، فره حانی، نارامش. سیایوه (ه).  
آسایشگاه : امر. ناسایتگا، حه سته خانه. زیدا، جاخ (ش).  
آستان : ۱. ته کیه، ناسانه، ناستانه، کهوش کهن، پاگا، شیلک، بهردرگا،



آسیاب

آسیا : ۱. کاکيله.

آسیاب : ۱. آسیاو، ناش. ناساو (ه).

آسیاب استاد : نک. آسیابان.

آسیابان : امر. ناشهوان، باراش هار،

ناسیاوان. ناساوان (ه). ناشهوان (ش).

آسیابانه : امر. ناسیاوانه، مزه‌ی ناشه،

مزه ناساو.

آسیاب دستی : امر. هاره، گرک،

گیرومه، ده ستار.

آسیاب کردن : م. هارین. ناساو هارای

(ه). هیران، په لچفاندن (ش).

آسیب : ۱. ناسیب، فورت، ناسیو،

نه وهره، زهره، نارحه تی، سامه،

سه دهه، گه زهن.

آش : ۱. حبس، ناس، برنوله، جاسب،

نیسک و پروتش، دانه کولانه،

ساروین<sup>۵</sup>، شوباو، شیو، پاپوکلله<sup>۶</sup>.

چاشنی (ه). گرار (ش).

آشاپ : نک. آب چلو.

آشام : نک. آب چلو.

آشامیدن : م. خواردنه وه، خواردن،

خارن، نوشین، همل فویرانن، همل

لووشانن. ناسمای، هورلووسای،

ور قویرنای (ه). قنه خارن،

فخواردن (ش).

زیر بهران، ناستان. ناسانو و بهری،

چیر و بهری (ه). ده رازینک (ش).

آستانه : نک. آستان.

آستر : ۱. ناسه، ناسته، زه غه ره<sup>۱</sup>.

به نانه (ه).

آستین : ۱. ناسین، بال، قول، مل.

آستین بالا زدن : م. قول هه لکردن، قول

لی هه لمالین. قول هور که رده ی،

ملی هه لدان، قول مالا نه وه (ه).

آستین جافی : سوراسی، مو حکه

سورانی، له هندی (س).

آسمان : ۱. ناسمان، عاسمان.

آسمان جل : ص. مسر. لای، رووب،

ناسمان حل.

آسمان ریسمان : امر. ریس و گورتس،

ناسمان و ریسمان.

آسمان صاف : ص. مسر. سای، ساء،

سابه. ساهی (س).

آسمان غربیه : امر. هه وره برتسه.

آسمانی<sup>۲</sup> : ص. سیه. ناسمانی، عاسمانی.

آسمانی : نک. آبی<sup>۲</sup>.

آسودگی : ح. مص. ناسووده یی، دل

نیایی، ناسایس، نارامس.

آسوده : ص. امف. ناسووده، دل بیا،

ره حه ب.

۵ - آش بلغور.

۶ - آش ویژه بجه ها موفعی که با

می گیرند.

۱ - آستر کلاه.

۲ - مربوط به آسمان.

۳ - آتش تند شبیه آتش اوماج.

۴ - آشی شبیه عدسی.

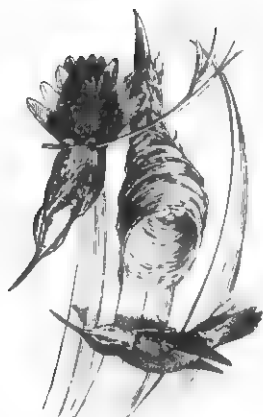
آشپز : اف.ا. ناسپهز، ناسجی، چاسب	به شوکیان، سراسیمه بوون، په شیو
کهر، چیسب لینه. رزی	بوون، زلیویان. شیوی، شلهزان (ه).
چی کهر (س).	گه میاندن (ش).
آشپزخانه : امر. ناشیزخانه، حشخانه،	آشفته : امف. شیویاگ، ناشفته، شیویا،
سهره بور، خانی، بس کو سک.	په سوکیا، سراسیمه، په سوکیاگ،
بارگوحاسی (ه).	سهرتو، په سوکاو، په سیتو، پهل
آشتی : ا، ح مصد. ناشی، بیک، سازش.	بسیاگ، سهرشیت، شیوا، گه وشهک،
آشتی دادن : م. ناشنی دال. بیک	شله ریو.
دان (س).	آشفته هو : ص مر. گزنه، قزنه، دژیا،
آشتی کردن : م. ناسنی کردن.	گزر.
بیک هاس (س).	آشکار : ص. دیار، ناسکار، نافتاوی،
آش خوری : امر. ناس خوری.	ناسکرا، نهبا، روس، روون، عهله نی.
آش دوغ : امر. دوخوا، دوخاف (س).	کمس (س).
آش رشته : امر. ناس رشته.	آشکار شدن : م. ناسکرا بوون،
آشمره : ا. ناسمره.	دهر که فن، دهر که وسن، دهر که نن،
آشغال : ا. زی و زویل، دهغه له،	دیار بوون، دیاری دان.
ناسخال، پاژینه <sup>۱</sup> ، ناسفال، نه سخال،	که وهی چه بهر (ه). ناسکهر بین،
شخال، خاک و خول، شه خله، بووش	فیفرین (ش).
و بلاش، خاشال، زبل، زویل، زواله.	آشکار کردن : م. ناسکار کردن،
کرس (ش).	ناسکرا کردن، دهر برین، دهر خستن،
آشغالدان : امر. ناشغالدان، زبلدان،	بروز دان، دیار که ردی (ه).
شه خه لدان، زبلگه، ناسخالدان.	آش هاست : امر. ناش ماس.
چهی کرس (س).	گهرماف (ش).
آشگی : ح مصد. ناراوله، به سوکه،	آشنا <sup>۲</sup> : ص. ناشنا، بهله، شارهزا، زانا،
بیتوه، بستوه، بهله ییکی، رلیوه،	ریزان.
هراره.	آشنا <sup>۳</sup> : ص. ناشنا، نه زماس، شناس،
آسفس : م. سومان، به سوکان،	نیاس، ناشناس، ناشنا و روشنا،

۱- دانه و آشغال مانده بعد از جو جاری  
که حلو مرند گال ریخته می شود.

۲- بهله، آشنا به محل، آگاه.

۳- آشنا، شناس، در برابر بیگانه.





آشيان

سهره. وهره (ه).

آغز : ۱. فرو، لور، رمل، زيچ، كهله،

ناعوز. زاك (س).

آغشتن : نك. آلودن.

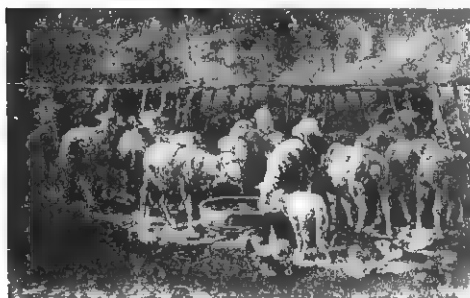
آغل : ۱. گهور، مهر، نوتله، ناغول،

همل، پهچه، گهله خان، پهچهران،

ناغمل، كورو زمانه، كوزمانه،

گهله لان، كهنه لان. گرنگه،

بگوف، گوهر (ش).



آغوس ۱۰ بوس، نه حمل، من.

س نهس. سگ واوه سی (ه).

ديلاز، زه غل.

آشنایی : ح معد. ناشایی، ناشناسی،

ناشابه تی، نیاسی.

آشنا شدن : م. ناشنا بوون، تی

گه بیتن، پی داهانن، نی گه هیتن،

چاو گردنوه، راهانن. نیاس بین (ش).

آشوب : ۱. ناشوب، په سیوه، حله لا،

نخلال، ناشو، نازاوله، شری و شور،

فهره نه، بستوه، حورمه.

آشوب طلب : اف. سهراسو،

سهره گو بهن، نخلال کر، سهره

گحل.

آشوب کردن : م. ناشو کردن، ناراوله

کردن، نخلال کردن، بستوه کردن،

حله لا کردن، گردس ناهوه.

آشوبگر : ص فا. ناشوبگر، کوله نه،

باکل، وهینوومه، نخلال گتیران،

بستونه، کوله وه بوا، کوله واوه بلا،

باکله، فته، ناشوب گتیر، نه سوومه،

چو کله سکتین، خومه سبونه، شوفار،

کوله وه بیاب، گتیره سبوسن.

ناگروک (س).

آش و لاش : ص مر. ناش و لاش.

آشيان : ۱. ناسانه، هلاه، لانه، کولانه،

نیلسان، کولان، لان، لان. هیلانی،

لیانی، نك (ه). هیلون (ش).

آشیانه : نك. آسیان.

آغا : ناعه، ناعا.

آغا بانو : ۱. ناعه بابوو.

آغاز : ۱. نه وهل، سهر، له بهرا، بهرگ،

- آغوش گرفتن : م. باوس گرس،  
 باوس بیا کرد، به مل گرس. واوس  
 کرده ی پورا، واوس گره ی (ه).  
 آفت : ا. نافه، به لا، ناسو.  
 آفتاب : ا. خوه، خوه ره ساو، وه،  
 حوه رپی، رور، نافاو، روجبار.  
 وه ره ناو (ه). سیاف، ساف (س).  
 آفتاب انداختن : هه ل حسن، دابه  
 روری. یانی (ه).  
 آفتاب پرست : افا. روجبار به رمس،  
 رور به رمس، روزگار به رمس، گوله  
 به رور.  
 آفتاب رو : ص مر. روو به حوه،  
 به رور، به ربه روجه، خوره زان.  
 رووه وهی (ه). به رمی روره (س).  
 آفتاب زدن : م. حوه هه ل هاسن،  
 روره بوول، حور کهوس. به رامای،  
 وه که ووه (ه). رور لیدان (س).  
 آفتاب زردی : امر. خوه راوا، حوه ره  
 زهره. نیواره، روراوا، وه ره زهره،  
 وه ره گا (ه). مه خرب، نیقاری (س).  
 آفتاب سوخته : ص مر. خوه رانگاز،  
 ناوه سوون.  
 آفتاب گردان<sup>۱</sup> : امر. روجبار به رمس،  
 روجبار پرپس، گوله به رور، ناقتاو  
 گهردان.  
 آفتاب گردان<sup>۲</sup> : ص مر. نافتاو
- گهردان، پالهوی، به رچاویله.  
 آفتاب گیر : افا. خوه ر گبر،  
 به ربه روجه، روجن، به رور، رورن،  
 شه باه. وه رگیر (ه).  
 آفتاب مهتاب : امر. ناسان جهوره؟  
 آفتابه : امر. نافاوه، مسینه، نافاهه،  
 مه سه.  
 آفتابی : نک. آسکار.  
 آفریدن : م. شاه ریده کرد، خهلی  
 کردن، دوروس کردن. حی کرن (س).  
 آفریده : امف. نافه ریده، مه حلو، دمس  
 و کار.  
 آفرین : ا. شاه رین، نافه رم، باره هه لا،  
 باریکه لا.  
 آقا : ص. ا. ناعا، ناعه.  
 آقایی : ح مص. ناعایی، ناغهی.  
 آکروبات : ا. داربازی، نه نا بازی.  
 آگاه : ص. زانا، ناگا، وربا، ناگادار،  
 حالی، بران، خوه دار، نه حه بهر،  
 سیور، ناگاه، ده گهر، دلباز، ریزان،  
 زه غل، ساره زا، هاگا، هاگادار (ه).  
 آگاهانیدن : م. ناگا کردن، وربا  
 کرده وه، راگه ماندن، بانگه واز،  
 بانگه واز، حه بهر کردن. باحه بهر  
 کردن، هاگا که رده ی، خه بهر  
 که رده ی، ناوبای (ه). حالی کرن، بی  
 وه راندن (س).  
 آگاهی : ح مص. ناگایی، هه وال،  
 خه بهر، ساره زایی، و سیاری. هاگایی  
 (ه).

۱- چکل آفتاب گردان.

۲- آفتاب گردان کلاه و غیره.

گه مار، بوارو، بیس، جهمل، بوزه،  
کسف، دروون.

آلودن : م. که سیف کردن، نالووده  
کردن، ملیان، بیس کردن، جهمل  
کردن. حرمایند (س).

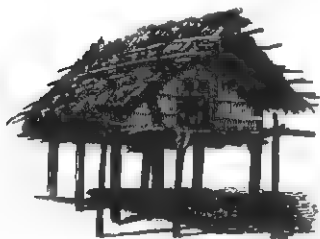
آلوده شدن : م. نالووده بوون، ملیان  
بیعو، جهمل بوون، ملیان. که سیف  
بهی، بیس بهی، ملیا بوه (ه).

آلوده کردن : نک. آلودن.

آلوزرد : امر. ههلوچه زهرده. حولی  
زرد، گهراس.

آلوسیام : امر. ههلوچه ره شه. ههلوچه  
سیاوی (ه). حولی رهش (ش).

آلونک : ا. کوریت، کوئیت، که پر،  
ههرزمل، نالوونهک. کزک (س).



آماده : امف. فومار، ییک، ساز، رتک،  
ناماده، فومراخ، که مهر بهسه، نه مار،  
حازر، بوراق، دومره کی، ره خه، ری  
که و بوو، بهرهم، فهرهم، ههس،  
ههئ، فوملاخ. نه کوز، بهر هف (ش).  
آماده برای جدال : دومره کی، زب،  
فومار، فبراخ.

آماده شدن : م. ساز بوون، ناماده  
بوون، گورجهو بوون، فومراخو

آل : نال، شهوه، نهختهک. شهوی (ه).  
نهک (ش).

آلاچیق : ا. سابات، که پر، ههرزمل،  
کوئیت، نالوونهک، ههرزال، نهروال،  
چهرداخ، ستاره، زنج، ههرزمل،  
فوتان، کالت، کولک، که وئل.

آلایش : امف. نالاس، نالاشت.

آلبالو : ا. بلالووک، نالوو، بالوو. برالوو،  
برالوی (ه).

آلت : نه ساو، حب، نه سات، سب،  
حو، نه سات، ناره بر.

آلت مادگی : ا. کوز، فوز، فوس،  
کوس.

آلت نری : ا. کتر.

آلو : ا. نالوو، گوسکه لوو، گوسهک.  
حولووک، حولی، حولجهک (س).



آلوچه : ا. گهوچه، ههلوچه، گزگجه،  
فازمانه، نهلووره، نالووجه. جهلووکه،  
گلاز (س).

آلوودگی : ح امف. نالاس، حنک،  
که سمی، نالوده بی، سی.

آلوده : ص. ملیا، نالووده، ملیاگ،

بوون، ری کهوین.

آموزشی : امص. نامورزش.

آماده کردن : م. ناماده کردن، حازر

آموزیدن : م. لی بووردن، بهخشین، لی بگردن.

کردن، هومراخو کردن، حاخ کردن،

آموزیده : امف. بهخشراو، لی

ساز کردن، بهبار کردن، سهروبه ند

بووردراو، نامورزیده، باسا کریاگ،

بهسن. خهیراند<sup>۱</sup> (س).

باسا، عههو کریا، بهخسیا، بهخیاگ.

آماس : ا. وهرهم، ناماس، ماس،

آموزیده شدن : م. نامرزبان، بهختیان.

وهرم، بیس، بهرحوب، بهنام، با،

آموختن : م. فیر کردن، ناموخیاری

حامبا، خیز. وا (ه).

کردن، ناموخیاری کردن، حالی

آماس کردن : م. ناماس کردن، با

کردن، موخیاری کردن، گوج کردن<sup>۲</sup>

هاوردن، ماس هاوردن، هل هانن،

نامراند

ماسان، با کردن، بههمین، بههمان،

آموخته : امف. ناموخته، گورو ،

بهنام هاوردن، هل ماسبان،

لی ، نهلی، فیر. که فی (ش).

هلماسین. فوسان ، ماس کهردهی،

آموزش : امص. ناموخیاری، موخیاری،

ماسان، موآمای، ناوسان، ماسای،

ناموزس، بالسم.

واکهردهی (ه). بهرحوب کردن،

آموزسگاه : امر. فاوخان، فوباخانه،

بهرحوبون، وهرمین (س).

مدرسه، ناموزسگا، فیرگه.

آمد : هات، نامهد، بهخت، نامهو، فبال،

آموزگار : ص. شعل. ماموآ، نوسا،

نگین، شانس.

موعلم، ناموورگار. شرب (ش).

آمد کردن : نک. آمدن<sup>۳</sup>.

آمیختن : م. ناویته کردن، تیکل کردن،

آمدن : م. هانن. نامان، نامای (ه).

شیوانس، فاسی کردن، شیوان،

آمدن<sup>۴</sup> : م. بیو هانن، بی کهفس.

بهبه کاداک، هاوتنه کردن، هامینه

کهوهیسه، یوه نامای (ه). خهر

کهردهی (ه).

بیی (ش).

آمیخته : امف. ناوتنه، تیکل، فاسی،

آمد و شد : نام و سو، نامه شو، نامهد و

تیکلاو، سهجو. هامبه (ه).

سود، هاب و جوو، هانن و حوون،

آمیزش : امص. ناوتنهیی، تیکهلی،

راوتیکه، جرب و فرب ، جریبا

نامیرس، تیکلهف (س).

ناما و لوای (ه).

۳ - آموزش دادن بجه سری حوردن

اولن غذا را.

۱ - آماده کردن زمین برای زراع.

۲ - آمد کردن، ساسی آوردن.

آواره شدن : م. ناواره بوون، بوونا  
بوون، نه فره و بوونا بوون. دهر به دهر  
بهی (ه).

آواره کردن : م. ناواره کردن، دهر  
به دهر کردن، نه فره و بوونا کردن،  
وه لایان کردن.

آواز : ا. گورانی، آواز، دهنگ، ساز،  
حوت حی، دبلانی، بوی بوی، دوور  
چی، پوی بوی، بانگ، سدا، موره،  
موره (ه). لاره، ستران (ش).

آواز خوان : افا. ناوازه خوتن،  
گورانی چی، گورانی بیژ، دهنگ  
بیژ، گورانی واج (ه). شایه ر،  
لازه بیژ. ستران بیژ، سترانقا (ش).

آواز خواندن : م. گورانی چرین،  
گورانی وسن، ناواز خوهندن. گورانی  
واته (ه). لازه گووتن (ش).

آوازه : ا. ناو، ناوازه، شورمت، نیو.  
نیف (ش).

آوردن : م. هاوردن، هینان، نانیس.  
ناردن، ناردهی (ه). نشان (س).

آونگ : ا. ناوینگ، ملای (س).

آویختن : نک. آویزان کردن.

آویخته : نک. آویزان.

آویز : ا. ناویر.

آویزان : ص فا. ناوتران، دالوچکه،  
سور، بهل، بهل، چهک، داجوپیگ،  
نه لعاوسز، داروچکه، دالوچکه،  
دالوزکه. هالوچیاره، نالوچیاره (ه).

آویزان شدن : م. ناویبران بوون،

آهیزش. کردن : م. بیگل بوون، هان و  
جوون، نامیزس کردن.

آن : ضمیر اشاره. نهوه، نهو. نای، نانه،  
نهویها (ه). فی، نهف، فنی (ش).

آنان : ضمیر اشاره. نهوان، نهوانه.  
نانه سا، نانیا، نادیسا، نادی (ه).  
نهقان، قان، نهقیه (س).

آن اندازه : نهوونه، نهموونه.  
نادچی (ه).

آنتیک : ص. نهنتیک، عهنتیک.

آنجا : ق مک. نهینه. چوگه، ناگه، چا،  
چاگه، نوگه، چانه، چو (ه). لهیراهه،  
فی (ش).

آنقدر : نک. آن اندازه.

آنگاه : ق زمان. نهوسا، نهوسان،  
لهودووا. ناوهغه (ه).

آنها : نک. آنان.

آنها ی دیگر : نهوان بر. نانیا سر،  
نادیچی (ه). نهف دیگه (س).

آوا : دهنگ، سدا، بانگ، حی، حره،  
فاو.

آوار : ا. هوار، ناوار. همره (ه).

آوارگی : ح مص. ناواره بی، لانهوازی،  
دهر به دهری، بهنگازی.

آواره : ص. نهیره، بووسا، دهر به دهر،

ناواره، عواره، نه فره و بووسا،  
باسیلا، بی خان ومان، بهلنگاز،  
سوخب، سرگره ردان، سیلان،  
لانهواز. حواسه، عهفال، عهفاره،  
بله مه (س).

داچوَرِیان، داسوَرِیان، داشوَرِین،  
سوَرِهو بوون.  
آویزان کردن : م. ناوتزان کردن،  
داروَحکِه کردن، دالْوَحکِه کردن،  
نه لعاویر کردن، داچوَرِاک، دارهس،  
داحوَرِانندن، داکسن.  
هالْو حیاره کهردهی، نالْو حیاره  
کهردهی (ه). یقه کون (س).

آوسن : ا. مەرره کمله. هه زنی (ه).  
آه : بک. آح.  
آهار : ا. ناهار، ناس، دهفای، سۆ.  
آهار زدن : م. ناهار دان، دهفای دان،  
سۆ دان.

آهار زده شده : دهفای دار، دهفایلی.  
آهستگی : ح مص. ئه بیایی، ئاهسه بی،  
یسکه یسک، هیدی، خه خن.

آهسته : ص. ناهسته، یه وانسی، بی  
چرکه، پاچرکی، هیدی، یه واشه کی،  
نه سپای، یه واش، یسکه، نارام،  
ناسته، خه خن، شیهی، عاسته.

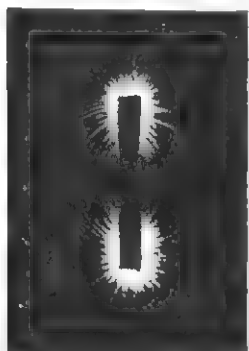
آهسته برف آهیدن : پیرووکه کردن،  
بووشه کردن، تووکه کردن، یرووشله  
کهردهی (ه).

آهسته کار : ص مر. عالو سال، خه خن  
کهر، سنگه سگ کهر.

آهسته کاری : ح مص. خه خن، سنگه  
سنگ.

آهسته گریستن : م. فینگه فینگ کردن.  
بووکه بووک کهردهی (ه). هیدی  
گری کون (س).

آهک : ا. ئاههک.  
آه کشیدن : م. ناه همل کیتسان، ناخ  
همل کیتسان، ناخین.  
آهن : ا. ناسن، ئاهن.  
آهن ربا : افا، امر. ناسن روبا، ئاهن  
روبا، مغاطبس، ناسن یا کهر، ناسن  
فرین.



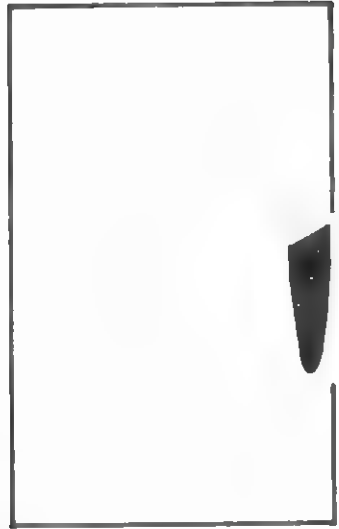
آهن چجماق : امر. سته. ستهو (ش).  
آهنگ : ا. گورانی، دبلانی، ئاههنگ،  
مرانه، حیره، ستران، لاره (س).  
آهنگر : ص سق. ناسنگر.

آهنگری : ح مص. ناسن گری.  
آهنی : ص نسب. ناسنن، ناسنی.  
آهو : ا. ئاهوو، ناسک، جهبران.



آی : ص. نای.

آيا : ادواب اسفهام. نانا؟ نهري؟ آينه : نك . ننه.  
 داحو؟، داحو؟. ناناكو؟ داحوم؟ آينه بلدي : ح معد. ناننه نهبي، سووسه  
 آيسه : ص، افا. نهسوړه، نايسه، نهزا، نهبي.  
 آيش : امعد. بوړه، نهكال، بابره، نوړ، آيه دفي : امر. ناننه دتي.  
 خوژان، نهياز. آيه : ا. نانه، ناننه.  
 آينده : نك . آبي. آيين : ا. نايي، رهسم، دهسوور، ياسا.



۱ : ا.

ابابیل : ا. کارده نه له.

ابتدا : ا. سره نا، سهراوه رد.

اسد : ا. همبسته، همبسته نی، دایم،

دایمی، نه به د.

ابداع کردن : م. باو کردن، باب کردن،

داهاوردن. نه نه نارده ی (ه).

ابر : ا. هور.

ابراز کردن : م. درکانن، درکاندن.

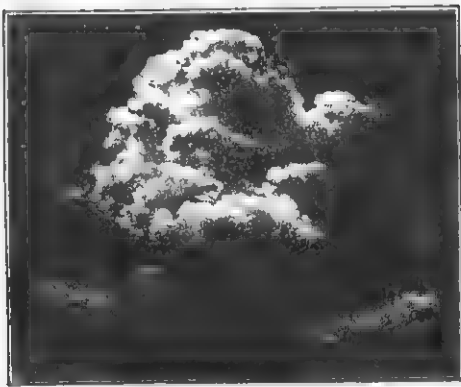
ابرش : ص. رس که وگ، سوور، بوړ،

سوور که وگ.

ابرو : ا. برۆ. بروی (ه).

ابرو انداختن : م. برۆه لته کانن.

ابرو ییوسته : ص. مر. برۆه یوه سه. برۆ



ابر

سکمه

ابری : ص. سب. هور ی، هوره رو.

عوره (س).

ابریشم : ا. هور یسم، ناور یسم، کر ،



حادثه، نسی نامه، ده گمه، نسی  
هاب، قومه، ری کهوت، قومو.  
ناسو (س).

اتفاقی: من نسب. هه لکه قب، نثافی،  
هزا فور قسه، ده گمن، ده گمه،  
به سادی، هه لکهوت. هوز کهوت (ه).  
انکا: امص. شت گهرمی، بنسوانی،  
نکا.

اتر، اطر: ا. نتوو، وپوو، فتوو.  
اتهام: امص. گومانباری.  
انات: ا. کهلو بهل، ناومال، حرو حناز،  
نه ساس، نه ساو ناومال، کهلو پور،  
دس، ریک و سٹ.

اتر: ا. سوس، سوو، نه سهر، نه سهر،  
نالک، سون، ماههک<sup>۱</sup>، نسان، بهی،  
رسح<sup>۱</sup>، رهد، سوت، سوو،  
سو وپوار. ورك (ه).

اتر کردن: م. نه سهر کردن.  
اجازه: ا. نبحاره، کراها، کری.  
دمان (س).

اجازه دادن: م. نبحاره دان، کراها دان،  
کری دان.

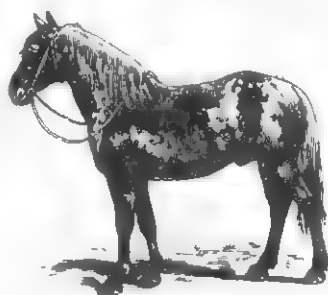
اجازه کردن: م. نبحاره کردن، کراها  
کردن. دمان کرن (س).

اجاره نشین: من مر، انا. نبحاره سس،  
کراها نشین. کری روونسی.

اجازه: ا. نبحازه، مار، بهه، نمرن،  
روحس.

اجازه خواستن: م. نیز خواستن.  
اجازه دادن: م. نبحازه دان، پواره دان،

به سهر، یارمووس، یافرس (س).  
اسرار: ا. بهور، بهرر، بهسارو.  
به سار، بهرر.  
انلی: سارگ، به سس، مار، سارو.  
به سٹ، ره سسی، سور، لاهور،  
به لکه لک، ره سارو، ره سارگ.



انله: من. گه وح، باله، نه حمق، ههر،  
ده بری، گنج، بلج، سه فتح، خول،  
گیل، نه زان، بی مهرگ، به حمس،  
حمس، خه سو، حه سیم، سابلو،  
به قام، لاله وز، چو سٹ، حه به گ،  
جاهتیل، سه فی، ریس گاه، نادان، گوئی  
سور، گوئی، لارگ.

ابلیس: ا. نلیس، سه تان.  
ابهت: امص. سام، ساف (س).

اتحاد: امص. به که سی، هاوده سی،  
ده س به کی، حو به سی، اتحاد.  
بیکه (س).

اتفاق: امص. ا. به که سی، ری که وپی،  
هه لکه قب، نفاق، روودای، به سادف،

لین، خم‌دان.

سنگ، نحرام.

اجازه گرفتن : م. نیجازه گرسن،

احترام گذاشتن : م. سەنک‌نسان،

هواز سه‌دن.

سنگ، لی‌بان، سنگ گرسن، نحرام

اجازه نامه : امر. نیجازه نامه، نه‌ه،

بان، نحرام گرسن، فولف لی‌ناک.

هواز.

احتلام : امص. سه‌تانی.

اجاق : ا. توجاخ، کوانگ، فوولنگه،

احتیاج : امص. کهل، ساز، نه‌وه‌جه،

چا‌و‌گه، نانه‌سخان. ناوبرگا، نه‌رگا

گه‌ره‌ک، نحتیاج، حاجب.

(ه). معیری (س).

احتیاج داشتن : م. کهل‌که‌فس،

اجاق کور : ص. مر. توجاح کویر،

نه‌وه‌جه‌ها کردن، کارمی‌که‌ونن.

بی‌منال.

کهل‌که‌وه‌ی (ه).

اجتماع : ا. نجتماع، گهل، کو‌مه‌له،

احتیاط : امص. سول، نلسس، یاریز،

حه‌ماعه‌ت. گرد، گس‌ت (ه).

نحتاب.

اجتناب : امص. یاریز، دووری، کوس،

احتیاط کار : ص. مر. یاریز کار،

سول، نطلس. فح‌نین (ش).

نحتاب‌کار.

اجتناب کردن : م. دووری کردن، سول

احتیاط کردن : م. خو‌پاریستن، یاریز

کردن، خو‌پاریستن، یاریز کردن.

کردن، نحتیات کردن.

اجداد : ا. نه‌ردا، نابا، باب و بایر.

احساس : هس، ن‌حاس.

اجر : ا. مز. نه‌حر، نو‌له، جه‌زا، یاداس،

احسان : امص. خه‌یر، ن‌حسان، خاسه،

ناداس، حه‌ق، س‌زا، نیزاه، نه‌مک،

خاسی.

خو‌ن‌یاک، هه‌ره‌وی.

اححق : نک. ابله.

اجرت : ا. ده‌س‌مز، کراه‌ا، حه‌ق،

احوال : ا. هه‌وال، ب‌اس، ده‌نگ،

تو‌جره‌ت، نه‌ج‌ر، مز، هه‌ق‌ده‌س،

نه‌حوال، خه‌وه‌ر.

ناداس، ناداس.

اجرت قاصد : امر. نامز، نا‌لا‌دیرانه.

احوال‌پرسی : ح. مص. هه‌وال‌پرسی،

اجل : ا. نه‌حل، نا‌کام، هه‌نج‌ل،

حاک و چونی، خو‌مش و بی‌ش، خو‌ش

مه‌رگ، عه‌ج‌ل.

و دسی، حه‌وه‌ره‌رسی. واس و نسی،

هه‌وال‌برسای (ه).

اجه : ا. عه‌حنه، جنو‌که، فر‌نه‌سه‌ره.

اح : ص. نه‌خ، نوح.

اجیر : ص. مزو‌ور، مز به‌ر، نه‌ج‌یر.

احتر : ا. هه‌ساره، نه‌س‌یره، ساره.

احاطه : حانه، نه‌حه، نا‌ح‌له، ده‌ور.

س‌یر، نس‌یر (س).

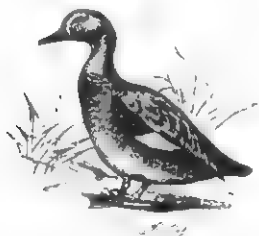
احترام : امص. نا‌وروو، نگ‌س، ر‌تر،

احترام : م. دا‌هاوردن، نخ‌راع

کردن، به‌حو کردن، ناردیده، نه‌نارده‌ی (ه).	ره‌فزار، کردار، خولق.
احت شدن : م. گورو سوون، لی دکه‌وس، نوح سوون سکمه گرس (س).	اخم : ا. دوزه‌نگ، نه‌خم، ته‌خم، لووت و پووت.
اختصاص : امص. به‌رخان، ناوبه، به‌عب، نحاس.	اغماض : امص. نخماس، چاویوشی، گوزه‌شت.
اختصاص دادن : م. به‌رحاک کردن، ناوبه‌دانان.	اغماض کردن : م. بسووردن، لی پووردن، چاویوشی کردن.
اختلاف : امص. حوازی، به‌کشتک حوون، به‌قووب، هرق، به‌ویر، نخلاف. تک سبی (ه).	اخم کردن : م. نه‌خم کردن، ناوچاوتورشانن، به‌نگله میش کردن، لووت و پووت کردن، تورشانن، پیش کردن. میاچهم تورشیان، میاچهم درژیان (ه).
اختلاط : امص. تکه‌لی.	اخمو : ص. نه‌خمو، ناچاو تورشیان، رهش و تال، لووت و پووت‌کهر، گرژ، درژ. میاچهم درژیا، میاچهم نرشی (ه). بچاد (ش).
اخته : ص. ا. خه‌سیاگ <sup>۱</sup> ، خه‌ساو. خه‌سیان (ه)، نه‌خته <sup>۲</sup> . خدام <sup>۳</sup> ، کرتان <sup>۲</sup> ، خه‌ساندی (ش).	اخیه : ا. ناخیه، میخ ناغور. سنگ (ش).
اخته کردن : م. خه‌سانن، خه‌ساندن، نه‌خته کردن. خه‌سنای (ه). خدام کرن، خه‌سان، کرتان کرن (ش).	ادا : ا. تەفلیت، لاسایی، نه‌دا، ده‌مه‌لاسی، رنج، مح.
اختیار : امص. ده‌سه‌لات، نه‌ختیار.	ادا اطوار : امر. نه‌دا و نه‌تووار، له‌نجه، لاره، لاره‌وله‌نجه، حله‌نگ.
اخراج : امص. دهر، بهر، نخراج.	ادا در آوردن : م. لاسایی کردن، ده‌مه‌لاسی کردن، دان ریجه و کردن، به‌فلت دهرها وردن، رنج و کردن، میجه و کردن، لابین. باسی کرن، حاف کرن (س).
اخراج کردن : م. دهر کردن، نخراج کردن.	
اخگر : ا. پرووسکه، پرووسکه.	
اخلاط : ا. نه‌خلات، به‌لغم، خلم، خرین، خلّت.	
اخلاق : ا. نه‌خلاق، کرده‌وه، خو،	

اداره : ۱. اداره، نه اداره. ارخالق : نه خله خ، زیر کوا.

ادب : ۱. مافوولی، نه دمب، عه دمب، اردك : ۱. سونه، مراوی، کهر گاونه. مایوره.



ادبخانه : امر. مهال، مهوال، ناوریرگا، که ناراو.

ادب کردن : م. نه دمب کردن.

ادرار : ۱. زاراو، گمیز، متر، ساس. فوك (س).

ادویه : ۱. نه زیه، به هاراب.

اذان : ۱. بانگ.

اذان گفتن : م. بانگ دان.

اذن : نك. اجازه.

اذن دادن : نك. اجازه دادن.

اذیت : امص. عزیب، سکه نه، به سکه نه، نارار، ماس، حو حله، سرا، جهزروه.

اذیت کردن : م. عزیب کردن، جهزروه دان، نازار کردن، نازاراندن.

نازاردای، سزا دای (ه).

ارابه : ۱. عرابه، گاری، گارنه، فیو، گهر دوونه، عربه.

آراده : ۱. جهرح، نه گره (س).

اراذل : ص. نه لوو، جلوو، لاب و لوو، نه و ناس، نه رازل.

اریاب : ۱. ص. نه ریاب، ناعه.

ارضاع : ۱. به رزی، فهد، بلنی، نه رزانی، به رزانه بی، بلندی، فوی، فوزی، بالا، حموو، بولنی.

ارب : ۱. مریاسی، نرس، حنماگ.

میراس، مریاس، نه جی ماو، نه ره که.

اردنگ : ۱. سق، لهفه، نوردهنگ، ده گه نهك. ین (س).

اردنگ زدن : م. شق هه لدان، شق وه شانن، دانه به رشق، بیادان، بیا

هه لدان، تی هه لدان، شق دان. نهق دای چور، شق شانای. سچین، ین لیدان (س).

اردو : ۱. نوردوو، فونه. هوردوو (ه).

اردوو زدن : م. فوسن کردن، نوردوو لی دان.

ارزاق : ۱. عاق، نازوخه، نه رزای.

ارزان : ص. هه رزان، نه رزان، نه ره بوونکاو.

ارزان بودن : م. هه رزان بوون.

ارزان فروش : اما. هه رزان فروس، هه رزانحاح.

ارزانی : ص. نسب. هه رزانی، نه رزانی.

ارزش : ح مص. بایی، نه رزس، فیمه، به ها، نرخ، بایی.

ارزیابی : ح مص. نرخ «نیاب»، فیمه «کردن».

ارزیدن : م. ریان.

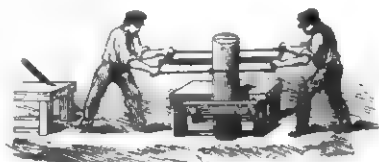
اوزن : ۱. گال، همرزن. همرزهی (ه).  
سورک، ناحک، گارس (س).

ارسی : ۱. عورووسی، نهجهره.  
ارسی : نازن، مهجک.

ارغوان : ۱. نهرعووان، نهرحهوان.  
ارغوانی : ص. نسب. نهرعووانی،  
نهرحهوانی، گوئغار.

ارقه : ص. عهره.  
ارهنی : ص. سب. عهرهمنی، فله.  
اره : ۱. هره، برهک، ماسر، خزار،  
سهه.

اره کردن : م. ههره کردن، ماسر کردن.



ازدحام : همهمه، سلوی.  
از دست دادن : م. لهدهس دان،  
به بلاندن، نازین، دوویران، دوویراندن.  
دهسههسی (ه).

از رو بردن : م. لهروو بردن، نهزاین. له  
گو بردن. جهرووهردهی (ه).

ازدواج کردن : م. رن هاوردن، رن  
خواستن، ماره کردن. رن ناردهی (ه).

از سر : لهسرهو، سهرهوه، سهری.

از سر باز کردن : م. لهسرهو کردن،  
لهملر کردن، دهس بیه و سان. من و  
سهی (ه).

از صمیم قلب : پر نه دل.

از عهده بر آمدن : م. لهحارهاس،  
باسارهاس، دهرهف هاس،  
لهعهوهاس.

از کار افتادن : م. لهکار که فس،  
لهکهل کهرم که فس، به کهکفتن،  
خراو سوو. ههرمانه که وهی،

اره کش : افا. ههرهکس، ماسرکس.

اریب : ص. ثوریب، سهوور،

حهوور، کهس و بووس، حار.

از : ح اض. له. سه، ره، حه (ه).

از اسب افتادن : م. گلیان. گلیرای (ه).

از اله بکارت کردن : م. بن بزائن، نه  
به سهر هاوردن. بن بر گئی (ه).

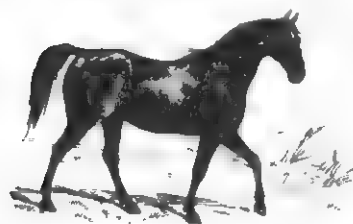
از بر کردن : م. لهبره کردن، حفتر  
کردن. وهر کردن (ه).

از بین بردن : م. لهبهینا بردن، لهناوا  
بردن، بوووحانهوه. بووحوو کردن.

از بین رفتن : م. لهبهیناحوون، بووحوو

یا وند.

اسب : ۱. خاروا، حلاح<sup>۱</sup>، ره جوان<sup>۲</sup>،  
سه مال یا<sup>۳</sup>، نه سب، هه س (س).



اسباب : ۱. نه ساو، نه رار، نه ساب،  
نه فرار، نه ساب، حرب و ترب، کهل و  
هل، حاجت.  
اسباب بازی : امر. کایه کلی، نه سپاو  
بازی. کاللی (ه). نه ساب لاریا (س).  
اسباب خانه : امر. کهل و هل، حاجت،  
سامان، فاپ و فاجاخ، کونال، جهك و  
سوس، دس، کوشن. کرن  
مرب (س).  
اسب دوانی : ح مصد. لنگ داران،



خرایای، چنه کوهی (ه).

از کار در آمده : ص مر. له کار  
دهر هاگ، خوه شه، خاروا، حاریو،  
دهر هاگ، دهر هاوو. چنه نامای (ه).  
ازگ، از گه : یسک. زه مبول (ش).  
از میان بردن : م. بوو چانه وه، فریتی  
خستن، له بهینا بردن، به با دان، بووچه  
و کردن، به ربا دان، له بهرد دان،  
بوو گانه وه، بوو جاننه وه، نه لف  
کردن، نیا بردن. دلینه به ردهی (ه).  
نه بنی برن (س).

از میان رفتن : م. له به سا حوون، بووچه  
و بوون، هه لاس بوون، فریتی که فس،  
سا حوون، گوم بوون، بوو چانه وه،  
لاحوون. له به سا لووای، دلیسی  
سهی (ه).

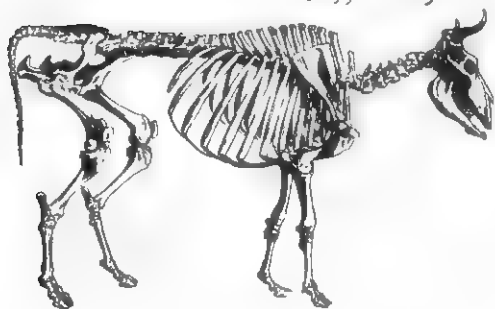
از نافرقتن : م. له گو حوون، له با که فس.  
از هوش رفتن : م. له هوس حوون.  
جووی سهی (ه). سه هوسه و حوون  
(س).

از یاد رفتن : م. له بیره و حوون. هوس  
سهی (ه).

اژدها : ا. حه فی، حه فیان، هه ردیها،  
سامار. نه رده ها، هراب (س).

اساس : ۱. نه ساس، ریس، بس حنه،  
بناخه، بناغه، بنه ربه، یایه، بتیح،  
خسم، یه، بن، بنیاد، سه راه ورد،

نه سید هوانی، وُج. استراق سمع کردن : م. کوله گرین.  
 هسب زانی (س). سوودای (ه).  
 اسب تنبل : ص مر. نهال، نهس نهمل. استسقاء : ا. زک ماسی، نیما.  
 اسب چهار ساله : بزی. استفاده : ا. ماف، نهفم.  
 اسپرزه : ا. بوخم سقی، نهسفرزه. استعراغ : فهی، فهی پهرووس.  
 اسپرس : ا. خاصه، بوخم سقی. بیری (س).  
 اسپرک : ا. نهسیره. استقبال : امص. بیری، بیرانی، بهرهو.  
 اسبد : ا. فانگ. بیری، بیتسواز، نسقبال. وهرهو بیری،  
 استاد : ص، ا. نوسا، ماموسا، وساء. بتاویه (ه).  
 سوا، نوسا، سهدا. اسکان : ا. نسکاک، ماله.  
 استاد آسیاب : امر. ناساوان، ناسهوان. استوار : ص مر. مهحکم، فاسم،  
 نوسای ناسه، باراس هار. وساء. بهخوریو، نا نه رجا، جیدا، سع (ش).  
 ناساو (ه). اسنوار کردن : م. دامه رزاسن،  
 اساد کار : ص فا. وساکار، نوساکار. مهحکم کردن، فاسم کردن، هتعم  
 استبداد : امص. کهله گایی. کردهی (ه).  
 استخر : امر. ناوگیر، به نداوه نهستر، اسوانه ا لوولک.



استخوان

هسئل. هساری، ماس (س). استخوان ساق یا : لولولای، ساقول،  
 استخوان : ا. بیتسه، نسفان، نسک، ساق، فهلهمه، هسکی بهلکی، لولولای.  
 هسک، نهلان، سفان. استخوان لگن : کولوز، سمه حووله،  
 کولوک، کلوب. کولوک، کلوب. استر : ا. فابر، بری. هسره.  
 (ه). تیر، هسره، فابر (س). استراحت : امص. ورننگ، نسراحه،  
 سار، وحا، رهحهسی، نوسره، سونگ. سبوه (ه).  
 استراحتگاه : ا. لاگا. اسقف : ا. هراآ.  
 استراق سمع : کوله، سوو. اسکاس : ا. نهسکهاس.

اسکنه : ا. نه سکنه نه.

اشهء : امص. نه سته ها، مهبل.

اسلام : ا. نیسلام.

اشرفی : امر. عه سرفه فی.

اسلحه : ا. حهك، نه سله حه، حاج.

اشعال : ح مص. داگر.

اسم : ا. ناو، نتو، نسیم. نامتی (ه).

اشعال کردن : م. داگر کردن.

ناق (س).

اشك : ا. نهر، فرمك. هرسی (ه).

اسم بردن : م. ناو بردن. ناق برن (س).

رودك، روبك، هیسر، نه سرین (س).

اسم در کردن : م. ناو دهر کردن.

اشكاف : ا. دولاچه، نلیس، گه نجه.

اسم گذاشتن : م. ناوانسك. نامتی

كوله، لادان، رهك، دولایچه (س).

بای (ه).

اشكلك : امر. نه سكه له، حیوجه له،

ماوس.

اسهال : امص. نرهال، نرحل، نهال،

اشكه : ا. بازاو.

به به فیره، سه ربای، حه بره، زك

اشان : ا. سیون. زروی (ه). حو حان،

حوون، زكه سوره، فیركه.

گلوان (س).

اسهالی : ص نسب. نیزه آلی، فیر،

به به فیره، نسهالی، گوواوی،

سكه سوره

اسیر : ص. دبل، به سیر، نه سیر، به حیر.

اشاره : ا. نیشاره، گوشه، چاو قرنکی

، دزه، چاو هله کانی، دوور نیازی،

ناشیرم، که نایه، هیما، دزكه،

گومنا، دركه. چه ماچتی (ه).

اشاره کردن : م. چاو هله کامن، که ناه

لی دان، ناشیرم کردن، چاو

داگرتن، نیشاره کردن، گوشه لیدان.

اشتباه : ا. نشتبا، سه هو، ئوبال، خه نا،

خه بت، له حه.

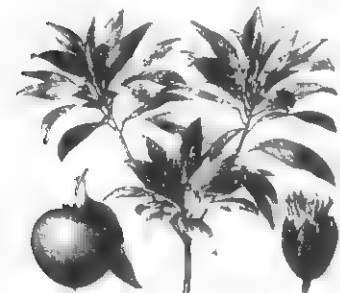
اشتباه کردن : م. نشتبا کردن، خه نا

کردن، سه رلی ستویان.

سهو که ردهی (ه).

استلم : ا. بیرس بیرس، سهو ویران،

حه مهره مری، به مهره کانی.



اصابت کردن : م. بیتکان، نه نگاوس،

لیدان، نکای (ه).

اصرار : امص. نیرار، رك، هتی.

اصرار کردن : م. نیرار کردن، نادانه

گه ز، سه خگ گرین، سووربوون،

له سه ر روس، رك دا بردن، رك کردن،

ورك کردن، پافشاری کردن، یادانه

حق. سه رلوای (ه). هتی کرن (ش).

اصطبل : ا. پاگ، گه ور، نوتله،



- نستهیل، نهوتله<sup>۱</sup>، گاوخان<sup>۲</sup>.  
 اطمینان : امص. دلّنیایی، خاخر جهمی،  
 نتمیناک، سمان، باور، پروا.  
 اطمینان کردن : م. نتمینان کردن،  
 نهرمان، خاخر جهم بوون، دلّیا بوون.  
 بسروا کهردهی، باوهی کهردهی،  
 نهرمای (ه).  
 اعانه : اه امص. ستاک.  
 اعتبار : امص. نعتبار، نتمانه، نیتوار،  
 نایروو، ناویروو، سینگ. باوری (ه).  
 اعتقاد : امص. نعتما، باور.  
 اعتراض : امص. نعتراز، وهرهزی.  
 اعتراض کردن : م. نعتراز کردن.  
 اعتراف : امص. پیّ هات، نعتراف.  
 اعتراف کردن : م. پیّ هاتن، نعتراف  
 کردن، ژیرر چوون، نعتراف کردن. پته  
 نامای، نامای پته (ه).  
 اعتماد : امص. نعتما، باور، نتمینان،  
 بایق. باوهی (ه).  
 اعتناء : امص. نعتنا، نعتنا. هاری (س).  
 إعراب : اه. مهی و بوّور، سر و جتر،  
 نایی، سر و حیر، جیر و بوّور.  
 اعضاء : اح. بیل و بوّو، نهام، نهعزّا،  
 نهندام.  
 اعلام : ناگایی.  
 اعلام کردن : ناگایی دان،  
 خههر کردن، ونن.  
 اعلان : ناگایی، نهسکرای.
- اصطلاح : امص. زاراهه.  
 اصل : اه. عهسل، ریشه، تبار، ره نهوه،  
 بن، بنه تتوو، بنه رمت، سهراوهرد،  
 بیتخ، بنه چینه، بنینه. رهه، حیم،  
 بنه تار (س).  
 اضطراب : امص. نژنراب، په شوکه،  
 ههول، ته شویش، په سیّوه. نیه رانی،  
 سهیره نی (س).  
 اضطرابی : ص. س. ناحاری.  
 اطاعت : امص. فرمانیهری، ناععب.  
 اطاعت کردن : م. ملل داک،  
 سهردابه واندن، فرمان بردن، مل بیان،  
 سهر سیاردن، ناععب کردن، گوئی سل  
 کردن، گوئی دان. مل دای (ه).  
 اطاق : اه. نوساق، بهرکه، روور. بانه  
 (ه). نوّده (س).  
 اطراف : دهور و وهر، دهور و سب،  
 دهور و بهرگرید (ه). خافو، دون،  
 رفی، فاج (س).  
 اطلاع : ح. مص. ناگایی، هه وّالّ،  
 خههر، شاره زایی.  
 اطلاع دادن : م. ناگا کردن،  
 وریا کردنهوه، راگه باندن، بانگله واز  
 کردن. ناو نای (ه). پیّ وه راندن (س).  
 اطلس : اه. نه نلهس.  
 اطلسی : ص. نیب. نه نلهسی.

۱. اصطبل اسب.

۲. اصطبل گاو.

اعلان کردن : ناگاسی دانه، نه سکرا کردن	بی‌بسه، باکوهیه، بلوور، داکه‌بوو، که‌بوو. نره‌که‌ویه (ه). که‌فتی (س).
اغر : نوغر، نوخر.	افتان و حیزان : سم و کتو، داره‌دار، که‌فتی و مه‌لسان، گلاوگل، لاره‌لار، سلا و سل، لاروا، سم و سل، حل و له. وریر و گلترو (ه).
اغراق : امص. هاسه، هووسه.	افتخار : امص. نغنخار، سهره‌برزی، سهره‌لی.
اغراق کردن : م. هاسه کردن، هووسه کردن.	افتخار کردن : م. سهره‌برزی کردن، نغخار کردن.
اغفال کردن : م. خلافتن، نعمال کردن.	افتراء : امص. بوخنبان، بومب، بوختان، دمسه‌لبس، نفرا، ده‌له‌سه.
خلافتی (ه). لیاندن، حایاندن (س).	افتضاح : امص. کاره‌ساب، کاره‌ره‌هاب، رسوایی، نفتراح.
اغماض : امص. نخماس، چاوپوشی، گوه‌زیتب.	افرا : ا. نفرا.
اغماض کردن : م. بگردن، چاولتی	افراشتن : م. به‌ربا کردن، هه‌لدان. هوردای، وردای (ه).
قوجانن، بووردن، چاو بوسی کردن، بایپاسوین. لی بهوورین (ش).	افراشته : امص. هه‌لداریاگ، به‌ربا، بلن.
اغوا : امص. لپ، فریو، گول.	افزار : نک. ابزار.
اغوا کردن : م. لیتدان، گول‌دان، فریو دان.	افزار کار : امر. نه‌بزار کار، نه‌سیاب کار، نه‌سیاو کار. نه‌مرازی حه‌بایی (ش).
افاده : امص. فیزه، فیس، خوس، نفاده.	افسار : ا. هه‌وسار، ده‌سه‌جته‌و، ده‌سه‌وسار. دزگی (س).
افت : امص. نفت، نوفب، یازینه، ده‌غله. چیر و یجن (ه).	افسانه : ا. چیروک، فسه، حه‌کابه، نه‌سانه، راز، ده‌سان.
افت کردن : م. نفب کردن.	افسوده : امص. در، به‌شیو، نه‌میس،
افتادن : م. که‌فتن، که‌وس، داکه‌فتن ، داکه‌وسن ، گللیان <sup>۱</sup> ، دارمانه‌وه <sup>۲</sup> ، رمیا <sup>۳</sup> ، گلان، که‌وسن. که‌ویه‌بره، هورداربای، گلتیرای (ه). که‌ویه‌بره، هورداربای (ه). گلتیرای. گلا، کوی.	
افتاده : امص. نوفاده، داکه‌فنگ،	

۱- افتادن از اسب.

۲- افتادن موقع از بار آمدن.

۳- در مورد خراب شدن با و دیوار هم  
گفته می‌شود.

افرار کردن : نک . اعراف کردن .  
 اقل ، اقلًا : قی . لای کم ، لان کم ، نهفل ،  
 نالو .  
 اقلیم : ا . ناوچه ، سهرزهوین ،  
 سهرزهمین ، نهظیم ، مهحال ، وهلاب .  
 اقبانوس : ا . ثوقانوس .  
 اکبیر : ص . زشت ، ناسیرین ، خویسار ،  
 ناحر ، ناکولتکار . نه نؤک ، گهن (ه) .  
 گهمار (س) .  
 اکنون : قی . نیسا ، نیسه ، نهلعان ، نه میسته ،  
 نیستنا . نؤکه ، نکه ، نکا ، نهه ، نهو ،  
 بها (س) .  
 اگر : ح ربط ، ح شرط . نه گهر ، گهر ،  
 نه ر .  
 اگرچه : ح ربط مر ، ح شرط مر .  
 نه گهرحی ، نه گهرحه .  
 اگر نه : ح ربط مر . نه گهرنه .  
 الاغ : ا . نولاح ، کهر ، وهلاخ ، گوی  
 دیرتر ، دهسک جاس ، موور ،  
 نهخرمه ، همسر ، بهربار ،  
 سهمووز . ههر (ه) .  
 الاعذار : ا . نولاحذار ، نولاعذار ،  
 کهردار ، ولاخذار ، خهره کدار ،  
 خهره کچی ، خهره بنده . ههرینه (ه) .  
 البته : ح تأید . نهلهته ، نا . ههلب (س) .  
 التماس : امص . لاله ، باره ، بکا . لاف ،  
 هتمی ، دالاهی ، لافه ، لاق ، بکا و  
 دالاهی (س) .  
 التماس کردن : م . بارسان ، لالیان ،  
 لالیانهوه ، لاله کردن ، یاربانهوه ، بکا

مهلوله ، نهفرده ، درر ، نه کهر ، دل  
 نه بگ ، دل مردگ ، سرکز ، کرۆز .  
 افسوس : ا . نه فـسـوس ، داح ،  
 حـسـرم ، درتج ، ساسف ، داح و  
 دوو حاح .  
 افسون : ا . حاویهس ، سحر ، نه فـسـون ،  
 جادوو ، دم بهس . حم بهس (ه) .  
 افسونگر : ص سعل . سحرناز ،  
 نه فـسـونگر ، ساحر ، جادوو گر .  
 افسان : افا . برر ، بلاو ، برناک ، ساس ،  
 نه فسان . برگاه ، سانا (ه) . نهلا (س) .  
 افطار : امص . هرسنو ، هربنگ ،  
 هرسو ، هفر  
 افهی : ا . حهی ، حهاب ، نهردیها .



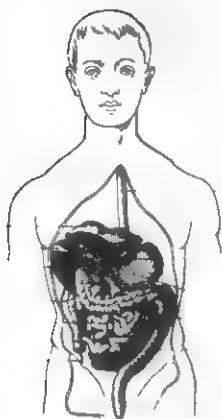
افق : ا . ناسو ، ناسوگه ، نوفوی ، سونگه ،  
 ناه ، سوما .  
 افلاس : امص . هه بویسی ، نه داری ،  
 نفلاس . حنهی ، نهی (س) .  
 افلیج : ص . نفلیج ، کوچ . سهف . فوب ،  
 سل (س) .  
 افایا : ا . نافایا ، نه فایا .  
 اقبال : ا . هاب ، نامه ، نه حب ، نه مال ،  
 بگین ، سانس .  
 اقتصاد : امص . ناووری .  
 اقرار : امص . نی هاب ، نه برار .



الاغ

- کردن، لالانهوه. نهوه یاریای،  
 نهوه لالیای (ه). هتقی کرن، لافای  
 کرن، لاف کرن، دالاهی کرن (ش).
- الغباء : امر. تلف و بی.
- الفت : امص. ختی، خو، تولفت. خدی  
 (ه). متو (س).
- الك : ا. نیلهك، بیترنگ، نه رمه بیتر،  
 قهریال، قهریل، کارماخ، گل گیر،  
 هیلهك، ویجنه (ه).
- الك : ا. داره لوك. نل (ش).
- الك دولك : امر. هه لووكان.  
 نه لانی (س).
- الك گردن : م. هه قانن، داپزان، نیلهك  
 كردن، بیترنگ كردن، قهریل كردن.  
 ویجناي، ته قنای (ه). داقبتن،  
 دایتن (ش).
- الكن : ص. بور، س.
- العاس : ا. نه لماس.
- النگو : ا. خرحال، بازن (س).
- الو : ا. لیتسه، هلم، گپ، گوپ، سوله،  
 نالآو، كله، هالآو، كول و كو. هه لمه  
 (ه). گوپی، نالاف (س).
- الوار : ا. موزه، باهوو، نه لوار، گلاره.  
 دهب (س).
- الواط : اج. لاب و لووب، عمل و حلوو،  
 نه لواب، نه و پاس.
- الهام : امص. لیوه، خویری، نلهام،  
 وه حی. های (س).
- الله بحثکی : نه خه کی، هه زافورقه،  
 نه لابه خه کی، نه زه زاف.
- اما : ق. به لآم، به لآن، نه ما، نه مان،  
 وه لی. جه، لی (س).
- اماله : ا. عیماله، سیسه و ده سوور،  
 ده سوور.
- امام : ص. ا. نیمام، به ربوئر، مهلا،  
 وه ربما، ییس بوئر.
- امام زاده : ص. مر. نوجاح زاده، نیمام  
 زاده.
- امان : ا. نامان، نه مان.
- امانت : امص. نه مانت، نه مانه یی.
- امانت دادن : م. نه مانه دان،  
 دابه نه مانه.
- امانتی : ص. سب. نه مانه یی.
- امتحان : امص. نمنحان، نافی،  
 به راوهر د، ناز مایس، به جره به. جهره به  
 (ش).
- امتحان گردن : م. زمین، تاقی گردن،  
 نافی و گردن، به راوهر د گردن،  
 نه جهره گردن، نمنحان گردن.  
 زمانای (ه). جهر باندن (س).
- امر : ا. یرگال، نه مر، ده سوور، فرمان،  
 حوكم. هه رمانه (ه).
- امر گردن : م. سی خویرس. ده سوور  
 دای (ه). نه مر کرن (س).
- امروود : ا. هه مپو، گولآوی، هه رمی،  
 مروی (ه). کروسن (س).
- امروز : ق. مر. نمرو، نه مپو. ناپو (ه).  
 نه مپو، نیپو (س).
- امسال : ق. مر. نمسال، نه مسال. نسال  
 (ه). نه فسال (س).

- اهتیب : ی مر. ئسمه و. نسه و (ه).  
 نه قسه، نه ف (س).  
 انبوه : ص. نه موو، نه نبوو، کو مئه،  
 کوئا، کوگا، جه ماعت ،  
 ع سامات ، ع لالت، گوئل.  
 انتخاب : امص. برار، وزار، جینه.  
 انتخاب کردن : م. هه تچنین،  
 هه لبراردن نهل کردن، هه لبرازن،  
 حسن، برانن، براردن. ورحنی،  
 هو رحیمی (ه). برنسی، ناف گر  
 کرن، هه لبرار کردن، هه لبراس (س).  
 انتر : ا. عه نر.  
 انتظار : امص. حاوه بواری، نه ما، نترار،  
 حه سم داس، سما. جه مهرا (ه)،  
 حافه نیری (س).  
 انتظام : امص. سه قام، سامان، انترام.  
 انتقام : امص. بول، ننتام، حقی، نه فاس،  
 نه لانی.  
 انتها : ا. بابان، ناکام، نه ر، دووایی.  
 دمای، دما (ه).  
 انجام : ا. ناکام، نه نجام، نه مام، ناخر،  
 خه م، دووایی، عاهه ب.  
 انجام دادن : م. به ناکام گه بانن،  
 دووایی هاوردن، نه نجام دان، سه قام  
 دان، نه واو کردن. نه مامنای (ه).  
 به مام کرن، جی ئیان (ش).  
 انچه : ا. نه نجه، پی. جنحک، پریک،  
 حنک (س).  
 اهتیب : ی مر. ئسمه و. نسه و (ه).  
 نه قسه، نه ف (س).  
 نه من : امص. نه من، ئیس، نارام.  
 نه ما (س).  
 اهتیب : ح مص. هتمی، نه مهب، ئسی.  
 امی : ص نسب. ئومی، بۆره، بۆره باگ.  
 اهید : ا. ئومید، هوئی، هو مید،  
 باز گوور، ئالیه، هئی، نه ما، حه سم  
 داس. لاف، ما، هئی (س).  
 اهیدوار : ص مر. هو متوار، نومندوار،  
 هتدار.  
 امین : ص. نه من.  
 انار : ا. هه نار، هنار، گوزلکه.  
 انبار : ا. هو مار، نه مار، هه مار. عه نبار،  
 کوخته (س).  
 انباشتن : م. پر کردن ناخین  
 ته پانن داگرتن چیو کوکوت کردن  
 چه پانن، کوگا کردن. پر که رده ی،  
 زه فابنه، گو به بره، ناره گره ی، نه زه  
 گسرسای (ه). به ری کرن،  
 دو بساندن (س).  
 انباشته : امف. پر، چیو کوکوت، حمکوب،  
 تیکمه، لیجان، داگیرباگ، بووده،  
 سه فته، سیخاخن. پر (ه).  
 به ری (س).  
 انبان : ا. هه واننه، نه بان، هه مان،  
 که مه رکیس. مانی (ه).  
 ابانچه : امص. هه وانجه، مایکلی (ه).



انجیر : ۱. هه بجیر، ماهو . هه ریر (س).

انچو چک : هه خو و حهک.

اندو حهن : م. خسن، هه دان، هه رب

دان، داخستن، هه باب کردن، نوویر

دان، ناوتسی. و سه ره، نوویر دای،

که و سه ره، نه ره و سه ی (ه).

هه قن (س).

اندازه : ۱. نه نازه، سهنگایی، هه د،

ره سا، سهنگایی، نه مانه، هه د، دهق،

را ده، ره ی، نه وانه، سه و سه و نه، زی.

نه اندازه، فاس (س).

اندازه بو دن : م. نه نازه بوو، سه ی

کردن، ره سا بوو.

اندازه گرفتن : م. نه نازه گرس، نه وانه،

نه وانه کردن.

اندام : ۱. گریان، گریگ، نه نام، لهس،

گسب گس، نه دهس، نه لاسه، فالت،

نه ل، نه نه، جه سه، لاس، سافه ل،

هه لافه ل، کو نه ل، گیان. جه سده ل،

که لهس (س).

اندور : ۱. نامو حاری، مو رباری،

راوتر، نه د.

اندروو : ۱. ناو، داخل، نه مده روو.

ده روو، دلّی (ه). ناف، هه ویدور،

روردا (س).

اندرو نه : امر. ناو زک، دلّی لهس

(ه). روو (س).

اندک : ی، ص. نه نک، بوو ی، نه خب،

که م، رتره، رترانه، نه حی، بوو لانه،

تووال، جوووی، چک، چکی، پیتکه،

گز، نه ل، که سر. توواله، کو جیو (ه).

کیم، بیجک، نه (ش).

اندک اندک : ی مر. نه نک، که م که م،

به ره ره، نه نه، نه واس، نه واس،

به ره به ره، رتزه رتزه، ورده ورده،

به ره به ره، واره واره، به روو که

به روو که، نه نه، نه نه، کیم، کیم (س).

اندو حهن : م. نه خو و حه کردن، نه نه

کردن<sup>۱</sup>، نه نه کردن<sup>۱</sup>، کو کردن،

هه لگرس، نه نه باز کردن، نه نه

کردن<sup>۲</sup>، نه نه (س).

اندو حه : امر. نه خو و حه، نه نه.

نه نه باز، نه نه، هه لگرس، نه نه نو ف.

۲. اندو حه ما دهره زمسانی.

۱. اندو حه و جمع کردن از راه

مادرس و دزدی.

زمهر

گر نهی، غدی گرهی (ه).

متودان (س).

انسان : ا. نایده، نهی نایده، به سر،

مروق، عیان.

انصاف : امص. نسا، راء، عناق.

انعام : امص. نعام، دهس حوه سانه،

به خس، حلاب، ده موه سانه (ه).

انغوزه : ا. به رهره، هم مورره،

گوزای، هه گوزوره، حافی.

انفراض : امص. فیه، افراز.

انقلاب : ا. ناسو، نقلاب، بستوه،

سورس.

انکار : امص. نکار، نعا، گوب، حاسا.

انکار کردن : م. نهعا کردن، نکار

کردن، حاسا کردن، له گوب داک، به

و کهس.

انگین : ا. هه گوتس، هه گیس (س).

انگست : ا. نه موس، نه گوس،

فامک، کلکه، دس، بیل، بلی، کلک،

که له نه موس<sup>۱</sup>، نال<sup>۱</sup>، نه گوسهگه وره<sup>۱</sup>، که له نه گوس<sup>۱</sup>، دبلا بهرانه<sup>۱</sup>، نالخواج<sup>۱</sup>، زهره فووه<sup>۲</sup>، دولهدرتر<sup>۲</sup>، بالآ به رزه<sup>۲</sup>، بایلیجک<sup>۲</sup>،دبلاسه کی<sup>۲</sup>، نه گوس سادب<sup>۲</sup>،دبلا ساهدی<sup>۳</sup>، دوساوه مرد<sup>۲</sup>، بووه<sup>۴</sup>، بووچه نه<sup>۴</sup>، دبلا فلیجی<sup>۴</sup>، فلیجک<sup>۴</sup>،

اندود : ا. ناووه، کاگل، سواح،

سواخ، بانه ناو، بانه مال، گله نان،

گوله بان (ه). سحف، ناح بان (س).

اندود کردن : م. ناوس، سواخ داک،

ناووه داک، هه ناوس، بانه ناو کردن،

گله نان کردن، کاگل کردن، سواخ

داسوه. گوته نان که ردهی، ناوای،

ناوان، له نه کسای، ماله کسای (ه).

اندوه : ا. نه بدوو، حه فیه، حه م،

حوسه، به م، نه بوو، به راره، نالووزی،

حهرمه، داح، حودوک (س).

اندوهگین : ص مر. حه مگس، به رتو،

حهمبار، بستو، در، به م، حه م،

حوسه دار، خه فیه بار، داحدار،

دنه گ، در، دیر، عحر، به رکر

اندیشه : امص. نه بیس، نه مدس، فکر،

رامان، حه بان، راونجک، بد، به ر.

ورکه، ویر، ویره (ه).

اندیشیدن : م. نه بیس کردن، فکر

کردن، به ر و کردن، خه مال کردن.

رامان، ویره و که ردهی (ه).

انس : نک. الف.

انس گرفتن : م. گرو بوو، ختی داک،

حتی داحسن، حتی گرس، حو گرس،

نونس گرس، به نه ک، داکه فتن. حتی



انگشت

۱. انگست بررگ، سب.

۲. انگست مانی.

۳. انگست سهادب.

۴. انگست کوچک.

او حش : نوخه ی، نوخه یج، نوحه س.

اوهه : ا. نوه.

اوروت : امف. ئاورووت، پهرکمه.

اول : ا. ئومول، سهر، له بهرا، بهرگ،

سهره. وه ره (ه).

اولاد : اج. ئه ولا، رۆله، زاو له، زا، زا

و زوو، فهرزن، منال، توخم، تهره که.

زارو له، نه ولاد (ه). زارو، بجوک،

زارو ک (ش).

اولولو : ص. ا. ئولولوو، ئووق،

فازانه سهره، لولولو.

اولین باران فصل : په له.

اوماج : ص. پرپۆله.

اهرم : ا. نوپل، به رازه، چل مهرده،

فازمه، بیر. لاهیز (س).

اهرمین : ا. ئه هرمین، دتو، درنج،

شهناک.

اهل : ا. خه لک، نه هس.

اهل ده : امر. دتهانی، لاگانی، گویدی.

اهل شهر : امر. ساری، ساره زه،

سارسانی. نارتی (س).

اهلی : ص. نسب. نه هلی، ده سه موو،

لی بی، جوگرنگ، گورو، کهوی.

که می، که می، که دی (س).

ای : ص. نه ی، نوی، هه ی.

ایاز : ا. نه باز.

ایاق : ص. نه نای.

قجیلک، براتووته<sup>۱</sup>، سپه کوژه،

نه شپه کوری.

انگستانه : امر. کلکه وانه، نه موستانه.

سرتلیک، دپلهوک (ش).

انگشتی : امر. نه نگوشتی،

کلکه وانه، نه نگوشتی، نه نگوستانه.

گوسیل (س).

انگشت نما : ص. مر. نه نگوسنما،

کلکه نیتان، کلکه نما.

انگم : نک. انقوزه.

انگلك کردن : م. کلك بیه و کردن.

کلك که رده ی نو (ه).

انگور : ا. هه نگور، بری، بۆل<sup>۲</sup> چه

مجیر، نال و بۆل<sup>۳</sup>، لۆره<sup>۴</sup>، لۆنه<sup>۵</sup>.

انگیزه : ا. بیانک، بهر بهرچ، به لب،

به هانه، نه مگیزه، بایس، هه گه،

سه یه.

انیاب (نیش) : ا. که لبه، که لوه،

به رازه، سهره. سلفه (س).

او : ضمیر سوم شخص مفرد. نهو. ئیدی،

ئاد (ه). نهف، نه فیها (س).

اوباش : اج. نهوباس، نهل و جلوو،

هه رزه هورزه، لات و لووت. مول،

زر مول (س).

اوج : ا. نهوح، بهرزی، فه له پۆنه،

که له، سه ری، پۆنه، سه ریو نه،

سهره، بلندای.



انگشتی



انگور

۱- انگست بین میانی و کوچک.

۲- دانه انگور، انگور دانه.

۳- انگور مرش و سیرین.

۴- انگور رسیده بسیار سیرین.



ایراد : امص. عه‌نو، نیراد.	ره‌وگ.
ایراد گرفتن : م. عه‌نو کردن، نیراد گرس.	ایلیخی چی : ص. شنگ. ره‌وگه‌وان. ایلمه : ا. هیلمه.
ایز گم کردن : م. شۆن گوم کردن. سۆنه گومی کهرده‌ی (ه). شۆن بی، به زر کرل (س).	ایمان : امص. نیمان، باوړ، باوهر، عه‌یه. ایمن : ا. هېمن.
ایستادن : م. ویستان، لادان، مه‌ر کردن، به‌یوون، راه‌ستان، راوتسان، داره کردن <sup>۱</sup> ، داره دار کردن <sup>۱</sup> . سی مردانه <sup>۱</sup> ، نه‌ره‌مدرای (ه). راه‌ستان (س).	ایمنی : ح. مص. هینیی، نارامی، ته‌نایی. این : اساره به نزدیک، نهم، نه‌مه، نه‌یه. نینه، له‌ی، ئی (ه). نه‌فه، نه‌ف، نه‌فهار، ئی، نیم، فا (س).
ایستادگی : ح. مص. به‌رده‌وامی، جیدایی، سخی، پته‌وی.	این اندازه : نه‌وونه. ئسنه (ه). هه نه اندازه‌ی، هه‌نده قیاس (ش).
ایستاده : ص. امف. ویساگ، به رپا، راوه‌سناو، به‌ساوه. مدروره (ه). راه‌ستای (ش).	این بار : نه‌مجاره. ئی جاره (ه). نه‌ف جاره، فی جاری (س).
ایشان : ضمیر اشاره. نه‌وان، نه‌وانه، نانه سا، نانشا، نادی، نادینا (ه). نه‌فان، فان، نه‌فیه (ش).	این پهلو به آن پهلو کردن : م. نهم دتو و نه‌و دتو کردن. ئی دېم و نه‌و دیم که رده‌ی (ه).
ایضاً : ق. ده‌يسان، هم‌ميسان، دوباره، دووبانه، هم‌مدسان، دوواره، جاره که‌دی، بازهم، هم‌مسانه‌و. واوی (ه). دسان، دسا (س).	اینجا : ی. مر. نه‌گره، نتره، حیکه، نهم حیگه، نیرانه. ئیگه، نه‌ویگه، جی (ه). لیره، فرا، هره، فیری (س).
ایل : ا. هۆز، نل، عه‌سیره، خیل، نابغه. ایلجار : امر. گه‌له‌کومه، نیلجاری، هیرس.	اینچنین : ی. ناووا، پتسه، پتی جوره (ه). هونو، نهه، هانه‌کی، وسا (س).
ایلیچی : ص. ا. نلجی، سه‌هر، بالیۆز. ایلیخی : ا. نیلیخی، ره‌وه‌کی، ره‌مه‌کی،	اینها : ضمیر اشاره. نه‌مانه، نه‌مان، نادی، نادینا (ه). نه‌فانه (ش).
	ایوار : نیتواره، خوهر‌اوا، چرا که ران، به رنیتواره، خوهره‌زه‌رد. وهره‌گا، وهره‌زه‌رد (ه).
	ایوان : ا. هیوان، هه‌یوان، کولان، بانجیلّه، ته‌شاوی، نه‌نه، خولام گهر‌دس. سفک (س).



ب : ب.	حوه رهن. ناسه ی (ه). حوه رهن (س).
با : حاضر. نهك، نه نهك، گهر، گهل، وه، ده گهل، یا. جهنی، چنی (ه). نهف، فیرا (ش).	باب کردن : م. ناو کردن، باب کردن، داهاوردن. ناردسه (ه).
با آبرو : ص. مر. ناو روودار، ناو روومنه، با ناو روو.	نانونه : ا. گول حاوتسه، بابوونه، دابی، گوله هفی، بهیوون.
باب : ص. مر. باوه، داهانگ، باب. نامانه (ه).	دابی : ص. نسب. دابی.
بابا : ا. بابا، باب، نانه، باوك، بابیه، بابو، ناتو.	بانلاق، ماطلاق : بابلاق، زه لكاو، زلق، زلقاو. زونگاو، زلقاوی (ه). زونك، فونی، كورافك (س).
بابا بزرگ : امر. باوا، بابا، بابیر.	باج : ا. باج، حه راج، راداراسه، نس (س).
بانت : ا. باوه، بابیه، بابی، حیابی، سه نارم.	باجگاه : امر. ناحگه، نهواص.
باب دندان : ص. مر. پاودیان، ناو ددان،	باج گرفتن : م. باج سه می، گورد، گرمی. باج گره ی (ه).

باجگیر : ص. سفل. باجهوان.

بادابادا : ص. باده باده، باده باد.

باجباق : ص. ا. هاوزاوا. هم زه ما

بادام : ا. بادام. وامی، چواله (ه).

(ه). تاوول زاوا، هه فال زاقا (ش).

بافی، ناهیف، به عیف، نه عیف (س).

باجی : ا. نابجی، خوهیك، خوسك،

بادام تلخ : امر. بادامه ناله، ناله چواله

هاوسیره، باجی. والئی، ددی، مانك

ناله، وامی (ه). به هیف

واره (ه). حوه (س).

نارنگ (س).

ما حیا : ص. مر. حه ما دار، ماحه با،

بادام سبز : امر. چه فاله. چواله (ه).

باسه رم.

به عیف نه رك (س).

ماحت : امص. ماحه، ماحه.

بادامی : ص. سب. بادامی. وامی (ه).

نیاسره (ه). دووراك (س).

ناد باران : امر. یاسك.

باختن : م. دانیان، بازین. دوورنای.

نادناك : ا. بهرزه حه وائله، نازی

نیایی (ه). دووراندك (ش).

حه وائله، نادناك، كولاره.

باخته : امف. دانیگ، دانیوا، باخته،

نادان : ا. بادهوان، حاروكه.

بهس، بازه نه، دوورواو، دووراندوو.

نادسرن : ا. ناروسه. ناوهیس (ه).

باد<sup>۱</sup> : ا. وا، باد، با، قا (ش).

نایده (س).

باد<sup>۲</sup> : با، فیس، فیز، نه كه بور.

باد<sup>۳</sup> : ا. ناماس، وه ره م، وه ره م،

ماس، مس، نه ره م، نه نام، با،

خامبا، ختیز. وا (ه).

بادآور : افا. بادار. وانموهر (ه)، فا دار

بادان : ا. بادهوان، حاروكه.

(س).

باد آورد : امف. امر. باهاوردگ،

بادیا : ص. مر. یون رهو، به ما، به بی،

فوزراو، ههواته.

گورج، فوچاخ، به له با، راوار،

ناد آوردن : م. ناماس کردن، باهاوردن،

ره هوان. وهس رهو (ه). خوس

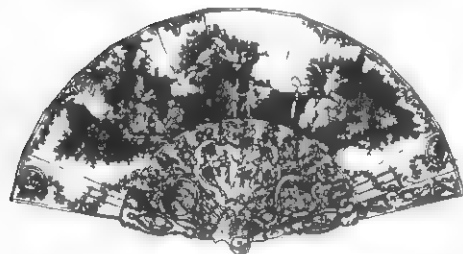
ماس هاوردن، همل هامن، ماسان،

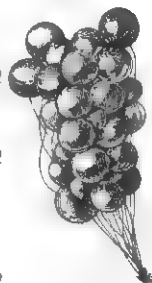
حوو (س).

یا کردن، نه مین، نه مین. هورامای،

باد قند : ص. مر. زه مین، باگزه، واگزه،

واکردهی (ه). وهرمین (س).





بادکنک

- بادگرې، بایي خوړه، بوورگ، ره نه  
 ټا، زه لان.  
 بادخوړ : ۱. ماخوړه، بادرز.  
 باد دادن : م. بادن، باسي دان. وادي  
 (ه). زهراندن (س).  
 باد در دماغ داشتن : کهله ما، قوژ،  
 لووت بهرز.  
 باد در رفتن : م. بساد دهر چوون،  
 لووت هاتنه خواروه، فيس بيشنه وه.  
 وا بهر شهي (ه).  
 باد در کردن : م. بادهر کردن، ترس،  
 تر که ندن، تر ليدان.  
 باد دست : ص. سر. هه له خهرج، وبل  
 خهرج، دس باي، ده س بلاو.  
 باد رنگ : امر. باده رنگ، مارونه.  
 باد ريخته : ص. ۱. پارن. سوواو، وا  
 وسه ندره، وارتر (ه). بافرينگ، با  
 قهرنگ (س).  
 باد سرخ : امر. باد سورج. واي سوور،  
 وهه وسي (ه).  
 باد سرد : ص. سر، امر. زه لان، زه لام،  
 سر، سړه با (س).  
 باد شمال : امر. باي سه مال. واي شه مال.  
 باي باکوور (س).  
 باد کردن : نک. باد آوردن.  
 باد کشي : امر. باکس، هه جهم، که له  
 ساح، ما کس. يا نه نگيو (س).  
 باد کشي تور : امر. گولوه، حاوکه،  
 گول بينه، گولونه، گولوتنه.  
 حاک (س).  
 باد کشي کردن : م. باکس کردن،  
 هه جام کردن. ورلووساي، هوړ  
 لووساي (ه).  
 باد کشک : ۱. نيرانگ، بوفک.  
 باد گرم : باي سه بوون.  
 باد گير : امر. يا گير، باکس، با گير،  
 وا گير.  
 باد نجان : ۱. باده جان، ناحان، باسحان.  
 باد نما : امر. بايوتس، بانه ما.  
 باد مهرب : امر. باي زه لان،  
 باي ده بوور، باي خوهر نشين.  
 بادوام : ص. سر. باده وام، فاييم،  
 بهر گه گير، پتهو.  
 باد و بوران : امر. با و بوړان، وا و  
 بوړان، باکوړه، با گهر.  
 باد وزیدن : م. باهاتن، با هه لکردن.  
 واکه وني (ه).  
 باد هوا : ص. سر. باي هه وا، خوړايي.  
 بته (س).  
 بادي : ص. سب. باني.  
 باديه : ۱. بايه، بادي. سکف،  
 مولک (س).  
 بار<sup>۱</sup> : بار، باروسار.  
 بار<sup>۲</sup> : بار، ميوه، سه مهر، بهر.

- بار ۱ : بار، رهنم، به‌لخ.  
 بار ۲ : بار، کوچ.  
 بار ۳ : ۱. نوک، ده‌فمه، گمل، نوچه،  
 نوچه، حار، باره، به‌دیل، سه‌ره، که‌ره،  
 گل، که‌ره، را، بار، دمس، گه‌سه،  
 حل، رم، سه‌ره، گهر.  
 بار آسیاب : امر. باراس.  
 بار آمدن : م. گه‌سن، بار هاس،  
 گه‌سن. ناوی، بار نامای (ه).  
 بار آوردن : م. به‌ناو هاوردن،  
 بار هاوردن، به‌خم کردن، به‌روده  
 کردن، گه‌وره کردن. نه‌نه ناردی  
 (ه). مه‌زن کرن، ویرا گه‌هاند (س).  
 بار افتادن : م. بار که‌سن، لی که‌فتن،  
 بار که‌وهی (ه).  
 باران ۱. باران، وه‌س، وه‌شک. واران  
 (ه). فاران (س).  
 باران آمدن : م. باران هاسن، بارین،  
 دا کردن، وارین، باران بارین،  
 شس کردن. واری (ه).  
 بارین (س).  
 باران قند : ص‌مر، امر. شس، لی‌زمه،  
 لاسامه، ره‌ه‌تله، ب‌رماو، ناراما  
 خوش (س).  
 باران تند و کوتاه مدت : ناو.  
 بار انداختن : م. بار حسی. ناروسته‌یره  
 (ه).  
 (ه). بار هافتن (ش).  
 باران نرم و کم : نوک، سه، نه‌ب و  
 سم، نه‌رمه باران.  
 بار انداز : امر. باره‌ناز، باره‌فیر (س).  
 بارانی : ص‌سس. بارانی، واری،  
 باسلوح.  
 باربر : افاء، امر. باربره، کوئل کتس،  
 حم‌ال، کوئل به‌ره، بار وه‌گیر، بار  
 هه‌نگر. کارسه.  
 باربند : امر. بارینه، شرب، گورتس.  
 وه‌ریسه (ه). هرس (س).  
 باربیج : نک. باربند.  
 بارخانه : امر. بار و بارخانه.  
 باردار : ص، ۱. ناوس، دوگان، زک بر،  
 زه‌سان. بهی گران، ناو، له‌م به‌ر  
 (ه). ناس (س).  
 بارش : امص. بارس، بارس، نه‌له ،  
 وه‌سه، وه‌سس. واران (ه).  
 بهی (س).  
 بار فروش : افاء. بار فروش،  
 بارورس (ه).  
 بارک الله : بارکه‌لا، ثافه‌رین، بارمه‌لا،  
 نه‌هرم، دمس مه‌رتزا.  
 بار کردن ۴ : م. بار کردن.  
 بار کردن ۵ : م. لی نیان، لی‌نان. میای  
 سه‌ر (ه).

۴- گذاسن بار بر اسب و الاغ و غیره.

۵- بار کردن غذا.

۱- بارزبان.

۲- کوچ.

۳- ده‌فمه، بوب.

- بار کردن<sup>۱</sup> : م. بار کردن، کوچ کردن.  
 بارکش : افا. بارکش، حمل، باربر،  
 جواریا، کوئل کش.  
 بارگاه : امر. بارگا، یال، نرک، بارهگا.  
 بارگی : ا. بارهگی، بابو، نه سپ  
 باری، ولاخ، بهر گیر.  
 بارگیری : ح مص. بارگیری.  
 بارلب : امر. بارلیو، به نخ.  
 بارهته : ا. ره هن، گرهو، بارمنه،  
 گرهوگان، گرهوی، گرتو.  
 بارهته گذاشتن : م. گرهو بیان،  
 بارمه بان.  
 بارنامه : امر. بارنامه.  
 بارو : ا. باروو، فالا، سرج، دیوار،  
 حمر، سورح، کلا، کلاسه  
 کهنه (س)
- باره<sup>۲</sup> : باره، بابب، حقی، مورد، حنا.  
 باره<sup>۳</sup> : باره، نه فح، سوو، نیو.  
 باره : بوگه، جار، حمل.  
 بارهنگ : ا. بارهنگ.  
 باری : ی. باری، به هر جهه.  
 باری : ص نسب. باری، بارکس،  
 بارکتس.  
 باریدن : م. بارس، داسارس،  
 واری، وارس، باران هاسن، داکردن:  
 پهله دان.  
 باریک : ص. باریک، ناسک، لاسر،  
 به سک، زراف (س).  
 باریک بین : افا. باریک بین، ناسک بین،  
 هوور بین (ه).  
 باریک میان : ص مر. ناو هه د باریک.  
 بیک هنگ زراف (س).



بارو

- باروت : ا. بارووب، دهرمان.  
 باروت : ص فا. باروهر، حاصل حتر،  
 برادر  
 باریکه : ا. بیلمه، ریخوله، باریکه.  
 باریکی : ص نسب. باریکی، باریکانی.  
 زرافی (س).



بوم

- باز ۱: باز، بازی، نهرآب.  
 باز ۲: ص. واز، بهره‌آ، کرباوه، وهلا،  
 ناواو، باو، ناک، داحه‌ساگ. سه‌فه،  
 کربه‌فه (س).  
 باز ۳: بی. بازهم، دوواره، دووباسه،  
 نیر، جارتکه‌دی، دسا.  
 باز ۴: ص. مس، ولام.  
 بازار ۱: بازار، کریل.  
 بازارچه: امص. بازارچه.  
 بازار کساد: بازار که ساسی، بازار  
 که ساسی.  
 بازار گرمی: بازار سری، بازار  
 گرمی.  
 بازاری: ص. سب. بازاری.  
 بازمان: اف. بازه‌وان، فوسخی.  
 بازپس گرفتن: م. سه‌ندنه‌وه، مردنه‌وه.  
 نه‌سایوه (ه).  
 بازپرسی: ح. مص. پرساری، لی‌پرسی.  
 بازخواست: باس و حواس، بازخواست،  
 بازخواست.  
 بازداشت: امص. برداست، نه‌و مص،  
 نه‌گری.  
 بازداشتن: م. به‌رگرتن.  
 به‌رگرتی (ه). نه‌هیلان (س).
- بازدید: امص. بازدی، بازبازان  
 بازدید کردن: م. بازدی کردن،  
 سهردان، لی‌گه‌ریان.  
 بازرس: اف. پاپه‌ی، پاپی، بازرس،  
 موه‌س.  
 بازرگان: ص. اف. بازرگان، ماجر،  
 سه‌واگر، کاسب، سه‌وداگر.  
 بازشدن: م. کربانه‌وه. فه‌یون (ش).  
 باز کردن: م. کردنه‌وه، واز کردن،  
 ره‌وانن ۵، دچه‌فانن ۶. کهر  
 ده‌وه (ه). کرنه‌فه، فه‌کرن (ش).  
 باز گذاشتن: م. ناک‌هیتشتن، واز  
 هیتشتن. کربه‌فه‌هیلان (س).  
 باز گرداندن: م. دانسه‌دوواوه،  
 هه‌له‌و گه‌رانن. ور گیلنابه‌وه، هور  
 دای (ه). زفرانه‌فه، زفراندن (س).  
 بازگشت: امص. بازگس، به‌رگسب،  
 واکل.  
 بازگشتن: م. گه‌ربانه‌وه، هه‌له‌و  
 گه‌ربان. گیلیاوه (ه). هاسه‌فه،  
 زفرس، گه‌ربانه‌فه (س).  
 بازگو کردن: م. دوواره‌وس، دوباره  
 گووین، ونه‌وه، دوباره‌ویزی کردن،  
 فه‌گترانه‌وه. واوه‌ی وائی، نه‌وه

۵ - گسودن چیزی که عمداً سگ شده

است مانند لعه‌سوار.

۶ - باز کردن منافذ و محاری بدن مانند

گودن‌حم.

۱ - مرغ سکاری.

۲ - مقابل بسه.

۳ - دوباره.

۴ - معاین فسرده مانند نینه و بسم که  
 بدون فردگی روی هم رنجه یاسد.

واهی (ه).

کهردهی (ه). لاری کهرن،

لهرس (س).

بازماندن : م. نازماک، جهمان، دامان.

حماهه‌ی، مه‌ه‌حگا (ه). دووماسک

نازیگر : ص. فا. کاهه‌کهر، بازی ناز،

بازی گهر. لاری کهر (س).

مان، جیدامان (س).

نازمانده : امعد. نازمه‌ه، ناس ماهه،

نازیگوش : ص. مر. سه‌بنان.

ه‌وار. مه‌ه‌هو (ه). دوومایک‌ماند،

ه‌ه‌حمی (س).

دوومایی (س).

نازنده : امعد. باخته، نه‌س، دانیگ،

باسلق : ا. باسوخ، باسلی.

ناسمه : ص. ا. باسمه.

بازنه‌ه، دووری. نیاری (ه).

ناسواد : ص. خواه‌وار، ناس‌وا.

دووراندی (س).

ناشد که : به‌سکه‌م، به‌سکه، نه‌لکووم،

بازو : ا. هاهوو، فول، بال، بازوو.

نه‌لکو، نه‌لکه.

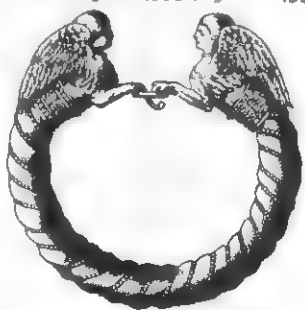
حه‌س، باسک (س).

ناسلخ : ا. نارانی، کلاو بارانی،

کولک (س).

بازوبید : امر. بازووبه‌ن، فول به‌ن، بازن.

باشلق : نک. باشلق



باشه<sup>۱</sup> : برومه، واه، ناسه، نارور،

باسوولکه، ناسوکه، فوس، فووس.

ناشی : ص. ا. باسی، سرگه‌وره.

ناطل : ص. اف. بادل، ناناوان، مفت،

ناحق، بی‌خو، بووح، نه‌ا، نه‌وا.

نه‌رن، نه‌مال (س).

ناعب اف. ناس، نه‌هانه، نسی.

سه‌مارم، سه‌مب.

بازی : ا. گه‌مه، بازی، ره‌به‌ل، کاپلی،

با عجله بلعیدن : ماسانن، هه‌لمه فووب

کلی، کایه، لاری، له‌یز (س).

کردن. له‌ز له‌ز خارن، فوردا

بازیافتن : م. دوزینه‌وه، به‌یا کردن،

کرن (س).

دوماره به‌ما کردن. بوسته بوه (ه).

ناغ : ا. باخ. رتیار، ره‌ز، ده‌حل (س).

بازیچه : امعد. کاهه‌کلی، بازیچه.

ناغبان : ص. مر. امر. ناحه‌وان. ره‌زووان،

کاپلی (ه). له‌یرک، رانک (س).

ناغه‌فان، ره‌زفان (س).

نازی دادن : م. حله‌مانن. حله‌نای (ه).

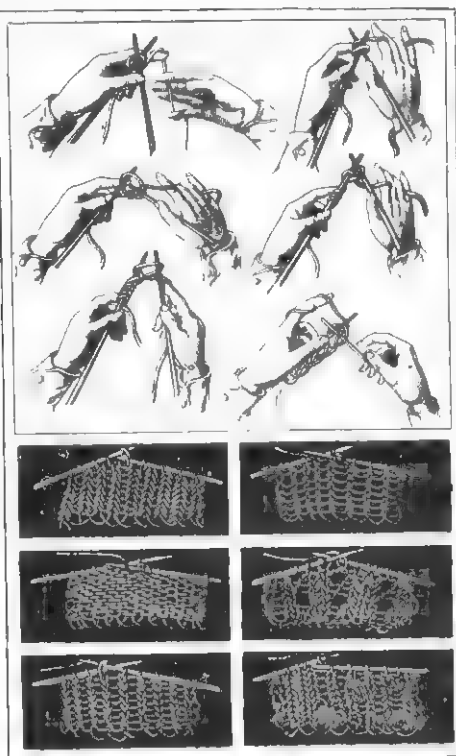
ناعستان : ا. باحسان.

لعمادن، لاندن، حانادن (س).

ناغچه : امعد. ناخچه، ناحعه‌له (ه).

نازی کردن : م. کاهه کردن. کاسلی





باقتی



باقه

رهز، رتبر (ش).

باغرغره : کور کوره. زهره کوی (ه).

کر (ش).

نافت : ا. نان، ناقت، نهفت.

نافتن : م. بافتن، نهفتن، رسن،

هوتنهوه، هوتس. رسی، نهای (ه).

نه هوونان، هونانه (س).

نافته : امف. جنراو، بافته، حنباگ،

باباگ، نهراو، نهراگ، گرافاموک<sup>۱</sup>

(س).

نافتنی : ص. بافتهنی.

نافنده : افا. بافکار، ناهمه، حولا،

نهونه گهر. کورس، کورس

کر (س).

نافور : ا. نافور، واهور. بلول (س).

نافلا : ا. نافلا، نهفته، نافله، بولگ.

نهری (ه).

نافلوا : ا. نافلهوا.

ناقه : ا. حهیکه، بول، دهسه،

ناههس، ناهه، باخه، نهخه.

نافی : افا. ص. نازمهنه، نافی، ناسمهنه،

حانه رۆک، ناساو<sup>۲</sup>، نه رهرا، نه حتی،

نادار، ماندگار. مههه، مهه (ه)

دوومانیکا، دامانی (س)

باقی گزاردن : م. نه حتی هسس،

هیتنهوه، هتسن. ناسه بوه (ه).

هیلان، دوومانیک هیلان (س).

۱. موی ناهه.

۲. ناهه باده مایه.

باقی ماندن : م. مانده، به جی بوون،

ماندگار بوون، باقی مانده.

باقیمانده : امض. پمس منه، باز منه،

پاش منه، باقی، به جی ماو، پاش

ماوه، پاشه. منه، منهی (ه).

بالک : نک. نیم.

بالک داشتن : نک. ترسیان، نوسان،

زاوه چوون، کو خواردن، پمک

کهفتن، سام کردن، زات چوون، کیم

خواردن، زهفق چوون. نرسای،

نرسای (ه). ساف کرن (ش).

باکره : ص. باکره، که نیشک، کناچی،

کچ، کجی.

بال : ا. بال، بهنج (ش).

بالا<sup>۱</sup> : بالآ، بهژن، گز، قد.

بالا<sup>۲</sup> : ا. بالآ، بان، سره، سره. نه فراز،

زوور، سه لان (ش).

بالا انداختن : م. همل خستنهوه،

سرخستن. هوژ و سه یوه (ه).

نه فرازی ها قبتن (ش).

بالا بردن : م. بردنه سر، بردنه بان.

بالا بلند : ص. مر. بالآ بهرز، بالآ بولدن،

نهزه، زه لام، درتیز، بوشناح . بهژن

بلهه (ش).

بالا پوش : امر. بالآ پوش.

بالاخانه : امر. بالآ خانه، سرخان،

نه لار. بیلان (س).

بالاتنه : امر. بالانه.

بالا ترین : ص. عالی. بانگ، بانگین،

سرگین، بهرایک.

بالادست : ص. مر. بالآ دم.

بالار : ا. نه ره، همال، کوتله که، ستون.

بالارفتن<sup>۳</sup> : م. همل وهزین، بان چوون.

وروسته ی (ه). نه فراز چوون (ش).

بالارفتن<sup>۴</sup> : م. به گزدارا چوون، گزرا

چوون، پیا هه لچوون. دار وه سه ی

(ه). پیرا چوون (ش).

بالا زدن : م. هلدان، دانهقه (ش).

بالا کردن : م. بالا کردن، قد کیشان.

بالا کشیدن<sup>۵</sup> : همل کیشان، همل مالتین،

گواستن. ور کیشته ی، هوژ کیشای

(ه). نه فراز برن، نه فراز کیشان (ش).

بالا کشیدن<sup>۶</sup> : همل سیرین، همل

لووشانن. ورلووشته ی، هوژ لووشای

(ه). ری همل کیشان (س).

بالا نما : ص. فاء. ا. بالایوان، بالا نما.

مالایی : ص. نسب. بانگ، سرگ، سرین،

سهری، فوفاپی، نه فرازی (س).

بال بال زدن : م. بالآ نه می کردن، بالآ

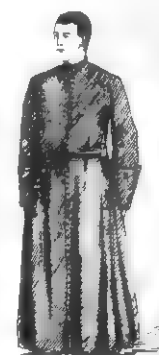
فری کردن، بالآ نه نه کردن، بالآ فستی

کردن. بالآ نه کنای (ه). پهر

لیکدان (ش).



بال



بالا پوش

۴- بالارفتن از درخت.

۵- بالا کشیدن جسم سنگین به بلندی.

۶- بالا کشیدن آب پیی.

۱- در : «قد و بالا».

۲- عکس پایین.

۳- بالارفتن از بلندی و پله.

بالین : نک . بالش .

بام : ا . بان ، یان مال ، که لک ، سه بان ،  
سهربان .

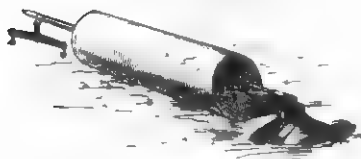
بام<sup>۱</sup> : بانجیله ، بانیزه ، گوته بان .

بام اندود : امر . سواخ ، بانه مال ، بانه  
ناو . ناخ بان (س) .

بامبول : ا . حوفه ، راو ، چاچوله ، فیل ،  
ده سه داو ، فنه ، چاپ ، ده له سه ، گزی .  
نه پرمش (ش) .

بامداد : ا . به ربه یان ، به یان ، به یانی ،  
به یانه کی ، سه یانک ، سبح ، تولوخ ،  
سبیده ، سو ، سه عب ، سه سو ،  
سه ره کی ، کازیوه .

بامزه : ص مر . بامزه ، خموش ،  
خوش مزه ، له ریز ، تام خوش .  
بام غلطان : امر . بان گوردان ، بان گلیر ،  
بان تلنای ، بان نلین ، بان گوردان ، بان  
گلین ، ته یانه ، گردل ، با گردین ،  
با گره ، با گوردان ، با گهرین .



بام گوردان : نک . بام غلطان .

بامیه : ا . بامی ، بامیه .

بانک : بانگ ، بانق .

بانگ : ا . فاو ، ده نگ ، جیره ، فربا ،

بالدار : ص ، ا . بالته نه ، مهل ، بالدار ،  
بالنده ، نهیر ، په له وهر .



سال زدن : م . باله و گرسن ، باله فسق  
کردن ، په ر لیدن . بال ته کنای (ه) .  
نال زدن برنده جوان : باله سه نه کردن ،  
باله وازه بوون . بال سانی (ه) .  
په ر لیکدان (س) .

بالش : ا . بالست ، بالست ، مالتن ،  
سهرگا ، سه رگا ، گور گیره ، بالنگه ،  
گوس گیره ، منه کا ، سهرگا ، بالیف ،  
ناله سه نه ، بالش ، یشی ، سهرین .  
بالغ : بالق ، ره شی ، بالغ .  
بالکان ، بالکانه : دهر بیجه ، کونا و جهه ،  
کونا پوچکه . کلآو پوچی (ه) .  
کولک (ش) .

بال گرفتن : م . باله و گرفتن ، په رین ،  
بال گرفتن ، په ر گرفتن ، په رواز کردن ،  
فرین . بال گرتی ، پرای ، فرای (ه) .  
بالنگ : ا . بالنگ .

بالیدن : م . نازین ، شانازی کردن ، به  
خوتازین ، خوه لکینان .



سدا، مانگ.

بانگ برآوردن : م. بانگ کردن، قاو

کردن، چیرین، دهنگ دان.

گاز کرن (ش).

بانگ کردن : نک. بانگ برآوردن.

بانمک : ص مر. بانه مک، زهره شیرین،

مه کین، خوتین شیرین.

بانو : ا. بانوو، خانم، خان، خاتوون،

خا. خات.

بانہ : شاری له کوردستانی ثیرانا، بانہ.

بانی : افلا. بانی، بایس، بناخه دانەر،

بنیات دانەر.

ببر : ا. بهور، به بر، بهون.

بت : ا. بب.

بتانه : ا. بهقانه، ناسەر.

بت پرست : افلا. بت پهرمس.

بتخانه : امر. بتخانه.

بتو : ص. تنو، بتو.

بجا : ص. به جی، به جاء، به یاکتی،

به جیگه. جیدا (ش).

بجا آوردن : م. به جی هاوردن، به جیگه

هاوردن. به جی هانین. به یاکتی

ناردهی، (ه). ئینانه جی (ش).

بجان آمدن : م. هیلک بوون، به ته نگ

هاتن، به گیان هاتن، به گیان گه یین.

بجای : باتی، به جیگه ی، جیایی،

له جیایی، حی، حی.

بجز : بتر گه، بئجگه، به عیر له.

بولی (س).

بچاپ بچاپ : برقی برقی، گوشه بری.

بچگانه : ص سب. منالی، منالانه.

زاوانه (ه). بوچو کانه (ش).

باور : ا. پروا، باور، باوه، باقر.

باور کردن : م. پروا کردن، باور کردن.

باقری کرن (ش).

باوفا : ص مر. باووه فاء، وه فادار.

نه مه کدار (ش).

باهم : به یه کهو. پیوه (ه). گه لیک (ش).

باهوش : ص مر. بزیزو، وربا، باهوس،

زیرک، هوشیار، نیر هوس.

ناید : ق الزام. نه شی، ده بی، مشیو (ه).

دیب (س).

نایر : ص. باهیر، باهر، بوره، بایر،

به یاز.

بایستن : م. پی ویستن.

بایستی : ق الزام. مه شبای، پی ویست،

نه شبای. دوویا، دیت، دیا (ش).

باریقوش : ا. بوو، بایه موس، باریقوش،

بووه ته قله، که لکه له وانی، شابوو،

کوده بوو. بوت، تری (س).

بچه : ۱. منال، زاوله، بچوو، بوجوك، به به، به چه، زاروله، بهرمه مكه، به بك، دشكه، تفل، تلف، ساقا، به چك، پتي روكه ، پاروكه ، وه پوپك ، پتي خوله ، پيرينك ، پيره نك ، به چ ، لامزا ، زهرنه قوونه ، سه رسوورك ، پاساري ، سواندوكه ، نوكنه ، نوله مار ، دشكه مار ، بیرهزا ، سبله ، سبك ، كب نه، كره نه ، ده لاج ، ۷ بدلح ، ۸ دهر ، ۸ هسه ، ۹ هسه ، ۹ بهرزا ، ۱۰ نوله م ، ۱۰ نوسكه ، ۱۰ سورك ، ۱۰ باركوله ، جه شكوله ، ۱۱ كوله ، ۱۲ شير كوله ، دشكه شير ، پوره ، ۱۲ بازله ، ۱۴ گوپره كه ، ۱۵ گوركه ، ۱۵ دشكه گاڭ ، ۱۵ كوتك ، ۱۶ كورپه ، گووارد ۱۷ بچه از شير گرفتن : م. برينه وه. برپايوه (ه).

بچه انداختن : م. زبان كردن، بهرختن، بارختن. بهروسي (ه). بهرهاقتن (ش).

بچه باز : ص. فا. لوسكه باز، به چه باز.

بخت : امص. باس، به حس، داباش، كولين.

بخت كردن : م. باس كردن. به حس كردهن، كولينه وه، دوين.

بخر : ۱. زربه، به خر، دهربا، ده لبا، زهرپال.

بحران : ۱. هيران.

بحرف كشيدن : م. نوتانن، دوانن. نوتنای (ه).

بخار : ۱. بوخار، بوق، دم، مز، نم، هلم، حلم.

بخاري : ۱. سويا، سوپه، زويا، زويه، بحري كولن .

بخت : ۱. به خت، ناچاو، ساس، با، نفال. \*

- ۱ - بچه ای که از پستان مادر دیگری شير می خورد.
- ۲ - بچه يرنده ای که پر در بياورده است.
- ۳ - بچه يرنده ای که پر در آورده است.
- ۴ - بچه مار.
- ۵ - بچه ای که از پدر و مادر پير به ديا آمده است.
- ۶ - بچه گربه.
- ۷ - بچه شتر يکساله.
- ۸ - بچه خوك و گاوميش.
- ۹ - بچه ميمون.
- ۱۰ - اولين بچه.
- ۱۱ - بچه خرس.
- ۱۲ - بچه شير.
- ۱۳ - بچه زنبور عسل که کندوی دیگری بسکيل می دهد.
- ۱۴ - بچه حيوانات که از حمايت والدين خارج شده است.
- ۱۵ - گوساله.
- ۱۶ - بچه خرس يا گرگ.
- ۱۷ - بچه بک.

- بخت برگشتن : م. به خسته نه و گهربان.  
 بختك : ا. نال، شوه، به ختمك. شوى  
 (ه). نلك (ش).
- بخش : ا. بش، بر، جزم، مووچه،  
 قسمت، بوهر، كوت، بارهچه، پارچه،  
 پشك، به هر، سه هم، باره، لت.  
 بخشش : امص. به بخشش، لحيان،  
 بهرات، ده سمنه، به خشان، وه ليفت،  
 نه نعام.
- بخش كردن : م. بش كردن، به شهو  
 كردن، بردان، قسمت كردن، به هر  
 كردن، ته قسيم كردن. گرتيره (ه).  
 تار كرن، پشك كرن (ش).
- بخشنده : افا. به خشنه، ده سمنه دار.  
 بخشيدن : م. به خشين، به خشان،  
 به خشان، به خشان كردن، ته خشان  
 كردن، بنگردن، گوزنه سنن.  
 به خساي (ه).
- بخل : ا. رزدی، چنوكی، به خبلی،  
 چنگه و سكي، بهر چاوه نگی،  
 چاوتنه گی.
- بخلق : ا. قهيدك، بوخولوف.  
 بخور : بوخور، بوغور، حلم، هلم.  
 بخور بخور : چاپ و گوپ، چاپ و  
 جووب، بخور بخور.
- بخيل : ص. چاونه زير، قيرسى چم،  
 كنس، خه سبس، بهر چاوته ننگ، رزد،  
 به خيل، به خيل، چم، به ننگ (ه).  
 ناخگی (ش).
- بخيه : ا. ته قل، به حيه، به فیه، كوك.
- بچه زدن : م. به فیه ليدان، به حيه ليدان،  
 به قل ليدان.
- بچه كردن : نك. بچه زدن.
- بد : ص. به د، خراب، بتر، خراب،  
 به رهنه، گهن، خراو، يس، چه پل.
- بد آمدن : م. قين هان، بيزيان.
- بد اخلاق : ص مر. به نه حلاق، به د  
 ناکار، گهنه زه، گهنه ده ماخ.
- بداخم : ص مر. روو گرز، روو درژ،  
 روونال، درژ، به دنه خم، تفل، ناچاو  
 شور شيانگ، پلوه پووت كه ر، گهنه  
 ده ماخ.
- بد اصل : ص مر. بؤره، به ونوم،  
 به دره سمن، به د عسل، ره گزييس.
- بدبخت : ص مر. سياچاره، به حمرس،  
 به د به خت، سيارو، روژ رمش، چاره  
 رمش، قه سال، قه شقه، كوتول، كروټ،  
 به دن گين. بار كه وته (ه).
- بدبختی : ح مص. كوتول، روژره شي،  
 به د به ختي، كروټ، نامه ني، بيوله تي،  
 ناسيو، به لا، بتيار.
- بدبیده : ا. كه ره وال، به د به ده، كوپ  
 كوپره، قه تي. هه فیده، ويدي (ش).
- بدبو : ص مر. بو سار، به د بو، سيفتو،  
 كيفی (ش).
- بدبين : ص مر. افا. به دين.
- بدپوز : ص مر. پل و لووت كه ر،  
 گهنه ده ماخ، به دجتر، به ديوز.
- بد ترکیب : ص مر. كريت، به دجتر،  
 ناحه ز، نازره سف، به د بهر كيب.

بدعت : امص. داهنری، داهوهری.	به ده نمك، قه یول.
بدعت گذاردن : م. داهاوردن،	بدچشم : ص مر. چاو حیر، چاوسونك،
داهیتان، نوئی هیتان، باو کردن.	چاوبیسی. چشم دهر (ه).
بدکار : ص مر. بهدکار، بهد کردار.	چاقیوك (ش).
بدکردار : نك. بدکار.	بد حال : ص مر. حال خراو، حال خراب.
بد کردن : م. خراو کردن، خراب کردن.	بد حرف : ص مر. قسه بیس، قه تال،
بدگل : نك. بد ترکیب.	قسه یول.
بدگمان : ص مر. بهدگومان، دل بیس،	بدخواه : اف. بهدخواز، بهدخوا.
دل کرمول، دل چه بل، خانه گومان.	بدخور : اف. دسخور، گهنده خور،
بدگو : ص مر. خوسپ ویز، بهدویتر،	لوونه خور.
بیس گو، بهدگو، خراب واج (ه).	بدخیال : ص مر. دل بیس، بهدغه یال،
بدگویی کردن : م. خراو ون، خوسپ	دل چه بل.
کردن، پشته سر وتن. خراب وانهی،	بددل : ص مر. دل بیس، بهد دل.
زهم کرده ی (ه).	بددهن : نك. بد زبان.
بدل، بدلی : ص. ا. بهده لی، قه لب،	بد رفتار : ص مر. بهدرفار، بهد کردار.
بهدهل، عه یوز، قه کو.	بدرفتاری : ح مص. بهد رفتاری،
بدلگام : ص مر. بهدله غاو، بهدسره	ناسازگاری.
سرکش، سرکشی.	بدرقه : امص. رهوانه.
بدلگامی : ح مص. سرکشی،	بدرقه کردن : م. رهوانه کردن، بهد ره
بهد سری.	کردن.
بدمزه : ص مر. نامار، جن، بهد موزه.	بد زبان : ص مر. بهد زووان، زووان
بدمست : ص مر. بهدمس.	بیس، عه زمان بیس، زمان بیس، جوتین
بدن : ا. تن، بهدمن، نه نام، لاشه، گیان،	فرو س، زووان تال، قسه تال، زووان
گز زبان، گز گیان، جه سه، لاش، لاش،	سیر، دم تال، دم بیس، دم چه یه،
قالب. زه مزه، جه ندك (ش).	دهم هه.
بدنام : ص مر. بهدناو، بهدنیو، تپو،	بدمرشت : ص مر. بهدنهاده
رسوا، ناوازیگ.	بهد سروشت، بهدیره سن.
بدنژاد : نك. بد اصل.	بدشگون : ص مر. وهیشوومه،
بدنما : ص مر. بهدنام.	نهیشوومه، میشووم، شووم، خراو،
بدنه : ا. کوته.	نه حس، نایس، قه شان، قه شقه، قوشن.

بدنهاد : نك . بدسرس .

بدون : بئ .

بدون چون و چرا : بئ نئری و نئری .

بدھکار : ص نا . قەرزار ، قەرر دار ،  
قەر دار ، بدتکار .

بدھی : امیر . قەرر ، قەرر ، قوئله .  
قەر (ش) .

بدی : ص نسب . خراوی ، خرابی ،  
خرابی ، بیی ، بهدی ، شپ .

بدیع : امص . جوان ، نوئ .

بدیهه : ا . هاگو . قنکدا (ش) .

بذر : ا . بهزر ، نوم ، بنه توئم ، دانه ، منج ،  
بوخم ، بوو ، بنه بوو ، دان . توئ (س) .

بذو پاشی : ح مص . بهزر پاشی . توئم  
سانای (ه) . بوو هاقبتن (س) .

بر : بهر ، بههر ، سههر ، میوه ، بار .  
نیمیش (ش) .

بر آمدن : م . همل هانن ، دهر هانن ،  
هانه دهر . بهرنامای ، هور نامای (ه) .

بر آورد : امص . بهراوهرد ، بهخمین ،  
ناپی ، حه دس .

برابر : ص مر . بهراهر ، بهرامبههر ،  
وهرانوهر ، بهرانبههر ، جف ، جوبه چو ،

سر و بهر ، ده ساندس ، ده هادهی ،  
میزان ، رهنگ . بههك ، قهراهر (س) .

برابری : ح مص . بهرایهری ، بهرامبههری ،  
وهرانوهری ، بهرانبههری ، ریکی .

قهرافه‌ری (ش) .

برادر : ا . برآ ، کاکه . دانسی ، برادهر ،  
برآله ، داداس .

برادر اندر : امر . برای باووکی <sup>۱</sup> باف  
برا ، زیربرآ ، برای دانکی .

برادر داماد : امر . برآزوا ، برآزه‌ما .

برادرزاده : امر . برآزاگ ، برآزی ،  
برآزا . کورهی برا (ش) .

برادر زن : امر . زنبیرا .

برادر شوهر : امر . هیتوهر ، شووبرا .  
براهه‌ی مری (س) .

برادری : ح مص . برایه‌نی ، برایی ،  
بهرادهری .

براده : ا . ده‌مه‌سوان ، خاکه ، بوراده .  
ده‌قەر (ش) .

بر افتادن : م . له‌به‌ین‌چوون ، له‌ناو  
چوون ، نوئم بوون . دلته لووای (ه) .

بر افروختن : م . داگرسیان ، داگرپان .  
ورگرپای ، هورگرپای (ه) .

براق : ص مر . بریکه دار ، وریشه‌دار ،  
به‌راق .

براق : ص مر . بوراق ، زیت ، ملاز ،  
دومره‌کی ، فوت ، قهتیز ، گلار .

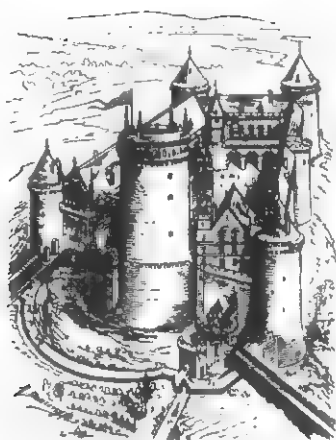
براق شدن : م . م‌یردنه‌وه ، دومره‌کی  
وتسان ، زب کردن ، فوه و بوون ،

ملاز بردنه وه ، خیسه کردن . زینه و  
بوون .

۱-برادر بدری .

۲-برادر مادری .





برج

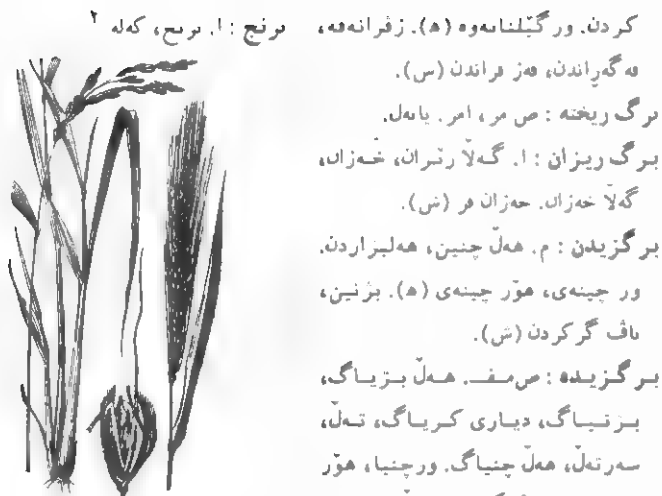
هۆرپرای (ه). حتی نیش (ش).  
 برجستگی : ح مصد. فونایی، بولنئی،  
 بهرزی، هه لاتنگ، قوبکه، بهرزایی،  
 فۆزایی، هووپهک، کۆس، کۆسپ،  
 کۆسایی، گتایی.  
 برجسته : ص، امف. بهرجهسه، فنج،  
 هه ل فوبیاگ، قۆقز، قووج، قیت،  
 کیتل، گت.  
 برجسپ : امر. بهرچهسپ.  
 برجیلدن : نک. برگزیدن.  
 برخاستن : م. هه لسان، بۆن بوونهوه،  
 راسه و بوون، ناخیز کردن، به رزه یا  
 بوون، بهرزه و بوون. ورپستهی،  
 هۆرسه، هۆرسانوه (ه). رابوون،  
 رابین، هه نهرین (ش).  
 برخوردار : امص. بهرخوارد.  
 برخورد کردن : م. بهرخواردن، بووش  
 بوون، نووشیار هانن، نووشیار بوون.  
 بووس نامای، نووسیار نامای (ه).

برانداختن : م. له بهیسا بردن، له ناوا  
 بردن، نوقم کردن، هه ل ته کانن. دلینه  
 بهردهی (ه).  
 برانداز : ح مصد. وهه ناز، سه رنجه،  
 سه ر نیش (ش).  
 برانگیختن : م. هه لخرانن، پلهیان. هۆر  
 خیرنای، وپرخیرنای (ه).  
 برای : ح اصافه. بۆ، له بهر. بهی (ه).  
 برای چه : بۆچه؟ بۆچی؟ بۆ؟  
 بریاد : ص مر. بهربا، بوونا، بهفره و  
 بوونا.  
 بر باد دادن : م. بهربا دان، به ناوا دان،  
 بهفره و نوونا کردن، نابوو کردن،  
 هه دهه دان، به لگ و بِن کردن. بهرباد  
 کهردهی، دلینه بهردهی (ه). سجنه  
 دان (ش).  
 برپا : ص. وپسیاگ، بهرپا، بهپاوه،  
 هه لساگ، هه لدریاگ، ناباد. مردایره،  
 مدداره، هۆردریا (ه). جیدا (ش).  
 برپا کردن : م. هه لدان، بهرپا کردن،  
 بۆن کردنهوه، بهرزه و کردن، دامه  
 زانسن، دامه زان. هۆردای،  
 وردای (ه).  
 برتری : ح مصد. بتر، بهر براری، زیهر.  
 برترین : نک. بالاترین.  
 بُرج : ا. بورج، باروو، قهلا، هه سار.  
 برج : ا. بهرج.  
 برج دیدبانی : رووانگه.  
 برجستن : م. هه ل خستنهوه، بهرینه  
 ههوا، قنجه و بوون. هۆر وسه،

نهفره زئله ، بهفره بوولکله . وهروه	لئکدان، بئک دهر که ون (س).
(ه). هور، هره ه (س).	برد : امص. بر، برد، بور،
برقاب : امر. بهراو. وهراوه (ه).	حووه ناه (س).
برف مازی : بۆنه سه ری.	برداشت : امص. بهرداسب، راکر (ش).
گونه لانی (ه).	برداشتن : م. هل گرتن، لایردن. ور
برف یاک کن : افا. بهفرمال، بان مال،	گرتی، هور گرتی (ه).
وهرمال (ه)، بهر هافر، ساه	راکرن (ش).
قیر (س).	برداشتن بکارت : بن پزان، په پی دان.
برف واران توام : بهره سو،	بن پزگای (ه).
سلوه (س).	بردیار : ص مر. یوردیار، بهرده یار،
بری : ا. بری، کاره نا.	لاسر.
برقرار کردن : م. برهوه، مادار	بردن : م. بردن، بردنه وه. بهرده ی (ه).
کردن، بهر قرار کردن. برهوه (ه).	برن (س).
برکت : ح مص. بب، به، بهره کم.	برده : ص. بهرده، بهه، زیر حری،
بیر (س).	خولام، کوئه، کوئه.
برکنار : امض. فت، کلا، برکنار.	برزگر : ص فا. فهلا، جفت یار،
برکنار کردن : م. فت کردن، بهرکنار	هرزگر، که ساوهر، وهرتر،
کردن.	جوبیار، هبیار، کستکار، کبیل
برکه : ا. گوتم، گوئل، گولاو، برکه.	کار، کسپار.
برگ : ا. بهرگ، گهلا، بهلجه، بهلگ،	سرن : ا. کووچی، گه رهک، کوئلان،
ده مار <sup>۱</sup> ، وهرق، په ره <sup>۲</sup> ، سنورجه <sup>۲</sup> ،	لا کوئلان، مه حله. ناح (س).
لایه ره <sup>۲</sup> .	شرش : امص. زور، برس، جوربره.
برگ بید : امر. گه لابی. گه لا ویکول	برشته : امص. برریاگ، برراو، برسه،
(ه). گهلا بهی (ش).	برما، سوور، هه لابی (س).
برگردانیدن : م. گه پاننه وه، هه وه	برعکس : م مر. بهره کس، جه وانه،
گه پانن، دیواند پی کردن، گه پانه وه،	دور، بیجه وانه.
گیرانده وه، گپانه وه، ده مه و نوخون	برف : ا. بهفر، بهفره لوکه

۱. برگ بوون.

۲. در : «ك برگ کاغذ».



کردن. ور گیلناوه (ه). زفرانه هه،

هه گه پاندن، هه زفراندن (س).

برگ ریخته : ص مر، امر. یاهل.

برگ ریزان : ۱. گه لا رتران، خه زان،

گه لا خه زان. خه زان مر (ش).

برگزیدن : م. هه لا چینه، هه لیزاردن.

ور چینه، هه ز چینه (ه). بزین،

ناف گر کردن (ش).

برگزیده : ص مف. هه لا بزیاگ،

بزنیباگ، دیاری کریباگ، ته لا،

سه رته لا، هه لا چنیباگ. ور چنبا، هه ز

چنبا (ه). ناف گری، هه لا برارنی،

حلب (س).

برگشت : امض. نهواگل، بهر گه شت.

برگشتن : م. گه پیاوه، هه لا و گه پیا،

جوونه وه. هه ز گیلایه وه، نه وه نامای

(ه). فرینه هه، نه گه پریس،

هه زفرین (س).

برگ گل : امر. پورگ.

برگشته : ص. ناوار، هه لا و گه پیاگ،

ناوه روو.

برگ و ساقه خشک برنج : به لم.

برگه : ۱. شلانه کوت، هه شتالوو کوت،

په سو له، له تکه ۱. که لشتوک (ش).

برلیان : ۱. برلیان.

بره موم : ۱. بهر موم، بهر هه، پنده رو.

سبتر (ش).

برنج : ۳. ۱. برنجه.

برنجن : ۱. پاموره، خر خال.

برنده : اقا. بهر نه، سه رکه و بوو.

برنده : اقا. بو ره نه، پریار، تیر، نووژ.

برو در هاندن : م. روو دهه وایسی گیر

کردن. روویره مه نهی (ه).

بروز دادن : م. ناسکرا کردن، بروز

دان، در کانتن، در کاندن، در کسای

(ه). دهه حسنی.

بره : ۱. بهر خ، کاپو، پووش ،

ره بهوی ، وهه (ه)، کافر (س).

برهان : ۱. بازه، به لکه.

بره برین : ص مر. بریانی، بریان.

بره تودلی : امر. ناو له مه. ناو

له مان (ه).

- بره چران : امر . بهرغه له وان ، بهرغه وان .  
 وهره له وهر پټن (ه) .  
 بره کوچك : بهرڅوټه ، بهرڅك .  
 برهم زدن : م . به په كادان ، دانه په كا .  
 ټيك دای (ه) . ټيك همدان (ش) .  
 برهنگي : ح مص . رووته لي ، رووتی ،  
 قوونه لي ، قوونی ، رووتایی .  
 برهنه : ص . رووت ، رووته ل ، قووته ،  
 قووته ل ، قووت ، پهنی ، رهنی و رووت .  
 نازی ، رویت ، رويس (ش) .  
 برهنه شدن : م ، روونه و بوون .  
 بری الذمه : نه ستوپاك .  
 بريان : ص فاء . ا . بريان ، بريانی ، برژيا .  
 بريدن<sup>۱</sup> : م . پرووكيان ، بريان .  
 پرووكياي ، بريهي (ه) . شفق بېن ،  
 قهرملين (ش) .  
 بريدن : م . قرتان ، بريڼ ، قرتاندن ،  
 قرتانښ ، قرت كردن ، پچرانښ ،  
 پچرانندن ، بريڼه وه ، قرت كردن<sup>۲</sup> ،  
 پچران<sup>۳</sup> ، پچراندن<sup>۴</sup> ، دابرين<sup>۵</sup> ، له له  
 كردن ، دادپيښ . بريهي ، له له  
 كهردهی (ه) . پړان ، پسان ، پساندن ،  
 چرتين (ش) .  
 بريدن شیر : پرووسقيان . بزرگان ،
- پرووسقيای (ه) . ټيك كهفتن (ش) .  
 بريده : امف . برياگ ، بريا ، پرووسقياو<sup>۵</sup>  
 بچراو ، پچرياگ ، بزركاو<sup>۵</sup> ، قرنكه ،  
 پرووكياگ<sup>۶</sup> . بريی (ش) .  
 بز : ا . برن ، گدی ، گده ، سياون .  
 چنور ، خرت ، نير ، چنير ،  
 چنوار خرت ، سابرين ،  
 دووشتنور ، گور ، نيري ،  
 بيجی ، پوس ، سووسلی ،  
 ساورين ، سفار ، سهغن ، كهور .  
 بزه ، نشنبره (ه) . بز سبيس ،  
 قوشتورزایی (ش) .  
 بزاز : ص . پارچه فروش . كوټال فروش .  
 پارچه ورش (ش) .  
 بزاز : نك . آب دهان .  
 بزدل : نك . قرسو .  
 بزرگ : ا . به زړه ، خنر . شدن ،  
 شانك (ش) .  
 بزرگ : ص . گه وره ، مه زن ، زه خم ، زي ،  
 حوله ، كه له ، زل ، كه لين ، كه لان ،  
 گرس ، گپ ، گراگر ، زه لام<sup>۷</sup> ، خپ<sup>۸</sup> .  
 بزرگ شدن : م . گه وره بوون ، بالا  
 كردن ، زل بوون ، بارهاتن ، پي گهين .  
 زل بيهی ، گه وره بيهی ، زه لام بيهی (ه) .

۵ - سير برده .

۶ - عوامانده از خستگی .

۷ - انسان بزرگ اندام ، کس ، شخص .

۸ - بزرگی چیزی مانند کلاه به سر یا  
 کفش به پا .

۱ - عوامانده اسب یا انسان از خستگی .

۲ - گرد بر کردن .

۳ - بريدن نخ و طناب و غيره .

۴ - بريدن گوشت دست و پا و بدن  
 وسیله فشار نخ .



بزمجه

بزنر پیشرو گله : چه چه، ته گه، ته که،  
ته جه نه ر.

بژ : ا. ته رزه، زوقم، سوو خار، سبخ،  
به رفخورك، ته وهرگ، قرئه لاسه،  
قورو. نالشت، نالیشك، نالسته (ه).  
خومیز، خووز، خيسار، خوبسه،  
سووخ، خوسر (ش).

بژ : ص. ا. بهس، بهست. وهسی (ه).  
بست : ا. بهس، بهن، گرتی، بهست.  
بستان : ا. بوستان : بیسان، بوتسان،  
باریز. دهجل (ش).

بستانکار : ص. فا. بیسانه وان، بوتسانوان،  
باریزکار، باریزچی.

بستر : اه جیگه، ره غب و حاو،  
به ستر، جی نوتن، بنه خ، لیف و  
دوشك. لیف و یاگه (ه)، فیک (ش).  
بستری : ص. نسب. به ستری، که فنگ،  
ناخویش، بنه خشی، نوینگیر، که فتوو.  
نهوش (ه). نه ساح (س).

بستن : م. بهستن، به سته وه، زهن، توه  
دان، دانه وه، جفت کردن، دابستن<sup>۱</sup>،  
دادان<sup>۲</sup>، دانه یك<sup>۳</sup>، فوجانن<sup>۴</sup>.  
به سهی، داخستن، گهرساندن.  
فوحای، ره پای، دای بوه (ه).

مزن بین، به خودا هانن (س).

بزرگ کردن : م. گه وره کردن، مزن  
کردن، به خو کردن، به باو هاوردن،  
به ره هم هینان.

بزرگوار : ص. مر. بوزورگوار.

بزرگاله : امر. کار، گبشك، بزله،  
کارگ، گدی، نشتیر، کاریله،  
کارزیله، کازیله، قینی. گه هریك،  
كارك (ش).

بژك : ا. نارایشت، به زمك، دهی،  
حه ملین، خه مل.

بژك کردن : م. ناراسته کردن، ناراس  
کردن، زهریب کردن، خه ملاندن، له  
دهی دان، رازانه وه.

بژكوهی : امر. بزنه کیله، بزنه کیوی،  
بزنه نه چیره، کوپه كهل، كه له  
کیوی، كه له کیفی. منقن (ش).



بزمجه : ا. دبله مار، سه مار، بوزمه چه،  
بزنه دوسه، فوریاسه، زهرده،  
یله که ره، تریپه (ه).

بزن بهادر : ص. مر. بلهر بزنن،  
تووشمال، بزنن، دیواندر.

گری دان، بَیْقه دان، فولف لی دان،  
گاله دان، گهرنن، دایخستن (ش).  
بستن نطفه : م. گرسبان، گرسان،  
به ستن. گرسیای (ه). رسکان،  
گوروان، گیرسان (ش).  
بستنی : امر. به سته بی، مه سته بی.  
بستو : ا. به سوو، گۆزه، جهی.  
بسته : ا. ده سه، باقه، چهك.  
بسته : امف. به سیاك، به ستراو، به سه،  
به سیاوه، دریاگوه، به سته، زه نیاگ،  
جفت، قووجیاگ، قووجاو.  
بَیْقه دای (ش).

بسته بزرگ توتون : تاخه، ته خه.  
بسته شدن : م. به سیان، به سی (ه).  
بسته كوچك : ص. ا. پیازگ، گرتك.  
كره (ش).  
بسر آمدن : م. ته واو بوون، ناخرهاتن،  
دوواپی هاتن. دمای نامای، ته ما میای  
(ه). دوومایی هاتن (ش).  
بسر آوردن : م. سر كردن، نواو كردن.  
ته مام كه رده ی، سر به رده ی (ه).  
خلاص كرن (ش).  
بسیار : ص. زیبا، فره، خه لی، فراوان،  
زۆر، بی شو، موّله ی، منسه مه ر،  
بی سامان. زیاد، قیش (ه). زیده،  
گه له، گه لك، بی پیان (ش).



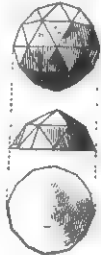
شكه



بشكن : ا. پل، بسته تپل.  
بشكن زدن : م. پل نه فاس، بسته لیدان.  
پلی نه فای (ه). پل لیدان (س).  
بشكه : ا. به رمیل، بوّشكه.  
بصیرت : نك. بینایی.  
بطری : ا. بتری، نبل.  
بع بع : اصد. باله، بایه، معه، قاله، بایه،  
كووریت، باقه باقی، كاله كال.  
بع بع كردن : م. بارانن، باقانن.  
كاله كال كردن (ش).  
بعد : ق. دووا، نه مجا. دما (ه). پاشی،  
باش (س).  
بعد : ا. دوری.  
بعد از آن : له و دووا. دماو ثانیه (ه).

۱. بستن برای پروار شدن.  
۲. بستن درهایی که از بالا به پایین می آید.  
۳. بستن کتاب.  
۴. بستن دهان و جسم و مانند آن.

پاش ههنگی (ش).	کۆست
بعد از این : له‌مه‌و دووا، دما ئینه‌یه	بلاغت : امصد. ده‌مه‌وه‌ری، زووان داری
(ه). پاش نوکه، پاشی نهه (ش).	زمان ره‌وانی.
بعضی : ا. پرتی، به‌غزی.	بلاغ اوتسی : امر. ک‌ووژه‌له.
بعلاوه : سه‌ره‌یا.	به‌رگه‌می (ه).
بیخ بغو : گومه، گمه، به‌قبه‌وو، مک‌مک.	بلاگردان : اقا. به‌لا گه‌ردان.
بغرنج : ص. ا. ده‌ره‌م، شه‌زاو.	بلیشو : ا. ناژاوله، ناژاوه، بلیشو.
بغضی : ا. مان، بوغز، قین، پیش.	بلبل : ا. بلبل، شالور، شالول، بولیول.
قبی (ه).	بلبل زبانی کردن : بلیلی کردن.
بغل : ا. به‌خه‌ل، به‌غهل، هه‌نگل، پال،	بلد : ص. به‌له‌د، شاره‌زا، ناشنا.
بن‌دس، بن‌کمس، باوش، بناخه‌ل،	بلدرچین : نک. پدیده.
باغهل، ته‌موو، کلّسه. واوه‌سی (ه).	بلعیدن : م. قسوت دان، قسورت دان.
سینگ، پاخه‌ل (ش).	قوت دای (ه). قوردا کردن (ش).
بغل بر : لاکن.	بلغم : ا. به‌لغم، نه‌خلات، خلت. خلم
بغلی : ص‌نسب. به‌خه‌لی، به‌غه‌لی.	(ه)، خرین، بلغم (ش).
بقاء : امصد. بایی، به‌قا، (ه‌مر) ماه‌وه.	بلغور : ا. بریویش، بریویش، به‌تله،
بقال : ص. ا. به‌قال.	دانوو، کاله بریویش. هولونه (ه).
بقچه : ا. جلدان، بوشه به‌ر، بوخچه،	سه‌فار، ساوار، ساوه‌ر، هلو‌سه (ش).
چاره‌که، بوخچک، گرنک،	ملکه : ح‌ربط. به‌لکه، به‌شکا به‌ک،
یازگ.	به‌شکایه‌کوو، به‌سکوو، به‌سکه،
بقیه : ا. بافی، مه‌نه. دوو‌مایک‌ما (ش).	به‌لکه‌م، به‌شکه‌م، به‌شکا.
بکارت : امصد. پس، به‌کارم،	بلم : ا. ده‌سه‌که‌شتی، گه‌می، به‌لم.
که‌نیشکی، نیشان، پ‌رده. کناچه‌یی،	بلند : بوله‌ن، بلن، به‌رز، دریز، قووج،
کجیسی (ه).	تویر. بلند (ش).
بکر : ص. کیلک، کناچی، کچ.	بلند پروازی : ح‌مصد. به‌رزه به‌ری،
بکش بکش : برس برس، بکیش بکیش،	به‌رزه‌ری.
سم‌سم.	بلند شدن : نک. برخاستن.
نگونگو : مومو.	بلند کردن : م. هه‌ل برین، بلن
بلاء : ا. ته‌وره، نه‌مه‌ره، به‌لا، سه‌مه‌ره،	کردنه‌وه، به‌رزه کردن. به‌رزه‌و
وهی، ناسبو، نافه‌ب، بوبلا، کۆس،	که‌رده‌ی (ه). بلند کرن (ش).



بلور

بلند کردن صدا : دهنگ دهر دال،

دهنگ دران، دهنگ بهردال.

بلند گو : امر. بهرزه ویر.

بلندی : نک. ارفاع.

بلوا : ا. نازاوله، بهلوا.

بلور : ا. بلور، نه ورك.

بلوط : ا. بهروو. بهلوو (ه).

بلوغ : امص. بلوع، نه کلیف.

بله : نک. ابله.

بلهوس : ص. بلهوهز، هوکی،

هوه سووی (س).

بلی : نک. آری.

بلیط : ا. بلیط، نه سوله.

بلیغ : ص. دهمهوه، زووان باز.

بم : ص. ا. گری، بهم.

بن : ا. بن، بیخ، بنج، ته، بناغه، منج،

ته مهله، بنك، بنجینه، بنیا، ریشه، پی،

پایه، ره موه، نه ساس، بنیشه، بنه پم.

خیم، سقن (ش).

بنا : ا. بهنا، ساختمان هه لخواو.

بنا کردن : م. کرده نهوه. بینا کرده ی

(ه). چی کرن (ش).

بنات التمش : امر. هه وته واتان، ههفت

براله.

بنا گوش : امر. بنا گو یچکه، بنا گوش

(ه). به گوه (ش).

بنام : ص. ناودار، نامی، به ناو،

مه سهوور، ناسیاك، شناسیار، ناسیا،

مه نشوور، شناسیاگ، مه عرووف.

نه زناسیا (ه). ناف دهنگ (ش).

بن بست : ص. م. بن بهس، دهر بووه.

بنجاق : ا. بنچاخ، هه واله.

بند ۱ : ا. بهن، بنگه، جمگه.

گریبك (ش).

بند ۲ : ا. بهن، بهس، گگیر، بهر بهس،

گرفب. وس، وهر بهس (ه).

بهند (س).

بند آمدن : م. بهن هانن، بهسیان،

هانه دین، بهس هانن.

بند آمدن باران : ویانه وه. هه دان (س).

بند آوردن : م. بهن هاوردن، بهستن،

گری دان، بهند کرن (ش).

بند انداختن : م. روومعت گرتن. روو

گره ی (ه). عهی یا کرن (ش).

بند انداز : افا. روومعت گر. عهی را

کهر (س).

بند باز : افا. نه باز، نه نا باز.

بند جوراب : امر. بهن گوروا، بهند کی

گورو ی (ش).

بن دندان : امر. هاروو.

بندر : ا. بهنر.

بندر کاب : امر. رکبف، دووال،

زه خمك، لوقمه.

بنده : نک. برده.



- بند شلوار : امر. هۆجونه، بهنده خوین،  
بهنه خون، گونجهنه. دووخین (ش).
- بند کردن : م. هۆنین، پیته کرن (ش).
- بند گفشی : امر. بدن کهوش. بدن پیلاو،  
بدن و یالایه (ه).
- بند کشی : ح مصد. بدن کهشی.
- بنزین : ا. بهنرین.
- بنشن : ا. تفاق، دهخیل و دان، بنشن.
- زهمبیر، زمهیر (ش).
- بنفش : ا. بهنوش. وهنوس (ه).
- بنفشه : ا. بهنوسه. وهنوسه (ه).
- بنکدار : افا. بنه کدار، چهرچی.
- بنگ : ا. بهنگ.
- بگه : ا. بگه.
- بنه : ا. بنه.
- بنی آدم : نک. انسان.
- بیاد : نک. اساس.
- بنیه : ا. بنیه.
- بو : ا. بو، بوئن. بوئه (ه). بهن، بیتن،  
بوئن (س).
- بواسیر : ا. بهوسیر. مایه سیری (ه).
- بولهوس : نک. بولهوس.
- بوته : ا. بوته، بن، بنجه، بنجک. کولکه،  
برک (ش).
- بوجاری : ح مصد. بهوه جاری،  
پاژینه گیری.
- بوجاری کردن : م. بهوه جاری کردن،  
بژارتن، بژاردن، تهمله کردن، بادان،  
مهبعی کردن. هۆر ته کای (ه). قهوه  
زارتن (س).
- بو دادن : م. بو دان، بوئن دان، بوئانه وه،  
بو بهردانه وه. بیتن دان (ش).
- بوداغن غلات : بوئان، بوئن دان، بر  
زانن. براشتن، قلاندن (ش).
- بو داده : امف. برژاو، بریشته، برژیا،  
برژیاگ.
- بودار : افا. بوئدار، بوئدار، بوئسار.  
بوئن دار، بیتن دار (ش).
- بودن : م. بوئن. بیه (ه). بین، هه بین  
(ش).
- بودود : امر. بو دووکه، دووکه ته  
زه رکئی.
- بور : ص نسب. بغووری، بوولینه، بوئر،  
بوئرته. گهفر (ش).
- بور : بوئر، کال، تهریق.
- بوران : بوران، کریوه، سلیوه،  
باکریوفه (س).
- بورانی : امر. بوئانی. بوره فانیه (ه).
- بوریا : ا. حه سیر.
- بوزده : ص. بوآزه، بوهره. بوژه (ه).
- بوگه، بهن کهتی (ش).
- بوزینه : ا. مهبمون، عه نهر،  
سه گار.
- بوستان : نک. بسان.
- بوسه : ا. ماچ، راموس، راموز.
- بوسیدن : م. ماچ کردن، راموسان،  
راموسین.
- بوف : نک. بایفوش.
- بوق : ا. بوی، بوئی، بویره.
- بوقلمون : ا. بهفله مووت، بوقلمون،

بوځله، چرچ، عله عیش،  
عله تیش (ش).

بو کردن : م. بوکردن، بوځدن.  
گهښ.

بوگز : امر. بوگز، بوسووتیاگ،  
بوچه وور.

بوگندو : ص. مر. بوگه نکه. سفتو،  
کیمکی (س).

بوم : نک. باقوش.  
بومی : ص. نسب. بومی، مه خلی.

بومادران : امر. بوماران. دایکه  
ماران (ش).

بوی بدن و پا : بوکلیشه. بوکلیش (ه).  
بوی چربی سوخته : بوچه که وړ، بوچه  
قه وړ، بوگز، بوچووک، بوچه که وړ.  
پسو (ش).

بوی پشم سوخته : بو پرووز، بو سو.  
بوسوت، یتنه کوزریک (ش).

بوی نا : بوچال، بوځدن، بوځماوی،  
بوچه ووگ، بوچه ووگ، بوچه ووه.

به : ا. بهی، بهی، بی.  
به : ص. به. بهخ.

به به : ص. به. به. بهخ بهخ.  
بهاء : ا. بایی، باتی، نوزش، قیامت،  
به ها، نرخ.

بهار : بهار، وه مار.  
بهار بند : امر. بهار بن. وه مار

بهن (ه).  
بهار خواب : بانجیله، بانیز، بانیزه.

بهاره : ص. نسب. بهاره، بهاری.

وه مار (ه).

بهانه : ا. بونه، بیانوو، بهانه، بیانک،

پهرچ، بهرپهرچ، بونه، بایس، پهلپ،  
پروو، سوره، لام، گزهک، ده ساویر،  
ده ساویر.

بهانه کردن : م. بهانه کردن، بیانک  
هاوردن.

بهانه گرفتن : م. بهانه گرفتن، بیانک  
گرتن، پهلپ گرتن. هجعت  
گرتن (ش).

بهانه گیر : اقا. بهانه گیر، نه پ فروش.  
بهبود یافتن : م. خاسه و بون، سافه و

بوون، چابوون. وهسه و بهی (ه).  
باس بین، چتی ینه ه، هرسین (س).  
بهت : امص. بوخت، به حب، گتیری،  
گیجی.

بهتان : ا. بوختیان، بوختیان، بوختان.  
فر (ش).

بهتر : ص. بفض. خاسر، باس بر،  
چاکر، چتر.

به دانه : امر. بهانه.  
بهر : ا. بهش، موچه، باره، پسک،

بهر. پار (ش).  
بهره : ا. باره، بهره، موچه، بهش،

قازانج، سوو، خهیره، نه فح،  
مه نفعه، فایه، که لک. پار. بوهر،

بهر یار، ماف (ش).  
بهره وهر : ص. مر. بهره وهر، بهش بهر،

قازانج بهر، بهره دار، موچه بهر،  
باره بهر، بهره من.

- بهشت : ۱. به هه شت. بومش،  
بهست (ش).<sup>۹</sup>  
بهمان : فلان، بيسار، به همان.  
بههم رسیدن : م. به يهك گه بين. ياواي  
به يو (ه). گه هه شته يه ك (ش).  
بههم زدن : م. به به كا دان، شيوان،  
ههك رووشانوه، شيوان، شيواندن.  
شويناي، نيك داي (ه). نيك دان،  
ناهك دان، گه مراندن (ش).  
بهمن : ۱. هه رمس. هه ره سه (ه).  
ره ني (ش).  
بهمن ماه : ري به ندان.  
بي : علامت بي. بي.  
بي آبرو : ص مر. بي ناوړو، ترو،  
رسووا، به به مامه، دامالباگ،  
ديواندي. به قليبوك (ش).  
بي آرام : ص مر. گلاروا، بي نارام، بي  
ناو.  
بي آزار : ص مر. بي وهى، بي نازار.  
بيابان : امر. بياوان، چول و هول، چول،  
چوله مه، بيابان، سه حرا، ده شت،  
چولگه.  
بي ابر : ص مر. ساء، سابه قه، ساف.  
سايي (س).  
بيات : ص. يه زيره، به ماته، شو مهنه،  
شوسار. نه قى (س).  
بي ادب : ص مر. بي نه دمب، بي عه دمب.  
بيار : امر. بيار، بيهه، ناله نه قه رنگى.  
بي باك : جه سوور، دي، بي باك، به زات،  
بي پخوا، ديواندي، چاونه ترس.
- بياويرو : گيره و كيته، دهر و ده شت.  
قهره و هه ره (ش).  
بي پايه و اساس : تړه كه لگى.  
بي پايان : ص مر. بي دووايي. بي دمايي  
(ه). بي دمايك (ش).  
بي پروا : نك. بي باك.  
بي تاب : ص مر. بي تاوه، بي نارام،  
بي وه قه.  
بيتوته : ۱. ستار.  
بيجا : ق مر. بي جيهگه، بي جا. بي ياگه  
(ه). بي جي (س).  
بي جهت : ق مر. بي جه ههت. بي  
چنه (ش).  
بيچاره : ص مر. بيچاره، بار كه فنگ،  
هه ژار، داموا، نه رامنه، بي ده سه لات،  
كولول، كورول، نه قير. به ره ش،  
قسيان، زيقار (ش).  
بي چشم و رو : ص مر. بي چاو و روو.  
بي چون و چرا : بي نه ري و نه ري، بي  
چوون و چرا.  
بي حال : ص مر. بي حال، بي ره مقي.  
بي حس : ص مر. بي حس، بي هيز،  
سي، سس، بي ههت.  
بيحيا : ص مر. بي حه يا، دامالباگ،  
سه ليته، روو هه لماروا، كاوتى،  
داشوريباگ، زار دپاو، بي ناوړو،  
بي نابرو، ده پاشو، نوو شمال،  
جهوره، روو دامالباگ، بي سرم، جه  
ناوه روو، ديواندي، فليته، فاشو بچى،  
قه شمرا<sup>۱</sup>. به فليسوك، بلوخ، ده ليعاني

- (ش). به خه بهر، بیدار، زه غل. هاگآ،  
های (ه).
- بیخ : نک. بن. بی خاصیت : ص مر. بی خاصیت،  
بی خو.
- بی خانمان : ته ره، تووآ، دهر به دهر،  
ناواره، عواره، ته فره و تووآ،  
باشیلار، بی خان و مان، بله نگاز،  
سوخت، سهیلان، لانهواز. عه قدا،  
قلمه (ش).
- بیختن : م. ته قانن، بیژنگ کردن، قیلک  
کردن. وینه (ه).
- بیخ جارو : امر. کوتره گزگ. قوته  
گری (ه). قورومکه گیزک (ش).
- بیخ گوشي : بچه، چبه، سر به، فچه.  
چنه (ه).
- بیخ گوشي حرف زدن : م. بچه بچ  
کردن، چپانن، چپیدن، سرکاندن.  
سکاندن، سپاندن (ش).
- بیخود : ص مر. بی خو، هاگو، بی خود.  
بی خیال : ص مر. بی حمال، بی فکر.
- بیخود شدن : م. بیوان بوون، له سر خو  
چوون، سر حال چوون، خو قه  
چوون (ش).
- بید : ا. بی، نه ره بی. بزوو، ویکول (ه).  
بهی (س).
- بیداد : ص مر. بی داد، جهور، زلم،  
سم، زور، زنا.
- بیدار : ص. بهار، وریا، ناگآ، حه ور،
- به خه بهر، بیدار، زه غل. هاگآ،  
های (ه).
- بیدار شدن : م. خه وره و بوون، وریا  
بوونه و، به یاره و بوون، زیته و بوون.  
خه بهر و بهی، های به نه و (ه). به  
خودا هانن، هالتی بوون (س).
- بیدار شده از بهوشی : به خواهانن،  
وشیاره و بوون. نامانه و بویره (ه).  
هوشیارینه قه (س).
- بیداری : ح مص. به باری، وریایی،  
هوشیاری.
- بیدرنک : ق مر. نازا، زوو، بی درهنگ.  
بی دست و پا : ص مر. بی دم و پی،  
ولح، نه گو، سایلوح.
- بید مجنون : امر. شور بهی، شینده بی.  
ماش بهی (ش).
- بیدمشک : امر. بیدمشک، شینگ  
بهی (ش).
- بیدل : ص مر. بی دل، قرسه نوک، بی زات.  
بی دندان : ص مر. امر. که بوو، بی دندان.
- بی دین : ص مر. بی دین، کافر، بی راه،  
هله، بی یت، گو مرآ.
- بیراه، بیراهه : ص مر. بی راه، بی یت،  
بی راهه، چول بی، زه لامه یت، لاری،  
باریکه ری. نافر (ش).
- بیرق : ا. به یاخ، نالا، دروشم، عه لم.  
به یداخ (ه). به ندیر، مونچک،  
کریچک (ش).

- بی‌رگ : ص مر. بی‌رگ.  
 بیرمق : ص مر. بی‌رهمق. که‌هال (ه).  
 بیروح : ص مر. بی‌روح، بی‌رح (ش).  
 بیرون : ا. دهر، دهره‌و، خارچ، دهری.  
 بهر (ه). دهره (ش).  
 بیرون آمدن : م. دهره‌ان، دهری‌ان.  
 به‌نامای (ه). دهره‌هان (ش).  
 بیرون آوردن : م. دهره‌اوردن،  
 دهره‌انین، دهره‌ان. به‌نارده‌ی.  
 دهره‌نن (ش).  
 بیرون انداختن : م. دافره‌انین، دهر  
 په‌انین، دهره‌په‌انین، دهره‌ستن،  
 فرنانین، دهره‌چرانین. به‌روسی (ه).  
 فیراندن (س).  
 بیرون جهیدن : م. دهره‌په‌ین، دهر  
 بو‌ین. برای جه‌به‌ر (ه). هه‌په‌ینه  
 دهر (ش).  
 بیرون رفتن : م. چوونه‌ دهر، دهره‌و  
 چوون. جه‌ر لووای (ه).  
 بیرون ریختن : م. دهردان.  
 بیرون کشیدن : م. دهره‌کشان، نینانه  
 دهر، هاورده‌ دهر. به‌رکشان (ه).  
 دهره‌کشان (س).  
 بیرونی : ا. بیرونی.  
 بیزار : ص مر. بیزار، به‌وه‌سیباگ،  
 سار، ویزار، وه‌ره‌ز.  
 بیست : سی. ویس (ه). بیست (س).  
 بی‌سر و پا : ص مر. بی‌سر و پا.  
 بی‌سر و زبان : ص مر. بی‌دم و بل،  
 بی‌سر و زووان، دهری (ش).  
 بیسواد : ص مر. بی‌سواء، نه‌خوه‌نه،  
 نومی، نه‌خاندوان (ش).  
 بیش‌تر : زور‌تر، فره‌تر، زیانه‌ر، زوره‌،  
 پتر. زیده‌نر (ش).  
 بی‌شاخ (بز یا گوسفند) : ص مر.  
 بی‌شاخ، کو‌ل. کوچ (ش).  
 بی‌شرف : ص مر. بی‌شرف.  
 بی‌شرم : نک. بی‌حیا.  
 بی‌شمار : ص مر. بی‌ژمار، بی‌شمار،  
 بی‌سو، بی‌نه‌ژمار، بی‌مار. بی  
 تیان (س)  
 بیشه : ا. ریل، دارسان، گورانگه،  
 گه‌به‌ل، بیشه، چنارسان، چر، چره .  
 ویشه (ه). میشه، ده‌ل (ش).  
 بی‌صدا : ص مر. بی‌ده‌نگ، بی‌چرکه،  
 په‌واش، پاچرکی، خب.  
 بیضه : هیلکه‌گون، خایه، گون.  
 که‌ه‌گون (ه). هله‌گون (ش).  
 بیضی : ص مر. هینکی.  
 بی‌طرف : ص مر. بی‌لای، بی‌لایه‌ن.  
 بیعار : ص مر. بی‌عار.  
 بی‌عانه : ا. به‌عانه، پشته‌کی، به‌عی،  
 به‌عانه، پتش‌بایی.  
 بی‌عیب : ص مر. ساق، ساخ، سالم،  
 بی‌عیب.  
 بی‌فایده : ص مر. بی‌فایه، بلح،  
 بی‌فرشک، گو‌تال. حاش (ش).  
 بی‌قرار : ص مر. بی‌تاو، بی‌ه‌رار،  
 بی‌نارام، بی‌وه‌ره.  
 بی‌کار : ص مر. بی‌کار، به‌مال،



بیل

دەس بە تال، بێ سول (ش).

بیکاره : ص مر. بێ کاره، ریبال،  
بووده نه، پاتال، زرتی، نلار،  
نه وه زمل، ریوژ، لوژ.  
بیکاری : ح مصد. به تالی، دەس به تالی،  
بیکاری.

بیکسی : ص مر. بێ کەس، بێ دەر،  
بێ کەس و بێ دەر.

بی کس شدن : م. لازه بوون،

بیگ : ص. به گ، سان.

بیگار : ا. بیگار، سۆره.

بیگاری : ح مصد. بیگاری، زۆر نگیری،  
زۆر گیری. زهود (ش).

بیگانه : ص مره امر. نه شناس، بیگانه،

نه نیاس، خارجی، نه زناس، نه جنه بی،

غهریبه، غهواره سۆر. بهرانی (ه).

بیانی (ش).

بیگانگی : ح مصد. بیگانه بی، بیانه بی.

بیگاه : ق مر. بێ وهخت، ناوهخت،  
ناکاب.

بیگدار : امر. بێ بگاری، بێ ههوا،  
بێ بهور (ش).

بی گمان : امر. بێ گومان، بێ سو،  
بێ سک.

بی گناه : ص مر. بێ تاوان، بێ گونج.

بیل : ا. بیل، مه ره، بێ مه ره.

بیله : اصم. لاوینه، بیلجه، گیا کەن.

بیلداری : ح مصد. بابیل، بیلداری

بیلداری کردن : م. بابیل کردن،

بیلداری کردن.

بیم : ا. مەنرسی، مرس، سام، بیم،

هه روا، ناک، نه س، حنوم، حوف،

کو، گومان، هه راس، کیمخوا، یهک،

عه زهت، ساق، سوهون (س).

بیمار : ص. بیمار، ناخوس، ناساق،

نه حوس، سه حهوا، ناساز، ده رده دار،

سه خسیو، به سه هری، نازار دار،

مه ریز، بيمرسی. نهوض (ه). نه ساح

(س)

بیمارستان : امر. نه حوه سخانه،

بیمارسان، مه رتزخانه، بیمارستان،

خه سه خانه، خه سه تانه.

بیماری : ح مصد. نه حوه نی، نازار،

بیماری، مه ره ز.

بیمایه : ص مر. بێ مایه، بله گاز، بله

نگاز. بی ماقه (ش).

بی مزه : ص مر. بێ تام، بێ مک، بێ مه زه.

بیمناک : ص مر. مەنرسی دار، ترسه

نۆک، بيمناک.

بی منلق : ص مر. بیثاج.

بیجه : ا. مسوو گیری.

بیجه گهر : اقا. مسوو گهر.

بین : ۱. ناو، ناویراس، نیوان، بهیس. دلی  
 ریاسی (ه). ناقه، نیماکه (ش).  
 بینا : ص. به سوما، بینا.  
 بین المللی : امر. نیو نه توان.  
 بیایی : ح مص. سوما، هانا، دب، دید،  
 بیناسی. ویناسی (ه). به سار،  
 بیاهی (ش).  
 بی نتیجه : ص مر. بی فرسنگ،  
 بی ده ساهاب.  
 بی نشان : ص مر. بی نسان، بی سون،  
 گوم، بی سر و سون.  
 بی نمازی : ح مص. بی سویری.  
 بیمایی (ه).  
 بیننده : افا. بینر.  
 بینوا : ص مر. زار، هزاره، بی نه واه،  
 نه راعنه، ره حال، ره ر. ره رن (س).  
 بینوایی : ح مص. ناسی، بی نه وایی،  
 هزاره، ناری، ره حال، به داری،  
 به رتسای.  
 بینه : ۱. به، سه حمام.  
 بیننی : ۱. لووب، برناخ. دفس، هه نگ،  
 بهه، بوز، بوس، که تو (س).

بی نیاز : ص مر. بی نیاز.  
 بیننی گرفتن : م. لووب سرین. چلم  
 سریه (ه). دفس گرین (ش).  
 بی وفا : ص مر. بی وفا، بی نه مگ (ش).  
 بیوه : ص مر. امر. بیوه، بیوهرن. بیوهر  
 (ه). بیه (س).  
 بی همتا : ص مر. بی تا، بی هاوا.  
 بی همتا (ه). بی هه فال (س).  
 بی هنر : ص مر. بی هنر.  
 بیهوده : ص مر. بیهوده، بی خو، گف،  
 به آل، بووح، بی فاده، خویرایی،  
 بی فرسنگ، به رن، چنه می، فیرو،  
 گرافه، نه ره ماش، گیتال.  
 بیهوش : ص مر. بی هوس، بی خو،  
 بیوان، بی خود، خهوش.  
 بیهوش شدن : م. له سر خو چوون،  
 بیوان بوون، بی خو بوون، بی هوش  
 بوون، زه عف کردن، خهوس بوون،  
 زه عف کردن. چووی شییه، بیابان  
 که ونه ی (ه). بی هوش بین، سه رخو  
 چوون، خوئه چوون (س).



بیننی



پ : پ.

پا : ا. قاچ، یا، قول، لاق، لوق، پی.

پا انداز : امر. پایہ ناز، قور مساخ،

دہ پیوس، جاکش، قہلثہ، کوزکش،

کوس کش.

پا اورنجن : امر. پامور، پاوینہ،

باوانہ، خرخال، ہولداخ.

پا بہ پا : ی مر. پا بہ پا.

پا بیا کردن : م. پا بہ یا کردن.

پا برج : ص مر. یا بہ رجاء، یا دار،

راوہ ستاو، چہ سپیو. جیدا،

قہبری (ش).

پا برجین : ق مر. پسکہ پسک. پسو و

سو و (ہ).

پا برهنہ : نک. نانہ تی.

پایماہ : ص مر. پاوہ مانگ، نو مانگ.

سہ رحمہ (س).

پاسد : امر. باہد، ناوہد، ہند.

پایوس : اف. پایووس، پایوس.

پاہ بخت : ص مر. پاوہ بہ بخت.

پایاسی : ا. نایاسی.

پاپنی : ص مر. یانہ سی. ناخروا،

ناوروا (ہ). پستی حاس، پستی

خاوس (س).

پابوش<sup>۱</sup> : امر. کالہ، خامینہ، پایوس،

کہوس، سوال، بانٹول، سانان. بالآ،

ناوہرہ، ناہری (ہ). کالک،

سولک (س).



- پاپوش<sup>۱</sup> : امر. پاپوش. ناستهنگ (ش).  
پاپی شدن : م. پاپی بوون، لهسه رچوون.  
پاپه ییبه (ه). شون پوین (ش).  
پاتوق : ا. پاتوق، ژوانگه، حه شارگه.  
پاتیل : ا. پاتیل، تیانه، قازان.  
پاجوش : پاجوش، شینه، بن لقی،  
بن چل، خام، شات. لاوهج (ه).  
پاجلو پا گرفتن : م. پاچه قولی دان.  
پانجه قول دای (ه). پی  
به پی گرتن (ش).  
پاچال : امر. پاچال، پی چال.  
پاچراغ : امر. داش، پاچرا.  
یردای (ش).  
پاچنبری : ص. مر. گوج، کوچ.  
پاچه : ا. پاچک، پاچکه، پاچه. پی  
پک (ش).  
پاچه شلوار : امر. دهر پاچه.  
دهر پاچه (ه). دهره لگ،  
ده لنگ (ش).  
پاچین : ا. پاچین.  
پاداش : نک. اجر.  
پادرحتی : امر. رزیاگ، بارین، رزیا.  
واریزه (ه). نافه رنگ (س).  
پادرهوا : ص. مر. باده رهوا.  
پادزهر : امر. زار بر.
- پادشاه : امر. شاه، پاوشا، پادشاه، پاشا.  
پادو : ص. ا. پادهو، پاکار، گزیر.  
یه تک (ش).  
پار : ق. پار، پاره که.  
پاراب : ص. گهس، پاراو، مزر، پسر.  
گیر (س).  
پاوچ : ا. باج، پارچ.  
پارچه : ا. پارچه، فوماش، کاتال، کوتال.  
پارچه ابریشمین : س. ک. حه تاره (ش).  
پارچه کتانی : امر. قه زگ.  
پاردم : امر. فوشقون، رانه کی، پالندو.  
قوسه، بالی، رانک (ش).  
پارس : اصت. پارس، وه ره، ناس، حه به،  
حچه، حه به حه، حه و لوور.  
گه (ه). عوهوه، حه ووه (ش).  
پارسا : ص. پارسا، پارتیزگار.  
پارسال : نک. پار.  
پارسنگ : امر. پارسهنگ.  
پارک بجه : امر. ره پهلگا.  
پارو : ا. پارو، باله کیره، به ره به ره<sup>۲</sup>.  
چه په<sup>۳</sup>، سه لی. پالی (ه). بیک (ش).  
پارو کردن : م. پارو کردن، مالین .  
پالی که رده ی، مالای (ه). بیک  
کرن (ش).  
پاره : ا. بر، قه قه، گونچر، تیکه، بل،

۲ - باروی ویره برف پاک کردن.

۳ - باروی قابی رانی.

۱ - کفتی، پای افزار و آنچه پا را

پیوساند مانند شلوار.

۱ - مانع و سدی که در راه ییوسف

مردم ایجاد کنند.

- نه بجه، نهل، هر بکه، فتحک، لهب، یرک.  
پاره : ص. دریباگ، دپاو، دریبا، لهب،  
کوت، نیکه، یاره. بچریباگ<sup>۱</sup>، بچراو،  
بچریا، دپاو، شری، عرفاب، نلیسیباگ،  
شیتال. کهر، خافک (ش).  
پاره پاره : ص مر. بچری بچری، هه لار،  
شری، داوه سیباگ، ریبال، کهل و کوم،  
یاره یاره، جی او جری، له لهب، لهب و  
یعب. کهر کره، خار خار، خافک (س).  
پاره شدن : م. بچریین، داوه سبان،  
دریان، بچریان.  
پاره کردن : م. دریانن، داوه ننانن،  
بچریانن، تلیسانن، بران، کوب کردن،  
دا دریان، دادریین، هه لار کردن،  
لعت کردن، دریان، دریین، شری کردن،  
دافلپاندن. دریی، رینای (ه).  
پاره کردن بازور : همل تلیسانن،  
داتلیسانن، دادریین، دافلپاندن،  
دادریاندن، همل دریاندن. هور  
تلیشای (ه). هه رزاندن (ش).  
پاره سنگ : امر. خیره سنگ، خیره  
کوچک. خیره پهل (ه). خریک، خیره کک  
خیره بهر (ش).  
پاس : ا. پاس، چاودیری.  
پاس<sup>۱</sup> : پوواز، دهه پوواز، لاپوواز  
پینجه (ه).  
پاسا : ا. مایه، په سا، پاسا.  
پاسبان : امر. پاسهوان، نگابان، پاسه بان،
- چاویار، ناران، بلیس، ناردان، ناحان.  
زتره فان (س).  
پاسپورت : ا. پاسا پورت، نه زکهره،  
پاشاپورت، گوزه رنامه.  
پاسخ : ا. ولآم، جووواو، جووواب،  
ناسوخ، حوری، بهر سف، جوهاب (ش).  
پاسدار : افا، ص مر. پاسدار، حاوبار،  
نگابان، هه رهول، نگه هان.  
پاسگاه : امر. نازگه، پاسگاه، پاسگه،  
پوس، پوس.  
پاسور : ا. پاسور، وه رهق.  
پاش بند : پاسه بن، پاسه وهن.  
پاسله (ه). لاحک (س).  
پاشه با : امر. بارنه، بارنو، جیک،  
هومپایی، هومپازنه، له مان، نانی (س).  
پاشنه کفش : امر. ناله کی، ماره.  
پاشنه در : امر. گیتجه، گیره به،  
گیره به، درسمه، سک، مور،  
بارنه (ه).  
پاشنه کش : امر. باره کتیی. نانی  
کتیی (س).  
پاشویه : امر. پاسوره، سووراک (س).  
پاشیدن : م. براسی، برگسای (ه).  
پساییدن (س).  
پاشیده : امف. برر، بلاو، بریباگ،  
سایاگ، سووا سرگا (ه).  
پیشاندی (ش).  
پافشاری کردن : م. پافشاری کردن، رک

- دا بردن، وړك كردن، بادانه گز،  
 فیسرار كردن، بادانه جوی. جندا  
 راوهستان (س).  
 پاك : ص. ناك، نه میس، خاوتس، بزوس،  
 پاكیزه، یوخته، ساف، سفت و سټ،  
 زهنگ، قازاخ.  
 پاكار : ص مر، امر. پاكار، گزیر،  
 پادهو. یه پتک (ش).  
 پاكټ : ا. پاكټ.  
 پاكدامن : ص مر. پاكدامن.  
 پاكردن : م. كړدنه، پاكی كردن، له پاكی  
 كردن.  
 پاكشیدن : م. پاكشید. پاكشیدای (ه).  
 یاردا جوو (س).  
 پاك كردن<sup>۱</sup> : پاك كردن، نه میس كردن،  
 پاكه و كردن، لابردن، فال كردن. پاك  
 كهردهی، پاكیزه كهردهی،  
 یوخته كهردهی، ناده كهردهی (ه).  
 پاك كردن<sup>۲</sup> : مالتین. مالاسره (ه).  
 جومال كردن.  
 پاك كردن<sup>۳</sup> : سربین، داسربین.  
 سربیه (ه). فشکین (س).  
 پاك كردن<sup>۴</sup> : م. ساكر دان، وه جسی  
 كردن، بزاردن، بزارتن، هه رز گرن.  
 كه شكه كهردهی (ه). نالاخ كړن (ش).  
 پاكښه : امر. پاكښه. مالوهمس (ه).
- پاك نهاد : ص مر. ناك نیا.  
 پاكی : ح مصر. پاكی، نه میس،  
 خاوتی، پاكیزه، تارمت، سوار.  
 پاكیزه : نك. پاك.  
 پاكیزگی : نك. پاكی.  
 پاكرفتن : م. پاكرفتن، پاكی گرن.  
 پاكشا : امر. پاكشا، پاكشیلانه.  
 پاكشا كردن : م. پاكشا كردن،  
 پاكردنهوه. پاكوه كهردهی (ه).  
 پالان : ا. كوږپان، كورتن، پالان،  
 سه كار، قهجرى.  
 پالان دوز : انا. كوږپان دوز، كوږپان  
 دروو. كوږپان وراز (ه).  
 پالتو : ا. پالتاو، ساقو، ساكو، قاپووب.  
 پالکی : ا. پالکی.  
 پالوده : ا. پالوده.  
 پالیر : ا. پالیر، پالیر، پالیر، پالیر،  
 پالیر.  
 پالیزبان : امر. دهنتوان، سه مان.  
 پامال : نك. پامال.  
 پامال كردن : م. پامال كردن، پامال  
 كردن، پاكی مال كردن، له پاكی كردن،  
 پامال كردن، پاكی پاك كردن، پاكی پاك،  
 پاكی پاك. نهوه ساوای (ه). زه عی  
 كړل (س).  
 پامزد : امر. پالادیرانه، كراها پاك، پامز.

۴ - پاك كردن زمینی و سربع از علف  
 هرز.

۱ - پاك كردن و شستن.  
 ۲ - پاك كردن قناب و جوی.  
 ۳ - پاك كردن بینی.

پانزده : عدد. پانگزه، پانزده.

پانصد : عدد. یانصد، پینصد.

پاورچین : قمر. پاچرکئی، سوووسو،  
توله بکئی.

پای افزار : آمر. کهوس، پیاسوس،  
قونده ره، کاله. یالا، باورئی،  
پابه ری، پیلاو، خامینه (ه). سولک،  
کالك، ساكول (س).

پایاپای : ا. سر به سر.

پایان : ا. پایان، سره انجام، ناخر،  
ناکام، نه ری، خه سم، دووایی، نه وار،  
نه مام، دماچار، نه بجام. دما سی،  
دما (ه). سوعی (س).

پایان بخشیدن : م. توا و کردن، دووایی  
هاوردن، برینه وه، قی هاوردن، قی نی  
حش.

پایان رسیدن : م. ناخر هاسن، ته وار  
بون، دووایی هانن، بریانه وه، قی نی  
که فتن. دما نامای، ناخر نامای،  
بریا یوه (ه). دووایک هاس (ش).

پاینتخت : امر. پاته تخت، شانشین.

پایدار : افا. پایهنه، پادار، بافی،  
به رده وام، جاوید. پایه جی.  
جیدا (ش).

پایداری : ح. مصد. پایداری، وه فای، به قای،  
باین، به رده وامی. نه مک (س).

پایدام : امر. به له، پاداو، داو،

ده سه داو، به ره ریم، دام، فوج

نه مک (س).

پایگویی : ح. مصد. ره حس، دوده سماله،  
جوبی، سی حار، رهس به له ک،  
هله له که، هله له که سما، هله له کت  
کس، همل به رکی. وری رای، هور  
پرای (ه). رهس، ده فای، جیلنه (س).  
پایمال : ح. مصد. باسیل، بی سیل، نامال،  
بی مال، له ه سیل، زه عی.

پایمزد : نک. نامرد.

پایه : ا. ناه، ناحکه، بی، جرز، جه هل.  
سمن (س).

پایه تیر اندازی : امر. جه مال وش.

پاییز : ا. گه لاریزان، خه زان، گه لا  
خه زان، پاییز. خه زان قی (س).

پاییزه : ص. سب. بابیره، نابزه.  
نه نجه (س).

پایین : ق. خوار، لای خوارگ، بنک،  
به ست. وار، لای واری (ه). دانگه،  
نشیف، دوپ، قیل (ش).

پایین آمدن : م. هاسنه خواره وه، داوه  
زین، دابه زین، داخو زین.

پایین آوردن : م. داگرتن، هاوردنه  
خواره وه، داوه زانن، دابه زانندن،  
داخو زانن. گرتنه یره، نه ره وار  
نارده ی (ه). نشیقی نینان (ش).

پایین پریدن : م. داپه رین. پرایره وار،

- نهره پرای (ه)، نشی هاقین (ش).  
 پابین کشیدن : م. کیشانه خواره و،  
 دابه زانندن، داخوزانندن، داخوزانن،  
 داوه زاننن، دادن<sup>۱</sup>، دانه وانن<sup>۱</sup>.  
 نهره وار کیشای، کیشایره وار،  
 نامنیره (ه)، مبی کسان (س).  
 یه : بک. حمه  
 پُک : ا. پوک، زوپ. یک، بورج (ش).  
 پتو : ا. بنوو.  
 پتیاره : ص. په یار، پلّوخ.  
 بیج بیج : اصت. بجه بیج. فجه فج (ه).  
 سته بست (ش).  
 یخ : ص. بهخ، نان و پور، یان. پور،  
 حک (ه).  
 بیخ : ص. بیخ.  
 بیخ بیخ کردن : م. بیخ کردن.  
 پخت و پز : امر. پوخت و پز. نان و  
 باب (س).  
 پختن : م. کولانن، کولانندن، نه زانن.  
 گرینای (ه). نه حنن، که لاندن،  
 ناخوب کرن، هلاندن، ناس (س).  
 پخته : امر. بوخته، کولناگ، بیساگ ،  
 بیساو ، رار، کولآو. گرسا (ه).  
 کهلی (س).  
 پختن زیر خاکستر : پیسان، پیسانس،  
 پشانندن. پینای (ه).  
 پختنی : ص. پوخته نی. که لانی،
- یانی (س).  
 پخشی : ص. بلاو، په خشی، بهش بهش،  
 پرژاو، پرژیاو، پزیاگ، توونا.  
 نهره وه زیبا، وهلا (ه). به لاو،  
 په راته (ش).  
 پخش کردن : . بلاو کردن، پزانن،  
 توونا کردن، بهش کردن، سران،  
 پزانندن، بهش بهش کردن، په حسان.  
 وهلا کرده ی (ه). بهلا کرن (ش).  
 پخمه : ص. په خمه، سایلّوح، فل،  
 سه پؤل، سروسه پؤل، چل، دین، گیل،  
 وپ. سه فک (ش).  
 پدر : بابا، باب، ناه، ناولک، بابه، بابو،  
 نایو.  
 پدر اندر : امر. بناوه پیاره. بابا  
 بیاری (ه). زیرباب، زیرباوک (ش).  
 پدر بزرگ : امر. ناوا، بابا، نایا، بایر.  
 پدر (زن، شوهر) : امر. خه زووره.  
 هه سووره (ه).  
 پدیدار : ص. مر. دبار، ناسکرا. په یا،  
 حوّا (س).  
 پدیده : ا. رسکاو، رووداو.  
 پذیرفتن : م. هه بول کردن. په زیراندن،  
 وه رگرن (ش).  
 پذیرایی : ح. مص. نه زیرایی، میوانداری.  
 پُر : ص. پر، بیگمه، لیجان. داگیریاو،  
 حیوکوب، ناخباگ، دهر گاش، که یل.

۱ - نایس کشیدن درهای گرگده ای و برده ای.



پره زاخ. چہ نا کہ مریا، فرہواج (ہ).	پہر داخہ کردن. دابوہ (ہ).
پہ جوج (س).	پہر داختن تاوان و جریمہ : بزاردن،
پہرچ کردن : م. پہرچ کردن،	براردنہوہ، ناواں دان.
پہرجاسوہ، بہرچ دانہوہ. بہرح	پہر داختن زکوة و فطریہ : قہولانن، دہر
دابوہ (ہ).	کردن. قہولائی (ہ).
پہرچم : ا. بہ باج، آلا، دروسم، عہلہم.	پہر داختنہ : امف. بہجئی ہاورباگ،
بہداح (ہ). بہندیر، بوسجک،	دریا گہوہ، نہدا کریاو. دابوہ (ہ).
کرسجک (س).	داهہ (س).
پہرچین : امر. بہرحیس، بہرج، بہررس،	پہر در آوردن : م. بہر دہر ہاوردن،
بہرجیم. بہرجاہ، سچ (س).	سووک کردن. سووک کہر دہی، بہل
پہرچین : ص مر. حسن دار، نارنگ،	کہر دہی (ہ). بہر نساہ دہر (س).
بہرحیس.	پہر دگی : ا. بس، بہکارہب، بہر دہ،
بہرحرف : نک. بہرحاہ.	کہہسکی، سکان. کساحہی،
پہرحرفی کردن : نک. بہرگویی کردن.	کجئی (ہ).
پہرحاش : ا. داوا، شہر. بہرفہس (ہ).	پہر دل : ص مر. پہر دل، بہحہرگ، بہزاب،
پہرحاش کردن : م. بہگرا حوون،	بہر دل (ہ).
ہہلساحادن. بہرفہس کہر دہی (ہ).	پہر دو : ا. بہر دوو، بہر دہک، بہر دوو.
لی راوہبی (س).	حترئی، سمرح، سار.
پہرحو : ا. ہہرہس. کہزاعہ (س).	پہر دہ : بہر دہ.
پہرحو کردن : م. ہاحوہو پریس، ہہرہس	پہر رو : ص مر. پہر روو، باتزوک، روو
کردن. رہز پریس، کہزاعہ کرن (س).	دار، حہباوہ پوو، دہمسوور، روو
پہرحور : ص مر. فرہحوہر، حلیس،	دامالباو. پہر روو (ہ). پہرژان (ش).
حہساک، زک در ناگ، سک دراو، زور	پہرژ : ا. پہرژہ، کولک، بولک، پورژ.
خور، سکس، زکن، دہلبالووس. <sup>۱</sup>	پہرژور : ص مر. پہرژور، زور مہن،
فرہوہر، لہم دریا (ہ). گہلہحوہر،	زوردار.
حوہرا (س).	پہرژہ : ا. پہرژہ، ہرژولہ، وردہ، ہرکہ.
پہر داختن کردن : م. دان، دانہوہ،	ہور دہہ (ہ). ہر نک (س).

۱ - کسانہای است بہ معنای سار زمانہ  
حور، مسعمرہ جی.

پرسان : ص. فا. پرسان.

پرستار : ص. فا. ا. بهره سار، بهره ستار.

پرستش : ا. مصد. بهره شش، بهره ستش، عبادت.

پرستو : ا. پلیرک، بهره سیلکه.  
مه سوک (ش).

پرستیدن : م. بهره سین، بهره ستین.  
پرسیای (ه).

پُرسش : ا. مصد. پرسش، پرس و یا،  
پر سیار، یورستی.

پرسوز : ص. مر. پرسوز.

پرسنل : ا. کار به دمس.

پرسه : ا. پرسه، فاتحه خوانی، عزا،  
تازیانه، رهسک، یهرسه. فاسحه

و نای (ه). شینی، مازی (س).

پَرسه : ههله، وِیل. قِلمه (ش).

پرسه زدن : م. ههله گه ریانه، ههزه  
گه ریانه، گه مال گه شت لیدان. وِیل

گه رده ی (ه). قِلمه گه ریانه (ش).

پرسیاوش : امر. په رسیاوش.

پرسیلیدن : م. پرسین، پرس کردن،  
پرسیاری کردن. پرسای (ه). پیسار

کرن (ش).

پرش : ا. مصد. په ریش، خیز. برای (ه).  
هاهیب (ش).

پریش طول : امر. باز، قهلباز، کهوشین،  
باز نه رین، بازده، کهوسهک.

پریش کردن : م. باز بردن، قهلباز بردن.

پر قوت : ص. مر. هه راش، هه ریش.

پر کردن : م. پر کردن، قهلا قهلا کردن،

لچان کردن، داگرتن، چیتو کوت

کردن، گوزان، ناخین، گوزان،

ره تیماندن<sup>۱</sup>، ره دیمان<sup>۱</sup>. بهره رده ی،

لچان کرده ی، جمکوت کرده ی،

ناره گرتی (ه). ته زی کرن (ش).

پَر کردن : په ر کردن، روو تانن، ناو

پرووت کردن، قوشقن کردن. قهرو

چکاندن (ش).

پر کننده : ص. مر. بهره کنه، ناو پرووت،

قوس.

پرگار : ا. پرگار.

پر گرفتن پرنده جوان : باله وازه بوون،

بازه له بوون.

پرگر : نک. پرچانه.

پرگویی کردن : م. دوویس، ور لیدان،

برویش کردن، چنکه لی دان، وراجی

کردن. دووای، ویدایووه (ه).

زور گووتن (ش).

پرهایه : ص. مر. پرهایه، پر.

پرنده : ا. افا. مهله، پهله وهر، باله نه،

مهله، بالدار، نهیر، په پهنه.

پروا : مه رسی، سام، بهروا، باک

نه نیش، حیووت، کو. ساف، سو هون

(ش).

پهروار : ص. دابه سیاو، بهروار،

دابه سته، چاخ، دهرماله، دابه سراو،





پروانه

پرهيز کردن : م. پاریز کردن، لادن،  
خو پاریستن. لادای (ه). قه چنين  
(ش).

پری : ا. پەری.

پريدن : م. پەريښ، باله و گرتن، باز  
بردن، باز دان. فرای، پرای (ه).  
فرین، هاقین (ش).

پريدن از بالا به پايين : م. داپه رين  
فرايره، پرايره (ه).

پريدن از خواب : م. داجله کيان،  
داترو سکيان، راه پرين، چله کيان.  
چله کياره (ه)، جنيقه نه (ش).

پريدن به کسی : م. پیتا پەرين، به گزا  
چوون، به گزا پەرين. پرای پوره (ه).  
رابين به يک (ش).

پريدن پرنده تازه بال : باله فری کردن،  
باله ته پي کردن.

پريروز : ق. پیره که، به تر پیر.  
پەری (ه). پیر (س).

پريشان : ص. ف. پەريشان، ناشفنه،  
شله ژيو، پەريژ، پەژيو، پەريش،  
په شوکايو، په کهر، په شيو، په شوکاو،  
مه لوول، عاجزه، نهو گار، شپرز،  
سه پرزه.

پريشان شدن : م. په شوکان، پەريشان  
بوون، په شيو بوون، سەرلی شيويان،  
په شوکيان. يه شيو بهی (ه). سەرلی  
نیک چوون (س).

گۆشن. خاو کری، هلهو (ش).  
پرواز بستن : م. پهرواز به ستن،  
دابە ستن. ناره ستهی، ناره دارای (ه).

خاو کرن، په رهري کرن (ش).

پرواز : ا. فره، فی، پهرواز.  
پرواز کردن : م. پەرين، باله و گرتن،  
بال گرتن، فرين. فرای، پرای، بال  
گرتهی (ه).

پروانه : ا. په پوله، پهروانه، به لاتینک،  
په رهروک، منمیک.

پروپا : امر. هل و پا، قاج و قول، پا  
وبل، قول و قاج. په و پي (ش).

پروړاندن : م. باره آوردن، به ناو  
هاوردن، په روه رده کردن، به غیو  
کردن، به خهم کردن. به رهم ناردی،  
وهی که ردهی (ه). خودان کرن، مه زن  
کرن، قیرا گه هاندن (ش).

پرورش : امص. په روه رش.

پرورش دادن (کردن) :  
نک. پروراندن.

پرونده : ا. په روه نه.

پروین : ا. کو، کوه. پیروو، پهیر، پیور  
(ش).

پره<sup>۱</sup> : ا. په په. پهله (ه). په (ش).

پرهيز : امص. پاريز، پهريز، کوش،  
سول. به ريز (ش).

پرهيز کار : ص. ف. پاريز کار، پاريز گار،  
پارسا

- پريشانى : ح.مص. په شيوه، په ريزاني،  
په شوکه.
- پريشېب : ق.مر. پټره شوه، شه فتر،  
شه قادی (ش).
- پريون : ا. گهړی، خهړکان، گهړولی،  
خارشت، خارش. گهړياتی، گوړی،  
گړویي (ش).
- پزا : ص.فا. په زاء، که لوک (س).  
پزشک : ص. ا. حکیم، دوکور.
- پژ : نه رزه، زوږم، سووڅار، سيڅ،  
بهرفخورک، نه لاسه، نه وه رگ. نالسته  
(ه). خويته (ش).
- پژمرده : ص. امف. سيس، سيسياگ،  
چرچ، کز، په ژمورده، کروز.
- قرمچ، چلمسی (ش).  
پژمرده شدن : م. سيسيان، چرچ هلّ  
هاتن، چرچ که فتن، چرچيان.
- چلمين، فرمجان، گه جلان (ش).  
پژوالک : ا. بازړه.
- پژوهش : امص. پرس و جز، باقی،  
پر سياری.
- پس : ح.اض. نينر، پهس، دماء، پس،  
پاش، دووا، ريوال، جا.
- پس از : دوواي، له و دووا. جه دمای (ه).  
دووا جار، دما جار، باسی (س).
- پس آب : امر. پاساو، پاساو، پاساروا،  
چلکاو، پاشوراو، جرنواو، چلپاو،  
شيلاف، ده قشو (ش).
- پس انداختن : م. خستنه وه. وسه يوهی  
(ه). پاشدا هاقين (ش).
- پس انداز : امر. نوته، پهس نوته، نيته،  
پاشه که وت، پاشه که فت. هل گرت  
(ش).
- پس انداز کردن : نه بوخته کردن، نوته  
کردن، نيانه کردن، په سه ناز کردن.  
هیلان (ش).
- پس پريروز : ص.مر. په سه ر پټره که.  
په ره وهری (ه). په تر پټر (ش).
- پس پريشېب : ق.مر. په سه ر پټره شوه،  
شه ترادی (س).
- پس پسکی رفتن : م. دووا دووا چوون.  
دماوه لخواي (ه). پس پس  
چوون (س).
- پست : ص. نزم، نه وی، بهس، جه لهو،  
ره زيل. که وبه، دوپ، قيل، نه فی،  
په سب، خار (ش).
- پست : ا. پوس، چه پر.  
پستان : ا. مه مک، مه مک، گوان ،  
مه مه. چيچک، چيچی (ه).
- گوهال (س).  
پستاندار : ص.فا، گواندار. گوهاندار،  
گواندين (س).
- پستانک : امص. مه مک مر.  
پستخانه : امر. پوسه خانه، جه په رخانه،  
پوسه خانه (س).
- پستچی : امر، ص. سف. پوسه چی، پتلک،  
پوسچی.
- پسنگ : امر. مه سک، هابوون، نانکی،  
که په نک، فرنحی، کوله بال.  
که ره گ (ه). چو حک، په ستهک (س).

- پستو : ۱. پستو هېڅان. کوخت (ش).  
پسته : ۱. پسته، پسته، پسته.  
پستی : ح. مصد. پستی، پستی، نزمی.  
نوییی (ش).  
پی دادن : م. دانهوه، گهړانهوه، دانه  
دوواوه. دانهوه دما (ه). پاش دانهقه،  
دانهقه (ش).  
پی دوزی : ح. مصد. پمس دوزی.  
پسر : ۱. کوی، پس.  
پسراندر : امر. هه نزاگ، کوته ورس،  
سوره. کوته پمس، نه نزا (ه). زیر  
کوی (ش).  
پسرانه : ص. نسب. کویانه، کوی،  
کویینی (ش).  
پسر خوانده : نک. پسراندر.  
پسر دایی : امر. خالو زاگ، لالو زا.  
کوی خال (ش).  
پسر عمو : امر. ناموزا، ناموزاگ.  
پس مام، کوی مام (ش).  
پسر عمه یا خاله : امر. میمه زاگ.  
مینزا (ه). کوی مهنی، کوی  
حاله (س).  
پس فردا : ۱. مر، دوسو. پیرای (ه).  
دوسه ی (ش).  
پس فردا شب : ۱. مر. دوسو شهو.  
پیرای شهو (ه). دوسه نه فی (ش).  
پس گردن : امر. بوی مل، بوقه ته.  
ناک (ش).  
پس گردنی : امر. پسته ملی.  
پس گرفتن : م. سندنهوه، بردنهوه،  
سندنهوه، ستاندن. نه سایوه (ه).  
ستانهقه، پاشداگرتن (ش).  
پس مانده : ص. مف. پاش مهنه، پمس مهنه،  
پاش حوانه، باز مهنه، بهرماوه.  
دووماییک ما، مهنه، مهوه (ه).  
خا بهرۆک، دوومایی ما، پاسدا ما (ش).  
پسند : ص. مف. به سن. برارد (ش).  
پسند کردن : م. په سن کردن، براردن،  
هه لیزاردن.  
پسوند : ۱. پاسگر.  
پسین : ص. ۱. ناحرس، بهر گیس، فیه،  
دوواگین، ناخرمین. دمایین (ه).  
پاشین (ش).  
پشت : ۱. پشت، پوشت، پاش.  
مازی (ش).  
پشت بام : بان، بان مال، که لک، سه بان،  
سهربان.  
پشت بند : امر. پشت بهن، شال، پژوین،  
پشتوین. پشته وان، شوونک (ش).  
پشت پا : امر. پشته پا، پاچه قولی،  
قه پولوک. پانجه قولی (ه).  
به ریگ (ش).  
پشت پاژدن : م. پاچه قولی دان، پشته پا  
دان، پادانه بهر پا. پشته پا دای، پانجه  
قولی دای (ه). بهر ریگ کرن (ش).  
پشت رو کردن : نک. پشت و رو  
کردن.  
پشتک : امر. پشتهک، سهرمه فولاب.  
دهه لوس (ش).  
پشتکار : امر. پشتکار.

پشت کوژ : ص. مر. کوژم. کوژم (ه).

کوژ (ش).

داکوژی، پشت، پشت میر، لاگیر، لاگیر، لان گیر. پشتقان (ش).

پشك : ا. پشك، بهش.

پشك انداختن : م. پشك خستن، كاله

مشتی کردن، تاقمانه جفت کردن. تاق

و حفت کرده‌ی، نامانه و جوویب

کرده‌ی (ه). پشك هاقین (ش).

پشكیل : ا. پشكیل، پشمل، حوله<sup>۱</sup>.

پشیل، کپیل (ش).

پشم : ا. پشم، خوری-بهرم،

پوك (ه). هری، گنجی<sup>۲</sup> (ش).

پشم بره : امر. پهرگی. لوقا، لقا (ش).

پشم بز : امر. گیسکه موو، مهره‌ز، موو.

پسمالود : بك. برسم.

پسك : امض. بهسك.

پشمن : ص. سب. بهسینه. بهرمیه (ه).

پس (ش).

پسه : ا. پوفانه، بهسه، پيسووله.

پهسووله (ه). بههسك، پویشی،

پیتو، پیتی، پيسكه (ش).

پشت گرمی : ح. مص. پش گهرمی،

ستووری، سب سووری.

پشت گپوش انداختن : م. حوژگپیل

کردن، پش گوی حتن.

پشت مازه : امر. مازه، ناومه‌مان، پسه

مازه.

پشت ماهی : پشت ماسی، پوفز،

گورگه پش. گورمه (ه).

پشتو : ا. پستو، دهوانچه، دهمانچه.

پشتوانه : امر. پسه‌وانه.

پشت و پناه : ص. مر. سب و پناه.

پشت و رو : امر. پسه‌وروو، بهرهو

سب.

پشت و رو کردن : م. پشت و روو

کردن، هلهو گهرانش، دپواندپو

کردن، بهره‌وپشت کردن، بهره‌واز

کردن. دپماندیم کرده‌ی، وه‌لاو دیم

کرده‌ی، هوژ گپناپوه (ه).

پشته : امر. شغره، شغره، پشته.

دهرزه‌لو (ه). نهرحهك، دهرزه (ش).

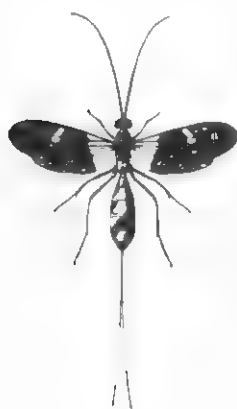
پشتی : امر. ص. سب. پستی، لاگیر.

پالس، پالسنه (ه). به‌رپال،

پالگه (ش).

پشتبان : ص. مر. پشپوان، دالده، پناه،

لاکوژسكه، پالووبین، پالووبه‌ز،



۱ - پشك سر.

۲ - پسم زیر دپنه گوسفند.

پشه‌مند : امر. پشه‌مند، کت و گه‌وان.  
پشه‌حاکي : امر. ناحرکه. سوو‌حاکي،  
خاکه (ه).

یسبز : ا. به‌سبز، ناسی، بول‌رہس،  
قہرہ بول. پولی (ه).

پشیمان : ص. به‌سیمان، پاسگہ‌ز،  
به‌ریوان.

یف : اعت. یف، وو.  
یف‌کرده : ص. مد. بف‌کراو، فس.

یفالو، یفالود : ص. مف. یفالوو، ماسیگ.  
یف‌نم : امر. یف‌نم.

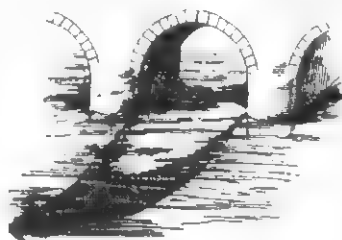
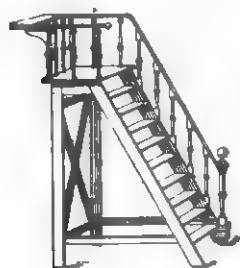
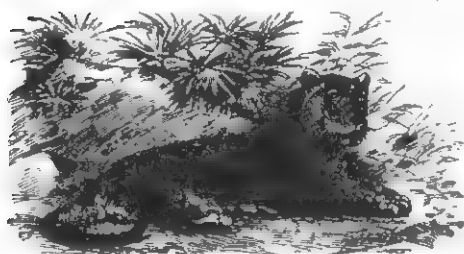
پک : ا. پوک، مژ.  
پکر : ص. به‌کر.

پک و پوز : امر. پک و پوز، دم و پل،  
لمپ و له‌وس، دم و کاویتر، دم و  
فلج، دم و قہوجہ، لب و له‌وجہ،  
دہف و دفن (س).

پگاہ : ا. به‌ربہ‌یان، بہ‌یان، بہ‌یانی،  
به‌یانه‌کی، سہ‌ینان، سبح، شہوہ‌کی،  
کازیوہ.

پل : ا. برد، کلگہ، مردی (ه). بر (س).  
پلو : ا. یلاو. پلاف (ش).

بلہ : ا. بلنکان، باحسہ، بلہ‌کان،  
رئی‌نلکہ، حہ‌وی، ناہ‌جہ.



پلاس : ا. پلاس، بہ‌رک، بہ‌ر، بالاس.  
لاد (س).



پسجه

دوره جه (ش).

پليد : ص. چه پل، کزيف، گن، پس.

کوبيه، پهلوح، گمار (ش).

پليس : ا. نازان، پليس، پاسهوان.

پعاد : ا. مولهم.

پناباد : ا. پناپا، دهشتای، پناوا.

پناه : په نا، نه مان، نامان، دالده،

خاکوټيا، په سټو.

پناه بردن : م. په نا بردن، نامان هاوردن،

دالده هټان. را خوشين (ش).

پناهگاه : امر. په نا، په ناگا، په نامگا،

گيان په نا، ستار، په ناگاه، حشار

پناهگاه کوهستاني : نه شکفت، ميره،

بن مغار، شکوت.

پناهنده : افا. په ناهنه، دهسه دايه،

په نابور.

پنبه : ا. لوکه، په موو. په مه (ه). په مگ،

په مېوو، په مې، حېبى، کلوو

(ش).

پنبه تخم : نک. پنبه دانه.

پنبه دانه : امر. په مده دانه، په مده وانه،

په مده وانه.

پسېزن : افا. هلاج، کيرنج (ش).

پنج : عدد. پنج، په پنج.

پسجاه : عدد. پتجا، په پنجا.

پنجدرى : ص. سب. په پنجاهرى.

پنجره : ا. په پنجاهره، په پنجاهره. بهرکاز،

بسترک (ش).

پنجشنبه : امر. په پنج سبه، پنج شهمو،

نه پنج شهمى (ش).

پنجول زدن : م. چنگ گرتن.

پسجه : ا. په سجه، په پنجاه، چه پوله،

چه پولا. په پنج، رفوک، کولاب، نبل،

نلى (ش).

پسند : ا. ناموچياري، په ن، موچياري،

نه سيحمت، ناموژاري، په ن، راويز.

پسندار : ا. گومان، بزاره، خيال.

پسند دادن : م. موچياري کردن،

ناموچياري کردن، نه سيحمت کردن.

پنهان : ص. ق. شاريگ، په نام، نوقوم،

شاريا، ناديار، سوور گوم، شارواه.

به زر، په نى، خوف، نهى (ش).

پنهان شدن : م. خوشاردنه وه، غايب

بوون، روو گرتن، قايم بوون،

خودا گرتن. په نام گرهى (ه). يو سه

حواردن، به زر بيس، حوبا بين،

حوبا (س).

پنهان کردن : م. شاردنه وه، شاردن،

نوسان، په نام کردن، پوشايدن، هام

کردن، شاردن، ساربن.

پنهان كهردهى، شاريوه (ه).

شاردنه وه، حه ساردان، ه سارس، به زر

كرن، نه ماربن (ش).

پنهانى : ص. نسب. نهىنى، له زيره وه،

به دزيكوو.

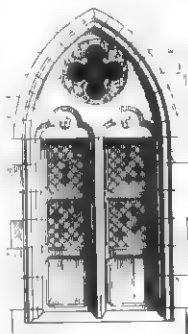
پسیر : ا. په نير.

پنيرك : امر. په نيرك، په پيكه، توله كه،

به مکه ملجك.

پنيرهايه : امر. مايه، هاميان، ناميان.

هټين، ستيلانك (ش)



پنجره

بهن، ده بهس.

یوزه بند : امر. بزَن مَك، بِلَه موو، بلموو، یوزه بهن، بزمك.

پوساندن : م. یوسانن، برتوكانن، داوه ساسن. پوسای (ه). پریوسه كرن (س).

پوست : ا. پوس، پوس، نوكل، كهول، بیس، جلد، خلیف، نوكل، نوكل، نوفل، خهلفه، عیار ۱، كار ۲، بیس، هه لَخ. نوكل (ه). كهقل (ش).

پوست ۲ : پترو، پریوسه، پتروك.

پوست ۴ : بهردوگ، بهرده.

پوست ۵ : كه مكوكل، زهرك، قورچ، فالك، شكوك، قلیچ (ش).

پوست كلفت : ص مر. پوس كوئوفت، بشاران، ناوه سوو.

پوست كندن : م. پیس كهنن، پاك كردن، نوكله و گرین، پوس گرته وه، گروون، گوروون، گوراندن، گرواندن. پوس كهنه ی، نوكل كهنه ی (ه). كهقل كرن، كهول كرن (ش).

پوست كنده : ص مف. پوس كهنه، دامالیاگ، رووت، بی پهرده، روك، نوكله و گریا (ه). كهقل بی (ش). پوست كنده شده : ا. پوسه.

پوپ : بویه، بوت.

پویك : به یوه سلیمان، به یوو، هود هود، سانه به سهر، داوو دبركل.

به یوك (س).

پوت ۱ : پوت، تهنگه.

پوتین : ا. پوتین، قونری.

پوچ : ص. پوچ، پرو پوچ، پووك، پووب.

پود : ا. یو.

پودر : ا. ناره، گرده.

پودنه : ا. پوونگه، پووننه (ه).

پوونگ (ش).

پوده : امر. پیفك، پووتو، قاو، پووشی. یفی. یفه (ه).

پور : ا. زاء، كور، پور.

پوره : ا. گهرا، پوره.



یوزخند : امر. زهرده خو، یوزخه، بز، بز، زهرده خه، دهف كهنی (س).

یوزه : ا. هه یوزه، یوزه، مو یوزه، یوزه، لمبوزه، لموز.

یوزبند : امر. یوزه بهن، هه متهر، هه یوزه

۱ - پوست بز و گوسفند.

۲ - پوست مار.

۳ - پوست مازه زخم.

۴ - پوست زیر دبه گوسفند.

۵ - پوست گردوی تازه.

پوست مار : ۱. کاژ.

پوسته : ۱. پوسه، قابلوخ، قابوور،  
نۆكل، قالك.

پوستين : امر. پوستين، كهتپوسه  
يوستين كهول، پوست.

پوستين دوز : ص فا. پوستين دۆز. پوس  
وراز (ه). پوستين دور (ش).

پوسيدن : م. پرتووكيان، پوسيان،  
پوسين. پوياي (ه). پيپوسه  
بين (ش).

پوسيده : امف. پرتووكياگ، هه ماره پۆ،  
پرتووكاو. پوييا (ه).

پوشاك : ۱. پوشاك، لباس، بهرگ، جل،  
پوشن، سپال<sup>۱</sup>، تهن پوش. جلك،  
بهركر (ش).

پوشال : امر. پوش، بژال، پلاش،  
پوشال. شه خال (ش).

پوشالي : ص نسب. پوشالي، فسيه.  
پوشاندن : م. پوشانن، پوشاندن،  
پوشان، پوشين، داپوشانن، پوشته  
کردن، داپوشين. پوزنابره (ه).  
پهچاوين (س).

پوشش : امف. پوشش، جلد، روه،  
تهقز (ش).

پوشش بام : نك. پردو.  
پوشش كتاب و ساعت : بهرگ، جلد،  
خليف.

پوشيدن : م. بهر كردن، له بهر كردن،

كر دنه بهر، پوشين، پوشان، پوشاندن،  
پوشانن.

پوك : ص. پوك، بورچ، پيف، هورول،  
ناوخالي، قرو<sup>۲</sup>، پوت، هولول<sup>۳</sup>،  
شاش، پووجهل، پووج. زوز (ش).

پوكه : ۱. قالك، پوكه.

پول : ۱. پول، پاره. دراف (ش).

پول پرست : ص فا. پول پرست،  
پوله كي، خه پوئي.

پولاد : ۱. پولا، فول.

پولادين : ص نسب. پولاين.

پول سپاه : امر. ورده پول، ورده،  
قهره پول، پول رمش.

پولك : امف. يوله كه.

پولكي : ص نسب. پوله كي، خه پوئي.

پونه : نك. پونده.

پويا : ص فا. په بگر، بزوز.

پوينده : نك. پويا.

پهلو : ۱. كه له كه، پالوو، پوته گا، توك،  
بن توك، لاپالوو، لاتوك، لاشان، لايين،  
لان، لاکاول، غاليگا، لا، خاليگا،  
هاليگا، ههنگل، پال، بن پال، لاتوك،  
قهره، به خهل، هه برغه. تهنشت، نهفن  
(ش).

پهلوان : امر. ص. پالوان، پهل.

پهلوان پنبه : ص مر. پالوان په مه،  
ديولهك. چونه يي (ش).

پهلواني : ح مص. پالواني.



- پهلوزدن : م. نه‌لادان، پال‌دان، نه‌که‌دان، نه‌لادی. لاره‌نه‌سای (ه).  
 پهن : ض. پان، پۆر، به‌ردار، عه‌ریز، ناواق. به‌لا (ش).  
 پهن : ا. یه‌ین، لاس، قه‌سه‌قول، سه‌تیر، تهرسه‌قول. سه‌ورو، تهرس، سه‌وره‌قل، سه‌ورو، ریخ (ه). لار (ش).  
 په‌نا : ا. پانا، پاناتی، به‌ر، پانی، پانایی، عه‌رز. وه‌ر (ه).  
 په‌نا<sup>۱</sup> : ا. ص. پان و پۆر.  
 په‌نا<sup>۲</sup> : ا. پان‌کله، که‌م‌به‌ره، ته‌سک. پانه‌کله (ه).  
 په‌ن شدن : م. پانه و بوون. پانه و به‌ی (ه).  
 په‌ن کردن : م. پانه و کردن، داخستن، هه‌ل‌حستن، راحستن. وسه‌ره، قه‌ره‌سه‌ی (ه).  
 پی : پی، ره، ده‌مار.  
 پی<sup>۱</sup> : ا. بنج، بن، بیخ، ته، بناغه، منج، نه‌مه‌له، بنجیه، رینه، پی. سقن (ش).  
 پی<sup>۲</sup> : شوب، پی، شۆن، جتی پا، ریج، نه‌ته‌ر، دوو (ش).  
 پیایی : فی مر. هه‌یتا هه‌یتا، به‌سایه‌س، به‌رو دووا، به‌ی‌ده‌ری، یسب سه‌ریه‌ک. دۆبک دۆبک (س).  
 پیاده : ص. ا. پیاده، پیاء، پیایاگ، پیکوره، سه‌واده.  
 پیاده‌رو : امر. پیاده‌رو، سه‌واده‌روه، ساته‌روه.  
 پیاده شدن : م. داوه‌زین، داخوزین، پیاده بوون. پیاده به‌ی (ه). نه‌ترین (ش).  
 پیاده کردن : م. داوه‌زانن، داخوزانن. وه‌زانیره (ه).  
 پیاز : ا. ییاز، ییواز. ییغاز (ش).  
 پیاز تخم : امر. بووی.  
 پیاله : پیاله، کاسه. کاسک (ش).  
 پیام : ا. په‌یغام، په‌یام، سفارشت. پیغام (ه).  
 پی بردن : م. پی بردن، ریگه بردن، پی زانین. پی‌برده‌ی، زانای پنه (ه). نه‌ی حه‌سیان (س).  
 پیت : ا. بووب، نه‌که. نه‌مه‌که (ه).  
 پیجامة : امر. بیجامه. حلك (ش).  
 پی جوئی : ح. مص. پی جوئی، بن جوئی. نازو، دوو گه‌ریان (س).  
 پیج<sup>۱</sup> : امص. با، واه، لول، چه‌پ، بیج، هه‌مج، چه‌م، کرز، سوور، خول.  
 پیج<sup>۲</sup> : پیج، جه‌ر.  
 پیجازی : ص. نسب. پیجازی، جووار



پیاز



پیج

- ۱ - په‌نا به‌نسبت زیاد.
- ۲ - په‌نا به‌نسبت کم.
- ۳ - عصب.
- ۴ - رینه، اس.
- ۵ - ردیا.
- ۶ - ناب و حم.
- ۷ - پیج مربوط به مهره.

خانه.

یوسهوه (ه).

پیچاندن : م. پیچان، قه‌مچ دان، بادان،

پیدایش : امص. رسکه، په‌یانی، شینی.

هلّ پیچان. پیچ دای (ه).

بی در بی : نک. پایی.

پیچ افتادن : م. پیچ تی‌کفتی.

پیر : ص. پیر، کوئسال، ئیختیار، کوئن،

پسج خوردن : م. پسج خواردن، تاو

پوس، سال خوارده، قه‌لتاحه‌کونه<sup>۱</sup>.

خواردن، ل‌وول خواردن، قه‌مچ

کال، کهون (ش).

خواردن، نالان، سووې خواردن، خول

پیرارسال : ق مر. پتراره‌که، به‌تر پتر.

خواردن.

تیرار سال (ه). تیرار (س).

پیچ دادن : م. پیچ دان، تاو دان، بادان،

پیراستن : م. دق‌دان، رازانوه، زهریف

نالاندن، خول دان، سووې دان،

کردن. ونارای، وش کهرده‌ی (ه).

وادای (ه).

خه‌ملاندن (ش).

پیچک : امص. باداک، یچک.

پیراسته : امص. به‌دق، رازیاه،

پیچک نخ : گوئولّه، گوئولک.

رازیابگ، ئاراسته. خه‌ملیو (ش).

گروّله (ه). گولیک (ش).

پیرامون : ا. ق. ده‌ور، ده‌ور وهر،

پیچ گوشتی : امر. جه‌رباده‌ر.

فه‌ورحه، فه‌رحه، که‌مه<sup>۲</sup>، فه‌ره،

پیچ وایچ : پیچاو پیچ.

نوخن. خافو، ره‌فی (ش).

پیچه : ا. پیچه، رووبه‌نه.

پیرانه : ص نسب. پیرانه.

پیچی : ص نسب. پیچی، قه‌مچی، لاری،

پیرانه‌سر : ق مر. سه‌ریری.

ناراسی، چه‌وتی.

پیراهن : ا. کراس، کرواس. گجّی (ه).

پیچیدن : م. پیچانه‌وه، پیچانسن،

پیراهن خواب : امر. سه‌وکراس،

پیچانه‌وه، پیچان، پیچایوه (ه).

دیزداشه، عزیززی.

پیچیده : ص مف. پیچراو، پیچیاو.

پیرایه : ا. خشل.

پیدا : ص. دیار، په‌یا، ئاشکرا، ئاقتای.

پیرزا : ص مف. پیره‌زا.

پیدا شدن : م. په‌یا بوون، ئاشکرا بوون،

پیرزنی : ص مر. پیره‌ژن، پیره‌ژه‌نی (ه).

دیاری دان. ئیفرین، خویا بین.

پیره‌رد : ص مر. پیره‌مرد. پیا پیر (ه).

پیدا کردن : م. په‌یا کردن، دوزین، گیر

پیره‌میر، کاله‌میر (ش).

هاوردن، دوزینه‌وه، دمس که‌فتن.

پیرو : ص، ا. مری، په‌پره‌وه، پاشره‌وه.

۱ - پیر و لاغر.

۲ - پیرامون یا دایره‌دف و دایره‌والک.

- پیروز : ص. زال، سرکه وتوو.  
 پیروزه : ۱. پیروزه، فیروزه.  
 پیری : ح مص. پیری.  
 پی ریزی : ح مص. پی ریزی.  
 پیزی : ۱. پیزی، کوتی، فنگ، بالوور،  
 قهیزه، تن. قیت، عه (ه). قوین،  
 قوین (ش).  
 پیس : ۱. شانو نامه.  
 پیس : ۱. پیس، به رس مائی، ماله (ه).  
 پیش : ق مک. پیش، بهر، پیشدا،  
 بهر دم، جلّه، جاران. وهر، وه لینه  
 (ه). برایک (ش).  
 پیش آخور : پیش ناخو، پاش ناخو،  
 نشخوار، چه وول. پیشاوهر (ه).  
 نشخو، قه کالین (ش).  
 پیشاب : ۱. زاروا، گمیز. میز، شاس.  
 فوک (ش).  
 پیشاهد : امص. هه لکه فت، ثنفاق، پیش  
 نامه، ده گمه، قومه. ناسو (ش).  
 پیش افتادن : م. سرکه وین، بهر که فت.  
 پیشانی : امر. پیسانی، توئل، نه وتل،  
 ناو توئل، جه بین، ناوچاو، به نه ره،  
 جه بین. نه نی، هه نه (ش).  
 پیشاهنگ : امر. یه ننگ.  
 پیشاهنگ گله : پیشانگ. تیری (ش).  
 پیشباز : نک. پیشواز.  
 پیش برداشت خرمن : بهر کو. وهر کو  
 (ه). خیه (س).
- پیش بند : امر. پیش بن، بهر هه لینه.  
 وهر بن (ه).  
 پیش بند بچه : بهروانک. بهریقانک (ش).  
 پیش بینی کردن : م. بهر بو ری کردن،  
 پیش بینی کردن.  
 پیشت : احد. خه، فسه، پیش.  
 پیشتر : ص تلفظ. له مه وهر. چیول (ه).  
 پیشداتر، نن گوره (ش).  
 پیشخدمت : ص مر. پیشخه و معت،  
 پیشخدمت، بهر دم.  
 پیش خرید : سه و زخر. سه لم (ه).  
 پیش کر (ش).  
 پیشخوان : امر. پن، پیشخوان.  
 پیش خورد : ص مف. امر. پیش خور،  
 سه لم.  
 پیش دستی<sup>۱</sup> : پیش ده سی. سته (ش).  
 پیش دستی کردن : م. پیش ده سی  
 کردن، ده سی بهر خستن، پیش بی کتی  
 کردن. ده سی وه لی و سه ی (ه).  
 پیش رس : ص فا. پیش رس،  
 زو ورس. زو گه هشتی (ش).  
 پیش رفت : امص. پیش رهوت، پیش  
 کوب.  
 پیش رفت کردن : م. له بهر چو، پیش  
 رفت کردن، له بهر ویستن، تیهانین،  
 له بهر روین، بهر گرتن<sup>۲</sup>. وهره ولسوای  
 (ه). حه مده شین (ش).  
 پیشرو : ص فا. پیش رهو، جلّه ودار.

۲ - پیشرف کردن بیماریهایی مانند  
 آگزما و باد سرخ.

۱ - میر کوجک.

- پیش فروش : امص. پیش فروش، سہلم.  
پیش قدم : ص مر. پیش قدم.  
پیش قلیانی : امر. ہر قلیانی، سہبانہ،  
سوبحانہ، ہردل، قاوہ توون،  
قاوہ لتوون، قاوہ لئی، پیش قلیانی،  
وہردل، وەر جای (ہ). ہر تیشٹ،  
سہر تیشٹ (ش).  
پیشکار : ص مر، امر. گزیر، پاکار،  
پیشکار.  
پیش کرایہ : امر. پیش کراہا، پیش  
کری.  
پیش کردن : م. دانہ وہ، پیہ و دان،  
جفت کردن. دای پو، پوہ دای (ہ).  
پیہ دان، گرتن (ش).  
پیشکش : امص. وہ لیفنت، تارف،  
ہر تیل، پیشکش. زہنگولہ (ہ).  
پیشکی : ح مص. پیشکشی، ہر تیلانہ،  
پیشکوب خرمن : نک. پیش برداشت  
خرمن.  
پیشکی : ق مر. پیشبایی، پیشہ کی،  
ہہعانہ. بھہ (ہ).  
پیشگو : ص فا. پیشگو، تالہ بین،  
غہیزان، پیش بیژ، فال بین. پیشدایژ  
(ش).  
پیش گیری : ح مص. ہر گیری.  
وہر گیری (ہ). برایک گیری (ش).  
یش مرگ : ص مر. پیش مرگہ.
- پیش نماز : ص مر. ہرنوئژ، ٹیعام.  
وہر نما (ہ). پیش نقیژ (ش).  
پیشنہاد : امر. پیشیار.  
پیشوا : ص مر، امر. پیشوا، راہر،  
سہر گہورہ، سہر وک، سر گوٹار،  
سہر گہٹار (ش).  
پیشواز : پیری، پیرایی، ہرہو پیری،  
تیواز.  
پیشوند : ا. یگر.  
پیشہ : ا. پیشہ، کم، کار، کسب،  
کسب، کسپ و کار. ہہرمانہ (ہ).  
شول (ش).  
پیشہ وەر : ص مر. پیشوہر، کاسبکار.  
پیشین : ص نسب. ہرگ، ہرگین،  
پیسو، پنین. والین، وہلین (ہ).  
پیعام : نک. بام.  
پیغام آور : ص فا. پیغام هاوہر، راہر،  
پیام، رتی کری، قاسد، پی کوہرہ،  
بہلہ پا. پیعام (ہ).  
پیغام دادن : م. سہرہ ناردن،  
راسپاردن، پیغام دان. پیغام دای (ہ).  
پیغمبر : ص فا، ا. پیغمبر، پیامبر،  
راسپارده، راسپراو، راگہ تین.  
پیکار : جہنگ، رہزم، چنگہ پوئی،  
ہرہرہ کانی، گیرہ و کیشہ، دہ مقہرہ،  
ستیز. فہیزلانڈن (ش).  
پیکر : گژیان، گزگیان، ٹہنام، لہش،

گشت گیان، لاشه، قالب، شاققل.  
 که لَش (ش).  
 پی گرفتَن : م. پیاچون، شون گرتَن،  
 شون زوین. دوماپی گرتَن (ش).  
 پی گم کردن : م. شون گوم کردن.  
 دوماپی به زر کرن (ش).  
 پی گیری : نک. پی جویی.  
 پیل : ا. فیل.  
 پیله : ا. پله، قوزاخه.  
 پیله ور : ص. امر. پیله ور،  
 ورده فروش، چه رچی، دمس فروش.  
 ورده واله ورش (ه). هورده فروش  
 (ش).  
 پیمان : ا. پیمان، بریار، عهده، بهلین،  
 به پیمت، دمس و په یون، قول و بر.  
 پیمانه : امر، پتوانه، پیمانه، عیاره،  
 نه نازه، نه یاره، کیوژ، کهوچ، کهیل،  
 که یله، کهوچه. کوتل، شریک (ش).  
 پیمانه غلات : قه فیز، ربه، کیوژ،

کهوچه، کوتل (ش).  
 پیمانه کردن : م. پیوانه کردن. پیمای  
 (ه). کوتل کرن (ش).  
 پیمونن : م. رینگه برین، تهی کردن،  
 روین، برین، گز کردن، ری برین،  
 چوره، پتوان، بریهی (ه).  
 پینه : ا. پینه، وه سلّه. شاپینوز، په رو  
 (ه).  
 پینه دوز : ص. فا. پینه چی، کوشکار،  
 پینه دوز.  
 پیوسته : امف. په یوه سه، چه سپاگ،  
 چه سپاو، لکیاو. پیکفه، پیقه، گهلی  
 (ش).  
 پیوند : په یون.  
 پیوند زدن : م. په یون لیدان.  
 پیه : ا. پی، نهز، پیو، زوهم. دون (ش).  
 پیه سوز : امر. پتی سوز. پیر سوز (ه).  
 دون سوز (س).



پیوند



ت

تاوشت، بهر گه، هیز، شی، نهوان،

تاقت. وهر گه (ه). تاب (ش).

تاب<sup>۶</sup> : ۱. ناو، هالاو، گهرما، بی.

تاب<sup>۷</sup> : ۱. دار دتله کاسی. دتلاسی (ه).



ت : ت.

تا<sup>۱</sup> : تا، هتا، هرتا.

تا<sup>۲</sup> : ۱. نا، لنگه، فانان، نابار. هامتا،

هام جفت (ه). هاولف<sup>۲</sup>. جهم، کت

(ش).

تا<sup>۴</sup> : ۱. تاء، مووچ، دولا، دوق، قهه،

چین، لا، لونه.

تاب : تاو، لوول، پتچ، قه‌مچ، کرز،

سوور، خول.

تاب<sup>۵</sup> : ۱. تاو، هانا، گیر، گو،

۱ - در : «از اینجا تا....».

۲ - لنگه.

۳ - در : «دو غلو».



تاج

تايدہ : نک . تابدار .

تاپ : اصد . تب .

تاپ تاپ : اصد . تب تب .

تاپو : ا . کهنوو ، کهنوو ، دوتيان ،

کوفار ، گورگله ، کولووری .

تات : ا . نانار .

تاتر : ا . شانو ، سانگه .

تاتوره : ا . تاتووله .

تأثير : سون ، رهنگ .

تاج : ا . بايج ، ناج .

تاج خروس : امر . نوته ، پوپ . کامار ،

يويل (ش) .

تاجر : ص . افار . بازه رگان ، تاجر ،

سواگر ، کاسب ، سوداگر .

تاجر يزی : امر . تاجر يزی .

تاخت : ا . ناخت ، غار ، تاو ، ترات ،

لنگ داران ، چووارنال . فوش ،

بهز (ش) .

تاخت و تاز : تاخت و تاز ، هتيرش .

تيرش (ش) .

تاختن : م . غار کردن ، ترات روين ،

تاخت کردن ، چووارنال کردن . فوش

کرن ، بهزاندن . ترفاندن (ش) .

تاخير انداختن : م . بهک خستن ، دوواره

خستن ، ته گهر دان ، درهنگ کردن .

پهکوسته ی (ه) . دومايک داهيلان ،

پاشدا هيلان (ش) .

هيزوک (س) .

تاب آوردن : م . تاو هاوردن ، بهرگه

گرتن ، ناوتت هاوردن ، ناقت ئيان ،

ناقت هاوردن ، شيان . وهرگه گرتی ،

ناقت نارده ی ، ناو نارده ی (ه) .

تابان : ص . فا . ورسه دار ، تربفه دار ، نامان .

تاب بازی : ح . مص . چله نايه ، ديلاني (ه) .

تاب دادن : م . خول دان ، تاو دان ،

سوردان ، بادان . سوردای ، وادای ،

خولنايوه (ه) . زفراندن (س) .

تابدار : ص . فا . تاودار ، تاودريباگ ،

بادريباگ ، کرژ . وادريا (ه) . بادايی

(س) .

تابستان : امر . ناوسان ، هاوبن . هامن

(ه) . هامين (س) .

تابستاني : ص . ب . ناوسانی ، هاویسی .

هامنی (ه) . هاقینی (ش) .

تابش : امص . دروشه ، گوړه .

تابع : ص . ا . پاشه وه ، پهیره وه .

تابعیت : پهیره وه ، پاسه وه ی .

تابوت : ا . تهرم ، ساوت ، داره بهرم .

تابوت (ه) . چاردار ، سندرېک ،

سندروک (ش) .

تابه : ا . تاوه . موغولک (ش) .

تابه تا : ص . مر . تابه تا ، تاوه تا ، تاك و لو ،

لنگاولنگ .

تابیدن : نک . تاب دادن .

- تار ۱ : ۱. تال، لیزگ، تَلّ.
- تار ۲ : ۱. تار، ساز.
- تار ۳ : ۱. تان.
- تار ۴ : ۱. کاکله مووشان، ته‌ئنی داپیروشکه (ش).
- تار ۵ : ص. تار، لیلّ، تاریک، نووتک. طاری، تم (ش).
- تاراج : ۱. تاراج، تالان، غارمت، چه‌پاو، کالات.
- تاراندن : م. تارنیان، ریوال نیان، تاراندن، تارانی، تاردان. رامال نیای، ره‌منای (ه). قاوتاندن، قاددان، جه‌نیقاندن، ژیک به‌لا کرن، رامالین (ش).
- تارژن : ص‌فا. تارچی، تارژن.
- تار شدن چشم : لیلّ بوون، تار بوون. شیلّین (ش).
- تار عکبوت : امر. کاکله مووشان، دووژنگ. هه‌لاوهو مامالّی (ه).
- دیورژن، کارینک، ته‌ئن (ش).
- تارک : افا. تاریک، ته‌نیا، که‌ناره گیر.
- تارمی : امر. تارم، تارمی.
- تار و پود : امر. تان و پو، بووم، راو ریس.
- تارو مار : امر. تاریاگ، تاراو، تارو مار، ته‌فهو تونا.
- تاری : ص‌نسب. تاری، تاریکی، تم، رمل.
- تاریخ : ۱. میژۆ، تاریخ. دیروک (ش).
- تاریک : ص. تاریک، تیسره، نووتک. طاری (ش).
- تاریک روشن : ق‌مر. تاریک و لیلّ تاریک و روون.
- تاریک شدن : م. تاریک بوون، تار بوون.
- تاریک کردن : م. تاریک کردن، تار کردن.
- تاریکی : ح‌مص. تاریکی، تاریکایی، رمل، تم. طاری (ش).
- تاریکی شدید : تاریک و نووتک، تاریک و سووتک.
- تازدن : م. نا کردن، قه‌د کردن، مووچانن، دولا کردن. دهی دای، قه‌د که‌رده‌ی. مووچایوه (ه).
- تازگی : ح‌مص. تازه‌گی، نووکه‌یی، نازه‌یی.
- تازه : ص. تازه، جه‌دید، نووکه، نوی. نه‌وه (ه).
- تازه به‌دوران رسیده : نه‌یی، نوکیه، تازه بیا که‌فتنگ. ینه‌ئیه‌ی (ه).
- نه‌دیدۆک، تازه‌گه هشتی (ش).
- تازه جوان : ص‌مر. نه‌جوان. تازه‌لاو (ش).



تازه‌زا : ص. مف. تهرزا. تازه یاواینه  
(ه). نوک‌زایی (ش).

تازه عروس : ص. تازه وهوی.

بووکا تازه، نوپووک (ش).

تازه کار : ص. مر. تازه کار، ناشی.

تازه نفس : ص. مر. تازه نه‌فس.

تازه وارد : ص. مر. تازه وارد. تازه

یاوا (ه).

تازی : ا. تانجی، تاجی، گوله تاجی ،

خه‌نوک . نازی (ش).



تازیانه : ا. ش‌لاخ، تازیانه، قه‌مچین،

قه‌مچی، شلاق، فلا (ش).

تازک خوشه گندم و جو : برژول،

کرمک.

تاس : تاس. لوچ (ش).

تأسف : ا. داخ. مخاین (ش).

تاسوعا : ا. تاسوعا.

تأسیس کردن : م. به‌ریا کردن، دایر

کردن، روتان.

تاشدن : م. تابوون، مووچیانه‌وه،

دولابوون. نوونایوه، مووچیایوه،

کومبایوه (ه). قعد بین، نه‌فی بین

(ش).

تاشو : ص. فا. تاشوه، دق حور.

تافتن : م. بادان، هوتین، تاودان. وادی،

چنبه‌یره (ه). هوتانندن، زقراندن

(ش).

تافته : ا. خامک، تافته.

تاق : نک. تنها.

تاقه : ا. تاقه.

تاق یا جفت : کاله مشتئ، تاقمانه جفت.

تامانه و جوت (ه).

تالك : ا. مئو، رهز. مئو (ه). مئف

(ش).

تاگردن : داشکانن ، دامووجانن،

داکوژانن، دولاکردن، قعد کردن، تا

کردن، دانه‌وانن، دق دان، دق

کردن، دق دای. کوشنایره، قعد

کهردهی، دوه‌لا کهردهی (ه).

تاکستان : امر. باخ، باخه‌مئو، مئوسان.

باخه مئو، مئوی (ه). رهزی مئقه

(ش).

تالاب : ا. بالآو، ناو پهنک، ناوگیر،

گولآو، برکه. گهر(ش).

تالان : نک. تاراج.

تأمل کردن : م. تامل کردن، نه‌نیش

کردن، ورده و بوون.

تأمین : امص. مسو گهری، دل‌نایی.

تأنی : امص. شینه‌یی، نارامی، به‌سهر

حه‌سه‌له.

تاوان : ا. تاوان، جه‌ریمه، گونا. تول،

گونه‌ح (ش).

تاوان دادن : م. تاوان دان، بژاردن.

وجارای (ه). تول دانه‌ه (ش).



تیر

تاوان گرفتن : م. تاوان سه‌نندن، تاوان

سه‌نن، سه‌ریسه کردن. ماوان نه‌سای

(ه). تَوَلّ گرنه‌ه، تَوَلّ ستانه‌ه (ش).

تاوان : ا. بلوق، بلق، گوزاوله. پولگ

(ش).

تاوان زدن : م. هه‌لتوقیان، گوزاوله

کردن، بلوق کردن. بلوق کرده‌ی،

گوزاوله کرده‌ی (ه). مولگ دان،

بلق دان (ش).

تایچه، تاجه : امص. نانحه، نابجه،

ناچه. جوهور (س).

تایه<sup>۱</sup> : ا. سایه، دایه، دایان. دادسی،

داین (ش).

تایه<sup>۲</sup> : تایه. کادین، ساب (ش).

تب : ا. یاو، هو. گرانه، گرانه‌ی، نا

(ش).

تبادل : امص. نال و گوز.

نبار : ا. بهار، بهس، ره‌سهن، بهوار،

ره‌گوز.

تبه : ص. ا. به‌بای، زایه، فاسد، به‌وای،

خرای، نابوو، له‌کهل که‌فتوو. خراب،

زایح (ش).

تبه شدن : له‌به‌ینا چوو، فرتی که‌فتن.

دلینی شیهی (ه).

تبه کردن : پووو چانه‌هوه. دلینه

به‌رده‌ی (ه). به‌ینی برن (ش).

تبان : امص. ناتهبایی.

تبحر : امص. چازانی، باش زانی.

تبخال : امر. له‌غاهو به‌کئی، تامبک.

یاومز (ه). زریک (ش).

تب داشتن : م. له‌یساوا به‌وون. تا

هه‌بوون (ش).

تبر : ا. ته‌وه، ته‌ور. نه‌قر، نقر (ش).

تبر داس : امر. ته‌وه‌رداس، دار پاچ،

ده‌ده‌داس.

تبر زین : امر. ته‌وه‌رزین.

تبرع : امص. باربووی.

تبرک : امص. به‌به‌روک.

تبری : امص. باکایی، پاکانه‌یی.

تبریزی : ا. چنار، به‌وریزی.

تبریک : امص. ته‌بریک، ساساس،

سادباس، موارک بایی، بیروزبایی.

تبسم : ا. بزه، زه‌رده‌خه‌نه.

تب کردن : م. یساو کردن. یساو

کرده‌ی (ه). تا کرن (ش).

تب لازم : امر. نازارسی، نازار،

باریکه، نازار سل. نازار سیل (ه).

سیل (ش).

تبلیغ کردن : م. راگه‌ماندن، پروجاگه‌مد

کردن.

تب نوبه : امر. له‌رز و یاو، سبیه‌رو،

سیوه‌رو.

تپاله : ا. ته‌پاله. ده‌وه، سه‌وروو،

سه‌برگه (ه). کیله، فالاخ (س).

۱ - زنی که مادر نسب ولی بچه را سیر

۲ - خرمن علف.



تیانچه

- تپالدان : امر. ته پالدان، قهله خانی.  
 سورگا (ه). کیله دان، سلك،  
 کوسکلان، دهله فان (س).  
 تیانچه : امر. دهوانچه، پستهو، ده مانچه،  
 زیله.  
 تپاندن : م. ته پاندن، چه پانن، چیوکوت  
 کردن، ترنجانی، ترنجاندن،  
 تپانن، ناخین، چه یانن، تی په ستان،  
 تی برین. خاناینه، ژه ناینه (ه).  
 قه په سنه قه، قه په ستن، فرساندن،  
 چه بیشانندن، دویسانندن، نه مساندن،  
 سه پاندن (ش).  
 تپش : امص. ته پش، ره په، ره پی.  
 تپش دل : امر. دله ته پی، دله ره پی. دل  
 کونک (ش).  
 تپق زدن : م. جوړیان، جوړیای (ه).  
 گوړیان (ش).  
 نیه : ا. نه، نه، کوگا<sup>۱</sup>، ساحوا<sup>۱</sup>،  
 نه یونکه. نه رفاز، سال، گر،  
 زنی، کاس (س).  
 تپه ماهور : امر. ته پ و دول. شوق  
 دولک (ش).  
 تپیدن : م. ته یان، ره یان.  
 تجارت : امص. بچاره، داو به،  
 شاره بهره، سوداگری، بازرگانی.  
 تجانس : امص. هاونجی.  
 تجاوز : امص. تی په رکتی.  
 تجاھل کردن : م. خولتی گیل کردن.  
 وی گیل کرده ی (ه).  
 تجدد : امص. نوآوی.  
 تجدید کردن : م. نوی کردنه وه،  
 دوباره کردنه وه، دوباته کردنه وه.  
 تجربه : امص. قافی، ته جربه، نیمتحان،  
 نازمایس. جهره (ش).  
 تجربه کردن : م. قافی کردنه وه،  
 ته جربه کردن. جهریاندن (ش).  
 تجرد : امص. سه لئی.  
 تجریدی : م. نسب، واتایی، هه لرووتاوی.  
 تجزیه کردن : م. جیاوه کردن، شی  
 کردنه وه.  
 تجلیل کردن : م. ریز لی نیان، ریز نان.  
 تجمل : امص. سامان، جا و جهلال،  
 زیور (به ستن).  
 تجنیس : ا. یه کیه تی، هاونجنسی،  
 یلکه گزی.  
 تجویز کردن : م. نواندن، نوانن.  
 ندره مایی (ه).  
 تجهیز : امص. ته یار، ساز، قومراح،  
 نامایه.  
 تجهیز کردن : م. ته یار کردن، ساز  
 کردن، قومراخو کردن.  
 تجیر : ا. جیح، جیت، ته جیر، تامان،  
 حه ره.  
 تحدید کردن : م. سنور بهندی کردن.

۱ - نوده ای از چیزی که به شکل به در  
آمده باشد، مانند پهن.

سنور به ستن.

تحریر کردن : م. گورانن، گورانندن، گیرانندن.

تحریر کردن : م. هه لخرانن، گال دان،

بله نیان، هان دان، به حریر کردن، بی

به ردان. ورخرنای، هورخرنای، هابی

دای (ه). ناف لئدان، هاسدان،

خرپادن (س).

تحریر کردن : م. یاساخ دان، قاخه

کردن، حریر کردن.

تحریر کردن : به ستن دان، باره هه لا

وین.

تحصیل : امصد. به ستن نشینی.

تحصیل : امصد. به ستن.

تحفه : ا. دباری، توفه، وهلیف.

تحریر کردن : م. بووچک کردن، سووک

کردن، سوک کردن.

تحقیق کردن : م. تاقیق کردن،

کولینه وه، تووژینه وه، پیا گه یین.

لی گریان (ش).

تحکم کردن : م. داخویرین، راخویرین،

نی خویرین.

تحلیل کردن : شی کردنه وه، لی

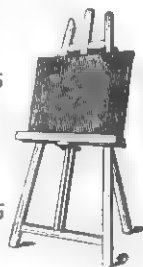
کولینه وه.

تحمل : امصد. به رگه، هه لگرت،

تهحه مول، تاو. تاب (ش).

تحمل کردن : م. به رگه گرتن، تهحه مول

کردن، تاو هاردن. تاب نیان (ش).



تخته سیاه

تحمیل کردن : م. یارلی نیان، سه ناندن.

تحویل دادن : م. دان، سپاردن، به حویل

دان. سپارمن (ش).

تحویل دار : ص. با. وه رگر.

تخت ۱ : ا. به.

تخت ۲ : ص. به خب، ساف، هامووار،

راس.

تحتواب : امر. که، به ختوخواو.

تخت مرده شویی : تهه سور،

به ختو سور.

تخته : ا. تخته، ته نه له، دهپ (ش).

تخته پوست : امر. ته خنه یوس،

به ختو کهل (ش).

تخته پهن : امر. به گری، گه مریه،

به ختو به یین. سه سه ورو (ه).

تخته سنگ : امر. ته له سه بگ، ناشه

کوچک، ته ختو سه بگ، ته له کوچک.

تهه نی بانه، تهه نی بهیم (ه).

ته ختو بهر، صل (س).

تخته سیاه : امر. به ختو ده رز.

تخته نان : امر. پنه.

تخته نرد : امر. به ختو نرد.

تختی : ص. سب. به خنی، نه ختان،

نه ختایی، راسایی.

تختی دامنه کوه : بی ده ش.

تختی سرکوه : ته ختان، بانی، توختان،

باتاو، لات.

تخریب : امصد. توفه، روخه.

- تخریب کردن : م. روخانن، رمانن.  
 تُخس : ص. تووړه، توخس، سرک، رووس، بووس، چه مووس.  
 تُخس کردن : بهش کردن، به نهو کردن، قیمت کردن، به هر کردن.  
 تارکړن، بشک کړن (ش).  
 تخصص : امص. سیوړی، حازانی، خبره یی.  
 تخصیص : امص. دیاری، بایب، داوب.  
 تحفیف : امص. نه خفیف.  
 تحلص : ا. نازناو.  
 تخلف کردن : م. برازان، نرازیان، لادان، بیړی چوون.  
 تخلیه کردن : م. حوّل کردن، خالی کردن.  
 تخم ۱ : نوم، بوخم، دان، دانه، بوو، بهزر، منج، نوّف (ش).  
 تخم ۲ : ا. هیلکه گون، خایه، گون، که نه گون (ه)، هیله گون (ش).  
 تخم ۳ : ا. خا، هیلکه، هیله (ه)، هیک، هیک (ش).  
 تخم ۴ : یرگ، گهرا، خهرز (ش).  
 تخماق : ا. بوحماح.  
 تخم پاشیدن : م. بوم وه ساندن، بهزر وه ساندن، بوو داخسن، بهزر وه سانن. بوم سانای (ه). بوو هافه یتن، چاندن (س).  
 تخمدان : امر. بومه دانه. بوقدان (س).  
 تخم راهنما ۵ : مارک، رامکه، ماره، راه، رامی (ه)، هلفانک (ش).  
 تخم شیش : رشک.  
 تخم کردن : م. هیلکه کردن ۶، نوم کردن ۷، هیله کرده ی (ه).  
 تخم مرغ : امر. هیلکه، خا، زه بره ووون.  
 هیله (ه)، نیک، هیک (ش).  
 تخم مرغ بازی : هیلکه شکانی. هیله مایرانی (ه).  
 تُخمه ۱ : توحه به، خه مره، لوقه.  
 تُخمه ۲ : ا. بوم. دندک (ش).  
 تخمی : ص. نسب. توخمی. توقا (ش).  
 تخمی : ص. نسب. بوم.  
 تخمین : امص. به خمین، بره، گوخره، وه بر، به راورد، حه دس.  
 تخمین زدن : م. به خمین لیدان، به راورد کردن.

۱ - تخم گیاهان و رستنیها.

۲ - تخم، بیضه، خایه.

۳ - تخم مرغ و یرندگان دیگر.

۴ - تخم و نوزاد حشرات.

۵ - برای راهنمایی مرغهای خانگی دک

عدد تخم مرغ یا سگی سببه

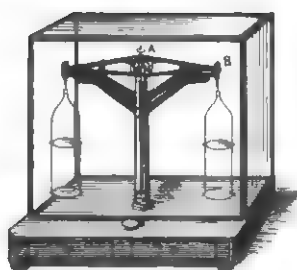
نعم مرغ در جای امنی فرار میدهند

که مرغ تخمهای خود را در کنار

آل میگذارد.

۶ - نعم کردن یرندگان تخم گذار.

۷ - تخم کردن گیاهان و رستنیها.



ترازوی زر

بحیل : ۱. براره، نندسه، نه‌نس.  
تدارک : امص. نفاق<sup>۵</sup>، نه‌داروک، نه‌بار، ساز.  
تدبیر : امص. ته‌گبیر، راویژ، چاره، چاره‌را.  
تدریج : امص. وهره‌وهره، واره‌واره.  
به‌ره‌به‌ره. به‌شینیهی، هیدی هیدی (ش).

ترازی کتس (س).  
ترازدی : ۱. خه‌مامه.  
تراش : امص. افا، ماش، براس، به‌راس.  
تراشیدن : م. ناسین، هه‌لیاچین  
دایاچین دادان<sup>۱</sup> داناسین،  
داهوردن، کرافن، کرافدن، تاشای،  
هوژراچای (ه). تراشتن،  
ره‌وبتن (ش).  
تراشیده : امص. باسیاگ، دانا‌شیاگ،  
دایاچاگ. ناسیا (ه). تراسی (س).  
تراکم : امص. هووره، جمه، پری.  
ترانه : ۱. گورانی، دیلانی، چیه،  
آه‌نگ، ترانه. ستران، لازه (ش).  
تراوش : امص. ده‌له، چوره.  
تراوش کردن : م. ده‌لیان، چوره  
کردن، ده‌لانی. ده‌لانی، تاجنای (ه).  
ترب : ۱. ترب. نوور، نریوی (ه).  
دور، تقر (ش).

تربار : امر. نه‌یه‌بار، بانجاری.  
تربچه : امص. تربچه، تقر (ش).

تدلیس : امص. قیل، رووکه‌سی.  
تذکر : امص. بیراوه‌ری.  
تَر : ص. ته‌یه، تلّیز، تلّیس، ناوه‌کی،  
خووس.  
تراخم : ۱. ته‌راخوم، ئاله‌که.  
ئاوَلَمَك (ش).  
تراژ : ۱. تراژ.  
تراژ، طراز<sup>۱</sup> : ۱. تراژ، دووخه، دووخه.  
دغه (ه). دوی (ش).  
تراژ دادن : م. دانه دووخه، دانه تراژ.  
دغه‌دای (ه). دوی دان (س).  
تراژو : ۱. تراژوو، ته‌راژوو،  
تراژوومیزان. میزان (ه). شه‌هین،  
ترازی (ش).



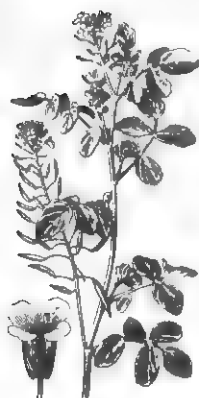
ترازوی زر : امر. تراژوومسال.  
تراژودار : افا. تراژودار، تراژیدار.



ترب



تربچه



ترتیزک



ترخون

سامدار، ساماوهر. سافسی،  
ساقدار (ش).

ترسو : ص. ترسه نوک، ترسو،  
کهم زات، بی زات، بی زاوهر،  
ترسه زال، ترسووک، بی زراف،  
به زدوونک، فزه، فرچاله،  
کله زاوهر (ش).

ترسیدن : م. ترسیان، نوقیان،  
زاوهرچون، کوخواردن، به کافتن،  
سام کپدن، نه نیس کردن، کیم  
خواردن، زابچون، زه نهق چوون،  
زه نهق بوفین، هراس کردن، به رسی،  
رسی (ه). ساف کون (ش).

ترش : ص. بورش، توش. ش (ه).  
ترشح زخم : امر. زوخ، کیماو.  
عه داب، ناخو (ش).  
ترشح کردن : م. ده لافن، ده لیان، پرشه  
کردن، پرشافتن. چوران، فاشانای  
(ه). ناخوتنه (ش).  
ترشدن : م. تیر بوون، فیسیان، خیس  
حواردن.

ترش شدن : م. نورشیان، نورشین،  
نورش بوون، فره کردن. نشی بهی،  
نسی (ه).

ترش کردن : نورس کردن، قزه کردن.  
نش کرده ی (ه).

ترشی : ص. نیب. بورشی. نشی (ه).  
ترشیدن : یک. ترش شدن.  
ترشیده : ص. مف. تورشیگ. تشیا (ه).  
تورشی (ش).

تربیت : امص. ته ربیت.

ترتیزک : ا. نه ربیزه. بیرنیزوک،  
که بخوسی، دبرنک (ص).  
ترتیب : امص. رتکی، ریز.  
ترجمه : امص. بجه، ناحه.  
ترجمه کردن : م. وهر گتران، باچقه  
کون (ش).

ترجلوا : امر. نه رهه لوا.  
ترخون : ا. ریساله، نه رخون.  
ترخینه : ا. دوبنه، ترخینه، گوئینه.  
دانک، دانه دوو، دهوین (ص).  
ترد : ص. تور، نه رچک. ترث. پندر،  
بنگر، پتر (ش).

تردست : ص. مر. نه ردهس.  
تردستی : ح. مص. نه ردهسی، شابازی.  
تردید : امص. دلیراوی، ته ردید،  
دودلی.

ترزیان : ص. مر. ته ره زووان، ده بهی،  
زووان باز، زوواندار، ته ردهم. خوش  
عزمان، تیل (ش).

ترسی : نک. ا. مه ترسی، ترس، سام،  
به روا، نه نیس، حیو، کو، کیمخوا،  
بهک. سو هوون (ص).

ترساندن : م. برسانن، نو فاس، زاب  
بردن، یزدان، داجله کائن  
دانرووسکائن. توفنای، ترسنای،  
زات به رده ی (ه). ترساندن، یزدانیدن،  
به زدن، زرا و بردن، فره اندن، کوک  
بی دان (ش).

ترسناک : ص. مر. سامناک، ترسناک،

ترعه : ۱. باریکه ناو، درگاه.

تُرک : ۱. بوزک.



ترکاندن : م. تره کاندن، تلّیشاندن،  
ته فاندن، نو فاندن<sup>۲</sup>. تره کنای، تلّیشنای  
(ه). ته فاندن، قلیشاندن، قه لّشاندن،  
که لاستن (س).

تُرک برداشتن : م. تره که له گزین، سهی  
بردن، تره که بردن، تلّیس بردن،  
تلّیشان، درز بردن. شوق به رده ی (ه).  
دیک بین، قه لّاشن، شره یان، کر بین،  
قه لّشان، قه لّسین، قه لّشان (س).

تُرک خوردن : نک. بوزک برداشتن.  
تُر کردن : م. فیسانن، تهر کردن.  
تُرک کردن : م. نهرخ دان، نهرک کردن،  
بوواره دان. ناسه ی جگا (ه).

تُرکه : ۱. نهرکه، خامه، بول. سوزک،  
سوهور، بول، سوزک (س).

تُرکیب : امص. تهرکیب، دمامان،  
نهر، نهرک، نهرج.

تُرکیدن : م. تره کیان، تلّیشان، ته فیان،  
نوفیان. سره کیای، تلّیشیای،  
قلّیشیای (ه). ته فین (ش).

تُرمتای : ۱. تورمته، هه له که،  
هه له که سه ما.

تُرمه : ۱. تورمه، ترمه.

تُرنا : ۱. تورنا.

تُرنج : ۱. تورنج، شوشین.

تُرنبیین : ۱. تره نجه مین، بره نجه مین.

تُرُق : احت. نوق.

تُرُقوه : ۱. چه له مه، چوله مه، چاکله.

تُرُقسی کردن : م. پیتش که وئتن،  
هه لّجوون، پهره سندن، بان چوون،  
گه وره بوون. گه وره بیه ی (ه).  
حه مه ده شین (ش).

تُرک<sup>۱</sup> : تهرک، تهرخ، بوواره. ناسه (ه).

تُرک<sup>۲</sup> : ۱. نهرک، پاشکو.

تُرک : ۱. قاش، تره که، درز، تلّیش،

شکاف. شوق، قلیش، قه لّش، قه لّس،

چاک. سه مسا، دراف، لیک، کهر،

سه فار، بیس، دیک (ش).

۲ - بخش یس زین و دوجرخه.

۳ - ترکاندن ناول.

۱ - دور شدن و جدا شدن از کسی یا  
چیری، واگذاستن، دست برداشتن.



- ترنجبدن : م. ترنجیان، ترنجبای (ه).  
تهپهستن (ش).
- تروور : رهسکوژی.  
تره : ا. کهوه‌رگ، کهوه‌ر.
- ترهات : احد. ور، تهره‌هات.  
تره‌مار : نک. تریار.
- تره‌تیزک : نک. تریرک.  
تریالک : ا. ترالک.
- تریالکی : ص. نسیب. تریاکی.  
ترید : ا. ترب، لبیب، مرید.
- گورینک (س).  
ترویز : ا. ترینج، داینه، ده‌مان، دامن.
- تروریق کردن : م. دهرزی لیدان، دهرزی  
وه‌سان.
- تزویر : احد. نه‌زویر، چاپ، فروفیل،  
رووالمب، فنه، یامیول. راو، لیپ  
(س).
- تزین کردن : م. رازاندنه‌وه.  
تزییح : ا. ته‌زییح. تزیی (ش).
- تسخیر کردن : م. گرتن، داگیر کردن،  
داسر کردن. گره‌گره،  
نهره‌گره‌ی (ه). فه‌گرتن (س).
- تسریع کردن : م. له‌زاندن، مه‌له‌کردن،  
زوو کردن.
- تسکین یافتن : م. دامرکیان، نارام بوون.  
تسلط : احد. چووب، غه‌له‌به،  
ده‌سه‌لات، زالی.
- تسلط یافتن : م. زال بوون، ده‌سه‌لات  
په‌یا کردن، غه‌له‌په‌یا کردن.
- تسلی : دل‌ه‌وایی، سرخوشتی.  
تسلیت : احد. ته‌سلیت، سه‌سلامه‌نی،  
سه‌رخوشتی.
- تسلی یافتن : م. نارام گرتن.  
تسلیم شدن : م. داپسکیان، تسلیم بوون،  
خو‌یه‌ده‌سه‌ودان.
- تسمه : ا. قامیس، بارپیچ، دوواله.  
تسمه یوغ : امر. ویره.
- تست : ا. به‌ب.  
تشخص : احد. به‌سه‌خوس، فیز.
- تشخیص دادن : م. ناسین، دوزینه‌وه،  
نه‌شخیص دان.
- تشر : ا. ته‌شهر، قانه، توانج، ناک.  
تشر زدن : م. به‌شهر لیدان، نانه وه‌سان.
- تشریح کردن : م. به‌کالا کردن، توئی  
کردن.
- تُشک : ا. دوشه‌که، بترخ.  
تشکر : احد. سپاس، به‌سه‌کور.
- تشکر کردن : م. سپاس وین، ته‌ته‌کور  
کردن.
- تشکیلات : پیکها‌وو، ریکخراوه‌کان.  
تشنه : ص. بینگ. تهرنه (ه). بهن، نی،  
بی (س).
- تشنگی : ح. مص. بینگ. به‌رنه‌بی (ه).  
به‌هنوویی، بیانی (س).
- تشویش : احد. به‌سو‌بی، به‌راره،  
دل‌په‌یی.
- تشویق : نه‌سو‌تی.  
تشویق کردن : م. به‌سو‌تی کردن،  
مه‌لخرا‌ن، هان دان.
- تشی : ا. به‌شی، زوروو، حاله‌که،

- چوالوو. بهری (ه). کوله، رووری (س).
- تصادف : امص. هه لکهوت، هه لکهوت، ده گمه، بيش هاب، فومه، هوماو. هورکهوت (ه).
- تصادفی : ص نسب. قهزا قورقینه، ده گمه، هه لکهوت.
- تصحیح کردن : م. دوروسه و کردن، راسه و کردن، میزان کردن.
- تصدی : ا. یی سپراوی.
- تصدیق : امص. ته سیق، ستوف.
- تصدیق کردن : م. ته سیق کردن، ستوف دان (ش).
- تصرف : امص. دابگیر، داگیر، دابر.
- تصرف کردن : م. داگیر کردن، دابر کردن.
- تصفیه کردن : م. پالاوین، ساف کردن.
- تصمیم : امص. فرم، عزم، به سمیم، برباره، لی بیری (س).
- تصنیف : نک. ترانه.
- تصویر : ا. سیوه، دروسم، سکل، وینه، نگار.
- تضاد : امص. درانه نی، ناجوری.
- تضرع : امص. زاری، لاله، باره. گرمس (س).
- نظاھر : امص. به زاهور، حویمایی. وی نمایی (ه).
- تعادل : امص. له نگه ری، لگه ری.
- تعادل داشتن : م. لنگه ره بن، له بگه بوون.
- تعارف : امص. خولک، تارف. تعاونی : ا. هه ره وه زی.
- تعبیر : امص. نابیر، ناوین، براره. تعبیر کردن : نابیر کردن، براردنه وه.
- تعجب : امص. به لآحه وی. تعریف : امص. تاریف.
- تعریف کردن : م. تاریف کردن، به نان و بوا هاس.
- تعزیه : امص. برسه، شپوه، نازیبه. سس، نازی (ش).
- تعطیل : امص. به نلانه، به حنیل، و حان. دابخسی (س).
- تعظیم : امص. کریووس، نه عزیم.
- تعقیب : امص. نازو، ناهی، رمت، دوو. تعقیب کردن : م. رادوونان، رامال نیان، پانه یی بوون، رمت نیان، شوتن هه لگرتن.
- تعلیم : امص. نامو چپاری، موژیاری، نامووزس، نالم.
- تعلیم دادن : م. فیر کردن، نالیم دان، مو چپاری کردن، یاد دان، به ناو هاوردن. فیر گه رده یی، موحنای (ه).
- قتل کرن، عه لمادن (س).
- تعهد : ده سانقه س، ده سی، هه به سی، له قس، ده سانقه سی.
- تعمیر : امص. تامیر، ده سکاری. تعمیر کردن : م. ساق کردنه وه، تامیر کردن، ده سکاری کردن.
- تعیم : امص. گستگری، هه مووی.
- تعویض : امص. ئار و گوژ، نالنب،



تفنگ

- تفرقه : تفرقه، تفرقه، تفره و توناء، بلاوه.
- تفریح : امص. تفریح، سیران، پیاسه.
- تفریط (کردن) : م. له کبس (دان)، دهس باد (بوون).
- تفسیر : امص. راه.
- تہفسیر کردن : م. راهه کردن، لی کوتلی.
- تفصیل : دریره.
- تفصیل دادن : م. دریره دان.
- تفکر : ا. بیر، رامان، ویر، ورکه، راوتحکه.
- تفکیک کردن : م. لیك کردن، جیاوه کردن.
- تفنگ : ا. نهنگ، فہرہ بینہ، رہ شوکی، بہ ملہ پری سینگہ، بہرہوور، حسکہ . بہرہوج (س).
- تفنگچی : نفہنگچی.
- تہمیم کردن : م. حالی کردن، تی گہباندن.
- تقاضا : امص. تولہ، بہ فاس، ناوان، بولہ، نہ لافی (س).
- تقاضا گرفتن : م. نافدس، ناوان سہنن.
- تولہ گرنن (ش).
- تقاضا : نکاء، خوازہ، خوایش، لالہ.
- ہیقی (ش).
- تقسیم کردن : بہش کردن، بہشہو کردن، بہ ہر کردن، یشک کردن، نار
- ساقی باہی، نال و گوی.
- تعویق انداختن : م. دوواوہ خستن، بہکستن.
- تہمد : بہلین، پیمان.
- تعیین کردن : م. نیشان کردن، ناو بردن، دیاری کردن، ہلرین.
- تغار : ا. نہ غار، نہسہ، دولہ.
- تغذیہ کردن : خوراک بی دان، تیر کردن.
- تغیر : امص. بونی، بوورہیی، نالوزی.
- تغییر کردن : م. گویریان، نہم دیو و نہو دیو بوون. ہربای، وارہای (ہ).
- تُف : ا. تف، ناودہم، کلوبز، کلیز، لیك، خوزی، تفلیک، گریز، سوف (ش).
- تُف : ا. بوخار، بوق، ہلم، بلتسہ، کلہ.
- تفأل : امص. گہ سربسی، نوفلانہ، نہ قلانہ، فہرہ . م. بفأل زدن. گہ بینی کردن، نہ قلا نہ دان، قرانن.
- تفالہ : ا. تلف، تلفار، ترفال، ترب، تلپ، خلت، سلپ، سہسیر (ش).
- تف انداختن : م. تف کردن، سوف ہافین، سوف کرن (ش).
- تفاوت : امص. حیواازی، بہ فاوم، فہرق، بہویر، اختلاف.
- تفتیش کردن : م. پیا گہریان، یشکین.
- تفرج : پیاسہ، سیران.
- تفرق : بلاوہ، پڑوہ، فوروفوہ.

کرن (ش).

تقصیر : ا. امص. ته فیسر، کوتابی،  
ناوان، گوناع، فورن.

تقلا : نک. تلاش.

تقلب : امص. ته فلوب، ده له سه، فیل،  
دهو، ده خه لی.

تقلید : امص. ته فلیت، لاسایی.  
حاف لی کری (ش).

تقلید در آوردن (کردن) : لاسایی  
کردن، ته قلب ده رهاوردن. باسی

کرن، چاف کردن، لاین (س).

تقوی : بار تیزگاری، خوباریزی.

تقو و لی : ص. مر. تقو و لی.

تقویت کردن : م. تهو کردن.

تقویم : ا. رور ریمیر، تهویم.

تک<sup>۱</sup> : ص. باق، تالک، هک، هک، نهل،

هک، نه نا، نه بها، باق و نه نیا، سه لت.

ک، فاری، ره بن، نی (س).

تک<sup>۲</sup> : ص. هک، دهو. فی (ه).

بهز (س).

تک : ته لامار، جه مله، هوروز، سامال،

سالو، گورم، هورم. نیترس،

هیرس (ش).

تک : ا. نکه، چک، جوړه، مک، دلوپ،

دلویه.

تک : ا. دهووک، نووک. دمک (ه).

تکاپو : امص. هه لوه لا، نیکوستان.

تکان : امص. ته کان، شه کان، جم و

جوول، جوول، جمه، جم، حره کب،

چورته. بزووت، هز، خورپه، لره،

ریپ، رمت. نه خشه لاکوم (ه). هزان،

هزان (ش).

تکان خوردن : م. ته کان خواردن،

جمین، جمیان، جوین، جوولینه وه،

سه کان خواردن، حره کت کردن.

ته کان واردهی (ه). خو هژاندن،

بزیفین، هه ربان (ش).

تکان دادن : م. ته کان دان، شه کان دان،

زیوانن، شه کانس، شکاندن،

شه کاندنه وه، سه کانه وه، له قانن،

له رانن، جوانن، راته کاندن. جوولانن.

ته کان دای، ته کنای، شو کنای، حمای

(ه). هرانن، بزواندن، جمانن،

جمان، فر فراندن، گووت دان، گووت

وه شانن، راوه شانن، لماندن (ش).

تکاندن : م. ته کانن، ته کاندن، شه کانن،

شه کاندنه وه. ته کنای (ه). دافوتانن،

رافه ساندن (ش).

تکبر : امص. با، نه که بور، فیز، خامبا.

تک تک : امر. مک تک، دلوت دلوت.

تکذیب : نکار، نعا، گوب، حاسا.

تکرار : امص. تکرار، دوویانی،

دوباره یی.

تکرار کردن : م. تکرار کردن، دوباره

- کردن، پیاهاستن، پیاهاستنوه،  
دووباته کردن. گیلناپوه (ه).
- تکریم : امص. ریز، ته کریم.  
تک زبانی : پس، پسک.
- تکلنو : نهرمه زین، ناسر مه، نه مه دزس،  
ته که تنوو.
- تکلیف : ا. ته کلیف.
- تکمیل : اص. ته کمیل، ته واو، دوروس.  
ته مام (ش).
- تک و تنها : نه کو ته نیا. تافی و ته نیا  
(ه)، تنیو تنی (ش).
- تک و دو : نه کو دوهو.
- تکه : بر، قهغه، گونچر، تیکه، پل،  
نهجه، قرتکه، قتیجک. کهر، خار (ش).
- تکه پاره : ص. مر. تیکه پاره، شل و پت،  
شر، لب و پت، داوه شاو،  
داوه شیاگ، کوتو لهت.
- تکیده : ص. مف. داته کیاگ، ته کیاگ.
- تکیه<sup>۱</sup> : ا. ته کیه، خانه گا، خانه فا.
- تکیه<sup>۲</sup> : پال، پالشته، ته کیه، ته که.
- تکیه دادن : م. پالوه دان، پالدهان،  
پادانه وه، ته کیه دان، پست دان، پالوو  
دان، هه لپاردن. پالداپوه، ورسپریای،  
هورسپریای (ه).
- تگرگ : ا. نگر، گزنیتره،  
کاله پرویش. نه وهرگ، ولتسه (ه).
- تەرگ، گزگ، گرلۆک، گنک (ش).  
تلاش : ا. پهل و کوت، کوشتی، خه بات،  
بیکوسه، تلاش، ته قالا، تویشلاش، که  
و کو.
- تلاش بی تمر : چوکه چزی، ره نه پو.  
تلاش کردن : م. کوشتی کردن، تلاش  
کردن، پهل و کو و ه شانن، تویشلاش  
کردن، ته قالا دان، تنی کوشین.
- تلافی : امص. ته لافی، قهره بو، قهره وی،  
چیره، تافی، دهواره. توّل (ش).
- تلافی کردن : م. ته لافی کردن، چیر  
کردن، قهره وی کردن، حه قهو سه ن،  
دهواره بردن. قهره بو کهرده ی، عیضا  
دای (ه). توّل کردنه وه، نافدین (ش).
- تلخ : ص. نال، نازنگ. نه حل،  
گه مور (ش).
- تلخ شدن : م. تال بوون.
- تلخک<sup>۲</sup> : امر. تالگ، مرور.
- تلخک<sup>۴</sup> : امر. تاله.
- تلخی : ح. مص. تالی، نازنگی.
- تسک : ا. تیسک، زه نبول.
- زنگل (ش).
- تسکپ : نه ستیره یی.
- تلف شدن : م. نه لف بوون، له ناو  
حوون. نه لف بیه ی، دلته شیه ی (ه).
- نه لف نین، باز دان (س).

۱ - ساختمان دکر و نمایس و بخره.

۲ - در : «تکیه دادن» لب به جبری

۳ - گباهی انص.

۴ - مغز هسه بلخ.

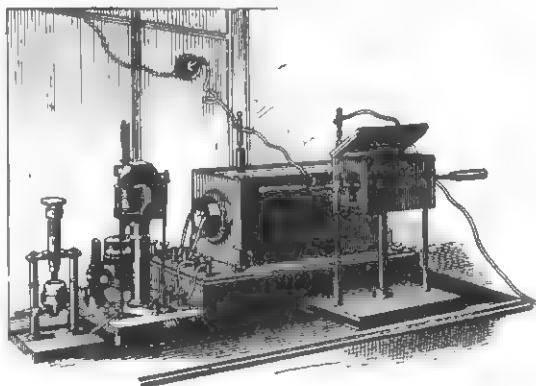
دادن».



تله

تَم : ا. تَم، بوخار، بوق، هَلم، مَر.  
 تماشا : امص. تماشا، مواشاء، سهرنج،  
 سهر، به ماشا.  
 تماشاچی : ص. سهر کەر، تواشاچی،  
 سهرانچی، به ماشاچی، سهرانکەر.  
 تماشاخانه : امر. بواساخانه، سهرانگا.  
 تماشا کردن : م. مواشا کردن، سهر  
 کردن، سهرنجه دان، رواشین. تهماشا  
 کردهی، سهرنج دای، دیای (ه).  
 تمام : ص. ق. گشت، حه موو، هه موو،  
 دووایی. گرده، قری، تهواو (ه).  
 رهبق، سوور، تهواو (ش).  
 تمام شدن : م. سواو بوون، فر نی  
 که فسن، دووایی هاس، فر هاس،  
 بریانهوه، ناخر هاس، حوونه سهر،  
 دوومایک هاس. بهمام بهی، دمای  
 نامان، بریانهوه، ناخر نامای (ه).  
 بهمام یس، کلیس بین (س).  
 تمام کردن : م. سواو کردن، دووایی  
 هاوردن، بریانهوه، فرهاوردن، فر  
 بیحس، بهناکام گه ماندن. بهمام  
 کردهی، بهما مای (ه).

تلف کردن : م. لهناوا بردن، له کیس  
 دان. دَلته بهردهی (ه).  
 تَلکه : ا. ته لکه، چور، بهن.  
 تَلکه کردن : م. ته لکه کردن، بهن  
 بوون، چور بوون.  
 تلگراف : ا. پرووسکه، تهل.



تلمبار کردن : م. هه لچنین، نیانه بان  
 به کهو، هه لا هه لا کردن. هور جنیای،  
 هه لانی کردهی (ه).  
 تلمبه : ا. بولومپا، بورومپا، بورومیه.  
 تلنگر : ا. پلوتک، برنگ.  
 تلو تلو : ب. لوال. بلاوللی (ه).  
 بهسید (س).  
 تلویح : هیمار.  
 تله : ا. به لَه، پاداوا، داو، بهره رِهت،  
 دام. فوج، بهلک (س).  
 تله گذاشتن : م. به لَه. نیانهوه، داو  
 دانیان. به لَه نیانهوه (ه). بهلک  
 دانان (س).

تمیزی : ح مصد. پاک، به میسی،  
خاونی، پاکیزه‌یی، شووار.  
تن : ا. نه، به ده، نه نام، لاسه، گاس،  
گراس، حسه، لاسه. زه مز،  
حدهك (س).

تنازع : امص. چنگه ریکتی،  
به ربه ربه کانی، کیشه و گیره، کیش  
مه کیش.  
تن آسا : نک. تیل.

ناسب : رتکی، هاوریره‌یی، نه ماسوب،  
تناور : ص. زل، گوره، نه له، مه زن.  
تیاگو : ا. به ماکو، نوون، نه نه کی،  
جه مبه‌یی (س).

تنبان : ا. شوال، زیر شوالی، تهومان،  
ده مهل قوبان، پاتول، ده ری، شلوار.  
تنبک : ا. دمک، نه یل.

تنبیل : ص. ته مهل، نه وزمل، که هال، ته  
به روره، نلار، چاخه سیور، سس،  
سه رال، کایه‌ل، په‌لخه، ریبول،  
سوروره، فل، نه خنوه، گایی،  
سته‌په‌له، سلپ، گیره نه که ر.  
لوز (س).

تنبور : ا. ته مورره.  
تنبوشه : ا. گونج، ته مووشه، به ربوق،  
سولیه (ش).

تنبیه : امص. ته می، جه‌زاه، ته می،  
گوسمالی.  
تنبیه کردن : م. به می کردن، به می

تمامیت : به‌واوی، به‌واوه‌می.  
تمتع : باره گری، باره گیری، بهش بری.  
تمثال : ا. عکس، ویه.  
تمجید : امص. تاریف.

تمدن : ا. شاره‌زایی، شاریگری،  
سارسانه‌نی. شارستانب (ش).  
تمرد : یاخیگری، نافرمانی، بی‌عه‌مری.  
تمرکیدن : م. دابه‌نه‌می، دابه‌مه‌کین،  
داته‌مین، په‌نگله مووس کردن.

تمرین : امص. به‌مرین، وه‌رزس، مه‌سی.  
تمسحر : امص. بیز، گالته، رسمه‌ن،  
یتال، به‌سحره.  
تمشک : ا. نوورگ، نوودرگ،  
به‌میشک، به‌ده‌ری (ه). شیلانگ،  
سری<sup>۱</sup> (س).

تمکن : مال، چت، خواز گه، ده‌وله،  
سامان، دارایی، هه‌بایی (ش).  
تمکین کردن : م. نه‌مکین کردن، فس  
دادان، مل دان، مل نهان، دایکیان،  
مل دای. پهره دای (ه).  
تملق : امص. خولته، نه‌مه‌لوق،  
چابلووسی.

تمنی : امص. نه‌مه‌ن، خواز گه، لاله،  
نکا. لاله (ش).

تمیز : پاک، نه‌میسی، خاوین، بزوین،  
زه‌نگ، قازاخ، بوخته، ساف.  
تمیز کردن : م. پاک کردن، لابرده، قال  
کردن، زه‌نگ کردن، ساف کردن.



تبور

کردن، کوسن. دایوه (ه).

گورج، قوچاخ، بهله‌باء، راوار،  
رهه —————. ویش رهوت (ه).

تن پرور : نک. تبیل.

تن پوش : امر. تن پوش، لباس، جل.  
جلك. بهرکهر (ش).

تند شدن : م. تون بوون، تووپه بوون،

قین جوین. تووپه بییه، قین جمای  
(ه). نالۆز بین (ش).

تنخواه : را. مایه، ده‌سمابه، سه‌رمیان.

تند<sup>۱</sup> : ص. تون، نیر، نن، گورج،  
به‌په‌لامار، کرژ، کرژ و کۆل، پرتاو.  
خوس، بریاف (س).

تند و تیز : ص. مر. نازا، بزیوه، خیرا،  
زیره‌ک، کرژ، گورج، قوچاخ، چنگزه،  
سرك.

تند<sup>۲</sup> : ص. نون، نوون، که‌سکون،  
بوگ، بیر.

تندی : امص. تونی، تیژی، کرژی،  
برشت، توندی، نه‌تهو، پرتاف (ش).

تند<sup>۳</sup> : ص. تون، نالۆز، تووپه، رووش،  
نووش، شیرت.

تنزل : امص. نه‌نزول، ففت، کوته‌واری.  
تنفس : امص. نه‌نفوس، پشوو، هه‌ناسه.

تندباد : زه‌مه‌ن، با‌گژه، وا‌گژه، با‌گهر،  
بای خورت، پورگ، ره‌شه‌با، زه‌لان.

تُنْكَ : ص. تونك، نه‌نك، شاش، که‌م  
یشت. نه‌نی، خیر (ش).

تندخو : ص. مر. تون، رقاوی، تووپه،  
رکاوی، نووس.

تنك كردن : م. نه‌نك كردن، شاش  
كردن. ته‌نك که‌رده‌ی (ه)، خیر کرن

تندر : ا. هه‌وره‌نرینه، گورمه.  
تن در دادن : م. مل بیان، ته‌دان.

تَنگه : ا. توونگه.  
تَنگ : ص. ته‌نگ، ته‌سك.

تندروست : ص. مر. ته‌ن دوروس،  
ساق، سالم، ساخ، ساق و سه‌لیم،

تَنگ : ا. ته‌نگ، قه‌یاسه، کزگ،  
هه‌ه‌لی.

خاس، ساخ و سه‌لیم، دوروس،  
خوش. ویش (ه). فاز (ش).

تَنگ : نوونگ، جه‌پ.

تند رفتن : م. تونرویین، تون چوون،  
باه‌لگرتن، پاب‌پاه‌واردن.

تَنگ آمدن : م. به‌نه‌نگ هاتن. ته‌نگ  
نامای (ه).

تن‌لوای (ه). خوش چوون (ش).  
تندرو : ص. فا. بونره‌و، به‌با، به‌یی،

تَنگ چشم : ص. مر. به‌رچاوته‌نگ،

۱ - بانساب.

۲ - طعم و بوی نند.

۳ - خستمگین.

۴ - در مقابل گشاد و فراخ.

۵ - نواری که زمین یا پالان را با آن بر  
سور بدند.



- خه بیس، به خیل. وهره چم به نگ (ه).  
 تنگدست : ص. مر. دمس تنگ، فقیر،  
 نه دار، دمس کورت، هه ژار، ژار،  
 لانه واز، به نگاز، فلوو به رد.  
 تنگدستی : ح. مص. دمس به نگ، نه داری،  
 هه ژاری، دمس کورتی، ژاری، فقر،  
 کوره وهری، ته نگ وهری.  
 تنگدل : ص. مر. دل ته نگ، په ژار.  
 تنگنا : امر. ته نگه، ته نگ وهری، ته نگنا،  
 سه علهت، سه ختی. ته نگاخی (ش).  
 تنگ نظر : نک. تنگ چشم.  
 تنگ نفس : امر. ته نگه نه نفس، نه نفس  
 کورت، کمش ته نگ، پشو کورت.  
 تنگه : ا. ته نگه، دینال، دهر به نه،  
 ته نگار، ته نگه لان، دپرگه.  
 تنگی : ح. مص. ته نگ، ته نگ وهری،  
 ته نگه لان.  
 تنور : ا. ته نوور، ته ندوور.  
 تنوره آسیاب : امر. ته نووره ی ناسیاو،  
 زه مووره ک. ته نووره و ناساوی (ه).  
 ته ندووره ناشه (ش).  
 نموره کشیدن : م. ته نووره کیشان،  
 لوول بوون، لووشه پیکان. لووشه  
 پیکای (ه).  
 تنوری : ص. نسب. به نووری، ته ندووری،  
 پیشا، پیشاگ.  
 تنوری کردن : م. پیشانن. پیشای (ه).
- به ندووری کرن (ش).  
 تنوهند : ص. که له گهت، ته بوومنه، زله،  
 جه پول، جه پتی، زله حورت، زله حول،  
 زله حورت، شاهلدار، قایمه فووله، فوول  
 و قول، زه بلاخ. قه با، قه به،  
 گه پناس (ش).  
 قنه : ا. قنه، نه نام، کوته، قنه. زه مه ز،  
 قاسک<sup>۱</sup>، کولک<sup>۱</sup>، لاچک<sup>۱</sup>،  
 لاس<sup>۱</sup> (ش).  
 قنھا : نک. تک<sup>۱</sup>.  
 قنهایی : ته نیایی، ته نی، چوئی،  
 قننی (ش).  
 قنی : ص. نسب. ته نی.  
 قنیدن : م. نه نین، بافین، هویس، چنین.  
 چنینی، به نای (ه)، هه هونان (ش).  
 تو<sup>۱</sup> : تو. ته (ش).  
 تو<sup>۲</sup> : ا. ناو، داخل، نه ندوورون،  
 ده روون. دلی<sup>۱</sup> (ه). نافه، هوندور،  
 ژوردا (ش).  
 توآتر : هه یناهه یناه، په ساپه سا، په ی  
 ده رپه ی، به رودووا. دویک دویک  
 (ش).  
 توازن : هاوسه نگ، به رانه ری.  
 توافق : هاوده نگ، هاوسازی،  
 هاویتی، ته وافوق.  
 توآلد : زک و زا.  
 توام : هاوتا، هاوزا، لف، به یه که و،

۱ - نه درخت.

۲ - ضمیر دوم شخص مفرد در حالت

بأید فاعلی.

۳ - داخل، اندرونی.

جفت.

جهنك (ش).

توامان (دوغللو) : لغه دووانه، دووانه،

توبه : امص. توبه.

هاوزكه، لفانه. دووانی (ه). جهمك،

توبه دادن : م. توبه دادن، توبه پی دان،

ييكای (ش).

توبه دان. توبه دایره (ه).

توان : ا. وەرگه، گور، زور، دهسهنه،

توبه شکستن : م. توبه شکان، توبه

شیان، زووخ، گریک، تهوان، قورمت،

شکانده توبه مایای (ه).

ناو، شی، تاوت، هیز، گر، گرک،

توبه کار : افا. توبه کار.

به رگه، گو، هانا، گیر، تین،

توبه کردن : م. توبه کردن.

دهسهلات. قهقت، تاب، خووز، رایه

توبیخ : سرکو، ته می، سرکونه.

(ش).

توپ<sup>۱</sup> : ا. توپ. توبه (ه).

توانا : صفا. تهوانا، به گور، به رگه گیر،

توپ<sup>۲</sup> : ا. توپ.

به گیر، بزمن، دهسهنه دار. وەرگه گیر،

توپ بازی : تویمان، توپ قاپ. توپانی

نازا (ه). فیرس، دووتاء، قهقت دار

(ش).

(ش).

توپچی : امر. توپچی.

توانایی : حمص. تهوانایی، بنیه، قوه،

تویی : ص. نسبه، ا. تویی.

کیش، شی.

تویز : ا. تويز، کوتهك، گاوه سر.

توانستن : م. توانین، برکردن، چهلان،

توت : ا. توتو. تفی (ه). تفر (ش).

دهرهقت هانن، دمی روین، دمی

توتستان : امر. توتسان. تویان (ش).

گه ییشین. ناوای (ه). شیان، ناوزان،

توت فرنگی : ا. چلیک.

کارین، رایه کهوتن (ش).

توتون : ا. ته ماکو، تونن.

توانگر : صفا. دارا، مالدار، چتدار،

توتیا : ا. کل.

ساماندار، دهوله مهن. ههیی،

توحید : یه کتا پهره سی، یه کنوایی.

زهنگی (ش).

توخالی : ص. مر. ناو پووک، پیف<sup>۲</sup>،

توامان (دوغللو) : لغه دووانه، دووانه،

قیرول، هورول، پووج، ناو خالی،

هاوزكه، لفانه. دووانی (ه). جمك،

بووتل، پووت، پووک. ناوهالی، دلّی

جمکاته (ش).

هالی (ه). زور، توروک، بوش،

توبره : ا. تووره که. جهورک، توربه،

ولور، کولور. نیک خالی (ش).

۱ - گوی لاسیکی که با آن بازی کنند.

۲ - چیزی که وسط آن سبکتر از جدار

۲ - یکی از اسلحه های آتشین.

آن باشد.

- تودرتو : ص. مر. نوده ربوو، له ناو يهك،  
ناويهك ناويهك.  
تودماغی حرف زدن : منگه منگ  
کردن، منجه منج کردن.  
توده<sup>۱</sup> : ۱. توده، پتی خوئی، پاخوا،  
کوڭگا، تپ، کوّمه له، گوئل. کوّمه  
(ه). چقات (ش).  
توده<sup>۲</sup> : ۱. سربوان، کوڭگا. سروڭگا،  
سهره گا (ه). کهلهک (ش).  
توده<sup>۳</sup> : خو له که وان، کوڭگا. جله وو،  
کوم (ش).  
توده<sup>۴</sup> : ۱. پور، پوره.  
توده<sup>۵</sup> : ۱. که لام، مه لو، لاسه.  
توده<sup>۶</sup> : ته تله میران.  
تودیع : مالاوایی، خواحافزی.  
تور<sup>۷</sup> : ۱. تور، داو. دامی (ه). سووپ،  
قه فانبجر (ش).  
تور<sup>۸</sup> : ۱. ره شک، هه زگ، تور.  
تور<sup>۹</sup> : ۱. دیواخ.  
تورم : ورهم، بیش، بهرچه وت، به نام،  
با، ماس، ناماس، خیز، وا (ه).  
توزیع کردن : م. بلاو کردنه وه،  
به تینه وه.  
توسری : چه پوک، چه ره سه ری،  
نه په سه ری، نو سه ری.  
توسعه دادن : په ره دان، گه وره وه  
کردن، فره وه کردن.  
توسل : ده سه داوینی.  
توش : ص. موش، بویره، چه توون.  
توشک : ۱. دوشه که.  
توشه : ۱. توشه، تویشو، ته پیشوو.  
توخی ری (ش).  
توصیف کردن : تاریف کردن،  
ناسادن.  
توصیه : راسپیری، سفارش.  
توضیح دادن : م. روون کردنه وه،  
روشن کردنه وه، ته وزیع دان.  
توطئه : پیلان، ده سه داو.  
توفال : ۱. توفال، پردوو.  
توفان : ۱. توفان، کرپوه.  
توفیر : ۱. فره رق، ته فاومت، ته وفیر،  
جیایی.  
توفیر گذاشتن : م. ته وفیر نیان، فره رق  
نیان، فره رق دانان، ته فاومت دانان. فره رق  
وسه (ه).  
توفیق : امص. ته وفیق، سه رکوت.  
توقع : چاوه روانی، هیوا، ته وقوع.  
توقیف : امص. ته وقیف، بازداشت،

- 
- ۱ - هر چیزی که روی هم ریخته باشد.  
۲ - توده پهن.  
۳ - توده خاک و آشغال.  
۴ - توده زنبور عسل جوان.  
۵ - توده علف.  
۶ - توده کرمهای ریز.  
۷ - تور ماهیگیری.  
۸ - تور کاه.  
۹ - تور سر، تور سرعروس.

گیر باگ.

ته پُر : ناپیر.

توکل : امص. ته وه کول، په نا بهری، په نا.

ته چین : امر. تاجین.

توکل بخدا : په نا به خوا.

ته خرمن : بنه بیت، بنه خرمان، کوزمل،

توگو، توگویی : تومزه، نهیزی، چما.

کوته ل. عفار، بن جوخین (ش).

تولد (یاقتن) : به دنیا هاتن، په یا بوون،

تهدید : ا. هره شه، گوره شه، گالو

هاتنه دنیا. په یا بیهی (ه).

گیفه، تهدید، گهف و گور.

تولک رفتن : رووتیا نه وه، تولهک

ته دیگ : امر. بنکې. بنکړنه (ه).

چون.

ته مانده : ص. مص. باش مهنه، بهر ماوه.

توله : ا. توله، تول، تل، تووته کو له،

مهنه وه (ه). بهر مای، دوو مایک مای

تووتک. غه لدبی، کوچک، کوتک،

(س).

کوسوک، گوجووله، گوجله (ش).

ته مانده قالب صابون : سووبکه، بنکه،

سولکه، سووبکه.

تومار : ا. تومار، لوله.

تهمت : ا. بومت، دم هه آه نس، دمس

تومان : ا. تمن.

هه آه نس، بوخناک، بوخناک، بوهمه.

تومور : ا. لك، غوده. لکه (ه). رینج،

دس وه ریس (ه). فر (س).

لوو (ش).

تهنیت : بیروز بایی، مبارک بایی.

تون : ا. تون، گووره، گولخن.

تهور : بی باکی، دلیری، نه برسی.

ناورگه (ه). ثانوون، نانه سخا،

تهوع : ا. دله ستوه، هولنج، هلنج.

گولخان، ناگر دانک (ش).

بری (س).

تون تاب : افا. تونه وان، ناگره وان.

تهی : ص. خالی، خوب، خوت و خالی،

توهم رفتن : م. بی چون، هه لژیویان<sup>۱</sup>

به تال. هالی (ه)، فالآ (ش).

هه لفله قیان، دانه یکه، چوونه به کا،

تهیدست : نک. بگدست.

به یه کا چوون، لوی پوره، هور

تهیگاه : امر. کاول، لاکاول، کله که،

فله قیای. لوی دلینی (ه). ناف یه کدا

خالیگا، نه ننت، پووه گا، نه حق،

چون (ش).

کورنه کله.

ته : ا. بن، بیخ، ته، بنک، ناخ، بنه، تا.

تهی معز : ص. مر. کله لسه موس،

تهاجم : هیرش، لیرش، په لامار،

کورنه کله.

هه لمت.

تهی معز : ص. مر. کله لسه موس،

تهاجم : هیرش، لیرش، په لامار،

کله لسه موس.

هه لمت.

۲ - توهم رفتن کرم و مورچه و حشرات، وول خوردن.

۱ - توهم رفتن صوری و روحی، دلخور شدن.

تهیه : امص. ساز، تبارك، حازر،  
تهیه، ناماده، خي.  
تهیه دیدن : تبارك دین، ساز کردن،  
خي کردن.  
تهیه کردن : م. ساز کردن، ناماده  
کردن، تهیه کردن. تبارك کرده ی  
(ه). خپر کرنه قه، دایین کرن، جوړ  
کرن، ناماده کرن (ش).  
تبان : تبانہ، بیان، فزان، منجهل.  
بهروش (ش).  
تیپ : گهل، تیپ، پول، دهسته.  
تی پا : شق، لهقه، نورهنگ. ین (ش).  
تی یازدن : م. سهقه لډاک، شق  
وه سانن، دانه به درسی. شق  
سانای (ه). ین لی داک (س).  
تیر<sup>۱</sup> : ا. بیر، برك، گولله. گروښه (ه).  
تیر<sup>۲</sup> : ا. نیلا، باهوو، راجه، بیر،  
گاپام، نه باح، کوټه که، دار. راژه،  
ستینک، سهك (ش).  
تیر اندازی کردن : تفه کردن، نیر  
خاله و کردن.  
تیر پوش کردن خانه : داره را کردن.  
تیررس : امر. تهنه گاویش، وهزه،  
بیررس.  
تیرك : امصغ. شههك، چل معرده،  
کوټه که، برك، کوټه، سههك (ه).  
کونره، سنگ، ستونك، ییشمال،  
روب (س).  
بیر کسیدن : م. بیر کیشان،  
برووسکاس، برووسکی، بلیسای (ه).  
بیرك داک، برووسك داک (س).  
تیره<sup>۳</sup> : ص. تار، رمش، تاریک، تیره،  
ره ستال، ته لځ. سیاو (ه).  
تیره<sup>۴</sup> : ا. تیره، فنگه زه، هوژ، تایفه،



- ۱ - گولنه.  
۲ - حوت دواز راست.  
۳ - تار، تاریک.  
۴ - خانواده، طایفه.

دودمان.

تیرگی : ح. مصد. سیایی، تاریکایی،

سیای (ه). ره شاتی (ش).

تیره روز : سیا چاره، بهخت رهش،

سیارو، رۆز رَمَش، قه شقه، کولول.

تیره پشت : امر. مو رتخه، مرو خه،

بیریره. بیررو مازی (ه). مازی پشت

(ش).

تیز : ص. تیز، تووژ.

تیزاب : امر. تیزاو، نیزاو.

تیزبین : ص. فا. تیز بین، چاو تیز.

تیز کردن : م. تیژ کردن، پولانیان<sup>۱</sup>

ساو دان، ده مه زهره کردن.

تیز کردن گوش : گویجکه قوتی

کردن، موت بوون.

تیزوتند : ص. مر. تیز و تون، خیرا.

تیزهوش : ص. مر. تیز هوش.

تیشه : ا. تریسته. نره شته (ه). نه سوو،

نه شوی، نه قنوو (ش).

تیشه دوخت بر : پاچ. زهنگه (ه).

بفر (ش).

تیشه شاخه بر : نهوهر داس.

تیغ : ۲. دپک، خار، پزیشکه ۲، گوله

سه گانه، دلیق. دپه ی (ه). دپوو،

دپی، سرت، ستری (ش).

تیغ : ۱. بیخ، گوزان، چه قو،

کافرمان. زینی (ش).

تیغ : ۵. ا. برنگ. قله ح (س).

نیغه : ا. ده مه، بیغه.

تيله : ا. هه لَماب، که لا، خر خرووک.

ماب، گز مو له (ش).

تيله مازی : ح. مصد. هه لَماتان، تلیران،

گلیران. که لابانی (ه). مات

مابانی (س).

تیماج : ا. تماچ.

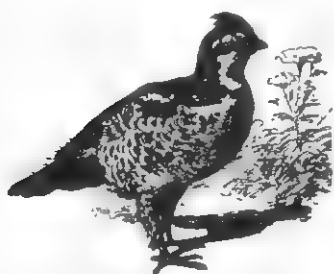
تیمار کردن : م. نیمار کردن، فاشاو

کیشان. محس کرن، قه شو کرن (ش).

تیمارستان : امر. دیوانه خانه، شینخانه.

نیمچه : ا. نیمحه.

تیهو : ا. ته بهوو، سوسک. که فریله (ش).



۴ - بیفی که با آن مومی تراشند.

۵ - بیخ دودمی که با آن سبب گوسفندان

حد.

۱ - تیز کردن گاو آهن و وسایل

کساورزی.

۲ - خار.

۳ - خاری که به سبب گوسفند

می حسد.



ث : س.	ثروتمند : ص مر. دارا، مالدار، چپ
ثابت : اقا - محی، بابہ رجا، سائب	دار، دولہ من. هہی، زہنگی (س).
بادار، قہبری (ش).	ثریا : ا. کو، کووہ، پیر (ش).
ثانیہ : ا. چرکہ، سانہ.	ثلث : ا. سی - یهك، سی - کوت.
تبت : امص. سہیت.	یہرہ کوپ (ہ).
ثروت : ا. مال، چٹ، خوازگہ.	ثمر : بار، میوہ، سہمر، ہر.
دولت، سہرومت، دارایی، سامان.	ثواب : ا. سواو، حاسہ، سواب. سہفاب،
ہہیاتی (ش).	خہیر، باشی (س).





# ج

ج : ج

جا : ا. جيءَ، ناسب، باسڪ، جيءَ،

مه ٽوهن، جيڳهه، سونءِ، هنءِ، هنءِ،

سوينءِ، عاسب. ياگيءَ، ماڳهه، جاڳهه

(ه). حه (س).

جا آوردن : م. کردن. ياگيءَ ناردہی

(ه). جي ٺٺان (س).

جا افتادن : م. جيءَ ڪهفن، دامه زيان.

ڪهوهي ياگيءَ (ه).

جا انداختن : م. گرمه وهه، جيءَ خستن.

وسهه ياگيءَ (ه). خسته جي (ش).

جا به جا : ف مر. جيءَ نه جيءَ، جيڳهه به

جيڳهه، ياگيءَ به ياگيءَ.

جا به جاستدن : م. جيءَ به جيءَ بوون،

گوزانه وهه. ياگيءَ به ياگيءَ بهي (ه).

ٻيڪ هائس (س).

جا به جا کردن : م. جيءَ به جيءَ کردن،

گوزانه وهه، گوزان، گوزانه وهه،

گوزن، گواسته وهه، ڪيسه وهه. ياگيءَ به

ياگيءَ ڪه ردهي (ه). ٻيڪ هائس،

گوهاسن، کودادن، لادن (س).

جايا : امر. جيءَ نا، جهه نا، رده، سوون

ٻي. ماڳهه نا (ه).

جاجيم : ا. جارجم، جاجم، بهر،

دو وگرد، ميزره، بهر ده پوت.

به رمالڪ (س).

جيا خوردن : م. په سوکيان.

به سوکياي (ه).

- جاده‌ادن : م. جیگه دان، خونجانب،  
گونجانب، ری دان، سولحانب،  
خونجانب، شوین کردن، جیگه  
کردنه وه. یاگه‌دای (ه). جی دان  
(ش).
- جاده‌ار : ص فا. جیگه‌دار. یاگه‌دار (ه).  
جیدار (ش).
- جادو : چاوبه‌س، سحر، نه‌فسوون،  
حادوو، دهم‌به‌س. جه‌به‌س (ه).  
جادوگر : ص فا. حادوو‌گر، ساحر،  
سحر باز.
- جاده : ا. جاده، جه‌عهده، ری، سه‌قام.  
جاذبه : ا. کیسه.
- جار : ا. جاپ، بانگه‌واز، بانگله‌واز،  
ده‌نگ، گار، هه‌لآله، هه‌رالآه.
- جارجی : ص سبب، امر. جارجی،  
کهره‌لیاس، هه‌لآله‌کهر.
- جاروژن : م. بانگله‌واز کردن،  
جاردان، جاپ‌کشان، بانگه‌واز کردن،  
جاپ‌کشی (ه). گازی کرن (س).
- جارو : ا. گزگ، گه‌سک، گه‌زک،  
گسک، گزه، فارووشه، گزه، کیری.  
گزی (ه). جه‌ریفک، گیزک (ش).
- جارو کردن : گرگ دان، گسک دان.  
گزی دای (ه). گیزک کرن (س).
- جاری<sup>۱</sup> : ا. هیوه‌رژن، جاریه. رنوو  
هیوه‌ری (ه). رن بی (س).
- جاری<sup>۲</sup> : ا. جاری، ره‌وان، خویر.  
جووی (ش).
- جاسوس : افبا. جاسوس، پاپی،  
زیره‌وان، شو‌فار، سیخور. کومه‌یل،  
گوه‌یل.
- جاکش : فور‌مساخ، ده‌یوس، جاکش،  
قه‌لته، کوزک‌ش، کوس‌ک‌ش.
- جاکشی : ح مصب. جاکه‌شی،  
فور‌مساخی، ده‌یوسی.
- جا‌گذانستن : م. جی هسنس. حبا  
ناسته (ه). جیدا هیلان (ش).
- جا‌گرفتن : م. جیگه‌گرن، گونجیان،  
خونجیان، جی‌بوونه‌وه، شیان، چه‌لیان،  
دیریان، پوریان، دیران، پورین. یاگه  
گره‌ی، گونجیای، خونجیای،  
پورای، راه‌یه‌ی (ه). جی‌گرن،  
سه‌وجیان (س).
- جاگیر : ص فا. جیگه‌گیر. ناگه‌گیر  
(ه). جی‌گر، جی‌گیر (س).
- جالیز : بالیز، بوسان، بیسان، جالیر،  
بوتان.
- جام : ا. جام، جام‌وله. شریک (ش).
- جام : ا. جام، وه‌ه‌دی، ناینه، ناوینه.  
سوسه (ش).
- جامعه : ا. جامعه، حوم، کومه‌ل،  
کومه‌له، جقاب.
- جامه : ا. به‌رگ، لیباس، نه‌پوش،



جارو

۳ - نام برای ظروفی که در آن آب

خورند.

۱ - زنان دو برادر نسب به همدگر.

۲ - مانند در : «آب جاری».

جانبشانی : ح مصد. گیان بازی، گیان فنائی.	پوشاك، پوشن، جل، برگ، سیال جلك، بهراف <sup>۱</sup> بالا ف (ش).
جان كندن : م. گیان كه ندن، گیان كه نشت، گیان كه نن. رح دای (ه).	جامه دار : ص فا. جامه دار، حمامچی. جان : ا. گیان، جان. رح (ش).
جان گرفتن : م. ژووژیانه وه، زینگه و بوون، گیان گرتن. رح گرتن، رح ستادن (ش).	جانب : ا. تهرهف، روو، نهر، لاتهنس، دیو، لا، لان، سمت، لایه، ته نشت، ته موو، لاتمك، ناتمك، پال، بن پال. رووه، دیم (ه). نالی، رهخ (ش).
جانماز : امر. جانماز. مازلوخ (ه). میزر، سجادك (ش).	جانبداری كردن : لاكوشكه گرتن، لان گرتن، لاكوشكئی كردن، جانبداری كردن. لاگرتهی (ه). لاگری، طاكشی (ش).
جان نثار : ص مر. سره گرد.	جان پناه : امر. جان پنه، گیان پنه، سنگره. ستاره، تابی (ش).
جانور : ا. گبانه وه، جان وه، گیاندار، گیان له بهر، حیوان، ده عبا، ده بابه، ده حبه، جوو جوو	جان دادن : م. مردن، ته سلیم بوون، گیان كه نن، گیان دان، گیان سپاردن، گیان دهر چسوون. گبیان دای، مهردهی (ه). مرن (ش).
جانی : ص نسب. گیانی. جانی (ش).	جاندار : ص فا. جان وه، گیانه وه، گیاندار، گیان له بهر، زینه، زینه مال حیوان. جاندار (ش).
جانیخانی : امر. جوال مووتایی، خه شه، گه واله.	جان در بردن : م. گیان دهر بردن. گیان به ربه ردهی (ه).
جاودان : ص، ق. پایه دار، نهر، بافی، پایه نه، جاوید.	جان سخت : ص مر. گیان سخت، جوخی. رح ناسی (ش).
جاوید : نك. جاودان.	جانشین : ص فا. جیگه دار، جیگه نشتی، جانشین. یاگه نشتی، یاگه دار (ه).
جاه : ا. جاء. پایه.	جی گر (ش).
جاهل : ص. جیل، جاهیل، جهیل، نه قام، نه زان.	
جایز : افا. جایز، رهوا، رجوا، جهلال.	
جایزه : ا. جایزه، پاداشت، خه لات.	
جایگاه : امر. ناوه ند. جیگه، یاگئی (ه).	
جبر : ا. جهور، زور، ناجاری.	
جبران : امصد. هرهوی، نه لافی، نول، قهره بو، تافی، جوبران.	

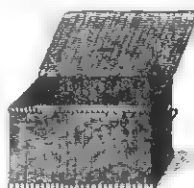
- جبین : ترس، مهترسی، سام، حیثیت،  
کۆ، کیمخوا، پەك. ساف،  
سوهون (ش).
- جبه : ۱. جبه، شۆره.  
جبین : ۱. جهمین، جهین، تۆیل، تهوئل،  
جیره، ناوچاو، هه‌نیه.
- جشه : ۱. له‌ش، ته‌ن، جوسه، نه‌نام،  
به‌ده‌ن، گزگیان، گیان، کونهل.
- جخت<sup>۱</sup> : جه‌خت.  
جه‌خت<sup>۲</sup> : جه‌خت.
- حد : ۱. کوشش، تویلاش، ته‌لاش،  
هه‌بات، ته‌قالا، داکۆکی، هه‌ول.
- جَد : ۱. یاوا، باباگه‌وره، بایر.  
جدا : ص. جیا، نه‌ریک، جیاکار، سیوا،  
جیاوازه، ناوارنه، لاعیده، جودا (ش).
- جدا جدا : ق مر. جیا جیا، جودا  
جودا (ش).
- جدا شدن : م. جیاوه بوون، تاکه و  
بوون، لی بوونه‌وه، جیا بوونه‌وه. جیا  
یهی (ه). جودا بین، لیک بینه‌ه (ش).
- جدا کردن : م. جیاوه کردن، بژانن،  
بژارتن، تاک کردن، تاکانه‌وه،  
له‌یه‌که و کردن، بژدان، ته‌ل کردن،  
دامالان، دامالین، کردنه‌وه. جیاوه  
که‌رده‌ی (ه). جودا کرن، لی‌کفه  
کرن (ش).
- جدا گانه : ص مر. جیا گانه، هه‌لاحه‌ده،  
جیاوازه، جیاکار.
- جدال : نک. جنگ.
- جدایی : ح مص. جیایی، جیاتی،  
جودایی.
- جدل : نک. جنگ.
- جده : ۱. نه‌نه، نه‌نک، ماما (ه). داپیر  
(ش).
- جدید : ص. نازه، جه‌دید. نوی، نه‌وه  
(ه). نووکه، نوو، تازه (ش).
- جدید الاسلام : باقله.
- جذاب : ص. راکیشه‌ر، کیشه‌ر.
- جذام : ۱. گولی، پیسی. کوبانی (ش).
- جذامی : ص نسب. گول. پیس. کونی،  
بووی (ش).
- جذامخانه : امر. گولخانه، پیسه‌خانه.
- جذب کردن : م. راکیشان، کیشان.
- جذب و دفع : گه‌رو کیشه.
- جذبه : امص. حال.
- جر ۲ : ۱. گفنی، گتچهل، گتچهله.  
گه‌ره (ه). گزی، گزنی، نه‌شخه‌له،  
ده‌به (ش).
- جر ۴ : اصت. جر.
- جرات : ۱. زاوه‌ر، زات، دل، جورعمت،  
پروایی، نه‌تره‌ش، زه‌نه‌ق، زاره.
- جرات کردن : م. زاوه ر کردن، زات

۱ - اگر کسی سب کاری کند و دو  
عطسه زده سود گویند «خجست آمده  
اسب»  
۲ - اتفاقی.  
۳ - انکار و نپذیرفتن فرارهای بازی،  
کشمکش و نزاع.

کردن، پرکیش کردن.	چرم : تلف، لمت، چرم، لم، خلت،
جراحت : ۱. زام، زه‌نم، برین،	سلف. لیم (ش).
جهرامحت.	جُرم : گوناع، گونا، ناز و باز،
جَرَب : ۱. گال، گه‌روئی، گه‌ری.	جورم، گوناج، نوبال، سوچ، قورن،
گوپی (ش).	گومی (ش).
جُرْزَه : امص. جورزه، لیاقت.	چرنگ : امص. چرنگ، زرنگ، خرنگ.
جر خوردن : م. تلّیشیان، دپیان.	چرنگ (ش).
کهرین (ش).	جُره : ۱. جویره، تیره، جیره (ه).
جر دادن : م. تلّیشان، داتلّیشان،	جری : ص. دلّیر، بی‌باك، گوساخ،
هه‌تلّیشان. ورتلّیشای (ه).	گوساخ.
هه‌لدپانن (ش).	جریان : امص. جهریان، گه‌ریان، رهوت.
جرز : جرزه، درز، دیوار.	جریب : ۱. گاوخان، نه‌نف.
جر زدن : م. گفنی دان،	جریده : ۱. روزنامه.
گتجه‌ده‌رارودن. گتجه‌له‌کهرده‌ی	جریک جریک : امص. جریکه جریک،
(ه). ته‌شخه‌له‌کرن، ده‌به‌کرن (ش).	زرووکه‌زرووک، حیکه‌حیک.
جرس : زه‌نگ، ته‌خته‌زه‌نگ، بول،	جریمه : ۱. جهریمه، ناوان، جه‌زا.
فورد، گه‌پنال، چان.	جریمه‌کردن : م، جهریمه‌کردن،
جرعه : ۱. قوم، چویر. فویر،	ناوان‌سنن.
فولوب (ش).	جز <sup>۱</sup> : امص. جیز، جز، جزه.
جرقه : ۱. پزیک، پرووسکه،	جز <sup>۲</sup> : ح‌اض. جگه، بیتزگه.
برووسکه، ترووسکه، ناورینگ،	بیجگه (ه). بلی، خینجی (ش).
جورسک، نه‌رووسک، کرسک،	جزء : ۱. پاز، جزم، پاره، کوب،
برووسک (ش).	لعت، بمس، پرب، هندک (س).
جرقه‌زدن : م. پرووسکه‌لی دان،	جزئی : ص‌نسب. پازی، جوزوی،
برووسکانن.	ریزه‌ی، بیجک، کیمه‌ک، شمورک،
جگرگه : ۱. جهرگه، نالعه، هه‌له، کور.	پربک (ش).
جه‌له (ه). ریز (ش).	جزاء : ۱. نه‌جر، مز، تولّه، حق، سزا،

نیرا، نهك، ناداس، باداس.  
جزر : ا. نیساو.  
جزغاله : امر. چرتك. حله و نه (ه).  
كك، كرك (س).  
جزوه : ا. جزوه، سامبلکه، جرم.  
جزو (س).  
جزوه دان : امر. جزوه دان.  
جزیره : ا. حهزیره، دپگه، گراوه.  
جسارت : امص. جه سارعت، نه رسی.  
جست : ا. باز، فهلباز، نه رسی، حیره،  
نا حیز.  
جستجو : امص. جیوههفتی، نهی  
جوړی، چه یوكان<sup>۱</sup> بن جوړی، چاوه چاو.  
جستجو کردن : م. بن جوړی کردن،  
جوسب و جو کردن، لی گه پیا، پهی  
جوړی کردن، چاوه چاوه کردن.  
جستن، جست زدن : باز بردن، په رین،  
فهل باز بردن. باز به ردهی، پرای (ه).  
هافه پین (ش).  
جستن از ترس : ترووسکیان، چله کیان،  
داچله کیان. چله کیابره (ه). چنه فینه  
فه، حوه هلهه پین (س).  
جسته جسته : نهك نهك، كه كم كه،  
به ربه ربه، بیه بیه، به ربه، نه حنه  
نه حه.  
جست و حیز : همل بهر و دامپر. گیل و  
كهوب (ه).

جسد : ا. نهرم، لهس، جه سهده، به دهن،  
لاسه، لاك، جه نازه، كه لاك، لاش.  
حدهك، زه مهز (س).  
جسور : ص. جه سوور، دی، بیاك،  
به زات، نه رسی، پتی به روا، دور،  
دیوان دی، حیره، چاوه نه رسی،  
گوساخ.  
جشن : ا. حهرن، جیرن، گیر نه.  
جعبه : ا. محری، قوسو، هه زار بیشه،  
سونوق، جه عبه. باهول (ه). قودی،  
دیلا، صدووی (س).  
جعفری : امر. حافری.  
جمجهه : ا. جمجه، زیره.  
جمد : ا. بو، بابیه فوس، بووهه فله،  
كه لكه لهواسی، سابوو، كونده بوو.  
نوت، بری (س).  
جغرافیا : جو عرافی.  
جفت<sup>۲</sup> : جفت، جیوت، لف،  
تسا، هاوتسا، هامتا. جیوت،  
هیته (ه).  
جفت : ا. باوه ره، جفت. سه راو (ه).  
جیمك (ش).  
جفتك : ا. جفته، لهقه. جوتكه، پین،  
جوتك (ش).  
جفتك انداختن : لهقه شانن، هه لتیزان،  
جفته حستن، جفته وه شانن.  
لهقه شای (ه). پین هافه پین، جوتك



جعبه



جمد

۱. حسحو باداس.

۲. حمت حس.

ها هین (ش).  
 جفت کردن حیوانات : کهل دان،  
 ده گه دان، سرخستن. کهل دای،  
 نگه دای (ه).  
 جفت گاو شحم : جفت، جویب.  
 هینه (ه).  
 جفت گیری : جفت گیری، کهل.  
 جوت گیری (ه). خهرز (ش).  
 جفت گیری کردن چهار پایان : به زتن،  
 نگه گرفتن، لکیان<sup>۱</sup>، سگین<sup>۲</sup> (ش).  
 جفنگ : ص. جه فنگ، هه لیت، په لیت،  
 هه لیت و په لیت.  
 جگر : ا. جگهر، جه رگ. به ههر (ه).  
 کزوب (ش).  
 جگاره : ا. جگهره، جفاره، سگار،  
 جگاره.  
 جگر سفید : امر. سی، ربه.  
 شوشی (ه). سهی، شمش،  
 شو شو (ش).  
 جگر سیاه : جه رگ، جگهر.  
 به ههر (ه). کزوب (ش).  
 جگرک : امص. جگهرک.  
 جگرکی : ص نسب. جگهره کی،  
 جگرچی.  
 جگر گوشه : امر. جگر گوشه، بدن  
 جگر، نهولا، فهرزن.  
 جل : ا. جل، به رگ، کورنان،  
 سیره کی، نهره زین، ریزین.  
 جلاء : امص. جهلا، به رداخ، زاخاو،  
 برقه، برق.  
 جلاد : ص. جهلاو، میرغزهو، خونج  
 ریز.  
 جلادان : م. زاخاو دان، ساو دان،  
 جهلادان، به رداخ کردن، به رداخت  
 کردن، برقادن.  
 جلب : ص. جهلب، گوریز، جهلو.  
 جلب : امص. تهوقف، جهلب.  
 جلد : فرز، نازا، خیرا، کرز، گورج،  
 بیز، چالاک، بزوز.  
 جلد : ا. به رگ، جلد، خلیف، یوس،  
 ییس، خهلف، قلیف، کیلان<sup>۳</sup>،  
 قوزاخه<sup>۴</sup>، قاپ، قابلوخ. که قل<sup>۵</sup>  
 کوسنهک<sup>۶</sup>، کوسهک، کهلفان،  
 کهول (ش).  
 جلزلز : اص. قره، جلیز و لیز، جزو  
 بز (ه). قرز قر (ش).  
 جلسه : کوز، جهلهسه.  
 جلف : ص. جیرت، سوک، ههرزه،  
 جلف، قرت.  
 جلق : امص. جهلق، مشتگان  
 بیکه (ش).  
 جلگه : ا. سارایی، دهشت، دهشتایی،

۴. پوست قهوه ای اطراف غوزه پنبه.

۵. پوست.

۶. جلد چرمی خنجر.

۱. چیدن سگ هنگام جفتگیری.

۲. جفتگیری سگ.

۳. غلاف، خنجر، و شمیر.

جمال : امص. جه مال، زهریښی، جوانی.	سه حرا، جلگه.
جمعیه : ا. جمعیه، کولوخ، کاپول.	جلو : ق مک. بهر، پیش، بهر دهم،
جمع : ا. جه، جمع، کۆ، گتی، گهل،	بهایی، جلّو. وهر، وهره، وهلی،
گست، گلیر، جمل. گردی گرد (ه).	وهر دهم (ه). کوش (ش).
تف، چفات، کۆر، خپ،	جلو افتادن : م. کهفته بهر، بهر که وتن،
گومه له (س).	گۆ سردنه وه. کهوشه ی وهلی (ه).
جمع آوری : جه ماوه ری.	پیش که وتن (ش).
جمع شدن : م. جه مه و بوون،	جلو حان : امر. بهر مال، دهر مال. وهر وو
چوونه یه، گلیر و بوون، هه لفرجیان <sup>۱</sup>	مانه ی (ه).
، جرح هه لاسن <sup>۱</sup> ، دافرجیان،	جلو دار : ص فا. جلّه و دار، جلّه و
جرجیان <sup>۱</sup> ، گرز هه لاسن، گرز	کیش. وهره دار (ه). زیره وان (ش).
هه لهان، گهل به سن، کۆ بوون، گرد	جل و زع : امر. هه وزه. قورواو،
بوونه وه، هه نگ خواردن <sup>۲</sup> . گلیر و	قهوزه. چایه جنانه (ه). گووبوق،
بهی، فرچولای، هور فرجیای.	فهووسک، که زی (ش).
هه میچین، فیک هاسن، هه سران،	جلو گیری : امص. بهر گیری، پیش
هه سرین، فلین <sup>۲</sup> (ش).	گیری، وهر گیری. بهایی گیری (ش).
جمع کردن : م. جه مه و کردن، چینه وه،	جلو گیری از کار بد بچه : اص. گمه،
بیجانن، گلیر کردنه وه، که له که کردن،	بفه، واوا.
گرد کردنه وه. گرده و کردن، جه	جلو گیری کردن : م. بهر گرتن،
کردن، کۆ کردن. کۆ کردنه وه، گلیر و	گله و دانه وه، بهر گیری کردن. جلّو و
و که رده ی (ه). خپ کرن، قیک دان،	گرتن. وهر گرتی (ه). راوه ستاندن،
بک نیحسن (س).	بهایی گرتن، پیش گرتن (ش).
جمع و جور : ص مر. جه م و جور،	جلیقه : ا. جلیزه، سینه پۆش، سوخمه.
خنج و خول، خنج و منج، گلیر، گرد	نسلک، گجکه لک (ش).
و کۆ.	جماع : امص. گان.
جمعه : ا. نهین، جمعه، نهینی، ههینی.	جماعت : ا. کۆمه له، کۆما، جمل، گرو،
جمعیت : امص. پوتل، کۆمه له، گهل،	گهل، جه ماعت.



جلیقه

۱ - جمع شدن چرم به علت حرارت.

۲ - جمع شدن آب در یکجا.



کوٲما، جەل، جەممىيەت، تەف،  
 چقات (ش).  
 جەمىت انبوه : قەرەبالخ، قەرەبالخ،  
 ھوزەر.  
 جەملە : ۱. رستە، جەملە.  
 جەمھور (ى) : کوٲمار (ى).  
 جىن : ۱. جىن، جىنوگە، خىيو، درىنج،  
 عەجنە.  
 جىازە : نك. جىسد.  
 جىناغ : ۱. چەلەمە، چۆلەمە.  
 جىباغ سىكسىن : م. حەلەمە سىكاسى.  
 جىناخانى (ش).  
 جىنايت : امص. جەنايەت، دەرەسى.  
 جىنب : شەينانى.  
 جىنب : ۱. پالوو، نەكە، بىن تەك، لاناوو،  
 لا، لاشان، بەخەل، ھەرىغە.  
 جىنباندىن : م. جىولانە، جىوانى، لەرانى،  
 لەقانى، نىكان دان، رازەمدىن، رازەنىن،  
 زىوانىن، حەرەگەت دان، جىمناى،  
 لەرنى، لەفنای (ھ). ھىراندى،  
 بىرواندىن، راتلە فان، گوت دان. لقاندى،  
 ھىرقاندىن، گوب وەشاندىن، لەبىتاندىن،  
 لەبىتىن (ش).  
 جىنبىش : امص. جىمىش، جىوولە،  
 حەرەگەت، جورىە، زىوہ، سەكان،  
 نەكان. ھىزباى، ىزاق، بىزىن (ش).  
 جىنبىدىن : م. جىوبىن، جىوليانەوہ، جىمىن،

جىمىس خىواردىن، پەلامار دان،  
 حەرەگەت كىردىن، خىزىيان، لەرىن.  
 جىووليايوہ (ھ). زەلىن، راھىزان،  
 بەلبوون، لەرىزىن (ش).  
 جىنبىدە : ۱. جىوولە كەر. جىمىس خىوہ،  
 جىمە كەر، بىزۆك. ھەزباى (ش).  
 جىنب و جىوش : جىم و جىوول، گىل و  
 خول، جىم و جىوش.  
 جىنجال : ۱. جەنجال، قەرەبالخ، ھوزەر،  
 رلىوہ، ھەنگامە.  
 جىمچە : ۱. ئەنجە، پىل، جىنجك، بىرنك،  
 جىنجك. جىنجك، جىنك (ش).  
 جىندە : ص. سۆزمانى، حىز، جىوہ،  
 خىراوہ، سازنە، جىنە، خانىم، چەقال<sup>۱</sup>  
 چەقال<sup>۱</sup>، گاندەر، قەحە.  
 جىندە باز : ص فا. جىوہ باز، جىنە باز،  
 خانىم باز.  
 جىنىس : ۱. كوٲتال، كالا، مەتا، جىنىس،  
 رەسەن.  
 جىنىگ : ۱. بەياز، كەشكىوٲ.  
 بەرھەقوك (ش).  
 جىنگ : ۱. جەنگ، رەزم، چىنگە يۆيى،  
 چىنگە پىرچى، بەرىبەرەكانى، گىبەرە،  
 داوا، پەيكار، دەمقرە<sup>۲</sup> دەمقالە<sup>۲</sup>،  
 ھەرقەشە، شەپ، شىبىووران، مەراقىعە،  
 ساوگەرەبازى، نەوہرد، سىنىز،  
 حەبوكان<sup>۳</sup>، كىسە، مىنت و مىر، گىبەرە

- و کتیه. هیرلان، مہزرات (ش).  
جنگاور : ص فا. جہنگہران.  
جنگ زرگری : جہنگ زہرگری.  
جنگجو : ص فا. جہنگہرانی، نووش،  
جنگز. میرخان، شہرکەر (ش).  
جنگل : ا. دارسان، گہبہل، جہنگل،  
چر، ریل (ش).  
جنگلبان : ص مر. جہنگلہبان.  
رتلفان (ش).  
جنگی : ص نسب. جہنگی، جہنگہرانی.  
جنگیلین : م. جہنگ کردن، مہرافیمہ  
کردن، سہر کردن.  
جنون : ا. ستنی، دسائی. دینی (س).  
جنوب : ا. جنوب، قبیلہ، یاسور (ش).  
جنین : ا. مز، ناولہمہ، کورمہلہ، نار،  
ہر. زکماک (س).  
جو : ا. جو. یہوی (ہ). چہہ (ش).  
جو، جوی : ا. جوگہ، جوگہلہ،  
جوکلہ، جہم، جو، جوی. حوم (ہ).  
خوف، نارگیس، سیو (ش).  
جواب : ولام، حوواو، جوواو،  
باسوخ، حوی، ہرسف، جواہ (س).  
جواز : ا. بہہ، ودم، رہوایی، نیجازہ.  
جوال : ا. جوال، گالہ، خہسہ،  
گہوالہ، جایی خانی، ہلہسہ، جاننا،  
حوال موواسی. جہوورک، جال،  
جوهاال، ہلیس، حہلک، حہک (س).  
جوالدوز : سووزن، بژوون.  
گوچہوہنی (ہ). سنگ، شوورن،  
گندوش، گوندوش (ش).
- جوان : ص. جوان، جیل، نہرچک،  
جاہیل، گہنج. لاج، لاو. لاف (ش).  
جوانک : امصف. جوانکہ، جوانکہلہ.  
لاوزوکہ، لاویژہ (ش).  
جوانمرد : ص مر. جامیر، نازا، پیاک،  
حوامیر، جوانمہرد.  
جوان مردی : ح مص. پیاوہتی،  
بیاہگہتی، نازیسی، جامیری،  
جوانمہردی.  
جوانہ : ا. گوہینہ، چوزہلہ، زن،  
سینہ، گوہک، ہرزہ، ہرز، چوزہ،  
جوانہ، گو، حووز، چہکەرہ،  
سنورحہ، وچ، چوزہرہ، چوزہلہ.  
گومتہ، مارہرہ، یوح، چرو،  
حیلو (س).  
جوانہ زدن : م. حووزہ دان، چہکەرہ  
کردن، وچ کردن، جوانہ دان،  
زریان، چہکەرہ ہبان. چوزہدای،  
زریاسوہ، وح دای (ہ). شبنہ دان،  
حفری دان، حیلو دان (س).  
جوانی : ح مص. جوانی، جاہیلی،  
گہنجی، لای، لای (س).  
جواہر : ا. جواہر.  
جواہر نشان : امر. جہواہر بیان.  
جوار، جویبار : امر. جوم، ناو بارہ،  
جوبار، دراو، ہم، رووبار (س).  
جوجو : امر. جوحو.  
جوجہ : ا. جوجہلہ، حوچک، ہج،  
کہوہار<sup>۱</sup>، واروک، کہہلہ،  
فرووج. گواری، چچک، بار (ہ).

جوجه تبعمی : ته‌سی، ژووزوو،  
چاله‌که، چالوو. ته‌ژی (ه)، کوله،  
ژووزی (ش).  
جور : ۱. جور، ته‌حر، ته‌ور، جنس،  
گزنه، کولوچ، ته‌رح. پتیه (ه).  
ته‌حلیت (ش).  
جور : بی‌دای، جه‌ور، زلم، ستم، زور،  
زیبات.  
جور در آمدن : م. پوریان، پورین،  
جور هاتن. جور به‌رامی،  
پنه‌کوتی (ه).  
جوراب : گوراب، جوراب، گوره‌وی،  
یوزوه‌وان. باناو، پت تاه (ه).  
گوره، گوریه، گوره (ش).  
جور شدن : م. جور بوون. جور بیهی،  
وهش بیهی (ه). جور بین (س).  
جور کردن : م. جور کره‌ن، خستنه  
یه‌ک، سازاندن، ساز کردن. جور  
کرده‌ی (ه).  
جوز : ۱. گویز، گرده‌کان. وه‌زی (ه).  
گیز، گوز (س).  
جوز آدم : امر. مور مورچه‌که. مور  
مورگی (ه).  
جوش<sup>۱</sup> : ۱. جووانه زمه، جوش،  
عازه، سزوک، برزوک، برزک، زریک،

زمرکه، زیک، سبجکه، سنگ، کولک،  
زیکه، فزدووک (ش).  
جوش<sup>۲</sup> : امص. قله، کول، جوش، قله.  
کول (ه). بلن، کله، قل (ش).  
جوش<sup>۳</sup> : ۱. ستم، جوش.  
جوشاندن : م. کولانن، کولاندن،  
جوسانن. گرینای (ه). کهلاندن،  
په‌تن، ناخوت کرن، قهلاندن (ش).  
جوش آمدن : م. کول هاتن، قول هاتن.  
قوتیه نامای (ه). کله هاتن (ش).  
جوشانده : امف. جوشانه<sup>۴</sup>، کولیاگ<sup>۵</sup>.  
کله‌یای (ش).  
جوش زدن<sup>۶</sup> : م. جوش ده‌راوردن،  
هه‌ل‌زریان. وزریای، هور  
زریای (ه). زریک دان، کولک  
دان (ش).  
جوش دادن : نک. جوشیدن.  
جوشش : امص. جوشش، قوله، کوله.  
گره‌وای (ه). کله (ش).  
جوش شیرین : امر. جوش شیرین،  
جوش.  
جوشیدن : م. کولیان، جوشیان، قله  
دان، فولیان، هه‌لقولیان، فول دان،  
کول دان، جوس دان، گربای، قولدای (ه).  
کله‌ین، فولیدان، کله‌دان (ش).

۴- دم کرده برخی داروها.

۵- بخه در سبجه جوساندن.

۶- جوس زدن صورت و بدن.

۱- جوجه‌کک.

۱- جوس صورت و بدن.

۲- غل.

۳- جوس آهن.

- جوسیده : امف. کونیاگ. گرنا (ه).
- کته (س).
- جوق، حوقه : بر، حوق، دهسه، گکل.
- بۆل، لب، بړهك، عدهك (س).
- جولا : افاء. ا. مافكار، مافهه، حولا.
- كۆرس، كۆرس كمر (س).
- جوهر : ا. حهوههر، حوريره.
- جوهر ليمو : امر. جهوههر ليمو، له مون.
- دوزی (س).
- جونا : ص. فا. جونا، برسا، نهی حوز،
- راعی، برسا، برساك (ه).
- جوى : بك. حو.
- جوى نزرگ : حه، رونا، رووبار.
- جويدن : م. جاوس، كرماس،
- خرماين، جوين، كروژين، كروژين،
- كروژين، كوروژين، كوروژين،
- راواى. كرمه نره، جوس،
- جوين (س).
- جويده : امف. حاواناگ. راوا (ه).
- جويى (س).
- جوينده : بهی حوز.
- جهاز : ا. جههاز، جىازى، خه لاسى.
- باواى (ه). جهيز، يسهك (س).
- جهان : ا. جهان، گيتى، دنيا، عالم.
- جهان دنده : ص. مر. دنيا دنده، ساراك
- گير. دنيا دنتى، حان (س).
- جهان گرد : ص. فا. جهانگهر، ساراك
- گير، دنيا گير (س).
- جهت : ق. ا. جههه، روو، سون،
- لاس، بهر، لاء، سهه، بهرهه، هو،
- ياهه، عهسل، سه نارم.
- جهت : بك. جد.
- جهش : امف. ختر، باز، گومه،
- هه باز، نازد.
- جهل : نه زابى.
- جهم : ا. حه حهه، دوزه، دوزه،
- دور، دوزه.
- جهود : ص. موساسى، حووله كه، حو،
- جهو.
- جهيدن : م. بهرين، هه لهو خستن،
- هه لباز بردن : «بك گام برس
- اول...»، گومه نهك، هه لهو زين، باز
- بردن. پراى، ناز بهردهى، هو، پراى
- (ه). عاههس (س).
- جهيزه : بك. جهاز.
- جيب : ا. گفك، گرافك، ناحه، جب.
- كه (ه). بهريك (س).
- جيب بعل : امر. بههه، بههه.
- كر (ه). ياغه، ناح، ناحه، ناسل،
- سير (س).
- جيبير : ص. فا. گفك، بى. كسه بى (ه).
- بهريك بى (س).
- جيران : ا. ناوو، ناسك، جههراك.
- جيرجير : اص. جيره جير.
- جيرجيرك : امر. قفلكره، بهرزه چره.
- سبرك (س).
- جيره : ا. جيره، رانو، ران، ران.
- جيره حواز : ص. فا. حيره خوه.
- جيره وه (ه). رانو حوز (س).
- جيغ، جيني : اص. جغه، سنه، حهه،



جيرجيرك

غازى كرن (س).	حه بجه، ساه، هيزه، ساخه، زرىكه،
جيغ جيعو : ص مر. جيعنه، جيكن، جيعه	زيره. سيمي، غازى (ش).
جيو كهر، زيعنه، جيعن.	جيغ كشيدن : م. جيفانن، زيفانن،
جيفه : ا. كه لاک.	زرىكانن، شاخانن، شايانندن،
جيك جيك : اصت. جريكه جرنك، جيكه	سيانندن، سيرانن، قيرانن، فيزانن،
جك، حرووكه، جووكه، زرووكه.	زرىكه لى هه لسان، زيره لى هه لسان،
جيوه : ا. زيو، جيوه.	زيرانندن، زيعانندن. سيمي كيشان،

# ج



ج : ح

چايدىن : نك . حاييدن .

چانك : ص . چانوك ، فرز ، نازا ، بريو  
خيرا ، چابك ، زيرك ، كرژ ، گورج ،  
فوجاخ ، نيتز ، چالاك ، ناگر ياره ،  
چنگز ، نيسك سوك ، تون ، چالك ،  
جهلد ، سرك ، سرگ ، بزوك ، گورج و  
گول ، تن و نيتز ، چسب ، بزوز ، به  
هلامار ، كرر و كول ، گرزه . سوك ،  
چه لك ، سرد (س) .

يوس (س) .

چانك سوار : ص . سوار خاص ،

چايلوس : ص . حايلوس ، جامه لوس .

چابوك سوار . خوش سوار (س) .

له خوش (ش) .

چاپ : ا . چاپ ، سەفن .

چايلوسى . ح . مص . حايلوسى ، حامه

چانار : ا . جهەر ، جهەر ، سابر ، نوس .

خیفت نشین، گوین نشین (ش).

چادر نماز : امر. چارشو، سربووش.  
خیلی (ش).

چارچوب : امر. قاب، شیانہ، زیوارہ.

چارطاق : ص. تاك، ناواله.

چارق : ا. کالہ، پاپوش، پالا. خامبنہ،

پاتاوه (ه). کالک، چارخ، سولک،

زهرگال<sup>۱</sup>، کالک، لاجین (ش).

چارقد : امر. چارہ کہ، رهشنی، لهچک،

پوشی. هوری (ه). جارووک،

چارقد، جالک، عفری (ش).

چارک : امر. چارمک، چوارمک، چارک،

چواریک.

چاروادار : ص. فا. چاروادار، فاترجی.

ههربنه (ه). چارپی دار (س).

چاره : ا. چارہ، دهواره، چار، باتار،

دهرفعت، دہس لآ، دهرمان، عہلاج.

چہرہ، نہبیر (س).

چارہ کردن : م. چار کردن، دہرفعت

هانش، چارہ کردن، عہلاج کردن،

باتار هانش، دهرمان کردن، دهواره

بردن. نہبیر کرن (س).

چاشت : ا. چاشت، فاوہ، نوون، بہر

قلیانی، سبحانہ، چاشنی (ه).

تیت (ش).

چاشنی : ص. چہشنی، چاشنی،

بہارات، نہزیہ، قام، چترہ.

لووسی. لو خوشی (ش).

چاپیدن : م. چرب و چاپ کردن، تالان  
کردن.

چانلانقوش : وہنہ تق، وہنی، بنوشیلہ.

چاچولباز : ص. فا. چاچولہ باز، چاپ

باز، حوقہ باز، چازوو. لیپ کہر،

خابوک (ش).

چاخان : ص. ا. چاخان، درو، دہلہ سہ.

چاخچور : ا. دولاخ.

چادر : ا. چادر، دہوار، خبیموت،

رہ شمال، زستانہ وار، زووم،

چاتولہ، چاکلہ. زہوزان،

عہس لہ (ه). گوین، خیفت (ش).



چادر<sup>۱</sup> : ا. چاشیو، چاشو، چارشو.

خیلی (ش).

چادر زدن : م. چادر ہلیدن، چادر

لیدن، چادری وردای، چادر

موردای (ه). گوین دانہ فقہ، خیفت

دانہ فقہ (ش).

چادر شب : امر. چارشو، چارشو.

چادر مویی : امر. رہ شمال، دہوار.

چادر نشین : ص. فا. چادر نشین، قہرچی.

۱- چادری کہ زنان بر سر کنند.

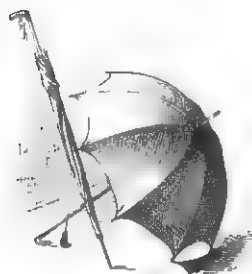
۲- چارقی مویی.

- چاق : ص. چاخ، زل، کولاره<sup>۱</sup>،  
گوشتن، زلحورت، غویاب. قهلف،  
گهرناس، سرخو (ش).  
چاقچور : ا. دوولاق، دولاخ.  
چاق شدن : م. چاخه و بوون، گوشت  
گرتن، زل بوون. چاخه بیی (ه).  
قهلف بین (ش).  
چاق کردن قلبان : م. تی کردن، چاخ  
کردن، ساز کردن. کۆک کردهی (ه).  
چاقو : ا. چه قو. کاردی (ه). کرگ،  
چه قو، کیرک (ش).  
چاقو کش : ص. فا. چه قو کش.  
چاقوی لب پریده : ده پریژ.  
چاک : ا. چاک، پاره، درز، ترک، تلّیش،  
قلّیش، شکاف، فاق، شق، قلیشتک،  
گهر (ش).  
چاک دادن : م. داتلیشانن، همل  
تلیشانن، چاک دان، چاک کردن.  
تلیشانای، تره کنای (ه).  
گهر کرن (ش).  
چال چاک : امر. چاک چاک، تلّیش تلّیش،  
تلّیش قلیش. گهر گهر (ش).  
چاکر : ا. چاکر، نوکر، خولام،  
به نی (ش).  
چال : ا. چال، قولکه.  
چالاک : نک. چابک.  
چال کردن : م. کردنه چال. چال  
کنهی (ه). چال کرن (ش).
- چاله : ا. چال، قولتی، چاله، چاوانه،  
بیر. کورتی (ش).  
چاله دام : امر. بهره رمت.  
چاله دوخت : امر. کان.  
چالی : ح. ص. چالی، قولتی.  
چانه : ا. نهرزن، چناکه، چه نه،  
چه ناکه، چه ناگه. چه ناکی (ه). زنج،  
نهرزینک (ش).  
چانه زدن : م. چناکه لیدان، چه قه چق  
کردن، چه قه سوتی کردن. چه ناکه  
دای، ور دهیوه نه (ه). چه نه لیدان.  
چاودار : ا. چاودار، چاودهر.  
چاوش : ص. ا. چاوش، چاوش.  
چاه : ا. چا، چاوانه، بیر، چال، تیره چا.  
چالی (ه).  
چاه زرخدان : امر. نازرن، ناگر  
گوشک.  
چاه کن : قومش کن، چال کن. بیر  
کۆل (ش).  
چاه کندن : م. بیرکهنه، تیره چا  
دهراوردن. بیرکهنه ی، چالی  
کهنی (ه). بیر کۆلان (ش).  
چاه واشدن : دابون، بیه بهره (ه).  
چای : ا. چای، چا، دیشله مه .  
چای خشک : گیا چای.  
چایدان : امر. چایدان، چادان.  
چای صاف کن : امر. چای پاتوو، چای  
صاف کون. چای پالیو (ه). چای



پارزنه (ش). قلبان دهیمی (ه). قلوون (ش).

چایمان : امص. چایمان، چایمانی، باهر،  
چایمانی، بابینی، نالامت، رهونج،  
فرینگ، چایمان، واپر (ه). ناسرم،  
ناسرم، دهمنی، پهسب (ش).  
چاییدن : م. چایان، رچان، چایین،  
چایمانی کردن، باهر کردن، پهتا  
گرتن. چبای، واپر کردهی (ه).  
سرتدان (ش).  
چپ<sup>۱</sup> : ص. ا. چپ، شفت، چهوانه،  
پتجوانه، چوت، چهو، چهوئل، چپ  
و چهوئل.  
چپ<sup>۲</sup> : ص. خوئل، چوت، چپ خول،  
چپ خوئل. تیل، خیل (ش).  
چپ افتادن : م. چپ کهفتن. چپ  
کونهی (ه).  
چپاتی : ا. بوزولماجی، پشی.  
توتک (ش).



چتر

چتر کردن : م. چهتر کردن، گز کردن،  
گف کردن، گزیان. پهنج دان (ش).  
چتری : ص. نسب. چهتری.  
چخ : اص. چخ، چخه.  
چخماق : ا. چهخماخ، چهخماق، هسته،  
نهستی.  
چدن : ا. چوددن.  
چرا : امص. چدرا، چرو، لهوهر. چیره،  
چره (ش).  
چرا؟ : ادب استفهام. بوچه؟ بو؟ لهو؟  
بوچی؟. پهی چیشی؟ چهنی؟ (ه).  
گلو، چما، چهوا، لوچ، لوچی (ش).

چپال، چپول : ص. چهپله، چهپه.  
چپاندن : م. چهپانن، تهپانن، چهپاندن،  
ناخنین، تهپاندن، چهپانن، تهپانی،  
چهپانی (ه). قهپسن (ش).  
چپاول : تاراج، تالاغن، غارمت، چهپاو،  
کالات.  
چپر : ا. چهپهره، تهپمان، چهسار،  
دهرمهنبه.  
چق : ا. چوبوق، سهویل، قلبان، سهیل.



چق

۱. در برابر راست.

۲. دوین، لوچ.

چراغ : ۱. چرا. چراوی (ه).  
چراغان : امر. چراغان، شوگیر.  
چراغ دستی : امر. چراهه سی،  
ده سه چرا، جن چرا، چرا پهلپته،  
شمووله. فوئوله، کلحان (ش).  
چراغ روشن کردن : م. چرا روشن  
کردن، چرا کردن، چرا داگرساين.  
چراوی گيساينه (ه).  
چراغ موشی : نک. چراغ دستی.  
چرا کردن : نک. چريدن.  
چراگاه : امر. لهوه رگا، بير، نالفجار،  
گياجار. چهرگاه، کوژه، بزوين (س).  
چرايندن : م. لهوه پانن، چهرانن،  
ناژودان<sup>۱</sup>. لهوه پناي (ه). چهراندن،  
شفين (ش).  
چراي شبانه : شهو لهوه ر، شهواژو.  
شفي (ش).



چرخ

چرخي : امر. چهرجي. چاريجي (ش).  
چرخ : ۱. چهرخ، نه گره.  
چرخ<sup>۱</sup> : ۱. چهرچهره، چهرج.  
چرخ<sup>۲</sup> : ۱. چان، جه چهره.  
چرخ<sup>۳</sup> : چهرخ، خول.  
چرخاندن : م. خول دان، بسادان،  
چهرخانن، گهرانن، خولاندنه وه،  
سوورانن، خولاندنه وه، چهرخ دان،  
چهرخانندن، سوورانندن، سوړدای،  
خولنای، خول دای (ه). زقراندن،  
فراندن (س).  
چرخ خوردن : م. خولپانه وه، خول  
خواردن، سوړ خواردن، مامانه گيجي  
کردن، چهرخ خواردن، چهرخانن.  
ورخولپاي، ورسوړپناي، خولپايوه،  
چربي روی ماست : سهرتو، سهرتويز.  
چربي سنگ چاقو : چهوره سان.  
چهره سان (ه).  
چرت : ۱. چورت، پينگی، خه نووچکه،

۲ - چرخ خرمن کوبي.

۴ - در : «چرخ خوردن، دور».

۱ - چرخ اتومبيل و گاري و غيره.

۲ - چرخ چاه.

- سووپایوه (ه). زفرین، زفران (ش).  
چرخى : ص نسب. چرخى، خرى، خرت، گرد.  
چرخیدن : م. چرخین، چرخیان، چرخ خواندن، خولبانه‌وه، گه‌ریان، گه‌ریان، ه‌ل‌سوپان.  
چرخیدن و جستجو : گل و خول.  
چرده : چرده، تاله، نه‌سمر (ش).  
چرس : ا. چرس، به‌نگ.  
چرك<sup>۱</sup> : ا. چلك، زیرگ، دین، دژ.  
چرك، فریر (ش).  
چرك<sup>۲</sup> : ا. چلك، کیم، هه‌کیم، زووخ.  
چرك، سز، کیم، عه‌داب (ش).  
چرك<sup>۳</sup> : ا. به‌لخ، زیرگ، قریز (ش).  
چركاب : امر. چلکاو، جرن‌او.  
زربچکاو، کیم‌او (س).  
چرك آلود : ص مف. چه‌به‌ل، چلکن، زیرگن. بیس (ه). فریزوو (ش).  
چركتاب : ص فا. چلک‌او.  
چركین : ص نسب. چلکن، زیرگن، چركى، چلووک، دزوون، گه‌مار.  
فریزوو (س).  
چرم : ا. چرم، سیرمه، فایس.  
چرنده : ص. قوریات، هه‌لیب و په‌لیت، چهره‌ن و پهره‌ن، به‌رب، که‌نره، به‌لیب. که‌رب (ش).  
چرنده : افا. له‌وه، خور.
- چروك : ا. چرووك. چرج (ه).  
کوریشك (ش).  
چروکیدن : م. ژاکیان، نه‌ژد بوون، چرووکیان، چرج هه‌لاتن، چرچیان، که‌نفت بوون. ژاکیای، چرچبای (ه).  
کوریشك بین، کرشین (ش).  
چریدن : م. له‌وه‌ریان، دهم دان، چهرین، چهریان. له‌وه‌ریای (ه).  
چريك : ا. پیش مهرگه.  
چزانندن : م. پته‌وه دان، گه‌زین، وه‌زه کردن، لی دان، چزانن، گه‌زتن، وه‌شاس.  
چزدك : ا. چزلیك. چله‌وه‌زیه (ه).  
كك، كرك (س).  
چس : ا. س.  
چسب : ا. چه‌سب، چه‌سب.  
چسباندن : م. لکاس، چه‌سپانن، دالکاس، چه‌سپان، نووسان، نوساندن، دانه دهم. لکنای، چه‌سپنای، دهم‌وه دای (ه).  
زلیفادن، پیقه نان (ش).  
چسپناك : لکتنی، چه‌سپناك، لنج.  
چسپنده : ص فا. لکه‌مه‌نی.  
چسپنده : چه‌سپاگ. لکیاو. ییقه (ش).  
چست : نك. چانك.  
چس دادن : م. س دان‌وه.  
چس فیل : امر. نوقله کوردی.  
چشایی : ا. چتیره.

۱- چرك و کنانتی که در نتیجه گرد و خاك و چربی روی بدن آدم می‌نشیند.

۱- چرك بارچه و بدن و غیره.

۲- چرك زخم.

چشم پیش : ص. مر. چاو بز، زاق، چاو  
بوق، چاو دهر پیریاگ.

چشم تنگ : ص. مر. بهر چاو نه‌نگ،  
رژد، نه‌گرنس، خه‌سیس، چاوبرسی،  
چاوجنوک، چاونه‌زیر، سایه وشک.

چشم چران : ص. فا. چاو حیز، چاو  
باشقال، ده‌له.

چشم چرانی : ح. مص. چاوبازی، چه‌م  
درکتی، ده‌له‌یی.

چشم چرانی کردن : ناو چاو دان،  
زاخاو چاو دان، چاو چرانی کردن.

چشم خانه : امر. چالی چاو. کاسه‌و  
چه‌می (ه).

چشم داشت : نه‌ما، چه‌نمدانت،  
انزار، گهره‌ک.

چشم درد : امر. چاوتسه، چاو نیسه.  
حه‌مه (ه). باس (س).

چشم دریده : نک. چشم بیش.

چشم روشنی : امر. چاو روشنی، چاو  
رووی.

چشم زخم : امر. چاوه‌چله. چاو  
چه‌م (ه). چاوکولی (ش).

چشم زدن : م. چاولی دان، نه‌زهر  
لیدان، نه‌زهر کردن.

چشم شور : ص. مر. چاوجبه‌پل، چاو  
شور.

چشم غره : امر. لاتیی، مؤر.

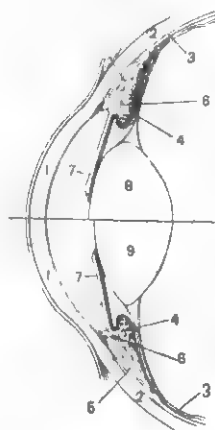
چشم غره رفتن : م. لاتیی کردنه‌وه،  
مؤر بردنه‌وه، چاو داگرتن، خیه‌سه

کردن.

چشته : ص. چه‌شنه، چه‌شه، چتسه،  
چش، چه‌تکه، تام.

چشته خور : ص. فا. چه‌شه خوره، چی،  
چه‌ته.

چشم : ا. چاو، دیده. چه‌م، چه‌شیم (ه)،  
حاف، چه‌غف (س).



چشم انداز : امر. بهر چه‌وه، چاوه‌ناز،  
مه‌نزه‌ره، سابای، جه‌وه. وه‌ره چه‌م،  
دیمه‌ن (ه). بینهر (س).

چشم باز کردن نوزاد حیوانات : چاو  
نرووکانن. چه‌م نرووسکای (ه).

چشم براه : ص. فا. چاوه‌ری، چاوه‌ریگه،  
چاوه‌وار، چه‌مه‌را.

چشم برداشتن : م. چاو مه‌لگرس. چه‌م  
مؤر گره‌ی (ه).

چشم بندی : ح. مص. چاو به‌نی، شابازی.  
چشم پوشی : چاوپوشی، گوزه‌شت.

چشم پوشیدن : چاوپوشی کردن، با  
پتاساوین.

چشمك : امص. چاو قرنكى، ترووكه.  
چەمەرتنى (ه). چاقىرى (ش).  
چشمك زدن : م. چاو قرنكى كردن.  
چەم قرتناى (ه). چاف ليدان (ش).  
چشم نم نمى : چاو شە قياگ، زل  
كوثر. چەم شە قيا (ه).  
چشمه : ا. چاو كه، چشمه،  
كانبله<sup>۱</sup> گەرموك، كانى، زەنا چەمە،  
هانە (ه). كەھنى، نازىم، بيلو، ناف  
زى (ش).  
چشيدن : م. ملاك كردن، چەشكە  
كردن، چەشتن، چەسن، چيزن،  
چيشكە كردن. چەشتەى، ملاك  
كەردەى، چەشكە كەردەى (ه). نام  
كرون (ش).  
چطورو؟ : از ادات استفهام. چوڻ؟  
چلوڻ؟. چەنى؟ (ه). چنەوى؟  
چەوا؟ كوڤا؟ كۆ؟ چتف؟ (ش).  
چفاله : ا. چەقالە. چەفالى (ه). بە عىف،  
بادامچە، بە عىف تەرك، چوالە، حاحى  
باىف (ش).  
چفلى : ج مص. چوكلە شكىنى، فتنەى.  
چەندىر : ا. چۆنەر، چەوەر، چەوئەر.  
سلك (س).  
چفت : ا. چفت، هەلقە پۆز، چەتە پۆز.  
چفتە : ا. چەفتە، دالووت، تەر وال،  
كونە لان، هەرزەل، داليت، دار بەس،

بەرك (ش).  
چفت شدن : م. هەل پىكران، هەل  
پىكان.  
چفت كردن : م. هەل پىكان، هەل  
پىكران، ژەندن، داخستن. هۆر  
پىكانى، بەستەى (ه). بەستن،  
هەلقە كرن (ش).  
چقدر؟ : چەنى؟ چەندى؟ چەندە؟  
چك : زىلە، شەقە زىلە، شەقە لىزە،  
چەناله، چەك، شەپلاخە، نەپالە.  
سەيلاخ (ش).  
چك : ا. چەك.  
چكامە : ا. جامە، هەلبەس.  
چكاندن<sup>۱</sup> : م. تكانن، تكاندن.  
تەكنای (ه). چكاندن، داپالاندن (ش).  
چكاندن<sup>۲</sup> : م. چورساندن، چكانن،  
چركاندن، حكاندن. حورناى (ه).  
چكاوك : ا. گەورە جۆل.  
چكش : ا. چەكوش، چاكوچ، كاكوچ.  
چەكوك (ش).  
چكە : ا. چەكە، مارە گەز. پالا (ه).  
چكە، چك : ا. نكە، چك، چۆرە، نك،  
دلۆب، دلۆنە.  
چكە كردن : م. نكە كردن، نكاي.  
چكى : ص نسب. بىرە، گۆنرە، بىر،  
و بىر، بەبىر، دەمبىر، فورى. بىجاف،  
گۆنرە (ش).



چكە



چەندىر

۱- فطرە فطرە حكاندن.

۲- چكاندن ماسە بىنگ و بىانچە.

- چكىدن : م. تكيان، چكيان، چۆريان. كوركەيى (ھ). سەرەلە فيكا (ش).  
 نكاي (ھ). چمىرك : ا. قوللانىچكە.  
 چكىدە : ص. مىف. چۆراو، پالاوتە، ساف، ئاوغىراو.  
 چگۈنگى : ح. مىف. چۆنەتى، چۆناتى، چتەوى، چەبوونى، دۆخ. كۆيى (ش).  
 چگۈرنە ؟ : نك. چطور ؟.  
 چىل : ص. چىل، فىل، ولىق، بولىق، سەيول، بەخمە.  
 چىلاخ : ص. شىل، چىلاخ، لەنگ، كوج، شىل. چوز (ش).  
 چىلاندىن : م. گۈوشان، گۈوشىن، چىلان، چىلاندىن، ئاوجۆر كىردىن، تەژاندىن، شىواراي (ھ). گۈوشران، گەقە شاندن، گۇقاستن (ش).  
 چىلوك : ا. چەلتوك، شەلتوك، يىتە. چىلچە : ا. پىلچىرك، پەرسىلكە.  
 چىلموز : ا. رىقە. چىرت، جىب (ش). چىلم : چىلم، ئاوتوت.  
 چىلمىن : ص. نىب. چىلمىن، چىلموز، كىلىن، چىلنگىر : ص. شىل. چىلانگەر.  
 چىلو : ا. چىلاو، پىلاو. چىلوار : ا. مۆرى.  
 چىلو صاف كىن : ئانىيان، پارىزىن، دارىيە. چىلو كىباب : امر. چىلو و كەواو. چىلو و كەباب (ھ).  
 چىلە : ا. چىلە. چىلى (ھ). بىدىك (س). چىلىيا : ا. خاخ.  
 چىماق : ا. حوماق، مېكوب، مۆر. چىمبامە : ا. مىحكان، سەرمىحكان.  
 كوركەيى (ھ). سەرەلە فيكا (ش). چمىرك : ا. قوللانىچكە.  
 چمىيا : ا. جامىيا، جەمىيا، گىردە. چمىدان : امر. باولە، ھەمەدان، جىلدان.  
 چمىن : ا. چىمىن، سەوزەلەن، چىمىن، چىمىن. چمىنزىر : امر. چەمىنزار، چىمىن، چىمىن، چىمىنزار، سەوزەلەن.  
 چموش : ص. بوور، چەمووش، سىرك، بەدسەر، نوحس، سىلوك. سىرگ (ھ). رەمووك، رەمووك، شىموز (ش).  
 چىنار : ا. چىنار، ھەوەر. چىنان : ق. نىبىيە. ئاوا، ۋەھا، ۋا. پامە (ھ). ھونۇ، فەھ، ۋەسا (ش).  
 چىنبىرە : ا. ئاخىلە، ھەلقە، پەپكە، چەمەرە. ھەلقى، پەپىلى (ھ). ھەلەكە (ش).  
 چىنبىر زىن : م. ئاخىلە دان، ئەلقە پىكان، پەپكە دان. ھەلقى پىكاي، پەپىلى داي (ھ). خەلەكە دان (س).  
 چىنتە : چەنتە، جانتە، جانتا، جامتا. چىنجە : نەبجە، پىل، جىنجىك، پىرتىك، جىنجىك، جىنجە، جىك.  
 چىند : ح. ۋى. چەن، چەند. چىن (ھ). چىفاس، ھىندىك (ش).  
 چىنان : ق. مىقدار. ئەوونە، چەندەن، ئەوئەندە. ئانە (ھ). ھىندە (ش).  
 چىندىش : مىف. مووچىرك، سەز، گىرنىك، گەف (س).  
 چىدىك : ا. مىحكان. حۆك (ھ).



چوبدستی

چوبدستی : ص نسب. چۆده سی، برکه،  
چوماق، چووغان. دار دهستی،  
ده گه نهك. روت، ساكول، گالوك (ش).  
چوب رختشویی : امر. جل كوت،  
گلاركو.

چوب ریزه : چل و چتو، چوكله، چيكله.  
چوب زیر نعل : امر. چیتو ته.  
چونك : سپۆن. زروی (ه). چوخان،  
گلوان (ش).

چوبکاری : ح مص. چیتوکاری،  
دارکاری، هه لافه.  
چوبی<sup>۲</sup> : ا. چۆبی، حیی، سه رجۆبی.

چوبین : ص نسب. دارین، دارینه.  
چوبیان : ص مر. شووان، به ریفانی،  
سمان، شوقان (س).

چوپان بره : به رغه وان، به رغه له وان،  
به رغه وان. بیچی قان (ش).  
چوپان گاووان : گاووان، گاله وه رین،  
گاله وان، گادیتر. گاغان،  
گولکقان (ش).

چوچوله : ا. به لوكه، تیتل، چوچله،  
فینكه، فېك، كوپكه.  
چوخا<sup>۱</sup> : ا. چۆخه، چۆخ، چۆغه.  
چوخئی (ه). چۆخك، شاسك،  
شهك (ش).

چوگان : ا. چهوگان.  
چول<sup>۲</sup> : ص، ا. چۆل، هۆل، ناواق،

چارمړکی (س).

چند و چوون : حوونه بی، چونیایی،  
جهوی، چند و حوون.

چندین : ی مقدار. گه لی، گه لهك،  
فروهك، زور.

چنگ : ا. حنگ، به بجۆله، نه نجه.  
حهك، رهوك، كولاب (س).

چهنگال : ا. حنگ، حنگال، چنگۆل،  
جه نال، هولاب، به نجه. به یج (س).

چنگ زدن : م. چنگ گرین، چنگه  
رووکی کردن، چنگه کړی کردن،  
چنگه یوتی کردن.

چنگول : ا. چنگ، چنگۆل.

چنگك : امص. چهنگهك، هولاب،  
جه نهك، هه تاره، چهنگاله.

چمبن : ی سببه. ناووا، وه ها.

پاسه (ه). هونو، هه، هانه کی (ش).  
چوب : ا. چتو، دار، چۆ، چوكله<sup>۲</sup>،  
چكله، چۆب. برك<sup>۴</sup>، كوله برك،  
وه زهروه<sup>۲</sup>، بركه<sup>۲</sup>، چۆف (س).

چوب بست : امر. نه روال، هه رزال،  
دالووت، چهفته، دار بهس، چتو بهس.

كونه لان، دالیت (ه). بهرك (س).

چوب ینبه : امر. نه به دۆر، چتو بهمه،  
چتو بهمه، دار بهمه.

چوبدار : ص فا. چتوار، چوار (ه).  
چودار، جه له بدار (ش).

چنگال



ییاوان.

هه ره وێله. سو جوو (ه). چاریی (ش).

چهار چرخه : امر. چوار چرخه،  
عرا به.

چهار دانگ : ص مر. چوار دانگ،  
جوړه نه سپ. چار دانگ (ش).

چهارده : عدد. چوارده، چارده.

چهار راه : امر. چوار راه، چوار  
ریگان، چوار ریان.

چهار زانو : امر. چوار مستقی،  
خجکان، جنجک. چوار

میره یی (ه). دوان چار تیرکی (ش).  
چهار سو : امر. چوار سو، چوار  
سوچ، چوار ریگان.

چهار شاخ : امر. شنه، نه بوور، سق  
گوه، شکی. سیزن (ه). شنه،

کاریچ (ش).

چهار شنبه : امر. چوار شمه،  
چوار شموو. چار شمی (ش).

چهار شانه : ص مر. چوار شانه،  
تن ستریاگ. چارمل، مل بان (ش).

چهار فصل : امر. چوار کهژ، چوار  
وهز، چوار فصل.

چهارقد : امر. چوار قد، چارقد.

چهار گوشه : امر. چوار گوشه،  
چوار سوچ، ختی، موره به.

چهار لا : امر. چوار لونه، چوار تا،  
چوار لا، چوار قد.

چهار نعل : امر. چوار نال، چواره،  
غار، قرات. خار، تاو، قهرات،

لنگداران. سه لف (ش).

چون، چونکه : ح ربط. چوون،

چوونکه، جوړ، وک. چهنی، پتسه،  
چنوه، وینه (ه). فک، کو (ش).

چونه، چانه : ا. گونک، گشک.  
گرتکه (ه). نهنگونک، گرک،

گونک (ش).

چه، چی : ح ربط، از ادات استفهام.  
چه، چ، ناء، ها، چی. چیش (ه).

چی (ش).

چهار : عدد. چوار، چار.

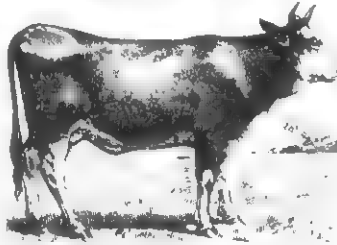
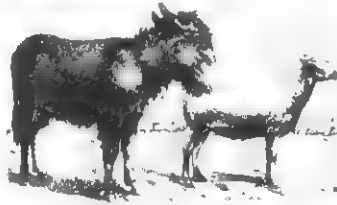
چهاربند : امر. چوار بندن، چوار  
چهقل، چاربندن، چوار پل.

چهارپا : امر. چوارپا، چاروا،  
دهولت، ره شه ولاخ، نازال، زینه مال،

به رزه ولاخ. چاری، پیرو (ش).



چهار شاخ



چهار پایه : امر. چوارپایه،

چوارپاچکه، قورسی، کورسی،



- چەتەرگى : ح مەد. زالى، سەرگەو بوۋى.  
 چىرە : ص. زالى، سەرگەو نوۋ، سوور،  
 جىر، خەرا، خەيرا، سىرگىر، خىرە،  
 سەرگەو، خىر و مىر، خىرا.  
 چىز : ا. چى، سىب، سىب. سىب (ھ).  
 سىب (س).  
 چىستان : امىر. مەنەل، مەسەلە، نى  
 دەرخسوك.  
 چىن : ا. حىن، خەم، خىر، جىروك،  
 بىرۆك، لۆج. كورسك (س).  
 چىن : ۷. گىرى ناۋجاۋ. دوورىگ (ھ).  
 كوروسگ (س).  
 چى : ا. ۸. چى  
 چىنە : ا. چىنە، رەگە، رىزە، مۇرە.  
 چىنك (س).  
 چىنەدان : امىر. چىفەدان، كۈلەزىك،  
 كۈلۈزىك. چىلە دان (ھ). سىل  
 دانك (س).  
 چىبى : ص. سى. چى.  
 چىنى بىلەن : چىبى بىلەن، چىبى  
 بەنكەر، چىنى بەنكەر.
- چەتەرگى : امىر. چوۋار مەجە.  
 چەجە : امىر. چەجە. چىكە (ھ).  
 چىر (س).  
 چەرە : ا. چىرە، روۋ، دەم و جاۋ،  
 سەكۈت، چى و جاۋ، روۋ، سىما،  
 سوورەت، نەك، چەنەت، روۋالەت.  
 روۋمەت، دىم. دىمەن، روۋە (ھ).  
 سىكۇم، سىكۇم، دىرۇف (س).  
 چەل : عدد. چى.  
 چەل چىراغ : چىلەرا، چاى.  
 چىت : ا. چى.  
 چىدىن : ۱. م. چىنەۋە، چىنەۋە (ھ). چىلە  
 كىن (س).  
 چىدىن : ۲. چىن، چاچان، ھەمەن كىرىن.  
 چىنە، ھۆرەچاى (ھ). ھەمەن  
 كىن (س).  
 چىدىن : ۳. م. چىن، چاچان، داپوۋانن،  
 داۋەرەنن. نەمەنە، چىنە (ھ).  
 داۋەرەنن (س).  
 چىدىن : ۴. م. چىن، كەن، كەنەۋە.  
 چىنەۋە. چىنە (ھ).  
 چىدىن : ۵. م. داچىن.

۵. چىلەن ئۆزىدا ۱. مىز.

۶. چى و چىروك.

۷. چى سىبى.

۸. كىر چى.

۱. چىلەن سىم گۈمەش.

۲. چىلەن سىم و بىرگە چىلەن.

۳. چىلەن چىلەنە مەۋە.

۴. چىلەن مەۋە.

# ح

ح : ح

حاجت : ۱. کمال، نه‌وہ حقہ، نیاز، حاجت، ہرچہ بی، بید فیانی (س).

حاج : ۱. ا. حاجی.

حاد : ص. بر، بوب.

حادث : ۱. ا. رسکاو.

حادثہ : ۱. ا. فو ماو، وہی، فور،

نتفای، حادثہ، بیسامد، ہمہرہ،

ہمہرہ (ہ).

حاذق : ص. ف. حاکراں، سارہزا.

حاشا کردن : م. لہ گوہ دان، حاسا

کرد، سہ و کہ فی، بعد کرد

حاشیہ : ۱. حاسہ، ہراویر<sup>۱</sup>، حدف<sup>۲</sup>

فراج<sup>۳</sup>، سرج، ریح، رسوار

میرچی (ہ). بہست، رہفی، نوزمہ،

گفاندہ<sup>۳</sup> (س).

حاصل : ۱. حاس، بار، ہر، دہسہاب

حاصل چیز : ص. ف. حاس ختر، ہربار،

باروہر.

حاضر : ۱. ا. ص. فو بار، ساز، نک.

رتک، فومراج، حازر، ہورای.

حاضر جواب : ص. مر. دہمسوور.

۳- حاسہ زمیں و امثال آن.

۱- حاسہ لباس زیب دار.

۲- حاسہ درونی لباس.

دهمه مهر، دهم مهرش، حازر جوواو، دهم هار، حازر جوواب. پل، نیل (ش).	حبس : ا. دوساخ، بهندیخانه، زینان. حبوبات : ا. دانه ویتله. حبه قند : امر. کولۆ، حوبه، حبه.
حاضری : ص نسب. حازری، ناماده، دوروس کریاگ. وهش کریا (ه). حافظه : ا. بیر، یاد، هوش، ویر. حاکم : افا. حاکم، میر، زال. حال : حال، نه حوال. حال : نک. حالا.	حتم : ص. حه تم، حه تمی، بی گومان. حتی : ح اض. ته فانه، ته فانمت، حه تا. حج : امص. حه ج. حجامت : امص. حه جاممت. حجله : ا. پهرده، حجله. پهری (ش). حجم : ا. بارسایی، ره وق، حه جم.
حالا : ق. نیسا، نیسه، نه لمان، نه مجا، نهۆ. نه بیسته (ش). حال آمدن : م. هانته حال، ژووژبانده، گیان گرتن. ژووژبایوه، سه روو وی نامای (ه). قزین، روح گرتن (ش). حالت : ا. حالت، ته ور، دۆخ، چونه تی.	حد : ا. نه نازه، راده، سنور، حه د، کهوشن. حداقل : ق. لان خوار، دمس کم، حه د نه قعل، بالو. لای واری (ه). لایسی کیم (ش). حدس : امص. ختو ته، مه زنه، حه دس، هاگو، گومان، به راومرد. حده : ا. گلته.
حالی شدن : م. حالی بوون، تی گه بیستن، زانین، تی گه بین. حالی بیهی، زانای (ه). تی گه بیستن، حالی بین (ش).	حذف کردن : م. قت کردن، قرتانندن، لایردن. لایرن (ش). حراج : امص. هراج.
حامله : ص. ا. آوس، دو گیان، حامله، زک پر، زه یسان. بهی گران (ه). ناقس (ش).	حرارت : ا. نالآو، تین، تاو، حرارت، گهرما، گهرمی. گهرمای (ه). حرام : ص. حهرام.
حامی : ص. دالده، پشتیوان، پهناه لاکو شکه، داکوکی، پالووبهر، پشت میر، لان. گیر. پشته فان (ش). حب : ا. حوب، قورس، حبب. حباب : ا. بلق، گومزه.	حرامزاده : ص. مر. ژول، جهرامزاده. بی ژی، بی ژوو، بی باف (ش). حرص : ا. ته ما، حرص، رژدی، چوکی. حرف : ا. قه، وه، گووت، حه نمک، حرف، گفت. گوته، ونار، بیت.

وا ته (ه).

حساب (ه). حساب (ش).

حرف زدن : م. قه کردن، دوین، فله

حساب کردن : م. حساب کردن.

فلت کردن، گوتن، کوتن، دوی،

حساب کرده ی (ه). حساب

قه کرده ی (ه). ناخوتن، ناخافتن،

کرن (ش).

په یشین، گوشتن، گوتن کرن،

حساب بردن (از کسی) : کوخوردن،

ناخفتن (ش).

نر سیان، حساب برده ی (ه).

حرفه : . پشه، کسم، کار.

حادث : امص. به خیل.

حرکت : امص. جس، حه ره کمت،

حسرت : ا. حسرت، داخ،

ته غشه لاکوم، ته کان، جووله، جم و

که سر (ش).

جوول، چورته، زیوه. بزاول، زیشان،

حسود : ص. به خیل، حه سوو

جف (ش).

حشر : امص. حه شر.

حرکت دادن : م. حه ره کمت دان، جمان،

حشری : ص نسب. نالووری، حه شوری،

جماندن، ته کان دان، زیواندن،

کرم، دته ی.

حهره کمت دان. جمنای (ه). زیفانن،

حشم : ا. مال، ده ولت، نازل،

جم دان (ش).

زینه مال، دنیای (ه).

حرکت کردن : م. جمین، جوین،

حشیش : ا. حه بیس.

حهره کمت کردن، بزوتن.

حصار : ا. حه سار، حه وس، دزه، چنج .

حرم : ا. نه نده زوون، زیاره نگا، حه رم.

به رزان (ش).

حرمت : امص. حورمت، ریز، سه نگ.

حصبه : ا. که تبه ی. که وتبه ی (ه).

حریر : ا. حه ریر.

حصیر : ا. حه سیر.

حریره : امر. حه ریره. ژک (ش).

حضور : امص. حوزوور، پیشگا.

حریص : ص. ته ماکار، قوریگ وریاگ،

حظ : امص. حزه، که ب، حه ر.

رژد، چنوک.

حظ کردن : م. حه ز کردن. حه ز

حریف : ص. حه ریف. خه نیم (ش).

کرده ی (ه). حه ر کرن (ش).

حریم : ا. سنوور، به فره ناز

حمار : ص شغل. قومش کهن، که کهن.

وهروه گا (ه).

بیرکهن (ه). چال کول (ش).

حزب : ا. پارت.

حفظ کردن : م. یاریستن.

حس : امص. هه ست، حس، هیز، هانا،

بارترنای (ه).

زی. سه (ش).

حفظ کردن : له به رکدن، حفز کردن.

حساب : ا. حه ساو، نه ژمار،

وه رکده ی (ه)، زبه ر کرن (س).

- حق : ص. ا. حَق، ماف، ره‌وا، باره،  
راسی، مز.
- حقوق : ا.ج. مه‌واحب، مانگانه،  
موقوف.
- حقه : ا. حوقه، راو، چاچوله، فیل،  
که‌لک، حيله، ده‌سه‌داو، فَن، بامبول،  
داو، چاپ، ده‌له‌سه، مه‌کر، پیو،  
ته‌شقله، را و پیو، ره‌نگ، ریپ،  
ریت، دووز، ده‌غل، گزی، فَر و قیل.  
لپ، نه‌رمش (ش).
- حقه باز : ص فا. چاچوله باز، حوقه باز،  
ته‌شقه له باز، که‌لک باز، ده‌غلکار،  
فیل‌باز، داوباز، فَن‌باز، قه‌لبه‌زن،  
شه‌مچک، نا‌گروک، جامقلی باز،  
حيله باز، جله‌نور، چه‌تله‌مزر، ریوو،  
که‌له‌کچی، چاپ باز، جام‌باز.  
به‌یرمس، خایوک، لپ‌کر (ش).
- حقیر : ص. بووده‌له، هه‌یر.
- حقیقت : ا. هق، راسی، حه‌قیقت،  
راستی (ش).
- حکایت : ا. راز، حه‌کایمت، نه‌فسانه،  
ده‌سان، سه، چیروک.
- حک کردن : م. که‌نن، که‌نندن،  
هه‌لکۆلین، هه‌ک کردن.
- حکم : یز‌گال، نه‌مر، ده‌سوور، فرمان،  
حوکم. هه‌رمانه (ش).
- حکم : ا. به‌ره‌وان، ناوجی، ناوجی  
که‌ر، نیوجی، هه‌که‌م. ناف  
به‌نجی (ش).
- حکمت : ا.مه. زانی، زانست،
- حکمت.
- حکومت : امه. ده‌ولمت، حکومت،  
میری.
- حکیم : ص. کره‌زان، زانا، دانا، هوزان،  
حه‌کیم، دوکتور.
- حلاج : افا. هلاج، گیرنج (ش).
- حلاجی کردن : م. شیه و کردن، شی  
کردنه‌وه، لیدان، شروقه کرن (ش).
- حلال : ص. حه‌لال.
- حلال زاده : ص مر. حه‌لال زاده.
- حلب : ا. حه‌له‌بی، ته‌نکه، ته‌نه‌که،  
بوو.
- حلزون : ا. ناخوون شه‌یتان، حه‌له‌زوون،  
شه‌یتانکه (ه). شه‌یتانوک (ش).
- حل شدن : م تاویان، ناو بوون، حمل  
بوون.
- حل کردن : م. هه‌لەیتان، کردنه‌وه، حمل  
کردن، تاوانه وه. مه‌ح کرن (ش).
- حلق : ا. نه‌لق، بناقه، بناخر، گهلوو،  
بناقاقه، گه‌روو، ناق، نه‌وک، گلوه‌زی،  
بنه‌قاقری. قرقه‌می (ه). حقه‌فک،  
گه‌فری (ش).
- حلقه : ا. نه‌لقه، حه‌لقه، په‌پکه ، بالینه ،  
ناخله ، په‌پوولی (ه). خه‌له‌که (ش).



حلقه زدن : م. ده‌وره‌دان، ناخله دان،  
حله‌ف دان، حه‌لقه پیکان، په‌پکه بستن.

حاجه دای، نه بولوی. تنکای، به بلی	حاجه بندان : حه به نان.
دای (ه). حه نه که دان، نه بکه دان (س).	حجره : ا. فور فوراحکه، سروحکه، فیرقوڭ، کپ کپه. گلالووحک، فرقه می (ه). فیک (س).
حلقه بسین : نک. حلقه ردن.	حوا : ا. حهوا.
حلوا : ا. هه لوا، بلولوک.	حواله : ا. حهواله، بهراب.
حلیم : ا. حه لیم. هر سه (س).	حواله دادن : م. حهواله دان، بهراب کردن.
حمام : ص. کوئل کتس، باربره، حه مال، کوئل نه ر. باروهر گیر، کار سه (س).	حواله کردن : م. حهواله کردن، بهراب کردن.
حمام : ا. حمام، گهر ماگه، حه مام، گهر ماو. گهر ماغ (ش).	حوری : ا. حور، حوری.
حمامی : ص. سب. حمامچی، حمامی، حه مامچی.	حوزه : ا. ناو، ناوچه، حه وزه، ناودان، مه نه هه، بلوک. فاح (س).
حمایت : اص. لاسگری، سوانی.	حوصله : ا. حعلدک، نافه، حه وسه له.
حمایل : ا. حه مریه.	حوض : ا. ناوگیر، نه سیر، حه وزه برک.
حمل کردن : م. حه من کردن، جی به حی کردن، هه لگرس، گوازنه وه.	حوض خانه : امر. حه وز خانه، کوخ، فوابع.
حملة : نه لامار، حه منه، هه لیمه، هوروور، سالال، ناحب، سالو، گورم، هورم. نیرس، هورجم، هتس (س).	حوله : ا. حاولی، حه وله، مه رحه مه، لدنه (س).
حملة <sup>۱</sup> : حه مله، فی، پهرگم، سه رسام، لته، نه.	حومه : ا. دهور و نه، دهور و وه.
حملة کردن : م. نه لامار دان، هورووز هاوردن، حه مله کردن. هه لیمه دان، سالال دان، نه لامار دای، حه مله که رده ی (ه). هورجم کرن (ش).	حیا : ا. حه یا، حه سو، سه رم. نه دی، نه هو، نه ب (س).
حنا : ا. خه نه. خه نی (ش).	حیات : ا. زینگی، ریس، ری، رسو، زینگانی، زنه گی، حه ناب.
	حیاط : ا. حه وس، هه وس، حه سار، حه ناب.
	حیران : ص. حه بران، ماب، ویر، گنیر، نه حب، سه رسوناگ، سه رست.

حیرت : امه . نه حب، گری، بوه.	حبله : نک . حمه.
حیر : ص. حر.	حبله گر : نک . حقه باز.
حبص : امص. بی بوتری. بی نمایی (ه).	حین : ا. گا، ناو، جار، ساب، وه خب،
عدهب (س).	حین، کاب، دهم،
حیف : امص. حهیف، بول.	حیوان : ا. حیوان، جانه وهر، گیاندار،
مه خابن (ش).	گانه وهر.

# خ

خ : خ

خائن : ص. خاين، پريار شكين.

خاتون : بك، خانم.

خاج : ا. خاج، خاج.

خادم : افاء، ا. خادم، خزمه نكار،

خدمه نكار، نوكر. زيوآن، مجهيفر

(ش).

خار : دږك، خار، پزيشكه. دړه‌ی (ه).

دړوو، دړی، سرت، ستری (ش).

خاراندين : م. خوراندين، كلاسان،

كلائين. ورنای، كلاسای (ه).

خاربست : ا. بهرچين، بهرج، بهررين،

بهرجيم. بهرحاك، سنج (ش).

خارپشت : ته‌نسی، زووزوو، چاله‌كه،

چوالوو، به‌زی. كوله، رووری (س).

خارج : ا. دهر، دهره، خارح. دهری،

بهر (ه). دهره (ش).

خارج شدن : م. دهرهاتن، دهریوقین.



خار



نیشانه.

خاطر : ۱. دل، خاطر.

خاطر جمعی : ح مصد. دل نیایی، خاطر  
جمعی.

خاك : ۱. خاک، خول، نهره، نهرز،  
زه‌مین، زه‌وین. ناخ، خولی (ش).  
خاك اره : امر. ناره مشار، خاکه مشار.  
خاك انداز : امر. خاکه نازه، مهره،  
تیرك (ش).



خاك انداز

خاك بازی : امر. خاک بازی، خوله  
پوتی، خاپوره.

خاكرویه : زیر و زویل، ده‌غله،  
ناشخال، شه‌خهل، پووش و پلّاش،  
زواله، کرس (ش).

خاكستر : ۱. بول، سوتك<sup>۲</sup>، بوله مر<sup>۲</sup>  
، خوله مر<sup>۲</sup> باپووسكه خوله میش.  
بوله، زبلی، خول (ه). خوولی. ناخه  
بولك (ش).

خاكستری : ص نسب. بغوری، بولینه،  
بور، پوره‌قه، گه‌فر (ش).

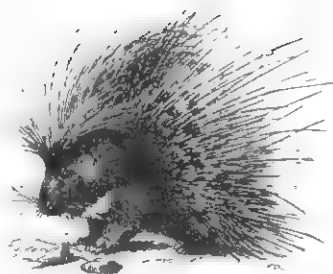
خاكشیر : ۱. خاكثیر.

خاكه : ۱. خاکه، ورده، ناره.  
هورك (ش).

خاکی : ص نسب. خاکی. ناخی.

خاگینه : امر. هیلکه وړون، هبله و  
ړون، خا و روون.

خال : ۱. خال، نشان.



خاریش

به‌رنامای (ه). دهره‌هان (ش).  
خارج کردن : دهره‌اوردن، دهرانین،  
دهره‌بنان. به‌ناردهی (ه). دهره  
نیک (س).

خارجی : ص نسب. خارجی، بیگانه،  
عهواره، به‌رائی، بیانی (ش).

خارش : اسم. حارس، نالوس،  
خارش، حوروو، به‌لک، خه‌رکان<sup>۱</sup>  
حسرووك (ش).

خارکش : ص فا. دړك كیتش،  
دړه‌ی‌كس (ه). دړی كیش (ش).

خارکن : ص فا. خارکن. دړه‌ی  
كه (ه).

خاریدن : م. حوریک. وریای (ه).

خاشاك : ۱. پووش، برال، هه‌ژگ،  
نارال، یزال، پووش و پلاس، گرالک.  
كلناشك، فرس، شه‌حال. هرگی (ه).

خاصیت : خاصیت، خوو، دیارده،

۲ - خاكستر داغ.

۱ - خارش اگزمایی بجه.

۲ - خاكسر سگار.

- خالص : ص. باک، خاوئیس، بزوتین،  
خالص، رووت، زهنگ، په‌نی، ناب،  
سوور، زی.
- خالق : ا. داهینه، رسکینه.  
خال گویدن : م. خال کوتان.  
خاله : ا. پوور، میملک، ناپو، دیگه.  
مه‌تیه (ه). خالعت (ش).
- خاله زاده : امر. میملکه زاگ، پوورزا.  
مه‌تیه‌زا (ه).
- خاله سوسکه : عه‌نه‌تی.  
خالی : ص. خالی، چول، هول، به‌نال،  
ناواق، خوت. هالی (ه). پووت،  
پووجهل، قالاد (ش).
- خالی کردن : م. خالی کردن، چول  
کردن، هول کردن، حه‌لومت کردن.  
هالی کرده‌ی (ه). قالاد کرن (ش).
- خام<sup>۱</sup> : ص. کال، نه‌کولباگ، خام.  
نه‌گربا (ه). نه‌کلی، خاو (ش).
- خام<sup>۲</sup> : خاو، خام، درر.  
خاموش : ص. خاموش، کورباگ،  
دامردگ، کوزاوه، دامرکاو،  
بی‌ده‌نگ، خب، هره‌فوب، کوسیاوه.  
مربای (ه). کوزراو، کوزاو (ش).
- خاموش شدن : م. کوربانوه، دامردن،  
کوزبان. کوبتای (ه). همرین (ش).
- خاموش کردن : م. کوزانه‌وه،  
کوراندنه‌وه، کوراندن، کوشتن،
- خاموش کردن، کوراندن،  
کوشنایوه (ه). هه‌کوشتن، قه‌مراندن،  
مرانه‌قه (ش).
- خامه : ا. ته‌واش، قیماخ، تو، سه‌رتو،  
توزگ، سه‌رشیر، توی شووی،  
بوی (ه). بوور، توژال، توژر (س).
- خان : ا. خان، سان.  
خانخانی : ا. ده‌ریگی، خانخانی.  
خاندان : ا. بنه‌مال، به‌بیل، ره‌گه‌زه،  
قنگه‌زه، نوجاخ، خانه‌دان، تایفه،  
ته‌وار، یشت، قیره، نه‌بار، بنه‌چینه،  
خان و مان، لانه و بانه.
- خانقا : نک. خانگا.  
خانگا : ته‌کیه، خانه‌گا، خانه‌قا.  
خانگی : ص. نسب. مالی، خانگی،  
خومالی. بانه‌گی (ه).
- خانم : ا. خانم، خان، خانوون. خا،  
خات، خانه، خاد (ش).
- خانمان : نک. خاندان.  
خانواده : ا. خانه‌واده، بایفه، خیل،  
قنگه‌زه، خانه‌دان، نیل، ره‌گه‌زه،  
سولان، بنه‌مال، خیران.
- خانوار : امر. خانه‌وار، مال، خانوو.  
خانه : ا. مال، مه‌نرل، خانه، خانی،  
به‌رکه، چاکله، خانگ، خانوجگه،  
خانی. کوخ، فوخل، خانی به‌ر  
(س).

- خانه باغی : امر. کهوئل، قونان، قوخته،  
کوخ، کهیهل، کیل. کهیل (ه).  
کوله (ش).
- خانه خدا : امر. خاوون مال، خانه خوئی،  
ساحیو مال، خانه خویگ. صاحب یانه،  
خاوون (ه). مال خئی، خانه خئی (ش).  
خانه دار : ص. مالدار، مالداري کهر،  
نهوان، نانهوان (ه). خانه دار (ش).  
خانزاد : ص. خانه زار.
- خانه نشین : ص. فای. خانه نشین، گرده  
بس.
- خانه یکی : ص. مال له نهک.
- خایه : هیلکه گون، خایه، گون.  
که نه گون (ه). هیله گون (س).
- خبر : ا. خه وهر، هه وال، دهنگ و باس،  
ناگا، ناگایی. خه بهر (ه).
- خبر پرسی : خه وهر پرسی، هه وال  
پرسی، خه بهر پرسی.
- خبر دادن : م. خه وهر دان، هه وال دان،  
ناگا کردن. خه بهر دای (ه).  
خه بهر دان (ش).
- خبر دار : ص. فای. ناگا، خه وهر دار،  
شاره زار.
- خبر کردن : م. خه وهر کردن، ناگادار  
کردن، خه بهر کردن.
- خبر گزار : باس نیر.
- خبر نگار : باس نووس.
- خیره : ص. خیره، خویره، ده گهر،  
زارا، ساره زار.
- ختم : ا. برسه، حیم : فاحه.
- خته : خه نه نه، سونه.
- خجالت : امص. ته ریتق، شهرم،  
خه حالت.
- خجالت دادن : م. ده مکو دان،  
خه جالت دان، نه ریتقه و کردن،  
رووشکاندن، رووشکانن، له گو  
برده وه.
- خجالت کشیدن : م. نه ریتقه و بوون،  
خه حالت کیسان، کاله و بوون، ده مکو  
خواردن. خه جالت کیشته ی، نه ریتقه و  
بییه ی (ه). شهرم کرن، نیکن  
چوون (ش).
- خجسته : ص. پیروز، موارهک.
- خجل : ص. ته ریتق، بوور، ته رمه نه،  
سه رنه فکهنه، سه رنویر، روو رهس.  
سه رنه روه سه (ه).
- خدا : ا. خوا، حق، په روه ردگار،  
دادنووس، خودا، خونا، خودی (ش).  
خدا پرست : ص. فای. خوا بهر رهس.
- خدا شناس : ص. فای. خوا شناس، خواناس.  
خودا ژناس (ه). خودانیاس (ش).
- خدا نخواست : خوانه خوازه، دووروا نه،  
دووربای. خوانه خوا سه (ه). خودی  
نه خاسنی (س).
- خداوند : ا. ص. حاوون، ساحیو،  
خواوون، کردگار، مالک، خویگ.  
ساحب (ه). مال خئی، خودان (ش).
- خدمت : ا. خه وومت، خزمه ت.
- خدمتکار : ص. شغل. خه ومه تکار،  
خزمه نکار، پاده و، پاکار، بیاک.



پاشه خورج، خورج، پاش بدن، پاشله،  
پاشه زين. خورجك (ش).  
خردده : ص. ا. ورده، پرتكه، پرزوله،  
پرزه. هورده (ش).

خردده چوب : چوكله، چيكله، تولايش،  
تولاشه. چوكلى (ه).  
خردده رينز : پينك، ديش، پهله پينك،  
خرت و پرت، كمل و پور، كمل و پهل.  
هورك موروك (ش).

خردده فروش : ص فا. ورده فروش.  
ورده ورمش (ه). دمس فروش (ش).  
خردده نان : امر. ريزه ول. چنك (ش).  
خرزهره : امر. ژاله. روول، روولك،  
ريل، لوور، لورك، لوورك (ش).

خر خاكى : امر. ههله گولانه.  
ههله (ه).  
خُر خُر : است. برخه، مرخه، خوپ خوپ.  
خرخر : است. خپي خپي، خپه خپي، قرخه  
فرخ، لرخه.

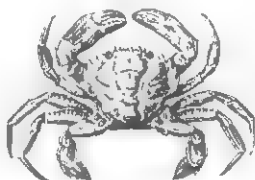
خِر خِرِه : خپي خِرِه، ناي، فوراچكه،  
كهله لوولك، كيكره، مورتم،  
وره مَي (ه). خللوك (س).  
خِرْد : ا. ناوهز.

خُرْد : ص. ورده، پريش، بووچك،  
كچكه، كچك، گچك. هور (ش).  
خرد كردن : م. ورد كردن، نهنجين.  
هور كرن (س).

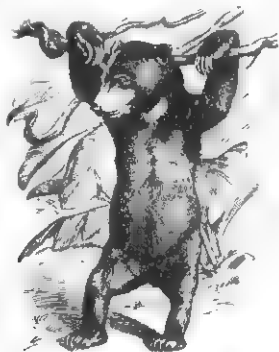
خردل : ا. خردمل.  
خردمند : ص سر. زانبا، زور زان،  
ره زان، ره زانه، زمر.  
خرد و خاكشير : ورد و خان، پريس  
پريس.

خرسك : امصد. خرسك.  
خرسند : نك. شاد.  
خرطوم : ا. خورتوم. لووت (ه).  
لموز، لمبيس (س).

خرف : ص. خرفت، خله فباگ، خله فبا،  
گهوج، خره فباگ، خره فبو، خره فاو.



خر خاكى



خرکچی یک حریده

خرگوس ۱. کهورسک، کرسسک،  
کورسک، سسکه، فوسس، سگ<sup>۱</sup>.  
ههورسسه (۵) کسورسک،  
کفسسک (س).



خرمگس



حروس

کواي (۵). حووحين فوان (ش).

خرمههره: امر. کلانهي کهوگ،  
کهآهوانه، موورگ کهر، ههر  
موورگ، کلانه، مووره کهوله (۵).  
کهسک (س)



خرنر: نتره کهر. نتره ههر،  
ههرمه (۵). سلکه (س)  
خرنایس: اصص. حوریه، برحه، مړه.  
خرنوب: ا. حرسووک، خرسووبه  
برمازگ، موچور، برمازی (س).

خروار: ا. خروار.

خرويف: اصص. برحه.

خروس: ا. کهلناب، کهلهسر، دیک،  
دک. دفل، سلووف (س).

خروسک: اصص. ا. خرووسهک.  
خروورسک (۵). فوره نسه (س).

خروس: اصص. خوس، خوروس.

خروسیدن: م. خوروساک، خوروسان،  
خوروس، خوس. خوروسای (۵)

خربید: ا. حری، ههرید. نهسای (۵).  
کری (س).

خربدار: ص فا. سس، کربار،  
ههردار، مهري، سهبره کربده

سس (یک س)

خربیدن: ههس، سهید سناي (۵)  
کری (س).

خرم ص سس حورمه، حوس،  
ههوره لای، رو، بههر  
خرما: حورب، خوربوی (۵)  
حورمه (س).

خرمالو: امر. خورمالو.

خرمگس: امر. ههرمه گز، کهرمور،  
ههرهنگره، ميسه کهرانه.

خرمن<sup>۲</sup>: ا. خهرمان. گلئس، بیده،  
جوخیکه، جوخین، بیده (س).

خرمن<sup>۳</sup>: ا. خهرمان سوور، خهرمان زی.  
خرمن<sup>۴</sup>: ا. باخوا، بی حوی، کهلام.

خوس (س).

خرمن کوب: ا. جاک. ههنجهر (س).

خرمن کوبیدن: م. هوآه کردن، گتره  
کردن. گهره کهرده، ههرمان

۱. خرگوس یکساله

۲. غله درو و جمع شده در یک قطعه

۳. خرمنی که گندم و گاه آذار به

۴. خرمنی که کوبه و در دره شده

— — — — — 4

- کۆزکه نار. حسیکیدن : یک . حسک شدن.
- حش حش : اص. حسه حش.
- حَشْک : ص. وسک، زپ، رهق و نهق، فای، رمب. حسک (س).
- حشک<sup>۱</sup> : ص. فوج، زوواو، فرحوئل، جرحوئل، خرج.
- حسکبار : امر. حهرمس، وسکار.
- حسکسال : امر. وسکه سال، ره سه سال، گافور.
- حسک شدن<sup>۲</sup> : نه ریس، نه رسهوه، رهق هه لاس. برای، و نه رده (ه).
- حشک شدن<sup>۳</sup> : وسکه و بوون، رهقه و بوون، هه لهر جان، داخر جان، رهق هه لهراس، کز ره و بوون. وسکه و بیه (ه).
- حشک کن : ص. فا. ناوه لهجن، ناودزله.
- حشک و خالی : رهق و نهق، حوب و خالی، وشک و خالی، رهق و وسک.
- حسک و سحت : رهق، رمب.
- حشکه<sup>۴</sup> : ۱. وسکه<sup>۴</sup>، رهقله<sup>۵</sup>، وسکه سی<sup>۶</sup>.
- حشکه<sup>۷</sup> : ۱. پترو، گه مپره، پتروک، پتروکه، نه پترو، یزماروک (ش).
- حتکی : ۱. بهر، وسکی، وسکانی.
- حسم : ۱. فس، نالوزی، حه سم، عهزه وو، بووره سی. کهرت (س).
- حسمگین : ص. مر. سووره، حگر، عاخر، دهو، حاو سوور، گسرله، نالوز، بووره، سیرم، بووس، رووس، عه سه ساسی، سل، فارس، فالس، فهلس، فوسقی، فهره فارر، بهن بهگ، نه هه حوکه، کهرتی (س).
- حسمگین شدن : م. سوور بوون، فهلس بوون، بوه فیس، فوسقی بوون، عاخر بوون، بوک بوون، سل بوون، فارس بوون، نالوز بوون، فالس بوون، گورگه بوون، فیس حوس، بووره بوون، عه سه بانی بوون، فهلس بوون، فین هه سان، فین هه لسان، عاخر بهی، بووره بهی (ه). کهرت بئ (س).
- حسین : ص. حه سن، درسه، بووره، بوید، زرب. زرو (ه).
- حسود : ص. حوه سوو. وه سحال (ه).
- کهی حوس (س).

— — —

- ۱ - حسکی حرم در معاش آس.
- ۲ - حسک شدن غلف و بویه.
- ۳ - از میان رفتن یا کم شدن آب هر حیر.
- ۴ - حسکه اجسام مانند آهن حسکه ب.
- ۵ - حسکه بر سحابه یا حسکه حیر.
- ۶ - حسکه و لایر و حوس.
- ۷ - حسکه رهق و حه.



حاصلت : ۱. خه سَلَب، حو، ديارده.	حقن : نك. جوابدن.
حاصم : ص. درمن، دوسمه، ملوژم، میل، دورمه، بهرحبه، دسم.	حققان : امص. خهفه حاك، ماساك، هه ره فوب.
خصوصاً : ق. به ناو به بی، باب به بی، به حوازه لا، حوسووسه.	حقگی : ح مص. ۱. خهفه گی. حه دبی (س).
خط <sup>۱</sup> : حه.	حقه : ص. ۱. خهفه، ناسا، ناساگ، حكاو.
خط <sup>۲</sup> : حه، حب، كز. حه (ه).	حقه شدن : م. ناسان، خهفه بوون. حهفه بهی، ناسای (ه). خهیدی بین، هه بین (س).
خط <sup>۳</sup> : بهسه، ب حوه (ه).	حقه کردن : م. ناساندن، تاسانن، خنكايیدن، خنكاي، ناسان، حكه بیرن، كز کردن. خهفه كه ردهی، ناسای (ه). حهده فاندن (س).
خطا : س، سه هو، ه حه، هه،	خُل : ص. گه و حه حول، گیل، گتر، حه به نگ، نه حه ق، ستوك.
خوبان، حه، حه.	خلا : مه وال، مسنه راو، كه ناراو، عهده بخانه. كیه (ه). ده ستاف (ش).
خطر : . مه رسی، حه ر.	خلاء : ۱. بوتاسی.
خط کش : امر حه كس.	خلاص : ص. به رهزه، ره ها، حه لاس، حلاس، فوباره، نارا، نازاده، رزگار.
خط كشدن : م. حه كنش. حه	خلاص شدن : م. نازا بوون، به ره لا بوون، به ریوون، به ره ره بوون، و سل بوون، حه لاس بوون، رزگار بوون.
كتای (ه)، ححر كرن (س).	خلاصه : ق. حولا سه، گورنه.
حطمی : ۱. هه لمه له، حه سمی. هه رمه ئی (ه). هه رمه له (س).	خلاف : امص. سووح، خلاف، خه لاف،
حشاش : ۱. سه مه مه كوتره، حه كچه كوله، گه ره كوتره. به له حه ملك (ه).	



حفت : به سوری، سوکی، حه حه

۳ - خط زمس زراعی.

۱ - حه كس

۲ - به رسی بوون به ره حوب و مص

ناز و باز. **خُم** : ۱. هومه، خوم، هوومه، قه‌ده‌له،  
 جه‌ر. کولوز، کیتی (ش).  
 خلافت : حق نشی. **خمار** : ۱. خومار.  
 خلافت : امص. داهینه‌ری، رسکینه‌ری.  
 خلل دندان : امر. پووش دیان، خه‌لال  
 دیان. دان به‌زان (ه). زلک (ش).  
 خلبان : فرو که‌وان، پرو که‌چی.  
 خلخال : ۱. پامووره، پاوینه، پاوانه،  
 خرخال، قولداخ.  
 خلط : ۱. خلت، لمت، لم، دورد،  
 به‌خاله، جرم. لم (ش).  
 خلعت : ۱. خه‌لات، خه‌لانی.  
 خلق : امص. ۱. خه‌لق، خه‌لك، گهل.  
 خُلق : ۱. خولق، نه‌خلاق، خو، ناکار،  
 ره‌فاره، ده‌ماخ.  
 خلق الساعة : دم و ده‌سی، کوت و پر.  
 خلوت : ص. امص. قهریک، چولگه،  
 چول، هول، خه‌لومت، چولتی، چول  
 وهول. خه‌وله، فاله (ش).  
 خلوت شدن : م. ته‌ق‌تی که‌فتن، چول  
 بوون، خه‌لومت بوون. خه‌لومت بیهی،  
 چول بیهی (ه). خه‌لومت بین، چول  
 بین (ش).  
 خلوص : خاوتی، پاکی.  
 خلبند : م. پتاجوون، چه‌قیان. لوای  
 پوره (ه).  
 خُم : ۱. لار، کۆم، چه‌م، چه‌فت، خه‌م،  
 گتیر، چه‌ماو، چه‌میاگه‌وه، چه‌ویل،  
 دولاق‌مچ، بیج، چه‌مه‌ره.  
 خُم : ۱. هومه، خوم، هوومه، قه‌ده‌له،  
 جه‌ر. کولوز، کیتی (ش).  
 خمار : ۱. خومار.  
 خم خانه : امر. خومخانه، جه‌رخانه.  
 خمیره : نک. خم.  
 خم شدن : م. دانه‌وین، کۆمه‌و بوون،  
 چه‌میان‌وه، لاره و بوون، دولاه  
 بوون، چه‌وتیان. کۆمیا‌وه، کۆم بیهی،  
 خه‌م بیهی. نه‌قی بین، خه‌م بین (ش).  
 خم کردن : م. دانه‌وانن، دانووشاندن،  
 چه‌مان‌وه، خه‌م کردن، پیچانن،  
 چه‌وتانه‌وه، داموچانن، دولا کردن،  
 لاره و کردن. چه‌منای (ه)، نه‌قی  
 کرن، چه‌ماندن (ش).  
 خمیازه : ۱. باوتسک، نازازک، نازاری.  
 ویژه (ه). بافتین (س).  
 خمیازه کشیدن : م. باوتسک دان. ویژه  
 دای (ه)، بافتین دان (س).  
 خمیدن : نک. خم شدن.  
 خمیر : ۱. هه‌ویر، کۆله<sup>۱</sup>. هه‌میر (ه).  
 خمیر قرش : ا. ص. هه‌ویر تورش،  
 مایه. لنگو (ش).  
 خمیره : ۱. خه‌میره.  
 حنازیر : ۱. عه‌سازیر، حه‌ساریر،  
 مله‌ماسی، لك مل.  
 خنّاق : ۱. بوغمه، ناس، مله‌غیره،  
 خوناق. قویه به‌شه (ش).  
 خنثی : ص. نه‌ر و مووک، نیر و ما.



خلخال



خنجر

خواب اعضاء : تهز، گوتی.  
 تهوه سایوه، تهوسا (ه). گزگز (ش).  
 خواباندن : م. خهفانن، پال خستن،  
 خهفاندن، راکیشاندن. ونسای،  
 ونسای (ه). نشاندن (ش).  
 خواب پریشان : ناشو پاشو.  
 خواب دیدن : م. خهو دین. وهرم  
 دیه (ه). خهو بینن، خهون (ش).  
 خواب رفتن : م. چوونه خهوه،  
 خهوپیا کهفتن، خهو بردنوه. وهرم  
 پوره کهوتهی (ه). خهوپراچون (ش).  
 خواب رفتن اعضاء : تهزین، گوت  
 بسوون، تهزبان، خستوو که دان.  
 تهوسای (ه). گزگزین (ش).  
 خواب سنگین : امر. کسرخهوه،  
 خهوگران، کرخهی خهوه.  
 خوابگاه : امر. خهوگا، قولاخ<sup>۱</sup>،  
 حوز<sup>۱</sup>. یاگو وتهی، قوملاخ<sup>۱</sup> (ه).  
 خواب گفتن : م. بژاردنهوه،  
 خهوه گراندهوه. وجارای (ه).  
 خواب و بیدار : ص. مر. خاوتر.  
 خهفور (ش).  
 خوابیدن : م. خهفتن، راکهتن، پال  
 کهونن، پال کهفتن، چوونه خهوه،  
 راکیشان، لالا کردن. وتهی (ه).  
 نشتن، رازان (ش).  
 خوابیدن (از شدت غم و  
 غصه) : بهنگله مووش کردن،

نیرام پووک (ش).  
 خنجر : ا. خنجر، خنجووک.  
 خندان : ص. فا. گمش، خهتهران، خورهم،  
 روو خومش.  
 خندانیدن : م. کهنانن، کهساندن.  
 خوابی (ه).  
 خندق : ا. خههوق، بارده، خهندهوق،  
 کهندال.  
 خنده : ا. کهنه، بسکه، زهقه، تریقه،  
 خهنه، پریک و هوپ، پریکه. خوه (ه).  
 کهنی (ش).  
 خندیدن : م. کهنین، زهقین، زرهقیان،  
 نرفیان، خهناهوه، خنبهوه  
 خوای (ه).  
 خنک : ص. قینک، هوونک.  
 خنکی : ص. ح. مم. قینکی، قینکا،  
 هوونکا. هوونکی، هوونکاهی (ش).  
 خنیاگر : نک. آواز خوان.  
 خوه، خوی : ا. خو، خووه، نهحلاقی.  
 خواب : ا. خهوه، بارینه، ونهوز، خهون،  
 لالا. وهرم (ه).  
 خواب آشفته : ناشو پاسو.  
 خواب آلود : ص. مر. خهوالووه، خهوار.  
 وهراموی (ه). خهموو، خهووک (ش).  
 خواب از سرپیریدن : خهوزرین،  
 خهوبهپین، خهوهفین، خهوه  
 رهویانهوه، خهوهوهرین. وهرم پرای،  
 زرنای (ه).

په نه مین، په ننگه مووش کردن،  
راپه نه مین.  
خواجه : ص. خواجه، خه ساو.  
خواجه بیدار : امر. خواجه به یار، دهر  
نه قین. ته قلن باب (ه).  
خوار : ص. پمس، په ست، خاره، زه لیل،  
ره زل، ره زیل.  
خواربار : امر. خوار و بار، خار و بار،  
رزق، شرزاق، خوارده مینی، تقاق.  
خواری : ح. مص. کوره وهری، خواری،  
په سی.  
خواستگار : ص. فا. خواز گار، داخواز،  
داواکار، تالب، داواخوا،  
خاستکار (ش).  
خواستگاری : ح. مص. هبجوی،  
خواز گاری، خواز مینی، خواز بینی.  
هیجی (ه). خاز گنی (ش).  
خواستن : م. خوازین، گهرهک بوون،  
داوا کردن، ویستن، خواستن،  
خوازتن، خوازین، دهرخواز کردن.  
واستی، واهی، داوا کرده ی (ه).  
خاستن، قیان، خوهستن، دوز  
کرن (ش).  
خواستن به التماس : پاریانه وه،  
لآیانه وه. نکاو دالاهی کرن (ش).  
خوالیگر : ناشهز، رزقچی گهر (ش).  
خوانچه : ا. خوانچه.

خواندن<sup>۱</sup> : م. خوهندن، خویندن.  
وه نه ی (ه). خاندن (ش).  
خواندن<sup>۲</sup> : م. چرین، چریه ی (ه).  
گوون (ش).  
خواندن<sup>۳</sup> : م. قوولانن، خوهندن،  
خوئندن، بانگ دان، قو قانن.  
خواندن<sup>۴</sup> : م. گومانن.  
خواندنی : ص. خوینده مینی، خوینده نی.  
خواننده : نک. آواز خوان.  
خواه : خوا، خواز.  
خواهان : ویستو، خوازه، خواهان.  
خواهر : ا. خوهشک، نابجی، خوشک،  
هاوشیره، باجی، هامشیره. والی،  
ددی، تاتک، دایه، واره (ه).  
خوه (ش).  
خواهر خوانده : امر. دسه خوهشک.  
خواهرزاده : امر. خوهشکه زاگ،  
خوشکه زا، واره زا (ه). خویرا،  
خارزا (ش).  
خواهرزن : امر. ژن خوهشک، خه زن.  
ژن وا (ه). بالتوز (ش).  
خواهر شوهر : امر. دش. سنی (ش).  
خواهش : امص. خواهشت، نکا، خواز،  
خوازه، خوایش، خواهش، دهرخواز،  
لاله، خاهش، ناززی، هیثی (ش).  
خوب : ص. غاس، خومش، چستی،  
حووان، باش، به خ، بزارد، چاک.

۱ - خواندن نامه و کتاب.

۲ - خواندن کسی به نام.

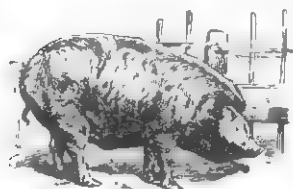
۳ - خواندن نامه و کتاب.

۴ - خواندن کسی به نام.

- سیریس، حا. ولس (ه). خووان (ش).  
 حوب شدن : نک. بهبود یافتن.  
 حویی : ح مصب. خاسی، حاسه، چاکه،  
 نحصان، بائی، چاکی، خهیر، باشه.  
 خود : ضمیر مشترک. خود، خو.  
 وئی (ه). خو (ش).  
 خودبین : ص فا. خوین. وئوین (ه).  
 خودپرست : ص فا. خو پره ست. وئی  
 به رمس (ه).  
 خودپسند : ص فا. خو په سەن. وئی  
 په سەن (ه). ووده (ش).  
 خودخواه : ص فا. خوخواز.  
 خوغاز (ش).  
 خودخور : ص فا. خوخواه، پیشن.  
 وئوهر (ه).  
 خوددار : ص. خودار، خوآگر.  
 خودداری : ح مصم. خوداری،  
 خوآگری.  
 خودداری کردن : م. خوداری کردن،  
 خوآ گرفتن.  
 خودرای : ص مر. خوئی، خوآ،  
 خوهر، قوب، لاسار، خود رای (ه).  
 کیز (ش).  
 خودرو : ص فا. به خو چوو، خوړوو.  
 خودستایی کردن : ح مصم.  
 خوهر لکیشان، فیز کردن، فیز  
 کرده ی، وئی هۆر کبای (ه).  
 خودسر : ص مر. خوهر، خوئی پی،  
 خوآ، خوهر، قوب، که لاله با،  
 حیره سر، سرخو، سهر به خو، مل
- هوپ، که لاله شق، کیز، لاسار.  
 خود فروش : ص فا. خو فروش. وئی  
 ورش (ه).  
 خودگشی : ح مصم. خو کوژی. وئی  
 کوشتی (ه).  
 خود گرفتن : م. خو گرفتن، ملق له  
 خودان. وئی گرتی (ه).  
 خودکار : خو که ر، خود کار.  
 خودمانی : ص نسب. خواهمانی. وئی مانه  
 (ه). خوآیی، خوئی (ش).  
 خودنما : ص فا. خو موین، فیه فیت که ر.  
 وئی نما (ه). خودنما (ش).  
 خودنویس : امر. پاندان، پامدان، خو  
 نووس.  
 خوراک : ا. خواه را، ژهمه، تمام،  
 فهزاه، رزق، ته عام، گراوا، رسق،  
 خورده منی، خوراک. وارده منی (ه).  
 خوراکی : ص نسب. خورده منی،  
 خواه راکی. وارده منی (ه). رزقی،  
 خاخی (ش).  
 خوراک یک نوبت : ژهم.  
 خوراندن : م. خوآن، خوآراندن،  
 خوآن.  
 خوردن : م. خوآردن. وارده ی (ه).  
 فارن، خارن، خوآرن (ش).  
 خوردنی : نک. خوراکی.  
 خوردنی نایاب : تاسوخ، نوبه ر.  
 حورش : ا. خواه رست، پی خوآ.  
 خورشید : امر. خواه ر، خوآ،  
 خواه راهوه، خواه رشی، نافتاو.

- وهره ناو، روځبار (ه)، روژ (ش)، خوړند : امر. باوډيان، خوهرمن، تاشيه (ه)، خوړه گ (ش)، خوړه : ۱. خوړه، وهره (ه)، خوش : ص. خوښ، ساد، به كهيښ، وښ (ه)، خوښ (ش)، خوشا : صت. خوښه، سا «به حالې»، وه شلې (ه)، خوښ (ش)، خوشتاب : امر. خوښه، خوښاب، خوش آمد گويي : خوښه، هانن، خهير هانن، خهير هانن، ميگويند «خهير هاننم كرد»، خوش آواز : ص. مر. خوښه، خوش آواز، دهنگ خوش. وښ دهنگ (ه)، لاژه خوښ (ش)، خوش آيند : ص. فا. خوښه، خوش اخلاق : ص. مر. خوښه، خوش روو خوش، خوش كردار، خوشبخت : ص. مر. خوښه، به حب بهخته وهر، نالي خهير، بهخته نوک، خوښه گڼس. وښ به حب بهخته وهر (س)، خوشبختانه : خوښه به ختانه، به خوښه و، خوش بو : ص. مر. خوښه، بو. وښ بو. نښ خوښ (س)، خوش بين : ص. فا. خوښه، وښ وښ (ه)، خوشحال : ص. ساد، به كهيښ، خوښه، خوښه، خوش، وښ، خوشحال، سهر وښ (ه)، كهي خوښ (ش)، خوشحالي : ح. مص. بگه، خوشحالي، سادي، پله زيكان، خوشه، گهښ، به بله کو. وښه (ه)، خوښ (ش)، خوش حساب : ص. مر. خوښه، خوش حساب (ه)، خوش خوراك : ص. مر. خوښه، خوش وښ وښ (ه)، خاران باش، خوش خاران (ش)، خوش حوي : ص. مر. خوښه، خوش حوښ (س)، خوش رفتار : ص. مر. خوښه، خوش وښ وښ (ه)، رفتار باس، خوش حوښ (س)، خوش رنگ : ص. مر. خوښه، خوش وښ وښ (ه)، خوش رو : ص. مر. خه نه ران، خوش روو، روو، روو گڼس. وښ روو (ه)، روو خوش، روو لکه (ش)، خوش رو و بددل : گور گه مښ، خوش زبان : ص. مر. زوواو خوش، خوش زووان، تهر، دهم، دهم گهرم، زار نهرم. دښ زوم، عه زمان خوش (ش)، خوش صحبت : ص. مر. تهر زووان، تهر دهم، دهم تهر، دهم گهرم، سوجه بچي، ناگر خوش، جامه لووس، هل، هل و دل، فسه خوش، خوش قلب : ص. مر. خوشه، خوش قول : ص. مر. خوشه، سهر وښ (ه)، كهي خوښ (ش)،

خوك : ۱. خوگ، شيگه ۲، بهراز.



خوش گذرانی : ح. مصد. خوش

گوزهرانی، زیانی باش.

خوشگل : ص. مر. سیرس، ره ریف،

خوش گل، قهقهه نگ، که لان،

جووان، خوش کوك، پیکه و نوو.

به دهف، رند، لاو، حندی (ش).

خوش لباس : ص. مر. بوشته، خوش

لباس، بهر بوش.

خوشمزه : ص. مر. خوش نام، خوش،

بامه بینک، خوش مزه. و مس موره

(۵). نام خوش (س).

خوشام : ص. مر. خوش ناو. و مس نام

(۵). خوش ناک (س).

خوش نشین : ص. مر. ره سایی، بوره که،

خوش سس. و مس سس (۵).

به فارک (س).

خوشه : ۱. هوشه، خوشه. هیسو،

نوشی، نیک ۱، عهفک ۱، زه مبول ۱،

زنگل! (س).

خوشه چین : ص. فا. گوله وه چنه،

خوشه جی، له نه وچی.

خوشی : ح. مصد. خوشه سی، بسکه،

گه سه، خوشی. وه سی (۵).

خوف : ۱. نرس، سام، به روا، نه نیس،

جیوم، کیمخوا، یك، سو هون (س).

خوفناك : ص. مر. سامناك، نرسناك،

سامدار، ساماوه. ساقی،

سافدار (ش).

خوك ماده : امر. مالتوس، مالتوسه (۵).

ماهو (ش).

خوك نر : امر. به کانه، به لخته، به لخته.

خو گرفتن : م. گورو نوون، به بهك

داكه فتن، خو گرفتن. قیر بهی (۵).

متودان (ش).

خون : ۱. خوتن. ونی (۵). خون (س).

خون آلود : ص. مصد. خوتناولین، خه لیان

خوتن. وناولی (۵).

خونابه : امر. خوتناو. وناوه (۵).

خون بهاء : امر. خوتن بایی، و سرون

بایی (۵). فان، خوو بها (س).

خونخواه : ص. فا. خوتنه خوی.

ونه وهی (۵).

خونخواهی : ح. مصد. خوتنه وه نیس،

خوتن خویی. ون نه سایی (۵).

خون حبص : امر. سار.

خوبسرد : ص. مر. خوتن سهرد،

که مهر حرم. ون سهرد (۵). سلورب،

سرخو، کاوه خو، نه واب (س).

خون گرفتن : م. حه جامب کردن،

خون گرم : ص. مر. حوتی سیریس، خوتین	حوتی گرین. ون گره ی (ه).
گهرم. ون گهرم (ه).	مال (س).
خونی، خونین : ص. سب. خوتی. ویس	حیالاتی : ص. سب. هه بالآوی، هه بالآئی.
خویش : ا. ص. هوم، خوئس، خرم،	خیال و فکر هه گام جواب : براره.
کس و کار، هوم و حرم. کال،	خیانت : امص. هه ناب.
کالك (س).	خیر <sup>۱</sup> : ح. بی. هه بر، هه جه بر، نه.
خویشاوند : نک. خوئس.	حیر <sup>۲</sup> : ح. سی، حاسه، حاکه، دسی،
خویشاوند دور : بۆره حزم، بۆره	حاکي، هه بر، حاکي.
خوتس.	حیر : حاکه کهر، هه برورمه.
خیابان : ا. خیواوان، ناخیواوان، شه دام،	خیرات : ا. ح. هه برات.
خیابان. خیافان (ش).	حیره : ص. زبب، زای، حیره، وای،
خیار : ا. نارووه، خه مار. خیار (ه).	مای، بورای، رب، هه برات.
ناروئ، ههک (س).	حیره شدن : مای مان، زبهو بوون، ماب
خیار بذر : امر. کالبار. خیار و	بوون، زلّ بوون، زای بیهی (ه).
نۆی (ه)، خاری نۆی (س).	حیره سر : ص. مر. حره سر.
خیار چمبر : امر. برۆزی، هه مه ره	خیز : ا. بازده، خیر، ناخیر، نه یس،
هه مار، هه مسه. ساروح،	باز، هه لّاز، گو مه نه، هه له زه.
سه ههک (س).	حیزاب : ا. بیل، شه بۆل.
خیار و خیار چمبر نازک : به رۆله.	خیز برداشتن : م. باز بردن، هه لّ باز
بووک (س).	بردن، ناخیر کردن، نه یس کردن.
خیار چمبر نعم : کالار.	خیززان : هه نه زه ران، هه نه زه ران، زه ل،
خیارک : امص. هه ماره، هه مارهک.	نه ی.
خیاط : ص. بهرگ دروو، حن دروو،	خیس : ص. فس، خووس، نه ی، نلّس،
هه ناب، ده رزی. حل و راز (ه).	بلز، خووساوه، خووساگ، فساو.
خیال : ا. براره، هه بال، گو مان، نه سه،	حیساندن : م. خووسان، فساس، نه ی
فکر، سر، سر و سر و سر (ه)، روبر،	کردن. بهر کرده ی. فساسی،
	خووسای (ه).
	حیش : ا. هئس، حیس، جووب.





خیمه شب بازی

حیللی : ا. زما، فره، فراوان، زور،  
بی سۆ، مۆلهق. قس (ه). گلهك،  
بی نعان (س).  
خیمه : ا. دهوار، ره سمال، حادیر،  
زهوزان. عه سه له، گوس، جمع (س).  
خیمه سب بازی : ساسه لیم بازی،  
باله وان که حیل بازی.

کس (ه).  
خیک : ا. خبگه، بیتک، مۆراخ ،  
دؤراخ ، مۆراعدان ، هتیره،  
سووربان، سووره، سبارۆك (س).  
حیکچه : امصع. حیلککه، حیکچه،  
حی گولککه.  
حیل : ا. حیل، ناعه، هۆز، قیل، بیره.

# د

داد <sup>۲</sup> : ۱. دایه، سکاڼه.	د : د
داداش : ۱. مرا، کاکه.	داء : ۱. نښې، دهره.
دادخواست : امر. سکالا، گازیده.	داء التعلب : امر. مووریره.
دادخواه : ص. فا. دادخواز، داواکار	داء القیل : امر. قیل یا.
دادخوا.	داخل : ۱. ناو، نه‌نده روون، داخل،
داد زدن : م. دایک‌کساک، فریاد کتساک،	دهروون. دلې (ه). ناق داء روړد،
هاوار کتساک، ده‌گ دهر داء، فتراس،	هویدور (ش).
فیراس، زبریدن، سانیدن، زباندن،	داخل شدن : م. چوونه ناو، وارد بوون،
زبفاس، سربحاندن، هاوار که‌رده‌ی،	بی‌چوون. لووانه‌دلې (ه).
فریای (ه)	داد <sup>۱</sup> : ۱. دای و فریاد، هاوار، فریاد،
دادگاه : امر. داد‌گه، مه‌حکمه، بارکه.	فیزه، فیره، فیره. هم‌فاز، گازی (س).



### دارچین

دار هواخ، دانه سیّ داره.

دارکوب : امر. داره سمه، داره نه‌تینه،

دارکون‌کهر، داره کوّ (ه). قیسی،

به‌دکوره، دارکوبکه (ش).

دارنده : اقا، خاومن، ساحو، دارنه.

دارو : ا. دهرمان، باسار، دهوار، داروو.

داروخانه : امر. ده‌واخانه، دهرمانخانه.

دارو دسته : امر. ناقم، دارو ده‌سه.

داروغه : ص. ا. داروغه.

داس : ا. داس. دارئی (ه).



دارکوب



دادن : م. دان، به‌رداحب کردن.

دای (ه).

داد و بیداد : دای و بیداد، جه‌سر و

جه‌له‌لا، قیر و وار، جه‌شره‌لا، رومل

خه‌زا.

داد و ستد : داو سده، فار و گوّره، نار

و گوّره، سافی نافی، ثالثت، سه‌ودا.

داد و فرباد : امر. دای و فرسا، جه‌یجه

جه‌بح، گانه‌گول.

دار : ا. دار، داره واح، سیداره.

دارا : ص. فا. مالدار، دارا، حب دار،

دهو تهمین، ساماندار، زه‌نگی،

هه‌بی (س).

دارایی : امر. مال، حب، خوازگه،

دهو تهم، سامان، دارایی.

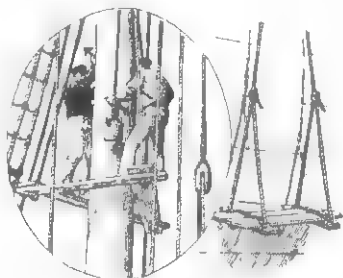
هه‌نایی (س).

دارالحکومه : دهرمال.

داربست : امر. داربست، دالووب،

داربن، کوبه‌لان، داربست، جه‌له،

سو حمه.



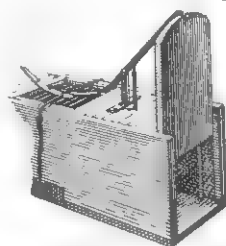
داستان : ا. راز، جه‌کابه، ده‌سان،

سه، حیرقلا، نه‌فانه.

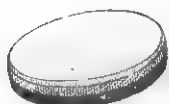
دارچین : امر. دارحیی، دارچیس (س).

دار زدن : م. له‌دار دان، نه‌ناف دان، دانه

- داسقاله : امر، سهوهر داس، دار باج، دهسه داس، داسقاله. داسووك (س).  
 داش : ا. داس.  
 داشتن : م. دارا بوون، بوون. بیهی، دارایی، بهی (ه). همیس، بین  
 داغ<sup>۱</sup> : ص. داخ، کوئ، کهل (س).  
 داغ<sup>۲</sup> : ا. داخ، بشان، بسانه.  
 داغان : ص. داغان، داوه شیاگ، باشیاگ، داپزاو. سنباره، تفره و  
 بوونا (ه). نهلا (س).  
 داغ دیده : ص. مفر. داخدار، داخ دیده.  
 داغ کردن : م. داخ کردن. نار هاندن (س).  
 دال : ا. دال. حرمعل، (س).  
 دالان : ا. دالان. کوآن (س).  
 دالاندار : ص. فا. قابچی، دالاندار.  
 کوآندار (س).  
 دالبر : ص. مفر. دالبر، پهلان.  
 دام : ا. تله، پاداو، بهر پمت، داو، هوج، دام.  
 داماد : ا. زاوا. زهما (ه). زاقا (ش).  
 دامن : ا. دامان، دانه، پالداپه، پال  
 دامیس، دایس. دامسه، پالدم (ه).  
 ده مان (س).  
 دامن آلوده : ص. مفر. پهن بی دریاگ،  
 به نه نامه، رسوا، پرو، ده مان بیس،  
 پروئ.  
 دامسن زدن : م. همل حرانن.  
 ورخرنای (ه). نامک داک (س).  
 دامنگیر : ص. فا. دابین گیر. دامان  
 گمر (ه).  
 دامنه : ا. به رزاح، دامنه، منار، دانه،  
 بهر کاو، هدیال، که مرکتس، لالال.  
 دابین، ده مان، به تار (س).  
 دامن به کمر زدن : خو همل کردن. یاسال  
 گرنی دان (س).  
 دانا : ص. فا. زانا، سراك، دانا، فره زان،  
 مهلا، ربو، سامور، برمیسك،  
 زاهر، زانار، زورزان.  
 دانایی : ح. مصد. زانایی، دانایی.  
 دانستن : م. زابیس. زانای (ه).  
 دانش : امص. زانسی، زانسی، داسی.  
 زانایی (ه). زان (ش).  
 دانش آموز : ص. فا. فتاوی، فوایی،  
 مدهر سه بی، موحه سل.  
 دهرس وک (ه). حانداه (س).



- ۱ - بیار گرم.
- ۲ - سانه ای که از نهادن فلز سرخ بر  
 بوسه بکشد می ماند.



دایره

دایره : دایره، دهف، دایره (ش).  
دایره : ا. دایره، چه موره، که مه،  
گرد، حبرک، ناغله، حه لفه.  
دایره (س).

دایره زدن : م. دایره لیدان.

دایره زن : ص فا. دایره رهن.

دایم : ی. دایم، دایمه، همیشه، همر.  
دایه : ا. ممه، دایه، دایان، تایه.  
دایس (ش).

دایی : ا. نالو، لاله، خالو. لالو (ه).  
حال (ش).

دایی زاده : خالو زانگ. لالو زانگ (ه).  
کور حال، نالو زانگ (ش).

دباغ : ص. دخواخ، دخواجی. پوس  
ومن کور، دباغجی (ه).  
ده ناخ (س).

دباغ خانه : امر. دخواح خانه، دخواحانه،  
خو سه خانه، دباغ خانه.

دباغی کردن : م. دخواخی کردن،  
خو سه کردن. دباغی کرده ی،  
وه سه کرده ی (ه). دباغ دان،  
خارن، خاران، خاراندن، دباغ  
کرن (س).

دندنه : اص. ا. دنده به، نرم و کوب.

دندان : ا. مدرسه، فو باخانه.

دسگ : ص. حس، حه یول، دهننگ.

دانشرا : امر. زاسخانه.

دانشگاه : امر. زاسگه، زاسگاه،  
داسگ، رانکو، راسگه (س).

دانشمند : ص مر. زانا، دانا، دانسمه،  
بران، فرهان، رورران، راسار،  
برمیک.

دانگو : ا. دانه کولانه، دانه فوب.

دانگ<sup>۱</sup> : ا. دانگ.

دانگ<sup>۲</sup> : ا. بهس.

دانه<sup>۳</sup> : ا. دان، دانه، دندک، دانار.

دانه<sup>۴</sup> : ا. یول، فل، گلار.

دانه<sup>۵</sup> : ا. سکل، بسکو، سکل،  
دهنگ، بهنگن، هن، که له بسکو،  
نه سکل (ه). بگر، بول، بوللی،  
بلو (س).

دانه دانه : دانه دانه، دیک دیک، دندک  
دندک، داسار داسار، دان دان،  
گهرا گهرا.

دانه سیاه : ویره، گسره، حنره.  
مروه گسه (س).

دانه کردن : م. دانه ده کردن،  
دروو سس، درووب سس،  
دانه کردنی (ه). دندک کر (س).

داوطلب : ص مر. دانه به، دانه

داسر : ص مر. دانه به، دانه به،  
دانه به، دانه به، دانه به (س).

۱ - دیک سسه ریک مکت

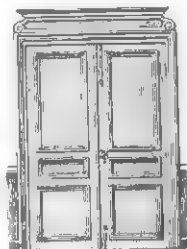
۲ - سپه

۳ - دیک حذر ریک حذر

۴ - دانه بگور

۵ - دانه آس

- دبه<sup>۱</sup> : ۱. دبه، دهر. کجوله (س)
- دبه<sup>۲</sup> : ۱. دبه، گتجل، به سخته، گفنی. گهر، دهوه (ه). گزنی (س). دبه کردن : م. دبه کردن، به سخته کردن، گتجل کردن، گمفی دان. دهوه کردهی (ه).
- دج : ص. دهر. دجال : ص. ده حال، جه حال. دجار : ص. ۱. دوجار، بووسار، بووس، ناوئه، نامه، بلیاگ، گرفتار، کولک. دجار شدن : م. دوجار بوون، ناوئه بوون، بووسیار بوون، بووس هاس، بووس بوون، بیه و بوون، بلیا بیه و، بیه و گلان، عاماز بوون، بووس نامای، بووس بیهی (ه).
- دحالت : امص. ده حاله. دیکه لیا (س).
- دخالته بیجا کردن : م. بتی کوبیان، نئی پهریان. وی یاوناینه (ه). نازوس (ش).
- دختر : ۱. کهنشک، دوب، کیر، یانی، دهله شیر،<sup>۲</sup> کچ، دویست، کاجه، کناچی (ه). کجک، زهری (س).
- دخترانه : ص نسب. کهنشکانه، کجانه. کناحانه (ه). کجکانه (ش).
- دختر بچه : بووکلله. کاحلی (ه).
- دختر خاله : امر. مسمکه زاگ. میزا (ه).
- دختر دایی : امر. حالوزاگ. لالوزا (ه).
- دختر غمو : امر. ناموزا. کجکامام (س).
- دخترگی : بن، ساد، نرده. کناحیهی، کحی (ه).
- دخترگی برداسن : م. سیراس، که بیکه ه لگرس، به رانته وه. کاحی هور گرمه، سیر گای (ه).
- لیبان (س).
- دخل : ۱. دخل، دهغن، دهرامه. دحمسه : ۱. دهغهسه، دهردی سهر، گرفتاری.
- دحمه : ۱. دهحمه، حاله نووه، گوریجه. سکه وک (س).
- دو<sup>۱</sup> : ح اص. له، جه، ره، ر. دو<sup>۲</sup> : ۱. دور، گوههر.
- دو<sup>۳</sup> : ۱. فای، دهر، درگا، دهرگه، دهرانه. نره (ه). دهری (س).
- دوامد : یک. دخل.
- در آمدن : م. هدل هاس، کهنش، هاسنه دهر، دهرکوهین، روره بوون. بهرامای، هورنامای، کوهی (ه).



در

- ۱ - ظرفی که در آن روغن و آنگونه بریزند.
- ۲ - حری بعد از انجام معامله.
- ۳ - کانه ای است نامناسب بر سبزه دهر به سگ ماده.
- ۴ - ماده : «در گمگو نا...».

در آمدن چشم : م. دهره پریس،  
دهره پریس. سرری (ه) هسه  
دهر (س)

در آوردن : م. دهره آوردن، دهره اس،  
دهره تنان. بهرشاردهی (ه). دهره  
شد (س).

در آوردن عمل از گدو : سرس.  
سرری (ه)

در اح : سور، سورج، گه فرشت  
سرا

درار : م. دربر، بهر، رن، رنلام،  
رهنون، رری، سور، ریس، بهر،  
که گه

درار گسیدن : دربر کس، س، س  
کس، بهر، س، سور، د، و سور، س، س  
دان، نال که موی، کسانه، سرری و  
بهی، نه به ناسه (ه)، راکتسان،  
رازان، فخراندن (س).

درار کردن : م. درتره و کردن، کتس  
هاوردن، داکسان، نال حس، ملی  
گردیده کسه سر (ه)  
راکتان (س)

دراری : م. سرری، سرری، سرری،  
سرری، سرری  
درام : ا. جه منامه.

درار : امر. دهر بار، نهرک، بهر گ  
دریان : امر. دهروان، فضا درگا،

در گوان، بهر هوان، دهر وازه وان، فانی  
وان (ه). دهر فاک، دهر گه فاک،  
فانجی (س).

دریدن : م. سر. بهر، بهونا، دهر به ده،  
ناواره، عواره، با نیلا، بی خاک و  
مان، به نگاز، سر گهر دان، سه بلان،  
لانه واز، جه واه، عه فدا، عه فاره،  
قله مه (س).

در بردن : م. فرانس، فراندن، دهر بردن،  
رفانس

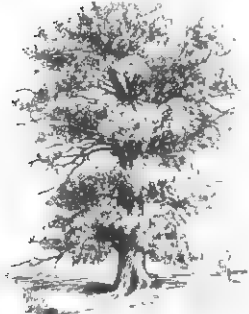
دریسه : م. معبد، دهر بهس، نکره،  
دریسه

درید : امر. دهر بهن، دهر وک، دهر تن،  
دهر گاتس، کو تو م، سه وره

در تور : امر. دهر کوانگ.  
دهر کهانگ (س).

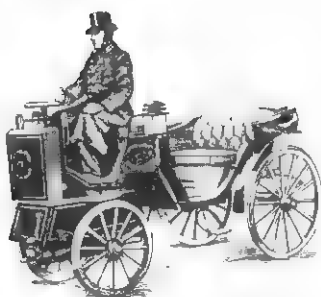
درجه : ا. راده، به، نانه، دهر جه،  
درجه : ا. دار، درجه.

درجه نادم : سه واسگ (س).  
درجه بلوط : بهرو و دار.



خوره‌ه، باودیان، هه‌راخور، نه‌حی، ماساب، لاس، مناسو، ماسیه (ه).	دوختنان : امر. بیه‌لان، چیره، دار ودارسان، دارسان، مته، بته، دارسان. گورانگه، گه‌هل (س).
ره‌جل، خوره‌گ (س).	دوختکاری کردن : دارسان.
درد : ا. نیس، دهرده، ران.	دارنای (ه). دارحادن (ش).
درد : ا. لمه، سلف، تلف، لم، جرم، لیم، خلب، بحاله (ه).	درخت هرس شده : داهانگ، هه‌لیا‌جیگ، هورمانی (ه).
درد زایمان : امر. برسه، ران، به‌ره‌ران.	دوختنان : ص. فا. بره‌ه‌دار، بریکه‌دار، دوختسان، وره‌ه‌دار، سه‌وی‌دار، سابان، رۆس، رۆساک، روون، ره‌حسان، برسه‌دار، به‌یک.
درد شکم : ران، برک، زک، بته.	دوختنش : امص. بره‌ه، بریکه، رۆحامی، درۆسه، وره‌ه، سه‌وی، رریره، برسه.
درد دل کردن : سکالا کردن، دهرده دل کردن.	دوختیدن : م. وریتیان، زریویان، بره‌قه‌دان، در و شبان، شه‌وی دایوه (ه).
درد کردن : م. هانته‌نسی، ران کردن. هانته‌گل، ران‌گرسن، نسی نامای (ه). نیشان نیس کرن (س).	دوختنده : اف. دره‌خشنه، به‌یاق، وره‌ه‌دار، بریکه‌دار.
درد کمر : امر. که‌ه‌ه‌گ، برک، ری گیلای (ه).	در خواب حرف زدن : ویاوه‌کردن، ورینه‌کردن.
درد گرفتن : م. نه‌گیر وه‌سان، نیشان، نیس کردن.	درخواست : امر. داوا، ده‌رخواز، داحاز، ده‌رخواست (س).
درد دهند : ص. مر. دهرداوی، دهرده‌ه، دهرده‌دار، نیش‌دار، نه‌ساق.	درخواست کردن : م. داوا کردن، ده‌رخواز کردن، داحاز کرن، ده‌رخواست کرن (ش).
کولدار (ش).	درخواست : ص. فا. ساو، شاسان، ده‌رحوه، ناب، سامه، سراوار،
دردناک : ص. مر. دهردناک، دهرداوی، نیشدار.	
دردیزی : امر. گۆزنه‌و، ده‌رخوینه.	
در دیگر : امر. مه‌لک‌نی، گۆزنه‌و، گۆزنه.	
دورفتگی : دهرچووک، دهرچووی.	
دورفتن : م. هه‌لاتن، دهرچوون، فیرار	





### درشكه



درفس<sup>۲</sup>: درهوس، درسك (س)



دَرَك: ۱. ناوَهز.

دَرَك: دَوَره، دهرهك.

### درفش

در کردن: م. به فانس، دهره پاندن،

دهر کردن، دهر چرانی، به فانی (ه).

در کشیدن: نك. در آوردن.

در گاله، در جوال: دهریتن.

در گاه: امر، به در گاه، ناسانه.

به ره (ه)، دهر از نيك، دهر گاه، دهرك،

دهری، جهال (س).

در گذشتن: م. رابووردن، مردن.

در گیر: امر، ناممه، ناوَهه، دوجار،

دهر گیر، بووسیار، كوك.

در گیر شدن: م. دهر گیر بوون، سته و

گلا، سته و بوون، بووس بوون،

بووسیار بوون، عامباز بوون، دهر گیر

بیئی، به یوه (ه)، سته بین (س).

درمان: نك. دارو.

درماندن: م. به كه كه ففس، دامان،

کردن، راکردن، ماناهاوردن، سته  
و کردن. به رسهی (ه).

درو: ۱. درزه، بلس، فلس، درزو

برس، بره.

در ردن: م. در گه فس، در گه ند

به رنه فی (ه).

درر کردن: م. دركس، درر كردن.

درگی (ه).

درر گرفس: م. درر گرس، داسكس

دوسی: ۱. وانه، دهرس، دهرز.

درسب: ص. ساق، به واه، رسك،

دوروس، به مام، راس، سه حنح،

حاس. ره حه، ناز (س).

دوست در آمدن: جه لال، بو پان،

گو بجان، دوروس دهر هان، دوروس

به نامای (ه).

دورستکار: ص. فا، دوروسکار،

دوروسکار، دوروس.

دوستی: ح. مه، دوروسی، راسی،

جه قهه، دوروسی

درشت: ص. فلهو، سوور، زل،

دوروسب، درسب، دسب.

هلهق (س).

درشكه: ۱. دوروسكه.

درفش<sup>۱</sup>: ۱. به حاج، نالا، دروسم،

عه لهم، به داح (ه)، به دیر، بوبك،

كر سبك (س).

هك كه بهی. دامای (ه).

درمانده : امف. یهك كه فنگ، له ما

كه فنگ، نه راعه به، ده راعه به،

باركه فنگ، سوحب، باركهو بوو،

داماگ. نه راعه به (ه)

ده رمانده (س).

درمان کردن : م. باسار هاسن، ده رمان

کردن. حاره کردن، دهوا کردن.

دونا : ا. دورنا.

دورنده : ص. افسا. دور، درسه، در،

دیرنده. دهیه (ش).

درنگ : ا. دتر، درنگ، گ.

درو : امف. دره.

دروازه : نه لعی، ده روزه، قابی،

درگا. ده ریزه (ه). در فازه (س).

درو دشت : ریگه و بان، دهرو دشت.

درو دگر : ص. شط، ا. دارناس، نه چار.

دروغ : ا. درو، چاپ، دهله سه، چوب،

فیال. دهرو، فر، فرگا (س).

دروغگو : ص. فا. دروژن، چاپ باز،

فیال آواز، دروگر. قرکر،

فروگر (س).

درو کردن : م. دروون، رین، درهوسن،

دره و کردن، رینه وه، باکو دان،

لاحه کردن<sup>۲</sup> لاسه کردن<sup>۳</sup>. ریهی (ه).

دروگر : ص. سعل. دره وای، ناله،

دره وگر. دره وگر (س).

درون : ا. بیو، باو

درویش : ص. دهو رتس، دهو رتس.

دره : ا. دوت، سبو، دهراو، دراو، حم.

دراق، سبك، گهلی (س).

دروم : ص. مر. سهراو، ناوته، بیکل،

فاسی، بی که لاو. هامنه (ه).

سه جو (س)

دروم بیحدن باد و سبل

چیزی را : داستعادن. بیخناره (ه)

رایجان (س).

دروم ریحنس : م. دامنه کا، بک دان،

رانه هك، سبواس، سبرزه کردن،

سله راندن. بک دای (ه). باق هك

دان.

دروم دریدن : م. هه لحرس. ویر

درای (ه). دراندن (س)



دز : نك . دز .

د ز د : ص . ا . دز ، دس چـه پـه لـ

دس بیس ، هه مك هه مك

دزدكی : ی مر . به دزبه وه ، بی دزبه وه ،

دزه ، دزكه ، دزبه

دزدگاه : امر . دزكوښكه ، دزگا .

دزدی : دزی ، جرب و خاب .

دزدیدن : م . دزین ، پادان ، چربانن ،

بالی دان ، نلن کردن ، چوئاندن ، دزی

کردن . دزبه ی (ه) .

دز : ا . دز ، كه لات ، هلا ، دز .



دزجیم : ص . خوئن رتر .

دست : ا . دس ، دهسب ، هل ، چه بوته ،

چه ج ، له ، حمل ، حمل .

دست آموړ : ص مف . دهسه موو ، لی

بی ، نه هلی ، خوگرنگ ، گورو ،

که وی . که هی ، که بی ، رکه دی (س) .

دسار : متره ره ، دهسه ره .

دستاس : امر . هاره ، دهستار .

دویا : ا . زرنه ، بهر ، دهریا ، زرنال .

دویاچه : امص . زرنجه ، دهریاچه .

بهرك (س) .

دویافتن : م . بی گه بیس ، بی زابیس ،

به بی بردن ، زابیس ، حالی موون ، بی

حسان . ناوانته ، نه ناوای (ه) .

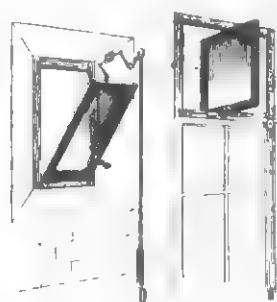
دویچه : امص . دهریچه ، دهریچه ،

نه ساوی ، دهلاه ، کونا روځکه ، باحه ،

سه بافه . کلاو روځنه ، نه سایی (ه) .

دهریچه ، کولانچه ، کولهك ، کاریر ،

کولنگ (ش) .



دویدن : م . دریښ ، دران ، درانن ،

دیراندن . لیښنای ، دریای (ه) .

فهر راندن (س) .

دویده : امص . دراو ، هه تدیریگ ،

دادیریگ ، دهریده ، دوړدو ،

دیریگ ، هه لچیریگ ، دانلیسیگ .

دیربا (ه) . هه لیری (س) .

دویځ : ا . درنځ ، نه فوس ، هه سرب ،

درنځ ، ناسف . محاس (س) .

- دست‌اندازی : ح مف. دمس نه‌نازی. دست‌بند<sup>۲</sup> : امر. دمس‌به‌ن، باز، ده‌زیک، ده‌سوانه.
- گه‌زه‌ک، بایس، بیانک، بیانوو، ده‌ساویژ، هو، که‌رپه، پهرچ، پهلپ، نه‌نگیزه، به‌رپه‌رچ، ده‌ساویژ، علت. سور، لام، بروو، مهانه (ش).
- دست‌به‌آب‌رساندن : دمس به‌ناو گه‌یاندن.
- دست‌باز : ص ف.ا. دمس باز، دمس‌باد، دمس‌باو، دمس‌با، دمس‌ولا (ه).
- دست‌بافت : ص مف. دمس باف. دمس قه‌کری (س).
- دست‌برد : امر. دمس برد، په‌لامار، دزی، نالان.
- دست‌برداشتن : م. دمس‌ه‌لگرن، دمس‌به‌ردان، دمس‌کب‌ان.
- دست‌ورگرت‌ه‌ی (ه). ده‌سب‌لی پاکرن (ش).
- دست‌بسر کردن : دمس به‌س‌ر کردن، ده‌س‌به‌ر کردن، خانه‌شاری کردن. شخو‌کرنه‌قه (ش).
- دست‌بسیته : ص مف. دمس به‌نه‌زه‌ر، دمس به‌سینه.
- دست‌بند<sup>۱</sup> : امر. دمس به‌ن، که‌له‌بچه.
- دست‌بخت : ص مف. دمس و یوخت. دست‌پرورده : ص مف. دمس په‌رورده.
- دست‌پیش‌انداختن : م. دمس‌بسر حس. دست‌بگ : ص مر. دمس‌ه‌نگ.
- دست‌چین : ص مر. دمس چس، ه‌ل‌ت‌زاده، ه‌ل‌ت‌زیاگ. دست‌خط : امر. دمس‌ووس.
- دست‌خوش : امر. دمس‌خوش، دمس خوه‌سابه، ده‌سب‌باس. دمس و‌مش (ه).
- دست‌دان : م. دمس و مشتاق کردن، دمس‌دان.
- دست‌دوازی : ح مف. دمس دریزی. دست‌دست کردن : م. را و روو کردن، ده‌ساو دمس کردن.
- دست‌رسی : ص مف. دمس رسی، وزه، به‌رده‌ر، ده‌س‌باو.
- دست‌رسی : ح مف. دمس‌رسی، به‌رده‌ری.
- دست‌رنج : امر. دمس‌رنج. دست‌زدن : م. چپ‌کوبان، حه‌له



۱ - دمس‌بلی.

۲ - دمس‌برور‌رانه.

ریزان، چه پله لیدان. ده ست لیدان. چه پلّی نه قنای (ه).  
 دست ساز : ص مر. دمس ساز. دمس چّی کری (س).  
 دست فروش : ص فا. بیلوهه، ورده فروس. دمس ورهس، ورده واله ورهس (ه). هورده فروس (س).  
 دسک : امص. ده سهک.  
 دست کاری : ح مص. دمس کاری، کلکه تنگی. ده سنکاری (س).  
 دستکش : امر. ده سهکس، ده سه وانه، نه مک، ده سکتش، باله<sup>۱</sup>، هه بناغ<sup>۲</sup>. ده ستانه، له مک (س).  
 دست کشیدن : م. دمس کیشان، دمس هه لگرن. دمس ور گریه (ه).  
 دست کم : ی مر. لان حواره، دمس کم. لای واری (ه). لاتی کم (س).  
 دستگاه : امر. ده سگا. ده زگا.  
 دستگاه حرمی کوئی : حان، هه جهر.  
 دستگیر : ص مف. ده زگیر، دمس گیر، دیل. گرمی (ش).  
 دستگیره : امر. دمس گیره، ده زگیره، سوورگی، ده سک.  
 دستگیری<sup>۳</sup> : ح مص. دمس گوروئی، دمس گیری، کومک.



دستکش

۵ - دسمالی کردن و برمرده ساحن.  
 ۶ - دست مالیدن کورها و بیابان در تاریکی.

۱ - دسکس حرمی.  
 ۲ - دسکس برزگر و دروگر.  
 ۳ - کمک، ناری.  
 ۴ - گیر انداختن دزد و

به له فريکڼي کړدن. بهل کوب کړدهی،  
 دمس و با شانای (ه).  
 دست و پاگیر : ص فا. دمس و پاگیر.  
 دستور : ا. نه سر، ده سوور، فرمان،  
 حوکم. همرانه (ه).  
 دستور زبان : ري زووان، ري عزمان.  
 دسته<sup>۱</sup> : ا. بڼه، جووق، ده سه، گمل،  
 جمل، پول، تپپه، بړهک، لعن، گرو،  
 کوټل، گه وال. عدلهک، دهه (ش).  
 دسته : ا. ده سه، نه لهقه، باقه، باخه،  
 ده سه، چه پک، بڼه، مه لو، دراخه،  
 چه پکه، قول، به سته، ناسم،  
 چه کمه ساو، سواله، سواله، هفت،  
 هل گورزه، گوټمه! ده سک،  
 قودک، تهغه (ش).  
 دسته جمعی، دستجمعی : ټکړا، ټکوه.  
 دسته دار : ص فا. ده سه دار.  
 دستی<sup>۲</sup> : ص نښه. ده سي، ده سني.  
 دستی<sup>۳</sup> : ق. ده سانس، ده سي،  
 هه نقه سي، له قس، عه مدی.  
 دستيار : امر. ده سيار، سيار، ياری کار.  
 کوټمهک، هاريکار (ش).  
 دست یافتن : م. چنگ کهن، دمس به يا  
 کړدن. دمس کوبه ی (ه).  
 دسيسه : ا. ټلان، قیل، داو.  
 دشت : ا. ده سب، سه حرا، دهه، سارا،  
 جلگه، بياوان، چولگه، ده ستايی.

دشت : نک. دستلاف.  
 دشتيان : ص مر، امر. ده سته وان، گريه،  
 سوور باس، باکار، سه بان، باليروان،  
 ده سان.  
 دښک : ا. دونه که.  
 دشمن : ص. دوسمه، ملوژم، درمس،  
 ميل، دورمه، بهرچې، دسمي.  
 دشمنانه : ص سب. درمنانه، بهل.  
 دشمني : ح مص. دزمني، دوزموني،  
 شيوړان. دوزمه نايه ی (س).  
 دشنام : امر. جنيو، جوتي، دزوتي،  
 باو گره بازی، خراو، خراپ، خوسن،  
 فحش، دزمني، رهف<sup>۴</sup>، دزمانی (ه).  
 قسین، خه بهر (ش).  
 دشنام دادن : م. باو گره بازی کړدن،  
 سه کاس، دروتس دان، هه لاساح،  
 خراو وس، خوسن دان، جوتي دان،  
 جنيو دان. دزمان دای (ه). خه بهر دان،  
 قسین دان (ش).  
 دشته : ا. خنجووک، خنجر، سبکار د.  
 مه نهر وک (س).  
 دشوار : ص مر، امر. دروار، دسوار،  
 سه حب، موسکل، سه نگين، دوحار،  
 باره حب.  
 دعا : امص. دوعا، برا، بروول.  
 دعوت : امص. خوټک، داوټه، واده،  
 ده عوب، ده نگ، حر.



دشته

۱ - گروهی از مردم یا حیوانات.

۲ - مانند در : «چراغ دستی».

۳ - عمدتاً.

۴ - دسام کبر - مهر.

دعوت کردن : م. ده عوت کردن،  
 حوټك کردن، داوټ سس، حریس،  
 دهنگ کردن، واده گرسن. حوټك  
 كه ردهی، حریه‌ی (ه)، هه خواندن،  
 مانگسن، گازی كرن (س).  
 دعوی (دعوا) : ا. جهنگ، داوا، گیره،  
 سر، مهراستنه، بهوهرد.  
 معزرب (س).  
 دغدغه : ا. به راره، ده عده عه.  
 دغل : ا. ده عه، خوفه، به سعه له، راو،  
 حاحوټ له، قتل، كه له لك، حبله، هه،  
 ناموول، داو، حاب، دهوټ، دهله سه،  
 مه كره، ربو، رهنگ، رب، رب،  
 دووز، فروقت، گری، لت.  
 دغلسار : ص. فا. ده عه ناز، خوفه باز،  
 به سعه له ناز، حاحوټ له ناز، كه له لك ناز،  
 فبر، دوبر، سه محنت، ره عه كره،  
 هه باز، هه رهه، حاموولی باز، حله،  
 نیور، حبله باز، ربوو، كه له كجی،  
 جامباز، چاپ باز، جه مټه مه ز،  
 به سعه له. حانوټك، به یرهن (س).  
 دق : ا. دهق.  
 دفاع : بهر گری، دفاع.  
 دفتر : ا. ده قهر، ده سهك، ده قهر حه،  
 بهراو.  
 دفترچه : امص. بهراو ټكه، ده قهر حه.  
 دفعه : ق. نوگه، ده قعه، گهل، بویه،  
 بوره، حاره، باره، به دبل، سر، كه ره،

گل، كه رهت، راه بار، دهس، كه شه،  
 چهل، ره، سهره، گهر.  
 دفن کردن : م. نارسن، بیان، حال  
 كردن، دهفن كردن.  
 دقیقه : ا. حه زانه، گنج.  
 دق : ا. سوو، وه رهه م، دق، هرفان.  
 دق الباب : امر. دهر كوټ.  
 دقت : امص. وردبسی، سهر حه،  
 سهریح، وردی.  
 دقت کردن : م. ورده و بوون، دقعت  
 كردن، سهر حه دان، هوتس بی دان،  
 نامل لی كردن. سهر حه دای، ورده و  
 بهی (ه).  
 دقیقی : ص. ده قس، حووار جاو، بارك  
 س.  
 دقیقه : ا. حولهك، ده قعه.  
 دكان : ا. دووكان.  
 دكمه : ا. قوټجه، دوو گمه، سه دهف<sup>۱</sup>،  
 سكور<sup>۱</sup>، سكوس<sup>۱</sup>.  
 دك و بور : دهك و بوز، نهك و بوز.  
 دك و ذهن : دم و ههوجه، دم و قټ،  
 دم و فلیج.  
 دگردسی : امص. فراری.  
 دگس : ا. سانس، نار و گوټ، سامی  
 ماهی، فای و گوټ، وال و گوټ.  
 دگم : ص. وسكه پروا.  
 دل : ا. دل، هه لب، زټس، زیتلی (ه).  
 فتراق (س).

- دل آشوب شدن : م. دل ناستو بوون،  
 قیزه و شیویان، دل نیک هه لاتن، دل به  
 به کا هان. فیز شیویایوه (ه). دل  
 هه لاتنه، دل نیکه بین (ش).  
 دل آمدن : م. دل هاوردن، دل هان، دل  
 بروا دان، بروایی کردن. دل ناردی  
 (ه).  
 دل لاک : ص. سه رتاس، ده لاک،  
 نارایشکهر، به به به، کیسه کیش.  
 دل لال : ا. ص. ده لال، جهله بجی،  
 جهله جی.  
 دلاور : ص. مر. دلاور، حهرا، دلیر،  
 رهشی، شوجاع، به جهرگ، نه برس،  
 به بهر. خیرا.  
 دلاوری : ح. مص. دلاوری، دلیری،  
 نه برسی.  
 دل انگیز : ص. مر. دل بزوین، دل رقتن.  
 دلاویز : ص. مر. دل لاوی.  
 دل باز : ص. مر. دل باز، دلاواز.  
 دلبر : ص. مر. دلبر، دل رقتن.  
 دل بستگی : ح. مص. دل به سته گی، دل  
 گرنی. فیان (ش).  
 دل پر : ص. مر. دل پر، دل بهر (ه). دل  
 سوش (ش).  
 دل پسند : ص. مف. دل به سته، دلخو. دل  
 براردی (س).  
 دل پیچه : امر. زان، دلینه، دل پیچه.  
 دلتا : ا. دوناوان.
- دل تنگ : ص. مر. دل نه نگ، که مل،  
 دلگیر، فارس، فالس.  
 دل تنگ شدن (برای کسی) : ماسه  
 کردن. ناسه کرده ی (ه).  
 دلجویی : ح. مص. دل خوویی، دل  
 نهوایی، ده لالت.  
 دل چرکین : ص. مر. دل کرمول، حانه  
 گوماسی، دل حه مه، دل بیس،  
 به دگومان.  
 دلچسب : ص. فا. دل چه سب.  
 دل خراش : ص. فا. دل خه راس.  
 دلخواه : ص. مر. دلخواز، دلخوا، دل  
 حار  
 دلخور : ص. مر. دل خوره، دل نه ن،  
 زویر، فالس، لووتلا، لووتاویز، زیز.  
 دلخوشی : ح. مص. دل خواهشی. دل  
 وه سی (ه). که ی خوشی (ش).  
 دلدار : نک. دلاور.  
 دلداری : ح. مص. دلداری، دل نهوایی،  
 ده لالت، دل جوویی.  
 دلدرد : امر. ران، دل درد، ساجور،  
 زکینه، کاتج ۲.  
 دلربا : ص. مر. دل رقتن.  
 دل زنده : ص. مر. دل زینه، دل زندوو.  
 دل سخت : ص. مر. دل سه حه، دل  
 رهش، دل رهی.  
 دل سرد شدن : م. دل سه ردهو بوون،  
 نهو سیان، نهو سهووه.



دلسوخته : ص مف. دل سوو ساگ، دل  
سووماو. دل سوته (ه). دل سوژ (س).  
دل سوحن نه حال کسی : دل  
سووسان، نه زوی تا هان، به زهی  
تیا هان، دل سووان. نه زهره  
نامای (ه). دل سووس (س).  
دلسوز : ص فا. دل سوژ، دتعه دتعه، فته  
فته. دل سووسی (س).  
دلشاد : ص مر. دل ساد، دل گهس.  
دلسکسه : ص مف. دل سکاگ، دل  
سکاو. دل مه ربا (ه). دل  
سکی (س)  
دلفک : مع سحره، دو، ب، ده دو، ب،  
مع سحره، ده لک  
دل گندن از چیزی : د ه ه کندن، دل  
کهنس. دل هوز که نهی (ه). دل  
پرس (س).  
دل گران : ص مر. دل هنج، دل  
گران.  
دل گرم : ص مر. دل گرم، دل سا.  
دلگستا : ص فا. دل گوسا، حوس،  
حوس.  
دلگیر : ص فا. دل همن، دل گر، زومر،  
فارس، فلهس، سوو ویر. دل  
گری (س)  
دل هرده : ص مر. دل مردگ، دل  
مه رده، دل مردو. دل مری (س)





دَم



دماغ

دووم، فلیچکه . سهری، کلک،

فلیچک، فلیچکه. دبعه، دووف، دم،

دوولک (س).

دم : ق. دم، ناو، گا، کاب، ناک، عاک،

سفس، وُح، ناک، زه مان، ساء،

دانگا.

دمادم : ق. دماده، دمبده، دم،

جار جار، ههتا ههتا، بهتا بهتا.

دویک دویک (س).

دمار : ا. ره، گ، ره.

دماسنج : امر. گهرما یو، تی یو.

دماغ : ا. لووت، برناخ. که پو، دفن،

هنگ، بیه، پو، پوس (ش).

دماغ سوخته : س. مر. پو، کال، ته رتی.

دماغه : ا. لووه، دماغ.

دمبدم : نک. دما دم.

دم بریده : س. مف. کول، دوو بریاگ،

فلیچکه بریا. فول (ه). دوولک بری،

فوت (س).

دم پخت : امر. دم بو ح، فوبوولی،

هه کاوه. ده ماب (س).

دمخور : س. فا. ناو، نو، گر.

دم جنبانک : امر. فیسه، گا چترین،

هنگ ههته کتیه، مری جته ناو به.

فوله (ه). دوو میسه سک (ش).

دمدمی : س. دمدمه می، حلعلی،

حول حولی، ناو ناوی، راسی راسی،

هوکی.

دُمده : ناو، کو، ناو.

دمر، دمرو : س. دمه، بلوور،

لهیه ورو، فگهو بلوور، سهره می.

دهما روی (ه). دمه و رو (س).

دمر افتادن : م. بلوور و کفتی، لهیه

رو و کفتی، دمه و رو و کفتی.

سیگ و سیگ کفتی، دوده و

کفتی (س).

دم سرد : س. سرد. دم حاو، راوه راو.

راکه را، لاره لار (س).

دم قیچی : امر. دمه قیچی، بیلمه،

ربحوته. دمه دووارد (ه).

سهرمه سب (س).

دم کردن : م. دم کردن.

دم کشیدن : م. بی گهس. دم کساک.

دم کتای (ه).

دم کی : امر. مه لکمی، دم کوی.

دمل : ا. دمل، دمل، ماده، فونیر،

فونیر. کوان، کولک، ریج،

نارنج (س).

دم نگار : امر. هه ناهه یو.

دمیدن : م. دهسانن، دهساندن، یف

کردن، فوو کردن، دمه بیس. فوو

که رده ی (ه).

دنال : امر. سو، رامال، رم، ربوات،

پاش، دوو.

دنبالچه : امصف. فلیچکه، کلیچه،

هه مچک. گلیز (س).

دنبال کردن : م. سونه و بیان، رامال

بیان، رم دان، راو بیان، سوتی

که ویس، دوو گه بیان. رامال بیای،

که ویس سوتی، رم دای (ه). دوو

حوون، حه بماندن (س).

دنبال گرفتن : م. له سهر حوون،  
رادوویان، حووه سونه وه، سوهو  
حوون، باسهی سوون، سوون  
که و نهی (ه). دوو گرس، دوو کهوس  
(س).

دنباله حرفی را گرفتن : باراس لی  
کردن. سوون سه کهوس (که فی).

دنبیک : ۱. دمهک، سه لیل، زهره.  
دوملک (س).

دنبیلان : امر. گونه لآن، دمه لآن، هیلکه  
گون. هله گوتی (ه). گون (س).

دنبه : ۱. دووگ، بهز، سه وری.  
دمه (ه). دووینگ، زوهم (س)

دیج : ۱. بهرنک، دیج.

دندان : ۱. دسان، دان، دسدان، ددان،  
دگان، که لبه<sup>۱</sup>، که لب<sup>۲</sup>، سهره<sup>۳</sup>، دیان  
ساس<sup>۴</sup>، بهرازه<sup>۴</sup>، هرۆن<sup>۵</sup>، کاکيله<sup>۶</sup>،  
دران. که لب، کتلب، که لبه، خیل،  
شرن، ددانی قیر، فالك (ش).

دندان ساز : ص. فا. دان ساز، دیان ساز،  
دگان ساز. ددان ساز (ش).

دندان قروچه : امر. دیانه پرووکی،  
دیانه ریکی، دیانه چیرتی.

دندان کشیدن : م. دبان کیشان. ددان

کيسای (ه). کوئن (س).

دندانه : امر. دبان. ددانه (ه). ددانوگ  
(س).

دنده : ۱. مراسوو، پالوو، دهنه، بهره که.  
به راسی، دهن (س)

دنگ : ۱. دنگ، سرکو<sup>۷</sup>. دوتلی (ه).  
حوویی، دبهک (س).

دنگ<sup>۸</sup> : اص. دهنگ.

دنیا : ۱. دنیا، جهان، گیتی، عالم.  
دنیا دیده : ص. مر. دنیا دیده، ساران گهر.

دب دسی، حاک (س).  
دو : امص. راه، دهو، فره، برناو.

درباق (ه). ههلاب، بهز (س).  
دو : عدد. دوو، ۲، دو.

دوا : نک. دارو.

دوات : ۱. دهواب، دوتب، حیر (س).  
دواتسه : ص. مر. دو ناته سه.

دوازده : عدد. دووازده، دووانگره،  
۱۲.

دوال یا : امر. میرده زمه، دووال یا.  
دوام : امص. بهر، بهرگه، دهوام.

دوم (س).

دواندن : م. ره بان، ره باندن، راوینان،  
راوینان. ره بنای (ه). بهزانن (س).

دوباره : ق. ده بسان، هه مسان، نه بزه،

۵ - ددان کرم خورده میان بهی.

۶ - ددان آسیا.

۷ - دنگ برنج کوبی.

۸ - صدای زنگ.

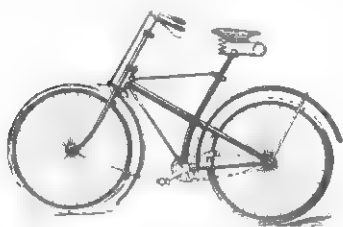
۱ - دیدان بیس.

۲ - دیدان بیس حوک.

۳ - دنداهای نافاصله.

۴ - دندان شن سالگی اسب.

دوباره، دوواره، دو، همدیان، دوچرخه : امر. دو چرخه، پاسکل.



بازم، دوویاته، همیانوه، دیان، دوباره جاره که دی (ش).

دوبرابر : دوبه رابر، دو قات، دو ینده، دوبرگ شدن : م. دو په لگه بوون، دوو په له بوون.

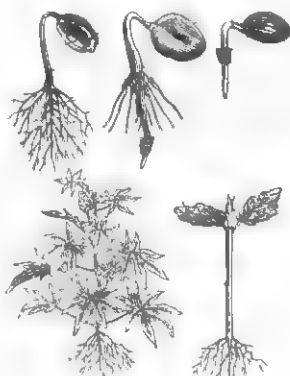
دوچندان : دوو فاب.

دوخت : درومان، دووخت، ردوز. وراس (ه).

دوختن : م. دوورائن، دروونس، دروون، دوررسن، دادوورانس، دروین، کیندان، وراسه، مراسه (ه).

دود : ا. دووکل، دوو، کاری (س).

دودکش : امر. دووکل کيس.



دو بهم زدن : م. ټک هل کردن، چوکه شکن، دوو به هم دان، فتنه یی کردن. ټک هل دان (ش).

دو بهم زن : ص.نا. کوله بڼه، پاکل، وه شوومه، بشونه، کوله وه بوا، کوله واو هیلا، پاکله، فتنه، ناشووب گير، نه شوومه، چوکه شکن، خومه سیوته، سوافار، کوله وهی ناب.

دویشته : امر. دوشته، دوه رکه.

دونا : ص.مر. داموخواگ، دولا، دو هډ، دولونه. نهی (س).

دو ترکه : نک. دوسه.

دوجین : ی.مر. دوجن، دهرزن.

دودمان : امر. فنگه زه، ره گزه، به مال،

خانه دان، ناعه، هه بيله، به وار، تیره،

نه بار، بڼه حسه، نسب، خا و مان،

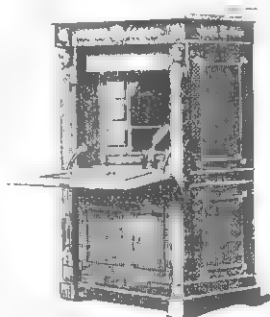


لانه وانه.	کړدن، ښه گټی کړدن. زغر، کانی
دود و دم : امر. نم و دوو، نم و دوو. هلم و گولم (ش).	کړن (ش).
دو دل : ص. سر. دودل، دوڅک، دله واکي، رایي پایي.	دور دست : ص. سر. دوور دمی، دوور دهس.
دودل بودن : م. دودل بوون، دلنه راوکتی کړدن، رایي رایي بوون.	دور ریختن : م. رزانسه دوور، رزان، رراندن، ررانن. دوور متی (ه).
دوده : ا. دووده. دوورژن (ه).	دورگ : ص. سر. دورگه. دورگه (ش).
دودی : ص. سب. دوودی، دووکه تی.	دورنگ : ص. سر. دورنگ، دو پروو، بهلهک.
دور : ص. دوور، پهی، بوړه، کلا، دویر. زیراف (ش).	دورنما : امر. دوور نما.
دور : ا. دور، خول، گټج، چرخ، سوړ.	دو رو : ص. سر. دو روو، دو زووان، به زاج کړ، دوولازن، گورگه میتی، دووهو، ناگرۆک.
دور : ق. ا. دور، دور و وهر، فهره، بوحن، خاور. رمی (ش).	دوره : ق. دوروان، زه مان، جا، ساو، حمل، دم، دوح، ساء، ساء، موهغه، عسر، عیام.
دور افتادن : م. دوور که فتنن، دوور که فته وه، دوور که وته وه.	دوره گردن : م. دوره گردن، پیا چرون، پیا هانسه وه، خوه نده وه، خوینده وه.
دوران : ا. دوروان، زه مان، عسر، کاب، ساء، کز.	دوری : ص. سب. دوری، نطیس، پاریز، کوش.
دور انداختن : م. پهر کړدن، فیه دان، بېړک دان، پهر دان، سووړ دان.	دوری : ا. دوری، لمب تهخت. سینیک، لالی (ش).
وسه (ه). هزه لاندن (س).	دوزخ : ا. جهنم، دوزخ، دوز، دوور، دوزوق.
دوراندیش : ص. فایس بیس.	دوزنده : بهرگ دروو، جل دروو، حمیات، دهرزی. جل وراز (ه).
دوربین : ص. فایس. امر. دوور بیس، دوور بوی.	دوزنه : ص. سر. دو زنه، حووار جاو.
دورحیز : امر. هورم. ورمی (ه). حو نه ب (س).	
دور خود چرخیدن : م. مامانه گټی	

- دوست : ص. دۆس، چتر و تیر. ناول،  
 دوست، چتر، هه قال (ش).  
 دوستاق : ا. یەن، زینان، دوساخ،  
 بهندیخانه، چه بس. هوولیک (ش).  
 دوست داشتن : م. خومش گهرمک  
 بوون، دل بتهو بوون، خومش لی هاتن،  
 چهز لی کردن، خوتی هاتن، خوتی  
 ویستن، خوتی پی هاتن. گهرمک  
 بهی (ه). که یف پی هاتن، یان (س).  
 دوست رایگان : ص. مر. چتر و تیر.  
 دوستی : ح. مص. دۆسی، دۆسایه سی.  
 گراوی، دۆستی، هه قال (س).  
 دوش<sup>۱</sup> : ا. کۆل، فه لادووشان. قه له  
 ندووسی (ه). سوکور، مل (س).  
 دوش<sup>۲</sup> : دووس، شیر.  
 دوش<sup>۳</sup> : ی. دوتسهو. هیری سهوی  
 (ه). شهتی دی، دوتی سهو (س).  
 دوشا : ص. مر. دۆشا. دۆشایی،  
 دوونی (ش).  
 دوشاب : امر. دۆشاو، شیر، جهلاقی،  
 چرک. دۆشاف (ش).  
 دوشاخه : امر. دوشاخه، چاکل،  
 چه له مه، دوحاچه، دووپه لان، دقلقانه،  
 دووفاق، دووله پان. دوله قان (ه).  
 دوچی (ش).  
 دوشک : ا. دۆشه که، بن رهخ.  
 دوشنبه : دوشه مه، دوشه موو.
- دوشه می (ش).  
 دوشیلدن : م. دۆشین، دادۆشین.  
 دۆشای (ه). دووتن (ش).  
 دوشیزگی : ح. مص. بن، که نیشکی،  
 پرده. کناچه می (ه). کجیتی (ش).  
 دوشیزه : ام. صف. که بیک، دوب، کج،  
 دوت، کناچی. کناچه (ه). کجک،  
 زهری (س).  
 دوعباسی : دوهه واسی.  
 دووعناسی (ه).  
 دوغ : ا. دۆ، ناو و دۆ، دۆکه شک<sup>۴</sup>،  
 گلولو  
 دوغاب : امر. دۆعاو، دۆحاو.  
 دوغلو : امر. دووانه، هاوژکه، لفانه.  
 دووانی (ه). جه مک، جهکانه (س).  
 دوغیه : امر. دوتنه، نرختنه، گویتنه،  
 گویدنه. داندوک، داندوو، دانه  
 دور، دهوس (س).  
 دوقران و دهشاهی : دوربال.  
 دوک : ا. دووح، دووک، خهرمک، نه سی.  
 له بهره، لوبه ره، دووکایچ (ه).  
 دوکار : امر. برینگ، برینگ،  
 دوتسرگ، دوتسرد، دوواردگ.  
 هورنگی (ه). چارک، طح (س).  
 دول : کتر.  
 دۆل : ا. دهول، دهه — ادمس،  
 سه رگردانی.

دولا : ص. سر. دولا، دولونه، دامو و چاگ، دونه، دولانه. دوو هلا (ه). هه، نهقی (ش).

دولابچه : امص. دولآچه، گه نجه.



ده : ا. دق، نابادی، ناوایی، لادی.

ده گاء، لاده گاء (ه). ناهاهی،

گوند (ش).

ده : عدد. ده، ۱۰.

دهاتی : ص. نسب. دتهایی، لاگایی،

لادی یی. لاده گاسایی (ه).

گوندی (س).

دهان : ا. دم، زار، دهق (ش).

دهانه : ا. گهروو، گهلوو، درگا.

دهش : ص. ح. نحسان، نعراب،

دهه نه، به خسان، نه عام.

دهساهی : امر. به نابادی، نه ناوا، دهسایی.

دهنت : امص. سام، برس.

دهقان : امر. خووسار، که ساوهرز،

کینکار.

دهکده : نک. ده.

دهگان : دهی، ده کان.

دهل : ا. دهول، دور. دوهول (س).

دهل زدن : م. دهول، کوسان، دول

رهندن. دهول دایوه (ه). دوهول لیدان

(ش).

دهل زن : ص. فا. دهول زن.

دهل دریده : ص. مف. دمهك دریاگ، دم

دیار. دهول دریا (ه).

دهم : دهم.

دهن : یک. دهان.

دهن از تعجب باز ماندن : دم بوونه

بای چرا، دم مای مان. دم بهی به لای

به فا (ه).

دولاشدن : م. دولا بوون، دولاوه بوون،

دانهوین. دوو هلاوه بهی، نامایره،

چه میانهوه (ه). نهقی بیس، چه میانهوه،

هه بین (ش).

دولا کردن : م. باکردن، دانکان،

دامو و چان، داکوزان، دولا کردن،

دانهواس، دهق کردن. دهق دای،

کوساره، هه کردهی، دوو هلا

کردهی (ه).

دولاق : امر. دولآق.

دولت : امص. دهولت، مری.

دولت مند : ص. سر. دار، مالدار، جب

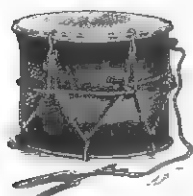
دار، دهولتمن. ههقی، زهنگی (س).

دولچه : امص. دولچه، زهرگ.

دویدن : م. راکردن، دهر حوون.

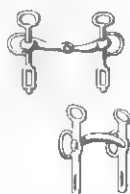
ره مای (ه) نه برس (س)

دویست : دوسه، ۲۰۰.



دهل

- دیدی : ص. مر. دیه نی. دیده نی. (ه).
- دیتی (ش).
- دید و باز دید : دی و باز دی، دیه نی.
- دیده : ا. چاو، دیده. چم، چم، چشم (ه).
- چاف، چمغ (ش).
- دیر : ص. ا. دیر، درهنگ.
- دیروسی : ص. مر. کورپه، دیر رس.
- دیروی : دریز خانه.
- دیرک : امصف. شمهك، چل مرده.
- کوله كه، بیرك، کوره، سگ.
- دیرك، کوله. شمهك (ه). ستونك،
- بسمال، روب (س).
- دیر کردن : م. دیر کردن، درهنگ
- کردن. گیر و بون (ش).
- دیروز : ص. مر. دوتكه، دوتنی.
- هیزی (ه). دوهو، دوهنی (ش).
- دیروقت : ص. مر. دیروخت، دیرگا.
- دیزه : ص. دیزگ، دیزه.
- دیزی : ا. دیزی، سیکله، دیزه.
- گوشی (ه). سوکره، دیزك (ش).
- دیشب : ص. مر. دوی سهو، دوتنی سهو.
- هیزی سهو (ه). سهی دی (ش).
- دیفتری : ا. مله حره، خوبای، حونای.
- دیکته : ا. نزوه، ره نووس.
- دیگ : ا. فازان، سانه، نه مان. مہ معن،
- به روس (س).
- دین.
- دهن دره : امر. باویشك. ویزه (ه).
- بافشك (ش).
- دهن کچی : امر. ریج، قیج، چیر. دهف
- خاری (ش).
- دهن لقی : ص. مر. هرزه چنه، دم لقی،
- دم دریانگ، دم سیر، قهره جناخ، زار
- دراو. دهف هرزه (ش).
- دهنه<sup>۱</sup> : امر. دهنه.
- دهنه<sup>۲</sup> : امر. دیانه، له غاو، ددابه.
- سهلف، لغاف (ش).
- دهه : دهه، ده ساله.
- دیباچه : ا. سرهنا، دیواچه.
- دیلم : ا. شیوازانامه.
- دید : ا. سوما، هانا، بینایی، دید، دیت.
- وینایی (ه). بیناهی، بهار (ش).
- دیدار : امص. دیار، زوان. دیتا (س).
- دیدبان : ص. مر. چاودار، چاو دیر،
- دیدهوان، دیده بان، چاویار. زیره فان
- (ش).
- دیدسنج : امر. سوما پیو.
- دیدگاه : امر. ناسوگا، دیدگا، دیارگا،
- به رجوهون. چه مگا (ه).
- دیدن : م. دین، بینن، چاو پی کهفتن،
- چاو پی کهوتن. دیه ی، دیای (ه).
- دیتن، رونین، فزاندن (ش).



دهه

۱ - دهن نه طیان.

۲ - آهنی که برای قبول اطاعت به دهن

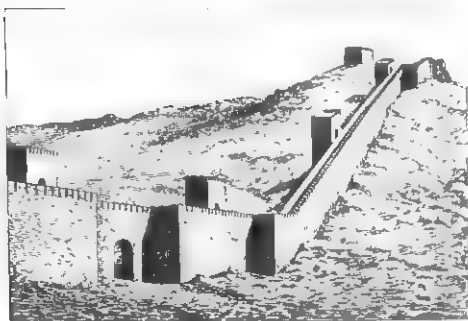
اسب زده می شود.



دین : ا. دین.

دیو : ا. نه هریمن، دیو، درنج، شبتان.

دیوار : ا. دیوار، جاخ، شکه بهر.



دیگ سر : بیانه سر، جنگله سر،

قازانه سر، قره سره، جنگنه سره.

دیگ پاییه : امر، دیزیا، سی سانه،

سی لگ، سی تیک (س).

دیگچه : امصف، مایچه، قازانچلی (ه).

فوس حانه، مهجه لولا (س).

دیگر : ی. نیر، ناحر، حاء، ساء، سر،

نیجا، ندی (ش).

دیگران : نه وان تر.

دیگر باز : ی. مر. هم میسان، ده بیان،

هم میساره، جاریکه دی (ش).

دیلاق : ی. زه لام، دریتر، داهول،

ده لای.

دیلم : ا. چل مرده، نوبل، لاهیز، تیر،

ده یلم، قازمه، کوسکی، لهازه (ش).

دیلماج : ا. پهرچف، وه رگیر.

دیم : ص. ا. دهیم، به ژک، به ژی.

دیمزار : ا. دهیم زار، دهیمه پرو،

دهیمه پروک، بژ (ش).

دیمی : ص. بب. ده می.

دیواره : ا. دیواره.

دیوانگی : ح. معص. شینی، دیناتی،

دینی (س).

دیوانه : ص. مر. دیوانه، دهیری،

به تیری، که له می، دهیلان، لیویاگ،

هه رده، کیفی، سب، کلکانی.

دیس (س).

# ذ

ذره : ا. زهره، ریزه، مریه، لب (س).	ذات : ا. سروس، مالک.
ذره بین : امر. ریزه وس، گهر دیس	ذات الحب : امر. سایر هم.
زهره بین.	دائمه : ا. حتره، حمره.
ذکات دادن : م. زه کات دهر کردن،	ذخیره : ا. نه بوجه، زه حره، به سه ناز،
مه ولان. زه کات دای (ه). زه کات	بونه <sup>۱</sup> ، بانه <sup>۱</sup> ، به سوب، بانه کعب،
دان (س).	به کوب، به گرت (س)
ذکر : ا. کتر، زه کهر، رتل (س).	ذخیره آرد زمسانی : زمهر، زمهار.
ذکر : امض. زکر.	ذرت : ا. زوراب، باحک، گه بعه
ذلب : ا. زلبه، متهب، سه حله.	به بعه مهر، گوته کابه، زه رانه (ه).
دله : ا. ناس	گه نم سامی، گه نموک (س).
ذلیل : ص. ره لیس، زه سوون، حار، سه.	ذرع : ا. گهر.
سور	

ذو حیاتین : امر. دوره، وسکاو.	دم : ا. حوسب.
ذوق : ا. مرح.	ذوب شدن : م. ناواسهوه.
ذهن : ا. ذهن، سر، ویر. هسو	ناوایوه (ه). جهلاهوه (س).
هدم (س)	ذوب کردن : م. ناواسهوه، ناواس.
دیروح : گاندس، رسهوه.	ناوایوهی (ه). سافاندن (س).



رازقی ۱۰. رازقی.



و : ر.

رابطه : ۱. رابه، کهین و بهی، پیوند.

راحت : ۱. رهمت، ناسوده، ناسان،

وجان

راحت شدن : م. رهمت بوون، وجان

گرم، ناسوده بوون.

راحتی : ح مصد. رهمتی، ناسایس،

نارامس. نهایی (س).

راد : ص. نازاید، جوامیر.

راز : ۱. راز، سه، پهنام، نهی.

راز دار : ص رازدار.

خودانکر (ش).

رازیانه : ۱. رازیانه، رزیانک، رهزله.

راست<sup>۱</sup> : ص. راس، رتک، راسب،

دوروس، دوروست.

راست<sup>۲</sup> : ص. راس، فنج، قیت، شفی،

راستی (س).

راستی؟ : نا؟، راسی؟، راستی؟.

راستی راستی : راستی راستی، راسته  
 ښه، راستی راستی (ش).

راسو : ۱. راسو، مسك خورما.  
 نانه فانك (نس).  
 راشي : افا. بهريلدهر.

راضی : ص. رازی، خواہ سو،  
دلخوس، بی حوس، حمیا، حمباگ.  
راغ : ا. میرگ، حیمہ.  
راغب : افا. راعی، خوازگار.

راغم (۵). بئ خوئس (س).  
راگد : ص. راگد، مەن، مەگ.  
مدرای (۵). ماب، کر (س).

راكد فاندن : م. مد بوو، راكد ما،  
هنگو حواردن. مدريره، يسهوه  
وردهى (ه). كر ما (س).  
رام : ص. گورو، لى نى، رام.

وهی (هـ). بهی، رموده، کهوی،  
کههی، گوشه مس (س).

رام کردن : م. رام کردن، لی نی کردن،  
به حقّ کردن، گورو کردن، راهایی،

راہیان۔ وہی کہ ردهی (ھ)۔ کہوی  
کری، کہہی کریں (س)۔  
ران : ا۔ ران۔

رانندن<sup>۲</sup>: م. دهر کردن، بارانن، رامال  
بیان، بارانیدن، باوئبان، مهر گهردهی،

[illegible]

— 4 —

- برده‌نای (ه). بردن، ریگه بردن، زانین پی،  
ری به‌دسی کردن. سون به‌دهی، را  
به‌دهی، زانای (ه). ری برن (س).  
راه بدان : امر. ری به‌دان.  
راه پیمایی کردن : ریگه کردن،  
ری جوون، ری کردن. رانه لوی (ه).  
رتک جوون (س).  
راه دادن : م. ری دان، جی دان. را  
دای (ه). ریگ دان (ش).  
راه‌داری : ح مم، ا. راداری،  
رادارانه، ریگ داری (س).  
راه راه : ص ممر. رار، ری ری،  
میل میل، خمت خمت.  
راه رفتن : م. ریگه جوون، ری کردن،  
گه‌ران، گه‌ریان. رانه‌لوی (ه).  
راه رو : امر. راپه، ری، را‌گوزره،  
ریاز، ری په.  
راه زن : ص فا. چهنه، مله‌گیر، ری بر،  
رتگه‌گیر، کله‌گیر، جه‌رده، ری گر،  
گه‌رده‌نه‌گیر، نه‌ره.  
راه گذر : ص فا. را‌گوزره، ریو‌گار،  
راسپتر، ری‌سگار، رتوار، ری په،  
سه‌واده، ری‌گوزره. راویسار (ه).  
ریو‌هنگی، ری‌گهر، ری‌سگار،  
ری وینگ (س).  
راه‌نما : ص فا. رانما، راپه، به‌له‌ده،  
ری‌به‌ر، ری‌نوتن، ری نما.
- راه‌نای (ه).  
راندن<sup>۱</sup> : م. لی خو‌پین، راندن.  
هاژوون، نازوون (ش).  
رانگی : امر. قوشقون، رانه‌کی، پالدوو.  
رانک، بیک، پالی، قوینه (ش).  
راننده : افا. رانه‌نه، شور، نازو، هاژو.  
راه : ا. راه، ریگه، ریگه، ری‌گوزره،  
گوزره، ره‌پیلگه، ری‌باز، ریواز،  
سه‌لبنده لاپی، ده‌ری، شه‌قام.  
راگا (ه). ری (ش).  
راه : ق. نوگه، گله، نوبه، نوره،  
جار، سهر، کهره، راه، بار، کته،  
گهر.  
راه آب : امر. ری ناو، ناوره،  
کله‌وهر، ره‌هنه، ریگه‌ناو، کله‌نی.  
کله‌پهر (ه). سولین، سوبلاف (س).  
راه افتادن : م. ری‌کفتن، راه‌کوسن،  
ریک‌کفتن، ریگه‌کفتن، ساز بوون،  
که‌ونسه‌ی را، جمایره (ه).  
فی‌که‌بن (ش).  
راه انداختن : م. ری‌خستن، رتک  
خستن، به‌ریا کردن، سازان، ریگه  
خستن، ساز کردن، رتک‌هاوردن،  
سامان دان، سهر و به‌ند به‌ستن.  
وسه‌وه‌پای، رتک‌وسه‌ی (ه). به‌پی  
کرن، ری‌نیخن، کوداندن (ش).  
راه بردن : م. ری بردن، راه بردن، شون

۱ - راندن وسله‌نمله.



رتیل

راهمانی : ح مصد. راهمانی، راهموونی،  
 رنگه نهیست. ویر. رنه ری  
 راهمانی سکار : راوخی، کوژ کنس.  
 راه نورد : ری برج، ری سو.  
 راهوار : ص مر. نهام نهی، گورج،  
 راوار. وهس رهوب (ه)،  
 حوس حو (س).  
 راه یخ بسته کوبیده : رجه، بهسته لوک،  
 نهسه لهک، نهسه لهک.  
 راهی شدن : م، رانی بوون، دا جویس،  
 حوون. بهر سهی، حماسره (ه). ری  
 کهس (س).  
 رای : ا. راه، رای، راوتر، نه گبر، رهئی.  
 رایت : ا. بهناج، نالاء، دروسم، عهلم.  
 نه دباح (ه). بونجک، کرنجک (س).  
 رایزن : ص فا، ا. راوترکار.  
 رایگان : ص. مفب، مهحانی، ناوانته،  
 ههوانته، فیرۆ، بهلاس، حویرایی،  
 ههرووا. سحوو (ش).  
 رئیس : ص. ا. سهروک، سهراک،  
 رهییس، سهرگه وره. گراگر،  
 کههیا (س).  
 رُپ : ا. روب، قانونی. ا. روگ (ه).  
 ریا : ا. قازانج، سوو، ریا، سهلف.  
 رباخوار : ص فا. سوو خوهر. سوود  
 حور (ش).  
 رباعی : ا. جوواریته.

ربیع : ا. سوو، ربا.  
 ربیع : ا. خارمک.  
 ربوون : م. وفان. نهرقانی (ه).  
 رنبه : ا. بله، نابه، روبه.  
 ربیل : ا. روبیل، بهسیسه کوژ،  
 حالخانوک. سینلی، مامالی (ه).  
 ربهزووک، بیر ههروک (س).  
 رج : ا. رجه، رزن، رنر، جین<sup>۲</sup>،  
 رنجکه، رهگ، رهگه، بیلمه<sup>۲</sup>  
 نیلمه<sup>۲</sup> (س).  
 رجاء : ا. هتوا، نکا.  
 رججان : امص. بتر، بهربزاری، زهر.  
 رجیز : ا. فینال، هووس، سارت و  
 بوور، رهجهز.  
 رجم : ا. بهزهوی، بهزهئی، رهجم.  
 رَجم : ا. بهچه دان، یردان، رهجم.  
 رُح : ا. روح، چیره، دم و چاو،  
 سهکوت، چر و چاو، روو، روومب،  
 سیما، سوورته، بهچک، جهنم،  
 رووالته. دیم، رووه (ه). دروق،  
 سکوم، سکوم (ش).  
 رحمت : ا. جل، بهرگ، سیال، بوژاک،  
 لباس، نهن بوژ، بوژنه. بهراف،  
 بالاق، چک (س).  
 رختخواب : امر. جینگه، نوین،  
 پی خهف، رهخت و خاو، بهسته ر،  
 جی، لیف و دوشهک. لیف و

- یاگه (ه). نیک (ش).  
 رختخواب پیچ : حیوان، موج. بهستک  
 بهستک (ش).  
 رختشوی : امر. جل کوت، جل شور،  
 جل شو، تهنروس، گلارکو.  
 رخیسلر : نک. رخ.  
 رخنه : ا. رخنه، کوناه، دیودهدهر ،  
 روچی . وله، دیماو دهر (ه).  
 ردپا : امر. شون، پهی، ریج، مشوب،  
 شوین، نهقر، ره، جی یا. دوو (ش).  
 رد شدن : م. ردهو —وون،  
 رهد بوونهوه، دابگردن، بگردن. دهر  
 باز بوون (س).  
 رد کردن : م. دمس یتهو نیبان،  
 رهد کردن، بوواردن، پیراندن.  
 رهد کهردهی، ویارای (ه). بهوراندن،  
 دهر باز کرن (ش).  
 رده : ا. ردهه، رهگ، رزن، عاسی، چین.  
 ردیف : ا. رهدیف، خمت، ریز، رزن.  
 ردخل : ص. رهزل، رهزیل، بهس، بهست.  
 رز : ا. میتو، رهز، مهسو (ه). میف،  
 داربری (س).  
 رزق : ا. رزق، روزی.  
 رزم : ا. شری، جهنگ، خهاب، داوا.  
 رژه : ا. رهزه، رتزه. ریز (ه).  
 رژیسور : شانوگیتر.  
 رس : ا. خاکهسووره، روس. مل (ه).  
 رسا : ص. فا. رسا، بهس، بیتا گهییو.  
 رساندن : م. گههانن، گههاندن، رهسانن.  
 باوانای (ه). گههاندن (س).  
 دستگار : ص. فا. رزگار، رسگار،  
 خهلاس، نازا.  
 دستگاری : ح. مص. رسگاری،  
 رزگاری، خهلاسی.  
 رُستنی : روهک.  
 رُسته : رواو.  
 رسم : ا. رهسم، یاساء، باو، باب، ری،  
 راه، ناین. داپ، نهریت (ش).  
 رسم کردن : م. داهاوردن، رهسم  
 کردن، باو کردن.  
 رسن : ا. معناف، گورئیس، پهنگ ،  
 پعت، ستریت ، رس، رست، رستک،  
 رسته. وریشه (ه). تهرفک ، سینه ،  
 شلتک، قهریس، کاپک (ش).  
 رسوا : ص. پهنه نامه، تیو، تیوآل،  
 رسوا، قهلهبان، سهرشور.  
 رسوا شدن : م. بهله بهیس، رسوا بوون،  
 تیو بوون.  
 رسوا کردن : م. تیو کردن، ناوړو  
 بردن، رسوا کردن. رسوا  
 کهردهی (ه).  
 رسوایی : ح. مص. بهن، فیسپ، رسوایی،  
 برؤسی. برؤهسی (ه). برؤلی، سهر  
 سویری (س).  
 رسوب : ا. لمب، خلقت، حرم، لم،  
 دورد، حلوره، بهخاله. لیم (س).  
 رسید : ا. رهسید، رهسی، دمس مووس،  
 سابه دمس، هوز.  
 رسیدگی کردن : م. بیتا گههین،  
 رسیدهگی کردن، بیتا گههستن، را



گه‌یشتن، تۆزینه‌وه، لی کۆلینه‌وه.	شه (ش).
یاوای ینه (ه). تی پر کرن (ش).	ره‌یل : نک. رتیل.
رسیدن : م. گه‌بین، پی گه‌بین، پر کردن گه‌یشتن، یاوا (ه). گیهان، گه‌هنس (س).	رعایت : امص. ره‌عایت، یاس.
رسیدن سهمی بکسی : پی پر یان.	رعد : ا. چه‌حماخه، پرووسکه، پرووسکه، بیزک، سایه‌قه.
رسیده : امف. گه‌پیک، گه‌ییو، لال، پی گه‌یشتنگ. یاوا (ه). گه‌هیشتی (ش).	بروشه : امف. ته‌ز، مووچرک، ره‌عنه، له‌ره.
رشته <sup>۱</sup> : ا. ره.	رعنا : ص. شو‌ره (ژن).
رشته <sup>۱</sup> : ا. ریسراو، رتسیاگ، لیرگ بهن، لیسک، لونه <sup>۲</sup> . داف (ش).	رعیت : ا. رایب. ره‌عیب (ش).
رشته کلفت : پرپۆله.	رغبت : امص. ا. مرج، چه‌ز، ره‌غبه، پرووایی، مه‌یل، هوک، شوق، خوازه، خواست.
رشته پلو : امر. رشته پلاو.	رغم : ا. ره‌غم، جله، خیگه. هیزه (ه).
رشد : ا. گه‌سه.	پیشک (ش).
رشد کردن : م. روشد کردن، بارهات، گه‌ته کردن، قه‌د کیشان، بالا کردن، کوتل بوون. گه‌وره بوون. گه‌وره بیهی (ه). مه‌زن بس، فه‌گه‌بوون (س).	رف : ا. رفه، بالا‌رفه. ته‌قچک، ره‌فک (ش).
رشک : ا. رسک.	رفاقت : دۆسی، دۆستی، رفاقت. ئاوه‌له‌نی (ش).
رشکین : ص. سب. رسکن.	رفت : ا. ره‌ف.
رشمه : ا. ره‌سه. ره‌سه (ه).	رفتار : امص. ره‌فاره، ئاکار.
رشته : ا. به‌ریل، به‌ریل، ره‌سه.	رفتگر : ص. سفک. سه‌وور، زبلچی، زوتیلهر.
رضایت : امص. پی‌خۆسی، حۆسحالی، ره‌زایب.	رفتن : م. روبن، چوون، شین، رویشتن. لوای (ه).
رطوبت : امص. سو، نا، نم. شئی،	رفت و آمد : هاس و چوون. ئاما و لووای (ه).



رکاب

رفتہ رفتہ : ق. مر. رہنہ رفتہ، کم

کم، وردہ وردہ. ہیدی ہیدی (ش).

رفواندم : ا. ہمہ دہنگ.

رفو : ا. رفوو.

رفوگر : ص. سفل. رفووگر.

رفیدہ : ا. مادہ، مزرگہ (ش).

رفیق : ص. ناوہل، ہاومک، رہقن.

رقابت : امص. فینہ بہری، رفہ بہری،

رفاہب.

رقاص : ص. رہفاس، رہفاز.

رقاصی : ص. نسب. رہفاسی، رہفازی.

رقص : امص. رہغس، ہمل یہرکی، دو

دہسالہ، چوبی، چہبی، سی جار،

رہن بہلک، ہلہ کہ، ہلہ کہ سہما،

سہما، ہلالہ کسی کش. ویرای، ہور

برای (ہ). رہفس، دہفاد، یلینہ (س).

رقصیدن : م. رہغیس، دہس گرین،

سہما کردن. ہور ییرای (ہ).

رہمین (س).

رقیب : ص. ملوزم، ہاوچار، رہیب.

رقیق : ص. ہر، ہرہ ہولہ، ناوہکی،

بی پرمق، رہقن.

رُک : ق. روک، راس، رووت، سوور،

رؤشن، می پردہ.

رکاب : ا. رکاو، رکتیو، رکیف،

وزہنگی. ویرہنگی (ہ). رکب (ش).

رکعت : ا. رکاب.

رکوع : امص. روکووع.

رگ : ا. رہگ، دہمار. رہہ (ش).

رگبار : امر. رہگبار، ریرہن، لیزمہ،

لاسامہ، رہہلہ. لیزمی، لاسامی (ہ).

رگبار تیر : دہس ییز، ریرہن.

رگ برگ شدن : رہگ بہ رہگ بوون.

رنگبلائی (ہ).

رگ ویسی گوشت : چہق، سہمار،

رہگ و نہی. حلك و چولك (ش).

رگہ : ا. رہگہ، رزہ، حین. رہگتی (ہ).

رم : امص. سلّمہ، سول، سل، نار.

رہف، سلک (س).

رہال : ص. حہماو گیر، رہمال، فالگیر،

نالہ گیر، نالہ بیس، کتیو گیر. رہمل

دہر (ہ). رہمل دار (س).

رم دادن : م. رہم دان، رہمانی، دارانی،

بار کردن، راو نیان، راو دان،

سہ ماسوہ. رہمای، ساری،

سلّمہمای (ہ). رہف دان، رہفادن

(س).

رہز : امر. رہمر، گوہہ، درکہ، ہنما.

رہق : ا. بیس، رہمق، ناو، شی، دووا

ہیز.

رم کردن : م. رہم کردن، سلّمہ مینوہ،

سلّمہ میانوہ. رہماہوہ. سل کہرہدی،

سَه مایوه، ره مای (ه). ره ف کردن،  
ملکین (س).  
ره موک : ص فا. ره موک. سرک (ه).  
ره قووک (ش).  
رهه : ا. ران، گله، می گل<sup>۱</sup>، رهوگ<sup>۲</sup>  
گاگل<sup>۳</sup>، رهه<sup>۴</sup>. بول، ره قوو،  
رههده<sup>۴</sup>، کهر، ره فی (س).  
رهیلدن : نک. رم کردن.  
رنج : ا. نرک، رهنج، ناره حتی، نازار  
جه رزهوه، مه سفت، کوره وهری،  
مه یتب.  
رنجاندن : م. رهنجانن، رهنجان،  
همزه وه دان. رهنجای (ه).  
رنج بی نمر : رهنجه یو.  
رنجیر : ص فا. رهنجه ره، پاله، نوکهر.  
رنجش : امص. ره بجش، عاجری.  
رنجیدن : م. رهنجای، رهنجین.  
رنجیده : امف. ره بجیا، نازورده،  
دلتور، رهنجاگ.  
رنده : ا. رنه، رنگه، رهنگه. رهنده،  
کوتسره، کوسره (ش).  
رنده کردن : م. رهنه کردن. رهناندن،  
رهس (س).  
رنگ : ا. رنگ، یزه، نوخ<sup>۵</sup>، کال<sup>۶</sup>  
رنگارنگ : ص مر. رهنگامه، نالایی،  
رهنگارهنگ.

رنگ پریدن : م. هه ل پرووسقیان،  
رهنگ پهرین، کال بوونهوه، کالهو  
بوون، هه لبرزکان. رهنگ پرای،  
رهنگ پرووسقیای (ه). رنگ پیت  
بوون (س).  
رنگرز : ص فا. رهنگ ریز، رهنگ رزه،  
رهنگ ریتر. رهنگ کهر (ه).  
خم چی (ش).  
رنگ رفتن : م. رهنگ هرس، رهنگ  
روس، کالهو بوون. هالهو بیه (ه).  
رهنگ چون (ش).  
رنگ مصنوعی : جهوه ره، بههم.  
رنگ ورو : امر. رهنگ و روو.  
رنگی. ص س. رهنگی.  
رنگیس : ص س. رهنگامه.  
رهنگیس (س).  
رنگین گمان : امر. هه ساره زهرینه،  
هه ستوونه زهرینه، په لکه رهنگیه، په لکه  
زهرینه، کوله که زهرینه، کوله که زهرینه.  
پلوره وارانی (ه). که سکه سوور،  
بووکه باران (ش).  
رو : نک. رخ.  
رو، روی : ا. بان، سه ره، بالا.  
هداف (ش).  
روا : ص. جایز، رهوا، رجوا، خه لال.  
رواج : امص. رهواج، برهوه.



رنده

- 
- ۱ - گله میس.
  - ۲ - گله حیوانات وحشی.
  - ۳ - گله گاو.
  - ۴ - گله اسب.
  - ۵ - رنگ تند.
  - ۶ - رنگ روس.

رواج داشتن : م. رجوا دین، رهوا دین، دل برِوا دان، رهوا ببنین. رهوا دمی (ه).	بوون. چتین (ش).
روادید : امر. بهته، بووارنامه، رهوادید. رهوال : ا. رهوال، روش، رهسم، باسا، نمرز، نور.	روبراه کردن : م. رووبه‌را کردن، ریک و ریک کردن. رووبه‌را کرده‌ی، ریک وسه‌ی (ه). چتی کرن، رتی تیختن (س).
روان <sup>۱</sup> : ص. فا. خور، رهوان، جاری. روان <sup>۲</sup> : ا. گیان، رهوان.	روبرو : ح. اص. رووبه‌روو، به‌رانبه‌ر، چهنه به چهنه. کوتش (ش).
رو انداختن : م. روو خستن. روو وسه‌ی (ه). سر تیختن (س).	رو بند : امر. روو بند. نفر (س).
روانه شدن : م. رهوانه بوون، رتی که‌فتن. رهوانه بیمه‌ی (ه).	رو بند شدن : م. رووبه‌ن بوون، که‌فتنه ناو روو ده‌رواسی.
روانه کردن : م. رتی حستن، رتی کردن، رایی کردن، ساندن. رتی کرن (س).	رو بیده : ا. رووبه‌نه، به‌رحنک، تیجه. رو بوسی کردن : م. ماجه‌و کردن، روو ماج کردن.
روایت کردن : م. گه‌رانسه‌وه، واگو کردن، گتیرانه‌وه. گیلنا‌وه (ه). فسه گوون، گتیرانه‌وه (س).	رو پوش : امر. روو پوش، ساکو. رو ترش کردن : م. مورناس، بیسانن، روو نورس کردن، نال موون، به‌نگله میس کردن، روو در کردن، فس کردن، ماک کردن. روو گسر که‌رده‌ی (ه). بولاک سیس بوون، ناف حاف گرتی کرن (س).
رویه : ا. ریه‌وی. روواس (ه). رومی (س).	روح : ا. گیان، رۆح، حاد. رح (س). رود : ا. رۆ، جهم، رۆحانه، رووبار، سه‌او. حۆم (س)
	رودار : ص. فا. برِ روو، ما سرتک، ده‌سور، روو دامالباگ، روودار، هماره‌روو.
روبراه : ص. ریک، رووبه‌را، نامایه. روبراه شدن : م. ریک بوون، روو به‌را	رو داشتن : م. روودار بوون، برِ روو





- چهره‌مگ. روو چهره‌می (ه).  
رووسی (ش).  
روسیاه : ص مـــــر. روو رمش. رو  
سیاو (ه).  
روش : امص. ره‌ونت، ره‌سم، یاسا،  
چم، ته‌رزه، نه‌ور، چم و خم،  
نهریت.  
روشن ۱ : ص. رۆشن، تابان، رۆچی،  
رۆناک، روون. رۆهن (ش).  
روشن ۲ : ص. گـــــه‌ش، روون.  
هکری (ش).  
روشن ۳ : ص. رۆشن، کال.  
روشنایی : ح مصد. رۆرناهی، سوّما،  
رۆشنایی، رۆشنا، شه‌و  
رۆچنایی (ه)، رۆناهی، روونی،  
رووه‌نی (ش).  
روشنایی ماه و خور : تریفه، ناف.  
روشن فکر : ص مـــــر. رۆسن، رووناک  
بیر.  
روشن کردن ۴ : م. رۆسن کردن.  
روشن کرده‌ی (ه). فی کرن (ش).  
روشن کردن ۵ : م. داگرسائن، همل  
گرسائن، گرانش، گه‌شو کردن،  
هملکردن. گیسنای، نه‌گیسناي (ه).  
هملکردن، به‌ردان، فی خستن (ش).  
روشنی : ح مصد. رۆشنی، رۆشنایی،
- گه‌شی. رۆچنی (ه). رووناھی (ش).  
روشور : امر. دیمه‌شوره.  
روغن : ا. رۆن، روون، تام، چه‌وری،  
ره‌و غهن. روغن (ه). دۆهن، نه‌واش،  
زوه‌م (ش).  
روغن بو‌گرفته : به‌و به‌ا، بۆبا.  
بۆوا (ه).  
روغن چراغ : امر. رۆن چرا،  
ره‌و غهن‌چرا.  
روغن دان : امر. ره‌و غهن‌دان.  
روغن دنبه : امر. رۆندووگ.  
رۆن دوگ (س).  
روغن کشیدن : م. رۆن گرسن. رۆن  
کيسان (ه).  
روغن کرچک : امر. ره‌و غهن‌چرا.  
روغن گهره‌ک (ه).  
روغنی : ص نسب. ره‌و غه‌سی، چه‌وره،  
رۆنی. ره‌هین (ه). کنر (س).  
روکار : امر. رووه، رووکار، روو به‌نا.  
روکش : ص فا، ا. روکس، روو کتس.  
روگرداندن : م. روو همل‌چهرخاس،  
روو لی وه‌ر گیسران، روو همل‌و  
گه‌رانن، روو چه‌رخسای. روو هو  
گیلای (ه). روو زفراندن (س).  
روگرفتن : م. روو گرتن، روو فایم  
کردن، روو کردن. روو گره‌ی (ه).

۱ - مقابل باریک.

۲ - در : «آتش روشن».

۳ - رنگ روشن.

۴ - روشن کردن آتش.

۵ - روشن کردن شمع و غیره.

رهاتيسم : ا. سوورها.	بين، قیل بين، بهره لای (ش).
روناس : ا. رونیاس. رووئاس (ه).	رها گردن : م. بهره لآ گردن، ویل گردن، نازا گردن، بهره زه
گههز (ش).	کردن، ره ها گردن. وهر دای (ه).
روند : ا. ره وهند، ره وئ، ریز، ره وئ.	کردن، ره ها گردن. وهر دای (ه).
ریاز (ش).	سر به سب کرن، هرساندن (ش).
رونده : افا. ره وهنه، عابر، ری بووار، ری بگار، ره وان، خوړ. ربینک (ش).	رهایی : ح مصد. رز گاری، رس گاری، ره های، خه لاسی.
رونق : امصد. ره ونقی، بره و.	ره آورد : امر. دباری، سه وقات.
رونما : ص فا، ا. روونما، شهرمه سکتینه.	رهیر : ص. بیسه و، راهبر، سه رۆک.
روی : ا. رۆح، باغین، فافون.	رهگذر : نک. راه گذر.
رویداد : امر. ئتفاق، رووداد، هیل	رهین : ا. ره هین، گره و، باومنه، گره وگان، گره و، گریو.
گهت، نه سادف، حادسه، بیثی نامه د، ده گمه، بیثی هات، فومه، ری که وئ، هه و.	رهنما : ص فا. ری نوین، راهبر، رانما. رهنمونی : نک. راه نمونی.
رویه : ا. جه که ، رووه، رووه، نوته.	ریا : امصد. ریا، چاچوله، ده غل، حوقه، فیل، به مبول، روواله تباری، راو، ریپ، ریو، فرو قیل. لپ (ش).
رویه : ا. ریگه، ره وئ، ره ویه، هرز.	ریاکار : ص فا. ریا کار، رووالهت باز، قیل باز. لپ کر (ش).
روی هم : ی مر. روو هم، نان بهک، که له که. سه روو بوئی (ه).	ریال <sup>۱</sup> : ا. قهران. قیران (ش).
سه رتیک (س).	ریال <sup>۲</sup> : ا. ریال.
رها : ص. نازا، سر به خو، ره ها، بهره زه، ویل، سر ازا، سر به سب، بهره لآ، رز گار، رس گار، خه لاس، به وئی (ه). نازاد، به واب (ش).	ریحان : ا. بۆن خواهشکه، ریحان، ره شه ریحان . ری یون، ریان (ه).
رها شدن : م. بهره لآ بوون، نازا بوون، <sup>۱</sup> سر به خو بوون، ویل بوون، بهر بوون، ره ها بوون. نازا بیه، بهره لآ بیه، ویل بیه (ه). هرسین، نازاد	ریحان (ش).
	ریخت : ا. ریخت، فیافه، ته شک، دیامه، دیمن، سه کوب، میفن، هه لاه، نه منیل (س).

۱ - قران.

۲ - بك قران و پنج شاهي.

ریختن : م. رژان، دارژان، وهران<sup>۱</sup>،  
داوهران<sup>۱</sup>، تی کردن<sup>۲</sup>، دا کردن<sup>۲</sup>،  
ریژان، رژان، رژان، رزان،  
هل رژان، قلمنودان، رشاندن،  
رژاندن، رزین، ریشاندن، قلابنده،  
قلمو بوون، مجبای، متهی،  
پووان (ه). رژاندن، هاقینن،  
هراندن (ش).

ریخت و پاش کردن : داپژان، داپژیان،  
داپژاندن.

ریخته : امف. رژیگ، رژیاو، رژاو،  
ریخته. پوواو (ه).

ریدن : م. ریان، رین، سوولاندن،  
فیراندن، گوو کردن. رین (ش).

ریز : ص. ریز، پریش، ورد، چکوئه،  
بووچک، گوچک. هوور (ش).

ریز ریز : ص. امف. ریز ریز، پریش  
پریش، ورد و خان، جنراو، جنیاگ.  
هوور هوور (ش).

ریزش : امف. روخه، وهرقه، ریش.  
ریزش کردن : م. ریش کردن،  
روخیان، داروخیان، وهرقه کردن.  
وهرای، وپای (ه). هرفین،  
هلوشیان (ش).

ریزه : ص. ریزه، پرتکه، قرنکه، پرزه،  
ورده، ریزه لانه، پرزوله، ریزوله،  
بیزه، پریش. کجک، پرتک (ش).

ریزه کاری : ح مص. ریزه کاری،  
ورده کاری. هوورده کاری (ش).  
ریسمان : ا. بهن، ریسمان، دهزگ.  
وهریه (ه). بهنک، هریس (ش).  
ریسه : ا. ریه، سف، قه تار، رزن، بهن.  
ریسه رفتن : م. چوونه پیران، تاس  
کردن، فهران کردن. تاس کرده ی،  
بیران کرده ی، چووشیه ی (ه). رک  
هاس (ش).

ریسیدن : م. رستن، رشتن، رستن.  
رسی (ش).

ریش : ا. ریش، ری، ردین، رین،  
ره (ش).

ریش بابا : امر. ریش بابا،  
ریش پارچه : ریشال، ریشول، رووش،  
رس.

ریشخند : امر. نیز، گالته، رشقن،  
تینال، مسخه ره.

ریشخند کردن : م. رشقن کردن، نیز  
کردن، مسخه ره کردن، گالته پی  
کردن. تینال کرده ی (ه).

ریش ریش : ص. سر. پوش پوش،  
رووشال. تیش تیش (ش).

ریش سفید : ص. سر. ریچه رمگ،  
ری سپی. ریش سپی، ریش  
چهره (ه). ردین سی (ش).

ریشو : ص. نسب. ریشوو، ریش دار.



ریش

۱ - ریختن میوه در حب.

۲ - جای ریختن در استکان.

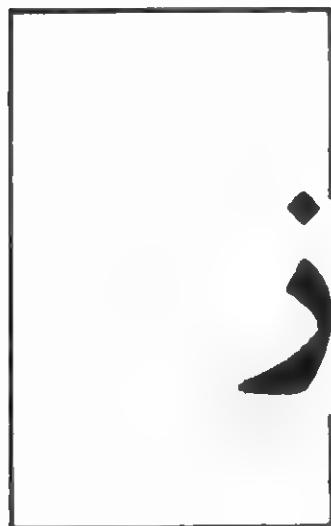


- ردینو (ش).  
 ریشه : ا. ره سمن، ریشه، پلپ، نهوار ،  
 تبار ، رتهوه، کروک، منج، بنیشه ،  
 قورم .، بنه چه، بنچه، بنه توو، ته، بیخ.  
 بنچه، ره گ، کوته ره ، قهره چول ،  
 بنج، بنه چه، بن، کوته، سوو، بیخ.  
 ره هه، شن (ش).  
 ریشه زخم : پوخ، پورنخه، پوخله.  
 ره هه گولکئی (ش).  
 ریشه کردن : م. رسه کردن، ره گ  
 داکوان، سح داکوان، سح داکوان،  
 بن گرنن، سه فك کردن<sup>۱</sup>. رپن دان،  
 ره هه دان، ره هه گرتن (ش).  
 ریگ : ا. ریخ، زیخ، ریژ. چهو،  
 خیر (ش).  
 ریگزوار : امره. خپ، ریخزوار، خرپ،  
 چهولگ، ریخه لان، زیخه لان، به ست.  
 خیز گل (ش).  
 ریگ شور کردن : م. شتهوه.  
 ریواس : ا. ریواس، رمیز، فله فنگ ،  
 قه لاتنگ . ریواوی (ه).  
 ریه : ا. سی، ریه، شووشی. شمش،  
 شوو شوو (ه). سهی (ش).



- ریشه کن : ص. امص. ریشه کن، س بر،  
 ریشه بر، ریخه بر، بن چن، کلئیس.  
 ریشه کن کردن : م. بن بر کردن، پف پتا  
 دان، ریشه کن کردن، ناو به جیه

۱ - ریشه کردن نامی مانند بیاز و  
 چندر.



ز : ز.

زاپاس : ا. بی نك.

زائیدن، زاییدن : م. زابین، سك کردن،  
فرك بوون<sup>۱</sup>، تره کین<sup>۱</sup>، خستنه وه<sup>۱</sup>،  
گولین، له بار بوونه وه، دین. وینای،  
زای، وسته یوه (ه). زان (ش).

زائیده بدون شیر : نه بردش، بی ژمك.

زاج : ا. زاخ. زای (ه).

زاده، زاده : ا. زاگ، زاء، زاده، زایه.  
زید (س).

زادن : نك. زاییدن.

زاد وولد : زا و وه له، زك و زاء و زو

زوو. زاوه زئی (ه).

زار : ا. زار، سان، جاپ.

زارع : افاء، ا. جفت بار، هت بار،  
وه رزیر، فهلا، کستکار، به رزگه،  
کیل کار، کشتیار، که ساوه رز، زارع،  
کتله ر.

زاری : امص. زاری، سیوه، بانگ،

زایله. گره وه (ه). شینی، گری (ش).

زاری کردن : م. زاری کردن، زار  
لی دان، سیوه کردن، بانگ هه لدان،

زاریان، زارین. گره وای (ه). شیی

کردن، سین کرن (ش).

ديژله. ريلی، گوھيشك، گھيشك،  
گوھيژ (ش).

زالو : ۱. زهلوو، زالوو، زيروو، زهروو،  
لاره. جههجوژك (ش).

زاماسكه : ۱. زاماسكه، بهتانه، هميره.  
زانو : ۱. چوك، سهرچوك، زرانى،  
نهژنوو، زانوو، زهرانى، زهنگول،  
وژيگ. دون (ش).

زانوبند : ص فا، امر. زانوو بهن، چوك  
بهن.

زانو زدن : م. چوك دان.

زاويه : ۱. زاويه، كونج، سووچ،  
قوژين، گوژه. تهنشت، كونجك (ش).

زايمان : امس. سك و زا، زايمان.

زاينده : افا. بزاء، بزى، سك و زا كهر.

زباله : ۱. زپ و زويل، ناشخال، پووش و  
پلاش، دهغه له ، پاژينه ، ناشخال،  
نه شخال، خاك و خول، شخهل.  
خاشاك، زويل، زواله، شخال (ه).

كرس، زپ و زيل، زيل (ش).

زباله دان : امر. ناشخال دان، زيل دان،

زبلگه، ناشخال دان. شخال دان (ه).

كرس دانك (ش).

زبان : ۱. زووان، عزمان، زبان، زار.

زبان آور : ص مر. دم ههراش،

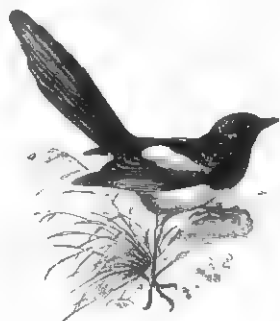
دهمهوه، بهدهم، زووان دار.

زبان باز : ص فا. زووان باز، بهدهم، دي

زاغ<sup>۱</sup> : ۱. قشقره، زاغى، قهله بازه له.

خه زال (ه). رهف شيلك، قنرالك،

قهله ره شك (ش).



زاغ<sup>۲</sup> : ص. زاق، كوشك.

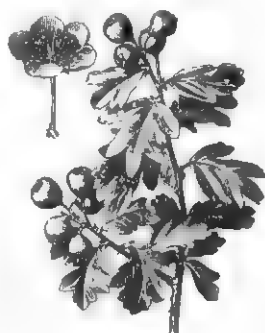
زاغه : ۱. زاغه. زانخون، زاخوور،

توخ (ش).

زاق و زوق : زاق و زووق، زاق و زيق.

زالزالك : ۱. بلج، بلج، سووره بهلتي،

بلجه سووره، گوريچ، كيتوز، گويز،

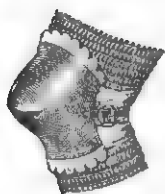


۱ - زاغچه، زاغى، بریده ای است.

۲ - جسم كوود.



زالو



زانوبند

دووك، دهموهر، دمل و قل.	كيشان (ش).
زبان باز کردن بچه : زووان گرتن.	زبانى : ص. فـ. زاره كى، دهمى،
زبان بسته : ص. مف. به سه زمان، زووان به سه.	زووانى.
زبان دار : ص. فـ. زوواندار، دهم هه راش، دهموهر، زمان دار.	زبده : ص. هه لزارده، زوبده، سالت.
عزماندار (ش).	زبر : ص. زوب، درشت. گرنال،
زبان دان : ص. فـ. زوواندان، زووانزان.	گرنول، گرنى، گروز (ش).
عزمان زان (ش).	زبر : بان، بالا، سه، ژوور، سلان.
زبان دراز : ص. مر. زوواندریژ، دهم هار، دهموهر، بله بیل که، دهم هه راش، زبان دریژ، گه زاره. عزمان دریژ (ش).	نه قراز (ش).
زبان درازی کردن : م. زووان دریزی کردن، گه زاره کیشان، بله بیل کردن.	زبرجد : امر. برده زه پینه، زه برجه د.
زووان دریزی کرده ی (ه). عزمان دریژ کرن (ش).	زبردست : ص. مر. به هیژ، ده سه نه دار، ده سه لات دار، زه بهر دس.
زبان زد : ص. مف. به ناو بانگ.	زبر و زونگ : به چنگ، چنگز، زبر و زرهنگ.
زبان فهم : ص. مر. زووان فام.	زبون : ص. داماو، زه بون، کز، بیچاره، نوتاده.
زبان کوچک : امر. زووانه بووچکه له.	زجاجیه : ا. شووشه له.
زووانه گولانه (ه). عزمانى کچه (ش).	زجر : امص. عزمیت، زه جر، نازار، سزا، شکه نه، ماوش، جه زره وه، نه شکه له، جیوچه له، جه زره به.
زبان گنجشک : امر. بناو. بناوج (ه).	زجر دادن : م. عزمیت کردن، جه زره وه دان، نازار گسردن، نارارادن، زه جردان، نازارادن، نازاردن. سزادای (ه).
باف (ش).	زحمت : ا. زه حمت، نه رك، مه یمن، مهرارم، رهنج.
زبانته : ا. ناو زوونه، زووانه، زمانه.	زحمتکش : ص. فـ. زه حمت کهش، ره حهر.
زبانته آتش : امر. زووانه، کلیه، بلیه. گوری (ش).	
زبانته کشیدن : م. کله به ستن، زووانه کیشان، بلیه ستن. کله نه سای، بلیه نه سای (ه). گوری دان، گوری	زخم : ا. زام، زه خم، سرن، رمش، جوی، رلی.
	زخم دار : نک. زه خمی.

زخم زبان : امر. زهخم زووان، نان، تانه.  
 زخمی : ص نسب. زهخمی، بریندار،  
 زهخماوی، زامار، کهله‌لا، زامدار،  
 مه‌جروح، جوی‌دار (ش).  
 زخمی شدن : م. زهخمی بیون، بریندار  
 بیون.  
 زرد : ص، ا. زهررد. زهر (ش).  
 زرداب : امر. زهرداو، سه‌فرا، زیوا،  
 زازه، زوخواو. زهرداف (ش).  
 زردالو : امر. شلانه، سیلانه.  
 زهرده‌لی (ش).  
 زدن : م. زه‌خمی کردن،  
 بریندار کردن، کهله‌لا کردن.  
 زدن : م. لی‌دان، وه‌شانن، کوتان،  
 کوتانن، داگرتن. کواي، شانای،  
 دای‌وهنه، وه‌شای (ه).  
 زدن پنبه : کردنه‌وه، شبه‌و کردن.  
 کرده‌یوه (ه). چرکانن، پهره‌ک  
 لی‌دان (ش).  
 زدن حشرات : پیته‌ودان، لی‌دان،  
 گه‌زتن، گه‌ستن، گه‌زین، پیته‌ودان،  
 وه‌زه کردن، چزانن، وه‌شانن.  
 گه‌سه‌ی، پسه‌دای، چزنای،  
 وه‌زه‌ی (ه). درووشک لی‌دان (ش).  
 زدن شاخه درخت : نک. هرس کردن.  
 زدن مداوم : داگرتن. نره‌گرته‌ی (ه).  
 زدن مشک : م. زه‌ندن، شله‌فانن،  
 راتله‌فان، سله‌فاندن. زای، ره‌نای (ه).  
 کیاندن، کیان، کیزان (س).  
 زدو بند : امر. زهد و بهن، ییلان.  
 زدو خورد : امر. زهد و خورد، مشق  
 و می، همه‌رمزی. لی‌ک‌دان (س).  
 زدودن : امر. پاکه‌و کردن، نه‌میسه  
 کردن.  
 زو : ا. زه‌ی، نالتون، ناتی، نه‌لا، زیه.



زردانبو : ص مر. زهرده‌موو، ریمن،  
 فیمنه، زهرده‌له. زهرد و زوال.  
 زهرده‌ل (ه). زار، زهرچی (ش).  
 زردچوبه : امر. زهرده‌حو.  
 زرد زخم : امر. زهرد زخم. خهرکان  
 (ه).  
 زردشتی : ص نسب. ا. زهر دوشتی،  
 ناگریهرس، گهور، فه‌لا، خارسک.  
 ناویر پهرس، گاور (ه). گهر (ش).  
 زردک : امص. گزه‌ر، گیزهر.

گزهړکي (ه).

رهزي (ش).

زړده (تخم مرغ) : ا. زهړدینه. زهړدیناو

زغال دان : امر. سوخالدان، زوخالدان.

هیلې (ه). زهړک (ش).

حهلوژدان (ه). رهروودان، رهري

زړدی : ص نسب. زهړدی، یهړهقان.

دان (س).

زهراهی، زهړهک (ش).

زفت : ا. زفت، زهفت، جهوت، جهفت.

زړشک : ا. زړشک، زړیشک، زړیسک.

زق زق : امر. چله، فړک (ش).

زی (ش).

زق زق کردن : م. چل وه شانن. چله

زرق و برق : زهړق و بهړق.

شانای (ه). فړک دان (ش).

زړگر : ص شغل. زهړگر، زیړکار،

زکام : ا. زووکام، باهپه، دهمه نی،

زهړنگر. زړینگر (ش).

بایینی، پهتا. واپه، هه لامت، نالامت

زړنگ : ص. زړنگ، زړهک، بزړیو،

(ه). فرفینګ، بهرسو، په سیف،

جنگز، گورج، بزۆز، سړک، ناراد،

په رسی، ناسرم، نارسم (ش).

تن و تیږه، زیخ، گوړنه تل.

زکام اسب : مهقاو، مقاو.

زړنگار : نک. زړاندو.

زکام گرفتن : م. زووکام گرفتن،

زړنځ : ا. زهړنځ. زهړنځ (ش).

چایان، پهتا گرفتن، باهپه کردن. زوکام

زو و زیو : گبیز و گوله نګ، زړ و

گرته ی، نالامت گرته ی (ه). په رسی

زهړنگیانه، زهړ و زیوهر، خشل.

گرتن، نارسم گرفتن (ش).

زړه : ا. زړی، زهړنجیر.

زکوة : ا. زه کاب.

زړین : ص نسب. زړین، ته لای.

زکوة دادن : م. هه ولانن، دهر کردن.

زړست : ص. ناشیرین، زړست، خویشار،

زه کاب دای (ه). زه کاب دهر

به پوړ، ناحهز، خراو، به چته شک،

کرن (ش).

ناکوئوکار، به ئوئو، به دته مرکب،

زگیل : ا. بالووک، رهته بالووک، گهنمه.

نازه ریف، چه پهل، بی فیه، که فارمت،

رل : ص. ا. زل، حیره.

نه گبته، خراب. خراب، گهن، (ه).

زالال : ص. زه لال، بالک، خاوسن، روون،

گه مار، شین، پیس، به دگل (س).

نه میس.

زعفران : ا. زه عفهران، زه عفهران.

زالال شدن : م. بیتن، روژنه و بوون،

زعفرانی : ص نسب. زه عفهرانی.

زه لال بوون، نیشه ی (ه).

زه عفهرانی.

زلزله : امر. بوومه له رزه. زلزله (س).

زغال : ا. سوخال، زووخال، زړزوو.

زلف : ا. زلف، پرچ<sup>۱</sup>، فزه، گیسوو،

زوخال، خه لوژ (ه). ره زوو،

پورک، توپ<sup>۲</sup>. نه گربجه<sup>۳</sup>، بسک،

- خولامانه<sup>۱</sup>، یورت، پهلکه<sup>۲</sup>، دانووه.  
 بز<sup>۳</sup>، گرنه<sup>۴</sup>، گیملک، گنس. گنز،  
 گهزی (ش).  
 زلویا : ۱. زلولویا.  
 زمان : ۱. زهمان، دهوران، وهجب، جا،  
 نان، بی، بهنگ، چاخ، ناو، همل،  
 دهم، حین، دۆخ، ساء، سات، عان،  
 موقوفه، عهکه، عهده، عهپام، کثر،  
 کات. گاف (ش).  
 زمان جفتگیری حیوانات  
 وحشی : کهلههرز، کهلهز،  
 کهلههرز، کوئیل، گوهر (ش).  
 زمانه : نک. زمان.  
 زمانی : ص نسب. زهمانی، بری، گاهی،  
 بری جار، بهینی، ناوی، گاهی (ش).  
 زمخت : ص. زوموخت، ناکولتکار.  
 هلهف، کرپ (ش).  
 زمرد : ۱. زمرود، زومورده.  
 زمزمه : امر. زمزمه، مؤره، مؤره،  
 لوره، وره، بجه.  
 زمزمه کردن : م. مؤره کردن،  
 زمزمه کردن، حوهندن.  
 زمستان : ۱. زمسان، زسان، زسان،  
 زووسان. زفتان، زستان (ش).  
 زمهریر : امر. زمهریر، زمهمن.
- زمین : ۱. زهوین، زهوی، نهرنه، خالک.  
 زمین (ه). زهمی، نرد (ش).  
 زمین بر آب : بهراو.  
 زمین بی حاصل : گریکه زهوی، گریکه.  
 شوره کات (ش).  
 زمین پست و بلند : چال و چول،  
 فولوچ فولوچ، بهتهم.  
 زمین خالی از محصول : بۆره، جاپ،  
 قراج، گریکه. خوزان (ش).  
 زمین خوردن : م. کهفتن، گلان، گلیان.  
 کهوتی، نردی گرنن (ه).  
 زمین دار : ص فا. زهوین دار. زمهین  
 دار (ه). زهمی دار (ش).  
 زمین زیر آب رفته : زیروار.  
 زرتیار (ه). زین، زنه (ش).  
 زمین زدن : م. دانه زهوینا، خولو و پانن  
 گلاندن<sup>۴</sup>. زمهین دای (ه).  
 نرددان (ش).  
 زمین سخت و سفت : رهقه زهوین،  
 رهقه، چهقن، کیرال، رهقان، تم تم،  
 خرب، کرپن، رهقانی، رهقن،  
 رهقنی. شینگ، ناشیگ، دهقل (ش).  
 زمین شخم خورده : تووریکه،  
 شی وهرد. شووم، شووف (ش).  
 زمین کشت (زراعتی) : کیلگه، بهله،

- 
- ۱ - زلف بلند مردان.  
 ۲ - زلف پیر زنان.  
 ۳ - زلف آراسی سده.  
 ۴ - زلف حیوانات که در جلو سر بیستر  
 است.  
 ۱ - اسب سوارکار را زمین زدن.  
 ۲ - زلف بافه.  
 ۳ - زلف آسفته.  
 ۴ - اسب

کینانگه.

سووره ییاز، زیریتش، سیره موزه،

زمین گیر : ص فا. زه وین گیر،

شهنکه سووره. ستانک، زیرکینه،

گردنن.

ستسک، سهنک، سینگ،

زمین لرزه : نک. زلزله.

زهنگه (ش).

زنبور عسل : امر. ههنگ، شاههنگ ؟

زمین نرم هموار : ناروان، شبتان.

میش ههنگن.

زمینه : ا. زه وینه، زه میسه، بووم، لا.

زنبوری (جراغ) : ا. نوری.

فالی، باره (س).

زنبه، زنبور : ا. زه مه، ده سه وهره.

زمینی : ص نسب. زه وینی، زه مینی،

ده سه بر (س).

خاکی.

زن بی حیا و پر حرف : کاولی،

زن<sup>۱</sup> : ا. زن، خانم. زه نی (ه). زن

دهم زن، سلبته، جریکه رن (س).

(ش).

زنیل : ا. زه میل، زه میل.

زن<sup>۲</sup> : زن، نه پره زن<sup>۳</sup>، نافرمت، کنا ،

زن بدر : نک. زن مانا.

بی ژله<sup>۴</sup>، خرنکه<sup>۵</sup>

زن پسر (عروس) : وهوی. وهیوه (ه).

زناه : زیناع، زینا.

بووک (س).

زناشویی : زن و میردی، زن و شوویی.

زنجیل : ا. زه نجه قتل.

زنانه : ص نسب. زنانه.

زنجیره : ا. هل هل کهره، بهرزه چیره.

زن بابا : امر. باوه زن، زیدایک، زیداک.

موزه که سک (س).

ژن باب، بابا زه نی (ه).

زنجیر : ا. زهنجیر، زری، باله ههنگ ،

زن باز : ص مر. زن باز.

ناریج

زن برادر : ص مر. امر. ژنبراء، براژن.

زیخ : ا. چناکه، جهناکه، جهنه.

برازه نی (ه).

زن خو : ص مر. رنه رهنکه، بله کناحتی.

زن برادر شوهر : هتور زن، جاریه. زن

زن خواستن : نک. زن بردن.

و هیوهی (ه). ژننی (ش).

زندانی : ا. زندان، یهن، زندان، دوساخ،

زن بردن : م. ژن هاوردن.

بهنی خانه، بهندیخانه، جهیس، دوساخ،

زنبق : ا. زه مق.

هولیک، زندان.

زنبور : ا. سووره موزه، زه رده واله،



زنجیر

۴ - زن کم سیر.

۱ - زن در برابر مرد.

۵ - زن زیبا.

۲ - زن در مقابل شوهر.

۶ - ملکه زنبور عسل.

۳ - زن بسیار زا.





زندان بان : ص فا. زبانه وان،  
دوساخچی، زبنده وان.

زندانی : ص نسب. زینانی، بهنی، بهسی،  
به دی.

زن دایی : امر. خالو زن. لالو زن (ه).

زندگانی : ح مص. رینگانی، ری،  
ریوار، ریندوی، زنده وهری.

زندگانی : ح مص. زینگی، زین،  
حهیات، ریو، زینه گی.

زنده : ص. زیگ، زیه، زیده،  
زیدگ، زیندوو، زسگوو.

زنده نگور : ص مر. زینه چال، زینه به  
گور.

زنده دل : ص مر. دل زینه، دل زنگ.  
زنده زا کردن : م. سک و زا کردن،

زاین. زای، له که رده ی (ه).  
زنده شدن : م. زینگه و بوون،

رووریا نه وه. رووریا بوه (ه). گس  
بین، فرس (س).

زنده کردن : م. زینگه و کردن،  
روورانه وه، مو رانه وه. روورنا بوه

(ه). فراییدن، ساح کردن،  
فرایدن (س).

زن عمو : امر. مامو زن.

زنگ<sup>۱</sup> : ا. زهنگ، بول، به حته زهنگ،  
هورد، حاکوچ، گه رنال، حان.

زنگ<sup>۲</sup> : ا. رهنگ، بافر.

زنگار : ا. ژه نگار، که سک.

زنگال : ا. رهنگال، ژهنگال.  
زهنگ (ش).

زن گرفتن : نک. زن بردن.

زنگ ردن<sup>۳</sup> : م. زهنگ لی دان. زهنگ  
دایونه (ه).

زنگ زدن<sup>۴</sup> : م. زهنگ لی دان. زهنگ  
دایونه (ه).

زنگ زده : ص مص. ژهنگای.  
زهنگی (ش).

زنگوله، زنگله : امر. زهنگوله. زنگل،  
زهنگله، زهنگلوك (ش).

زنگی : ص نسب. زهنگی، قوله رهنش.  
زننده : افا. فاحه زه، بیس، خراب.

زنهار : ا. نامان، نه مان، زینهار.

زنیکه : کنا.

زوج : ا. جوت، میز.

۱ - درآ، جرس.

۳ - حرس به صدا در آوردن.

۴ - زنگار بدید آمدن.

۲ - ماده سبز رنگی که بر مس و فلزات  
دیگر بدید آید، زنگار.

- زوجه : ۱. ژن، خیزان، خهیزان.  
زود : ۲. زود، گورچ، نازا، کرژ، حیرا.  
زود باور : ۳. ص. مر. خوش باور، زو باور. وش باوهر (ه).  
زود رس : ۴. ص. فا. زوورس، پیش رس، زووهشتی (ش).  
زود ونج : ۵. ص. مر. زوورهنج، دهو، کهم جیقلدان، بی جیقلدان.  
زود گریه کن : ۶. گریینوک.  
گرهه چوچ (ه). گریوک (ش).  
زود گذر : ۷. ص. فا. زوو گوزهر.  
زور : ۸. ا. تزی، زور، نائل، تهوال، ناپهوا، ناو، ستم.  
زور آزمایی : ۹. ح. مم. زوره زمی، زوران، می و مست، بهر بهر کانی، کوشی، گولش. قش (ش).  
زور بگیر : ۱۰. زور بگیر، تپ دانه سر.  
زورخانه : ۱۱. امر. زورخانه.  
زور زدن : ۱۲. م. نقانن، زور لی دان.  
نفای (ه). خو گشتاندن (ش).  
زور سرما یا گرما : ۱۳. یوف.  
زورق : ۱۴. ا. گمی، بهلم، دهسه کشی.  
زورکی : ۱۵. ق. مر. زوره کی، زوری، به زور.  
زور گفتن : ۱۶. م. زور وسن، نائل بیون.
- زور واهی (ه). زور گوشتن (ش).  
زورگو : ۱۷. ص. فا. زور گو، زور بیژ، زور ویژ، زیناکار، قولدر.  
زورمند : ۱۸. ص. مر. پسر زور، زودار، زورمند.  
زوزه : ۱۹. ص. مر. لووره، سهگ لوور، سهگوه، قوروسکه، قولووج، قولووج، گورگه لوور.  
زه : ۲۰. ۱. ا. زی، زی.  
زه : ۲۱. ۲. ا. زی، زه، زق.  
زه : ۲۲. نک. آفرین.  
زهاب : ۲۳. امر. زیوا، زهنه، زی ناو، زقاو، زه هاو.  
زهار : ۲۴. ۱. زه هاو، بانه گا، شمرگا، بهر، بهر موسلدان، زارگا. وهر (ه).  
زه دان : ۲۵. امر. بهچدان، یز، منال دان.  
زهر : ۲۶. ۱. زهر، سم، زهر، زهفه، زهفه، زهفه، زهفه، موت، زهفه، پوت، قوزقورت، زهفن (ش).  
زهر آب : ۲۷. ۱. امر. زه هاو، زوخواو، ناراو.  
زهر آب : ۲۸. ۲. امر. زاراو، گمیز، میتز، شاش، فوک (ش).  
زهرابه : ۲۹. امر. زاراو.  
زهر آلود : ۳۰. ص. مر. زارای.  
زهر چشم : ۳۱. امر. زار چاو، ناوچاو.

ناوچم (ه).	زیاده : ص. زیاده. زیده (ش).
زهر چشم گرفتن : م. زارچاو گرس، ناوچاو سهن. ناوچم نه ساي (ه).	زیاده روی : زیاده رهوی.
زهر حند : امر. زارخن، زهرده، بزده، زهر دکهنه، زهرده خو، زهرده خه نه، زهر خه نه. گور مزین (ش).	زیادی : زیبایی، زوری، زیده بی (ش).
زهره : ا. زات، زاومر، جورعت، زاله، زاره، نه ترمش، زه نهق. زه ندق (ه). نالك (ش).	زیارت : امص. زیارمت، نه واف.
زُهره : ا. زوره.	زیارت کردن : م. زیارم کردن، نه واف کردن.
زهره ترك شدن : م. زاله تره کیان، زه نهق بوتیان، زرا و تو قین، تو قین، زاره تره ك بوون، زاومر چوون، زاله ته قین، زاله چوون، زه ندق چوون. زاله تره ك بیی (ه).	زیارتگاه : امر. زیارسان، زیاره بلان، زیارنگاه.
زهزار : امر. زیزاز، ناوه زاه، زقزار، زریار، زه لکاو، زه هاو. زوهور (ش).	زیان : ا. وهی، زهره، زیان، ناسیو، مه زهرم، خه سارمت.
زه کشی : ح مصد. زق کھی، زق کھی. زهم : ا. چه هوی، نا.	زیان آور : ص فا. زیانه خورو، موزی، زانه خرو.
زهوار : امر. زیوار، لیوار.	زیبا : ص. زیبا، زه ربف، قه شهنگ، جوزان، خاس، ته رلان، شیرین، خوش روو، خوش گل، جه لهنگ، خموش كوڤك، به دق. ومش (ه).
زیاد : ق. ص. زیاه، فره، خه یلی، فراوان، زور، بی شو، موآلق، مشه مر. زیاد (ه). گله، گلهك، زیده (ش).	جوفان، شوت، شهبال، فودل، که لهش، قولخ، قهچ، که لان (ش).
زیادتر : ص تفص. زیاتر، فره تر. زیادتر (ه). زوره، زیده تر، پتر (ش).	زیبایی : ح مصد. زه ربفی، قه شهنگی، شیرینی، جه مال، په رکال.
زیاد شدن : م. زیابوون. فره بوون، زیاد بیی (ه). زیده بین (ش).	جوقانی (ش).
زیاد کردن : م. فره کردن، زیاد کردن، بی شو کردن. زیده کرن (ش).	زیتون : ا. زهیتون.
	زیر : ق. ژیر، پایین. زیل، چیر (ه).
	زیره، بن (ش).
	زیر آب : امر. ژیراو. سولین، ژیراو (ه). بن ناف، زیراف (ش).
	زیر انداز : امر. ژیره خه ره. چیره خه (ه). رایخ (ش).
	زیر بار رفتن : م. ژیر بار چوون، چوونه زیر بار. چیر و بار لوی (ه). بهرا

چوون (ش).  
زیر بغل : امر. بنه خَل، بن کَش، کلِشَه.  
چیر به خَل (ه). بن کَفَش (ش).  
زیر پوش : امر. ژیر پوش، ژیر کراس،  
فانله. بن کراس (ش).  
زیر پیراهنی : امر. ژیر کراس، عارَق  
گیر. بن کراس (ش).  
زیر چبیزی زدن : م. له ژیر... دهر  
چوون، دان له گوپ، خو خستنه پشتا،  
نکار کردن. چیر نه بهر شیهی (ه).  
زیر دریایی : امر. ژیر دریایی.  
زیر دست : ص. سر. ژیر دمس. چیر  
دمس (ه).  
زیر زمین : امر. ژیر زهوی، ژیر خان،  
سَیزان، ژیر زهویس، زهیسان،  
سرداو، بن کُوشک. چیر زمین (ه).  
ژیر زهفین، بن نَرد (ش).  
زیر سر گذاشتن : م. نیانه ژیر سر.  
نبای چیر و سَری (ه).  
زیر شلواری : امر. ژیر شوالی،  
توونکه، که مر کَش، دهر بی.  
زیرک : نک. زرنَگ.

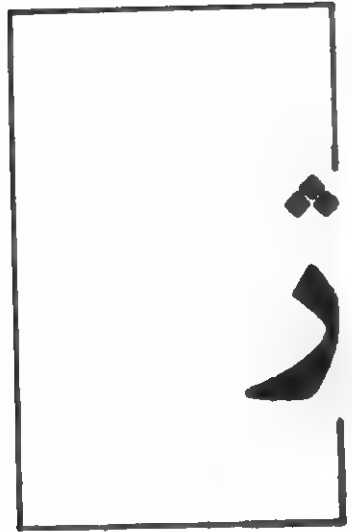
زیر کاری رفتن : م. پتا چوون. لووانه  
چیر (ه).  
زیر لبی حرف زدن : بچه کردن، بچه  
بچ کردن. فچه کهردهی (ه). پسته  
پست کرن (ش).  
زیر و رو کردن : م. تَک دان، دانه به کاه،  
ژیر و پروو کردن.  
زیره<sup>۱</sup> : ا. زیره.  
زیره<sup>۲</sup> : ا. ژیره، تخت.  
زیست : امص. ژیوار، ژی، دهر،  
گوزمران، زیت.  
زیستن : م. ژین، ژیان، ژیوار کردن.  
ژین : ا. زین.  
زیست کردن : م. خملاندن، زینست  
کردن، رازانه وه، رازانن.  
زیور : ا. خشل، خشر، زیور. خهمل،  
چک (ش).  
زیور سر زنان : لاسره، گیل گیله.  
چه ناخ، ته بلخ (ش).  
زیور بینی زنان : لووته وانه. خزیم (ش).  
توونکه، که مر کَش، دهر بی.  
زیرک : نک. زرنَگ.



زین

۱ - دانه نباتی مطهر.

۲ - زیره کفش و غیره.



پەرە، فرقات، شې، پارە، پاتال، پەرق،

شىتال. كنجى، پاخ، چات (ش).

ۋىندە پۇش : مى مىر. چەكە، شېبار،

شې پۇش، قووتە، شېۋىل، رېپال،

گىتەر. كەق پۇش (ش).

ۋولسە : امف، مى. گىز، گىزۋ، گىزىن،

پىرچىن، چىنگە سەرە.

ۋ : ژ

ژالە : شەونىم، تەرزە. خوناڧ (ش).

ژاندارم : ۱ ژاندارم، جاندارم.

ژرف : مى. قول، ەمىق، ساكول،

سووتار، سووتال، قولور، قويل،

گولور، گود، كور، گەر (ش).

ۋىندە : مى. چەك، رېپال، شې، شېرە و

## س

س: س۔

سابق: افا. جاران، نهوسا، جارجاران، ساحل: ا. ساحل، بهر، کهنار، روخ. بهرگ، لهه بهر، پيشو، پيشگ، ناچ، قراخ، دهف ناف، دهلاف، پي سابق. جي وهلي (۵). ناف (ش).

سائیدن : م. سایین، ساوین، سوون، ساخت : امف. ساخت، دس و کرد، را سوین، سیوان، و ریس، بهرهم.

ساییدن : م. ساوان، ساین، سوانه وه،  
 ساوین. نهوه ساوای، ساوای (ه).  
 ساختگی : ح.مص. ساخته گی، دس  
 هه بَس، دم هه بَس. چتی کری (ش).  
 پهلجاندن، پرخاندن، هوون (ش).  
 ساختمان : ا.مص.ا. ساختمان، را و

ساج : ۱. ساج، سيل. ريس، بهنا، عومارمت، دهرگا.

ساچمه : ۱. ساچمه. ساختن : ۲. دوروس کردن، خسته‌وه

ساحر : افا. جادو و گهر، ساحر، سحر و سه یوه (ه). چتی کرن (ش).



ساطور



ساس : ۱. ساس.

ساطور : ۱. ساتور. سیف (ش).

ساعت : ۱. کات ژمیر، ساعت، ساعات، سات.

ساختن<sup>۱</sup> : م. سازیان، پی که فتن.

سازنای، ساجنای (ه).

ساخت و پاخت : بدن و بس، زده و بدن، ساخت و پاخت.

ساخته : امف. دوروس گریاگ. چی بی (ش).

ساده : ص. ساکار، ساویلکه، ساده.

ساده لوح : ص. مر. سایلوح، ساویلکه،

سه پول، گوی شور، گوی لوق، لازگ.

سار : ۱. نایله من، گاوانی، ره شوله.

گافانی، ره قشله (ش).

ساربان : ص. مر. وشیره وان. هیشتر

فان (ش).

ساروج : ۱. سارووج.

ساز : ۱. ساز.

ساز زدن : م. ساز لی دان، ساز

زای (ه).

ساز زن : ص. فا. سازنه، موترپ، ساز

ژمن.

سازش : امف. سازش، سازشت، فاشتی.

سازش کردن : م. سازش کردن،

سازیان، سازان، ساجان، ساجنای،

سازیبای (ه). پیک هاتن (ش).

سازگار : ص. فا. سازگار، سازش کار.

سازمان : ۱. ریکخوا، سازمان.

ساز و برگ : امر. تفاق، چمکو قهنگ،

کمال و پیل.

ساعت : ۱. باسک.

ساق (پا) : ۱. پیوز، ساقول، قاج،

قولمه. دوریش، گیتک، گیتیر،

قیت (ش).

ساق بند : امر. پیوزه وانه.

ساقدوش : امر. برازاوا. برازهما (ه).

برازاقا (ش).

ساقه : ۱. ساقه، ساقته، ساق، چل.

ساکت : اف. ساکت، پی دهنگ، وس،

خاموش، خپ، مات، قپو قپ، قهره

قوب، کم دو. کر (ش).

ساکت کردن : م. ساکت کردن،

خاموش کردن، ژیره و کردن<sup>۲</sup>. کر

کرن (ش).

سال : ۱. سال.

۱- سازش کردن.

۲- ساکت کردن بجه گریان.

سال آینده : سالتی تر. سالتی و تر (ه).  
 سالایت، سالاداهاتی (ش).  
 سالک : ا. سالک.  
 سال کم باران : ره شه سال، گاقویر،  
 میا سال، حشکال (ش).  
 سالم : ص. ساق، سالم، تن دوروس،  
 ساخ، ساخ و سه لیم، دوروس، خاس،  
 ساق و سه لیم، خوش. ومش (ه).  
 ناز (ش).  
 سالن سخنرانی : امر. دووانگه.  
 سالیانه : امر. سالانه، سالیانه.  
 سامعه : ژنه وایی، بیایی.  
 سایبان : امر. سایه وان، نافتاو گردان،  
 سایه بان، سه یوان، سه همن، که پر.  
 سه یقان (ش).  
 سایه ۱ : ا. سایه، سیور، ساء، یه سار ۱،  
 نسا ۱. سی (ه). سیبر. ناسوگ،  
 سه، سها، شم (ش).  
 سایه ۱ : ا. تارمایی، ده باب، تاپو،  
 تاپوو، سایه، ده عبا، شوه، سیایی،  
 سییر. سموتک، سویس، سیافک (ش).  
 سبابه : ا. دوشاوه مژه.  
 سبب : ا. هو، سه بعب، بایس، ده لیل،  
 جه همت. هه گهر (ش).  
 سبد : ا. سه و ته، وینه، قولینه،  
 ناشان، ته فت، تولینه، ناشان،  
 ده سه چینه، سه لک، تریان، سه به ته،



سبد





سبو

- سټك (ش).  
سبکباري : ح. مص. بار سوکي.  
سووکباري (ه). بار سټکي، سټک  
باري (ش).  
سبکي : ح. مص. سوکي. سووکي (ه).  
سټکي (ش).  
سبو : ا. گوزه، هالو ، گوزه له، نیمه  
سو له ، به سوو، کووړي ، گوړک،  
کووړه. جه، سهو (ش).  
سبوس : ا. سو، سوک، سو، که لیک  
که پلک.  
سبیل : ا. سبیل. سمیل (ش).  
سبیلو : ص. سمیلوو. سمیلی (ه).  
سبیلوو (ش).  
سپاري : ا. جاي، برنجاي، نالف جاي،  
کولمش جاي، لو جاي.  
سپاس : ا. ته شکور، سپاس.  
سپاسگوزاري : ح. مص. سپاس گوزاري.  
سپا : ا. سپه، سپاه، قوشن.  
سپړ : ا. سپړه، سپړه، قهلقان، مرنال.  
سپړدن : م. سپړاردن ،  
نه سپړده گردن ، داسپړادن.  
نه سپړاي، نه سپړده کړدې (ه).  
نه سپارتن، سپارتن (ش).  
سپړده : ا. مص. نه سپړده، سپړياگ،  
نه مانه تی، سپړده، سپړده، سپړه.  
سپړاو. نه سپاري (ه). نه سپارتي (ش).  
سپړز : ا. سبیل، نه حال، نه سپړول،  
گورگ نه خوړ. تال (ه). دیدک،  
سووه، سپه لیک (ش).
- سپړي گردن : م. سر گردن،  
گوزه رانن، بردنه سره، سر بردن،  
رابړواردن، بگاردن، به پړوه چوون،  
به پړوه بردن، دانيان، رابگردن، بگاره  
دان، را بووردن. وپاري (ه).  
گوزه راندن، قه تاندن، ده رباز  
کرن (ش).  
سپسي : ق. پاش، پاشان، جاء، دوای  
نمړه، دوو اجار، دوای نمړه، له و  
دووا، دما جار. چو دما (ش).  
سپند : ا. قانک.  
سپور : ا. سپور، زبلجی.  
سپهر : ا. چرخ.  
سپید : نک. سفید.  
سپیدار : امر. سپدار، په لگ، سپدار.  
سپیده : ا. به به بیان، به بیان، به بیانی،  
به بیانه کی، سبه بیان، شه سو،  
شه و کی، کازیوه. سبح، تولوع (ه).  
سپیده، سو (ش).  
ستاد : ا. بنکه.  
ستاره : ا. هه ساره، نه ستیره. ستاره،  
ستیره، ستیر، نستیر (ش).  
ستاره صبح : امر. گه لویژ، سووویل.  
گلاژ، گه ژیر (ش).  
ستایش گردن : م. تاريف گردن، خاصه  
وتن، باش کوتن، په سدن دان.  
ستېر : ص. نه ستوور، قول، قانیم،  
کولوفت، زه خم. ستور، قهلف (ش).  
ستېرا : امص. زه خماتی، قلت، رهوق،  
ریس ، کلفتی، بارسایی، ستووری،

کونوتی. قله فی (ش).

سجده، سوزده.

سترون : ص. قس، نه زوك.

سجده کردن : م. سوزده کردن،

ستم : ص. ا. جهور، نائل، زلم، ستم،

سجده بردن، کپنوش کردن،

زور، زینات، بیداد:

به سوزدا چون.

ستمکار : نک. ستمگر.

سجل : امر. ناسنامه.

ستم کش : ص. فا. جهور کش، ستم

سحاب : نک. ابر.

کش، مه زلوم.

سحر : ا. سحره، سلات، سعب.

ستمگر : ص. فا. بی‌پا، نایل، زالم، ستم

سبح (ه). سپیده، سحر (ش).

گهر، زیناتکار، ستمکار.

سحر : ا. افسون، سحر، دم بهس،

که مباح (ش).

جادوو. چم بهس (ه).

ستور : ا. ولاخ، چاره‌وا.

سحری : ص. نسب. ا. پاشیو، پارشپو،

ستون : ا. کوله که، نه ستون، جرزه

پاشام. پارشو (ه). پاشیف (ش).

پالوانه، ستون، سینگ (ش).

سخت : ص. سخت، رمپ، دزوار،

ستون فقرات : امر. ره زله، بربره،

سرخ، سغ، تون، کورگ، چق، توند،

مورتخه. مور و مازی (ه). سنبل،

رقق.

مازیه پشت (ش).

سختان : امر. سختان، رهقان، رویال،

ستوه : چه، سیار، عاجز، ستوه،

سختیان، تیلان. رده، ته تحت (ش).

تنگ.

سخت جان : ص. مر. گیان سخت.

ستوه آمدن : م. سیار بوون، چه رها تن،

چوختی، رح ناسی (ش).

عاجز بوون، ستوه هاتن. تنگ

سخت دل : ص. مر. دل سخت، دل رقق.

نامای (ش).

سخت گرفتن : م. رکا دا بردن،

ستیز : ا. جهنگ، رزم، چنگه پوی،

پادانه گمز، سخت گرفتن، لالی

به بره ره کانو گتیره، داوا، شپ،

برینه‌وه. سخت گرتی (ه).

نه‌ورد، په‌یکار، شیپوران، ستیز،

سخت معامله : ص. مر. چق، چه‌سوو.

گیره و کیشه، مشت و می.

سختی : ص. نسب. سغلت، سغلت،

ستیغ : ا. دوند، پویه.

سختی، ره‌فی، تهمره، تنگان،

سجاده : ا. سوجاده. جانماز (ه).

تومره، کوره‌وه‌ری، توف، تاف،

سوجاج، سجاده، چالک، به‌رمال (ش).

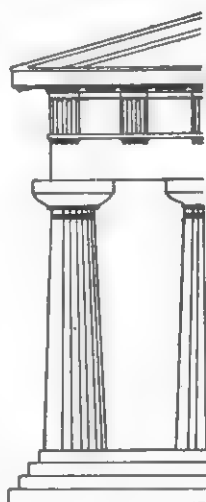
وهی، توفه، تالی، توق، توفه،

سجاف : ا. سجاف، پراویز.

دزواری.

سجده : امف. کپنوش، سجده،

سخن : ا. قسه، وته، جه‌نک، گوت،



ستون

۱. آویزان شدن محتویات بینی، سرازیر شدن مایعات و خمیر مانند ها.



سرباز

خه جلّ، شهرمه نه، سهره فکهنه،  
روورمش، سهر نه ره وسه (ه). سهر  
شور (ش).

سر آمدن : م. چوونه سهر، سهر چوون،  
سهر هاتن. دمایي ثامان، سهر شهبی،  
سهر لووای (ه).

سرانجام : امر. سهره نجام، دماجار،  
ناخر، پاش، ناکام، عاقیبت،  
دوواجار. دمایي، نه نجام،  
دوومایي (ه). سوغین (ش).

سرانداز<sup>۱</sup> : امر. سهره ناز.

سرانداز<sup>۲</sup> : امر. سهره ناز، رووسهری،  
له چک، پوتلاک، نه رحی، سهرپوش.  
خیلی، پوشی، ساروخ، فونک،  
عه ثری، نه بری (ش).

سرانگشت زدن به کسی : نه نگوس  
پته و ژهن. پو ژهنای (ه).

سرانه : ق. سهرانه.

سرآوردن : نک. سپری کردن.

سرب : ا. سرب، ره ساس، قور قوشم.

سرباز : امر. ناوبار، سهر بار.  
چه مهال (ش).

سرباز : امر. سهرواز، سهر باز.

سرباز کردن زخم : درگا کردن، درگا  
بوون. بهره کرده ی (ه).

سربالا : ص. سر. سهره و ژوور،  
سهر بهره و ژوور. سهر بالا، بهره و

ژوور. سهره و کوی، سهر وراز (ه).

سهر ژیهلی، بن نه فرازی (ش).

سر براه : ص. سر. سهر به پرا، سهر به ری،  
گوئی له مشت.

سر بردن : م. بردنه سهر، سهر بردن،  
گوزهرانن.

سربرهنه : ص. سر. سهر په تی، سهر  
به تاک، سهر به تال. سهر کول، قوتین،  
سهر کوئت (ش).

سر برگرداندن : م. لاکردنه وه، سهر  
هه له و گه یانن. لاکه رده وه ی (ه).

سهر زفراندن (ش).

سر بریده : امر. بی کوئل، تیخته.

سر بسر گذاشتن : م. دوان، دوانن،  
سهر فانه سهر، سهر به سهر نیان،  
کورپی گرتن، گه مه پی کردن.

۱. فرشی که بالای اطاق و بالای  
فرشهای دیگر می گسترند.

۲. سرپوش، آنچه بر سر انداخته شود.

سرچشمه : امر. سرچاوکه، چاوگه، سرچاوه، چاووگ. چه مه، سرچه مه (ه).	سر ونه نیای، دیونای (ه). ترانه پی کرن، پهرت کرن، گهلش کرن، سر گرتی کرن (ش).
سر حال : ص. مر. سر حال، به ده ماخ، پتیه بوو. سر و وی (ه). به خو، چراخ، توخیب (ش).	سر بلند : ص. مر. سر بهرز، سه بولن، سر افراز، سر فراز، سر لهند (ش).
سر حال بودن : م. سر حال بوون. به ده ماخ بوون، پتیه بوون. سر و وی بوون (ه). سر خو بوون، به غوه بوون، چراخ بوون، توخیب بوون (ش).	سر بزیر : ص. مر. سر به ژیر. سره ره که و ته (ه). سر ژووردا (ش).
سرحد : امر. سنور، سرز، حد، سرحد، سنور، کهوشن <sup>۲</sup>	سر بهوا : ص. مر. سر به هوا. سرپا : ص. مر. به پاوه، سرپا، سر و پا. مد رایره (ه). سر پیا (ش).
سر حرف ایستادن : م. له بان قه و ویسان. سر و قه مدرای (ه). سر گوشتا راهستان (ش).	سرپایی : ص. نسب. ا. سرپایی، دم پایی، ته قه قان، سول، سندهل، شک.
سر حرف باز کردن : م. سر قه کردنه وه، سر قه دامه رازن. سر ناخووتنی دانان (ش).	سرپا گرفتن بچه : م. داهیشتن، راداشتن، نره داردهی (ه). پیا دان، راهیشتن، راهیلان (ش).
سرخ : ص. ا. سور، سوور، ئال، قرمز، رهو، گوئی.	سر پنجه راه رفتن : م. خنکجه خنج روین، خنکجه کردن. خنجه کرده ی، له نجه کرده ی (ه). سر جمکاری چوون (ش).
سرخساب : امر. سوور او. سوور اقل (ش).	سرپوش : امر. سرپوش، دهر پوش، گوژنه و <sup>۱</sup> دهر واك (ش).
سرخ تند : ص. مر. لال، گول گیزی. نالی توخ، پیازی.	سرپیچی : ح. مص. سر پیچی، سر چلی. سرپیچی کردن : م. سر پیچی کردن، سر پیچانه وه.
سرخجه : نک. سرخك.	سرقاسر : نک. سراسر.
سرخن : ص. مر. مؤز، سر خنر.	
سرخ شدن : م. سوور وه بوون، داگریان، تال داگریان، رهش	

- داگریان ، سوور داگریان، سوور  
 هه لگریان، داگریان. گیئانه (ه).  
 سرخک : ۱. سوور بجه، سوورک،  
 سووریره، سوورکه. سوورلی (ه).  
 سوورک، سووریک (س).  
 سرخ کردن : م. سوورهو کردن،  
 فزاندن (س).  
 سرخ کرده : ص. مف. سوورهو بووگ،  
 سوورهو کریاگ. سوورهو بیهی (ه).  
 سوور بی (ش).  
 سرخ نای : امر. سوورینچک.  
 سرخود : ص. مر. سر خو، خوئی پی.  
 سر و وی (ه).  
 سر خوردن : م. خلیسکیان، سوپیان،  
 سوپ خواردن، خیزیان، داخیزیان،  
 خشیان، داخلیسکیان. خزیای، خزای،  
 خشیای (ه). خریکین، زهلبین،  
 نهقلین، فکین، دهرحه سین (ش).  
 سرخوردن : م. سر خواردن، دل  
 سردهو بوون.  
 سرخوش : ص. مر. سر خوش،  
 سهنگوول، که بفوور. خوش که یف،  
 کی خوش (ش).  
 سرد : ص. سرده، سارد، چیاگ،  
 چایگ، چا. سار (ش).  
 سرداب : امر. زه پسان، هردلو.  
 سردخانه (ه). سرداب (س).  
 سردار : ص. فا. سر دار، سر خیل.  
 سردر : امر. سر بهران، سردهر.  
 سردر آوردن<sup>۱</sup> : م. سردهر هاوردن،  
 پهیا بوون. سر بهر خاردهی، پهیا  
 بیهی (ه). سردهر کهوس (س).  
 سردر آوردن<sup>۲</sup> : م. سردهر هاوردن،  
 حالی بوون، بی زانین، سردهر  
 کردن، سردهر هینان. نه نه  
 ناوای (ه). سر یتانه دهر (ش).  
 سردرد : امر. سر یته، سر یتسه.  
 سردرگم : ص. مر. سر لی شیویاگ،  
 گیز، شیواو.  
 سردسته : ص. مر. سردهسه، باسی،  
 سردهسته، سر تهریه<sup>۲</sup>.  
 سردسیر : امر. سرده سیر، بیره،  
 کیوسان، به نه.  
 سرواست : ص. مر. سر یاس.  
 سروا ه گرفتن : م. بهر گرفتن. بهر  
 گرتی (ه). ری گرفتن (ش).  
 سر راهی : ص. نب. سر رای.   
 سر رسیدن : م. پتا گهین، پتا گیشتن،  
 گهینه سارا، به سارا گهین، به سارا  
 چوون، تهواو بوون. پنه یاوای، تهمام  
 بیهی (ه).  
 سر رفتن : م. چوون، سر چوون، کفه  
 ریتر کردن<sup>۳</sup>، فزه کردن<sup>۵</sup>.  
 شیهی (ه). هلاتن (ش).

۲. سردسته دزدان.

۳. سر رفتن مایعانی مانند سرکه و ...

۱. از کار کی سر در آوردن.

۲. پیدا شدن در جایی به طور ناگهانی.

- سرزارفتن : م. سر زار جیون، سر  
سکه و جیون. سر و له مهو  
لووای (ه). سر مجو و کی جیون  
(ش).
- سر زدن : م. سردان. سردا یونه (ه).  
سرزمین : امر. سر زه وین، ناحیه،  
ناوچه، ناوان، بلووک، حهوزه، خاک.  
قاج (ش).
- سرزنش : امص. نه نهو، سرزنه نش،  
تانه، سرزنه نشته، ده مکۆ، ناک،  
سرکۆ، لۆمه، مهنج و لۆمه. مهنج و  
لۆمه (ه). سرهغه ده (ش).
- سرزنش کردن : م. پی کردن،  
سرزنه نش کردن، سرزنه نشته کردن،  
ده مکۆ دان. پنه کهردهی، مهنج و لۆمه  
کهردهی (ه).
- سرسام : ا. فئی، سراسی، سرسام،  
فرگام.
- سرسخت : ص. مر. سرسخت، حیره.
- سرسره : ا. خلیسکان، خزگه.
- خلووزگی (ه). زه لزه لووک (ش).
- سرسری : ص. نسب. سرسری، گوتره،  
هاکۆ، سهروپورت، سهرزازه کی،  
سهرزازی، سکه ماتی، فلیته،  
گومله ته، سووتاره، سونیه لی،  
لام سهرلایی، حه یته. لووگی،  
ته وهل (ش).
- سرسلامتی : امص. سرسلامه تی،  
سرخوشی.
- سرسنگین : ص. مر. سرسه نگیین،  
دلخوهر، رهنجباو.
- سرشاخ شدن : م. سرشاخ بیون،  
حبه مه ره مزئی کردن. سرشاخ  
گرته ی (ه).
- سرشاخه ۱ : امر. سرشاخه، نازال،  
برال، له یو یو، حوکل، حیکله،  
سهرچیل، سهرله ی، یۆ. په زک،  
سهرچی (س).
- سرشاخه ۲ : امر. هه له یو یو، پویه،  
چله یو یو، سهریویه. سهرچی (س).
- سرشار : ص. پر، لیان.
- سرسب : امر. سرسهو، نیواره،  
خوه راوا، ویره گا (ه).
- سرشت : ا. سورت، سرشت.
- سرشت : ا. فریسک، نه سرین.
- سرشکن کردن : م. داشکانن، دابهش  
کنن، سهرسکیین کردن.
- مارده یه (ه).
- سرشماری : ح. مصد. سهر ژماری،  
سهرژمیری.
- سرشناس : ص. مر. سهر نیاس، سهر  
شناس، به ناو بانک، ناسیاگ، ناسراو.
- سرشیر : امر. تۆ، سهرتۆ، خامه،  
ته واش، تۆژگ، سهرشیر، توی، توی

۱- سرشاخه حشک برای سوختن.

۲- بلندترین ساحه درخت.

شراب.

۵- قرش شدن و کف کردن ماسه.

- شووتى (۵). تووژ، توژال،  
توژ (ش).
- سرطان : ۱. كەوگىرە، سەر پەنجە،  
سەرەنان. كۆلە پەنجە، پەنجەشیر (ش).
- سرعت : امص. سورعت، ناو، ننى،  
پەلە، تونى، ناف، خوئش، كرر.
- سرفه : ۱. قۆزە، كۆكە، قۆخە، قفە،  
كۆخە. كۆخك (ش).
- سرفه كردن : م. قۆزىن، كۆكىن، قۆخە  
كـــــــردن. قـــــــۆزای (۵).
- كۆخىن، قىين (ش).
- سرقلبان : امر. سەرە فلان.
- سر كردن : م. بردە سەر، سەر كردن،  
گۆزەرانى. بە سەر بەردەى (۵).
- سر كرده : امر. سەر كەردە.
- سر كىش : ص. فا. سەر كىش، جەردە،  
حېرە، باخى، لاخلەو، بەد سەر،  
لارە جلەو، بەد لە غاو، بەلەسە،  
جەبە، حىچ، شەعمووز! (ش).
- سر كىشى : ح. مص. سەر كىشى، سەر  
نانكى، باخى گرى، سەدالان.
- سر ك كردن : م. سەر كىستان، ملە تاكى  
كردن، ملە تاكى كردن، سەراسوى  
كردن.
- سر كوب : امر. سەر كوب.  
سەر كوب (ش).
- سر كوفت : امر. سەر كۆنە، دەمكۆ،  
سەر كۆ، سەر كووف.
- سر كوفت زدن : م. سەر كووفت دان،  
سەر كۆدان. دەمكۆ دای (۵).
- سر كه : ۱. سر كه. سەك، سىك (ش).
- سر كىف بودن : م. سەر كەيف بوون.
- سر حال بیهى (۵). كەى خوش  
بوون (ش).
- سر گذشته : امر. چىرۆك، قسە،  
سەرھات، حەكا، یت، سەر گۆزە شتە،  
دەسان، سەربووردو.
- سر گردان : ص. ئاوارە، سەر گەردان،  
تەرە، تەرە و توونا، عوارە، باشلا،  
بى خان و مان، سوخت، سەرلى  
شویا، سەیلان، لانەواز، چەواشە.  
عەقدال، عەقارە، قیلەمە، بلەنگازە،  
بەرىدە (ش).
- سر گرفتن : م. سەر گرتن.
- سر گرم : ص. مر. سەر گەرم، خەرىك،  
خجل، مەسعود. مەرۆل (ش).
- سر گرم بودن به كارى : تاوژىن، مزۆل  
بین، سەر گەرم بوون، خەرىك بوون.
- سر گرمى : ح. مص. سەر گەرمى،  
بىزگال، كاپە، گەمە.
- سر گشته : ص. مف. باھىر، خىرە،  
سەر گەشتە، سەر شویا، حەيران،  
ئاوارە، سەر شىت، سەر كۆتەر، سەر  
سبوناگ.
- سر گىجه : امص. ۱. سەر گىژە، سەر  
گىجە، رەمل، سەرە خولتى.
- سر گىن : ۱. سەنیر، پەین، قەرسە فول،  
لاس، شياكە. پەینە، سەورو (۵).
- كۆلە، تۆسل، تەردە (ش).
- سر گىن خشك شده : گەمە، پەگى،





سَرنا

- نه پاله، سه تیر.
- سر گین غلطان : امر. قهر سه قول
- سَرنا : ا. سورنا، سِرنا، زِرنا، زورنا.
- تله و کهر، گووخله و کهر، گووخلینکه،
- سِرناوای (ه).
- کیز، گاززَلک (ش).
- سِرنا زدن : م. سِرنا زهَن، سِرنا لی
- سِرما : ا. سَرماء، رَج. سَردا (ه). سِر،
- دان. سِرنا دایونه، سِرنا ژهنای (ه).
- سه قم (ش).
- سِرنا زَن : ص.فا. سِرنا ژهن، سِرنا چی،
- سِرما خوردگی : ا. چایمان، چایمانی،
- زورنا ژهن.
- باپهر، چایمانی، بابیننی، رهونج.
- سِرند : ا. سَرهَن، بَیژنگ، کارماخ،
- واپهر، ئالامت، چایمان (ه).
- کمه. وِیچنه (ه)، سَرهَد (ش).
- فر فینگ، ئارسم، ئاسرم، ده مهنی،
- سِرند کردن : م. سَرهَن کردن،
- په سیف (ش).
- برارنن، بژاردن. سَرهَد کرن (ش).
- سِرما خوردن : م. باپهر کردن، سَرماء
- سِرنگون : ص. سَهر گَوم، ده مهو
- خواردن، چایمان کردن. سَردا بیی،
- نو خون، ده مهو یوو، نو خون، ئاواژ،
- واپهر کرده ی (ه). سِر لی دان (ش).
- ئاوه زوو، پشتو یوو، سَرهو نو خون،
- سَرمازده : ص.مف. سَرماء بردوو، سَرماء
- سَهر نو خون، پَپ، هَئدیریاگ.
- بردگ، پایزه رَیزه. سَردا
- به رپاش، قازی (ش).
- به رده (ه). سِر لی بری (ش).
- سِرنگون شدن : م. نوخونهو بوون،
- سَرمایه : امر. سَرمایه، ده مایه، مایه.
- ده مهو نو خون بوون، سَرهو ژیر بوون.
- ههی (ش).
- نوو نیاوه بیی (ه). سَرنو خون
- بین (ش).
- سَرمایه دار : ص.فا. سَرمایه دار.
- سِرنگون کردن : م. ده مهو نو خون
- سَرمشق : امر. سَرمشق.
- کردن، سَرهو نو خون کردن، سَرهو
- سِر مقاله : امر. سَرو و تار.
- ژیر کردن. نوو نیاوه کَهرده ی (ه).
- سَرمه : ا. سورمه، کل، کَلَه.
- سَهر نو خون کرن (ش).
- سَرمه ای : ص.نسب. سورمه یی.
- سَرنوشت : ا. سَرنوشت، چاره نووس،
- هوزه (ه).
- خوانووس.
- سَرنیزه : امر. سَره نه یزه. سَهر
- سَرمه دان : امر. سورمه دان، کَلدان،
- نژده (ش).
- کَله دتآن. قهولق، کَلتور (ش).
- سَرو : ا. سَول، سَرو.
- سَرمه کشیدن : م. رشتن، رَژنن،
- سَروا کردن دمل : درگا کردن، درگا
- ره ژتن، کل کِشان، ره شته ی (ه).
- بوون. به ره کَهرده ی (ه).
- سورمه کِشان (ش).

سرودن : م. هوننه وه، وټن، هونن.  
 سرور : ص. سهروه، سهروك، گهوره، سالار.  
 سرور : ا. نادى، بسكه، پله زيقان، خوهنى، نه بله كو. وهنى (ه).  
 سرو سامان : امر. سر و سامان.  
 سرو صدا : امر. قاله، قباله قال، قاووهو، دهنگ و باس، ههرا و بهزم، زلزله، قاوو قيز، فاهه قاو، قوو، گاله، گاله گاله، ههرا.  
 سرو صورت : امر. سر و بهك، سر و سهكوت، سر و ميمن، سر و گوتلاك، سر و سوورمت.  
 سرويس : ا. راژه، خرمب.  
 سر هم بندي كردن : م. سه رهم بهنى كردن، گه لاله كردن. سه رهم بهسى (ه). سه ريگ نيان (ش).  
 سري : ص. سبه. سري، نهټى، يتوار.  
 سريدن : م. خزبان، خليكيان.  
 سريش : ا. سريس. نه ستريلك، جريش (ش).  
 سريشم : ا. سريشم، سريشم، فيلم.  
 سريج : ص. سون، تيز، گورج، به به لامار، كرژ، خيبرا، به گور، به گوژم، كرژ و كوټ، پرتاو. خوس، پرتاف (ش).  
 سرين : ا. كهفل، ولمه، سمت، سمتول، كه پهل، لاتهريزه، لاتراف. كوليمك، كه ماخ، كاماخ (ش).  
 سزا : ا. جهزا، توله، نهجر، مز، پاداش، پاداشت، حق، سزا، نيزا، جويران، قهرهوى.  
 سزا دادن : م. سزا دان، جهزا دان. عهزيت كردهى (ه).  
 سزاوار : ص. مر. شياو، شايان، شايسه، سزاوار. تاشيه (ه). ره جل، خورهگ (ش).  
 سست : ص. سس، سټپ، پريپوله<sup>۱</sup>، شل، فل، فش<sup>۲</sup>، پلپنه به سنگ، سته بهله، شلهزه، ريپول، كورووز. سس، لوژ، لوس (س).  
 سست شدن : م. سس بوون، فل بوون، سلو بوون، دل خاوه بوون، فتهو بوون. سس بهى، فش بهى (ه). لوس بين (س).  
 سستى : ح. مص. سسى، ره خنه، بي هيزى، زه حف. لوژه، ستى (ش).  
 سطر : ا. دتر.  
 سطل : ا. سه تل، زهرهك، دوول، بهره ج. سابل (س).  
 سعادت : امص. به خه وري، سه عادم.  
 سعى : امص. كوئس، خه باب، ههول،



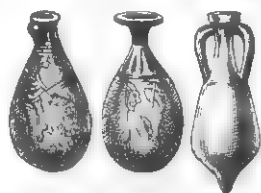
سطل

۱ - كنهه ايست مانند آنكه در زبان فارسي گفته مى شود «آل قد سل است مانند ماست مى ماند»، معنای

كلمه «اوماج» است.  
 ۲ - سنى نوده يشم و پنه را گویند.

پتھو. نېقم (ه). پتھف، سخ، سخ،  
بوند، قايم (ش).  
سفت شدن : م. سفته و بون، يَلَب  
به ستن. سفته و يهي، نېقمه و يهي (ه).  
پتھف يين، قايم يين (ش).  
سفتي : ح مصد. سفتي، شفي، ره في.  
قايمي، پتھفي (ش).  
سفر : ا. سفره، مسافرت، گهشت.  
نوغر (ش).  
سفره : ا. سفره.  
سفليسي : ا. پوونك، سفليسي، كووف.  
سفيد : ص. ا. چهرمگ، چهر موو.  
چهرمه (ه). سي، سفي (س).  
سفيداب : امر. سپاو، ديمه سوره،  
سياف (س).  
سفيدار : نك. سيدار.  
سفيدك : ا. دودك. سيدك (ش).  
سفيدگر : ص مر. ا. مسگر،  
سي گدر (ش).  
سفيدگون : ص مر. چهرمه لانه. سپات،  
سيواس (س).  
سفیده تخم مرغ : چهرمینه، سپينه.  
سيلك (ش).  
سفیده صبيح : امر. سولات، شفهق،  
شبهق، سيده.  
سفیدی : ح مصد. چهرمگی. سپاهي،  
سپايي، سيني (ش).  
سفير : ا. سفير، نيلجي، باليوز، سر

ه قالا، نيكوشان، بويلاش، داکوکی،  
تلاش، کوشه، دمی و یا.  
سفارتخانه : امر. باليوز خانه، شاهه نر  
خانه، شاهه ندر خانه.  
سفارش : امص. سفارش، سفارنت،  
په پيام، په پيام.  
سفارش دادن : م. سفارش دان.  
سفارش کردن : م. سفارش کردن،  
سپاردن، راسپاردن، سپارین،  
داسپاردن، نِسپارتن.  
سفارشی : سفارشی، سپاریاگ،  
نه سپرده.  
سفال، سفالين : ص نسب. هدرگينه،  
قوپرين، گلین. هدریز (ه). قافك،  
ناخي، كوري يی، كریج،  
سوالهت (ش).



سفال شکسته : ص مر. کله که، کاسه  
کله، کيلك (س).  
سفاهت : امص. گيلی، گهوجی،  
نه حمه في.  
سفت : ص. سفت، پتھو، فورس،  
چق ۱، رهق، محکم، رهق، سخت،

سانه مر، بالوتر. نهره كهوتى، كهونهيره (ه). تهره  
سفيه : ص. گهوج، باله، نهحمه، بوون (ش).  
ههرد، دهيرى، گيج، بل، سهفتى، سكه : ا. سهكه.  
خول، گييل، نهزان، بىمهزگ، سكسكه : ا. نرگهره. نيك (ش).  
بلهجهش، جهيش، خهسو، خهسيم، سكسكه بعد از گريه : نكه. بهره  
سابلوح، نهقام، لالهوز، چوبيك، نيكى (ه).  
حهيهنگ، جاهيل، سهفتى، سکنجین : ا. سكهحهمى.  
ريشگا، نادان، گوى شور، گوى سکندرى خوردن : م. لهتر دان.  
لهق، لازگ. سكه : دانيتوان، سهكهنه.  
سقى : ا. ناسمانى دهه، نانكه. سكو : ا. سهكو، خواجه شين. دك،  
سقا : ص. سهفا، ناو كى. دوشك (ش).  
سقاخانه : امر. سهفاخانه، ناوار خانه. سكوت : ا. سوکووت، خاموشى، قهره  
سقىز : ا. جاجكه، جاحكه، چاحك، فوب. كرى، مانى (ش).  
جاجك. ويره (ه). بشيب، سكوت كردن : م. سكووت كردن،  
بهووش (س). مووس كردن. سكووت كردهى (ه).  
سقط شدن : م. سهفب بوون، نوئين، كر كر (س).  
مرداره بوون. نوئى، ميرهدهى، سكون : ا. سكوون، نارام، قهرار،  
مردار بيهى (ه). زنگرين، سيابن، نارامش، زهه.  
سكيشن، سهكهف بين، بازدان، سكه : ا. سكه، دراو.  
جوحمين، بهرين (س). سگ : ا. سهگ، سهى، سيلوت، گهمال،

سقط كردن : م. زبان كردن، بهر  
خستن، بار خستن، دافراين، سهفب  
كردن، بهر وسهى (ه).  
سفف : ا. سهفف، سرمبج.  
بهودارا (ه). بان، ساينك (ش).  
سقف دهان : نك. سى.  
سفلمه : ا. سوخورمه، روكمه،  
زوخورمه، گورمس.  
سفرط كردن : م. حهوانجه بوون، بهرب  
بوون، ههوانجه بوون، داكهفنن.



ورده ورده روبن، سه لانه سه لانه

روبن. ورده ورده لووای (ه). هندی

هندي حوون (س).

سلمانني : ص. نسب. سلمانني، سهر ناس،

دهلاك، نارابكه، بهر بهر.

سلمانني : امر. نارابشگاه، دهلاك خانه.

سليس : ص. رهوان.

سليطه : ص. بي حهيا، دامالياگ،

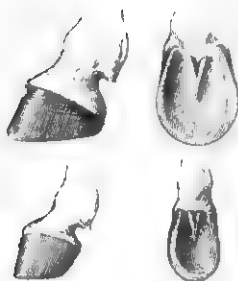
سه لينه، كاوئي، داشورباگ، دهراشو،

حهوره، فلهينه، ده سهر. به قليسوك،

تلوخ، دهليفاني (ش).

سليقه : ا. مرخ.

سُم : ا. سم، نافولاخ<sup>۲</sup>.



سُم : ا. سم، زههر، زهحر.

سماجت کردن : م. سه سماجت کردن،

پادانه گز، پادا گرني، رك بردنهوه،

رك دابردن. پا نهره گرني، پا داي

گهز، سه سماجت كهردهي (ه). رك

برن، حيرك درتري كرن (س).

باسكه سه گ ، دهق ، گزَل ،

دهر ، دسل . سووه (ه). سه.

كوحك، راز سه (س).

سگ آبي : امر. سه گاو، سه گ ناوي.

سه گافت، سه ياف (ش).

سگ توله : امر. قل، نووته كوته، نووله

سه گ، تول، سه گ نووله.

سگ جان : ص. مر. گيان سه گ، سه گ

گيان. جان سه (ش).

سگك : ا. سه رهزووانه، ناوزووانه،

سه گهك.

سگ مگس : امر. سه گ مه گز، مته

سه گانه. مه سه گائي (ه).

بيسوي سه، مته سه (س).

سل : ا. سل، نازاره باريكه، موزي،

بنيسي، نازارسي، ده رده باريكه،

ره ته سيل<sup>۱</sup>.

سلام : ا. سلام، سلاو. سلاف (ش).

سلام کردن : م. سلاو کردن، سلام

کردن، سلاف كرن.

سلامت : امص. ص. سه لامهت،

سه حهت، خواهشي، نهان دوروسي،

سافي، ساق. وهشي (ه). ساخ،

ساغلم (ش).

سلامتي : ح. مص. سه لامهتي، خواهشي،

ساخي، ساغي، ساقی.

سلانه سلانه رفتن : ورده ورده چوون،

۱. سل بيس رفته.

۲. دوسي.



سنجاب

سماق : ۱. سماق، سوك (س).

سماور : ۱. سماور.

سماور ساز : ص. فا. سماور ساز.

سمت : ۱. سمت، لا، نهر، لاه، نهر، هف.

نالی، رهخ (س).

سمج : ص. سمج، سمج، ركن.

سمسار : ص. ۱. سمسار، ورده فروش.

سمند : ۱. زهر دگ.

سمو : ۱. سمه، منی.

سمور : ۱. سموره، سفوری، سیوره،

سه فوری.

سن<sup>۱</sup> : ۱. سن، کیسه، له، سوون (ه).

سك (ش).

سن<sup>۲</sup> : ۱. سن، سن، عومر، به من،

سال، سیره.

سنایور : شانوانامه.

سباده : ۱. سمانه، سمانه (س).

سبل : ۱. سبل، سومبول.

سبل الطیب : امر. سم نهیم.

سنبه : ۱. سمه، زمه (ه). سم، دسرك،

حانكش (س).

سج : ۱. زنج، سج.

سنجاب : ۱. سناو.

سنجاق : ۱. سنجاق.

سنجاقك : امص. چوكله فنگه، یوسكه

به هوونه، ناو روونكه، ناو روسته و

كه، ره، یووشه فگه، دوومه



سن



سدان

هسك (س).

سنجد : ۱. سربنچك. سنجوو،

سحوی (ه). سنجی (س).

سنجش : امص. بهراوه، بافی،

سبحس.

سنجیدن : م. بهراوه، كردن، نافیه و

كردن، نه نازه گرس، بیوان، کیسان،

رسم.

سند : ۱. سنده، ههاله، ههاله، بجاخ.

سندان : ۱. دهزگا، سنان، سنگان،

سداك (س).

سنگ : ۱. كوحك، بهرد، سهنگ.

هوهن (ه). بهر، كهمر (ش).

سنگ آتش زنه : امر. كوچك چه خماخ،

بهرد نه سنی. هوهن چه خماخ (ه).

بهرد حه حماق (س).

سنگ آسیا : امر. هاره، بهراس،

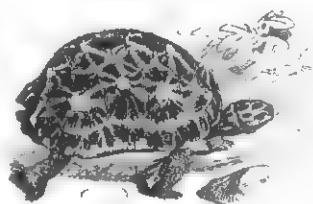
بهرداس. بهرداش (س).

۱. حشره ایست آفت گندم.

۲. سال، عمر.

چله دان (ه). سیل دانك (ش).  
 سنگ دل : ص. مر. دل رفق.  
 سنگر : ا. جان پهنا، گیان پهنا، سهنگر.  
 ستار، تایی (ش).  
 سنگ ریزه : ص. مر. ریخ، زیخ، پیتك،  
 ورده. كوچك. زغرڪ، زه گره،  
 خیز، (ش).  
 سنگ زبرین آسیا : امر. هار، سهر هار.  
 سنگ زیرین آسیا : امر. ژیر هار، چیر  
 هار (ه). بهره ناشی به (ش).  
 سنگ ساب : ص. فاء. امر. هسان، بهره  
 ساو.  
 سنگسار : امر. بهره ناران.  
 سنگ شور کردن : م. بهره شور  
 کردن.  
 سنگ شیشه : امر. ریژه.  
 سنگ فرش : ص. مر. تهخته پویش،  
 سهنگ فرش، كوچك فرس. دویس  
 بدن (ه). بهر فرس (س).  
 سنگ گور : امر. کیل. کتله (ه).  
 سنگك : ا. سهنگه کی. سهنگك (س).  
 سنگلاخ : ص. رهفان، زیران، بهره لآن،  
 بهردانی، سهنگلاخ، زریان، ریخه لآن.  
 بهسه بهر، بهسه (س).  
 سنگ نازك و پهن : سهله سهنگ.  
 بوختان (ه). سهله بهر (س).  
 سنگین : ص. نسب. سهنگین، قورس.  
 گران (ش).  
 سنگین شدن در اثر تب : داگیران،  
 داگرسان، داگیران، سهنگین بوون.

سنگ به حجمی که بتوان پرتاب  
 کرد : پهله، پهله پیتك، پهله پیتكه.  
 كو (ه). سهل (ش).  
 سنگ بزرگ : ص. مر. امر. تله سهنگ،  
 گا بهرد، گا كوچك، تاش، تاویر.  
 زفار، كه نهك، حیب (ش).  
 سنگ یا : امر. یاسور، بهره پتی، پتی  
 شور.  
 سنگ پرانی : ح. مص. پهله فری. نهوه نه  
 فری (ه).  
 سنگ پشت : امر. کیل، سیله، کاسه  
 لب، رهه. كهوسه،  
 كسو (س).



سنگ تاشه : ص. مر. امر. ناسه سهنگ،  
 ناسه كوچك. ناس (ه).  
 سنگ تراش : ص. فاء. سهنگ سراس،  
 كوچك ناس، كوچك سراس، بهره  
 ناس. نهوه ناس (ه). بهر سراس (س).  
 سنگ چخماچ : بك. سنگ آس زه.  
 سنگ چین : ص. مف. امر. حزن، كه لهك،  
 كوچك چس، چهنگ حین. نهوه نه  
 چین (ه). بهر چین (س).  
 سنگدان : امر. چیلدان، كوله زرك،  
 كوتوزرك، سبی، جیكلدان.

داهرزانه. فورس بیهی (ه). گران	سوا شدن : م. جیا بوونهوه، تهریک
بین (ش).	بوون، سیوا بوونهوه، ناوارته بوون.
سنگین و سیک کردن : م. تا و توو	جودا بین (ش).
کردن، سوک و سهنگین کردن. ههله	سوا کردن : م. جیاوه کردن، سیوا
نگاندن (ش).	کردن. جودا کرن (ش).
ستی : ص. نسب. سونی.	سؤال : ا. پرسیار.
سو <sup>۱</sup> : ا. سوو، ناسوو، ناسو، سوما.	سؤال کردن : م. پرسین، پرس کردن،
سو <sup>۲</sup> (ه). روناھی (ش).	برسیاری کردن. پرسای (ه). پرسیار
سو <sup>۳</sup> : ق. ا. جههت، روو، شوئ، لاین،	کرن (ش).
به، لا، همت، تهرهف.	سوای : ق. سهوای، بلی، بهغهیر له.
سو <sup>۴</sup> : ا. سوو، رههه، نژارد، تهوار،	سوت : اص. سووت، فیهه، فیکه.
سچینه.	فیت (ش).
سو <sup>۵</sup> هاضمه : لوقه.	سوت زدن : م. سووت کیسان، سووت
سو <sup>۶</sup> : ص. جیا، تهریک، جیاکار، سیوا،	لیدان، فیهه کردن، فیکه کردن. سووت
جیاواز، ناوارته. لایعه، جودا (س).	کیسانی، فیکه گهردهی (ه). فیت لی
سواد : ا. سهوا، سهواد.	دان، فیتی دان (ش).
سواد : ا. رهشایی، تارمایی، سیایی،	سوت سوتک : امر. مین فیهه، فیهه (ه).
ناپو. تارما (ه).	فیت فیتوک (ش).
سواد دار : ص. فا. خوهنهوار، سهواد دار.	سوت شدن : م. پهرت بوون. پهرت
سوار : ص. ا. سووار.	بیهی (ه). پهرت بین (ش).
سوار شدن : م. سووار بوون. سووار	سوت کردن : م. فره دان، پهرت کردن.
بیهی (ه).	سوخت : ا. سووخت، پهلوشه.
سوار کار : ص. فا. سووار کار، سووار.	سووت (ه). سووتهنی (ش).
سوار کردن : م. سووار کردن.	سوخت زمستانی : ناژال، ناژاله.
سواره : ص. سوواره.	کیله (ش).
سواری : ح. مص. سواری.	سوختن : م. سووتیان، سووزیان،
سواری دادن : م. سواری دان.	سوتن، پرووزیان <sup>۲</sup> ، کزیان <sup>۳</sup> ، گزیان،

۱ - روسی، روستایی دیده.

۲ - جهت.

۳ - نژاد، ریه.

۴ - سوختن پوست مودار و حرم و غیره.



- سوتیانوه<sup>۱</sup>. سوتی، پرووزیای ،  
 سوچیای، گپنای (ه). سووتن،  
 سووختن (ش).  
 سوختن دماغ و جای  
 شلاق : نووزیانهوه، سولاندنهوه،  
 چووزیانهوه، کزاندنهوه، بووزانهوه،  
 چووزانهوه، چوزانهوه، کزانن،  
 کزانهوه، کزیزانهوه، تووزان،  
 سولانهوه. تلورمایوه (ه).  
 سوختن دهان با غذای تند : بونیاهوه،  
 بووزانهوه.  
 سوخته : امف. سووخته، سووزیگ،  
 سووزیایو، سوویاو، سوویوو. سوبه،  
 سووته (ه). سووی (س).  
 سوخته سیگار و کاغذ : سووتک.  
 سود : ا. قازانج، سوود، باره، بهره.  
 سودا : ا. دا و یسین، سهوا، سهواد،  
 مامهله، دا و به.  
 سوداگر : ص. سفک. سهواگر،  
 بازرگان، ناجر، کاسب، سهوداگر.  
 سود بردن : م. فایه بردن، سوو بردن،  
 نهف کردن، خمر کردن، سوو کردن،  
 قازانج کردن.  
 سور : ا. مسمانی، سوور. مسمانی (ش).  
 سوراخ : ا. کونا، کون. وله (ه).  
 سوراخ بینی : امر. کونا لوت، برناخ،  
 خمخک. کونکه دفن (ش).  
 سوراخ تنور : گولینه. گولوه (ه).
- چاڤک، چاقیا تەندووری (ش).  
 سوراخ سوزن : کونا دهرزی.  
 سوراخ سنگ آسیا : گهره. گهر (ه).  
 سوراخ کردن : م. کونا کردن، سمین.  
 وله کهردهی (ه). کون کرن (ش).  
 سور چران : ص. فا. سک لهوه رین. لهه  
 لهوه رن (ه).  
 سوز : ا. سۆز، سۆزه. سوڤ (ش).  
 سوزاک : ا. سووزاک، سووزه سک.  
 سووزه نک (ش).  
 سوزاندن : م. سووزانن، ناگر دان،  
 سووانن، گردان داگرسانن.  
 سوز سرما : کزه، جه بهره، جهوه ره،  
 سوله.  
 سورش : امص. سورس، حل، حله،  
 سوله. کره، حلی (ه).  
 سوزش دل : چۆه ی دل، کزه ی دل،  
 کوله ی دل. هرچهو دلی (ه).  
 سوزش ضربه و شلاق : بووزه، کره،  
 کاوه.  
 سوزن : ا. دهرزی. چهنی، چهن (ه).  
 سوورن (ش).  
 سوزن کاری : ح. مص. دهرزی نازن،  
 دروومنی. جه نازو (ه).  
 سوسک : ا. سیرک، سفره پره، فولاخه.  
 سوسمار : ا. مار مزووک، مارمولکه،



فمموك، هوزبانه، سووسمار.

گوشه (ه).

سوسن : ا. سهوسك، سووسه.

سهل : نك. آسان.

سوسنبر : ا. سسه مهر، سسه نهر.

سهم : ا. سه هم، ناره چه، موچه، پشك،

سوسو : ا. مرووكه، پرشه، سوله،

بهش، باره، هق، براهش، قسمت.

برسگ.

پشك، يار، بوهر، بهر (س).

سوسيس : ا. باستورمه، داسورمه.

سهم فقير از حرمين : خهرمان لوح.

سوعات : ا. سهوقات، دمس هرتفانه،

سهمگين : ص. مر. سامناك، برسناك، سام

دنارى، ديهارى (س).

دار، سام اوهر. سافى، سافدار (ش).

سوك : ا. گوشه، كونج، سووچ، هوزين.

سهيل : ا. گه لاويز، سووهيل، گلافيز،

سوگ : ا. پرسه، خهم، خهفت.

گه قير (س).

سوگند : امر. قهسم، سووند، سوين،

سهيم : ص. بهس دار، هاو بهش،

سوينا. سوبگ (ش).

نهريك، يسك دار، مووچ بهر، بهس

سوگوارى : پرسه، عازيه تى، نازيه تى.

بهر.

سوم : سى بهم.

سى : سى.

سوهان : ا. موره، سووان. مبهره (ه).

سياحت : امص. سپر، گه سب،

كارتبخ، كانيك (ش).

سه حاجت، سه رانك.

سوهان زدن : م. سوواندن.

سياست : امص. رامبارى.

سوى چشم : امر. سوما.

سياستمدار : ص. فا. رامار.

سوئه : ا. سوو، عهسل، نژاد.

سياه : ص. ا. رمس، سياه، سياهو، سياه،

سه : سى.

متكى، هه نووسى.

سه پايه : امر. سى پايه، سى پى، ديز پا.

سياه آب : امر. ره تاو.

سهروز پيش : ق. پهسر پيره كه. بهر

سياه بخت : ص. مر. سياچاره، بهخت

بتر (ش).

رهش، بهد بهخت، سيارو، رۆز رهش،

سهره : ا. سه بره.

چاره رهش، قه شال، قه شقه، كولول،

سه سال پيش : ق. پهسر پيراره كه. بهر

كرۆل، بهد نكين. باركه ته (ه).

پترار (س).

سياه پوست : ص. مر. امر. قوله ره شه.

سه شنبه : ق. ا. سى شه مه، سى شه موو.

سياه پوش : ص. مر. رهش پوش، عازيقت

بهده شه (ه). سى شه بى (ش).

بار، قه لآخى پوش.

سه گوش، سه گوشه : سى گوش،

سياه تند : ص. مر. قه نووسى.

سى كۆنج، سى بالوو، سى گوشه. بهر

سياه چادر : امر. ره شمال، سيامال،



سوهان



سياه پوست



سیب زمینی

دهوار، سیاچار، تاول.

سیاه چال : امر. چاله ره شه.

سیاه چرده : ص. سر. رمش ناله، سا

حدرده، ناله، رمش ناله، رمش باوه

سهوزه، رهسکهله، رمس کار، سیا

ناله، سیا زهندووق. به حلك، رمش

نه سمر (ش).

سیاه رگ : امر. ره شه ده مار.

سیاه زخم : امر. ره شه بهر، لاره سه،

ناگره. دالاخ (ش).

سیاه سرفه : امر. موزه ره سه، کوخه

ره شه، کوکه ره سه. کوخه

سین (ش).

سیاه فام : نک. سیاه چرده.

سیاه و سفید : رمش و حمرگ، جین،

دانا مه، رمش به لگ، سیاو چهرمی.

باز بازه لئی (ه). رمش و سی (س).

سیاهه : ا. سیاها، ریر، سوورم.

سیاهی : ح. مصد. ساسی، ره ساسی،

نارمایی، نارکابی، نارما، سیاوی.

نایو (ه). سیاهی، ره سی (س).

سیب : ا. سیف، سیو، سیف سووره

ساوی (ه). سیف، نالور (س).

سیب زمینی : امر. سیف زهوینی، سیفه

زه مینی، په تانه، سیو زه مینی. سیفک،

فوی توپی، کروتوپ، رتاخ (س).

سیب زمینی ترشی : سنس هرد.

گره رگی (ه). کرکره (ش).

سیخ : ا. سیخ، زهرگ، بستک، شیش،

شوش. کاش (ش).

سیخک پای خروس : قولاپ.

جملک (ش).

سیخونک : ا. نه قیزه. زهخت،

شهبیک (ش).

سیخونک کردن : م. نازووان، نه قیزه

دان.

سید : ص. سهی، سید.

سیر<sup>۲</sup> : ص. تیر، تهسل، تیر و تهسل.

سیر (ه). هری (س).

سیر<sup>۲</sup> : ا. سیر. سیرک (س).

۱- زلف لفل نمکی.

۲- در مقابل گرسنه.

سیر<sup>۱</sup> : ص. سیر، بلوڅ، هلخ، بوند.  
طاری (ش).  
سیرآب : ص. سر، امر. ستراو.  
سیراو (ه). تیراف (ش).  
سیراب، سیرابی : سیراوی، گادک،  
گه دگس، گسال. نه سسه مه،  
گه دتی (ه). هورک (ش).  
سیراب شدن : م. ستراو بوون، هسیان.<sup>۲</sup>  
سیراو بیی، سیانه وه<sup>۳</sup> (ه). تیراف  
بین (س).  
سیراب کردن : م. ستراو کردن،  
هسانن. سیراو کهردهی (ه). تیراف  
کرن (س).  
سیر شدن<sup>۴</sup> : م. ستر سوون. سیر  
بیی (ه). تیر بین (ش).  
سیر شدن<sup>۵</sup> : م. بیزان، بیزای (ه).  
سیر کردن : م. تیر کردن. سیر  
کهردهی (ه). تیر کرن (ش).  
سیره : ا. سهره.  
سیزده : عدد. سیانگزه. سهینگزه (ه).  
سیزده (ش).  
سیزده بهدر : سیانگزه بهدر.  
سیصد : سی سده.  
سیگار : ا. جگهره، سفار، سگار،  
جفاره، حکاره.  
سیل : ا. لیزماو، لاخیز، لی به، لاسامه،

سهل، لافاو، لاپاو، سهیلاو، لوتاو.  
لی مست، لیقی (ش).  
سیلاب کندن : م. داسچانن. لافاو  
بهردهی (ه).  
سیلی : ا. زیله، سههلیزه، جهاله، جهک،  
سههزیله، سهیلاخه، سهیاله. سیله،  
سهیلاخ (ش).  
سیلی زدن : م. زیله لی دان، جهک  
وهسانن. سهیلاخه دانونه، جهک  
سانای (ه). سیله لی دان، سههلی لی  
دان (س).  
سیم : ا. سیم. نل (ه). یل (ش).  
سیما : ا. دیمه، سما، رووم،  
روواله.  
سیمان : ا. سنب.  
سیم کشیدن<sup>۱</sup> : م. ناو جز کردن.  
سینه : ا. سسه، یالوو، سگ،  
سگ (س).  
سینه بند : امر. بهرک، سینهه، سینه  
بهره، بهروانک، هههر بهن،  
لایره. بهرمانک (س).  
سینه بند اسب : بهر سینه، وهرک،  
لایره.  
سینه پهلو : امر. سینه یالوو، زاترجه.  
سینه سای : امر. گاولکی.  
گاولکی<sup>۲</sup> (ه). جنگا جون (س).

سینی : ا. سینی، بهر گمش، فاوه سینی، نه جمه، نه جمه.



# ش

شاخ به شاخ : شاخ به شاخ،

همه ره مزی، بربه کانی، که له زهری.

شاخدار : ص فا. شاخار، قوچدار،

شاخدار.

شاخ زدن : م. شاخ لی دان، شه په شوق،

شه په قوچ، شاخ وه شانن، قوچ دان،

قوچ لی دان.

شاخ شانه : امر. شاخ و شانه، هه په شه،

گوره شه، هه په شه و گوره شه.

شاخ و برگ : لهق و پو، پز و پو، پهل و

پو، شاخ و برگ. حن و یلگ (ش).

شاخه : ا. شاخه، چل، لهق، حاجه

جی، هچک (س).

شاحه تازه نارك : جوسوز، جوسوز،

ش : ش.

شاباش : ا. شواش. شاباش (ه).

شاباش کردن : م. شواش کردن،

زهروه شان کردن، پوولی به سهرا

کردن. شاباش کرن (ش).

شاخ : ا. شاخ، قوچ.



گهسه، بهر حورك، حهلف، سته (س).  
شاخه جوان هو : بهرزه، میوه‌رل،  
به‌رزه، سرك، سینه (س).  
شاخه گل : لهف، بهل، چل، ساخه.  
شاحی : ص. نسب. شاحی.  
شاد : ص. ساد، گهس، خوه‌شحال،  
به‌كه‌دف، خوه‌ش، خوره‌م. وه‌شحال،  
سهر وئی (ه). كهی خوئس (ش).  
شاداب : ص. مر. شاداب، به‌فهر، گهس،  
باراو.  
شادباش : نك. شاباش.  
شادروان : امر. خوالی خوش بوو.  
شادمان : نك. شاد.  
شادمانی : ح. مص. شابانه، بكه، خوئی،  
چه‌پله‌ریزان، پله‌زقان، شایی لوغان،  
شایانی، گه‌شی، گه‌شه، خوه‌شحالی،  
ته‌پله‌كو<sup>۱</sup>، لوئك<sup>۲</sup>.  
شادمانی تولد پسر : كوپانه.  
شادی : ح. مص. شادی، بسكه، خوه‌شی،  
پله‌زقان، ته‌پله‌كو<sup>۱</sup>، گه‌شی. وه‌شی (ه).  
شادی كردن : م. خوه‌شی كردن، بسكه  
هاتن، شادی كردن.  
وه‌شی‌كهردهی (ه). كهی خوئی  
كرن، گه‌شه‌كرن (ش).  
شارلاتان : ص. گه‌پروئش، قیلّاز.  
شاش : ا. زاراو، گمیز، میز، شاش.  
قوك (ش).

شاش بنده : ص. مر. امر. ساس‌به‌ن.  
شاش دان : امر. میزبانگ، میزدان<sup>۳</sup>  
گمتر دان، برزاسگ. سركدان،  
ترته‌مانی (ه). بفلك (ش).  
شاش كردن : م. گمیز كردن، میز  
كردن، زاراو رزائن. میزتن (ش).  
شاشو : ص. گمیزن، میزوو.  
گه‌لمیز (ه).  
شاطر : ص. ا. شاطر. نان پیز (ش).  
شاعر : افا. هونه‌ر.  
شاف : ا. شاف، پووشله، پووشلك  
نهف (ش).  
شاقول : ا. شاغول، شاول، شاقول.  
شاگرد : ا. خاندانه، شاگرد، به‌روه‌ستا،  
سوخته. به‌ره‌وستا (ش).  
شاگردانه : ا. شاگردانه.  
شاگردی : شاگردی.  
شال : ا. پشتوتن، شال، بی‌بن، پڑوتن،  
یشت بهن، پشت بین، شیتك، قه‌دبه‌ن،  
فه‌گل. شووتك (ش).  
شالوده : ا. بن، بیتخ، بنج، نباغه،  
به‌مه‌له، بنیاد، بنیشه، به‌رمت، خیم،  
شن (ش).  
شالی‌زار : امر. شالیگا، شالیزار،  
چه‌لتوك جار، برنج‌زار.  
شام : ا. شیو، شام، به‌رشبو. شیف،  
شووف (ش).

۳. به‌بجه دان هم اطلاق می‌شود.

۱. شادمانی همراه طبل کوبیدن.

۲. شادمانی و رقص.

شام خوردن : م. شام خواردن، شیو

کردن. سام واردهی (ه). شیف

خارن (ش).

شامگاه : امر. بهر تیواره، سه ریتقار (ش).

شامه : ا. بۆنایی.

شامی : ا. شامی، گفته، گفته ناو نارایی.

شام که باب. شان که باب (ش).

شان : ا. شان، ته هن (ش).

شانزده : شانگزه، سازده.

شانس : ا. شانس، بهخت، ناوچاو.

شانه<sup>۱</sup> : ا. شانه، چل چنگ، سه، نه ه.

ته هن (ش).

شانه<sup>۲</sup> : ا. شان، کمت، سه ریپیل.

شانه (ه). مل (س).

شانه<sup>۳</sup> : م. که لکیت، که رکوتک.

که رکیت (س).

شانه بسر : امر. به نووسلتمان، به پرو،

مود هود، سانه به سر، داو و دیر

نکل. به نووک (س).



شانه حالی کردن : م. له رتر کارنی

درجوں، وهرجوں.

شانه کردن : م. شانه کردن، داهوردن.

داهینان، سه ر ناردهی (ه).

شه کرن (ش).

شاه : ا. شاه، پاوشاه، یادشاه، یاشا.

شاه پسند : امر. شاه پسند.

شاه تره : امر. شاه تره، جاتره (ه).

جانر (ش).

شاه توت : امر. شاتوو، تووه پره شه،

تووه سووره، گاتوو. تفره وهن،

تفه سیاوی (ه). شینی (ش).

شاهد : اقا. شایهت، گهوا.

شاهدانه : امر. شادانه.

شاهراه : ص مر. شیار، شاری، شه قام،

شه قامه ری.

شاهرگ : ص مر، امر. شایه گ،

شاده مار.

شاه نشین : امر، سانشین.

شاهی : ح مم. شایسی، شاهی،

بادشاهی، ناسایی.

شاهین : ا. ساهین، چهرخ، هکور (ش).



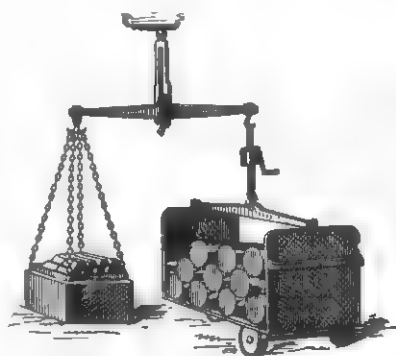
۱. سانه سر.

۲. کف.

۳. شاه قالی کویدن.



شاهین<sup>۱</sup> : ا. ساهن، شایین،  
شهین (ش).



شایان : ص فا. شیاو، شایان، شایه.  
شایه (ه).

شاید : شایا، شایه، گاس، گاههس،  
گاهه، به لکرو، به لکهم، به لکه،  
رهنگه.

شایستگی : ح معد. شایسته یی، لیاقت،  
شایسته گی. همزیانی (ش).  
شایسته : نک. شان.

شایعه : افاء، ا. بیستراو، چاو و راو،  
دهس هه لیس، دم هه لیس، دهنگ،  
دهنگ و باس، فاو و قوو، فوان.  
شایع کردن : م. بلا و کردنه وه،  
بوو جی، زپاندن، فاودا حتن.

تیب : ا. سو. سهوه (ه). سهف (س).  
شبان : ا. شووان، بهرغه وان، گاووان.  
به ره بانی، سفاک، سوفاک (س).  
شبانه : ی مر. سهوانه، سهوه کی.

شبانروز : امر. شوانه روژ، شه و روژ.  
شباخت : امعد. شهباهت، سبوه،  
چه شن، وئنا. فه سال، قهنا، بینا، مینا،  
نوتل (ش).

شباخت داشتن : وینا کردن، رهنگ  
دان، وک یهک بوون.

شب بو : امر. شه و بو.  
شب پره : ا. شه مشه مه کویره، گه ره  
کویره، بووه کویره، سه ره فک،  
شه قهه قووک، په ره په روک.  
په له جه مک (ش).

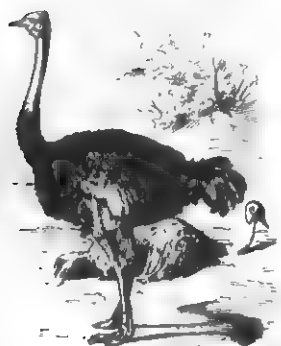


شیت : ا. شویت. دوراخ (ش).  
شب تاریک : تاریکه شه. گورگه شهو.  
طاریه شهف (ش).

شب چره : امر. سهو جه ره، ناجیل.  
شبح : ا. شهوه، مونه که، نارمایی.  
شبدر : ا. شهوهرگ، سنی یه ره.  
سهوهر (ه). سه بدر (ش).  
شب کلاه : امر. سهو کلآو، نهره هجن،  
نافی، به طه، ناخه .

شب کور : ص مر. سه و کویر.  
شب کور : نک. سب پره.  
شېکه : ا. نور، هم، شهوه که.

شب گرد : ص فا. شهو گردد، هس  
هس، شهو پهرو. شهو گهر (ه). شهف  
گیر، شهفرو (ش).  
شب مانده : ص مر. بهیانه، شهو مهنه،  
شه و سار، پهزیره.



شب نم : امر. شهونم. ناونگ، خناف،  
خوناف، خووز، قهراو، شهف نم.  
شبه : وینه، وهك، ناسا، وهكوو، فهسال،  
قهنا، ینا، مینا (ش).

شبیخون : امر. هیرش، خهو گیری.  
شبیبه : ص، ا. شهبی، وهك، وینه، پیسه،  
قام، جوړ، چهشن، مانهن، عمین، تاء،  
ناسا، کوت و مت، دمس، لف، چنهو،  
جفت، فهك، فه كوو. چشیت (ش).

شلی : ا. دمس خهوه شانه، دمس  
وه شانه (ه).

شپش : ا. سپی. نه سپی (ه). سپه،  
هپی (ش).

شپشك : امصف. چنگنه، كه وله.  
چنگتی (ه).

شپشو : ص نب. سپون. هه شپشن (ه).  
هپی لوو (ش).

شتاب : ا. پهله، وژم، خووش، پرتاو،  
گوژم، راوان، ههجهله، گوشه. لهز،  
پرتاف (ش).

شتاب کردن : م. عهجهله کردن،  
بهله کردن، خووش چوون. لهز کرن،  
لهزافدن (ش).

شته : ا. هاربه.  
شجاع : ص. دلیر، نازا، نهفوس، بهزات،  
شجره : ا. سهجهره، ره گهزنامه.

شعص : ا. کس، زهلام، ییاء، مروق.  
شخم : ا. هیس، وهرد، جفت، حووت.  
شوم (ه). شوو، شوف، شوم (ش).

شخم آمدن زمین : کیش هاتن، کیش و  
وهرو هاتن، جفت هاسن. کزره و  
یهی، کهسهو نامای (ه).

شخم زدن : م. جف کردن، سیف برین.  
شووم بریهی (ه). سووف لی  
داو (ش).

شدت : امصف. یاف، یوف، یوفه، یوق،  
توقه، جهبهره، زوره، سختی. کهلبلان،  
شتر : ا. وستر، نارواوه، جیتر، هیتر.  
خوشر، دهه، لوک (ش).

شرم آور : ص فا. شی رماوهر، شره	نه شق (ش).
تیر.	شدن : م. بوون. بیه (ه). بین (ش).
شرمسار : ص سر. تهریق، بؤر،	شدید : سخت، شدید، توقف، زه بنه.
شهرمه نه، سهره فکهنه، سهر شؤره،	شر : ص. شهر، وهی.
روو پش. سهره رهوه سه (ه).	شراب : ا. شراره، شراب. مه (ش).
شرم کردن : م. شرم کردن، تهریق و	شرابخانه : امر. شرابخانه، شرابخانه.
بوون. روو کرن، نه هیت کردن (ش).	شراره : ا. شراره، گره، بلّیه،
شرمگاه : امر. زه هار، بانه گا، شرمگا،	زوانه، شره، گوپی.
بهر مو سلدان، زارگا. وهر (ه).	شرافت : امص. شرافت، ناوړوو.
شرمنده : نک. شرمسار.	شراکت : امص. هاو به شی، شراکت.
شرور : ص. تووړ، توخشی، سرک،	شریت : ا. شریت، شهرت.
رووش، تووش، چه مووش، شه پاژو.	شر بپاکن : وهی خسر، شه پاژو،
شروع شدن : م. شروع بوون،	وهی شووه.
دامه رزبان.	شرح : امص. شرح، راه، شرفه (ش).
شروع کردن : م. شروع کردن، دمس	شرح دادن : م. شرح دان، راه دان،
پتی کردن، سهر داه اوردن،	شرفه کرن (ش).
دامه رزبان، دادان، تامرین ا.	شرشر : امص. هازه، خوره، شره شر.
دمس پنه کهردهی، نهره مریای (ه).	شرط : ا. شهرت، مهرج، گرهو.
شریان : ا. سووره ده مار.	شرط بستن : م. شهرت بستن، گره و
شریک : ص. هاو بهش، شریک.	کردن. شهرت به سی (ه). مهرج
شریک دزد : ص مر. شریکه دز، دالکه	گرتن، شهرت گرتی دان (ش).
دزان، دزده سک.	شرط بندی : شهرت بهی.
شست (انگشت) : سیه کوژه.	شرط کردن : نک. شرط بستن.
شستن : م. شوردن، شستن، شورین،	شرق : ق. ا. خوره هه لات، روژ
شوریان، داشوردن، داشتن، شوران،	هه لات، مهرق، شرق.
گازر کردن. شتهی (ه). شوستن،	شرم : ا. شرم، تهریق، خه جالمت،
شوشن (ش).	شرمه. فدی، نه هو، نهیت (ش).

کردن، خوش کردن، گه شانده وه، گهش کرده وه. یه شعل دان (ش).	شست و شوی : امر. شست و شو.
شعله و حرارت آتش : هالآو. نالاف (س).	ستته : امف. شوریاگ، دانوریاگ، نورآو. شوریا (ه). شوستی (ش).
شغال : ا چه هل. نورک، تویری (ش).	شش : ا. سی، ریه، شوخی (ه). سهی، شمش، شووشو (ش).
شغل : ا. پینه، کسم، کار، کسب، کسب، کسب و کار. هه رمانه (ه).	ششم : سه سم.
شول (ش).	شصت : شس.
شفا : امف. شفا.	شط : ا. رووبار، روخانه.
شفا دادن : شفا دان.	شطرنج : ا. شاتورنج، شه ترنج، ساترنج. کشک (ش).
شفاعت : امف. شفاعت، نکا، دلهک.	شطرنجی : ص نسب. شاتورنجی، بیجازی، ساترنجی، چووارخانه.
شفاف : ص. روشن، رووناک، روون.	شعبه : ا. لق، پهل.
شفاهی : ا. زاره کی، زمانی، زووانی.	شعر : ا. شعر، هه لیه ست، کوته ویز هوزان (ش).
شفا یافتن : م. خاسه و بوون، ساقه و بوون، جا بوون. وه نهو بیهی (ه).	شعله : ا. شوته، بلیشه، گره، کل، گرشه، کلپه، پیت، گوری، نالاف (ش).
شش بین، چتی بینه هه، هه رسین (ش).	شعله چراغ : امر. گول.
شفتالو : ا. هه شتالووو، هولوو، قوخ، خوخ. سه تهلی (ش).	شعله کشیدن : م. شوته کیشان، کلپه بستن، گر گرتن، خوش بوون، گول کیشان. کلپه به سهی، گر گرتی (ه).
شفته : ا. شفته، دوعاو، گل ناههک.	گوری دان (ش).
کوری (س).	شعله ور : ص مر. گهش، گه شه و بووگ، داگرسیاگ، روژن.
شقق : ا. سهق، به ربه نان، سه بهی.	په سقل (ش).
شفع : ص. مکار.	شعله ور شدن : م. گریان، گه شیان، داگرسیان، گه شهو بوون، گه شیه وه.
شق : ص. سهی، رمی، رمپ، راس.	روژنه و بیهی (ش).
شقایق : ا. گولآله سووره، کورکه نیشان.	شعله ور کردن آتش روشن : گه سه و
شق شدن : م. راسه و بوون، رمپ بوون، رمی بوون، سبخ بوون، شقی بوون.	
هورسهی (ه). به عیجن (س).	
شق کردن : م. شقق کردن، راسه و کردن، رمپ کردن، رمی کردن. هور	
نیشای (ه). به عیجاندن (ش).	

- شق ورق : شق و رفق، رمق و رفق.  
 شقه : ا. شقه : لمت.  
 شقیقه : ا. شقیقه، کهراکه، جانگی.  
 لاجانگی. لاسه ری (ه). جینک (ش).  
 شَك : ا. شك، دودلی، گومان.  
 شکار : ا. شکار، نه چیر، راو، سهی.  
 نیچره (ش).  
 شکاربان : ص. ا. نه چیره وان، شکاروان.  
 شکارچی : ص نسب. شکارچی،  
 نه چیره وان، سهیاء، راوچی، راو کر،  
 راویار، سهیدا. سهقان، راف چی،  
 نیچره فان، راف کر (ش).  
 شکار کردن : م. شکار کردن، راو  
 کردن، نه جیر کردن. راف کرن،  
 نیچر کرن (س).  
 شکارگاه : امر. شکارگا، نه چیر گا.  
 شکاری : ص نسب. شکاری، نه چیری،  
 راوی. راقی (ش).  
 شکاف : ا. درز، تلیش، قلیش، درز و  
 برین، ترمک.  
 شکاف پیدا کردن : م. ترمک هه لگرن،  
 شقی بردن، ترمک بردن، تلیش بردن.  
 مَلَبَّیان، درز بردن، شقی  
 به ردی (ه). دیک بین، هه لاشتن،  
 شره قبان، کربین، هه لشین،  
 هه لشان (ش).  
 شکافتن : م. بهردان، هه ل درانه وه،  
 شقه کردن، داتلشان، دادین، تلیش  
 تی بردن. تلیشای (ه). شکاف دان،  
 لیک کر نه هه، کر کرن، فلاستن (ش).  
 شکافته : امف. دریاک، دراو،  
 هه ل دریاک، ده ریده، هه لچریاک،  
 داتلشیاک. دریا (ه). هه لچری (ش).  
 شکافته شدن : م. بهر بسوون،  
 هه ل دریانه وه. وهر بیه (ه). کهر بین،  
 لیک بین، شقی بین (ش).  
 شکاف خوردن : نک. شکاف پیدا  
 کردن.  
 شکاف دادن : نک. شکافتن.  
 شکاف زمین در اثر  
 خشکی : خه مخور که، شقی.  
 شفقار (ش).  
 شکایت : ا. شکایت، شکات، گازن،  
 سکالا، گازنده.  
 شکایت کردن : م. شکایت کردن،  
 شکات کردن. گازی کرن، گازن  
 کرن (ش).  
 شگر : ا. شه کر، شکر، شه کر (ش).  
 شکر : ا. شوکر، سپاس.  
 شکر بنیر : امر. شه کر به نیر.  
 شکر کردن : م. شوکر کردن، سپاس  
 وس.  
 شکست : امف. شکس، شکست،  
 شکس.  
 شکست خوردن : م. شکس خواردن،  
 بهزیان، بهزین. مریای، بهزیای (ه).  
 شکست خارن، بازی (ش).  
 شکست دادن : م. شکس دان، بهزانن،  
 شکانن، یزدان. بهزانی (ه). شکست  
 دان، بازی (ش).

- شكستن : م. سكانن، هرب كردن،  
 نكان، شكادن. ماري (ه).  
 خه لال (س).  
 شكستن نغمه : بووكاس. بووكاي (ه).  
 شكسته : امف. سكاگ، هرب، هراب،  
 حراو، سكاو، سكه. مريا (ه).  
 سكه سي (س).  
 شكسته بند : ص فاء. ا. شكسته بن. سنخ  
 به ند (ش).  
 شكفتن : م. سكووين، پشكه وين،  
 سكوفتان، كرده وه، سكوفايه وه.  
 ده مه و كرده ي (ه). په وين، هه گهس  
 بوول (س).  
 شك كردن : م. شك كردن، دودل بوون،  
 به د گومان بوون.  
 شكل : ا. ته شك، رووالت، شكل،  
 ته حر، جه نه ب، جه شن، ته رح،  
 سه كوت، سو كوم.  
 شكلك : امصف. چيق، ريج، چير،  
 ده مه لاسكي.  
 شكلك در آوردن : م. چينه و كردن،  
 ريج و كردن، ريج كرده وه، ريج  
 برونه وه. چيره وه كرده ي (ه).  
 ده غار كرن (ش).  
 شكم : سك، دل، زك، له مه، لم (ه).  
 شكماره : ص مر. فره خوهر، چليس،  
 هه فيان، زك دياگ، زك دياو، زور  
 خوړ، سكن، زكن، ده لالووش.  
 فره وه، له م ديا (ه). گهله خوړ،  
 خو هرا (ش).  
 شكمه : نك. سكه.  
 شكم پرست : نك. سكمباره.  
 شكم چراني كردن : م. حلب و لئس  
 كردن، زك له وه رانس، زك نه ردان. له م  
 وه راي (ه).  
 شكم دادن : م. سك دان. له م داي (ه).  
 زك دان (س).  
 شكم روش : امر. نيزهال، ته قه فيره،  
 سه ربايي، هه بره، زكه سوړه، فبركه.  
 شكمو : نك. سكمباره.  
 شكنيه : ا. گه ده گ، گيبال، سيراوي،  
 گادگ. نه سمه، ورگ (ه).  
 هوورگ (س).  
 شكنجه : امصف. شكنجه، عه زيه ت،  
 نه شكه له، نازار، ماوش، چيو جه له،  
 سزا، جه زره وه، جه زره به.  
 شكنجه دادن : م. شكه نجه كردن،  
 عه زيه ت كردن، نازار دان، سزا دان،  
 جه زره وه دان، چيو جه له نيان.  
 شكنده : ص. تور، شكه ني، شكه نه.  
 شكوفه : ا. ول، شكوفه، گويكه.  
 گووپينه (ه). كلووك، گولووك،  
 كولوك، كوليك (ش).  
 شكوفه كردن : م. شكوفه كردن، ول  
 كردن، گويكه كرده ي. گووپينه  
 كرده ي (ه).  
 شكوه : ا. گه وريي، مه زاني، شكو.  
 شگون : ا. نامه د، هات، نكين، شانس،  
 نبال، نوغر، نوغر، بهخت.  
 شل : ص. ا. شل، چولاخ، له ننگ،



شلاق



شلوار



شمشیر

نوز بوون (س).

شلوغ کردن : م. شلوغ کردن، فال

کردن. نوز کرن (س).

شلوغی : ص نسب. شلوفی، نازاوله،

نازازه، زلزله، هره بالخ.

شلیته : ا. شلیته، باچین.

سلیدن : م. سلسان، له گاس.

سهلای (ه). سلین، خنگلین (ش).

شلیک : ا. هغه، شلیک، شلیک، دمس

ریز، دهریز

شلیک کردن : م. شلیک کردن، تهغه

کردن، شلیک کردن، دمس ریز کردن.

شلیل : ا. شلیل.

شما : ضم. نیوه، نهنگو. شمه (ه).

هه (س).

شمارش : شمارش، نه زمار (س).

شماره : ا. شماره، براره، زماره.

نه زماره (س).

شمال : ا. شمال.

شمه : ا. مهلافه، یوه رینه، یوه نمین.

شمردن : م. شماردن، همل دان، همل

شماردن، زماردن، سر کردن،

براردن، براره کردن. نه زمارای (ه).

نه زمارش (ش).

شمش : ا. شووش، شمش.

شمشه : ا. شمه.

شمشیر : ا. شمشیر، شیر، شور (ش).

شمشیر کشیدن : شمشیر کیشان، شیر

کیشان.

شمع، شمعک : ا. شمهک، چل مهرده،

کوج، سل. جووز (س).

شل : ص. سل، حاو، فس، سس،

سس، شلهره، فل، کوروز.

سهوس، ساس، سب (ش).

شلاق : ا. سهلاخ، مازیانه، هه میجی،

هه میجین، سهلاقی. هلا (س).

شلاق زدن : م. سهلاخ لسی دان.

سهلاخ دای (ه).

شلوک : ا. چهلوک، سهلوک، بته.

شلخته : ص. شله خنه، شپرز،

یری سه یان، سیرلو، سهله سه.

سهندی شور، سهیریو، ته پیل (س).

شل زدن : نک. شلیدن.

شل شدن : م. شلهو بوون، خاوهو بوون،

فنهو بوون، خاو بووهوه. سلوه بهی،

خاوهو بهیهی، سهو بهیهی (ه).

شولبین، خاف بین (ش).

شلغم : ا. شلهم، نریوکه، شلهغم،

شلم، شلم.

شل کردن : م. شلهو کردن، فتهو

کردن، شل کردن. شول کرن، سب

کرن (ش).

شلنگ : ا. قول، باز.

شلنگ انداختن : م. قول همل خستن.

قول هور وهی (ه).

شلوار : ا. شهروال، دههمل موپان،

دهمه موپان، سوال، سانسول.

پاتوتی (ه).

شلوغ : ا. شلوق، قهره بالخ، نوز (ش).

شلوغ شدن : م. سلوی بوون، سلویان.

شندر پندر : ش و پره .  
شن زار : امر . شن زار ، رینه آن ،  
زینخه آن . خیز گه (ش) .  
شنفتن : نک . سیدن .  
شنگ : ا . شنگ . شنگی (ه) . سپنگ ،  
نپلنگ (ش) .



شنگول : ص . سر خومش ، شنگول ،  
که یفور ، خوش که یف ،  
که ی خوش (ش) .  
شنل : ا . شل ، بالاپوش .  
شنا : ص فا . ژنهوا ، ژنهوا .  
شنوایی : ا . ژنهوایی ، بیسایی ،  
نهره وایی .  
شنودن : نک . شنیدن .  
شنیدن : م . ژنهفتن ، ژنهوین ، شنهفتن .  
شنهوتن . ژنهوای (ه) ، نه ژنهفتن ،  
نه ژنهوین ، بیستن ، بهیستن (ش) .  
شنیع : ص . دزیو ، خراب ، خراو .  
شوخ : ص . شوخی باز ، شوخ ، قوشمه ،  
گالنه چی ، سوعهت چی . ترانه کار ،  
پرانه باز (ش) .

تیرک ، دیرک ، ستون .  
شمع : ا . شم . شمع (ه) . فند ، فندک ،  
شمال (ش) .  
شمعدان : امر . شمعدان . شمعدان (ه) .  
فندک ، شممال دان (ش) .  
شمعدانی : ا . شمائی ، شمعدانی .  
شمعک زدن : م . شمعلک لی دان ،  
تنگ دان . ببرک دایونه ،  
تنگ دای (ه) . دیره که لی دان (ش) .  
شن : ا . زینخ ، شن ، رمل ، رینخ ، چهو ،  
زیز . لم (ه) . سیلاخ ، خیز (ش) .  
شنا : ا . مهله ، ناوینهی ، لامهله ،  
سینه مهله ، یشته مهله ، گامهله ،  
سه گمهله . نازنی (ه) .  
شناختن : م . ناسین ، شناسین ، ناشنا  
بون . نرناسای (ه) .  
شناسایی : ح مصدر . شناسایی ، ناشنایی ،  
ناشنایه نی ، پی ناسه .  
شناساندن : م . ناساندن ، شناسان ، ناشنا  
کردن .  
شناسنامه : امر . ناسنامه ، پی ناس .  
شنا کردن : م . مهله کردن ، ناوینهی  
کردن . نازنی که رده ی (ه) . مهله فانی  
کر (س) .  
شناگر : ص مر . مهله وان ، ناوباز .  
ناهرن ، مهله فان ، توبه رهر (ش) .  
شنبلیله : ا . شمعلی ، شمبه لیله .  
شمبه لیله (س) .  
شنبه : ا . سمه ، شمبه . شممو ،  
شمبی (س) .



- شوخی : ۱. شوخی، گہ، فشه،  
نختلات، گہپ، ترانہ، تینال،  
سوحبت، زرتولہ، گہمہ، لاقرتی.  
تہوزہ، تفر، تہفز، تہلفیس، تلفیز،  
حنہک، لاقردی، یاری (ش).  
شوخی کردن : م. شوخی کردن، گہمہ  
کردن، نختلات کردن. تہوزہ کرن،  
یاری کرن، ترانہ کرن، گالتین (ش).  
شور<sup>۱</sup> : ص. سول، شور، تلوخوی.  
سویر، سوور، خویدار (ش).  
شور<sup>۲</sup> : ۱. شور، شوق، شور، سوز.  
شور<sup>۳</sup> : ۱. شور، سول، خودوک (ش).  
شورای (مجلس) : راویژ گہ.  
شورانییدن : م. ہمل خیرائن، پلہ نیان.  
ہورخینای، ورخینای (ہ).  
شورانگیز : ص فا. سوز بزوتین.  
شوربا : ۱. شوروا. شوربا (ہ). شوباو،  
شوریہ، شوراف (ش).  
شور رفتن : م. چوونہ شور، ناو چوون.  
دلنہ لووای (ہ).  
شور زدن : م. شور لی دان، دلہ پہ پی  
کردن، دللی دان.  
شورش : امص. شورش، خوروش،  
ناشو، نقلاب، حملہ لا، گہلہ کومہ.  
شورش کردن : م. شورش کردن،  
شوریان. گہلہ کومہ کمردهی،  
خوروسای (ہ).
- شورہ : ۱. شورہ، کپژہ، کپیش، کپتہ.  
شورہ زار : امر. شورہ زار، شورہ کات.  
شورہ سر : امر. شورہ، کپیش، کپفار،  
کھنک (ش).  
شوریدن : نک. شورش کردن.  
شوریدہ : امص. پھیز، پھشیو، پھژیو،  
نہوگار، شہرز.  
شوفر : ۱. نازورہ، نازو، ہازو.  
شوق : امص. شوق.  
شوم : ۱. ویششومہ، نہیششومہ،  
مہشوم، شوم، خراو، نہ حس،  
پاپس، قہشان، قہسقہ، قوشن.  
شوہر : ۱. سو، مہر.  
شوہر خواہر : امر. زاوا، زہما (ہ).  
زاقا (ش).  
شوہر دار : ص فا. شوہدار، مہر دار.  
شوہر کردن : م. شوو کردن، مہر  
کردن.  
شوہر مادر : امر. باوہ بیارہ، بابا  
بیاری (ہ). زریباب، زریباوک (ش).  
شہاب : امر. شہاو، شہاب (ہ).  
نہتیر رؤیان، تیرہ ستیرہ (ش).  
شہادت : امص. شایہ تی، سنووف،  
گہوایی. شاہدینی (ش).  
شہادت دادن : م. شایہ نی دان.  
سنووف دان، گہوایی دان.  
شہامت : امص. بی باکی، نہ ترسی،

شهری : ص نـبـ. شاری، شاره‌زا.  
بازاری، شهرى (ش).  
شهریار : امر. شالیار.  
شهریور : ا. گلاویزه، سووران.  
شهریه : ا. مانگانه.  
شهرت : ا. شه‌ومت، مرغ.  
شهرت‌تران : ص فا. شه‌ومت‌تران،  
حه‌شهری.

شهر : نک. شهره.  
شبی : ا. چت، تشت، چشت، تت.  
چیش (ه)، تیش (ش).

شیاد : ص. فیلباز، داوباز، که‌له‌کباز،  
ده‌غه‌لکار، فه‌لباز، قه‌له‌زمن.

شیار : ا. شیار، گبیر، هیل، دولک.  
سوفک، سفار (ش).  
شیاف : نک. شاف.

شیب : ا. لیزی، بهره‌و خواره،  
سهره‌به‌و خوار، سهره‌و لیزی، بهره‌و  
لیزایی، سهره‌و چیر (ه). سهر  
نشقی (ش).

شیور : ا. شپیور، بوری، بوریه.  
شپیور زدن : م. شپیور لی‌دان.  
شپیور زای (ه).

شیخ : ص. ا. شیخ، پیر.  
شیدا : ص. شیدا، هرده، دیوانه.

شیر<sup>۱</sup> : ا. سیر.  
شیر<sup>۲</sup> : ا. شیر، به‌لوعه (ه). شیر (ه).



## شهاب

دل‌داری.

شهد : ا. شه‌د، دوه.

شهر : ا. شار، پاله. بازار، باژیر،  
شهر (ش).

شهربانی : امر. شاره‌وانی.

شهرت : امص. شورمت، ناوازه.

شهرت دادن : م. شورمت دان، شورمت  
داخستن. شورمت نره و سهی (ه).

ناف‌دان (ش).

شهرداری : امر. ساره‌داری.

شهرستان : امر. سارسا.

شهرک : امص. شاره‌دی، گه‌وره‌دی،  
گه‌وره ده‌گا، هسه‌به.

شهره : ص. ناسراو، ناسیاگ، به‌ناو  
بانگ.



۱- حیوان دریده.

۲- سیر آب.



وَمَش (هـ). شَرِين، شَهْ كَرَوَك (ش).  
شیرین خواب : کَرِ خَهو، شیرین خَهو،  
خوَمَش خَهو.

شیرین زبان : ص مَر. شیرین زووان،  
ناگَرِ خَوَش، شیرین عَزمان، خَوَش  
زبان، قَمل و دَهل، جامَه لووس، دَهم  
نَه پ، خوَمَش زووان.

شیرین شدَه هسته تلخ : دانگَو.  
شیرین کردن : شیرین کردن، خَوَشه  
کردن. وَشَه کَردِی (هـ).

شیرینی : اَمَر. شیرینی  
شیرینی پز : ص فَا. سَیرِنی پز، قَانات.  
شیرینی پِز (ش).

شیرینی داهادی : زَه ماخو  
شیرینی لباس تازه : بَردِی کانه.  
شیشک : کاور.

شیشکی : اَص. جیر، جِر، شِر. فینی،  
فینک (ش).

شیشکی بستن : م. جیر داهیشتن، شِر  
داهیشتن، جِر داهیشتن.  
شِرِی رِئاسی (هـ). فینی لَی دَان (ش).  
شیشه : ا. شینَه، حَام. شووشَه،  
نافگینه (ش).

شیشه بر : ص فَا. شیش بَرِ  
شیشه گر : ص شِفَل. شیشه گَر.  
شیطان<sup>۱</sup> : ا. شَیتان، دَرَنج، دِیو، خِیو،  
نَه رِیمَن.

شیطان : ص. شَیرِین، خَومس.

شیر<sup>۱</sup> : ا. شِر. شَوَت (هـ).

شیرابه : اَمَر. شیراوَه، رینگ، زووخ.  
زاک (ش).

شیربرنج : اَمَر. شیرَهوا، شیربرنج.  
شوتین (هـ).

شیربها : اَمَر. شیر بَه ها، فالان، قَلمَن،  
نَهخت (ش).

شیرجه : اَمَر. شِرَجَه.  
شیرخشت : اَمَر. شیرخَشت.

شیردان : اَمَر. شَبلاقَه، شیردان.  
حولویسک، شِلاوگ (ش).

شیرده : ص فَا. شیرا، سِردار، شیروار،  
سیرده.

شیر هست : ص مَر. نَوار، شیر مَوس.  
شیروانی : ا. شیروانی.

شیره : ا. دوشاو، شیرَه، جَه لَای.  
دووساف (ش).

شیر یا خط : شیر ما خَه، بَرزتلان،  
شیران خَه.

شیرین : ص. شیرین، خَومس.

ناحال، هار و هاج.

شیتی کرن (ش).

شیطانی : ح مصد. شهبانی، جونوب.

شیوه : ا. شیوه، چه شن، ته حر. بیجم،

شیطانی کردن : م. شهبانی کردن،

تهرز (ش).

هاری کردن، هار و هاجی کردن.

شبهه : احد. شبهه، نیخه، بریخه، حیل.

شبهه : ا. شتبه.

هیری (ش).

شیوع : امص. بلاوه، همودگری.

شبهه کشیدن : م. شبهه کیشان،

شیون : ا. زاری، شیوه، بانگ، زابل.

نریخانن، شریخانن، شریخانندن،

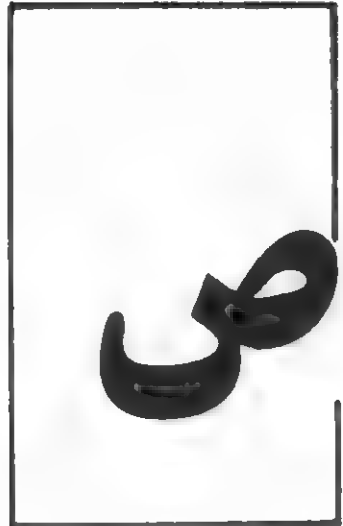
گروهه (ه). شیتی، گری (ش).

کوورانندن. شریخه کیشای (ه).

شیون کردن : م. زاری کردن، بامگ

هیری کیشان (ش).

همل دان، شیوه کردن. گروهوای (ه).



ص : ص

صابر : اقا. به تاققت، برده بار، سابر.

صابوون : ا. ساون، سابوون.

صابوون پزخانه : امر. ساون پمزخانه.

سبوون پیزگه (ش).

صاحب : اقا. خاوهن، ساحتو، خواوهن،

کردگار، مالك، خويگ.

صاحب (ه). مال ختي، خودان (ش).

صاحب خانه : ص مر، امر. خاوهن مال،

خانه خوي، ساحتو مال، خانه خويگ.

صاحب بانه (ه). خانه ختي (ش).

صاحبی : ا. ساحتوی، ساجی.

صاحبی قرمز : امر. ساحتوی عهريپ.

صاحب گار : امر. ساحتوی کار،

خاوهن کار. صاحب کار (ه). خاوهن

شول (ش).

صادرات : ا. نارده مه ني، صادرات.

صاف : ص. ساف، سامال، زه لال،

لووس، ريگ، تهخت سا، هامووار،

دهق<sup>۱</sup>، پالفته<sup>۲</sup>، سيويانگ<sup>۳</sup>. حلوی،

حولي، زه بلوق، شووت، سایی (ش).

صاف شدن : م. ساف بسوون، دهق

۱- پارچه و فماش صاف.

۲- مایعات صاف شده.

۳- صاف شده در اثر ساییدگی مانند

صاف شدن لاستیک ماشین.

صبر کردن : م. سبور کردن. سبر نامای (ه).	به ستن، دق گرفتن. صافییهی (ه).
صحب : امص. سوحبت، قسه، سوحبت، گاله، گپ.	صاف کردن : م. ساف کردن، پالوین، دق کردن، لووس کردن، دق دان، پالته کردن. حالته هه، پارزنین (ش).
صحبت کردن : م. قسه کردن، دوین، گوتن، کوتن. قسه کردهی، دوای (ه). ناخوتن. ناخفتن، پهیمین گوختن، گوتن کرن، ناخفتن (ش).	صافی : ا. صافی، پالتوکه. شلیک، سوسه، پارزونگ (ش).
صحت : امر. سلامت، سحمت، خوش، نه دوروسی، ساقی. وهشی (ه). ساخ، ساغلم (ش).	صالح : ص. پیگ خاص، پیاو چاک.
صحرا : ا. بیوان، چولنگ، چول، هول، بیابان، سحرا.	صبح : ا. بهربیهان، بهیان، بهیانی، بهیانه کی، سبتان، سبج، تلوع، سپده، شهوه کی، کازیوه.
صحن : ا. سحن، نخت، مهیدان.	صبحانه : ا. بهرقلبانی، سهبحانه، سبحانه، بهردل، قاوه تون، قاوه لتون، پیش قلبانی. وهردل، وهرچای (ه).
صبح : ص. ساق، نهواو، ریک، دوروس، تهمام، راس، سهحیح، خاص. ناز (ش).	به ریتشت، سهریتشت (ش).
صد : عدد. سهد.	صبحانه خوردن : م. سبحانه خواردن، به ر قلبانی کردن، بهردل خستن. به رقلبانی و سهی (ه). تیتشت خارن (ش).
صدا : ا. دهنگ، سهیاء، بانگ، چر، چره، قاوه.	صبح شدن : م. روزهو بسوون. روهوه یهی (ه). سه بوون (ش).
صدا دار : ص. فا. دهنگ دار، سهدا دار.	صبح کاذب : ص. مر. کاروان کوزه.
صدا دادن : م. دهنگ دان، دهنگ دانهوه. دهنگ دای، دهنگ دایوه (ه).	صبحگاه : نک. صبح.
صدا زدن : م. دهنگ کردن، دهنگ دان، چرین، بانگ کردن، قاو کردن، جاردان، بانگهواز کردن. چرپهی، قساو کردهی، جاپ دای (ه). گاز	صبر <sup>۱</sup> : ا. تأمل، سهور، تهحه مول، سهر، بردهباری، نافه، نارام. صبر <sup>۲</sup> : ا. سهور، سهر (ش).
	صبر آمدن : م. سهور هاتن. سبر نامای (ه). سبر هاس (ش).

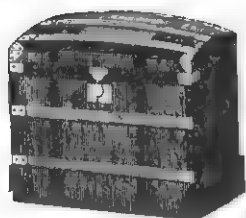
۱- صبر و بردباری.

۲- در برابر خفت.

- کرن (ش).  
صدای آب : اصد. هازه، خوره.  
صدای آب خوردن سگ و گربه : چله  
چله.  
صدای آتش : اصد. گرپه، گرپه گرپ.  
گپه گپ (ه). گرفه، گورپه،  
گورپ (ش).  
صدای آرام بچه : اصد. گرو گال.  
صدای اسب : اصد. نریخه، نیخه،  
شیخه، حله. شریخه (ه). هپری (ش).  
صدای افتادن چیز نرم و سنگین : اصد.  
ترپه، تهپه. تب (ش).  
صدای الاغ : اصد. سهپه، سهپه سهپ.  
زپه، زیره (ش).  
صدای آهسته تنفس : اصد. مته.  
صدای باد : اصد. هووژه، هازه، گژه،  
شه، گورپه، تافه، کووپه.  
صدای بال پرنده : اصد. فیه.  
صدای بچه : اصد. زاق و زووق، گر و  
گال، گنه گن.  
صدای به هم خوردن دو چیز  
توپر : اصد. زرمه.  
صدای پا : اصد. زرمه، ترپه، چرپه،  
خشه.  
صدای پول : اصد. زیره، زرنکه، زنگه.  
صدای تو خالی : اصد. درنگه، قبنه،  
فیکه.  
صدای جستن آب به طور ناگهانی از  
یک مجرا : اصد. فیشقه.  
صدای جوجه : اصد. جرووکه،
- جریکه، زرووکه، جیکه، جووکه.  
چپشه جیف (ش).  
صدای چرم خشک : اصد. رهه.  
صدای چک چک آب : اصد. چوره.  
صدای ظرفی که نیمه آب باشد در  
حرکت : اصد. شلقه.  
صدای حرکت سریع مار : اصد. کفه،  
گنه.  
صدای حرکت آرام مار : اصد. خشه،  
خشه خش.  
صدای خروس : قووله، قووه.  
صدای خنده : اصد. تریقه، پریکه،  
هیلکه هیلک، حله حیل. ثیقه ثیق (ش).  
صدای درهم جیغ مانند : اصد. زله.  
صدای دهان هنگام خوردن دانه یا  
سبزی یا قند : اصد. گرمه، غرمه،  
کورووچ کورووچ.  
صدای ریختن آب در گوزه یا  
برعکس : اصد. قلعه، قلعه.  
صدای رعد : اصد. شریخه، گرمه،  
شریقه.  
صدای ریزش آب : اصد. شوپره.  
قزه (ش).  
صدای زنگ : اصد. زرنکه، درنگه.  
صدای زنبور و بشه : اصد. ویزه، وزه.  
قزه (ش).  
صدای زیر، عکس بم : اصد. زله، زل.  
صدای سگ : اصد. حهپه، حهچ و  
لوور، گهپه وهپه. حهپه حهحو.  
حهوته حهوت (ش).

- صدای سوت : است. فیه، فیکه. نوزه.
- فیه (ش).
- صدای گریه بچه : است. زیره، زویره.
- صدای سوختن و کباب شدن
- صدای ملانکه : است. سرووه.
- گوشت : است. قرچ و بریز، قرچه،
- صدای مس : است. زرنکه.
- کزه.
- صدای زینت آلات زن و اسب : است.
- حرنکه.
- صدای سرخ شدن گوشت : است.
- کزه، جزه.
- صدای ملایم لغزاندن چیز سبک : است.
- صدای شتر و گاو : است. بۆره، بۆقه،
- خته، ختکه.
- فۆره.
- صدای ناشی از هک زدن : است. چلبه.
- صدای شکستن درخت و چوب : است.
- مرچه (ش).
- قره، خره، قرچه.
- صدای نازک : است. جووزه.
- صدای ساعت یا شبیه آن : است. چرپه،
- صدف : ا. سدهف، پیشوک، گویماسی،
- چرکه، نکه.
- صدقه : ا. سدهقه، خهیرات.
- صدای قلم بر روی کاغذ : است. کیره،
- صدمه : ا. ناسبو، فۆرت، ناسبب،
- ریکه، کره.
- نوهه، زهره، سدهمه، گهزن.
- صدای کبوتر : است. گومه.
- صدمه زدن : م. سدهمه لی دان.
- صدای کمان : است. وژه.
- صراحت : امص. رووراسی، رووی،
- صدای کبک : است. قاسپه.
- سووری.
- صدای کشیده شدن چیزی بر چوب یا
- صراف : ص. سیاف، پاره گوپ.
- چیز سخت : است. کره.
- صرع : ا. فتی، سراسی، فهرکام،
- صدای کلاغ : است. قازه، قاره قار،
- سهرسام.
- فازه قاز.
- صرف، صرفه : ا. باره، بههره،
- صدای کاغذ یا پوست جمع
- قازانج، سوو، خهیر، نفع، فایه،
- شده : است. خشه، خره.
- کهک، ماف.
- صدای کسی را بریدن : م. جیکه برین.
- قازانج، سوو، خهیر، نفع، فایه،
- صدای کف زدن : است. چهپله.
- کهک، ماف.
- صدای کوبیدن چیزی : کوته.
- صرف نظر کردن : م. بگردن، دمس
- صدای گاو : است. فۆره، بۆره، گابۆز،
- مه لگرتن.
- بۆقه.
- صرفه : نک. صرف.
- صرفه جوویی : ح مص. سهرفه جوویی.
- بهره دانی (ش).
- صدای گریه : است. نویره، فویره،
- صریح : ص. روک، رووت، رووراس.





صف : ا. سف، رزن، رتیر، فهمار،  
راسه، خمت، ریچکه.

صف بستن : م. سف پیکان، رزن  
و پسان، ریچکه بستن. سف به سی،  
سف پیکای (ه). سف گرین، ریز  
راوه ستان (ش).

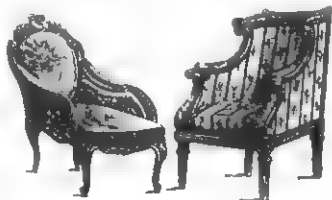
صفحه : ا. سفحه، لایه، پیره، روو،  
لا، به لگ، ما، دیو. لایه، دیم (ه).  
روویه (ش).

صفر : ا. سفر.  
صفرا : ا. زهراو، سفرا، زراو،  
زهرداف (ش).

صفرا بر : ص. فا. سفرا بر.  
صلح : امص. سولح، ناشی، سازش،  
سازش.

صیلب : ا. خاج، خاج.  
صمغ : ا. هه مووزه، هه نگووزه،  
هه مووزای. به رزا (ه). جافی (ش).  
صندل : ا. سه ندهل، دهم بایی.  
سه ریئی. سه بک (ش).

صندلی : ص. نسبه، امر. سه نه لی،  
سه نده لی، سه نگه لی.



صدوق : ا. مجری، فونوو، هه زاریسه،  
سونو، جه عبه. باهول (ه). هودی،

دبلان، صدووی (ش).

صندوقچه : امص. سنو فچه.  
صدو وحه (ش).

صندوق خانه : امر. سنو خانه،  
به ستو. صاندی حانه (ش).

صندوقدار : ص. فا. سنو ق دار.  
صندوقدار (ش).

صنعت : ا. کار، ییته.  
صنوبر : ا. سه وهر.

صورت : ا. چیره، روخ، دهم و چاو،  
سه کوت، چر و چاو، روو، سیم،  
سوورمت، به چک، جه نمب، رووالت.  
روو مت، دیم، دیمه، روو (ه).  
سکوم، سکوم، دروف (ش).

صورتی : ص. نسبه، ا. سوورته تی،  
چیره یی.

صوفی : ص. نسبه. سوفی.

صیاد : ص. نه چیره وان، سه یا،  
شکارچی، راوچی، راو کهر، راویار،  
سه یدا. سه قان، راوچی،  
نیچیره قان (ش).

صید : ا. شکار، نه چیر، راو، سه ی.  
نیچیره (ش).

صیغه : ا. سیته، سوکه ماره.

صیفی کاری : ح مصه امر. تهره کاری. صیقل کردن : م. زاخاو دان، ساو دان،  
صیقل : ص. جهلا، پهرداخ، زاخاو، جهلا دان، پهرداخ کردن، برقاندن.  
بريقه، بهرق.

# ض

ضرب : ۱. دمەك، تەپل. زەرب،

دومبلك (ش).

ضرب : ۱. زەرب، زۆر.

ضرب گرفتن : م. دمەكلى دان، نەپل

كوتان. دمەك دایونه، پل گواى (ه)،

دومبلك لى دان (ش).

ضرب گیر : ص فا. دمەك كوت، تەپل

ژەن، تەپال. تەپلەكو (ه). دومبلك

لى دەر (ش).

ضرر : ۱. زەرەر، زیان، خسارت.

ضرر رساندن : م. زەرەر گەیانندن.

زەرەریاونای (ه). زەرەر دان (ش).

ضرر کردن : م. زەرەر کردن.

ضعف : امص. زەعف، زاف، زەحف،

ض : ز

ضامن : افا. دەستەبەر، زامن، كەفیل.

ضامن شدن : م. زامن بوون، كەفیل بوون.

ضایع : افا. زایه، خراب، خراو، نهوا.

خسار (ش).

ضایع شدن : م. زایه بوون، خراو بوون.

خرابیای، زایه بیهی (ه). خسار

بوون (ش).

ضایع کردن : م. زایه کردن، خراو

کردن، خراب کردن. خسار کرن (ش).

ضد : ص. مئمل، مئۆزم، زد، بەرچەپ،

دژ، دۆژ، دزمەن، موخالف، زب.

ضرب : ۱. زەرب.

لاوازی. قوری (ش).

له‌واز، قاربجوك، قوری (س).

ضعف کردن : م. زه‌عف کردن، بی

ضلع : ا. پهل، لاوانه.

هوش بوون، زه‌حف کردن، دل‌خواه

ضماذ : ا. مه‌لهم، مه‌لهم، زه‌ماد.

و بوون، چوری شی‌ی (ه). بی‌هوس

ضمیر : ا. راناو، جی‌ناو.

بین (ش).

ضمیمه : ص. نه‌موو، پال، زه‌میمه. پی‌مه،

ضعیف : ص. زه‌عیف، له‌ی، چه‌فل، بی

نیسته (ش).

هیز، لاوازه، ریقو‌له، قارقاروك، دال،

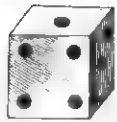
ضیق نفس : امر. هه‌ناسه‌بی‌کی،

بی‌ته‌شه، رین و فین، ره و فین.

نه‌فس‌نه‌گی. بی‌هن چکی (ش).



طاق : ا. ناو.



طاس



طاقیت : ا. ناو، ناوشت، بهر گه، هتر،  
هانا، گیر، شی، تهوان، وهر گه (ه).  
تاب، تاقت (ش).

ط : ط

ط : ط، ب.

طابق العمل بالعلل : خو به خو.

طاس<sup>۱</sup> : ا. باس.

طاس<sup>۲</sup> : ا. تاس، زار، نه شنی گه وره.

طاس کیاب : امر. تاس که واو، سل

که باب. ناو و گوشت (ه). تاس

که باب (ش).

طاعت : امصد. نیاعص، فرمانبری،

به ندهیی قاعته.

طاعون : ا. مافه ته، تاعوون.

۱. طاس بخته نرذ.

۲. طاس و طب.

طاقت آوردن : م. تاو هاوردن، بهر گه  
گر تن، تافت هاوردن، تيان.  
وهر گه گرمی، تافت ناردهی، تاو  
ناردهی (ه). تافت تيان (س).

طاقچه : آمصف. رقه، تافچه، مافچك.  
رهك (ش).

طاق واز خوابیدن : م. بهقه فاوه خفتن.  
پسته قه فا و تهی (ه). پشت پشت  
نوستن (ش).

طاق نما : امر. تاق نما.  
طالب : افا. داخواز، خواز گار،  
داواکار، طالب، داوا خواز.  
خاستکار (ش).

طالبی : ا. تالی.  
طالع : ا. نگین، تالع، تاله، بهخت،  
رهمل.  
طاووس : ا. تاوس.

طبقه : ا. ته بهقه، نهوم. قات، چین،  
ریز (ش).  
طبل : ا. تهیل، دمك. دوملك (ش).  
طبل زدن : م. دمك کوتان، تهیل لی دان.

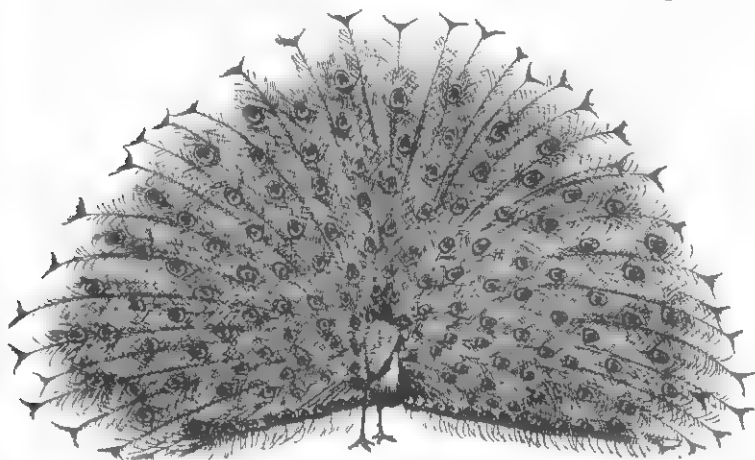
طبل زدن : م. دمك کوتان، تهیل لی دان.



طبل



طبل زدن



چاوبه به کا نیان. چاف مچان (ش). دان (ش).

طبل عزازدن : م. چه مهری لی دان، طشت : ۱. تشت، بالائی.

طعام : ۱. خوراك، ژه من، تام، غه زاء، چه مهره کوتان. چه مهره ژهنای (ه).

رزق، ته عام، گه رارا. وارده مهنی (ه). طبله کردن : م. ته پله کردن. ته پله

طعم : ۱. تام، مه زه، چتیره، چه شه، تام و کرده ی (ه).

بو، چه شكه، ملاك. طیب : ۱. پزشك، دو كور.

طعمه : ۱. توعمه، چه شته، چه شه، چتیره. طبیعت : ۱. سروت، خو.

طعنه : امص. نانه، ته شر، گو شه، لومه. طپانچه : ۱. ده وانچه، ده مانچه.

تان، ته عنه، تانوت، توانج، سر كونه. طحال : ۱. سبل، ته حال، نه سپول،

طغیان : امص. توغیان، توه<sup>۱</sup>، كه فرتیز گورگ نه خور. تال (ه). دیدك،

ئازاوه، ئازاوله. هورامای (ه). سوویه، سبلك (ش).

سر كیش، بشیوه، رابوون (ش). طراحی کردن : م. رهنگ رزاسن.

طفره رفتن : م. تفره روین، دمسه دمسه. رهنگ مته ی (ه).

کردن، تفره دای (ه). لاس دان، تفره طراو : ص. نه پردس، گیر فان بر، کیسه

چوون، خولی های ندان (ش). بر، دز.

طفل : ۱. منال، ساوا، بچووك، طراوت : امص. پاراوی، ته راومت،

بوو چكه له، زاوله، بچوو، به به، به چه، نه ی، نازه یی.

زاروله. طرب : امص. سایي لوغان، خوه سی،

طفولیت : منالی، ساوایی، زاروله یی. كه بف.

طفیلی : ص. نب. لاورگه. طرح : ۱. پلان.

طلا : ۱. زه ی، زیر، نالتوون، تله، ناتنی. طرز : ۱. ته رز، ته ور، شكل، جور.

طلاق : امص. ته لاق، جیاوه یی. طرف : ۱. ته رف، روو، بهر، لاته نشت،

طلاق دادن : م. ته لاق دان، جیا دیو، نیاتك، لا، لان، پال، بن پال،

بوونه وه. لك جودا بوون (ش). ته نشت، رووه. دیم (ه). نالی،

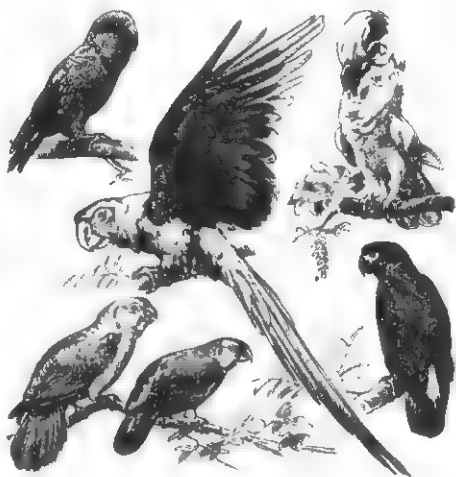
طلاق گرفتن : م. ته لاق سه ندن، ته لاق ره خ (ش).

گرنی، ته لاق گرتی (ه)، ته لاق وه طرفدار : ص. فا. به رفدار، لاگر، لان

گرنی (ش). گیر، كه تین، لابه نگیر، لاینگیر.

طلب<sup>۲</sup> : ص. نه لب، به با، به فال، طرفه العین : ترووكه، چاونرووكه،

طلب<sup>۱</sup> : ا. تهرز، تهر، دهن.  
طلب داشتن : م. گهرهك بون، داوا  
کاری، تلهب کار بون.  
طلبکار : ص. فا. نهله بکار، داواکار،  
خودا کار (س).  
طلبه : ا. تلهبه، شاگرد، هقی.  
طلبم : ا. تلهسم.  
طلبی : ا. تلهتی، دهتی.  
طلوع : تلوع، ههلهات، ههلهنگوت،  
نافهروز (ه).  
طلوع کردن : م. ههلاتن، کهفتن،  
هاتنه دهر، دهر کهوتن، روزه و  
بونوهو. بهرامای، هورامای،  
کهوتی (ه). دهر کهتن (ش).  
طماع : ص. رژد، ته ماکار، چنوک.



طوطی

طوع : ا. تاز، ته ما، ته ماغ.  
طمعکار : ص. فا. ته ماعکار، ته ماکار.  
فورنوس (ش).  
طمع کردن : م. ته ما کردن، ته ماغ  
کردن، نه ماغ بی کردن.  
طناب : ا. نه ناف، گوریس، په تک،  
شریت. وریشه (ه). تهرهك، قهریس،  
کالك (س).  
طناب بازی : ح. مصد. تهزا بازی. لاریه  
نه ناف (ش).  
طناب تنگ الاغ : کزگ، کژی.  
طناب تنگ (ش).  
طناب چادر : ا. سربیل، شری (ش).  
طناب کشی : ا. خوگه مله، نه ناف  
که شی.  
طور : ا. چه شن، ته ور، جور.  
طوطی : ا. توتی.  
طوفان : ا. توفان، باده وه، کریوه،  
بوران، شلیوه، باوه (ه). زریان،  
کریقه، باکروقه (ش).  
طوق : ا. تهوق، کهلن، کهلین  
طوقه : ا. تهوقه.  
طول : امصد. دریزا، دریزی، تول.  
طولانی : ص. نسبه. دریزه، تولانی.  
طول کشیدن : م. خایانی، تول کیشان،  
پی چوون، دریز کیشان، تول کیشای،  
په شیهی (ه). دوور کیشان (ش).



- طویلہ : ۱. یاگ، گہوپ، نویلہ، نسنہیل،  
تہویلہ، گاوخان .
- طہارت : امص. پاکی، ہمبسی،  
خاوتی، پاکیزہیی، تارمت، شووار.
- طہارت گرفتن : م. تارمت گردن.
- طیارہ : ۱. پروکھ، فروکھ، تہیارہ،
- بالوین. بالہ ہی (ش).
- طی کردن<sup>۱</sup> : م. ریگہ برین، روین،  
تہی کردن، برین، گہز کردن، ری  
برین، پیوان، بریہی (ش).
- طی کردن<sup>۲</sup> : م. تہی کردن، برین،  
برینہوہ. تہی کردہی (ہ).

۱- پیمودن.

۲- توافق بر سر دستمزد و قیمت کالا و  
غیرہ.

# ظ

ظ : ز.

چەر، هودولك (س).

ظالم : افا. بىرا، ئايىل، زالم، ستمه مگەر، زور بىتر، زىنانكار، دولنگ (ش).

ظالمانه : ق مر. زالمانه، ستمه مكارانه، ظرف شير دوستى : بىدوس، گادوسكه، گادوس.

ظاھر : افا، ص. بىچم، زاهر، نافتاوى، ظرف غذاى سگ : لاکى.

ظاھر سازى : ح معص. زاهر سازى، ظرف مسى : نامان، زهره. نامانى، صفر (ش).

ظريف : ص. شەنگ، جۋوان، زهريف، ظهري : ص. شەنگ، تەرىك، زراف، زيبا،

ظفر : اصص. زالى، سەر كوتەيى، زهفر. ظلم : ا. زلم، بى داد، جهور، ستم، كەلان، كەبلان، ناسك، نازك.

ظفر : ا. دهر، زهره، قاو، كاسه، ظلم : ا. زلم، بى داد، جهور، ستم، ظفر : اصص. زالى، سەر كوتەيى، زهفر.

ظرف آب : گۆزەل، گلېنه. ناقدانك، ظفر : اصص. زالى، سەر كوتەيى، زهفر.

ظلم کردن : م. زلم کردن، ستم کردن.	سك کردن. گومان به ردهی (ه). سك
زلم كهردهی. ستم كهردهی (ه).	برن (س).
ناقل بوون، زولم كرن (ش).	ظهر : ا. نسمرو، نسمرو، نسمرو، نسمرو.
ظلمت : ا. تاریکی، زلمه، بهنگانه.	نفرۆ (س).
ظن : ا. زهن، گومان، سك.	ظهور کردن : م. دهركهوسن، دهرهانب،
ظن بردن : م. گومان کردن، زهن بردن،	بهما بوون، دنار بوون، زوهوور کردن.

# ع

- ع : ع.  
عائله : ص، ا. خهیزان، مال و منال،  
ره‌ته‌خه‌یزان، خیزان.  
عابر : اف. راگوزه‌ره، ریو‌گار، راسپیر،  
ریب‌گار، ریوار، ری‌په‌و، سه‌واده،  
ری‌گوزه‌ره. راویار (ه)، ری‌وه‌نگی،  
ری‌وینگ (ش).  
عاج : ا. عاج، شیرمایی. خیل (ش).  
عاجز : اف. ص. عاجز، دام‌اگ،  
ئه‌رامنه، کول‌ل، دام‌او، دهرمه‌نه،  
کورول، بی‌ده‌سه‌لات، ناته‌وان،  
زه‌بوون، بووده‌له، بی‌ته‌شه، شله‌زه.  
دامای، نه‌شیای (ش).  
عاجز شدن : م. عاجز بوون، زه‌بوون  
بوون، کول‌ل بوون، یروو‌کیان، سیار  
بوون، دامان، بی‌چوون. بی‌چینه  
بوو (ش).  
عاجز کردن : م. عاجز کردن، سیار  
کردن، دهرمه‌نه کردن.  
عادت : ا. عادت، خولتی، خدی، خو،  
خی، هو، ریس. متو (ش).  
عادت دادن : م. عادت دان، خی دان.  
خدی په‌دای (ه). متودان (ش).  
عادت زنانه : بی‌نوئری. بی‌نمایی (ه).  
هه‌قیانه، بی‌نئری (ش).  
عادت کردن : م. عادت کردن،  
داهاتن، پی‌داهاتن، پی‌داهان.  
عار : ا. عار، ته‌شک، نه‌نگ، عه‌ب.

- عاريه : ۱. خوازته مهنی، عه ره تی. جان.
- واسه ی (ه). خاسته مهنی، عالی : افا، ص. عال، عالی، بهرز، یلن،  
 وهر گرتی (ش).
- عازم : افا. رهوانه، عازم. باش.
- عاشقی : افا. نهویندار، عاشق. عام : ۱. همه، همهو، گشت، گشتی،  
 نهویندار (ش).
- عاشورا : ۱. عاشورا. ره مه کی، رهو کی. گرد (ه).  
 عاصی : افا. سیار، عاجز. هر (ش).
- عاصی شدن : م. سیار بوون، عاصی گشک (ش).
- بوون، کول دان. عاجز بیه ی (ه). عامی : ص نسب. نومی، عامی، نهخونه.
- هر بین (ش). عایدی : ص نسب. عایدی، دهرا مه ده،  
 عاطل : ص. بی هو، بیکاره، خوئی ری، نه رهم.
- داخراو، بی وانا. عایله : نک. عانله.
- عاقبت : امص. نونس، سلامت، ساقی، عبا : ۱. عبا، عبا، به تبه.  
 تهن دوروسی.
- عاق : افا. بی وهر، بی بهش، بهری. عبادت : امص. پهره مش، عبادت  
 زیر بار، بی پار ویشک (ش).
- عاقبت : ۱. سهره نجام، ناکام، عاقبت، به نده بی.  
 له ناخرو، دوو اجار.
- عاقبت اندیش : ص فا. تی بین، عاقبت عبارت : امص. عیبارت ده سهوشه،  
 نه ندس.
- عاقبت بخیر : ص مر. نالی خهیر، کولش، تابیر، تاویر، بریتی.  
 عاقبت به خهیر.
- عاقده : افا. ماره بر. عبث : ص. بی خو، گهف، به نال، فیر و،  
 عاق کردن : م. بی وهر کردن، بی بهش بدوچ، بی فایه، بی فیشک، تهرن،  
 کردن. زیر بار کرن (ش).
- عافل : افا، ص. ژیر، عافل، بزانه، زانا، گراف، تهره ماش.  
 فره زان، شاموز، پریشک (ش).
- عالم : افا. زانا، عالم، پیوژ، زورزان. عبور کردن : م. روین، عوبور کردن،  
 عالم : ۱. جهان، گیتی، دنیا، عالم، بگردن، دابگردن، چوون، رویشتن،  
 عاقبت : ص. نه نو، سهر کونه. نوانج، رهد بوون، شین، گوزه ر کردن.  
 عتیق : ص. نه نینک، کون، میزیه.
- عجالتا : ق. جاری، نیستا. رده یی (ه)، دهر بازوون (ش).
- عجب : امص. عه ججب، یه ککوو، سهره. عبوس : ص. گرژ، ناوچار، تورشیانگ.

عجز و لایه کردن : م. لایانه‌وه،	زوره‌کی، داگیری.
پاریانه‌وه. لالایی، پارایی (ه).	عیده : ا. عده، ژماره، نه‌ژماره،
عجله : ا. په‌له، وژم، خوئس، پرتاو،	هژمار (ش).
گوزم، عجه‌له، کوئه. لهز،	عذاب : ا. عذاب، عزاو، سزا، رهنج،
پرتاف (ش).	نازار.
عجله کردن : م. په‌له کردن، خوئس	عذاب دادن : م. عزاودان، سزا دان،
چوون، عجه‌له کردن. لهز کرن،	نازاراندن.
لهزاندن (ش).	عذر : امص. بیانوو، بیانک، عوزر،
عجله کردن در خوردن غذا : هه‌په	به‌هانه، په‌رج، به‌په‌رج. مهانه،
هه‌پ، هه‌لمه هه‌لم. لفه لف (ش).	حه‌جت (ش).
عجوز : ا. پیره ژن.	عذر آوردن : م. بیانک هاوردن،
عجول : ص. هه‌ول، جریڼ. لهز (ش).	به‌په‌رج هاوردن، بیانوو لینان. عوزر
عجیب : ص. عه‌جیب، به‌لاجه‌وی.	نارده‌ی، بیانک و نارده‌ی (ه). عوزر
ده‌عجانی، به‌ته‌ر (ش).	لینان (ش).
عجیب و غریب : عه‌جیب و غه‌ریب،	عذر خواستن : م. عوزر خواستن. عوزر
ده‌عجاء، ده‌عجانی.	واسه‌ی (ه).
عدالت : امص. داد‌گه‌ری، عه‌دالته.	عذر خواهی : ح مص. عوزر خواهی،
عدد : ا. ژماره، نه‌ژماره، شماره،	عوزر خواهی.
عه‌ده‌د.	عذر خواهی کردن : م. عوزر خواهی
عدس : ا. نیسک. میژوی (ه).	کردن، مه‌عزه‌رت خواهی کردن. عوزر
عدسی : نیسکولک.	واسه‌ی (ه).
عدل <sup>۱</sup> : ا. عدل، تاء، لنگه.	عرب : ا. عه‌ره‌ب.
عدل <sup>۲</sup> : ا. داد.	عربیده : امص. عه‌ربه‌ده، نارته‌ته.
عدم : امص. نه‌بوونی.	نه‌عه‌رتی (ه).
عدو : ص. دوشمن، ملوژم، دژمن،	عربیده کشیدن : م. عه‌ربه‌ده‌کشاند،
میل، به‌رحم، دشمن.	ده‌نگ دیان. نه‌عه‌رتی کیشای (ه).
عدوانی : ص نسب. زوری، زور بگیری،	عین (ش).



عرق گیر

عروس : ۱. وهوی، وهیووه (ه).  
 بوک (ش).  
 عروسک : امصت. وهویل، بووکل.  
 وهیوئی (ه)، بووکی، بووکلک (ش).  
 عروسی : ح مصد. زه ماون، سوور.  
 دهقات، داهت (ش).  
 عریان : ص. رووت، پهتی، رووت و  
 پنی.  
 عریض : ص. پان، پور، بهدار، عریض،  
 ناواق، بهلا (ش).  
 عریضه : ۱. سکالا.  
 عزا : ۱. پرسه، عزا، تازی، فاتحه  
 خوانی. شینی، تازی (ش).  
 عزادار : ص فا. عزا بار، عزادار،  
 عازیمت بار، پرسه دار، تازیهار.  
 شینی دار، نازیدار (ش).  
 عزا گرفتن : م. پرسه گرفتن. تازی  
 گرنه (ه). شینی گرفتن، تازی  
 گرفتن (ش).  
 عرب : ص. عازوه، تهنیا، قازاخ، بی  
 زن، سلت، عازوب، تنی. ربهن،  
 زوگورد (ش).

عربی : ص نسب. عره بی.  
 عرض : ۱. پانا، پانانی، بهر، پانی،  
 پانایی، عرز. وه (ه).  
 عرّضه : ۱. عورزه، جوربزه، لسی  
 هانوی، هیمت.  
 عرعر<sup>۱</sup> : احد. سیره سیر. زره زری (ش).  
 عرعر<sup>۲</sup> : ۱. عره عری.  
 عرعر کردن : م. سیرین، سیرانن.  
 سه پای (ه). زره زری کورن،  
 زهراندن (ش).  
 عرف : ۱. باو، ریس، رسم، نه ریت،  
 داب.  
 عرق : ۱. عاروق، ناروق، جوواناو<sup>۳</sup>.  
 هاروق (ه). عهوق، خوه (ش).  
 عرق چین : امر. عاروق چین، عهوق  
 چن، هاروق چنه، تاقله، تهقله (ه).  
 عرق ریختن : م. عاروق دهر دان، عاروق  
 رزاندن. هاروق متهی (ه)،  
 خوه دان (ش).  
 عرق سوز : ص مر. عهوق سوز.  
 عرق کردن : م. عهوق کردن، عاروق  
 دهر دان، خوه دان (ش).  
 عرق کشیدن : م. عاروق کشان. هاروق  
 کشای (ه).  
 عرق گیر : امر. عاره ق گیر، نه رمه  
 زین<sup>۴</sup>، بن زین<sup>۴</sup> (ش).  
 عروتیز : سه و تی.

۳. عرق مرگ.  
 ۴. عرق گیر اسب

۱. صدای الاغ.  
 ۲. نام درختی است.

عزب خانه : امر. عازه و خانه.	قه‌لس، قوشقی.
عزرائیل : ا. نیرزایل.	عصبی : ص نسب. زویر، چاوسوور.
عزم : امص. عزم، قزم، قه‌سد.	عصبانیت : ئالۆزی، سووری، توویره‌یی،
عزیز : ص. عزیزه، نازاره، نازیزه،	عسه‌بانیت، تونی.
خوه‌شه‌ویس. وه‌شه‌سیاو (ه).	عصبانی شدن : م. ئالۆز بوون، قه‌لس
دلۆقان (ش).	بوون، توۆزه بوون، قوشقی بوون،
عزیمت کردن : م. ری که‌وتن، ره‌وانه	سووره‌و بوون.
بوون.	عصبانی کردن : م. عسه‌بانی کردن،
عسرت : امص. ته‌نگنه، ته‌نگه‌وه‌ری،	له‌کوره‌ده‌بردن، قین جواندن، قالس
ته‌نگانه، سه‌خلت، سه‌ختی.	کردن، توویره کردن، عاجز کردن،
ته‌نگاتی (ش).	قین هه‌ستاندن، قوسقی کردن، قارس
عسی : ا. شه‌وگه‌رد، هه‌س‌هه‌س،	کردن. که‌ری کرن، به‌هه‌جاندن (ش).
شه‌وپه‌وه، شه‌وگه‌ر.	عصر <sup>۱</sup> : ا. عه‌سر، خوه‌ره زه‌رد،
عل : ا. هه‌نگوین. هه‌نگین (ش).	به‌ریواره. ئیثار (ش).
عشر : ا. ده‌یک، عوشر.	عصر <sup>۲</sup> : ا. زه‌مان، ده‌وران، وه‌خت،
عشق : امص. عشق، نه‌وین، نه‌فین.	عه‌سر، عه‌هد، چهرخ، چاخ، عه‌یام.
عشق بازی : ح مص. عشق بازی.	کز، گاف (ش).
نه‌قینداری (ش).	عصرانه : ا. عه‌سرانه، به‌رشو.
عشوه : ا. عشوه، خه‌مه، له‌نجه، ناز،	عضله : ا. مایچه، ماسولکه.
کریشمه، لاره، ختچکه.	عضو : ا. پهل، نه‌ندام.
عصا : ا. عاسا، گوچان، چووغان.	عطار : ص. ا. عه‌تار، گولآو فرووش،
گالۆک، کویال (ش).	عه‌تر فرووش.
عصاره : ا. شیر، شیل، جه‌وه‌ر.	عطارد : ا. زاوه، زاوا. زاف (ش).
عصاکش : ص فا. چاو ساقی کویر.	عطاری : امر. عه‌تاری، عه‌تر فرووشی.
عصب : ا. پی، ده‌مار. ره (ش).	عطسه : ا. پزمه، ئارووشک، بینشت.
عصبانی : ص نسب. سوور، ده‌و،	رژین (ش).
چاوسوور، ئالۆز، توویره، عه‌سه‌بانی،	عطسه حیوانات : ا. پر مه.

۱. زمان پیش از غروب آفتاب.

۲. زمان، دوره.



عطش : امص. ینگى. تهژنه یی (ه).  
نه نووی، بیاتی (ش).

عظمت : امص. مه زنی، گوره یی.

عظیم : ص. مزن، گوره، زل، زهلام.

عفریت : ا. عفریت، عفریت، نرناس،  
دهله دیو

عفو کردن : م. بگردن، بووردن،

گوزه شت کردن، گوزه شتن، بهخشین.

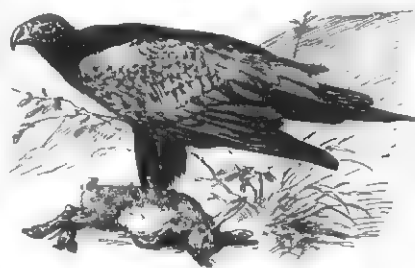
عفی کرن (ش).

عق : اص. هولنج، نیت، عولق. فرتک،

قورپ (ش).

عقاب : ا. هه لوو، دال. سپر، لهه،

هکور (ش).



عقد : ا. ماره.

عقد بستن : م. ماره برین، ماره کردن.

ماره بریه ی (ه).

عقدکنان : ماره بران.

عقده : ا. گرتی، لك.

عقرب : ا. دمازه كۆل، زووشك،

كولهنجی، چزه بیله<sup>۱</sup>، سولوله<sup>۲</sup>.

ماره كۆل (ه). دووپتك (ش).



عقرب : ا. عقره به، ساعات ژمار.

عقل : ا. عقل، زانایی، ئاوهز، ئیری.

عقیده : ا. راء، عفه به، برواء، باوهز.

عقیده.

عقب : ق. دووا، پشت، دما، ربهوال.

دوومايك، پاش (ش).

عقب افتادن : م. دوواوه كهفتن، پاش

كهوتن. دماوه كهوتی (ه).

دوومايك كهفتن، پاشفمان، قهر

قلین (ش).

عقب انداختن : م. يهك خستن، پاش

خستن، بهر گل گرن، دوواوه خستن.

دماوه وسه ی (ه). پاشف هیلان،

عقیق : ا. عاقیق، نهفتیق.

به رپرچ، جه هت.

عقیم : ص. نه زوك، قسر، ناوه سوو،

علف : ا. عالف، گزره، لو، ئالف، گيا،

نه شور، ئوجاخ كوئير، بي وهر،

له وهر. ئاليك (ش).

به يچمل. نهسته يقير، سته يقير،

علف زار : امر. عالف جاري، عالف زار،

سه ور (س).

لو جاري، گيا زار، گيا جاري، چيمه ن،

عكاس : ص. ا. عه كاس، وینه گهر.

ميرگ، چيمه نزار، مير گزار، چه راگا.

شكل كيش (ش).

چيم، چيرگه (ش).

عكس : ا. وینه، شكل، عه كس.

علم : ا. به باخ، ئالا، عه لم.

عكس انداختن : م. عه كس گرس، وته

علم : امص. علم، زانست، زانايي،

گرتن، عه كس خستن. سكل

زانس، زانباري.

راكرن (ش).

علمدار : ص. فا. ئالا دار، ئالا همل گره،

عكس برداشتن : نك. عكس انداختن.

به باخ دار، عه لم دار.

عكس گرفتن : نك. عكس انداختن.

علم كردن : م. به رپا كردن، عه لم

علاج : امص. ا. چاره، دهوار، چار،

كردن، همل دان، به رپا كهردهي. هوړ

باشار، دهرمان، عه لاج. چه هره،

دای (ه).

به بير (ش).

علمي : ص. نسب. زانستي.

علاف : ا. عالف، ئاليك فروش، كا و

علمي : ص. نسب. ديار، ناشكار، ناشكرا،

جو فروش.

نافتاوي، به يا، روشن، روون، عه له ني.

علاقه : امص. عه لاقه، دوسي، دل

كبنس (س).

به سه گي، هو گري، بي خوشي.

عليحده : حيا گانه، عه لاهده، جياواز،

علاقه مند : ص. مر. عه لاهه مه، دوس،

جياكار.

بي خوش.

عليق : ا. عه ليق، عالف، ئالف، كا و

علامت : ا. نيشان، دروسم، علامت،

جو. ئاليك (ش).

عليل : ص. عه ليل، دهر داوي،

داح.

دهرده دار، نفيسكان (ش).

علامت تعجب : سه سامه.

عمارت : ا. ساختمان، عومارت،

علامت سوال : فاي.

دهزگا، به نا.

علاوه : امص. ياسي، عه لاهه، زبده،

عه مامه : ا. عه مامه، ميتزه ره. شاشك،

بلي، خينجي (س).

سانيك، سه ريتچ (س).

علت : ا. نه سمل، علت، نه نگيزه،

عمامه كردي : جامانه، چه تفه.

گه زك، بيانك، هو، سه بارمت،

ناردهی (ه). عمعل نینان (ش).  
 عمل کردن : م. عمعل کردن. عمعل  
 کردهی (ه). سوول کـرن،  
 جتی نینان (ش).  
 عمله : ص. ا. عمهله، کریکار، فعهله،  
 فائله، رهنجبر، کاریگر، پالّه،  
 کارگر. شول کهر (ش).  
 عمر : ا. مامه، مامو، مام.  
 عموزاده : امر. ناموزا، ناموزاگ،  
 مامز، کور مام، کچ مام.  
 عموم : ح اضـ. عموموم، گشت.  
 گردی (ه). هموو، گشت (ش).  
 عمومی : ص نب. عموموی، ره شوکی.  
 نهایی، پیکه، فیکرای (ش).  
 عمّه : ا. پور، میمک (باوکی).  
 مهبه (ه). دنگ، مت (ش).  
 عمهزاده : امر. میمکزا، میمکزاگ،  
 پورزا، مهبزا (ه). متزا (ش).  
 عمیق : ص. قول، گوده، کوور (ش).  
 عناب : ا. عناب. سنجهی (ه).  
 شیلان (ش).  
 عنان : ا. عنان، جلّه، دهسه جلّه.  
 عنکبوت : امر. کاکله مووشان،  
 جالجالوکه، جولایی کهر، پستپلی.  
 دایروکه، پیره فووک (ش).  
 عور : نک. برهنه.  
 عورت : ا. عورمت، شرمگا، بانه گا.  
 عوض : ا. عیزا، قهرهوی، به دهل،  
 عهوهز، تولّه، واره، باتی. جیانی،  
 عههز (ش).



### عمامه

جامه دانه (ه). شهمله، شهمل،  
 ناغابانی، جهمه دانی (ش).  
 عمدأ : ق. دهسانفس، دهسی،  
 ههقهسی، لهفَس، عهمدی.  
 عُمده : ا. عومده، موهم، کهلین، مهزن.  
 عمدی : نک. عمدأ.  
 عمر : ا. سن، سنج، سیره، عومر،  
 نهمن، سال.  
 عمران : امص. نابادانی، ناوانی،  
 ناوه دانی. ناغامی، نافه دانی (ش).  
 عمر کردن : م. ژیان، ژین، عومر  
 کردن، ژیوای (ه).  
 عمق : امص. قولتی، جالتی، گهودی،  
 عومق، قولایی. کووری، گهر (ش).  
 عمل : ا. کردهوه، کردار، رهنفت،  
 عمعل.  
 عمل آمدن : م. عمعل هاتن. عمعل  
 نامای (ه).  
 عمل آوردن : م. عمعل هاوردن. عمعل

عوض بدل : نال و گور، ناپ و گور، فاپ و گور، نالته به ردیلی.	به ستن، دهن و به بهندان، به لین دان، به بهنت کردن.
عوض دادن : م. تافی کردن، نهره بو کردنه وه، فره وی کردن، عهوهز دان.	عهد و زمان : عهد و زه مانه، دهوران. عهده : عهوه، عهوه.
عوض شکن : م. به دهل بوون، گورین، عهوهز بوون. وار بای (ه).	عهده دار : ص. فاپ. عهوه دار، عهوه دار. عیادت : امص. هه وال یرسی.
گوهورین (ش).	عیال : ا. خپزان، عه یال، خانم، رن. رهنی (ه).
عوض کردن : م. گورانن، گوران، گورانسه وه، نال و گور کردن، گورینه وه، وار بوه، وار و گور کهردهی (ه). گوهارتن، گوهورین، گوهه راندن (ش).	عیال وار : ص. مر. عه یال وار، رن و مال دار، هه ران نار، عه مال دار. عیب : ا. خهوش، عه یب، عهت، سووره یی، نیراج، رخنه.
عوض گرفتن : م. جیای سندن، نوله سندن، عهوهز سندن.	عیب جویی : ح. مص. خوسپ، رخنه گری.
عوضی : ص. نسب. به هه له، نابه جی، گور او.	عید : ا. جهژن، جیژن، گیزنه. عید فطر : جهژن ره مهزان.
عوضی گرفتن : م. به جینگه گرنن. عهوهزی گرنه ی (ه).	عید قربان : جهژن فوروان. عید نوروز : جهژن نه ورورژ.
عوعو : اصن. وه ره، وه ره وه ره، حه به حب، گه فه، گه فه. حو حو (ش).	عیدی : ص. نسب. جهژنانه.
عوعو کردن : م. وه ره وه ره کردن، وه رانن، وه رین. حه به حب کهردهی، گه فای (ه). گه بین، ره بین، حو حو کرن (ش).	عیش : ا. عهیش، به زم، که یف، خوهشی. وهشی (ه).
عهد <sup>۱</sup> : ا. به بمان، بریار، عهد. عهد <sup>۲</sup> : ا. زه مان، دوره، عهد. عهد کردن : م. عهد کردن، به بمان	عین : ق. عهین، وهك، مانه. پیسه (ه). هك (ش). عیناً : کور و ماب. عیك : ا. نه هك، جاو لکه، عانهك. چه شمه کی (ه). چافك، به رچافك، چه عك (س).

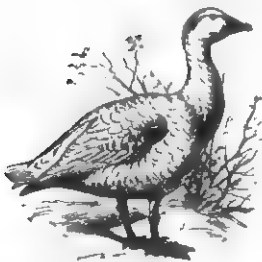
۱- بیمان.

۲- عصر و زمان.

عینکی : ص ن ب۔ عینہ کی۔  
چہ سمہ کی (۵)۔ بہر حافکی (س)۔

# غ

غاز : ا. فاز. قازى (ه).



غ : غ

غار : ا. غار، مه غاره، بنه مهر، خار،  
نه شکفت. مهر (ه). کول، همل،  
بهرمه غار، زاغور، رفتگ (ش).  
غاوت : ا. ساراج، غارمت، تالان،  
زاخوران. بوور (ش).  
غارت کردن : م. غارمت کردن، چه باو  
کردن، بالان کردن. شهلاندن، بوور  
کرن (ش).

غافل : افا. حافل، عافل، حلاف، حاو.  
غافل شدن : م. خافل بوون، کهفتنه  
خلاقا، خلافيان. غافل بيهى، کهوتهى  
خلافيه (ه). خافل بين، خاوبين (ش).  
غافلگير : ص. فا. خافلگير، غافلگير.

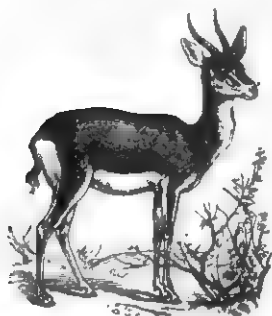
غارنگر : ص. فا. بالانجى، چه باو کهر،  
عاره نگهر، بالان کهر.  
غار غار : است. فاره فار، فازه فاز.  
غار غار کردن : م. فاپانن. قيناي (ه).  
فاي قاي کرن (ش).

- خواراك دان (ش)،  
غذاى جويده : دهمه جاو. زاويا (ه).  
غر : ا. خوته، خونه خوت، بۆله، قوپر.  
غرامت : ا. غراممت، ناوان، خه سارمت.  
غرب : ا. خوه راوا، رۆزاوا.  
غربال : ا. نيلهك، بيزنگ، نهرمه بيزر،  
فهربال، قهر بيل، كارماخ، هيلهك،  
وتجنه (ه).  
غربال کردن : م. نيلهك کردن، بيزنگ  
کردن، فهر بيل کردن. وتجنه  
کرده ی (ه).  
غربت : ا. غوربت.  
غربتی : ص نسب. قهره جی، قهره ج.  
غر زدن<sup>۱</sup> : م. خلاقان، خاوانن.  
خلافتای (ه). لپ کرن (ش).  
غر زدن<sup>۲</sup> : م. خوته کردن، بۆلآنن،  
بۆلآنندن، رینگاننه وه، رینگه رینگ  
کردن، خوته و بۆله کردن، قوپره قوپر  
کردن، بۆله بۆل کردن.  
غرس کردن : م. چاندن، نيان، کيلآن.  
غرش : امص. نرکه، نهره، خورش،  
غورش، مړه.  
غر شدن : م. قوبيان.  
غرض : ا. مهبست، قين، غهره ز.  
غرغر : اصت. بۆله، بۆله بۆل، خومه،  
حومه خوب.  
غرغر کردن : م. بۆله کردن، بۆله
- خافلگیر کردن : م. خافلگیر کردن،  
خسته خلافا.  
غالب : اف. زال، سرکه وتووه، سوور،  
چير، خهرا، خهيرا، شیر گیر، چيره،  
سرکه وت، چير و مير.  
غایب : اف. په نام، نوقوم، شاریا،  
شاریاگ، ناديار، سوورگوم، شاراوه.  
به زر، په نی، خهف، نهين (ش)  
غایبانه : ق مر. غایبانه، په نامه کی،  
به ناديار.  
غبار : ا. غوباره، گهرده، نۆز، تهب و  
توز، دووماک.  
غبطه : امص. ناواته، ناوانه خوازی.  
غیب : ا. عه غیب.  
غدغن : ا. قاخه، باساخ، فهدغه غه،  
مهموع.  
غده : ا. لك، غوده. لكه (ه). رينج،  
لوو (س).  
غذا : ا. خوه راك، ره مهن، سام، غهزا،  
رزی، ته عام، گرا را، رسى،  
خواره مهنی. وارده مهنی (ه).  
غذا خوردن : م. غهزا خواردن، خوه راك  
حواردن، ره مهن کردن. نان  
وارده ی (ه). رزی حارن، خوراك  
حارن، گرا را حارن (س).  
غذا دادن : م. خوه راك دان، غهزا دان.  
وارده ی دان (ه). گرا را دان، رزی دان،

۱ - گول زدن.

۲ - سخنان آهسته از سر خشم گفتن.

کردن، قوړه قوړې کردن، خوته خوت کردن. ا. ټاهوو، ټاسک، جهیران.



غرغرو : ص. نا. بولّه بولّ کمر، خوتن،  
خوته خوت کمر، قوړه قوړې کمر.

غرغره : ا. قرقره.  
غرغره کردن : فرقره کردن.  
غرق : امص. ص. غرق، نوم.  
غرق شدن : م. غرق بوون، غور بوون.  
نوم بیهی (ه).

غروب : ا. غورروب، ټواره، خوه راوا،  
چراکهران، روزاوا، زهده پیر.  
ویره گا (ه). زهړکه تاف (ش).

غروب کردن : م. خوه راوا بوون، روز  
نیستن، غورروب کردن، روزاوا بوون.  
وهرنیستی (ه). خورا قاین (ش).

غرور : امص. سانازی، فیز، غورور،  
نا، نه که بور.

غره : ص. خهړه، له خو ده رجو وگ.  
غریب : ص. ا. نه شناس، غهړیه،  
غهواره، سوره.

غریب گز : ص. فاء. ا. غریب گز.  
غریبه : ص. بیانی، بیتگانه، نه ژناس،  
نه شناس، غهړیه، خهړیه.

غرییدن : م. خوړین، داخوړین،  
گرماندن، نرکانندن، نرکانن،  
گرمائن، راخوړین، قرماندن، قرمانن،  
خوړش کردن. خوړای (ه). مپه  
کرن (ش).

غریق : ص. نوم، غریق، خنکباگ،  
خنکاو.

غز غز : امص. کرچه کرچ، قرچه قرچ.  
غسال : ص. مرده سور.

غسالخانه : امر. مرده سورخانه.  
غسل : امص. وسل، غوسل، شست و  
شو.

غسل کردن : م. وسل کردن، غوسل  
کردن.

غسل دادن : م. وسل دادن، شتن.  
غش : امص. غهش، بگرده، بوورده،  
بی هوش.

غش کردن : م. غهش کردن،  
بوورده وه، بگاره دان، بی هوش بوون.  
چووی شیهی (ه).

غشی : ص. نب. غهشی.  
غضب کردن : م. داپرین، داوړ کردن،  
داپر کردن، داگبر کردن.  
نهره گرهی، گرهیره (ه).

غصه : ا. بهراره، خم، خهفت، خوسه،  
نه ندوو، تم، نه نوو، حه زمعت، داخ.  
خودوک (ش).



غلاف : ۱. بهرگ، جلد، خلیف،  
خلاف، قلیف، کیلان، قاپ. کهلقان،  
کهقل (ش).

غلام : ۱. خولام، بهرده، غولام، بهنده،  
زه‌ریخی، کوتله.

غلبکن شدن : م. فولوه‌کن بوون.

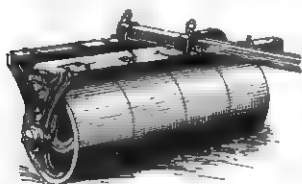
غلبه کردن : م. زال بوون، سرکه‌وتن،  
چیر بوون، بهزانی.

غلت : ۱. خولووپ، گوز، غلّت، تل.

غلطاندن : م. تلانن، تلاندن، تل‌دان،  
خولووپانن، غلّتانن.

غلت زدن : م. نم دیر و نه‌ودیر بوون.  
نی‌دیم و نه‌ودیم که‌رده‌ی (ه).  
سره‌نشت زقرین (ش).

غلثک : ۱. بان‌گلیر، بان‌گردین. بان  
گلین (ه). با‌گوردان (ش).



غلتیدن، غل خوردن : م. غلّیان، تلهو  
بوون، خلییره بوون، خلهو بوون،  
تل‌بوونه‌وه، تلیریه بوون، گل  
بوونه‌وه، گل‌خواردن، گلور بوون،  
گلیریه بوون. تلنای، تلاو تلی  
که‌رده‌ی (ه). گوریل بین، گه‌وزان،

غصه خوردن : م. خهم‌خواردن، خه‌فت  
خواردن، خوسه‌خواردن. خه‌فت  
واردی، خوسه‌واردی (ه). خهم  
خارن، خوسه‌خارن، خه‌ه‌خارن (ش).

غصه‌دار : ص. فا. په‌ژیو، په‌شیو، دژ،  
خه‌مبار، خه‌فت‌بار، ته‌مین، خه‌مین،  
خوسه‌دار، درژ، دل‌پر، عاجز.

غصه در دل انداختن : په‌چین،  
په‌چین. په‌چای دل (ه).

غضب : امص. ۱. غه‌زهو، قین، جه‌هر،  
رق، غه‌زب، نه‌وهو، خشم.

غضب کردن : م. غه‌زهو کردن، قین  
کردن، نه‌وهو کردن، جه‌هر کردن.

غضبناک : ص. مر. غه‌ه‌وناک، قه‌س.  
غضروف : ۱. خرموتکه، کور‌کوروزه،  
کور‌کوروچکه. کره‌چولتی (ه).  
کر‌کرووک (ش).

غفلت : امص. چورتم، خه‌فلت، غفلت،  
غه‌فلت.

غفلت کردن : م. غه‌فلت کردن، له‌بیره  
و چوون، فراموش کردن.

غلّ : امص. فلته، کول، جوش، قلت،  
فولت. قول (ه). بلق، کهل، قل (ش).

غلّ : ۱. تل، گل، تلیر، خلیر. گوریل،  
گه‌وز (ش).

غلّ<sup>۱</sup> : ۱. زری، زه‌جیر.  
غلّات : اج. دانه‌ویله، خه‌لهو دان.  
دانه‌دوو کاکه (ش).

گوزین (ش).

غمزه : امص. خه مزه، ناز، عینوه، لاره،

له نجه، چاو فریکتی.

غل دادن : م. تله و کردن، تل دان، خله و

غمگین : ص. مر. په زیو، په سئو، درزه،

کردن، تلانه وه، تلیره و کردن، خلیره و

خه مبار، خه هت بار، ته مین، خه مین،

کردن. تل دای (ه). گوریل کرن،

خوسه دار، دل پی، عاجز.

گوزدان (ش).

غنچ زدن : م. کور کیان، کور کاندن،

غل زدن : م. قول دان، کول دان، قول دای،

کور کانی.

قلته دای (ه). گه لین، بلن دان (ش).

غنچه : ا. غونجه، خونچه، ول،

غلط : ص. ا. غه لمت، نادوروس،

به ندوشک. ولی (ه). بشکوز، باتینک،

خه لبت، هه له.

بشکوشک (ش).

غلطاندن : نک. غلطاندن.

غنچه کردن : م. خونچه کردن، ول

غلغل : اصت. فوله قول، قلته قلت.

کردن، به ندوشک کردن. خونچه

گشه گش، بلفه بلن (ش).

کهردهی (ه). بشکوشک دان (ش).

غلغلک : امر. ختکی، خوروک، ختی،

غنداغه : ا. قوناخه، بابوله، قوناخ (ه).

خیلکه، خوتو و که. خدووک،

قوماته، پاچولک، بی چولک (ش).

گدی گدی، ختلی (ه). قدیله که،

غنودن : م. نووستن، خه وتن، خه فتن.

قدیله کانی، قدیله ک (ش).

رازان (ش).

غلغلک دادن : م. ختکی دان،

غنیمت : ا. غنیمت، تالانی، خه نیمت.

گدی گدی دان، ختلی دان (ه).

غواص : ص. ئاو باره. تاقژن،

قدیله ک دان (ش).

شوبه ر (ش).

غلغل کردن : م. هه لتو لیان، قلته قلت

غوره : ا. قوره، هاله، زیله، هاله

کردن. قوله قول کهردهی (ه). بلن بلن

زیله، به رسیله. هالی، زیتلی (ه).

کرن، گشه گش کرن (ش).

به سیره، پیره (ش).

غلغله : اصت. غولوو، فال، حمله لا، زله،

غوزک : امص. فوله په.

هه را، جه نحال، هه با هوو، موو.

غوزه : ا. قوزاخه، قوزلاخ، قوزاخ (ه).

قاله قال (س).

قوزلاخه، گوزک (ش).

غلّه : ا. خه له، دان، ده حل و دان، ده خل،

غوزی : ص. نب. کوّم، پش کوّم.

دانه و تله. دانه دوو کا که (ش).

غوطه : ا. قولت، قولته.

غلیط : ص. ههس، خهس، خهست،

غوطه خوردن : م. فو لیان.

غلیز. ره واوه، ره هیاف (ش).

غوغا : اصت. غوغا، خه شره لا، حمله سه،

غم : نک. عسه.

به زور بین (ش).	حمله‌لا، حمله‌سی، فوو، زلزله، هه‌راو
غیر <sup>۱</sup> : ص. غه‌یر، بیگانه، غه‌یره،	هوورا، هه‌راو به‌زم.
ناشناس، نه‌نیاس. بیانی (ش).	غولک : ا. فوروا، بوق.
غیر <sup>۲</sup> : ق. بیژگه، به‌غ‌ه‌یر، مه‌گه‌ر،	غول : ا. حوّل، می‌ده‌ز مه، غوول.
جگه. بی‌جگه (ه). بلی، غه‌یر،	غیار کردن : م. قه‌یار کردن. قیار
خنجی (ش).	که‌رده‌ی (ه).
غیر اشراف : بۆره‌ پیاگ. بۆره‌ پیا (ه).	غیب : ص. غه‌یب، نادیار، په‌نام.
قه‌ره‌یاغه (ش).	به‌زور (ش).
غیرت : امص. ا. غه‌یرت، پیاگه‌تی،	غیبت : امص. غه‌یبت، خوشپ، باشه
پیاوه‌تی، می‌رائی، می‌رخاسی.	مله.
غیرتی : ص‌نسب. غه‌یره‌تی.	غیبت کردن : م. پشته‌سهر وتن، غه‌یبت
غیظ : ا. غه‌یز، پیش، حورس، مان،	کردن، خوشپ کردن، ناویردن، باشه
حرس، فین، ری.	مله‌گوئن.
غیظ کردن : م. غه‌یز کردن، پیش	غیب شدن : م. غه‌یب بوون، نادیار
کردن، مان کردن.	بوون، نوqm بوون. په‌نام بیه‌ی (ه).

۱- بیگانه، ناشناس.

۲- مگر، بجز.

# ف

## ف : ف

به با.

- فاتح : افاء، ص. زال، سرکه و توو.  
 فاحشه : ص، ا. سوزمانی، حونه، حیز،  
 گاندر، قهجه، سازنه.  
 فاحشه‌خانه : امر. جونه‌خانه،  
 هه‌حه‌حانه، حنه‌حانه.  
 فاخته : ا. گاگۆر، کوو کوو.  
 فاخر : ص. گرانمایی، سه‌نگیز  
 فارس : ص، ا. فارس.  
 فارسی : ص. نسب. فارسی.  
 فارسی زبان : فارس.  
 فارغ : ص. فارغ، ناسووده، ره‌حمت،  
 فاستونی : ا. فارسونی، فاسونی.  
 فاسد : ص. فاسد، زابه، گه‌نا، چه‌پهل<sup>۱</sup>،  
 خراو، گه‌نیو، خراب، گه‌نگ. سبتو،  
 خراف، گه‌نی، رزی (س).  
 فاسد شدن : م. خراو بوون، فاسده و  
 بوون، زابه بوون. گه‌نین،  
 خرابایی (ه). رزین (س).  
 فاسق : افاء، فاسی.  
 فاصله : ا. فاسله، به‌ین، ناو، دووری،  
 مابه‌ین، باخوهر. دۆز، ناقه‌ن (س).  
 فاصله زمانی : ماوه، مۆده، وه‌خت.

ممنوعه، فایه، کهلك، ماف.

فایده بردن : م. قازانج بردن، سوو

بردن، نفع کردن، ممنوعه کردن.

فایده دادن : م. فایه دان، سوودان. فایده

دای، سوودای (ه). قازانج دان (ش).

فایده رساندن : م. فایه گه یانن،

سوو گه یانن. فایه یاونای، قازانج

یاونای (ه). فایده گهاندن، قازانج

گهاندن (ش).

فتح و فراوان : مشهور، فت و فراوان.

فتق : ا. قوری، قیره یی، گهولی.

فتق دار : صفا. قیره، گهول، زك

دریای، قوز، گول کو.

فتنه : ص. ا. فتنه، ناشووبگر، ناشو،

باكله، كوله و هیوا، چوكله سكیتن،

بسیونه، پاكل، ناگروك، كوله وهی

باب، گیره ستوین.

فتنه انگیزختن : ناژاوله کردن، پشتوه

کردن، گهر دش نانه وه، گیره شیوانن،

ناشو کردن.

فتوا : نك. فتوی.

فتوی : ا. راه، پروا.

فتیله : ا. فتیله، بهلیته.

فحش : ا. جنبو، جوتن، دروین،

خوسن، فحش، دشمنین.

دژمانی (ه). قسین، خهبر (ش).

فاضل آب : امر. وازاو، فازلاو.

فاق : ا. فاق، حاجه، تلشی، فلیقان.

هحك (س).

فال ۱ : ا. بهس، کوگا، فال، بر.

فال ۲ : فال، نالغ، تاله، رهمل.

فالك (س).

فال بد زدن : م. فرانن، نه فلانه ی خراو

دان، فریای (ه).

فال فال کردن : م. بهش کردن، فال فال

کردن. کوگا کوگا کهرده ی (ه).

فال گرفتن : م. فال گرسن، نالغ دین،

رهمل خستن. تاله گرته ی، فال

گرته ی (ه).

فالگیر : صفا. فال گیر، نالغ وین،

فالغی.

فالوده : ا. پالووده، فالووزه.

بالده (ش).

فاله : ا. ماریک، مایه، رامکه، رامه.

رامی (ه). هلمانك (ش).

قام : بام. تاله، چهرده، قام. وام (ه).

فامیل : خیزان، بنه ماله، خانه واده.

فانسقه : فانوسمه، قیسك لوخ، فیشك

دان.

فانوس : ا. فانوز، فانوس، فنهبر،

لهنتر، چرا، فانوس. فهند (ش).

فایده : ا. قازانج، سوو، نفع، خهبر،

۱- بخش، سمت.

۲- مانند در: «فال گرفتن و تالغ دیدن».



فانوس

- فحش دادن : م. دژوین دان، سه کائن،  
 باوگهره بازی کردن، خراو و من،  
 جوین دان، خوشن دان، درمان  
 دای (ه). خه بر دان، فین دان (س).  
 فحل : ص. فال، به با، که، به فال،  
 به گه، به لب.  
 فحلی سگ و خوک ماده : با.  
 فخار : ا. هور گهر.  
 فخذ : ا. ران.  
 فخر : امص. سازازی، سه به رزی، فخر.  
 فخیم : ص. پایه به رز، مزین، گه وره،  
 به ریز.  
 فدا شدن : م. سه رگهرد بوون،  
 به سه رگهردا جوون، فدا بوون، فدا  
 بوون. فوربان بیهی، سه رگهرد  
 بیهی (ه). فدا بین، گوری بین (س).  
 فداکار : ص. فیدا کار، خو گوری  
 کهر (س).  
 فدا کردن : م. فدا کردن. فوربان  
 کردن، گوری کرن (س).  
 فدایی : ص. نسیه، فیدایی، بیس مهر گه.  
 فدییه : ا. گیان بایی.  
 فر : ا. فر. فرن (ش).  
 فراخ : ص. گوشاء وراق، کرنوه، حیر،  
 ره و ساگ، ناوا، ناوان، ناوا، ره سا،  
 دال، فراخ، وهلا، وهستخ.  
 فراخور : ص. مر. ساو، نه نازه، مزاک،  
 ساسه.  
 فراز : امص. فیرار، هه لآب، گوریز،  
 رهف (س).  
 فرار کردن : م. هه لآتن، دهر جوون،  
 فیرار کردن، را کردن، بایا هاوردن،  
 نتیجه و کردن، خودزنه وه .  
 وی دزنه وه ، به رسیه (ه).  
 فراز : ا. سه ریان، یوبه، فله یوبه،  
 روور، هه وراز.  
 فراست : امص. وریایی، زیره کی، کاب  
 ناسی، وردینی.  
 فراش : ص. فهراش.  
 فراغت : امص. وچان، فهر اغت،  
 ناسووده بی، ره حسی، ناسایس،  
 به رده ز، سونگه، بونکه، به رده وز.  
 فراق : امص. دووری، جانی.  
 فراموش شدن : م. له به ره و جوون،  
 فراموش بوون، و به و سیهی (ه). بیر  
 حوونه وه (س).  
 فراموش کار : ص. فا. فراموش کار.  
 فراموش کردن : م. فراموش کردن،  
 خلافتیان. ویر شیهی (ه). ژبیر  
 کرن (ش).  
 فراموشی : ح. مص. فراموشی، خلافت.  
 فراوان : ص. زیبا، زیاد، فراوان، فره،  
 خه یلی، زور، بی شو، مولق، مشه مهر،  
 بی سامان. قینس (ه). زیده، گه له،  
 گه لهک، بی یقان (ش).  
 فراوانی : ح. مص. فراوانی، مشه مهری،  
 جهنگه، زوری، فره بی، که لیلان.  
 زیده بی، متنی (ش).

- فراهم آمدن : م. فراهم هاسن، دمس  
دان، رټك كهفن. فراهم نامای، رټك  
كهوبی (ه).
- فراهم آوردن : م. رټك هاوردن،  
بهرمه هاوردن، فراهم هاوردن،  
بهرمه هټان. فراهم ناردهی، رټك  
وسه (ه). رټنخستن، دابین کرن،  
بهرمه نه کرن (س).
- فراهم كردن : نك. فراهم آوردن.  
فربه : ص. چاخ، زل، كولاړه، گوستن،  
زلحورت، غوښ، نهلهو. قهلهف  
كهرناس، سهړخو (س).
- فربه شدن : م. چاخهو بوون، گوښ  
گرنن، زل بوون، چاخهو بیهی (ه).  
قهلهف بین (ش).
- فرتوت : ص. فیریوت، بهنوت، بواو،  
یریوکیاگ، زهغیف، لهواز، هفاته،  
فهټخ، پهړیووب، فیریووت.  
یووبا (ه). پوب، فیرمچی (س).
- فرجام : ا. ناخر، ناکام، بهړ، خهم،  
دووابی، نهواو، بهمام، دماچار،  
نهنجام. دمای، دما (ه).  
سوغین (ش).
- فرجه : ا. هل، دهرفت، ماوه، پهردهر.  
فرجی : ا. بهسك، فایووب، كهبهك،  
فرنجی، كوله بال. ناسکی،  
كهړهگ (ه). خوځك، بهستك (ش).
- فرچه : ا. فلجه، پرنجه، فرشه، فرجه.  
فرح : امص. شادی، بسكه، خوهشی.  
گهشی، وهشی (ه).
- فرخنده : ص. شاد، پیروز.  
فرد : ص. تهفیا، سالت، تاق، تاك،  
بی هاتا.
- فردا : ق. ا. سوژی، سبهینی، سبه، سوا  
سوهی، سویه، سهوا، سیزو، شهسو.  
ساره، سهبای (ه). سبهی،  
سبهینی (ش).
- فرداشب : ق. مر. سوژی شهو، ساره  
شو. سهبای شهوی (ه). شهقهكهدی،  
سبهی شهقی (ش).
- فردوس : ا. بههشت، بوههشت.  
بووحت (ش).
- فرز : ص. چابوك، فرز، نازا، بزبو،  
خیرا، زیرك، كرژ، گورج، فوچاخ،  
نیز، جالاك، ناگرباره، جنگز، نيسك  
سوك، نون، چالك، جهلد، سرك،  
سرگ، بههلامار، كرژ و كوتل. سلك،  
سرد (س).
- فرزانه : ص. فرزانه، زانا، یرمبسك،  
دانا، عاقل، زورزان، چازان.
- فرزدن : یرمان. یرمای (ه).
- فرزند : ا. فرهزن، نهولا، منال، زا،  
زاوټه، زاروټه، نوخم، تهرهكه، زاروټ،  
بجووك. زاروك (س).
- فرستادن : م. ناردن، هه ناردن.  
کیاسی (ه). رټی کرن (ش).
- فرستاده : امص. هه ناریاگ، پیا،  
بهیغامبر. فرساده (ه). رټی کری،  
هاربی (س).
- فرسخ : ا. فرسو، فرسنگ.

فرسودن : م. داپزان، داوه‌شیان، سووان، پرتووکیان، پرتووکاشن.  
 فرسوده : امف. پرتووکیاگ، داپزیاگ، داوه‌شاو، پاتال، فرسووده، په‌تووت.  
 پوویا، فرتووت (ه). که‌فن، رزی (ش).  
 فرش : ا. رایه‌خمر، ژیره‌خمر، فرش، سیپال، راخمر، تهون  
 چیره‌خمر (ه). مافیر، مافور، به‌ستیر، تهن، رایاخ، رایخ، رایتخ (ش).  
 فرش کردن : م. فرش کردن، قالی داخستن.  
 فرشته : ا. فرشته، مه‌لایه‌که.  
 فرصت<sup>۱</sup> : ا. پەردیژ، پەردیژ، سونگه، وچان، وهخت، پرکیشی، مه‌جال، بر، پرډژ. پەردەوژ (ه). فرست (ش).  
 فرصت<sup>۲</sup> : ا. پا، پله، فرست، هل، دهرفت، که‌لن (ش).  
 فرصت پیدا شدن : م. فرست په‌یا بوون، رمت که‌فن، پادان، پله‌دان.  
 فرصت پیدا کردن : م. فرست په‌یا کردن، فرست هاوردن، دمس پەرزان.  
 فرست ناردی (ه). دهرفت په‌یدا کرن (ش).  
 فرصت داشتن : م. پەردەزیان، به‌ربریان، برکیشی کردن.  
 پەردەچیای (ه). دهرفت مه‌بوون (ش).  
 فرض : ا. فرز.  
 فرضاً : ق. بگره، گرتم، فرزمن، مگرنی (ش).  
 فرض کردن : م. فرز کردن.  
 فرع : ا. فرع، شاخه، شاخ، چن، لهق، پهل.  
 فرفره<sup>۳</sup> : ا. فرفره، بارپسه. فریره (ش).  
 فرفره<sup>۴</sup> : ا. خول‌خوله، گیزگیزه، که‌رخول، کوتله‌نراش. خوله وتله، گاه‌پورگتی، پوریه (ه).  
 گفتگه، زفروک، نه‌وژ (ش).  
 فرق : امص. جیاوازی، فرق، ته‌فاومت، ته‌ویر.  
 فرق<sup>۵</sup> : ا. فرق، ته‌وقته، ته‌وق، ته‌وق‌سر.  
 فرمان : ا. پژگال، ئه‌مر، ده‌سوور، فرمان، حوکم. هه‌رمانه (ه).  
 فرمانبردار : ص‌فا. فرمان‌به‌ردار، ژنه‌وا، ره‌مووده، گوئ‌له‌مشت، رام، گوی دیر، گوی رایهل، متیج.  
 هه‌رمان‌به‌ر (ه). گوه‌دار، نه‌مر

۴. بازیچه‌ایست چوبی با ریمان بر زمین

کوبند، به دور خود بچرخد.

۵. فرق سر.

۱. مجال.

۲. وقت مناسب.

۳. بازیچه‌ایست از کاغذ چهار گوش که بر سر چوب کند و باد آن را بگرداند.



فرو رفته : ص. چهاو، قوباو، چهياگ، فوياگ، دانهياگ، قوياو.	بهر (ش).
فروويختن : م. داريان، داوهريان، رميان، روحيان، خراو بوون.	فرمان بردن : م. سهرسپاردن، فرمان بردن، مل دان. همرما بهردهی (ه).
مجبيايره (ه). ژوورداهانن، هلوشيان (ش).	فرمان داخن : م. فرمان دان، نهر کردن، دهسور دان، گفت دان. همرمان دای (ه).
فروش : ا. فروش. ورمش (ه). فروشنده : اف. فروشنه، فروشه، فرونيار.	فرمانده : ص. فا. سهرپهل، قوماندار. قوماندان (س).
فروغ : ا. بريغه، شهو، سوما، وريشه، تاو، نور، درۆشه.	فرمايش : امص. وته، گونه، فهرموده، فرمايش.
فروك : ا. وارۆك.	فرمودن : م. فهرموون. فهرماواي (ه).
فرو کردن : نك. فرو بردن.	فرنی : م. فرنی. شووتيه (ه).
فروکش کردن : م. دامردن، دامكان، دامركيان.	فرو بردن : م. داجه فائن، پيا بردن، کردن پيا، تيک بردن، چه فائن.
فروگذار کردن : م. واز هيلان، هيلان، دهسلي هل گرن.	نهره بهردهی، چه فناي (ه). ژووردا برن (ه).
فرومانده : امص. بهلكه ونوو، دهرمه نه، باركه فنگ، دامگ.	فروتن : ص. مر. فروونهن، نوفنايه، بي. فير.
فرهنگ : ا. فرهه رگ، زانباري.	فروختن : م. فروتن، فروشتن. وره نهی (ه).
فرهنگستان : امر. کوپري زانباري، فرههنگسان.	فرود آمدن : م. داوهزين، داخوزين، نيشتنه وه. وسهيره (ه). نهرين، نيقرين، جي وار بوون (ش).
فرياد : ا. فريا، داد، هاوار، فيزه، قيره. ههقار، گازی (ش).	فرودگاه : امر. فرگه، فروكه خانه.
فرياد عصباني زنان : حهيجه، ههپته، شته، فيزه.	فرودين : ا. خاكه ليوه، نوسان.
فرياد كشيدن : م. هاوار كيشان، فيزان، دهنگ دران.	فرورفتن : م. تهپين، داتهپين، تهپيان، دابون، داجوون، چهپين، چه قيان، پياچوون، قوپيان.
فريب : ا. فريو، گول، دهلهسه، حوقه. حبله، لپ، خاپ (ش).	چه فناي (ه). ژووردا چوون، رووچوون، تهسيان (ش).

فريب خوردن : م. فريو خواردن، گول خواردن، خله تيان، له خشته چوون. فريب واردهی، گول واردهی، خله تياي (ه). لپ خارن، خاپين (ش). فريب دادن : م. گول دان، له خشته بردن، خله تانن، خاوانن، گولنگ برين، پله تيان، خلاقاندن، خاواندن، خاوان، دمس به زاخاوا کردن. گول داي، خله تناي، خلافناي (ه). خاپاندن، لپ دان (ش). فريفتن : نک. فريب دادن. فساد : امص. خراوی، خراپی، ناپاکی، گه نگی، فساد. فسخ کردن : م. بهیه کادان، هلا رووشاننموه، هلا شيواننموه، فسخ کردن. هوړ ته کنای، تیک دای (ه). فسق کرن، لیک دان، هershاننموه، هلقه شانندن، لابرن (ش). فس فس کردن : م. فس فس کردن. فست فست کرن (ش). فسقل : ص. فسل. فسنجان : ا. فسنجان. فش : اصت. فش، گغه. فشار : ا. فشار، زور. فشار آوردن : م. فشار هاوردن، زور هاوردن. زور ثاردهی (ه). زور تيان، فشار تيان.

فشردن : م. گووشانن، گووشران، فشاردان، ته ژاندن، جهرانن، جهراندن، جهران، چهلان، چهلانن، چهلاندن، گووشين. شوورای (ه). په ساندن، په ستاوتن، گوٹشانندن (ش). فش فش : نک. فش. فششه : ا. فششه، فشه که شيه. فشنگ : ا. فشهنگ، گولله، فشهك، فشهنگ. فشنگ پران : امر. پاش ماشه. فصاحت : امص. فصاحت، زووانداری، رهوان پیژي، تهیره زووانی. فصل : ا. کز، وهرز، فصل، موسم. فصل : ا. زه مان، سا، وهخت، کز، گا، فصل. فصل درو : نوخه. دانی دروونی (ش). فصاحت : امص. رسوایی، رزوی. فضل : امص. زانایی، دانایی، گه وره تری. فضله : ا. ريقنه، شياکه، ريخ، جيت. چيرت (ش). فضول : ص. دره ووك، بهرزه بلیس، چه تون، چه وره، زووان دريژ، لاپلار، لاپله رسهنگ، فزوول، تافوتوش، به کرووك (ش). فضولی : ص. نب. فزوولی، زووان

بی جار، بی چاره، خیزار، نهرامنه،  
بی نهوا، کولول، بابهدس، قهسیان،  
دهس تنگ، دمس کورت. بیهش،  
بله گاز، بله نگاز، زیفار (ش).

فلک : ا. فلک، نالووشه، ههتهک، لاشه وئله.  
فکر : ا. نهیش، نه ندیش، فکر، رمان،  
خه یال، راویچکه، یاد، بیر، ورکه،  
ویر، ویره (ه).

فکر کردن : م. نهیش کردن، فکر  
کردن، بیر و وگردن. رمان، ویره و  
کرده ی.

فکری : ص. نسب. فکری.  
فلاخن : ا. قهلماسک، قهلماسه.  
فوجه قانی، بهرزه فانبه (ه).  
بهرفه فانی (ش).  
فلاسک : ا. متاره، مهنه ره،  
ناقهف (ش).

فلان : ا. کابر، فلان، فیسار، یارو.  
فلان و بهمان : امر. فلان و بهمان، فلان  
و فیسار. فلان و بیقان (س).  
فلج : ا. قهلهج، شخت، نفلج.  
نشان (ش).

فلز : ا. فلز، مه نال، کانزا.  
فلس : ا. فلس، پوله که.  
فلفل : ا. نالمت، فلفل. دهرمانک (ش).  
فلفل سبز : امر. بیبار، بیبهر.  
نالته فهره نگی (ه).

دریزی، بهرزه بیتی.

فطانت : امص. وریایی، زیره کی،  
به یاری، به هوش.

فطرت : امص. سروشت.

فطریه : ا. وتره، قتره، سهر ویتره، سهر  
فیتره.

فطریه دادن : م. سهر ویتره قهولانن.  
قتره قهولانی (ه). قتره دان (ش).

فطیر : ا. فطیر، همل نه هاتوو.

فعال : ص. کارا، یس کار، چالاک،  
نه خه ستوو.

فعل : ا. کار، کرده وه.

فعلا : ق. نیسه، نینا، جاری.

فعله : ا. پاله، ره نجبر، عهمله،  
کریکار، فعهله، فاله. شوول  
کهر (ش).

فغان : نک. فریاد.

فقدان : نه بوونی، بیوهی.

فقر : امص. زاری، فقیر، هه زاری،  
بی نهوایی، نه داری، ته نگدهستی،  
کوره وهی، فقیری. بله نگازی (ش).

فقره<sup>۱</sup> : ا. فقیره، موره، مروخه.

فقره<sup>۲</sup> : ا. فقیره، دانه، جار، کهره،  
ده فقه، نوگه.

فقط : ق. فقط، تیه، تنی (ش).

فقیر : ص. فقیر، نسک، ژار، هه ژار،  
ره جال، لی که فتگ، نه دار، چنه بی،

۱ - فقره ای از ستوب فقرات.

۲ - دفعه، کرت.

فلفل نمکی : امر. دانامه، گهنم و جوت.

فلک<sup>۱</sup> : ا. فلاقه، فلهک.

فلک<sup>۲</sup> : ا. چهرخ، گگردون، فلهک.

فلکه : ا. باریسه، فلهکه.

فلوت : ا. فلوت، لولوه، شمشال، بلوور،

دوزله. لولوی (ه). بلوول، دودک،

بلور (ش).

فلوس : ا. فلوس.

قله : ص. ا. ولسم، فس.

فس : ا. فب، فس، رینگ، سگرد، فهد،

هونه، پیسه.

فنجان : ا. فنجان، بیاله. کلوسک، مونک،

سبک (س).

فندق : ا. فنی. کهلوز (ش).

فندک : ا. فهدک، حه حماخ، فهد (س).

فتر : ا. فتهر.



فنجان



فتر ساعت : امر. به ندول، زهنبهلهک.

فواره : ا. فواره. فیزک (س).

فوت : ا. بف، فوو.

فوت کردن : م. بف کردن، فوودان.

فوکه ردهی (ه).

فوت کردن : م. مردن، ساجوون،

عومر حوا کردن.

فوری : ی. هوری، زوو، حتی به حتی،

دهم به دهم، دم و دمس.

فوق : ی. مان، سه.

فوقانی : ص. سب. بانگ، سه رگ،

سه رس، سه ری، سه و ساسی.

نه فراری (س).

فوق الذکر : ناوبراو.

فولاد : ا. فولاد.

فولادین : ص. سب. بولانی، بولابین.

فهرست : ا. بیرسا.

فهم : امه. فام، زانس.

فهماندن : م. راگه باندن، حالی کردن،

فاماس. بی گه هاندن، بی

حه ساندن (س).

فهمیدن : م. زاسن، بی گه سن، فامس،

حالی بوون، بی گه سس، فتر بوون.

زانای، فامای (ه). بی گه سس (س).

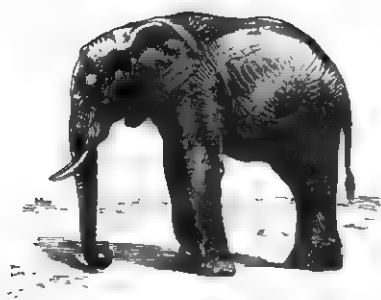
فهمیده : امه. فامه. بی گه سس (س).

فیروزه : ا. فروزه. فروزه (س)

فیس : ا. فر، فس، فوس (س)

۱ - نوعی آب سکه.

۲ - گردون.



فیل

فیس کردن : م. فیر کردن، نوژ کردن،

خوהל کیشان. حوس کرن (س).

فیل : ا. قن.

فیلتر سیگار : امر. ناعره، مستووك،

رهعهره.

فین : اص. فین. لووس (ه). فن (س).

فین کردن : م. فیس کردن، سړس، قم

کردن، داسرس. سړه ی، لووس

کهرده ی (ه). فن کرن (س).

# ق

ق : ق.

قاب : ا. قاب، كاب.

قاب بازی : ح مص. میر گزیر کتی،  
جگین، قایان. شه کین، شه گین، قاپین،  
کابانی، لاریه کاب (ش).

قاب دستمال : امر. دوز شو، قاپ  
ده سال.

قاشق : ا. که وچک، چمچه، که وچه.  
چه مچک، چه مچه (ه). چو وچک (ش).  
قاشق بزرگ چوبی : کشتیل.

که وچیز (ه). قه پوچک، حوسکی،  
حوسکو (ش).

قاشقک آسبا : چه قچه قه، نازینه.  
حوسکی (ش).

قاصد : اف. بهله پا، پی کوره، قاسد،

فرستاده، پیگ، پیا، چه پهر، پیک.

قاصدانه : ص نسب. ا. پالادانه، پامز،  
قاسدانه.

قاضی : اف. دادپرس، قازی.

قاطر : ا. فانر. بزی، هه سهره (ه).  
تیسر، هیسر، قانر (س).

قاطرچی : ص مر. فامرچی، هیسرچی.  
خه ریه نده، هه ریه نه (ه). هیسر  
چی (س).

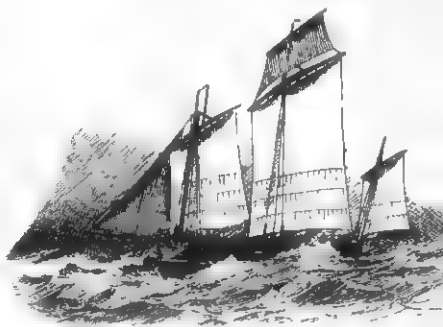
قاطی : ص. ناوینه، نیکه ل. نامینه (ه).  
تیکه ل (س).

قاعدگی : ح مص. عاده ت، بی نویزی،  
عاده بی. عده ت (س).



قاشق

- قاعده : ق. قاعده، یاساء، ده سوور، رهوست، قایده، رتسا.  
 قافله : ا. قافله، کاروان.  
 قافیه : ا. سه روا، دوواختب.  
 قاقا، قاقالی لی : خله، خلی، قاقا، گاگا.  
 قاقم : ا. قاقم، ده لک.  
 قالب : ا. قالب، داریز گه، شپیان، ریزمه، پیزمه.  
 قالی : ا. مافور، قالی، مافیر، به سیر.  
 قالیچه : امض. قالیچه. بهرك (ش).  
 قانع : افسا. قانع. ساجینه، داساکار (ه).  
 قانون : ا. یاساء، رتسا، ده سوور، قاعده.  
 قاووت : ا. قاوت. پوخین (س).  
 قایق : ا. قایق، بهلم، که لک، که ره جی، قایخ، ده سه که شتی، قوفه، لوتکه.  
 قایم : ص. محکم، سفت، قایم، سفت و سول، سخت، تن. هیم، قایم (ه).  
 قایم شدن : م. خوشاردنه وه، روو گرتن، قایم بوون، خودا گرتن، به نام گرنه ی (ه). به زربین، خویا  
 بین (ش).  
 قایم کردن : م. شاردنه وه، شاردن، قایم کردن، به نام کردن. پنهان که ره ی، شاریوه (ه). به زکرکن، شاردنه وه، قه شارتن (ش).  
 قائم مقام : بریکار، جی نشین.  
 قایم هوشك : امر. چاوشاره کی، فولوولوو، کاکل سیران.  
 ملاسه کوتی (ه). قه شارتکو (ش).  
 قبا : ا. کوا. که وی، که وا (ه). کورنه ک، حنن، کورته (ش).  
 قباله : ا. قباله، بنجاخ، چاخ، قباله.  
 قبر : ا. نارامگا، گۆز، قهور، زیاره تان، فبر، سارگا، مرزمل، زیارب، گلکو. ترب (ش).  
 قبرا ق : ص. نه یار، ناماده، زیت.  
 قبرستان : امر. زیاره تان، گۆرخانه، قهورسان، گۆرسان، گۆرستان، قهوران. فبرسان، زیاره تلان (ه).  
 فبرستان، زیاره نگا، قهرکول (ش).  
 قبض : ا. ره سی، ره سید، دمی نووس، سایه دمی، هوز.  
 قبل : ق. پیش، مهر، پیتدا، به رده م، جلوه، جاران، وه، وه لینه (ه).  
 برایک (ش).  
 قبله : ا. قبله، روو گه (ش).  
 قبله نما : امر. قبله نما، روو گه نما. روو گه نوین (ه).  
 قبول شدن : م. قه بول بوون، په سه ن بوون.



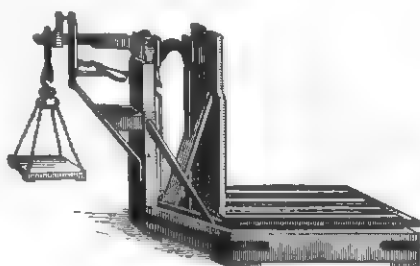
قبول کردن: م. قبول کردن. گله دادن ،

فوبول کردن. په‌زیراندن (ش).

قبيله: ا. خیل، هوز، تیره، قنگه‌زه،

قبيله، تايغه، نبل.

قبان: ا. قه‌بان.



قتل: امص. قه‌تل، خوین. ونی (ه).

قحبه: ص. سوزمانی، حیز، گانده‌ر،

سوزانی، جوننه، قحبه.

قحط: امص. قات، قی، قات و قی.

قه‌حت، کولپ (ش).

قحطی: ح مص. قه‌لاچو، قاتی، قات و

قی. قه‌حتی (ش).

قد: ا. قه‌د، بالا، به‌زن، گز<sup>۱</sup>.

قداره: ا. ه‌یاره، قه‌داره.

قد بلند: ص مر. ته‌زه، بالا به‌رز، بالا

بوله‌ن، زه‌لام، دریش. بوشناخ، به‌ژن

بله‌ند (ش).

قدح: ا. پیاله، جام‌وله، قه‌ده‌ح.

قدیرت: امص. وه‌رگه، گوپ، زور،

ده‌سه‌نه، شیان، زووخ، گریک، ته‌وان،

قورمت، تاو، شی، تاوشت، هیز، گری،

گریک، به‌رگه، گو، هانا، گری، تین،

ده‌سه‌لات. قه‌قه‌ت، تاب، خووز،

رایه (ش).

قد خمیده: امر. چه‌میاگوه، قوخ،

چه‌میاوه، کوپ.

قدر دانستن: م. قه‌درزانی،

ه‌درزانی (ه).

قدری: و مر. قه‌دری، ناوی<sup>۲</sup> نه‌ختی،

ه‌ندی، ه‌نده‌کی. پچه‌کی،

کیمه‌کی (ش).

قدغن: نک. قه‌غن.

قدقد: اص. گازه، گاره‌گار، قود قود.

قد کشیدن: م. بالا کردن، گه‌شه‌کردن،

قه‌د کشان، بلن بوونه‌وه. بالا

کرده‌ی (ه). بله‌ند بین، گه‌ش بین،

شین بین (ش).

قد کوتاه: ص مر. بالا کوتا، کوتاله،

باوه قورمت، به‌ژن کورت. قونک (ش).

قدم: ا. ه‌ه‌نگاو، پا، قه‌ده‌م.

کرده‌ی (ه). بله‌ند بین، گه‌ش بین،

شین بین (ش).

قد کوتاه: ص مر. بالا کوتا، کوتاله،

باوه قورمت، به‌ژن کورت. قونک (ش).

قدم: ا. ه‌ه‌نگاو، پا، قه‌ده‌م.

ه‌ه‌نگامه (ه). شاقا، شاقاو، شقا،

۱. برای درخت گفته شود.

۲. زمان اندکی، قدری از زمان.



قراضه : ۱. قورازه، قوراده. قوراقی، کوراده، خه پک (س).	گاف، پتی کاف (ش).
قراقروت : ۱. قهره قوروت.	قدم برداشتن : م. ههنگاونیان، پاهه
قرآن : ۱. فورنان، فورعان.	گرتن، قهدهم نیان. ههنگاوهور
قران <sup>۱</sup> : قهران، قوروش .	گرتهی (ه). قهدهم راکرن (ش).
قران <sup>۲</sup> : امص. قهران.	قدم زدن : م. قهدهم لی دان. گاف دان (ش).
قراول : ۱. قهرهول، کی شکچی، تیشکی، یه ساول.	قدیفه : ۱. قهذیفه.
قراول رفتن : م. چوونه قهراولا. پاریز	قدیم : ص. قهذیم، میزه (ش).
لووای. قهرهول لووای (ه). پاریز	قدیمی : ص. نسب. قهذیمی، میرووی.
چون (ش).	میرقهی (س).
قربانی : ص. نسب، ح. مص. قوروانی، قوربانی، قوج، سرگهرد.	قر : ۱. قر، لهجه، لاره.
قربانی کردن : م. قوروانی کردن، قوربانی کردن، به سرگهرد کردن.	قربانیت : امص. نزدیکی، خزمایه‌نی، هومی، خویتی.
قرص <sup>۱</sup> : ۱. حوب، قورس.	قربانه : ۱. قهرابه.
قرص <sup>۲</sup> : ص. قورس، سه‌نگین، مه‌ه‌کم. نوکه، هیم (ه). گران، قایم (ش).	قرار : امص. ستاره، هه‌رار، آرامی، نوکه.
قرض : ۱. قهرز، قهره، قهرزو، قوئه. قهر (ش).	قرارداد : ص. مف. ۱. بهینه‌ت، بریار، بهیمان، قهرارداد.
قرض دادن : م. قهرز دان. قهرز دای (ه). قهردان (س).	قراردادن : م. هیستن، ئاسن، بلین، دانیان، نیان. نیایره، ناسی، نهره‌سای (ه). دایان، هسن، هیلان (س).
قرض کردن : م. قهرز سنن. ده‌سه‌قهرز سنن، قهرز گرتی (ه). قهر گرم (ش).	قزارگاه : امر. هه‌رار گا، سارگا، خیوه‌نگا، هه‌وار، ره‌وگه، بنه‌گه، زوم، زووم. زه‌وزان، قهراسین، رووانگا، روانگه (س).

۲. رهایی از مرض و بدبختی.

۳. حب.

۴. اسنوار، سنگین.

۱. ریال، به یک ریال و پنج شاهی نیز  
گفته شود اما در کرمانشاه یک ریال  
اسب.

قرض و قوله : قهرز و مؤله. مهر و

مهر (س).

قرعه : ا. بشك، بهش، قسمت، قورعه.

قرق : ص. قورخ، قورخ، قهيسه قوو،

ناوان.

قرقاوول : ا. قهرقاوول.



قرقی

قرمه سبزی : امر. سهوزی قاورمه.

قرن : ا. قهرن، سهده، چاخ.

قنفل : ا. قهره قنفل. قهرفل (ش).

قرو قاطی : نیکهال ییکهال. تیکهال

میکهال (ش).

قره قرووت : امر. قهره قرووت.

قریب : ص. ا. نریک، قهرم، خویش.

قرینه : ص. قهرینه، هاوما، هاوجه شن،

رهنگ، جووب، حف، لنگه، لف.

قریه : ا. دی، نابادی، ناوانی، لادی.

ده گاه، لاده گاه (ه). لاقاهسی،

گوند (س).

قسر : ص. نهزوک، سه نویر. نهسته بیر،

ستهور، قسر (ش).

قساوت : امص. قهساوت، دل ره قی،

دل سحی.

قسط : ا. ناز، بهس، قسط.

قسطی : ص. سب. بهس، بهس، قسپی.

قسم : ا. قهسم، سوید، سونی، سوتند.

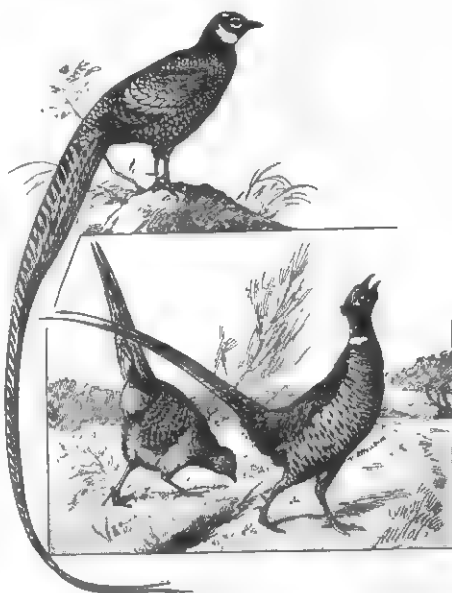
سوتنگ (س).

قسمت : ا. ناز، بهس، بشك، قسمت،

مووچه، سه هم، باره.

قسمت زنده ناخن : نازه، نازهی

ناخوون. نیچکا ساخ (س).



قرقچی : ص مر، امر. قورخچی.

قرقره : ا. مه کاره، خه سانه. کنر،

کندره (ه). مافره (س).

قرقشه : ا. قهرقهسه، گتجل، حهجل،

حهله.

قرقی : ا. تورمه، باشه، وانه، بازور.

قرمز : ا. سوور، نال فرمز، رهوسه،

گولی.

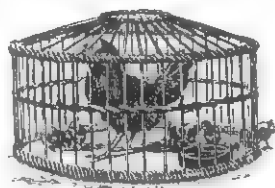
قرمه : ا. قاورمه، کاودان.

- قسمت کردن :** م. بهش کردن، بهش بهش کردن، بهشه و کردن، پیدان، قسمت کردن، بههر کردن، بهفیم کردن. گرنه بره (ه). نار کرن، بشك كرن (س).
- قسم خوردن :** م. قهسم خواردن. قهسم واردهی (ه). سوینگ خارن (س).
- قتلای :** ا. قتلاخ، گهرمیان، تاران، گهرمتن، گهرمهسیر.
- قشنگ :** ص. زهریفز قهشنگ، جووان، خاس، تهرلان، شیرین، خومش روو، بهدق، زیبا، وش (ه). شهبال، فوودل، کلان (ش).
- قشو :** ا. قاشاو، رهنك، سفنك، مهحس، كاسو (ش).
- قصاب :** ص. ا. قهساو، گوشتكار، گوشت فروش، قهساب، كوشتكار، كوزنكار.
- قصاص کردن :** م. توله کردن، خویته وه سهند.
- قصبه :** ا. شارهدی، شاروکه، قهسهبه.
- قصبه الریه :** ا. خیرخیره، ناق، قورگ، قورامچك، قوراجكه. گهلوهزی، فرهمتی (ه). حلالووك، كهلهلووك، خهلالووحك، فرمرووك، فورسم، كركره (س).
- قصد :** ا. فرم، هسد، عزم.
- قصه :** ا. راز، حهكاهت، نهفسانه، دهسان، چیروك.
- قصه گو :** ص فا. دهسان بیتز، رازكهر، رازوینز. دهسان واج (ه). قهسه بیتز، چیروك بیتز (س).
- قصیده :** ا. چامه.
- قصبیل :** ا. خهسیل، ههرسیل، ههسیل.
- قضا شدن :** م. بگردن، قهزا بوون. ویهردهی، قهزا بییهی (ه).
- قزاین (ش).**
- قضیه :** ا. کارهساب.
- قطار :** ا. راسه، ریز، قهنار، راسا، خعت، راسته، رزن.
- قطره :** ا. قهنره، فك، چوپ، نكه، دلویه، زهنگول، جك، نوك، یهسك.
- قطره چكان :** امر. ناودزك، قهبره كین، قهنره حكین.
- قطع کردن :** م. فرنان، فرماندن، برین، قرت کردن، بچرانن، برینهوه قرت کردن، بچیران، بریهی (ه). بران، جریس (س).
- قطعه :** بری، قهتعه، گونچر، تیکه، پل، نهنجه، بهل، قرنكه، فنچك، لعت، پرنك، ریزال، كوت، لت (ه).
- خار، كهر، قهتك (ش).**
- قطعه قطعه کردن :** جنین، نازنین، ریزال ریزال کردن، بچر بچر کردن، بهل بهل کردن، كوت كوت کردن، بهش بهش کردن، لعت لعت کردن.
- نهره حنیهی (ه).**
- قطیفه :** ا. قهدیفه. قهدفك (ش).
- قعر :** ا. بن، تمخت.

قفا : ا. بن مل، پست مل، بوفه تہ،

بوی مل. پاتک (ش).

قفس : ا. هه فز، رکوه، قه فس.



قلم مو

قفسه : ا. هه فزه، کپلرک.

قفل : ا. قوئف، فغراشه، فوئل، فوئب،

فوئب. کوؤد، کوؤدک<sup>۲</sup> (ش).

قفل کردن : م. فوئف کردن، به ستن،

فوئف لی نان، کلیل دان.

به ره زای (ه).

قفیس : ا. هه فیز، کوهج.

قلاب : ا. فولاب، جهنگهک، هه ناره.

جهنگال (س).

قلابدوزی : ح مص. فولاب دوزی.

سیک (س).

قلابی : ص نسب. هئب، فولابی.

قلاده : ا. سانجول، سک، هه لاده، هه لاه.

قلاب سنگ : امر. هه لاسک، هه لاسه،

فوجه فانی. به رزه فاسیه (ه).

به ره فانی (س).

قلب<sup>۱</sup> : ا. دل، هه لب، زیل، زتلی (ه).

فترای (س).

قلب<sup>۲</sup> : هه لب، فولابی.



قلاب



قلاده

فلتاق : ا. قه ناخ، قه باخ.

فلتبان، قلتشن : ص. کولمش، رووش،

قوله شه، قه لته بان، کولوش.

قلجماق : ص. قولجماخ، یارمباز.

قلدر : ص. قولدور، یارمباز.

قلع : ا. قه لای، قه لای.

قلعه : ا. قه لا، باروو، شوورا، دزه دژ،

که لات، قه لته، جه سار. که لا (ش).

قلق : ا. قلق، لم، ریگه، ری.

قلقلک : بک. علمک.

قلقلی : ا. هه لمت. خرخرووک (ش).

قلم : ا. قه لم، پی بووس.

قلم تراش : ص فاء، ا. هه لته مناس،

هه لته بیر، هه لته مراس.

قلمدان : امر. هه لته مان، هه لته مدان.

قلمدوش کردن : م. نیانه هه لاده ووسان،

هه لاده ووسان گرن.

قلمرو : امر. که ووسه.

قلمستان : امر. هه لته سان، مامسان،

سینه ستان.

قلم مو : امر. هه لته موو، فرجه.

قلعه : ا. هه لته مه، سته.

قلعه زدن : م. هه لته مملی دان. شینه لی

دان (س).

قلعی : ص نسب. هه لته می، نازک، یاریک.

زراف (س).

قلنبه : ص. گب، دورمه، فوت، فنج،

دوره ره بو.

قنات پاك كردن : م. كاريز مالين.  
كاريز مالای (ه). كه هريز هه  
مالين، كاريز رادن (س).

قنّاد : ص. ا. شيريني بهز، ههات.

قناره : ا. قناره، چهنگهك.

قناري : ا. قناري.

قنّاس : ص. چهفتووره شهفتوور، سهرپان  
باريك. سهو بوور، خار، ههاس (س).

قناعت : امص. ههناعت، فنيات.

قند : ا. هه، ههند.

قنّداق : ا. قوّاح، بابوّه، مهلووكه.

قوماه، پاچووك، يّ چووك (س).

قندان : امر. ههندان.

قندشكن : ا. هه سكه، ههندسكن.

مهس (س).

قو : ا. قو.

قوام آمدن : م. ههاسنه قهوام،

ههسو بوون، ماهانين.

قوت : نك. ههوت.

قوت داشتن : م. قوومدار بوون،

بهقومت بوون، بهرگه گرتن، هيزدار

بوون، سيان.

قوج : ا. بهران، كهله، بهرديل .

قوج و ميش كوهي : ديه (س).

قورباغه : ا. قورواي، بهي، بوي.

قورت دادن : م. قووب دان، قوورتدان.

قووتدا كرن (ش).

قورمه : نك. ههرمه.

قوري : ا. قوري. چاي پهست (ش).

قوز : ا. قووز، كومي، كووي، قووبوك،

قلنج : ا. كوّلنج، موّلنج، رهونج.

قلوه : ا. ولك، گوووحلك، گورجك،

گورچه وبله. گولجيسك، گورجلك،

گورجيله، گورحوو (س).

قلوه سنگ : امر. خيره كوچك، گاته،

خيره، خيرهسنگ، خيره بهر، دويل.

قلّه : ا. قولله، سهره، بويه، كلاوه،

سهرى، نهوج، لووتكه، دوند. قوچ،

كوبك (ش).



قلبان : ا. قلبان، فلبان ناوي، ههله،

قهنده، قهندي ناوي. ههنگه،

هولون (س).

قلبه : ا. قليه، قلياو.

قمار : قمار، قهمار.

قمارباز : ص. فا. قومار باز، زههجل.

قماش : ا. كووتال.

قمپز : ا. قومپوز، قومبهر، قوپز.

قمپز در كردن : م. قومپوز ده ركردن.

قمر : ا. مانگ. ههئف (س).

قمرى : ا. قومرى، سوووك،

كوتره داركه، كوتره نه رحته. فاسك،

فاسوك (س).

قمه : ا. ههه، ههسهوره.

قنات : ا. كاريز، هههاب. كه هريز (س).



قندان



قورباغه



قوري

سەمە، سەمە، سەمە، سەمە، سەمە، سەمە.

گورب (س).

قول : ۱. قول، بەلەن، قەلەم.

قولچ : ۲. قەلەم.

قورم و قورم : قورم، قورم، قورم، قورم.

كەس و كار، قورم و قورم.

قور : ۳. قەلەم، قورم.

قور : ۴. قورم، قورم، قورم، قورم.

زوردار، قور و قورم، قور و قورم.

قور، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قور : ۵. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

جەھەر، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

سل (ش).

قورم : ۶. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

جەھەر، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم (ش).

قورم : ۷. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم : ۸. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم : ۹. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم : ۱۰. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم : ۱۱. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم : ۱۲. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قورم : ۱۳. قورم، قورم، قورم، قورم، قورم، قورم.

قوز (ش).

قوزك : ۱. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.

قوزك (ش).

قوزي : ۲. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزي (س).

قوزي : ۳. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزي : ۴. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزك : ۵. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.

قوزك : ۶. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك، قوزك.



قوزي : ۷. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.

قوزي : ۸. قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم، قوزم.



قیچی



قیچی پشم زنی

تاسوورک، هساک، دهروو.

قیف ۱۰ رده‌سی سدریست،  
کوتک (س).

قی کردن : م. قهه و کردن، هسل

هاوردن. ریلی واسه‌ی (ه)

هله‌هسه‌هه، هلو‌فیس، هرساک (س).

فیلووله : ا. بووح، وهه‌وز، سرحه‌و.

قیم . ص. ا. سهره‌رس، نه‌جو‌کر.

قیماق : ا. سهرسیر، بۆرگ، سهریوی.

قیمت : ا. بانی، بانی، برخ، قیمة،

نهرزس، نه‌ها.

قیمت داشتن : م. ریان، ربای (ه).

قیمت کردن : م. قیمة کردن.

قیمة : ا. قیمة.

قیمه کردن : م. قیمة کردن، حبس.

نهره‌حنه‌ی (ه).

سهر و سه‌کوب، رنجب، مهرکب.

ه‌میل، ه‌لافب (س).

قیام کردن : م. رانه‌رس، هه‌منانه‌وه،

هه‌ساک، قیام کردن.

قیامت : ا. قیامت، نه‌ودس، رۆز

ناحره‌ب، باسه‌ رۆز. رۆ قامه‌تی (ه).

قی چشم : امر. ریۆق.

قیچی : ا. قه‌جی، قاحی. دوردی،

دوواردی (ه)، مه‌س (س).

قیچی یسم‌زنی : برنگ، برنگ، حارک،

دوتس‌رگ، دوتس‌رد، دوواردگ.

ههورنگی (ه). قلع، قه‌لح (س).

قیز : ا. قیز.

قیزاندود : ص. مه‌. قیزا‌و.

قیسی : ا. سلا‌ه، قه‌سی. ستلانی (ه).

قیطان : هه‌، ده‌زی، ده‌زگ، سهرگ،

# ك

ك : ك.

كانوچو : ۱. كاوؤچؤ، باغه.

كابوس : ۱. مؤنه كه، سه وه.

كابين : ۱. ماره يي، كه بن، كاوين.

كاتب : افا. ميرزا، ميرزا بنووس، بنووس.

كات كبود : امر. نوتيا كوؤله.

كاج : ۱. كاج، كار.

كاچي : ۱. قېماخ، فاردده ووك.

كاخ : ۱. كاخ، كوئنك.

كاختي : ۱. كاكله، مه زگه.

كاختي كردن : م. كاكله كردن.

مه زگه كرده ي (ه).

كاذب : ص. درؤزن، درؤ بير.

كار : ۱. كار، فرمان، كسم، پيشه، نهرك،

بزرگال. همرمان (ه). سوول (ش).

كارآمد : ص مف. كارا، لي هانگ،

لي هانوو، ده گهر، ديلى باز، فال،

ده رهانگ، ده رهاوو. چنه ناماي (ه).

كار از پيش بردن : م. كار نيس بردن،

كار برين. كار بهره و بهره ي (ه).

سوول نيسدايرن (س).

كاربر : ص فا. كاربري، كارا.

كاربرد : امر. كاربرد، كه لك.

كارتنك : امر. كاكله مووشان،

دورنگد. هه لآوه و مامالي (ه).

ديوه ررن، كارينك، نهفن (ش).

كارخانه : امر. كارخانه، فايرين.

كار حراب كردن : م. پله به ناوا دان.





کارد

کارگر<sup>۱</sup> : ص شغل. کارگر، عه‌مه‌له،  
فه‌مه‌له، کرتکار، فآله، پآله، رهنجه‌ر.  
سول کهر (س).

کارگر<sup>۲</sup> : ص فآ. کاری، کارگر،  
که‌سکون، کاریگر. کاریگر (ش).  
کارگردان : ص فآ. کارگیر،  
شانوگیر.

کارگزار : ص فآ. پاکارگزیر، مواشر،  
کارگوزار.

کارمزد : امر. ححق، هحق، مزه، پامز،  
دس‌مر.

کاروان : ا. فآله، کاروان.

کاروانسرا : امر. خان، کاروان‌سرا.

کاروان‌کش : ص فآ. کاروان‌فران،  
کاروان‌کوره.

کار و بار : کاروبار.

کاری : ص نسب. کاری، کوسا،  
کاریگر، که‌سکون، پرخه‌بات (ش).

کاریز : ا. کاریز، فناناب، که‌هریز (س).  
کاس : ا. به‌لخه، به‌کانه.



کاسب : افآ. کاسب، سه‌وه‌ر،  
سه‌وداگر.

کارد : ا. کارده، کتیر، کتیرده، گه‌زلک.  
کاردی (ه). کیرگ (ش).

کارد آشپزخانه : کافرمان، سیکار،  
سیکار، قزک (ش).

کاردان : ص فآ. کارزان، بلیمن، بزوز،  
کاردان، بزوزک، سه‌ر ده‌رچوو.  
شولزان (ش).

کارواه انداختن : م. کارریگه‌خستن.  
کاروسه‌وه‌ری (ه). شول‌ری  
تیختن (ش).

کارزار : ا. شهر، تیک‌هه‌لجیون، داوا،  
جه‌نگ، به‌به‌کاحون.

کارزیاد : نهرک.

کارشکنی کردن : م. حوکلّه‌شکانس.  
به‌ک‌دای (ه). به‌ک‌لی‌دای (س).

کارفرما : ص فآ. خاوه‌ن‌کار.

کارکرد : امص. کارکرد.

کار کردن : م. کار کردن، فرمان کردن.  
هه‌رمان‌که‌رده‌ی (ه). سول  
کرن (س).

کارکرده : ص مف. کارکرده، نمدار،  
کونه.

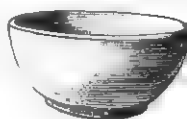
کارکشته : ص مف. کارکوسه، کار  
کرده، ملاح.

کارکشیدن از کسی : نرو‌فانن.  
نرو‌فایوه (ه).

کارکن : ص فآ. کارکون.

کارگاه : امر. کارگا، کاره‌گا، کارگه.

- کاس برگ : امر. مه‌نگ، کاسه گه‌لا.  
 کاستن : م. کم کردن، کول کردن، کورب کردن.  
 کاسنی : ا. کاسنی.  
 کاسه : ا. کاسه، کوچه‌له، جامو‌له، کی‌لاوه، شکه‌وه، جام، سه‌کره.  
 کاسک (س).  
 کاسه چوبی : کوچه‌له، که‌مو‌له، کونک، گودک (س).  
 کاسه زانو : امر. کاسه‌ی زرنانی، چوک، کاسه‌ی نه‌زنوو، کی‌لاوه، که‌شکوو، زه‌نگوولی (ه).  
 کاسه سر : امر. کازه‌ره، کلوخ (ش).  
 کاسه سفالین : گلینه، کاسک، کوسک، گاوانه، گودک.  
 کاسه گل : امر. بشکونک.  
 کاش، کاشکی : ق. خوز‌گه، خوز‌گاری، به‌شکه‌م، کاشکای، به‌شکه، کاشک، کاسکابه‌کی، کاشکابه‌کوو. وشله‌ی (ه). خوزی، حوهری، خووه‌ستی (ش).  
 کاشتن : م. کی‌لان، کالان، وه‌شانن، داچه‌قانش، کی‌لران، کالین، چاندن، داچاندن. کالای، شانای (ه).  
 کاشته : امف. وهرز، کست، کی‌لراوه، کی‌لیگ. چاندی (ش).  
 کاشی : ا. کاشی.
- کاغذ : ا. قاغز، کاعه‌زه، قاعه‌زه، سباره، به‌راماخ.<sup>۱</sup>  
 کافر : اف. کافر، به‌ره‌س، گاور. گافر (س).  
 کافور : ا. کافور.  
 کافی : اف. کافی، به‌س، ره‌سا. وه‌س (ه).  
 کاکاسیاه : امر. کاکاسیا، فوله‌ره‌س.  
 کاکل : ا. کاکول، سو‌به، کی‌لاوه، به‌بیوری، حولا‌مانه. خولا‌مانی (ه).  
 بۆرک، بۆمک (س).  
 کاکوتی : ا. کاکووی.  
 کال : ۲ : ص. کال، کنج، خام، باکو‌فه، زورده، کولنج، که‌وگ، گر‌که، نه‌گر‌بنا، نساوا (ه). نه‌گه‌ه‌بستی، فبرک، کارک، کیرد (س).  
 کال : ۲ : ا. که‌ناو، دینال، که‌ن، ناودیرک. که‌ندال (س).  
 کالا : ا. کو‌مال.  
 کالباس : ا. باسورمه، ناسورمه.  
 کالید : ا. له‌س، لاشه، قالب، که‌لاک.  
 کالجوش : امر. کالویش، کاتلو‌س.  
 کالسکه : ا. گالسکه.  
 کام : ا. فاسمانه‌ی دم، پانکه.  
 کامران : ص. فا. پیروز، به‌خته‌وهر.  
 کامل : اف. ص. ره‌سا، کامل، تواو، ته‌واو، نه‌مام، دوروس، ره‌به‌ی.



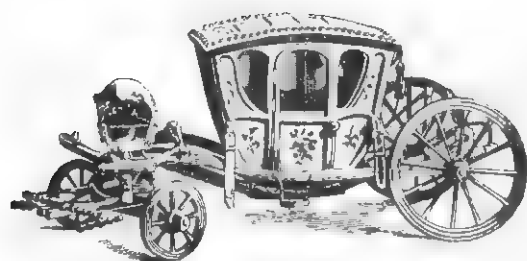
کاسه



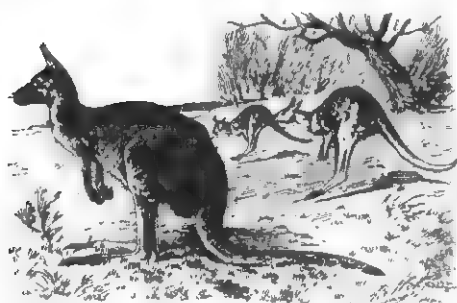
کاکاسیاه

۱ - کاغذ سگار.

۲ - خام.



کالسکه



کانگورو

کامیاب : ص فا. نه سسل، حه سیاه  
حه سیاهگ، کامیاب، کامیه وا.  
نه زه (س).

کان : ا. کان، معدن، کاراک.<sup>۱</sup>  
کانال : ا. کهنداو، کهندال، نوکهن،  
که ناو، درنال، ناو درکه، درگه،  
کهنده، کندی.

کانگورو : ا. دوپاله، دووبالکه.  
کاوش کردن : م. لی کوتینه وه،  
بی باجون، که سن، کهنده،  
هه لکوتینه وه، هه لکوتین.  
کاویدن : نک. کاوس کردن.  
کاه : ا. کا. سمه ری (ه). کاف (س).  
کاهدان : امر. کاهن، کادان.  
کادین (ش).  
کاهش : امر. که می، کوری.  
کتبی (س).

کاه گیل : امر. کاگل، سواخ، له په.  
کاه گیل کردن : م. ناوین، سواخ دان،  
ناویه دان، هه ناوین، بانه ناو کردن،  
گلّه بان کردن، کاگل کردن، سواخ  
دانه وه. گوله بان کرده ی، ناوی، له به  
کتشای، ماله کتسای (ه).  
کاهل : ص. نه سسل، نه وزه ل، که هال،  
نه ن نه روه، نلار، چاخه سیوه ری،  
سس، نه رال، کاهل، به لحه، ریپول،  
سور سور، فل، نه خسو، گایی،  
سته به له، سلپ، گتیره نه که ر.<sup>۲</sup>

لور (س).  
کاهو : ا. کاهوو.  
کیباب : ا. که واه، که باب، برراو،  
برژباگ.  
کیاب چنجه : که واه بل، که باب پرنک.  
کیابی : ص نسب. که وای، که بابی،  
که واوچی.  
کید : ا. جهرگ، جهر، یه ههر (ه).  
که زوب (ش).  
کبره : ا. که وهره، گه مپه، ره قیله،  
قرنماخه، پترو، قه نماغه، گه مپه،

کج حیاڭ : ص مر. بهد گومان.  
کج سلیقه : ص مر. بی مرخ.  
کج شدن : م. لاره و بوون، چه مین،  
چه میانه وه. لاره و بییه ی (ه). خار  
بین (س).

کج و راست : امر. تمپ و کس،  
داره دار، لاره لار، گلاو گل،  
تهپوتل. وریز و گلیره (ه).

کج و مموچ : ص مر. لار و گتیر،  
چفت و چیل، لاوتیو.

کجی : ح ص. لاری، چهفتی.  
چهوی (ه). خاری (ش).

کچک : ا. ده گههک.  
کچل : ص. کهچیل، کهلش.

کدام : ق. کام. کتسک، کشکین،  
کتهانه، کیزان (س).

کدام یك : کام هك؟، کامه؟،  
کامه مانی؟، کامه نه؟، کتهانه؟. کام  
بو (ه). کسک هك؟ (س).

کدامین آنها؟ : کامیان؟. کامحا  
نانسا؟ (ه). کسکین (س).

کدبانو : ص مر. امر. کابان، که یوانوو،  
بنهوان، که یوانوو. کابانی (ش).

کدحدا : ص مر. امر. فتحا، فوتحا،  
میره دی، کوخا، فتحوا. که بکووا،  
کتیخا (ه). کتخه، سرگونده،  
که خودا (س).

کدر : ص. لئ.  
کدو : ا. کووله که، که دوو، کودوو،  
کودی، کولندهر.

پتروک. بزما نه (ه). بریوسه (س).  
کبریت : ا. بای، گوگرد، سمارنه،  
زلهو وکه، شه مچه، گورد، فند،  
کرویت. کفتک، نک (ش).  
کبک : ا. کهو، کهوگ، ره رری (ه).  
که بک (س).

کبک دام : بهستی، ناداو.  
کبک ماده : ما کهو. چیلی (ه).

کبک نر : تیره کهو، بهی، تیره که بک،  
ناداو.

کبوتر : ا. کوئر، کاوه نری (ه).  
کبوتر باز : ص فا. کوئر باز.

کبود : ص. ا. کهوگ، کهوه.  
کهوله (ه). عاسمانی، شین (ش).

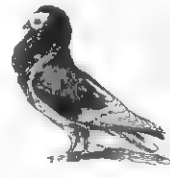
کپر : ا. ساب، که سر، هر زله،  
کولت، فالوونهک، هر زاله، هر واه،  
چهر داخ، ستاره، زنج، عهر زیل،  
فوان، گالیب، کولک، کهوتل.

کپک : ا. بهلع، بار، که ره کیفه، یولگ،  
که هک.

کپسک : ا. په هک، فابووب، که نه هک،  
فرجی، که رگ، کوله مال، نامکی،  
گه رگ (ه). چوخک، به ستهک (س).

کیه : ا. کوگا، سه ربوان، سه،  
حوبه که واه. یوولگا (ه). کولینک،  
چه ویتل، خم، سه فب، فیج، کتیر،  
خار، حوهر (س).

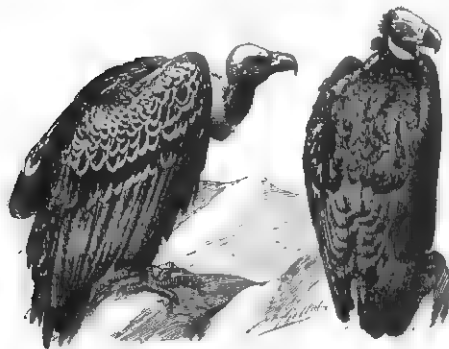
کجا : ق. کونه، کو. کوگه (ه). کتبه،  
کانی، کیوه، کیده ری، کور (س).  
کجاوه : ا. که زاوه.



کبوتر

که دو حلوایی : کووله که سه راوی.  
 کووله که سامی (ه). هوندک (س).  
 کدوی حشک : به لهجه ک.  
 کدورت : امص. لیلی، باناکی، زویری،  
 ناره حسی.  
 کدین : ا. جل کوب، جل سوز، جل  
 سوو. گلار کو (ه). نه وروس (س).  
 کذب : ا. درو.  
 گر : ص. کپی، نه ژنه واء، کرووس،  
 کریل، گوئی گران، سی گوئی  
 سه هه نه، لاسار، سه هه نه، سی  
 گوتجکه.  
 کرا نه : ا. ساحل، بهر، که نار، روح.  
 فاج، دهق ناف، ده لاف، پی  
 ناف (ش).  
 کرا هت : امص. ناهه زی، خراوی.  
 کرایه : ا. کراها، نیجاره، کرئی، کرا ه.  
 کرایه نشین : ص. فا. کراها نشین،  
 نیجاره نشین، کرئی نشین.  
 کرباس : ا. جاوگ، جاو، داو پیس،  
 قه دهک، هه لاه (ه). که رباس، جاف،  
 جانگ (ش).  
 گرت : ا. که رت، تالانه، کووز، بانه،  
 که رد، کتلانه، گول، به لانه (ه).  
 حموت (س).  
 گر جی : ا. به لیم، دهه که سی، فایح،  
 که لک، فوه، نوک.  
 گر ج : ص. کپی، حسی، کورک.  
 کر جک : ا. کپیگ، کپیو، بی هه بحر،  
 کپیو، کپیو. کپیووس، گه رجهک،

کرسی (ه).  
 کرخ، کرخت : ص. نه ز، گوو، سی،  
 کرخ، بی حسی، کاس، لسی، له سی.  
 گرد : ا. کورد.  
 کردار : امص. کردار، کرده وه.  
 کر بار (ش).  
 کردن : م. کردن، که رده ی (ه).  
 کرن (س).  
 کرسی : ا. کورسی. سوو حنیو (ه).  
 کورسی (س).  
 کرشمه : ا. ناز، ده لال، لهنه، عتوه.  
 کرفس : ا. که رس، که رس، که ره وز.  
 کُرک : ا. کورک، به لگی، به رگی،  
 سالووی، نووا، کورک.  
 کُرک : ا. که ره وانه، به ده ده،  
 کوی کوی. هه رده، هه وندی (س).  
 کر کر کردن : م. مرتعیان، زه هسان،  
 هیلکه هیلک کردن. ره سی. مرتعی،  
 زره بیای (ه). هل هل کرن، هیر هیر  
 کرن (س).  
 کرکس : ا. که رکس، داله که رخواه،



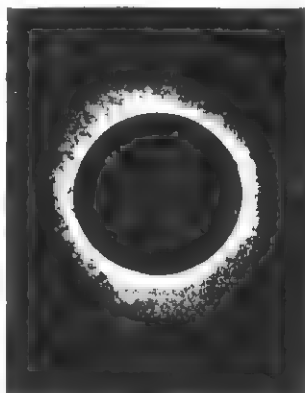
کۆلاره، خه رته ل، لاش خوهر، سی سارک، سی سارکه، که چه له.  
کری : ص نسب. کورکی، کولکی.  
کرم : ۱. کرم، قارووره. کورم (ش).  
کرم ابریشم : امر. کرم هوریشم.  
کرم درخت : امر. هاپه.  
کرم حاکی : امر. گله حوهر که. خاکه خوهره (ه). کورمه سوور (ش).  
کرم حورده : امف. کرمو ل، کولور، وورول.  
کرم جگر گوسفند : به بوله. مافه (ه). که به مک (س).  
کرمک : امصف. کرمه مک. ناوسره بویه (ه).  
کرم شب تاب : امر. نه و حرا. نه بره بوله (ه). گووسرگ (س).  
کرم گندم : امر. بته بره.  
کرمو : ص مر. کرمو ل، کرم او، کرم به. کرم، کرمورین، کرمی، کونور، وورول.  
کرنا : ۱. بۆری، بۆره، که په نا. گرنش : امصف. کوربووس.  
گرنگ : ص، ۱. نال، سه. سی (س).  
کروو : ۱. کولور، کوروور (ش).  
کروه : ۱. گوو، غرب، گرده لانه، کوره. حروهر (س).  
گره : ۱. که ره. که رتی (ه). نووسک، نووسک، بوسک (س).

کره اسپ : کورگ، کوروو، کورووله. کوره (ه). جانی (ش).  
کره اسپ یک ساله : جووانو، کوروو، کورووله، کورپه.  
کره هادیان یکساله : نوما.  
کره خر : امر. هو لی که، که رکول، جاس، خه رکول. هو لبهر (ه).  
جهسک، کوریش (ش).  
گریدور : ۱. رایه، دالان.  
کریه : ص. ناحهز، کریت.  
کز : ص. کز، کرکوله، کروله، گورپ. کزاز : ۱. گو ی په.  
کز دادن : م. هه ل یرووزانن، یرووزانن، کزدان، کزراندن.  
یرووزنای (ه). خه نزراندن، کوزراندن (س).  
کز کردن : م. کز کردن، کز که کردن، کسکوله کردن، کزکوله کردن.  
کزدم : ۱. دماره کول، زووسک، کوله بجی، چزه بته، سولوله. ماره کول (ه). دووسک (ش).  
گس : ۱. کهس، خزم، فهوم، ده یار، زه لام، یا، نه، سه غس، ساگ.  
کساد : امصف. بی تره وی، سی بازاری، که ساد، که ساس.  
کسال : امصف. که سالب، به حوهر سی، ناسانی. به ووسی (ه). ناساخی (س).  
کسپ : امصف. تسه، کسم، کار، کسب.



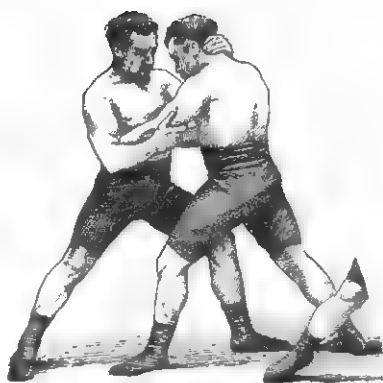
کزدم

کسیب، کسیب و کار. همرمانه (ه).  
 سول (س).  
 کسر : امصد. که سره، کهم، کهل، بهل.  
 کیم (س).  
 کسر کردن : م. شکانن، تهمه زول دان،  
 کهم کردن، کهل کردن. که سر  
 که رده ی (ه). کیم کرن (س).  
 کسره : ا. ژیر.  
 کسری : ص نسب. که سری، که مایه بی،  
 که می، که مایه سی. کیمی (س).  
 کسل : امصد. که سل، داماو، ماندوو،  
 نه خوش. خاف، داماء شور (ش).  
 کسوف : امصد. خوه رگتیریان. خور  
 گرنی (ش).



کش آمدن : م. کیئس هاسن. کیئس  
 نامای (ه).  
 کشاله : ا. کشاله، گهل، لاران.  
 کنساندن : م. کیئسانن. کیئسای (ه).  
 کسان (س).  
 کشاورز : ص فا. فهلا، جفت بار،  
 سهرز گهر، که ساوه رز، وفرتز،  
 جوو بار، هس یار، کسب کار، کیل  
 کار.  
 کشت : امف. کست، کاشت، کال،  
 وهرز، کسب و کال. جاندی (س).  
 کستار : امف. کوستار، کورنار.  
 کشتزار : امر. زهوبن، کتلانگه، کتلاگه.  
 زهس، ره بی (س)  
 گشتن : م. کوسنی، کورران، بوتانن،  
 بوتاندن، خوتن رراندن، کورمن،  
 خوین کردن، سل سهرده و کردن.  
 کوته ی (ه).  
 گشته : امف. کوته، کونسو،  
 کوریاگ، نوبیاگ، کورراو.  
 کوشا (ه). کوسی (س).  
 گشتی : ا. که سسی، بامور، گهمبه،  
 گهمی.  
 گشتی : ا. زورران، کوسنی، زوره زمی،  
 مروه ننت، بهربه گانی. گوله س، هس،  
 بهرسنگانی (ش).  
 گشتی گرفتن : م. زوران گسرین،  
 زوره زمی کردن. بهرسنگانی  
 کرن (ه).  
 کش دادن حرف : بارانش لی کردن،

کس و کار : خزم، هوم و خویس، کس  
 و کار.  
 کسی : که سی. که سیو (ه).  
 کش : ا. کیئس، جیر.  
 کشاکش : گتیره و کینه، کیشه، می و



## کشتی

کیش دان، رینگانته وه.

کشف کردن : که شف کردن،

دهر غستن. پنه زانای (ه). پیدا

کرن (ش).

کشک : ا. که شک.

کشک سای : امر. که شکه ساو.

کشکول : ا. که شکول.

کشمش : ا. کشمیش. قریوک،

میوژ (ش).

کشمکش : ا. که شمه کش،

کسماکس، کینواکس، گبیره و

کینه، کیشاکش، بهر بهر کانی، سمر

سمر، کیشمه، کیش. کیش و

بهر کیش (ه).

کشو : ا. که شاو، که شو.



کف دست

کشیدن<sup>۱</sup> : م. کیشان، کیشاندن، خشان

، خشانندن، کیشانن، کیش کردن،

کیشران، کیشای. خشنای (ه).

خوشاندن، ه کیشان (ش).

کشیدن<sup>۲</sup> : کیشان، کمل دان، چاککردن<sup>۳</sup>. کیشای، کمل دای (ه). لی

نیان (ش).

کشیده : زیله، شه قه زیله، چه پاله، چهک،

شه قه لیزه، شه بلاخه، شه پاله. سیله،

شه ییلاخ (ش).

کشیش : ا. که شیش، قهرال، قه شه.

کشیک : ا. کیشک، نیشک، یوس، قول.

کف<sup>۴</sup> : ا. کف، قزه.کف<sup>۵</sup> : کف، له واسه.

کفایت : ص. که فایعت، به سی، شی.

شیان، ژی.

کف بین : ص فا. لمپ ناس، ناولمپ

ناس.

کفتار : ا. کمفتار، کهفتار، گوپر کن،

گوپر کنکه، هفتار، هوتبار (ش).

کفتو : نک. کبوتر.

کفچلیزک : امضف. کشتیله سهره، سه لکه

مهویژه. که شکه سهره (ه). تیشکه

ماسی (ش).

کف دست : امر. لمپ، ناو لمپ،

ناودس، قول مشت، چه پله، چه پاله.

۱ - امتداد دادن، دراز کردن، روی زمین

لفز آمدن.

۲ - کف صابون و کف حاصل از تعمیر.

۵ - کف دست.

۲ - جفت گیری دادن حیوانات.



به سی (ه). نه ستیوه، فەواش (ه).  
 كفيل : ا. كه فەل، سمت، كه پەل، و لَمه،  
 سموتن، لاتە ریزه، لاتراف. كوليك،  
 كه ماخ، كاماخ (ش).  
 كفن : ا. كه فەن، خەلات، تى پىچ (ش).  
 كلك : ا. كىچ. كه كى (ه).  
 كك و مك : ئالە، لەك و پس.



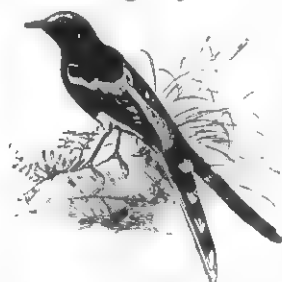
كفش

گل : نك. كچل.  
 گل : نك. كوتاه.  
 گل : نك. كند.  
 كل<sup>۱</sup> : ا، و. گنسب، گسك، كول، گى،  
 حەموو، حەمى، جەم، حەمكه، بى  
 كرا. گرډ (ه).



كفشدوزك

كلاس : ا. كلاس، بۆل.  
 كلاغ : ا. قالاو، قەلە، قاز، قالاو، رەشە.  
 فافسك، فافرك، فاروو، فراك، قزباك،  
 فەلەرەسك، قرك (ش).



كلاغ زاغى : امر. فەسە رە، زاغى،  
 فەلە مازلە، خەزال (ه). رە فەيلك،  
 فرالك، فەلەرەسك (ش).  
 كلاغ سیاہ و سفید : قالاو، بولینه.

لەواشە (ه). بەرى دەست (س).  
 كفر : امص. كفر، بى دىنى، رەف.  
 كفران : امص. ناسو پاسى، نەزانی.  
 كف زدن : م. چەپەلێ دان، چەپەلە دان،  
 حەب كو بان، حەب كو باس، حەپەلە  
 كو تان، چەپەلە نە فانس، چەپەلە فانس.  
 چەپەلە فەنای (ه).  
 كفش : امر. كەوس، يابۆس، فویدەرە،  
 كاله، يالا، يابوهرى، مابهرى، بىلاو.  
 حامبە (ه). سوولك، كالك،  
 تاكول (ش).

كفش بچه : امر. بایەجانى.  
 كفش چوبین : امر. نەفە فەن. چمچە،  
 فاب فاب.

كفشدوز : س فا. كەوس دوز، كەوس  
 دروو. سالاواراز (ه) سوو دروو،  
 سوولك چى كەر (س).

كفشدوزك : امص. گویره كه سووره،  
 خالخالۆكه.

كفش كن : امر. نە كە، ئاسانە، ئاسانە،  
 كەوس كەن، ماگا، سىبك، بەردرگا،  
 رتەر بەران، ناسان، ناسان و بەرى،  
 جىر و بەرى (ه). دەر ازىنك (س).  
 كفش كەه : چەك، سە فال.

كف كردن : م. كەف كردن، قژە كردن .  
 كفك : امص. كەپە كەفە، بەلخ، بولنگ.  
 كەپەك (س).

كفگیر : ا. پاتىن، كەو گىر، ناوبال.



گلش گندم : امر. کولمش، کوروش،  
کولوس، کولیس (س).

کلش برنج : امر. بهلم، سووخار.

کلش زار : امر. جاري، برنجاري، نالف  
جاري، کولش جاري، لوجاري.

کلفت<sup>۱</sup> : ص. نه ستور، قول، قايم،  
کولوفت، زهخم، ستور. قهلف (ش).

کلفت<sup>۲</sup> : ا. کولفت، سهرمه فره شي،  
تهيان، قهره واش، خزمه تکار،

کاره کهر. خودام (ش).

کلفت سار : ص مر. کلفت بار،  
خه بزان دار، ختزان بار، کولفت دار.

خودان خه بزان (ش).

کلفتی : زه خماني، قلمت، ره مو،  
رئس، کولوفتی. بارسایی، ستوری،

کولوفتی. هله قی (ش).

کَلک<sup>۳</sup> : ا. حوقه، راو، چاچوله، فیل،  
که لک، حيله، ده سه داو، فغن، بامبول،

داو، چاپ، ده له سه، مه کمر، ريو،  
ته شقه له، ره نگ، ريب، ريت، ده غل،

گری، فرو قیل، لپه، نه پر مش (ش).

کَلک<sup>۴</sup> : که لک، که لهس.

کَلک<sup>۵</sup> : ا. بی نووس، قه لم.

کَلگی : ا. سر که له، کلاف، که لیبی،  
که له گی.

کَلم : ا. که له ره

بوره په (ه). هله سابو نی (ش).

کلاف، کلافه : ا. کلاف، کلافه،

فانگله، قانگله، لپار، ده سه،

دووکله، گل. دوکولیه، ريسک،

قانه، گروف (س).

کلان : ص. زور، فره، گوره، معزن.

کلاه : ا. کلاو، فیلخ، کولوز،

ته قله. کولاف، کوم (ش).

کلاه تخت زنانه : ته پله، پورتک.

کلاه برداری : ح مع. کلاو برداری.

کلاه دوز : ص فا. کلاو دوز. کلاو

وراز (ه). کلاو چي کهر (ش).

کلاه گوشه دار بچه : قوچکه، گيفک.

کلاه گیس : امر. کلاو قز، مووچاخ.

کلبتین : ا. که لوه ته یین. که لبه تی (ه).

که لقه تان (ش).

کلبه : ا. کالیت، کولیت، زنج، فوخل.

گل دم : کول، قول (ه). قوت (ش).

۱ - ستر.

۲ - خدمتکار زن.

۳ - حبه.

۴ - بلم.

۵ - فلم.



کلید



کمانچه

کَلَه پَز : ص فا. که له پَز، پاچه چی.

کَلَه خَر : ص مر. قوت، که له خَر.

کَلَه شَق : ص مر. لامل، که له شَق،

خودود، که له رِق.

کَلی : ص نسب. ته وای، توای، تیکر.

کلید : ا. کَلیل، کلیل، ناچار، نه راشه.

کلبسا : ا. کلیا، کلیسه.

کلبمی : ص نسب. موسایی، جوو.

کلبه : ا. وَلک، گَووچیلک، گورچک،

گورچه ویلَه. گولچیسک، گورچیلک،

گورچله، گورچوو (ش).

کم : ق، ص. نه نک، نَوَزی، نه ختی،

کهم، ریزه، ریزه لانه، تَوَزه لانه،

نَوَزال، جوزوی، چک، چکی، پیتک،

کز، پهل، کهر، تَوَزالَه. کوچیو (ه).

کیم، پیچک، پیچ (ش).

کم آوردن : م. کم هاوردن،

که سرهاوردن، کم خارده ی. که سر

خارده ی (ه). کیم هینان، که سر

نینان (ش).

کماجدان : کوماج دان.

کمان : ا. که مان که وان، دهفه.

که مانچه : امصف. که مانچه، نه قه قیق،

که مانچه.

کمان غربال : که مه، چه مه، که له.

کامار (ش).

کمانه : ا. که مانه، که وانه، بارزه.

کمانه کردن : م. که وانه کردن،



کلم قمری : امر. داش کرم.

کلمه : ا. که لیسه، واژه، ونه، وچه،

وشه. پهیث (ش).

کلنجار رفتن : م. می و مشت کردن،

زَوَر لی هاوردن.

کلنگ<sup>۱</sup> : ا. قولنگه، قولنگ، کولنگ،

پاچ. زه نگل (ه). کولینگ (ش).

کلنگ : ا. قازی قولنگ. فورینگ،

قازی (ش).

کلوچه : کولوچه، کاده، کولیچه.

کلوخ : ا. کولَو، پهل، کَلَو، پینک، ستمه

گل. کولوس (ه). که ریج، گلنت،

گلنت، گلوت (ش).

کلوخ اندازی : په فرکتی، پهل پهلان.

کلون، کلوم : ا. کولوم، چورت،

شورهن، شوبند.

کَلَه : سر، که له، سهک.

کَلَه پاچه : امر. که له پاچه، سر و

پاچک، سهر و پا. سر و پی (ه).

سهر پی پک (ش).

کَلَه پاشدن : م. حه وانچه بوون،

سهرمه قولات بردن، به سره و ریماک.

که مرکتس، دامنه.

کمرنگ : ص مر. کال، که مرهنگ، کال  
و کرج.

کمره : ص مر. که مرو، شهرمن،  
شهرمین.

کم فروختن : م. دمس لاخستن، کم  
فروتن. کم ورده تی (ه).

کم فروشی : ح مص. کم فروشی.

کمک : ا. کومک، ده سیاری، دمس  
گورویی، لاکوشکه، یاری، سیار،

باربوو، مه ده، یاریه، یارمه تی.

یاردی (ه). هاری، بازگوری (ش).

کم کم : ق مر. کم کم، نه نک نه نک،  
ورده ورده.

کم عرض : ص مر. نه سک.

کمند : ا. که من، هرازه، ناربخ (ش).

کمی : ح مص. که می، نوزی،

که مایه تی، چکی، نه ختی، ریزه یک،

کم بوونی، که لایی. که مهک،

که مووسکه، که میو، کوچیو (ه).

کیمی، که مایه سی، کیماسی،

کیمای، کیمایی، کیمک (س).

کمیاب : ص مر. هه لکه فت، کم به پدا،

نادر، ده گمه، کم یاب، ده گمینی.

کمیت : یک. کهر.

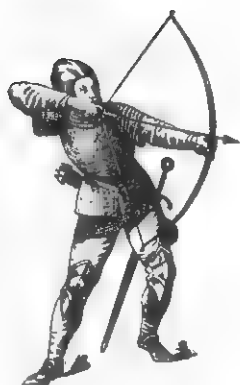
کمیت : ا. چه نایه تی، چه نایه تی.

کمین : امص. که مین، ملاز، فولاخ،

خف. ملاس (ه). بوسه (ش).

کمین کردن : م. قولاخوه چوون، پاریز

چوون، خف کردن، خو داگرن،



کمان

گه ریانه وه. گه ریایوه،

که مانه کرده ی (ه). سینه کرن (ش).

کمیود : ص. کم بوو، کورنی،

ناهواوی. کیماسی (س).

کم پشت : ص مر. کم پشت، نه نک،

زخ (س).

کمیوت : ا. حوه شاو.

کم جنبه : ص مر. تهنگه تیکله، جیکن،

چر جوو کانی، کم جیقلدان، کم

چیکلدانه، بیکه، بهنگ.

کمچه : ا. که مچه، ماله.

کم حرف : ص مر. نه دوو، بی زووان،

کم فیه.

کمر : ا. که له که، که مهر، ناوقه د. ناف

نهنگ (ش).

کمر بند : امر. قه ملبه، که مهریه، قل

به، یشتوین، پرتوین. قایش (ه).

تولک (س).

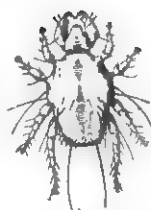
کمرکش : ص مر. که مهره،

گنام : ۱. لان، کونا، ده غمه.  
کنایه : امص. که نایه، گۆشه، هیماء،  
نیشاره، برینی، بهره تی، دورنیازی،  
نان، تانه، سفره (ش).  
کنج : ۱. کونج، گۆشه، سووچ، کوله  
سووچ، کونجول، قورنه، قوربین، نج.  
فونجک، کوژی، کوژیړک (ش).  
کمند : ۱. کونجی.  
کنجکاو : ص. فا. کونجکاو، بن جوړ،  
برساء، بهرسا.  
کنجکاو : ح. مص. بن جوړی، پی  
جوړی، کونجکاو.  
گند ۲ : ص. کون، هیدی، په واش.  
گند ۴ : ص. کول، دهمه ریڅ.  
کند شدن : م. کون یوون. کول  
بیهی (ه). هیدی بین (ش).  
کندن شدن دندان : هاله و بوون. هاله و  
بیهی (ه). نال بین (ش).  
کنداب : امر. ناو دی، ناو دیکه.  
کندن : م. که نن، که نندن، داکه نن،  
کولین، دیووتانن، همل که نندن،  
رووتانه وه، رووتانن، رووتانن،  
نهره رووتنای، هورکیشای (ه).  
هه دان (ش).  
کندو : ۱. که نوو، که ندوو، دولیان،  
هه نکه ژاله<sup>۵</sup>. کوشار، خلیف،

که مین کردن. ماس گرنه ی (ه).  
بوته کرن (س).  
کمین گاه : امر. حه ساوگه، قولاخ.  
که لین (س).  
کنار : ۱. هه راج، ته موو، لا، به نسب،  
که نار، هه ورخه، کلا، حافو، پالوو،  
کل، لا، حاسیه، بهر، باوس، دون،  
یال، ره فی، به خمل، هه برغه، قهره،  
کن، لایه ر، لانهک، لاسان، ره،  
بن مال.  
گنار (درخت) : ۱. کونار، مورک.  
کنار رفتن : م. که نار هه چوون، کل  
بوون، کلا گرنن، لاچوون.  
که بارلوای، که بار گرنه ی (ه).  
ته نشت چوون (ش).  
کنار گذاشتن : م. دهر یو واردن، کلا  
کردن، کل کردن، لابردن.  
کناره<sup>۱</sup> : ۱. که نار، لاکیش، سه رناز.  
کناره<sup>۲</sup> : ۱. که نار، لچ، ده وره، قهراخ،  
له به، زیوار، رهخ، لیوار، دم، دهمه،  
که مه. لیف، قاج (ش).  
کناره گیر : ص. فا. که نار، گیر،  
گوشه گیر، تهریک، گوشه نشین، قهراخ  
سین، کلا گیر.  
کناس : ص. گسکده ر، سپوور،  
کنار او یا که وکړ.

۱. خالی باریکی که در کنار اطای  
انداخته شود.  
۲. دور و کنار هر چیز.

۳. آهسته، یواش.  
۴. غیر بیر مانند چاهوی کند.  
۵. کندوی زنبور عسل.



گنه

گنه : ۱. گنه، که و و گنی، میچ، بهرمژک، چنگنه، گنه کاو له. گنی (ه). پند، تنبو (ش).

کوبیدن : م. کوتان، کوتاندن، داکوتان، ره قانن. هاپرین، کوی، ره قنای، هاردهی (ه). قوتان، ساتاندن، کتان (ش).

کوبیده : امف. کوتیاگ، داکوتیاگ، هاپریاگ. کویا، هاپریا (ه). هوور بی (ش).

کوتاه : ص. کوتر، کوتا، نزم، کورت، کن، کول، کوله.

کوتاه آمدن : م. کوتا هاتن.

کوتاه آمدن تیر به نشانه : پا کردن، کوتاه شدن : م. کوتاوه بوون، کول بوون، کوتر هاتن، ناوچوون.

کوتاه قد، کوتوله : ا، ص. بابا عه مره، کورته بالا، کورته بنه، کورته له، باوه قورمت، سمه خرته، کورته یله، وردیکله، گن، کورت. کورته (ش).

کوتاهی : ح مصد. کوتایی، کورتی، پاکه می. کوتاسی (ش).

کوت کردن : م. کوتگا کردن، خبی کردن، کوت کردن. کوتا ردهی (ه).

کوم کرن (ش).

کوچ : ۱. کوچ، بار، خبته و خوار، خبته و ژوور.

کوچ کردن : م. کوچ کردن، بار کردن.

کوچک : ص. بووچک، بچوک، چکوله، چکه له، خوجووک، ریز، کجک،

کولووری، گورگیله .

کندوکاو : امصد. کرد و کوتش، کهن و کاو، کهن و کو، گرد و کیش.

گنده : ۱. کوته، مؤره، کوته دار، قورم، قورمه دار، کولکه دار (ش).

گنده : امف. سول، کندی، کهنده، کهنده لک، کهنه لان، که و لوس، کهن، بنمه غار، کینا، درگه، کانال، که ناو، ده خمه، زاخه، کهنه لک، مه، بهرمه غار، دینال، لادی، لادی رگه.

زاخون، زاخو (ش).

کنده زانو : کلاوهی رزانی. که شکو زهنگولی (ه). سه رچوک (ش).

کنده شدن پوست در نتیجه سوختگی : دامالیان، داپلوخیان، مالیایره (ه).

کنس : ص. ژرد، دژنان، خه سیسی، بهرچاوته ننگ، چنوک، قیر سیچم، گوووشکه و کهره، خه پوولت، دمس قووجیاگ، قه متیری، گونک شمیر. ده خس (ش).

کنسول : ۱. شابه نهر، شابه نهر.

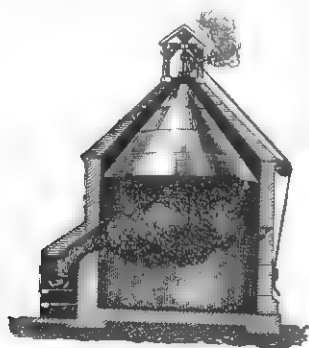
کنسولگری : امر. سابه رخاه، بالتوزخانه.

کنفت : ص. نه ژد، چرچ، کنفت، جرووک، پوت، سیبیاگ، چرچ هه لاتنگ. چه رمقین، قرمچان (ش).

کنکاش : ۱. کر و کاش.

کنگر : ۱. قنگره، رنک، کندر، کنگر.

كۆز (۵). كور (ش).  
كور<sup>۲</sup> : ص. كوترگ، كوتر.  
كۆزى (۵).  
كور كردن : م. داکوژان، كوتر  
كردن، داشكانن، داکوژانن،  
داكوترانن، دامووپانن. نهره  
كونى (۵).  
كورك : ا. دمه، كۆرهك، ميژووه  
كهوله (۵). زريك (ش).  
كورمال كردن : م. پهل كونان، كوتيره  
كوتير كردن. پهل كواى (۵).  
كوره : ا. قولكه، كوره، ناته شخان،  
كلدان، كوانگ. كل، كورى،

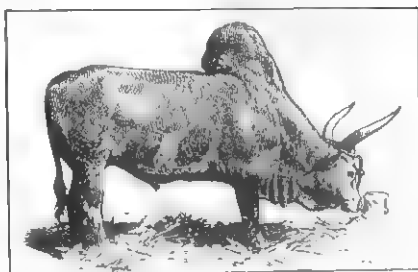


كوتير كردن. پهل كواى (۵).  
كوره : ا. هوولكه، كوره، ناته شخان،  
كلدان، كوانگ. كل، كورى،  
چاوگه (۵).

گوچك، بووچكه لانه، گچك.  
گولاله (۵). كچكه (ش).  
كوچكتر : ص. تفغ. بووچكتر.  
وردى تر (۵). كچكه تر (ش).  
چكه له، خوچووك، ريز، كچك،  
گوچك، بووچكه لانه، گچك.  
گولاله (۵). كچكه (ش).  
كوچكتر : ص. تفغ. بووچكتر.  
وردى تر (۵). كچكه تر (ش).  
كوچ نشين : ص. فا. كۆچهر.  
كوچولو : ص. مصد. بووچانه، بچكوله،  
بووچكه لانه، چوكه له، بووچكه له،  
بچكوله، بووچه لانه، بچكه له،  
گچكه، گچكه له، ورديكه له.  
ورديكه لانه (۵). كچكه لوك (ش).  
كوچه : ا. كووجى، كۆلان، گه پكه،  
كوچه، لاكۆلان، نالووله  
كود : ا. رشفتم، كود، سورؤ،  
په گپ، كوت، گوى بپه.  
قهفت (ش).  
كودك : ص. ا. منال، مندال، زاوله،  
زارؤله.  
كودن : ص. گيل، خرفت، گهوج،  
كهودن، چه پش، ته پلوس، لائىگ،  
كوتير هوش، نه حمق، سايلوح، گيژ.  
تئنه گه هشتى (ش).  
كور<sup>۱</sup> : ص. كوتير، حافز، چوپير.

کورەراە : امر. رینگە کوێرە، کوێرەپا، تەنگە بەر، تەنگەوەر، کوورەپێ، لابێ. شکاری، رێ کۆک، کاپان (ش).	کوشیدن : نک. کوش کردن.
کورە سنگکەزی : داش.	گوفته <sup>۱</sup> : ۱. گفته، کوتیلک، گفنه ناوتاواپی، گفنه شوروا، گفنه شامی.
کوری : رح مص. کویری، کویرایی.	گوفته <sup>۲</sup> : امف. کوتیاگ، گفنه، گوت، جەمام. کۆیا (ه). قوتایی (ش).
کۆری (ه). کووری (ش).	کۆک : ۱. کۆک، تەقەل، روز، با، کۆوک، سەردروو، شلال، قورمیش، قوماتە <sup>۳</sup> ، ساز، بەکەریف.
کوزو : ۱. کوزمل، کۆزەرە، کۆتەل، چەت، بن خەرمان، بنەپیت، گۆزەر (ش).	کۆکب : ۱. کەوکهو، کەوکب. کۆکب : نک. ستارە.
کوزە : ۱. گۆزە، کووزی، بەسوو، کووزە، سەو، گۆزەلە، هالۆ، کیتەلە، گاوشە، سەویل، کولۆز، قەدەلە، جەپ.	کۆک بوون : م. کۆک بوون، قەلەس بوون.
کوزەگر : ص. سف. پروت، قەواق، هەنگار، گۆزەساز.	کۆک زدن : م. تەقەل لێدان، کۆک لێدان، کۆک گرتن.
کوژ : ص. کۆم، قووز، قەموو، کۆم (ه). کووی (ش).	کۆک کردن : م. کۆک کردن، بار کرن (ش).
کوسە : ص. کۆسە، بەرکۆسنە، بەرکۆسە، کوسە.	کۆکو : ۱. کوکوو.
کوشش : امص. توێلاش، کۆشش، خەبات، داکۆکی، تەقالا، تەلاش، کۆشە، دەرپا، کۆشەو، تێکۆشین، هەول.	کۆکومە : ۱. بوو، بایەهوش، باریفوش، بوو، تەقلە، کەلکەوانی، شابوو، کۆندەبوو. توت، تۆزی (ش).
کوشش کردن : م. کوشش کردن، تەقالا دان، داکۆکین، کۆتین.	کۆل : کۆل، قەلادوشان.
کوشش کەردە، تەقالا دای (ه).	کۆل : ۱. کەوئل، گۆنگە، گۆنج، شاگۆنج.
کفاشتن، تێکۆشان، خەیین (ش).	کۆلاک : ۱. کۆلاک، تۆفان، بادەو، کەپو، بۆران، شلیو. باو (ه).





کریه، باکروه (س).

کول کردن : م. گردنه کوله. کوله و

گره ی (ه).

کوله بار : امر. کوله بار. دهرزه (ه).

جهم، پشی (ش).

کوله پشی : امر. کوله پشی.

نله گه (ه).

کولی : ص نسب. قهره چی، قهره ج.

کولی گرفتن : م. کولی سمن، سووار  
کسی بوون.

کومه : ا. کوتلیت، بنه، ره بهت،

مهرده زینه، نالوونه، کوریت،

پهریزه، تهروال، کالتیت، گه یگه.

ستاره، بوسه، سیپ، حه شار،

گه هک (ش).

کون : ا. پییزی، کومی، قنگ،

بالوره، تهریزه، تن. قیت، عنه (ه).

قوین، قهوین (ش).

کوناب : امر. وازاو، لووشاو، قنگاو.

وشکاو (ه). نشاف، کاماف (ش).

کون خیزه : امر. قنگه خلیکی، قنگه  
خشکی.

کوه : ا. کتف، شاخ، کتو، داخ. کمش،

شاخ و داخ، کتو، کمش و کتو (ه).

چیا (ش).

کوهان : ا. کوهان، پیل. کوهان (ه).

کوبار (ش).

کوهستان : امر. کتفسان، شاخ و داخ،

کتوسار، کتوسان، کتوستان، کتوسان،

به نهن، شاختان، سرکاوان، زوزان،

کتوسار. کویان (ه). چیاپی،

کوهستان (ش).

کویر : ا. کویر، دهنت، سه حرا،

یوان، چول، چولگه، سارا.

کهر : ا. کوت، کیت.

کهریا : ص فاء. ا. کاره باه. زهردی،

زهردوی، زهردهی، زهره، کارهوا.

کهکشان : امر. ری کاروانچی،

کاکشان، کاذ.

کهن، کهنه : ص. کون، کونه، پهر،

ریبال، شره، کونه، پاتال، به بات،

داوه شیاگ، داوه شاو، پهرتوت، شره

و پره. کونه، کفن (ش).

کهن سال : ص مر. پیر، کونسال

نیختیار، کون، پوس، سالخوارده،

قوح. کفن (ش).

کهنه حیض : امر. په رو بټی نوټیزۍ.	کس.
په رو بټی نمایی (ش).	کیف <sup>۲</sup> : ا. کیف، باوډل، جزدان.
کهنه کار : ص مر. قدیره، کوټنه کار.	کیف <sup>۲</sup> : ا. کهیف، خوشی، حوز.
کهولت : امص. پیری.	وهشی (ه).
کهیر : ا. لیر، لیرگ.	کیفر : ا. به قاس، ټول، ناوان.
کی <sup>۱</sup> : کټی.	کیفر دادن : م. ناقدین.
کی <sup>۲</sup> : کدی، کهنگی، کهنگین، کهنټی.	کیفیت : امص. چونه تی، چوټایی،
کیاست : امص. زیرکی.	چوټایه تی.
کیپ : ص. کیپ، جف، کپ، جووب.	کیفور : ص مر. کهیفوور، به ده ماخ،
کیر : ا. کیر، گون.	به کهیف، سر خوش.
کیس : ا. کیس، سب.	کیل، کیله : ا. پټوانه، په یماننه، عیار،
کیسه : ا. کیسه، جانتا، جاما.	نه نازه، کیوړ، کهوچ، کهیل، کهیله،
کیک (ش).	کهوچه. گول (ش).
کیسه توتون : امر. جاخ، حاله.	کین : ا. جه حر، قین، جه هر، کینه،
کیسه صفرا : امر. مالگ، زاره.	بوغز، رق، کین. قینسی (ه).
کیسه کش : ص فا. کیسه کس.	ده حسین (ش).
کیش : اصت. کش، کته.	کینه توز : ص مر. جه حراوی، رقاوی،
کیش کردن : م. هان دان، بټی به ردان،	قباوی، فیهون، فین له دل.
کس دان.	کیهان : ا. جهان، جیان.
کیش کیش : اصت. کس، حله کس،	



کیف

# گ

گ : گ.

گاراژ : ۱. گاراج، گهراج.

گاری، گاریه : ۱. عهرايه، گاری،

گاربه، فو، گهردووبه، عهرهه.



گاويچی : ص مر. گاريه چي، عهرايه چي.

گاز<sup>۱</sup> : ۱. گاز، که ليه تهين، که لوه نان.

گاز<sup>۲</sup> : ۱. گاز، فېپ، گهز (س).

گاز زدن : نک. گاز گرفتن.

گاز گرفتن : م. گاز گرفتن، فېپ

گرسن، فمهال گرسن. گهز کرن،

گهزين (س).

گالش : ۱. گالتوش.

گاله : ۱. جوال، گاله، جاني حاني،

خهسه، گهواله، به ليه، جانا،

جوال موويابي، جهوورك، جوهال.

جهنك (س).



گاز

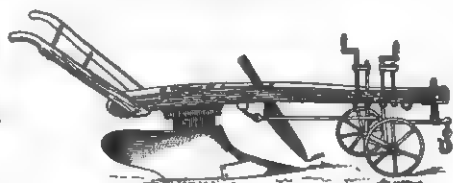
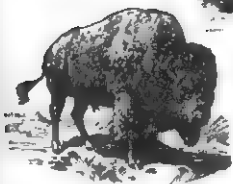
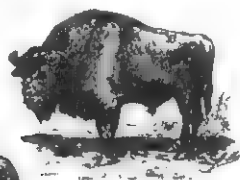
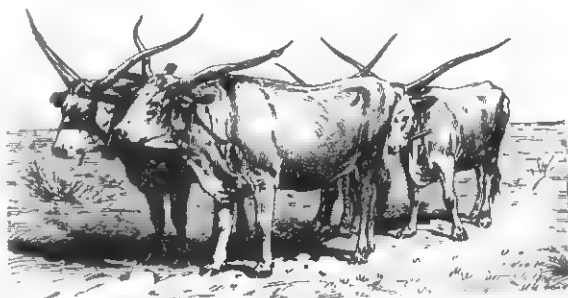
گام : ۱. ههنگاو، با، ههدهم. ههنگامه (ه). سافا، گاف، پی گاف (س).

گام برداشتن : م. ههنگاو نیان، ما هه گرسن، ههدهم بیان. ههنگاو هور گرتی (ه). ههدهم یا کرن (ش).

گانه : نانه. گاو : ۱. گا، مانگا. گاهه (ه). گاف (ش).

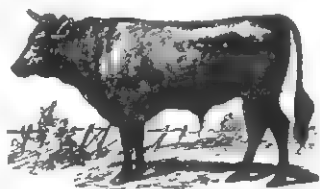
گاوران : ۱. گایام. هههروژ (ش). گاورس : ص سر. گهوح، بانه، نهحمه، ههرد، دهبری، گیج، بلع، سهقیح، خول، گیل، نهزان، بی مه رگ، بلهحهس، حهس، سابلوح، نهقام، لالهوز، حههنگ، جاهیل، سهفی، گاریس، گوئی شور، گوئی لهی، لارگ. گاو شبرده : امر. مانگای دوشا. دوسهدهنی (ه). حیل (س). گاو صندوق : امر. گاسوی. گاو ماده : امر. مانگا. مانگاو (ه). حیل (ش).

گاو آهن : ۱. امر. گاههس، گاواس. گیسن، گاس (س).



۱. قسمت آهنی گاو آهن که نوک بیز است.  
۲. دستگاهی از دو گاو و یوغ و سیم و سیمبند که با آن زمین سخم کنند.

گاو مبری : ح مصد. گافور، گامبر،  
گافران، گافور.  
گاونر : امر. گاه، که نه گاه.



گج : ا. گج، گجج.  
گج بری : ح مصد. گج بری.  
گج کار : ص سفلد. گج کار، گجکار.  
گج کاری : ح مصد. گج کاری.  
گج کشته : ص مر. کوسته، گه حامری.  
گجی : ص سب. گه جی.  
گدا : ص. پارسهک، گه داه، سووال کهر،  
هه فیر، بله ننگاز، لهه وحن. زیمار،  
حازوک (س).

گداختن : م. باواننه وه، ناواننه وه،  
سوور بوون، سوور کردن، ناو بوون،  
ناو کردن.

گداز : ا. سگار، بووار، گوزه ر گاه،  
باگا. ویره ی (ه). بوهور (س).  
گدازش : امصد. باوان.

گدای دارا نما : گافوز، گه داه فوز.  
گدایی : ح مصد. گه دایی، سووال،  
بله نگازی. خازوکی (س).  
گدایی کردن : م. گه دایی کردن، نارس  
کردن، سووال کردن، بله نگازی  
کردن، لهه و چنین.

گذااردن : نک. گذاشتن.  
گذاشتن : م. هیشتن، نلین، دانیان،  
بیان، دانیان، رونان. بایره، ناسه ی،  
نهره بای (ه). هشتن، هیلان (ش).  
گذر : ا. گوزه ر، بگار، بگاره، ری.  
گذران : ص فا. گوزه ران.  
گذران : امف. زیوار، زی، دهبر،

گاه<sup>۱</sup> : ا. گاه، ناو، جار، دهم، وهخت،  
ساب، گه ه، به ننگ، نان، جاء، چاخ،  
ههل، ساه، گاه.

گاه<sup>۲</sup> : ا. گاه، حنگه، گه.  
گاه گذاری : نک. گاهی.  
گاه وقتی : نک. گاهی.

گاهی : ق. گاهستی، جار و سار،  
جاره جاری، جاره و جاری،  
گاوختی، جار به جاری، بری، گاه،  
گاه گاه، به بنی، جاری، بری جار،  
به بنیو، بریو، وه حتیو، ده مینو (ه).  
گاف، گافی (س).

گاییدن : م. گایین، کردن.  
گیر : ا. گه ور، گاور، نه لا، ناویر  
پهرس، ناگر پهرس، خارسک<sup>۲</sup>. نهیر  
برتس (ه). گهر.

گپ زدن : م. دهه مه یی کردن.  
گت و گسده : فوت و وهوی، به بو،  
زه خم، حه بلوس. هه لف (س).

گوزهران، زیست.

گران : ص. گران.

گذرانندن : م. گوزهرانش، رابوواردن،

گراڻی : ح مصد. گراڻی، کول (س).

بگاردن، سهر کردن، بهر توه بردن،

گران فروش : ص فا. گران فروش.

بهر توه چوون، بردنه سهر، بگاره دان،

گرانجان، گران ورمش (ه).

رابووردن، را بگردان، سهر بردن.

گرایش : امص. خواز.

وبارای (ه). هه ناندن، دهر باز کردن،

گربه : ا. کتک، کینک، پیشی، ختک،

پشیله، حتی، گوربه، کته (ه).

گوزهراندن (س).

گذشت : امص. گوزه شت، بوهور.

بک، پشک، پهبک، گمر (ش).

گذشت کردن : گوزه شت کردن، دمس

هه لگرن، گوزه شتن، به خشین

گوزه راندن (ش).

گشتن : م. بگردن، رووین، عوبور

کردن، دابگردن، چوون، رویشتن،

رهد بوون، شین، گوزهر کردن.

رهد بیهی (ه). دهر باز بوون (ش).

گذشته : امف. بگردک، بووردوو،

گوزه شته، سابق، پیش، رابردوو.

چتوه لی، بهرده (ه). حووسی،

رابهوری (ش).

گذشته ها : جارانه، جار جارانه.

گر : ا. گهر، گپری، گهرول،

گهر وئی. گهرگ، گهرل، گپژ (س).

گر : ا. گور، ناو، گر، کلیه، بلیسه،

گوئونه. گوپری (ش).

گر : ص فا. گهر، وان، چی.

گراز : ا. گوراز، خووگ، به کانه،

به لئه، به راز.

گرامی : ص. نازار، عه زیز، نازیز،

خوه سه ویس. وه سه سیاو (ه).

دلوفان (ش).

گرب گرب : اصت. گربه گرب. گره

گرف (ش).

گرد : ا. گهرده، غوبار، نوژ.

گرد : ص ی. گرد، حرب، حربول،

حربه لانه، حبر، گلبر، حه رحی،

خلبره، گردوئه، نوپ. خپو قر،

گروقر (ش).

گرد آوردن : م. گرد کردنه وه، گلبر

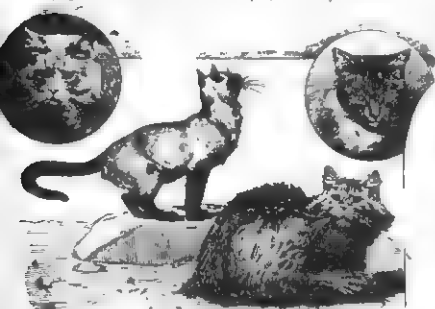
کردنه وه، جهم کردن، کو کردن.

گلبره و کهردهی (ه). فیک

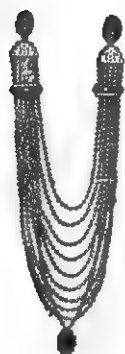
نیخستن (س).

گرداب : امر. گرداو، گول، گنجاو،

گولاو، گوتم، یهنگاو، گوتمار، گیزاو،



- گتجه. گهر، بنکاف، گرداف، گهرافک (ش).  
 گردان : ص فا. گهرؤک.  
 گرداندن : م. گهران، پتادان، گهردان.  
 گیرای (ه). گیران (ش).  
 گردیاد : امر. گتجه‌با، گتجه‌لوکه، گهره‌پنج، گهره‌با، گتزه‌لورک.  
 بابهلک، عوارس (س).  
 گردش : امر. گهرش، گبله، سهر، گهر.  
 گردش کردن : م. گهریان، گیلان، گهرش کردن، گهر خواردن، بیاسه، گهران، گهشت‌دان، گهست‌لی‌دان، گبلای (ه).  
 گردشگاه : امر. گهردشگا، سهرانگا.  
 گردکان : نک. گردو.  
 گرد گرفتن : م. ته‌کانن. ته‌کنای (ه).  
 تۆز گرفتن (ش).  
 گردگیری : ح مص. گهرد گیری.  
 گردن : ا. مل، خعن، گهردهن. سوکوره، سکوره، نسو (ش).  
 گردن بند : امر. گهردهن‌بهن، گه‌لوو بهن، ملوینک. ملوانه، جه‌له، خه‌ناوکه (ه). قه‌فلک<sup>۱</sup>، دوت، گولوتیک<sup>۲</sup> (ش).  
 گردنکش : ص فا. گهرده‌نگه‌ش، باخی، جهرده.  
 گردن کشیدن : م. مل کینان، مله‌مانکی کردن.  
 گردن کلفت : ص مر. مل هوپ، نی ستریاگ، گامل، گهردهن کولوفت، گتیخه، لوزه‌ندهر. سوکور سور (ش).  
 گردن نهادن : امر. مل دان، سهردانه‌وایدن، فرسان بردن، مل نیان، سهر سپاردن، نساغت کردن، گوئی سل کردن، گوئی دان. مل دای (ه).  
 گردنه : ا. مله، گهرده‌نه، مله‌گا، کهل، سهرکهل، سهرمله، کاوان، لووسکه. گهدووک (ش).  
 گردنه گیر : ص فا. جهرده، چه‌نه، گهرده‌نه گیر.  
 گردو : ا. گوئیز، گردکان، شملی، بهره‌کمت<sup>۳</sup>، یاقیر. وهزی (ه). گتیز، گووز (ش).  
 گردو بازی : ح مص. گوئیزان، میشان، نلان<sup>۴</sup>، هه‌لماتان<sup>۴</sup>. وزه‌فالاتی (ه).  
 گوزان، گیزانی (ش).  
 گرد و خاک : گهرد و خاک، خوله‌پوت، تهپ و تۆز، گهرد و لیول، تۆز و دومان، گهرد، تۆز، خاک و خول، دوومان، خول، گهرد و غوبار.  
 گرد و غبار : نک. گرد و خاک.



گردن‌بند

۲ - گردو با سه خط برجسته.

۳ - یله بازی.

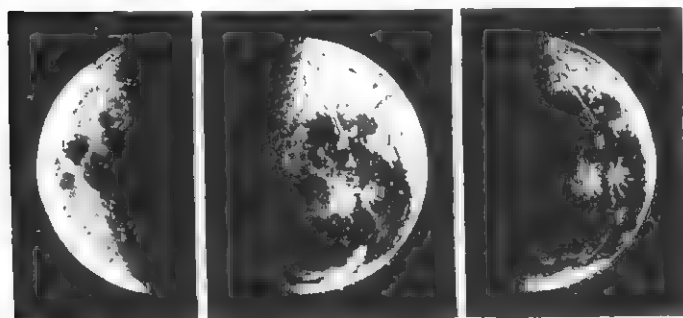
۱ - گردن بند کهربا.

۲ - طوی سگ.

گردون : ۱. گردوون، حمرخ، رۆزگار.  
 گرده : ۱. کولتیره، به‌په، خه‌پله،  
 بوزولماجی، گرده. گیتی (ه).  
 لویسک، سه‌وک، سه‌بهک<sup>۱</sup>،  
 سه‌پله<sup>۱</sup> (ش).  
 گرده ماهی : ص مر. پشت ماسی،  
 گورگه‌پت، فۆز، کومره (ش).  
 گرز : ۱. گورر، بوربا<sup>۲</sup>.  
 گرمه : ص. برسی. ناورا (ه).  
 کولفا (س).  
 گرمسگی : ح مصد. برسینه‌نی.  
 ناورایی (ه).  
 گرفت : امص. گرف، گیر، بهن.  
 گرفتار : ص مف. گرفتار، ناوه، گیر،  
 گیرووده، دوچار، نووشیار، بابهن،  
 نووش، کوتلک، بلیاگ، نامه.  
 گیروارده (ه). بیقه (س).  
 گرفتاری : ح مصد. گرفتاری، حه‌جمل،  
 به‌مه‌ره، گاسه، گتجه‌ل، گتزه،  
 گیرووده‌یی.  
 گرفتن : م. سه‌نن<sup>۲</sup> گرتن، گونجیان<sup>۴</sup>  
 بو‌رسان<sup>۵</sup> سه‌دن، گرسه‌ی.  
 نه‌سای (ه). نه‌گرتن (ش).  
 گرفتن خورشید : خوه‌ره‌تاو گرتن.  
 وه‌رگیریای (ه). گرتنا رۆژی، رۆز  
 حه‌یرین (ش).  
 گرفتن زبان : توری، تور توری، زووان  
 گرتن.  
 گرفتن ماه : مانگ گیریان. گرتنا  
 هه‌فتی، هه‌یف خه‌یرین (ش).  
 گرگ : ۱. گورگ. وه‌رگ (ه). گور،  
 هه‌رگ (ش).  
 گرگر : امت. گوپه‌گور، گره.  
 گرم : ص. گهرم. کهل (س).



گرز



### گرفتن ماه (مه‌گرفت)

- ۱- گرده از سیوس برای خوراک سگ.
- ۲- گرر مارچه‌ای مخصوص بازی.
- ۳- گرفتن به معنای خریدن.
- ۴- جای گرفتن.
- ۵- گرفتن به معنای گرفتن و داشتن ظرف دهی.



گروگان: نک. گرو.

گرو گذاشتن: م. گره و نیان، بارمه نیان.

گروه: ا. گورو، کومه، جهرگه، دهسه، جماعت، تاقم، دهسته. کوم، چقات (س).

گره: ا. گری. گره، گریمانه، لکه (ه). گره خوردن: م. گری خوردن. لك واردهی (ه). گری خارن، حهربلین (ش).

گره زدن: م. گری لی دان، گری دان، گری دران. لك دای (ه).

گره کور: ص مر. گری کور. لکه کوری (ه). گرنجك، هیشكه گری، گری فیک (س).

گری: ا. گپری، خهرکان، گه پوتی، خارنس، خارش. گه ریانی، گوری، گپوتی (س).

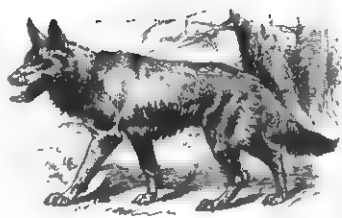
گریان: ص. گرنوك. گریان: ا. به خه.

گریختن: م. دهرچوون، هه لاتن، راکردن، نایا هاوردن، بیجه و کردن خودزینسه وه<sup>۱</sup>. وی دزینسه وه<sup>۱</sup>، هرسی (ه).

گریز: ا. فیرار، هه لآب، دهرناز.

گریزان: ص فا. گوریزان، فیراری.

گریزبا: ص مر. گوریزبا، به له ما، یوحاح، سهریتا (س).



گرگ

گرما: ا. بین، ناو، حهرارمت، گهرما، نالاو، گهرمی. گهرمای (ه).

گرهابه: ا. حمام، حه مام، گهرماو، گهرماوه. گهرماف (ش).

گرمزاده: ص مفا. گهرمازو، شه ابردگ، شه ابردوو. گهرما بردوو. وه بره رده (ه).

گرماسنج: امر. گهرما یو. گرمسیر: امر. گهرمه سیر، گهرمیان، گهرمین.

گرم شدن: م. گهرم بوون، گهرمه و بوون، گهرم داهانن. گهرم راهانن. کهل بوون (س).

گرمك: ا. گهرمك. گرم کردن: گهرم کردن، گهرمه و کردن، گهرم کرده وه.

گرم گرفتن: م. گهرم گرنن. گرمی: ح مصد. گهرمی، نوف، گهرمه. کهلان (س).

گرو: ا. ره هن، گرهو، بارمنه، گرهوگان، گرهوی. گرتو (ه).



گره

- گريزاندن : م. تارنيان، ريوال بيان، ناراندن، تاراس، تاردان. رامال نبای، ره‌بای (ه). فاباسدن، فابودان، جه‌نيفاندن، زيک به‌لا کرن، راماليس (ش).
- گريستن : نک. گريه کردن.
- گرينو : ص نسب. گرينوک، گره‌ه‌چوچ (ه). گرپوز، گرپوک (س).
- گريه : امص. گريه، هوويه، گريسب، بووکه فهران قاس، يرمه . گره‌وه (ه). گري، شين (ش).
- گريه کردن : م. گريان، زاريان، هوويه کردن، بانگ هەل دان، زارين، گريان. گره‌وای (ه). گريس، گريستن، بشکان (ش).
- گريه و زاری : گريه و زاری. گهرمه‌س و گري (س).
- گزا<sup>۱</sup> : ا. گز.
- گزا<sup>۲</sup> : ا. گز.
- گزا<sup>۳</sup> : ا. گزه، گزيجار، گزکجار، گسکجار.
- گزانگين : امر. گه‌زو، شوك، سوکه. گه‌ز گوله (س).
- گزر : ا. گزه، گيره. گزه‌کي (ه).
- گزش : امص. حره.
- گزليک : ا. گه‌زليک، کارد. گه‌رليک (س).
- گزمه : ا. سه‌وگهرده، هه‌س هه‌س، سه‌وه‌ره‌وه. سه‌وگه‌ر (ه). شه‌ف گير، شه‌فه (ش).
- گزن : ا. گه‌زن. گازن (ه).
- گزند : ا. چورتم، زيان، ناسيو.
- گزنده : افا. گه‌زنه. گه‌زنه‌ده (ه).
- گه‌زوک، جزوک، جزدار (ش).
- گه‌زنه : ا. گه‌زنه. گه‌زنه‌ئي (ه).
- گه‌زگه‌زوک (س).
- گزيدن : م. هه‌تيه‌ودان، گه‌زين، وه‌زه کردن، لي دان، چزان، گه‌زن، وه‌شان. گه‌سه‌ي، پوه‌دای، چزنای، وه‌زه‌ي (ه). گه‌ستن، دروسنک لي دان (س).
- گزيدين : م. هه‌ل چنين، هه‌ل بزارين، ته‌ل کردن، هه‌ل برژين، چنين، بزان، بزاردن. وه‌رجنيه‌ي، هوژ چنيه‌ي (ه).
- بزين، ناف گر کرن، هه‌ل بزا رکرن، هه‌ل بزارتن (ش).
- گزيير : ا. چار، ده‌ريازگه.
- گس : ص. گه‌س، باراو، مزر، ينر. گير (ش).
- گستاخ : ص. گوساخ، حيره‌سه‌ر، گوساخ، دلير، دهم‌هار، دهم‌ه‌ره، دهم سوور، جه‌سوور، سوور. باخوره (س).
- گستاحي : ح امص. گوساحي،

۱. واحد اندازه گری طول.

۲. نوعی سری.

۳. بویه‌ای که در کوبر رود.

**گشت** : فی. گشت، گئی، همه‌مو،  
گهل، کول، جهم، همه‌مکه، کوپ،  
نیکرا. گرد (ه). گشک (ش).

**گشت زدن** : م. گهر دش کردن، گه‌شت  
دان، سه‌یر کردن، همه‌م لی دان،  
گه‌ران.

**گشتی** : ص نسب، ا. پیش‌مه‌رگه،  
گه‌سی.

**گشیز** : ا. گرنژ، ناوله، گرنیزه.

**گشودن** : م. کرده‌موه، واز کردن،  
ره‌وان، داجه‌فانن. کرده‌موه (ه).

کره‌ه، هه، کرن (س).

**گشوده** : امف. واز، باک، باق، کراوه،  
ناوا. بیهه، کره‌ه (س).

**گفتار** : ا. فسه، وته، گو، حرف،  
گفت، گوته، وتار، پیت. واته (ه).

**گفتن** : م. وسن، فسه کردن، دویسن،  
کوسن، گوونن. دووای (ه). گوختن،  
فتن (ش).

**گفتگو** : امف. گفت و گو، فسه، وت و

ویژ، گاله، گپ، حنه‌ک، راوتز،  
فنه، گو و گوو. گووت و بیژ (ه).

**گفتگو کردن** : م. فسه کردن، دویسن.  
دووای، فسه کرده‌ی (ه). ناخوتن،  
یه‌یشین، گوئن کرن (ش).

**گفته** : امف. وته، ویژه، فسه، که‌لام،  
گفته، گف.

**گفته** : امف. سه‌پران، گه‌شت،  
گه‌ردس.

ده‌موه‌ری، فسه، دهم سووری، بینال،  
لاقرتی، جه‌سارمت، گه‌زاره.

**گستر دن** : م. راخستن، داخستن، پانه و  
کردن، نه‌بینه‌موه، بلاو کردن، بلاو  
کرده‌موه. نه‌ره‌وسه‌ی، بلاو  
کرده‌ی (ه). به‌لا کرن، بانعه  
کرن (س).

**گسترده** : امف. داخر باگ، بلاو، یان،  
داخراو، داکه‌بگ. نه‌ره‌وزب.

وه‌لا (ه). به‌لا (ش).

**گسترش** : امف. بلاوه.

**گسترش یافتن** : م. بلاوه بوون، بلاوه  
کردن.

**گشاد** : ص. گوسا، سای، کره‌موه،  
ده‌لب<sup>۱</sup> تاق<sup>۲</sup> تاك<sup>۲</sup>، ناوا، ناوان،

ره‌سآ، ره‌ماوه، خر، ره‌ویاگ، ناوای،  
فاق، پان، دال<sup>۲</sup>، داهو<sup>۲</sup> فراه،  
وه‌لا، وه‌سیح، کره‌ه، شمت (ش).

**گشاد شدن** : م. ره‌ویانه‌موه، ره‌وینه‌موه.

**گشاد کردن** : م. ره‌واننه‌موه، ره‌وانن.  
هه‌کرن (ش).

**گشادی** : ح امف. ده‌ره‌تان، گوسادی،  
بانا، بانی، ده‌روو.

**گشایش** : امف. گوساس، ده‌ره‌بان،  
به‌روو.

**گشت** : امف. سه‌پران، گه‌شت،  
گه‌ردس.

۱- لباس گشاد، لباس گشاد سده.

۲- گشاد و بلند.

۱- لباس گشاد، لباس گشاد سده.

۲- برای چیزهایی گفته می‌شود که

دان، ناوبه دان، هه ناوس، مانه ناو  
کردن، گله مان کردن، کاگل کردن  
سواخ دانه وه. گوله بان که رده ی،  
ناوای، ناوان، له به کینای، مانه  
کینای (ه).

گلایز : گلاویزه، ناوه، چنگاو مس.  
گلپر : امر. گول بهر، سولان، سهول،  
سهولان.

گل حنا : امر. گول خنه.  
گل خار : امر. دلین، گوله سه گانه.  
وله تونی (ه).  
گل ختمی : امر. هه نمه نه.  
هه ره لی (ه).

گلحن : امر. بوون، گووره، گولحن.  
ناورگه (ه). شاتوون، شانه شحان،  
گولغان، ناگر دانک (ش).  
گلداز : ص فا. گول دار.  
گلدان : امر. گول دان.

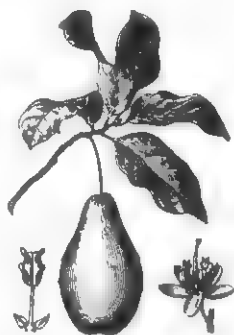


گلدسته : امر. گول ده سه.  
گل دکمه : امر. گول دوو گمه، گول  
به ندووسکی.

گیل : ۱. گل، هه پرگ، قور، بلول، لیه،  
حه رگ، فوملاخ. هه ری (ه). کور،  
قه تن (ش).

گل : ۱. گول. ول (ه).  
گلاب : ۱. گولآو. بیکاف،  
گولاف (س).  
گلاب باش : ص ما، ۱. گولآو ساس،  
گولآو پرزین.

گلابتون : امر. گولآوه تون.  
گلابی : ۱. هه مرۆ، گولآوی. هه رمی،  
مرۆی (ه). هر می، سکوک، گرسک  
، کروسک آ، کورسک، گروسک،  
کروسک (س).



گل آفتاب گردان : نک. آفتاب گردان.  
گل آلود : ص سر. لیلآو، سیره،  
فوپوای. نافیسر، لیلاف، لیتر، شلوی،  
سیلوو (س).

گل اندود : ص مف. ناویه، کاگل،  
سواخ، سیواخ، بانه ناو، بانه مال، گله  
مال. گوله نان (ه). ناح نان (س).  
گل اندود کردن : م. ناوسن، سواخ



گلاب پاش

- گلرنگ : امر. فاختی، کاريله.  
گلزار : امر. گولزار، گولسان.  
دهحل (ش).  
گل زرد : امر. گولّه زهره.  
وله زهره دتی (ه).  
گل سرخ : امر. گولاله، گول گولاه.  
وله سووری (ه).  
گیل سر شوی : امر. گله سر، گله  
سر شۆر. سیلک، گلّ (ش).  
گل کاری : ح معص. گول کاری. گول  
حادی.  
گل کردن : م. گول کردن.  
بشکفتن (ش).  
گل گاو زبان : امر. گول گاوه زووان.  
گلنگی : ح معص. گله بی، بنداشت.  
گازانده، گازنده، گلّی (ش).  
گلنگی کردن : م. گله بی کردن، گله بی  
و بنداشت کردن. گازنده کرن (ش).  
گل محمدی : گول موحه مه دی،  
گول گولاه. وله گولاهوسی (ه).  
گوله جا (س).  
گل مژه : امر. فنجکه سلام، بووک،  
سیچکه سلّاه، سینکه سلّاه. زبکه  
سلام (ه). بووک (ش).  
گل میخ : امر. گول میخ، سکه.  
گلنار : امر. گول هه نار.  
گلول : ا. گه لّو، نای، بنه خری، بناخری،
- نهلق، گهروو، قوریگ، بنافه، بناقافه،  
کرکره، گهوری، گهروو.  
گلوه زی (ه). مل، هه فک، خه لالووک،  
نهوک، خه لالووک، سووریچکه،  
گه له لووک (ش).  
گلوبند : نک. گردن بند.  
گلو درد : امر. گه لّوده درد، بوغمه،  
گه فی ئیش (ش).  
گل و شل : امر. ته پ و نووشی، زلفا،  
شلپا، لمانا. سیانکه، گل و شل،  
لول (س).  
گلوله : ا. گولله، تیر. گورولیه (ه).  
گلوله برف : امر. نۆنه له. گونله (ه).  
گلوله برف بازی : نۆیه له شه ری، شه ره  
بۆیه له. گونیه له بازی (ه).  
گلومحک (س).  
گلوله نخ : امر. گولۆله. گورۆله (ه).  
گولولوک، گولۆکه (س).  
گلوله نخ نامرتب : گونله.  
گله : ا. گه له، گه ل، ران، جهل،  
رهوگ، پول، می گه ل<sup>۱</sup>، تیپ<sup>۲</sup>،  
جوف<sup>۳</sup>، جول<sup>۲</sup>، جهل<sup>۴</sup>، رهو،  
ره فی، کهر (س).  
گله : نک. گلگی.  
گله اسب : ره مه، گه له. ره مه ده،  
ره فی (س).  
گله بره : بهر خه ل، بهر عه ل.

۳ - گله کوک بز و گوسفند.

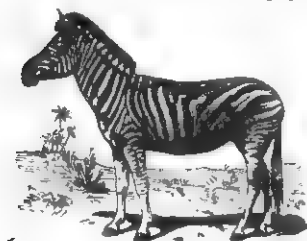
۴ - گله حیوانات فروشی.

۱ - گله میس.

۲ - جمع برندگان.

- وهره گهل (ه). کهر (ش).  
 گله حیوانات وحشی : جهلب، جهله.  
 گله راشب چرانیدن : نازوودان.  
 گله سگ : گهل. نوومه گله (ه).  
 ره قده (س).  
 گله کردن : نک. گلگی کردن.  
 گله گاو : گاگهل، گایهل.  
 گاو گهل (ه). گاریان (ش).  
 گله گزاری : ح مصد. گله گوزاری.  
 گله گوسفند : ران، می گهل، گله.  
 کهری پهر (ش).  
 گله مند : ص مر. گله مند. گله مهند (ه).  
 بگازن (ش).  
 گلی : ص نسب. ههر گینه، قورین،  
 گلین. ههریز (ه). قبالک، ناخی،  
 کوری بی، سوالت (ش).  
 گلی : ص نسب. ا. سوور، نال، فرمز،  
 رهوسه، گوئی.  
 گلیم : ا. گلیم، بهر، شالینه، جاجم،  
 بهر پو. لهی (ه). بهرک، چالک (ش).  
 گم : ص. گوم، نوفوم، نادیار، نوفه  
 سار، سوور گوم، پنهان، گومه سار،  
 بی سر و شوئن. به زر (ش).  
 گماردن : م. داسپاردن، راسپاردن.  
 گمان : ا. گومان، پروا، باور، خیال.  
 گمراه : ص مر. گومرا، بی راء، زاتم،  
 فاسد. ری به زر، گومره،  
 خرابی (س).  
 گم شدن : م. گوم بوون، نوفه سار  
 بوون، نوفوم بوون، رمس راهاسن،  
 بی سر و شوئن. به زریس (س).  
 گمنام : ص مر. گوم ناو، نه ناسرا،  
 ناو کویر. گومنام (ه). ناو به زر (ش).  
 گناه : ا. گوناع، گوناح، خه تا، غه لمت،  
 لیشیا، جرم، گونا، سووچ (ش).  
 گناهکار : ص مر، ص فا. گوماکار،  
 گوناع کار، گونابار. سووچ  
 دار (ش).  
 گنبد : ا. گومه زه، نای، کل، که مبهت،  
 گومه زه، گومت.  
 گنج : ا. خزنه، گه نجینه، خه زانه.  
 گنجایش : امص. دهره نان، گونجایش.  
 گنجشک : ا. مه لیچک، چریله، پاساری،  
 چویشک، چوله که، کبزووله.  
 مر سچلی (ه). چفیک، چبک،  
 ساندیلکه، جوچک، چوسک،  
 کیشک (ش).  
 گنجه : ا. دولاچه، تلش، گه نجیه.  
 لادان، ره فک، دولابچه (ش).  
 گنجیدن : م. خونچیان، جی گرتن، جی  
 که تن.  
 گنجینه : نک. گنج.  
 گند : ص. گهن، گووالت، گهند،  
 گهنیک، بیس. به لوخ، گهنده،  
 گهی (ش).  
 گنداب : امر. گه ناو، گه نکاو.  
 گندزدا : ص فا، ا. گهن بر.  
 گندم : ا. گهنم، گهنم.  
 گندم آبی : امر. به ره کال.  
 گندم بخته : ص مر. به له، داهنو.

باينجانى (ه). بادمجان سوور (ش).  
 گود : ص، ا. فوول، گهود، گهر.  
 گود افتادن : م. چال داکه فتن. چال  
 نه ره که ونه ی (ه). گه یی داکه  
 فتن (ش).  
 گودال : ا. گه و دال، جالآو.  
 جالآوی (ه). قوئی، چالاف، گنوی،  
 حال که ندال (ش).  
 گودی : ح مع. قووالایی، گهودی.  
 گه یی (س).  
 گودی زیر زانو : ره فیک.  
 گودی گلو : چال ینگی.  
 گور : ا. نارامگا، گوی، قهور،  
 زیاره تان، فهبر، ستارگا، مهرزل،  
 گلکو، زیارمت، قرب (ش).  
 گورخر : امر. گوی. خهر گولک (ه).  
 گوهره کهر (ش).



گورستان : امر. زیاره تان، فهورسان،  
 گورسان، قهوران، زیاره تلان (ه).  
 هبر کول (س).

گندم پخته دستاس کرده : بیوتش،  
 دانوو، وتوشه، ساوار (ش).  
 گندم نیم رس : زورده.  
 گندم و آشفال برای خوراک  
 پرنده : یارنه.  
 گنده : ص. زل، زه خم، زی، مه زن،  
 زلحور، زه لام، ناپاز، زلحول،  
 جه بول، جه یش، یله حمس. قهلف،  
 زه بلح (ش).  
 گندیدن : م. گه یس، زایه بوول، فاسده  
 و بوول. رزین (س).  
 گندیده : امف. زایه، گه یو، گه بیگ،  
 گه نا. گه نی، رزی، خراف،  
 سیمو (س).  
 گنگ<sup>۱</sup> : ص، ا. لال، بی زووان، نور.  
 گنگ<sup>۲</sup> : ا. گویج، نه مووشه، بهریوق.  
 سولینه (س).  
 گو : نه یزی، چما، چمان، گویا.  
 مچی (ه). دبیزی (ش).  
 گوارا : ص. گهوارا، خوش، خومش.  
 ومش (ه).  
 گواز : ا. نه نه یوز، گارام، گواز.  
 گواه : ص. شایمت، گهوا.  
 گوجه : ا. گوگجه، مه لوچه، قازمانه،  
 نه لووژه. گه لاز (ش).  
 گوجه فرنگی : امر. توماتیز، بامجان  
 مهرزه نگی، گونه سووره. نوماب،

گورکن<sup>۱</sup> : ص فا. قه ور کن، گور کن.

قه بره و کن (ه). قه بر کول (ش).

گور کن<sup>۲</sup> : امر. گور کنه، جه و یار،

گور کن، گور کنه، گور هل کنه.

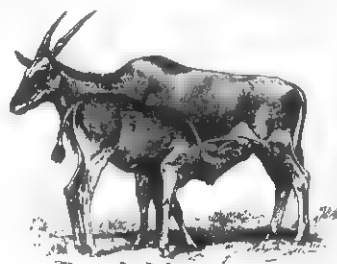
گور : ا. تر.

گوز دادن : م. تسرین، تسرلی دان.

تر یای (ه). تر کن (ش).

گوزن : ا. گه و زن، گاکیفی، گاکتوی،

نافور. شفر، شوهر (ش).



گوساله : ا. گویره که، نه ستونده که،

پوغه، گویر، گویره مه، گوله که،

گور، گویرک، گویر که، گوره که،

گوساله، گورک. گوره کله (ه).

گۆك، گوتلك (ش).

گوساله یکساله : بارین، پارتیه،

بار گویر، یار و نه که نو.

گوساله دو ساله : نوین، پانیر،

جوانه گا. نه و نه (ه).

گوساله گاو میش : پلاخ، ساک، گه دک.

گوسفند : ا. یه ز، مه ی، بیجی، به ی،

به ر کولول، باله، نه و، ساک،

جه موو، حار، نه حه،

خرت، جوار خرت، خرت،

سه که مه ی، کولول، گهورگ

گوسفند ماده : میتس، می، مه ی،

شه که کال. مه ی (ش).

گوسفند نر : به ران.

گوش : ا. گوتیکه، گوتیک.

گوش (ه). گن، گوی، گوه (ش).

گوش ایستادن : م. کوله گرتن،

پسو گرتن.

گوش بر : ص فا. ا. گوچکه بر. گوش

بر (ه). گوه بر (ش).

گوش بزنگ : ص مر. گوی قولاخ،

بوراق، قوت، قومراخ. گوش

قولاخ (ه). گوه بل، گوی

یست (ش).

گوشت : ا. گوس.

گوشتالو : ص. قله و. قله ف (ش).

گوشت پر چربی : له به.

گوشت تازه زخم : گوته وزوون.

گوشت حیوان مریض : مره.

گوشت کارد زده شده : تروا.

گوشت کوب : امر. گوس کوبه

گوس قوت.

گوشت گوسفند : سیان.



- گوشت لخم : گولمه، ولمه، نهرمه،  
لوخم.
- گوشتی : ص سب، جاج، زل، گوشتن،  
کولاره، يهرواری. هلهف،  
سرخو (ش).
- گوش دادن : م. گونجه دان، گونجه  
ته کائن، گوئی گرسن، گوی شل  
کردن، گونجه گرس، گونجه  
ته فائن، گوی دان. گوئی دای، گوئی  
نه کنای (ه). گوھ دان (ش).
- گوشزد کردن : م. راگه باندن، هاورده  
و بیر.
- گوش مالی : ح مص. بوز، گونجه  
پرووسمی، چهرمه سهری، دم کو،  
گوشمالی، ته می.
- گوش ماهی : امر. گونجه ماسی،  
یسۆك. گوس ماساو (ه).
- گوشواره : امر. گوشواره.  
گواره (ه). گواره، گوهارك (س).
- گوشه ۱ : فورین، کونج، گوسه، نج،  
ولج.
- گوشه ۲ : ا. که نایه، گوسه، هیما،  
دیکه، تانه، لیساره، بریتی، بهرته،  
دورنیازی، تان. سفره (ش).
- گوشه دار : ص فا. گوشه دار، کونج  
دار، نج دار.
- گوشه دهان : امر. له غاوه.
- گوشه زدن : م. گوشه لی دان،  
ناشیرم کردن. نیتاره که رده ی (ه).  
بی هه ساندن (س).
- گوشه گیر : ص فا. که ناره گیر،  
گوسه گیر، گوشه نسی، بهریک.
- گوشه نشین : نک. گوسه گیر.
- گوئی : ا. گوئی.
- گوگرد : ا. گوگرد، دهرمان.
- گول خوردن : م. گول خواردن، فریبو  
خواردن، حله بیان، له خسته حوون،  
خاین، لیب خارن (س).
- گول زدن : م. حله باندن، خاوانن،  
بله بیان، خلافتای، حله نای (ه).  
خاواندن، لیب دان (س).
- گون : ا. گهون، هه گهون (ه). گونی،  
گودینی (س).
- گوناگون : ص مر. جور نه جور.
- گونه ۳ : ا. چه سن، گونه، نهوع، جور،  
کولم، گونا.
- گونه ۴ : ا. گوب، گونا، سهر گونا،  
گپ، گومب، لهب، گونه، گوب.
- لام (ش).
- گونی : ا. گونی، ته لبس.
- گونیا : ا. گونیا.
- گوته : ا. بوواز، لایوواز، یینجار. پینجه،  
گله.
- گوهر : ا. گوههر، جهوههر.

گوی : ا. گوو.

گویا : گویا، گوانا، وادیاره.

گوینده : افا. قسه کهر، بوئیز، بیتزه.

گه : ا. گوو، چه پئی، سل، گئی.

گه گاه : نک. گاهی.

گه گاه : ص مر. جاره و جارتی، چلونها،

جار و ه جارتی، ده گمن، جار جار.

گهواره : ا. بیتسکه، گواره، لانک،

لانک، بیشک. ده کروس،

جولاندک (ش).



گیاه : ا. گیا، همرگ، گر، گرو گیا،

هه رزه، نالاخ، برال. گبیواو (ه).

بیجار (س).

گیاه خشک : گزره.

گیج : ص. گنج، گتیره، چه واسه،

هنگ، کاس، گه لحو.

گیجگاه : امر. گبجگا، حانگی،

کر کرگاه، لاحانگی، فه کله، کرگاه،

لاکه راکه. جیک (س).

گیجی : ح مص. گیجی، کاسی، گبری.

گیر : امص. گیر، گیرووده، ناووه،

دوچار.

گیر آوردن : م. گیره آوردن، گیر

که فنین. گیر ناردی (ه).

دهسته هتاک (س).

گیر افتادن : م. گیر که فس، گیر که وس.

گیر که وهی (ه). گیر که فس (س).

گیر کردن : م. گیر کردن، برنجیان،

جهریاک، گسیران، سی گسیران.

گیر که ردهی، برنجیای (ه).

گیرم : بگره، کردم، گرم، گیرم،

گرام.

گیرنده : افا. گیره نه، وه رگر. گرسی،

هه گر (س).

گیره : ا. گیره، هولاب.

گیس : ا. مرچ، زلف، فر، بورك، بوت،

بورت، گس. گمک، گزی (س).

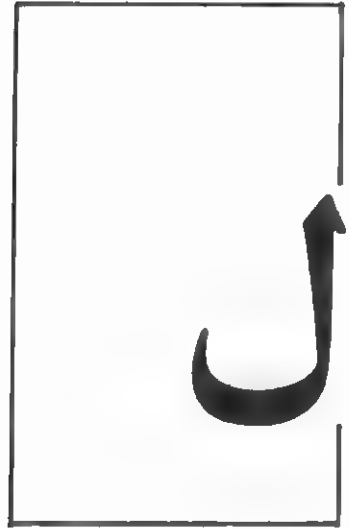
گیسوی سفید : پوتچه مرگ.

گیسوی بافته : امر. په لکه. که زی (ش).

گیلاس : ا. گیلّاس، گلاس، گه لاس.

گیبوه : ا. گیبوه، چم چم، کلاش،

کالهک، که لاش.



ل : ل.

لا<sup>۱</sup> : ا. لا، نوّه، ته‌موو، ته‌نشست. ناف،  
ناقداء، نی (ش).

لا<sup>۲</sup> : لا، لو، لوته. طا (ش).

لااقل : لان کم.

لابد : لایود، ناحار، لابد.

لابه : ا. باره، لاله. هیتی. دالاهی (ش).

لابه کردن : م. پاربان، لالتان، لالتانه‌وه.

نه‌وه‌لالتای، نه‌وه‌یاربای (ه). هیمی

کرن (س).

لات : ص. ا. لاب، خوسری، رهش و

رووب. موّل (ش).

لاجورد : ا. لاجیوه‌رد، لاحوه‌رد.

لادن : ا. لادهن.

لارو : ا. برگ، گه‌را، خوروره.

لارویی : ح مص. جوّمال، لارویی.

لارویی کردن : م. ناکه و کردن، مالتین،

جوّمال کردن. پاکه و که‌رده‌ی،

نه‌ره‌مالای (ه). هه‌لمالتس،

رادان (س).

لازم : افا. لازم، بایس، واجب، گه‌ره‌ک،

به‌وزیم، پتی ویست. بیتدفی،

۱-مانند در : «انگب را بگذار لای

کتاب».

۲-مانند در : «چارلا و دولا».

هه هه (س).

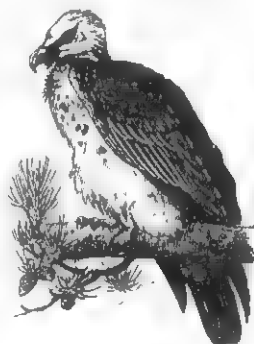
لاس : ا. لاس.

لاستیک : ا. لاستیک، جیر، رتیزین.

لاشخور : که رکس، داله که رخواه،

کولاره، خهره ل، لاش خوه، سی

سارک، که هه له.



لاشه : ا. تعرم، لهش، جه سه ده، به دن،

لانه، لاک، جه نازه. که لاک، جه ندک،

زه مهز (س).

لاغر : ص. لاواز، رهق و روال، له جهر،

کوروز، گهمز، قه لسن، فرخ،

فرخوت، فرخوت، لاغر، لهواز، له ره،

رهق و قه قه، جه قه قه، ره قه قه،

به له باریکه، لاسک، رهق و رهق، دال،

چهرمه فاته، ربحن، رین و قه قه،

ریموتله، قور، فارفاروک، فارجوک، له

فاز، ریک (س).

لاغر شدن : م. لاغر بوون، دامه کیان،

قوخ دان، فرج هه لهایس، فای دان، رهق

و قه بوون. له ربه ی، نه کیاره (ه).

له فازس (س).

لاغر مردنی : ص. مر. رهق و قه قه، رهق

و رهق، گهمز، گهمز، رهق و ونک.

لاغر و پیر : چهرمه فاته، قوخ، چهرمه فاته.

لاف : ا. هاسه، هووسه، لاف، قومیز،

هاس و هووس، فبال.

لاف زدن : م. هاسه کردن، هووشه

کردن، لاف لای دان، هاس و هووس

کردن، فبال هان.

لا فید : ص. بی هه د، سهره هه و، سیرز.

لاک یشیت : امر. کسه ل، سله،

کاسه سب، که وسه ل

لاک یشیت آبی : امر. رهق، کیسو.

لالا کردن : م. لالا کردن.

لالایی : ح. مصد. لالایی.

لاله<sup>۱</sup> : ا. حارایچه قله، هه لاله برم برم،

لاله، گولاله، هه لاله، گولاله سووره،

گولاله نسان. هه رانه بره (ه). مایوک،

بوک، نالال (س).

لاله<sup>۲</sup> : له علا، لاله.

لاله عباسی : امر. لاله عباسی.

لامپ : ا. کلوب، لامب.

لامپا : ا. جرا، لامپا.

۱ - گل لاله.

۲ - جراح لاله مانند که در آن سمع  
گدارند.



لەنە مرغ

لەو : ١. چۆنە رەبەیی. سەلکە کاتی (ش).  
 لەب و لەوچە : پەك و پۆز، دەم و پەل،  
 لەب و لەوس، دەم و کەوێتر، دەم و  
 هەوچە.  
 لەب و لەوچە آویزان : داخۆریاگ،  
 لەوس داخۆریاگ. لەوس  
 ناوچیارە (ه). دلمای (ش).  
 لەبە : ١. لەوار، لەف، لەو، لەهە، لەراخ،  
 کەزەرە.  
 لەبە نام : امر. یاسار، کەلکە ناسار.  
 لەپ : ١. لەب، لەهەوچە، لەوس، لەف،  
 لەور (س).  
 لەبە : ٢. نەوچەسەر، لەبە، لەبەنۆك.  
 نەهەوچەر (ه). مەهەر،  
 نارتۆك (س).  
 لەت : ١. لەت، كوت، سەكە. لەب، كەر،  
 تەب (س).  
 لەت و یار : ص مر. لەب و كوت، سەكە و  
 بارە، كەر كەر.  
 لەنە : ١. هاروو، لەسە، بۆوك، بۆو.  
 سەووك، سەوتلك، سەوتلە،

لەنجین : ١. دۆلە، بەردۆلە، كورن ،  
 لەنجس.  
 لەنە : ١. ناسیانە، هیلانە، لەنە، كۆلانە،  
 فیلان، كۆلان، لان، لآن. هیلانی،  
 لەنی (ه). هیلوو (س).  
 لەنە مرغ خانگی : كۆلن، كۆلانە.  
 كۆرب، كۆلبە (ه). لەنە، لەس (س).  
 لاوك : ١. نەغار، نەسە، دۆلە.  
 لا ی : ١. لەبە، لەم، هەریگ و لەبە  
 هەریهەسی (ه). لەر (س).  
 لەیق : ص. سەو، لەهەو، لەی هەنگ،  
 هێرو، لەس، سەهە.  
 لەیم : ص. بەس، رەد، رەسووا،  
 خەس، نەگرس.  
 لەپ : ١. لەب، لەوس، لەو، لەج. لەمور،  
 لەب، لەف (س).  
 لەباس : ١. لەباس، جەن. بەرگ.  
 حلك (س).  
 لەباس نەلەد : ناودامان.  
 لەبالب : نك. لەرەر.  
 لەبەد : ١. لەبەد، بەرە، زەرەدەهە،  
 زەرەدە، زەرەدەخۆ، زەرەدەكەبی، لەج  
 حەبە. گۆرمزی، دەف كەبی، لەف  
 كەبی (س).  
 لەبیز : ص. سەكە، لەن، سەررتر، لەب  
 ریز، پە، درگاخن، لەبەلەب، لەیان،  
 نەزی، لەنەلە، لەبەر، لەو، بێو،  
 لەجان لەج، لەنەلەچەن، داگیریاگ،  
 كەفریز. پەز (ه).  
 لەبالب : ١. لەلولاو.

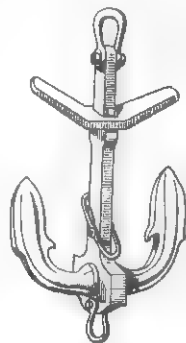
لخت : ص. رووت، پهنی، رووتل، هوب. روس (س).	شهوتلگه (ش).
لخت شدن : م. رووه و بوون، رووب، هوه و بوون.	لج : امص. لهنج، رك، رى، جههر، سینگ، لام و جیم. كرت (ش).
لخت و یتى : ص. مر. رووب و په‌سی، رووب و قوت.	لجبار : نك. لجوج.
لخته : ص. لهه، لهبار، لهخته، ده‌له‌مه. جه‌رگ (ش).	لجبارى : ح. مص. لهجبارى، لهنجبارى. كه‌ربایى (ش).
لخم : ص. نه‌مه، و‌لمه، شلكه <sup>۱</sup> ، لوخم. لذت : ا. له‌زم، حمز، كه‌یف، خو‌سى.	لج كردن : م. لهنج كردن، رك دابردن، رف گرن.
لذیذ : ص. له‌زیز، خو‌س، خو‌مس مه‌زه، بامه‌زه. جه‌رزه (ش).	لجن : ا. له‌جمن، قوراو، هه‌رگاو، زلفاو، لمتاو، چلیاو. هه‌راو (ه). لیم، لیتر (ش).
لرت : ا. لرت، لمب، خلب، دورد. لیم، رت (س).	لجوج : ص. له‌جوج، رقن، له‌جبار، ركاوى، رك‌گیر، ركن، له‌نجبار، جه‌هراوى، ركه‌ون، له‌نج‌كه‌ر، ركن. رووچرك، ركۆ (ش).
لرز : ا. له‌رز، حق، حقه، مؤجرك. لرزش : امص. له‌رزس، له‌ره، چوقه، زیوه، له‌رزه، دۆله‌دۆل <sup>۲</sup>	لچر : ص. له‌چهر.
لرزاندن : م. له‌رزانی، له‌فانی، له‌رانی، خو‌فاس، خو‌فاسدن، راوه‌سان، راوه‌ساندن، له‌رزناى، له‌فای، له‌رای (ه). هه‌راندن، له‌بیناندن، له‌بیتن (س).	لچك : ا. له‌چك، رووسه‌رى، پوتلاك، سه‌رپوش. خیلی، پۆسى، عه‌فرى (ش).
لرزیدن : م. له‌رزین، له‌رین، چوقیان، چوقین. له‌رزای (ه). ره‌جفین، هه‌زیاك (ش).	لحاف : ا. لیف، پتی‌خه‌ف، سه‌ره‌خه‌ر، شه‌وخه‌ف.
لزوج : ص. له‌زج، لینج، دۆچن، لیعن، چه‌سپناك. حز (ه). لكینى، لیچه، لی،	لحد : ا. له‌لحد، سه‌لین (ش).
	لحظه : ا. ترووكه، چاوترووكه، تاو، گه‌ا، كات، نان، عان، وه‌خت، ساء، نه‌فس.
	لحن : ا. له‌حن، زایله، چریكه.
	لحیم : ا. له‌حیم، جوش.
	لخت : ص. له‌خب، شل و قل.

۱ - نه‌مه‌ران، گساله.

۲ - لبرزش هر چیز زله‌ماند

لعمري : صرير به بال، فتمت، حوالة، عه.

- لگد کردن : م. له قه شیل کردن، پاشیل کردن. پامال کرده ی (ه). ناخ پول کرن، بین کرن، پی بهز کرن (ش).  
 لگدمال : ح مصد. له قه شیل، پاشیل، یا کوب، پی شیل.  
 لگن : ا. له گان، له گهن. باید، له نگان (ش).  
 لگنجه : امصف. له گانجه.  
 لله : ا. له له، ته ته.  
 لم : ا. لم، چه، ری، چه و خه.  
 لمباگو : ا. برك.  
 لمبر : ا. سمت، كلوك، ولمه.  
 لم دادن : م. له م دان، یه له دان، هه لازیان.  
 لاره کوهی (ه). پال دانه (ش).  
 لمس شدن : م. له مس بوون، سیر بوون، سیر بوون، سس بی (ه).  
 لمیدن : نک. لم دادن.  
 لمبیدن : م. هه تمه بووب کردن.  
 لمبر : نک. لمبر.  
 لنتر : ا. له تر، فانوس.  
 لند لند : امر. بۆله، خوته، خوته حوت، بۆله بۆل.  
 لندوک : ص. مل ماریک، لاواز، لاغر. شته خار (ش).  
 لنگ : ص. شهل، چولاخ، له ننگ، کوچ، سل، چووز (س).  
 لنگ : ا. لونگ، بشته مال، قوته.  
 لنگ : لنگ، گهل، ماو گهل، ناولنگ، لان.  
 لنگر : ا. له نگر، مه نر.  
 لنگر انداختن : م. له نگر خستن، مه نر کردن، له نگر داخستن. له نگر هافتن (ش).  
 لنگرگاه : امر. له نگر گاه، مه نزلگاه، مانگ، مه نر گاه.  
 لنگ کردن : م. له ننگ کردن، دوواوه حس.  
 لنگه : ا. لنگه، ما، نابار، لب، هاونا. طاه، چه، گهر، کت (ش).  
 لنگه به لنگه شدن : م. تابه تا بوون.  
 لنگاولنگ بیی (ه).  
 کتانگومورین (ش).  
 لنگه جوراب : تاگوروا.  
 لوازم : اج. کهرسه، کهل و پهل.  
 لواش : ا. له واش.  
 لواشه : ا. له واش، دوورک، لوجکه.  
 لوبیا : ا. لویا. قه لوکه، شوقل (ش).  
 لوج : ص. خویل، خیل، خار.  
 لوح : ا. ته ته له، ته خته ده رز.  
 لوده : ص. له وده، شوخی بساز، گالته چی، لاری گهر. ترانه گهر (ش).  
 لوس : ص. لووس، نونوپ، له وچه، نووز (ش).  
 لوستر : ا. ناویز، چلچرا.  
 لوطی : ص. لوتی. زرمول (ش).  
 لولا : ا. له نجابه، له ولا، دولایی. رزده (ش).  
 لولو : ا. نولوو لوو، نووف، قازانه سره، لوو لوو، گورگه شوئی.  
 لولکه (ش).



لنگر



زه لوك (ش).

ليز خوردن : م. خلیسکیان، سوران،  
سور غواردن، پاهمل خلیسکیان،

سورین. خزای (ه). زه لین، تووزان،

خریکین، دهره سین، شله بین (ش).

لیسیدن : م. لیسان، لیسان دان، لیسن،

لیسن، لیسن، لیسن، دالسن. لیسه،

نوه لیسه (ه). والیسن (ش).

لیف : ا. لیفه، لفته، لفته سامی، پسه،

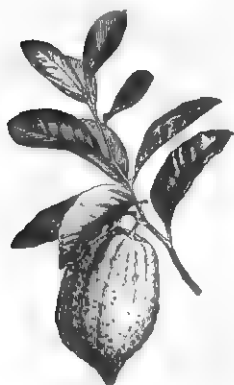
یزگ. به تاره (ش).

لیقه : ا. لیقه.

لی نی : امر. هه نگله شلی، دومانه،

قونه، لنگه شه، لنگه شلی.

لیمو : ا. لیمو، نیمو.



لیمو

لیمو ترش : امر. لیمو بورس. لیمو

س (ه).

لیوان : ا. لیوان، ناو خوه ری، گوزه له،

تراو. ناو وه ری (ه). نماق، گیلاس،

بهرداخ (س).

لولو سرخرمن : داهول، سهره خمر،

لوو لوو سهره خمرمان. دالهو (ه).

هه لامهت، چاتول (ش).

لوله : ا. لولوله.

لولهنگ : ا. لولوبه، لولوههنگ.

لولیدن : م. همل ژلیویان، به ناویه کا

چوون.

لوند : ص. له وهن، هه رزه، مازدار.

لویی : ا. کهره پوو، لوخ. پوه (ه).

له : ص. لیله، تله قیاگ، شله قیاگ،

فله قیاگ، فله قباو. بهره خاندی،

به لجمی (ش).

لهجه : ا. زاراره، لهجه.

له شدن : م. تله یان، فله یان، هو فله یا.

نوه ساوای (ه). به یین،

به لجمی (ش).

له کردن : م. تله فانس، دافله قانس،

فله فاندن، فلیفاندن. لیله کهرده،

نوه ساوای، فلیفانای (ه). بهر خاندن،

به فاندن، نوو چانس، شلیفانس،

به لیفاندن (ش).

له له زدن : م. هه نکه هه نکه کردن،

هه سکه هه سکه کردن.

له و لورده : وردوخ.

لهیب : ا. کله، بلیسه، گری.

لیاقت : امص. لیاقت، سیاوی، هیراوی،

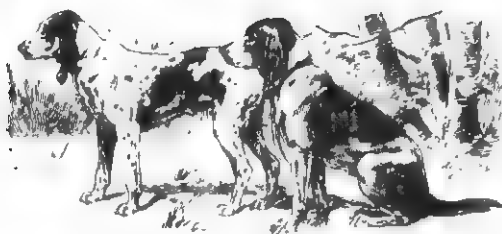
شایسه بی.

لیته : ا. لیته.

لیز : ص. لیتر، سور، خز، لاسور.

# م

مان بیهی (ه). کر بیس (س).	م : م.
مانم : ا. پرسه، نازی، عازیم.	ما : ضمیر. نتمه، نهم، مه.
ماتم زده : ص مف. پرسه دار، نازی دار، عازیم بار.	مانوس : ص مف. هوگر، راهانووه، لینی.
ماچ : ا. ماچ، رامووس، رامووز.	مانوس شدن : م. ختی داحسنس.
ماچه خر : ماکهر، ماچه کهر، ماههر (ه).	حتی نه گرهی (ه). حتی دان (س).
مادر : ا. دایک، مادر، دایه، ثامه، ثانه، دایک، دایک. دادا، نادا (ه). نام، ثاب، دا، دی (ش).	مایوس : ص. مه یوس، بیمهر، حویان، دل سارد.
مادراندر : امر. باوه زن، زیردایک، زیردایک، ژن باب، بابا زهنی (ه).	مات : ص. مات، به حب، وای، باهتیر، باهر، گتیج، هار و واز، کاس، حهیران، مای، زاق، مبهووت، مونه حهیر، ناسیاگ، داسیا. کر (س).
مادربزرگ : امر. نه ته، دادا. ماما (ه).	مات شدن : م. مات بوون، به حنه ویردن، کاس بوون، ناس بر دنه وه، تاسیاک، باهتیره بوون. نه حنه و بیهی،
دایر، نه نی (ش).	
مادر خرج : امر. داشه یار.	



مادرزاد : ص مر. ماده رزا، سک ماک،  
زک ماک.

مادر زن : امر. خه سوو. هه سروه (ه).

مادر شوهر : خه زووره. هه سروه (ه).

ماده : ص، ا. ماده، نافرمت، ماء، دهله،  
می.

ماده سگ : دهل. دهله (ه). دتلك (ش).

ماده گاو : مانگا، بهلیسه<sup>۱</sup>. گواره (ه).

چيلهك، چیل، حیل (ش).



ماده كبك : ماکو. جتلی (ه).

مادیان : ا. مابین. مایه (ه)،

ماهین (س).

چیرانچك (ش).

مار گزیده : ص مف. ماران گزه، ماران

گه سته. مار گه سه. مار گه سته ی (ه).

مار گه زنی (س).

مار گیر : ص فا. مار گیر.

مارمولك : امر. مارمولك، مارمیلکه،

خلنزه، فمموك، فوری.

مه زووكی (ه). مار مابلوك (س).



مادیان جوان : جوانو.

مادیان فحل : مابین به رزا.

مار : ا. مار.

مارپیچ : ص مر. ماره پیچ.

۱. ماده گاو حوانك دار آس.

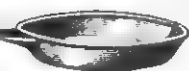
مازو : ا. مارگ، مائه، کلکاف.	ناغوز. زاك (س).
مازی (ه). مازوو، دهلووك (س).	ماكو : ا. مهكو، لوك.
مازه : ا. مازه، پست مازه. مازی (ه).	مال <sup>۱</sup> : ا. مال، چب، حوازگه، ده ولف،
ماساز : ا. مالشت، شیلان.	سوروب، سامان. هه بایی (س).
ماست : ا. ماس، ماست.	مال <sup>۲</sup> : ا. مال، نارال، مالاب.
ماست بند : ص مر. ماس بهن.	مالاربا : ا. لهرز و ناو.
ماسوره : ا. ماسووره، ماسووله، مزحمك.	مالامال : ص مر. بیکمه، لجان،
ماسه : ا. ماسه، چهوه، لم، خیزه، رمل، ریخ، ریزه، میزه، زیخ. زهخ، سیلاخ (ش).	لهب ریزه، بیر، درگاحن، لهبالعب،
ماسیدن : م. ناماس کردن، باهاوردن، ماس هاوردن، همل هاتن، ماسیان، باکردن، په نه مین، په نام هاوردن. هوآرامای، واکه رده ی (ه). وهرمین، بهرجه وتن (ش).	لیان، ته ری، فه لا فه لا، له بهر، پلا و
ماش : ا. ماس.	بتیو، لچان لچ، فه لا په رچن،
ماشه : ا. ماسه، یا. بهله بیتك (ه).	داگیریاگ، كهفه ریزه.
ماسك (ش).	مالاندن : م. پرووانن، همل پرووانن.
ماشه تفنگ پر را کشیدن : جور تانن.	پرووانی (ه).
جرمنای (ه). جرکانن (س).	مال بند : امر. مال بهن.
مائه نهمگ حالی را کشیدن : پرووکانن.	مال خمر : ص فا. دایکه دزان، دالکه
ماشین : ا. ماشین، مه کینه.	دزان، مال سینی.
ماخی : افا. بتیو، پیشان، رابردوو، دانگردگ، رابوردوو.	مالدار : ص فا. مالدار، دارا، دهوله مهن.
ماك : ا. فرو، لوز، روك، زیج، كهله،	مالش : امص. مالش، مالشت.
	مالك : ص. خواوهن، ساحیو، مالك،
	خویگ. صاحب (ه). مال غنی،
	خودان (ش).
	ماله : ا. ماله، مالی (ش).
	ماله چوبی کشاورزی : مائه، لیسه،
	ته ته، زه مهر، بهر بهر، پاماله. شپك،
	مالی (ش).
	مالیات : ا. مالیات، باح، خهراج،
	سهرابه، بیس.



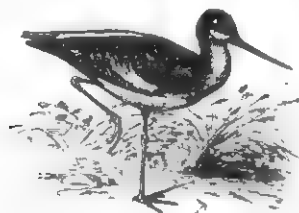
ماشه



ماهی



ماهی تابه



- مالبحولیا : ا. ماحولیا، موحولیا، ماحولان.
- مالیدن : م. مالس، ستلان، ستلاندن، ساوسن، مالاسن، ولآوسن، سروانش، مسالای، ستلای، ساوای، پروونای (ه). مراحاندن (س).
- ماما : ا. مامان، دایان، دایم، دایرک.
- مأمن : ا. یهسؤ، نهنا.
- ماندگار : ص. فا. ماندگار، مهنهوه، مانگار، درتزنخامن.
- ماندن : م. مان، ویسان، نهن بوون، گل خواردن، راگیر بوون، راوهستان، جی مان، مهنر کردن، نهوه مهنه ی، گله و وارده ی (ه). مانده (س).
- مانده : امف. مهنه، بافی، ماء، جیماگ، باسه، به باب، ماگ، نه زتره، مهنه جیبا، به حی ماو، ناس ماوه، مایی (س).
- مانع : افاف. بهر گر، بهر یس، بهر یمن، مانع، سنگ، بهر گیو، بهت.
- مانع شدن : م. بهر یس کردن، بهر گرمن، جلوه گرمن، نه هیتن، مانع بوون، ناسی (ه). نه هیلان (ش).
- مانند : افاف. ص. شهبئی، وک، وینه، پیته، فام، جوړ، چه شن، مانمن، کوت و مت، لف، چنهو، جفت، فمک، قه کوو، جیت (س).
- ماوراء : ا. نهو پهر، پهر.
- مئو مئو : اصت. میاو میاو، مهو مهو (ش).
- ماه : ا. مانگ، ههف، مه (س).
- ماهانه : ص. ق. مانگانه. ههفانه (ش).
- مهتاب : امر. مانگه شو. هه یفه، هه یفه سف.
- ماهر : ص. ماهر، مه لاج، به لهد، نوسا، ماموسا، بهر دمس، حازاک، ساره زار.
- ماهورت : ا. ماوت، ماهووت.
- ماهی : ا. ماسی، ماسو (ه).
- ماهیت : ا. حه بووسی، جوویاسی، چنبی، ماهیت، چاوانی (س).
- ماهی تابه : امر. تابه، ماسی ناوه، ناغله و تک (ش).
- ماهیچه : ا. مایچه، ماسوولکه.
- ماهیخوار : ص. فا. ماسیه و حنه، ماسو حه (ه).
- ماهیگیر : ص. فا. ماسی گیر، نوړه وان.
- ماسو گیر (ه).
- مابحتاج : امر. بی ویت، ویسته مهنی، بی داوتس، بد فی (س).
- مایع : ص. ا. ناوه کی، نلیز، نهر، روون، براو، سل.
- مایل : افاف. ص. مایل، بی خوش، خوازه ر.
- مایه : ا. ماه، ده سمانه، به سا، مک،

سرمایه.

مبدأ : ا. سرهنا.

مايه پئير و ماست : نامياك، فريسك،

ميرهن : امف. ديار، ناشكرا، رۆشن،  
روون.

ناميرن، فريسك، ريكة، فرچك (ش).

مايه دار : ص فا. ريتزن، ريرهو.

مبني : ا. بهرمت، بنهوا.

شيلوك (ش).

مبهم : ص. ناديار، شاراو، شاريگ،  
بهزر، گوم.

مباح : ص. رهوا.

مباحته : امف. وب و وئر، واب و وئر،

مبهوت : امف. مات، واق، ماهير، هاز  
و وار، كاس، حهيران، ماف،

گوب بئر، موباحه.

مباحته كردن : م. وب و وتز كردن،

مبهوت، تاسيا، تاسياگ، كر (ش).  
مبهوت شدن : م. به حته و ير دن، كاس

دوين، لي كو ليه وه، ياس كردن.

مبادا : نه واء، نه كاء، نه كوا، دووربي،

بوون، ناس بر دنه وه، ناسيان، باهيره و  
بوون. كرين (ش).

دووريا، دوور واء، نه كو، گله كوئر

بيت.

متاع : ا. كوئال، كوونال.

مبارك : ص. موارك، موبارط، پيرۆز.

متاهل : افا. ژن و متال دار، خهيزان دار.

مبارك باد : مواره كبا، پيرۆز بابي.

متحد : افا. مونه حد، بهك گرموو،  
هامهول، هاهوهول، بيكه. سكه، يئك

مباشر : افا. موباشر، سوورباش، گزير.

مبال : ا. مهوال، مهبال، مسته راح،

گرني (ش).

مسته راء، كه ناراء، عهده بخانه،

متحد المركز : هاجهق.

نه ده بخانه. كيه (ه). ده ستاف (ش).

متحرك : افا. موك، جوولر.

مبالغه : امف. هاش و هووش، قوميز،

متحير : نك. مبهوت.

زياده رهي، فيشال.

متحير شدن : نك. مبهوت شدن.

مبالغه كردن : م. هاش و هووش كردن،

مترادف : ص. هاء وانا.

قوميز ده كردن، فيشال هانن.

متراكم : افا. نيكه، پي، لجان.

مباهات : امف. شانازی.

مترجم : افا. وهر گي، ديلاج.

مبتلا : امف. گيرووده، گرفتار، موبته لا،

متريك : ا. دالهور، داهول، دالو،

ناوقه، تووشيار، دوچار، نامعه. بيقه،

هلامت، سره خمر، قه يوك (ش).

كوك (ش).

مترصد : افا. قوت، قه تيز، فونار،

مبتلا شدن : م. موبته لا بوون، گرفتار

ناماده، حازر، گو هبل.

بوون، ييه بوون، بووشيار بوون،

مترقي : افا. پيشكه وتوو.

ني وه گلان، عامباز بوون، ناوه بوون.

متشكر : افا. مه منوون، سپاسكار.

موتەشەكر، سپاسگوزار.	متەرد : افا. ياخی، نەژنەوا، ناوەسوو.
متصل : افا. لكاو، نووساو، چەسپاگ.	متمول : افا. دارا، مالدار، چت دار،
متعجب : افا. موبەعجب، عەجایب مەنە.	سامدار، دەولەمەن. هەبی،
متعصب : افا. موبەعەسب.	زەنگی (ش).
متفرعن : نك. متكبر.	متناسب : افا. ئەنازە، رەسا، لەبار،
متفرق : ص. پەرژ، بـلاو، پەرش،	هاوڕێژە.
پەراکەنە، شیرز.	متنفر : افا. وەرەز، بـزار، وـزار.
متفرق شدن : م. بلاو بوون، پـرژ بوون،	متنفر شدن : م. موتەنفر بوون، قین لی
پەراکەنە بوون.	هاتن، وتزار بوون. رەحـل چوون (ش).
متفرق کردن : م. بـلاو داك، یـرر	متنوع : افا، ص. جۆر بە جۆر.
کردن، پەراکەنە کردن، موبەفەری	متوازن : افا. هاوسەنگ، هاوتا.
کردن، بـلاو کردنەو، شـپـرژ کردن،	متوالی : ص. ف. هەیتا هەیتا، بەسەپەسا،
رەواندنەو، پـرژان، پـرژاندن، پـژان،	هەیدە رەبی، یـسـت سەرمەك. دۆيك
پـژاندن، تەفرە و توونا کردن. پـژگنای،	دۆيك (ش).
وەلا کەردەي (ه). بەلا کرن (ش).	متوجه : متوەجـی، ناگا، هاگا، هاژ.
متفكر : افا. راماو.	متورم : افا. ماسپاگ، ئاساو.
متقال : ا. متال.	ماسا (ه)، پەرچەشتی (ش).
متقلب : افا. موتەقلب، جامباز،	متورم شدن : م. باهاوردن، ماس
ئاگرژتیركا، فەلـبەزەن، دـەغـەل.	هاوردن، هەلـهاتن، ماسیان، باکردن.
جامعولی باز (ه).	هۆرامای (ه)، وەرمین (ش).
متكنا : ا. بالـش، بالـین، سەرنگا،	متوسط : افا. مەنەوسـت، میانە.
گوژگیرە، بالـگە. بالـیف،	ناقین (س).
سەرىن (ش).	متوقف : افا. راوەستە، ویسیاگ، مەن،
متكبر : افا. موتەكبر، مرقن، كەللەبا،	راكد، بەرگـر یاو.
باي هەوا. فیزن (ه). ناخابوك (ش).	متوقف شدن : م. راوەستان، مەن بوون،
متلاشی : ورد و خاك، لەوەر دە.	راكد بوون.
متلك : ا. مەنەلك، سۆخی.	متوفی : امف. مردگ، مردوو.
متلون المزاج : هەردەم بـیر، هەردەم	متولد : افا. زاو، پەیدا بوو، بەدنیا
بیل، دەمدەمی.	هانوو، بەدنیا هانگ.
متملن : افا. شارهزائ، شاری، شارانی.	متولد شدن : م. بەدنیا هاتن، یەیا بوون،

له دايك بوون.

مجرد : ص. عازمو، نه نيا، فازاح،

فته : ا. مه ته، سمه، به هر مه.

بتي ژن، سكب، عازمب. تني، ره بن،  
زو گورد (ش).

پله مه ته (ه). شغاب (ش).

مجرم : افا. گونا بار، گونا عبار، تاوان  
بار.

متهاجم : افا. هيركار، نائل، هوژوم  
به.

مجروح : امف. زه خمي، بريندار،

متهم : امف. گومان بار، به رتاوان.

زه خماي، زامار، كه له لا، زامدار،  
مه جروح. چوي دار (ش).

متهور : افا. نه ترس، دلدار، به زات،  
بوير، گه پناس، به جهرگ.

مجري : ا. مجري، هزار پيسه، سوبوي،

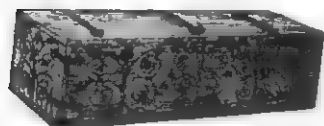
مثال : ا. ويته، نمونه، وه كوو.

جعبه. باهول (ه). قودي، ديوان،  
سدوي (ش).

مثانه : ا. نيزانگ، يزدان، ميرلدان،  
تر ته ماني، گميژدان، پزلي (ه).

پرزانگ، يفلك (ش).

مثبت : نادار.



مثقال : ا. مثقال.

مثلت : سي گوش، سي كونج، سي پانوو.  
په ره گوشه (ه).

مجسمه : ا. نه، نه كهر، موحه سمه.

مجاب کردن : م. پي نواندن، قه بولان،  
مجادله : امف. گاله، دم قه، قه،  
مه قه بون (ش).

مجاز : ص. رهوا، ري دراو، ئي مجازه  
درياك.

مجازات : ا. نه مي، جهزا، نه مي.

مجال : ا. مهل، ده رفعت، په رده ر،  
به رديز، مهجال، فرست.

مجانني : ص. خورا، مغب، هاوانته،  
مه حاني، خورايي، به لاش.

مجبور : امف. ناچار، مه جبور.  
بي گاف، نه چار (ش).

مجهد : افا. لول، پتيچ، موحه عهده،  
كرژ. خه لك (ش).

مجرا : ا. ري، ري ناو، ناويرا، كوما،  
لوله، كونج، زيراو.

مجله : ا. گوفار، گووار.

مجلل : امف. به قه، به رتيژ، به جلال.





وه شه سیاوی (ه). فهنجی (ش).

محیس : ا. زینندان، یهن، زینان،

به نديخانه، هپس، دوساق، فولیک،

دوساخ.

محبوب : امف. مه حبووب، نازار،

خوه شه ویس، نازدار. وه شه سیاو (ه).

محتاج : امف. موحتاج، ناتاج،

که لکه فنگ، نه وجه دار، داماو،

نیازمن. هه فجه دار (ش).

محتلم : افا. شه یتانی بوو.

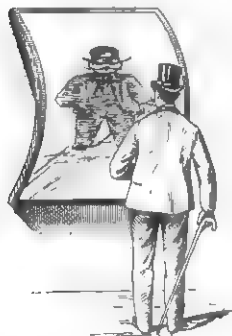
محتمل : امف. پوراو، گونجاو.

محتوی : افا. ناوه یوک.

محبوب : امف. شهرمن، شهرمین.

محدب : امف. کاس، قوقز، گومه زی،

هه لانگ.



محدود : امف. مه حدود. به سیاوه (ه).

محراب : ا. محراو، محراب.

محرک : افا. بزویتهر، هه لخرین.

محرم : ا. هاویراز، مه حره م.

محرمانه : ق. مه حره مانه، په نامه کی،

به نام، بی دهنگ. خهف، په بی (ش).

مجمع : ا. کو، کور.

مجمع علمی : کوری زایناری، کوری

زاین.

مجمعه : ا. مه جمعه، سینی، بهرگهش،

قاوه سینی.

مجمل : امف. کورنه، کوتاوه بوو.

مجموع : امف. تیکرا، کو.

مجنون : ص. سیت، دین (س).

مجنوس : ص. ا. ثانهش یریس، ناویر

پهرمس، ناگریه رست، گاور، فهلا،

گهور. نه یر پریس (ه). گهور (ش).

مجرّف : امف. ناویوک، پیف، قرول،

هرول، ناوخالی. دلّی هالی (ه).

زوز، بوش، نیفک خالی (ش).

مجهول : امف. نادبار، نه ماسراو، بی ناو.

نه نه نی (ش).

مج : ا. مووچ، جمرك، مه چك.

که رمجک، خرنک (ش).

مجاله : ص. زاکیاگ، مه زد، چرج،

زاکیا، کفت. فرمج (ش).

مج بند : امر. مووچ بهن.

مج پا : امر. قوله په، بوقل، فایارگه،

بووز، فابووله، فورمه با. باق، جوو،

دینک، فونک (س).

مج بیج : امر. مووچ بیج، پاپیج، بووز

بیج، پوزوه وانه، مووس بیج، یاتاوه.

دوولان (ش).

محاكمة : ا. باس وخواس، موحاكمة.

محال : امف. مه حال، نه پوپ، نه گونج.

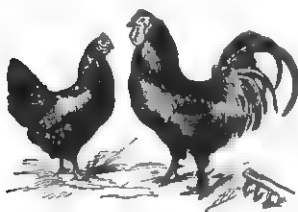
محبت : امف. خوه شه ویسی، موحه بهت.

- محروم : امف. بئی بهش، بئی وهر. بئی  
پشك، بئی پارۆسك (ش).
- محصل : افا. فتاوی، فونابیی،  
مەدرەسەیی. دەرس وەن (ه).
- محل : افا. هەل بێژ، سەریك.  
محل : افا. هەل بێژ، سەریك.
- محله : ا. كووجی، گەرەك، كوۆلن،  
لاكۆلن، مەحله. تاخ (ش).
- محلی : ص. نېب، بوومی، مەحلی.  
محنت : ا. مەنتەب، تالاو، مەمەرە.
- محو شدن : م. مەحمەو بوون، نیس  
بوون، خووم بوون، بئی سەر. وشون  
بوون.
- محو تماشا شدن : تاس بردنەوه.  
محور : ا. تەوهرە.
- محیط : ا. دەور، دەور و وەر، كەمە،  
نوخن، قەرە، خاوەر. رەفی (ش).
- مخ : ا. مۆخ، مەرگ، پلپ.  
مخاطره : مەرسى.
- مخالف : افا. دژ، مېمېل، ملۆزم،  
بەرچەپ، دوز، دزەمەن، موخالف،  
زەت.
- مخبر : افا. هەوالجى، خەبەرەدر،  
خەبەرگەر.
- مختار : افا. هەل بێژ، سەرىك.  
مختص : امف. مایەب، مایەبى.
- محتصر : امف. كورب، كەم و كوتا،  
سەر و پەرت، موختەسەر.
- مختلط : افا. ناوئە، بېكەل.  
مختلف : ص. جۆر بە جۆر، جۆر  
واخۆر، موختەلف.
- محض : ص. مەخز، بۆ. پەى (ه).
- محضاًلله : رەزە لخوا.
- محك : ا. مەهەك، مەهەك.
- محكم : افا. مەهكەم، هێقم، سخ، تن،  
قاییم، قاییم، سفت، سفت و سۆل،  
سەخت.
- محل : ا. جى، ناسب، ماسك، احى،  
جېگە، سۆن، حەن، حەن، شوئن.  
ياگى (ه). جە (ش).
- محل اتصال دم به بدن حيوان : بن  
بزوو.
- محل بز و گوسفند كوهى : مەپ، ما،  
گەلان، ماك، گەلەلان.
- محل تجمع : كۆرگە.
- محل تجمع ماهی در زمستان : فولاخ،  
مارووتە. لوچ (ه). قومورە (ش).
- محل تولد : امر. شوتەزا.
- محل ريختن زباله : خولە كەوان،  
سەنپەرگا، سەريوان، كوشكەلان،  
كوشەلان، سەربوتلك، سەرانگوتلك.
- سەوروگا (ه). سەبزوانك، گوڤەك،  
گوڤەك، گوڤەك (ش).
- محل كش انداختن شلوار : پزگ، پە.

مدت : ا. موده، زه مان، مودعت، مدت، وهخت، مده.	مخدوش : امف. خهوش دار، لهك دار.
مدح : امص. وهسپ، پانیاز، ستایش، مه دح، وهسف، تاریف. په سن، مهحت (ش).	مخروطی : ص. نسب. کهله رمی.
مدح کردن : م. وهسپ کردن، به تان و پژاها تان. وهسف کرده ی، مه دح کهرده ی (ه). په سندان، مهحت کرن (ش).	مخزن : ا. خه زانه، گهنج، گهنجینه، خهزیت، هومار.
مدد : امص. کومك، ده بیاری، دس گوروپی، لاکوشكه، باری، سار، باربوو، مه دد، یارمه یی. بارده ی (ه). باز گوری (س).	مخصوص : ص. نایبعت، تاییه نی.
مدرسه : ا. خویند گاه، مه دره سه، هوبابخانه، قیرگه.	مخفی : ص. ق. نهیتی، نادیار، پیوار.
مدرك : ا. به لگهر سون، سوتن.	مخمصه : ا. ده غمه سه، مه غمه سه، حه چهل، هنگامه.
مدعو : امف. جیروا، چیرباگ، بانگ کراو، داوم کراو.	مخمل : ا. مه خمر، مه خمل.
مدفوع : ا. گوو، جه به لی، سل، گئی.	مخملك : امص. مه خمه لك، نه سپك.
مدفوع اسب و الاغ : هره سه قول. هرس (س).	مخوف : افا. سامنك، سامدار، ساماوه ر. ساقی، سافدار (ش).
مدفوع حشرات : نامیره، پامیزه.	مخلوط : نك. مختلط.
مدفوع حیوانات : په بین، لاس، هر سه قول. سه تیر، هره سه قول. سه وره، هرس، سه وره قل، ریخ (ه).	مدا : ا. خیزاو، مه دد.
لار (س).	مدا : باو، داهاتگ، باب. ناماننه (ه).
مدفوع گاو : لاس، ده وه. سه وره،	مداخله کردن : م. ناوجی کردن، نتوجی کردن، خوئی به پان، خوئی خستن، ده خالت کردن.

سه برگه (ه). رسال، ریخ، سیاگه،	چار، نهوم .
لاحک، لار (س).	مرتفع : ا. باوه ، باوه‌ند، کوتز،
مدنیت : ساریگه‌ری، سارسانه‌بی.	حیمه، حیم، حه‌راگ، باوان،
مدور : امف. گرد، خرب، حی.	مه‌ریخ، سترگ، بانه ، بافز،
مدیون : امف. هرزار.	نالفحار، حابه، ناکز ، گسدار،
مذاب : ا. ناویاوه، ناواناگ، باوه.	لوحار.
مذاق : ا. مرج، حیر، حیره.	مرتفع : افا. بهرز، بلن.
مذاکره : امف. وب و ویز.	مرثیه خواندن : م. لاواسن، لاواندن.
مذکر : ص. نیرنه.	لاواوه‌ی (ه).
مذکور : امف. ناویراو.	مرجان : ا. بزرگ، مهرخان.
مذهبت : امف. حوسب، حراو ویزی.	مرجع : ا. سه‌رخاوه.
مذهب : ا. دبره، ناین، مه‌زهف، ری،	مرحله : بله.
کس، ری بازگه، ری ساز. ری	مرحوم : امف. خوالی حوس بوو.
رهف (س).	مرحوص : امف. مه‌رخه‌س، خه‌لاس،
مرابحه : سووکاری.	نازا، به‌ره‌لا.
مراجعت : امف. نه‌واگل، به‌رگه‌ست.	مرد : ا. مه‌رد، میرد، بیا، بیاگه، بیاو.
مراد : ا. ناوات، خواز، مراد.	میر (س).
مرافعه : ا. مرافیه، جه‌نگ، ده‌مه‌ره،	مرداب : ا. مرداو، زویک، گه‌نکاو،
ده‌مقاله، شهر، داوا، میرومشت،	زه‌لکاو. قوی (س).
جنگه‌یرچی.	مردار : ا. مردار، توپیگ، نوپیو،
مراقبت : امف. چاودیزی، حاوباری.	که‌لاک. که‌لخ، که‌لنس، لاک،
مراوده : هات و چوون، نامسو.	مرار (س).
مربا : ا. مه‌ره‌با، ریج، ریچال (س).	مردانگی : ح‌مص. مه‌ردانگی، بیاگه‌نی،
مربیع : ا. چوار گوسه.	پیاوه‌نی، جووانمه‌ردی. پیاوه‌نی (ه).
مربوط : امف. له‌مه‌ره، سه‌بارت.	میرانی، میرخاسی، جامیزی (ش).
مرتب : امف. مورده‌ب، سوارو،	مردانه : ص‌مر. مه‌ردانه، بیاگانه،
یورباگ، رتک، رتک و بیک.	پیاوانه. پیاانه (ه). میرانه (ش).
مرتبه : ا. نا، ناه، مه‌ره‌به، که‌ره، بار،	مرد بی‌زن : سالت، عازهو، بی‌رن،

قازاخ. مرده گش : امر. تهر، تاوت،  
 مردد : امف. دودل، مورهده.  
 داره نهرم. تابووت (ه). چاردار،  
 مرد زن نما : بله کناچی، سهررنانی،  
 سندرک، سندروک (ش). کچانی، فزه. کناچله رهنگ (ه). زن  
 مرئی : ح مص. مودی، پیانگی. کانی (ش)  
 پیایی (ه). میری، مروقانی، مرو  
 قایه بی (ش). مردم : ا. مردم، خه لک. مروق،  
 هرز : ا. هرز، سوز، سهرحو. خه لک (س).  
 هرزه : ا. هرزه. مردم آزار : ص فا. مردم نازار،  
 مرسوم : امف. باو، باب، داهانوو. رانه حورو.  
 مرشد : افا. مرسو، پیر. مردم دار : ص فا. مردم دار.  
 مرصع : امف. دانه نساک، جهواهر نساک. مردمک : امصف. گلبنی چاو، بیبیله،  
 مرضی : امصف. نازار، بیماری، کجبه، ره شینه، که نینکی حاو، بییک،  
 نه خواهشی، مهرز. نهوه سی (ه). بییک. کناچله وحه می، گلبنه و  
 هرطوب : امف. خووس، فیس، نماوی، چه می (ه). گلنک (ش).  
 سوزدار، تهر، شی دار، مهرنووب. مردن : م. مردن، نه سلیم بوون، نه لف  
 سه می (س). بوون، گیان دان، سل سهردهو بوون،  
 مرعوب : امف. جاورس، برسیاگ، گیان سیاردن. موده ی (ه). باز دان،  
 برساو، زه می جوو. مرن، به رهین (س).  
 مرغ : ا. مامر، مر، واروک، مرسک. مردن حیوانات : م. مردارهو بوون،  
 کهرگه (ه). فارک (س). سه هب بوون. مردار بیهی (ه). مرار  
 مرغ : مترگ، چیم، چیمه، نه کار، بین (س).  
 گاحار. مردن سگ : سو بین. سو بای (ه).



سگین (س). مرده : امف. مردگ، مرم. موده (ه).  
 مری (س). مرده ریگ : امر. نرس، میراب، میرانه.  
 مرده شوی : ص فا. نهه سوز، مرده سوز.  
 مری سو (س). مرده شورخانه : نهه سوزخانه،  
 مرعایی : امر. سونه، مراوی، کهرگاو نه. مرده سوزخانه.  
 مرغ حق : امر. همی همی کهر، نای نای



هَبْلَاجِسِي (ه).

مرهم : ا. مرهم، نه بهی، مهلم،  
زه ماد.

مرهون : امف. مرهونه، بارنه، گره.  
مری : ا. سورسورک، سوورانجک،  
سوورجک.

مربخ : ا. بارام.

مرد : افا. مری، بهیره.

مريض : ص. بیمار، به حوس، ناساق،  
نازاردار. نامس (ه).

مريضخانه : امر. سه فاخانه، نه حوس  
خانه، سمارسان.

مريض شدن : م. نه خوش کفتی.  
نومس بهی (ه). نه ساخ بین (ش).

مزامحت : امف. دهر دسر، نهرک،  
موزاحمت.

مزبور : امف. ناوبراو.

مزخرف : امف. موزه خرف، فۆر، ویر،  
حه هنگ، بوج. نادان باران (س).

مزخرف گفن : م. موزه خرف وین،  
بروئیس کردن.

مزد : ا. مز، حق، نو حرم، نه حر،  
حق دمس، کراها.

مزدور : ص. مر. مزور، مر بهر،  
هه فگیر، به کرى گراو، ناله. کرى

گرى (س).

مزرعه : ا. بهرعه، نه، کنگ،  
کنگه، کيلانگه. یال، زه قی، شناوه

(ش).

مزهزه کردن : م. مهزهزه کردن.

کهره.

مرغزار : امر. مترگرار، گساحار،  
حه بهرار، بهرعار، حبه زار،  
سه کار، جیم، گبازار، سهزه لانی.

مرغ سلیمان : امر. به بوو سلیمان،  
به بوو، هوو هوو، سابه بهر،  
داوود برنگل. به بوووک (س).

مرغ شب : نک. مرغ حق.

مرغ کلاهک دار : کلاونه، یونه، یۆن.

مرغوب : امف. برارده، هه لارده،  
به رعوب.

مرفه : امف. ته سل.

مرکب : ا. بهر کف، حوبر، حوه هر.

مرکز : ا. ناوړاس، کوړک، نافه ند، چق.

مرگ : ا. بهرگ.

مرگ ماهی : امر. بهرگه ماسی،  
کوچوله.

مرگ موش : امر. بهرگه مووش.

مرگ و میر : بهرگ و میر، قی، قات و  
قی.

مرهر : ا. بهر بهر، دوبر.

مروارید : ا. مرواری.

مروارید بدلی : بالانجی.

ملاکنای (ه). جه ستن (ش).	دوورایی.
مزمن : افا. کونه، یر، کهون (س).	مسافر : افا. مسافر، رموار، راوبار، رایگار، ری-بگار، رتو-گار.
مُزَوَر : افا. مزه-وهر، رووالهب باز، ناگر زبیرکا. ناویرکاه، لیب کهر، خایینوک (ش).	سه-هری (ه). موسافر، رتسگ (س).
مزه : ا. نام، مزه.	مسافر-خانه : امر. مسافر-خانه، موسافر-خانه.
مزه شیرین نامطلوب : شیرین جی.	مسالمت : ناستی.
مزه کردن : م. جه ستن، جه سنین، مزه کردن، چیسکه کردن، حه سکه کردن. حه سہی (ه). نام کرن (س).	مساوات : امص. به-راپه-ری، به-رامبه-ری، وه-راوه-ری، به-رانبه-ری، ری-کسی. هر هری (ش).
مژده : ا. مرگانی، دم حوه-سانه. مرانی، دم وه-سانه (ه).	مساوی : ا. ص. به-راپه-ر، به-رامبه-ر، وه-رانوه-ر، چو به چو، سه-ربه-سه-ر، ده-فاده-ی. هراقهر (ش).
مرگی (س).	مسؤول : امف. به-پرسار.
مژدگانی دادن : م. مزگانی دان. مزانی دای (ه). مزگینی داک (س).	مسؤولیت : به-پرساری.
مژده آوردن : م. مزگانی هاوردن. مزانی ناردی (ه). مزگبسی نیناک (س).	مست : ص. مهس، لوول، گبیز، پاتیل، مهست. سه-خوش (س).
مژه، مژگان : ا. بررانگ، سرانگ، برؤل، برولک، بررانگی (ه).	مستأجر : افا. نیجاره-نین، کراهانسیس. کرتی روونینی (س).
مس : ا. مس، سمر.	مستبد : افا. ملهور.
مسابقه : امص. موسابقه، موز <sup>۱</sup> کچولکائی (ه). کچی پرکچی (س).	مستثنی : امف. جتا، حماواز، جیاوه کراو، جیاوه کریا، ناواره.
مساحت : ا. مه-ساحب، رووه (ه). ناوبه-ند، فره-هانی (س).	مستخدم : امف. خز مه-نکار.
مساعدت : امص. بارمه-ی.	مستراح : نک. مبال.
مساعده : امص. پتس-مر.	مستشار : امف. راویرکار.
مسافت : ا. مه-سافه، دووری،	مستطیل : ص. لاکبسه.
	مستقبل : افا. هانی، نایی، نانه-ه. حبهو ولای (ه). ناس نۆکه (س).

۱ - مساعده هنری مانند مسابقه خط.

- مستقل : افا. سهر به خو، نازا.  
مستقیم : افا. ص. راس، رتک، راسب،  
موسنه ځم، راسه خو.  
مستمع : افا. گوئی، ګر، یسر.  
مستمند : ص. مر. سارسه ک، ګه دا،  
سووال کړه، بله ننگاز، له نه وځن. زلفار،  
حازوک (س).  
مستوجب : افا. سزاوار، شانا.  
مسنی : ح. مص. مه سی، مه سی.  
مسجد : ا. مرگ. مزگی (ه).  
مزگوب (س).  
مسخره : ص. مه سخره، رشقه، تیتال،  
ګالته، بلیصت، تیز، تیتالی، ګر،  
ترانه. تفر، تهوزه (ش).  
مسخره بازی : ح. مص. مه سخره بازی،  
ده ګل، لاقرتی.  
مسخره کردن : م. مه سخره کردن،  
ګه مه کردن، رشمن کردن.  
مه سخره کړده، ببالی  
کړده (ه). ترانه بازی، تهوزه  
کړن (ش).  
محدود : اف. به سه، به سراو، داخراو.  
مهرت : ام. بسکه، شادی، خوه شی،  
پله زیقان، ګه شی. وه شی (ه).  
مصرف : افا. دمس باد، ویل خه رج،  
سهرله خو نه وګ، هله خه رج.  
مسروق : اف. ذراو، دزباګ.  
مسطح : ص. ساف، سامال، لووس،  
ریک، هامووار، دهی، سیواګ.  
مسکن : ا. مه سکن، جی، مه لوا، جیه،  
ستار ګه، مه کان. یا ګی، مه ټوډن (ه).  
لور، جی، جیوار (ش).  
مسگر : ص. شغل. مسګر، مزګر،  
فهلنکجی، سهار.  
مسګری : ح. مص. امر. مرګری،  
مس جی، سهاری.  
مسلح : ام. چه کدار.  
مسلل : ا. شس بیر، مترلیوز.  
مسلط : ص. چیر، زال.  
مسلمان : ص. موسولمان، بوسولمان.  
مسلول : ام. مه سلول، سیلاوی،  
نازاردار، نازاره باریکه دار.  
مسن : ص. پیر، کوسال، ټیختیار، کون،  
بوس. کال، کون (ش).  
مسواک : ا. سیواک، مسواک.  
مسواک زدن : م. سیواک کردن، مسواک  
لټی دان.  
مس مس کردن : م. مس مس کردن.  
مسهل : افا. کار کون، موسیل.  
مسی، مسین : ص. سب. مسی، مسین،  
مسیه، سوری.  
مسیحی : ص. نسب. فهلا، ګه ور،  
مه سیخی، فهله.  
مشابه : افا. وه کوو، هاو ټیوه، وتجوو.  
مشاجره : ام. ده مقال، ده مقره، چنګه  
پوټی، باو ګره بازی، مت و می.  
مشاجره لفظی : ګالته، ده مقره، ده مقال،  
باو ګره بازی، ده نګه نه.  
مشارکت : ام. هاو به شی، به شاری.  
مشت<sup>۱</sup> : ا. مت، مشت کول،



- گور مس، گول مش، منه (ه).  
 مست (ش).  
 مشت<sup>۱</sup>: لاگوئل<sup>۲</sup>، گوئل<sup>۳</sup>، لامشت.  
 چنگ، مست، کولم (ش).  
 مشتاق: اف. موشاق، ناسهمن،  
 ناره زوومن.  
 مشترک: اف. هاوہتی، بہتدار.  
 مشتری: اف. بستی، کربار، خیری یار.  
 مشتعل: اف. داگر سیاگ، روشن،  
 گر گرؤک، گمش. پھسقل (ش).  
 مشت و مال: مشت و مال.  
 مشتوک: ا. مہشتوک، ناغزہ، نغزہ،  
 زہ غمرہ.  
 مشہ: ا. مشہ، چہرہ کؤ. می (ش).  
 مشربہ: ا. مہ شربہ، مہ شربہ، شربہ.  
 مہ شربہ ویلی (ه). کوزک (ش).  
 مشرق: ا. مہ شرق، رۆزہ لآت،  
 خورہ لآت.  
 مشروع: ام. رہوا، ری دراو.  
 مشعل: ا. چرا، مہ شعل.  
 مشغول: ام. سرگم، خہریک،  
 خجل، مہ شغول. مژول (ش).  
 مشق: ام. مہ شق.  
 مشقت: ا. ق. نرک، رنج، مہ شقت،  
 کؤرہ ویری، مہینہ، جہ زہوہ.  
 مشک: ا. مہ شکہ، کونہ، کہ مہرکیس،  
 گاوہ سی. مہ لیزہ، مانہ (ه).
- سیارؤک، عہار شیرک (س).  
 مشکچہ: ام. مہ شکؤتہ، خیولکہ،  
 بز نہو مس. وہرہ مہ لیز (ه).  
 دودانگ (ش).  
 مشک خانہ: امر. کونہ لآن.  
 مشک سفید: توراخ، توراخ، دوانہ،  
 توراغدان. ہیزہ، راوہک (ش).  
 مشکل: ص. اف. دژوار، سہخت،  
 نارہ حمت، سہنگین.  
 مشکوک: ام. گومانای، جی گومان.  
 مشکئی: ص. نسب، رہوش، سیا، سیاو،  
 مشکئی، قہ نووسی.  
 مشمشہ: ا. کتہو، مشمشہ، مہقاو.  
 مشمع: ا. مہما.  
 مشورت: ا. راویژ، گہلہ راویژ،  
 پرس ورا، مہ شوہرمت.  
 مشوش: ص. بہ شوکیاگ، شہوکیاگ،  
 نیواو، خوسدار، سہریت، نار،  
 نازوواژ، یرتشان، ناشتہ.  
 مشوش شدن: م. شہوکیان،  
 مہ شوکیان، سبوانہوہ.  
 مشہور: ص. ناودار، بہناوانگ.  
 مصافحہ: ام. دمس و مشتاق.  
 مصافحہ کردن: م. دمس و مشتاق  
 کردن، دمس داک.  
 مصیبت: ا. میومت، داخ، تالاو، بہ لآ،  
 مہ مہرہ، موسییب.

مضایقه کردن : م. مزایفه کردن، درین	گوهدار (ش).
کردن. کیماسی کرن، کورتی	مظلوم : امف. مهزلوم، ههزار، بهنگار.
کرن (ش).	ژار، برمش، چهساوه، ستم لی چوو.
مضحک : افا. کهین هاوهر.	مظنه : ا. مهزهنه، نرخ، قیمت، مهزهنده.
مضر : افا. زیانه خورو، موزیه زانه	مظنه کردن : م. مهزهنه کردن، نرخ
خرو.	کردن، قیمت کردن.
مضرت : ا. وهی، زیان، زهره، ناسیو،	مظنون : امف. مهزنون، بهدگومان، دل
مهزه پرت، خه سارمت.	کرمول، دل چه پهل، گومان بار، دل
مضطرب : نک. مشوش.	پیس، شک بهر.
مطابق : افا. بهرانهر، مساوی، چو به	مظهر : ا. دیارگه، سرچاوه
چو.	سهر حاوکه.
مطابقت : هاوتایی، بهرابهری،	معادل : افا. بهرابهر، بهرامبهر، جفت،
دهقاوده فی.	چو به چو، سهر و سهر، دهقادفی،
مطالبه کردن : م. داوا کردن.	میزان. فراههر (س).
مطالعه کردن : م. خوهدن، خویندن.	معاذالله : په نا به خوا.
مطبخ : ا. ناشپهزخانه، چیشتخانه،	معاش : ا. بزوی، مهعاس، پی بزوی.
سهرنه نوور، خانی، بن کو شک.	معاشرت : امص. موعاشرب،
یاگوچاشتی (ه).	هاوده می، هات و چوو، تیکه لی.
مطبوعات : اج. چاپه مهنی.	پیکه بی (ش).
مطرب : افا. سازنه، لوتی، موترب،	معاصر : افا. هاوچه رخ، هاوچاخ،
سازهن.	هاوزهمان.
مطروذ : امف. نه هرورز، دهرکراو.	معاف : ا. مهعاف، لی بگردگ،
مطلا : امف. نال دوز، نال دووز.	بووراو، به خشراو.
مطلب : ا. سهرباس، مه بیس، بابت.	معالجه : امص. مداوا، دهرمانکاری،
مطلع : ص. زاناء، ناگه، وریا، حالی،	موعالجه، بیمار، چاره، دهرمان.
بیزان، خه وهردار، ریزان، زه عمل،	معالجه کردن : م. موعالجه کردن،
شاره زان.	دهرمانکاری کردن، دهرمان کردن.
مطمئن : افا. ص. دل نیا، نارحایان.	معالجه معمولی : پت په نی.
مطیع : افا. ره مووده، گوئی له منت،	معامله : امص. داوپسین، سهوا، سهودا،
رام، گوئی دیر، گوئی رابل، منیح.	مامه له، داو به.

- معاوضه : امض. نال و گور، نالشت،  
ساقی باقی، ناپ و گور.  
معاوضه کردن : گورانش، گورین، نال  
و گور کردن.  
معاون : امض. دهسبار، یاری ده،  
هاریکار.  
معاهده : امض. پهمان، پربار، عهده،  
بهآین، بهیمت دهم و پهمون، هولوپ.  
معاینه : معاینه، سرنجهدان، نی روانین.  
معبد : ۱. معبد، مزگت<sup>۱</sup>، کلینا<sup>۲</sup>،  
دهیر<sup>۳</sup>، مزگی<sup>۱</sup> ( ه ) .  
مزگوت<sup>۱</sup> (ش).  
معتدل : ص. میانه، میانه‌رو.  
معتقد بودن : م. موته‌قد بوون، باوری  
هه‌بوون.  
معجز : ۱. معجزه، نرده.  
معجزه : ۱. موززه، پرجوو، رموزنات.  
معجل : امض. هلاکان، به‌لایل.  
معجون : امض. ماحوون.  
معدن : ۱. کان، معدن، کاراک.  
معدود : امض. زمیراو، سمیریاگ،  
هله‌زمیریاو.  
معهده : ۱. ماده، معده، گه‌ده‌گی<sup>۴</sup>.  
نه‌شقه‌مه، ناشک، سیق، معده (ش).  
معذرت خواستن : م. عوزر خواستن.  
عوزر واسی (ه).  
معرفت : امض. ناگایی، شاره‌زایی،
- هاگایی، زانست.  
معرفی کردن : م. ناساندن، ناسانن،  
معه‌رفی کردن. پنا شناسای (ه).  
پیشه کرن (ش).  
معرکه : ۱. معره‌که، ماره‌که، حه‌چهل،  
حه‌شره‌لا، حه‌له‌سی.  
معروف : امض. ناودار، نامی، به‌ناو،  
مه‌شهور، ناسیاگ، شناسیار، ناسیا،  
مه‌نشور، شناسیاگ، ناسراو،  
سهرناس، معروف. نه‌زناسیا (ه).  
ناف ده‌نگ (ش).  
معزول : امض. ده‌کراو، ده‌کریاگ.  
معمشوق : امض. معشوق، ماسقه،  
ماسقی، یار، نه‌ویندار، دلدار.  
نه‌لیندار (ش).  
معطر : امض. بو‌خومش، خوش بوون.  
معطل : امض. ماتل، مونتزر، مه‌حتل.  
معطل ماندن : م. ماتل مان، مه‌حتل مان.  
معطلی : ح‌مص. ماتلی، مه‌حتلی.  
معقول : امض. مافوول، زیر، پرمیشک،  
خاس. به‌رعقل (ش).  
معکوس : امض. ص. ناوه‌زوو، چه‌یوانه،  
پنجوانه، به‌رع‌کس، مه‌عکوس.  
به‌ره‌قار (ش).  
معلق : امض. ص. مه‌لق، ناویزان،  
مه‌حلق. سهرمه‌فولات، هله‌واسراو،  
حه‌وانجه، هه‌وانجه. ده‌قلووس،

۳ - معبد بوداییان.

۴ - معده حیوانات نخوارکننده.

۱ - معبد مسلمانان.

۲ - معبد مسیحیان.

- سه لاهو و چكان، هله قوچ،  
 داهيلای (ش).
- معلق زدن : م. معلق لی دان،  
 سه رمه فولات بردن. معلق دایوه (ه).
- هله قوچ دانه هه، فولوپنده دان (س).  
 معلق شدن : م. معلق بوون، هه وانچه  
 بوون.
- معلم : افا. ماموسا، نوسا، موعه لم،  
 ناموژ گار.
- معلوم شدن : م. معلوم بوون، دیار  
 بوون، په یا بوون، بهر که ونه. دیار  
 بیهی، معلوم بیهی (ه). ناشکرایین،  
 دیهار بین، خویا بین، کفش بین (ش).
- معما : ا. موعه ما، پهره دک، مه تل.  
 معمار : ص. ا. رهنگ ریژ، به ناباشی،  
 معمار.
- معمر : ص. به ته مک، پیر.  
 معمم : امف. میزه ره به سر.
- معمور : امف. ناوا، ناباد، دایر،  
 ناوه دان، به ریاء، ناوان. ثافا،  
 نادان (ش).
- معمول : امف. باوه، معمول، ره سم،  
 مه رسووم. ناسانه نه (ه). عه ده ب،  
 باب (س).
- معنی : ا. معنا، معنی، چه مک، مانا،  
 وانا، گوزاره.
- معین : ص. دیاری کریاگ، موعه بهن،  
 کروک (ش).
- مه ل بزاریاگ، بژراو، ناوبریاگ.  
 مه علوم بیهی. دیاری بیهی (ه).
- دیار، کفش، کیتش (ش).  
 معیار : ا. سینگ، محمک.
- معیوب : امف. که له لا، معیوب،  
 خوس دار، عه بدار. نفیسکاو (س).
- مغازه : ا. دووکان.
- مخالطه کردن : م. هله کاری کردن،  
 خاباندن، سه رشیواندن، حله تانن.
- مغایر : افا. چه په وانه، بهر عه کسی،  
 بیچه وانه، نارووانه.
- مغبون : امف. مغموون، حله تیباگ،  
 حله ناو، حله سا.
- مغرب : ا. خوه رنسیبن، خوه راوا،  
 بیواره، مه غرب. وهر او، ویره گا (ه).
- روژ ناوا (س).
- مغرور : ص. خیره، مه غروور، بایی  
 ههوا، گاقوز، غوده، سه رگران.
- مغز : ا. معز، میسک، مهرگ، کاکله<sup>۱</sup>،  
 لب<sup>۲</sup>.
- مغز استخوان : امر. مؤخ. میزی (س).
- مغز گردوی رسیده : کاکله، کاکل،  
 مه ژگه. قهواروک (ش).
- مغز گردوی سبز : کاردوژه.  
 کارده هژه (ه).
- مغز هسته : پیسه، ناوکه، مه غز. دهنده  
 کروک (ش).

۱- مغز گردو.

۲- مغز دندان.

مغز هسته نرسیده : چلمه له ته.	چمه به چمنه. کوش (ش).
مغزی : امر. مغزی.	مقاش : ا. مه فاش، ماشك، بنگر كیني.
مغشوش : امف. مه غشوش، شلیویاگ، شویاگ، شیواو، به شیو.	پهل گرک، گازک، گاسک (س).
مغلوب : امف. به زیاگ، به زاو، شکاو.	مقاطعه کاری : ح مص. بیه کاری،
مُف : ا. ناو لووب، چلم، کلم. کلمینی، کلمیج (ش).	مواقعه کاری.
مجاجات : نا کاو، ناگا.	مقام : ا. مه قام، چیگه، پاه، پله، دهره جه.
مفت : نک. مجایی.	باگتی (ه).
مفتحور : ص. فا. مفتخوهر، مفهوه (ه).	مقاومت : امص. تاو، گور، مقاومت،
مفتش : افا. پایه، بازرس، موه بش.	سئ، بهر گه. وهر گه (ه).
مفتن : افا. کوله بنه، وهیشووه، فتنه،	مقبره : ا. زیاره تان، زیاره تلان (ه).
کوله ویهوا، فتنه کهر.	زیارمت (ش).
مفتول : ا. تهل، سیم، مه فنوول.	مقتصد : افا. مال داری کهر،
تیل (ش).	نابووری زان، زرد، نه خوهر.
مفرد : ص. موفرده، هک، نه بیاء، نای.	مقتول : امف. کوزراو، کورباگ، خوین
کعت، نئی (س).	رزیاگ.
مفرغ : ا. مفرغی.	مقدار : ا. نه نازه، سه نگاسی، ههند،
مِفصل : ا. بهن، جمگه، بهنگه،	هید.
مه فصل، خرنک، گه.	مقدمه : ا. سره نا.
مُفصل : ص. دریز، دریزه دار، تیکرا.	مقروض : امف. هه رزار، هه ردار،
مفعول : امف. کراو.	بدنکار.
مفقود : امف. ون، بهزر، بزر، گوم.	مقسم : افا. به سه و کهر. باره کهر (س).
مفلس : ص. لی که فنگ، لی که و بوو،	مقسوم : امف. به تکر او.
هه زار، به دار.	مقصود : ا. مقصد، هه هدف، نامانج.
مفلوک : امف. ص. مه فلووک، هه زار،	مقصر : افا. موقه سر، ناوا ببار،
له واز، له فار، زار (ش).	گونه حکار.
معهوم : ص. چه مک، وانا، مانا.	مقصود : امف. مه فسوود، نامانج،
مفید : افا. به که لک، به دهر د خوهر.	مهس.
مقابل : افا، ص. رووبه روو، مه قابل،	مقطع : امف. بیر که بیر که، کونه کونه،
	دایراو.
	مقعد : ا. بیزی، کوتمی، فنگ، بریزه.

مکتب خانه دار : امر. قتاو خانه چی.

موباخته دار (ه). مه کته بدار (س).

مکدر : امف. ریزه، زویزه، لیل، قه لیس،

تال، رهنجاو، دل نازورده.

مکر : ا. حوقه، چاچوله، قیل، که لک،

فهن، داو، چاپ، دهله سه، ریسو،

به سمه له، رهنگ، دوز، ده عمل،

گری، فر و قیل. لپ، نه پرش (ش).

مکرر : ق. دوویات، دوباره.

مکروه : امف. مه کرو، فاحهز، ناحومس،

ناشیرین، نارهوا.

مک زدن : نک. مکیدن.

مکشوف : ص. ف. دیار، دهر که ویوو،

دهر که تگ، به بهرچاوهو.

مکعب : ا. چووار یالوو.

مکنت : ا. دارایی، مال، سامان،

ده ولت.

مکیدن : مکلی دان، چه کسانن،

چه کاندن، چلپانن، چله یامن، مرین،

موم لی دان. ملکای، مزناي،

چه کنای (ه). فر کرک (س).

مگر : مه گهر، هه کوو.

مگس : ا. مه گزه، میش. مه شی (ه).

مگس پیران : امر. بهرچاویل،

به رچاوکه، چاقوک (ش).

مگس سگ : امر. سه گمه گزه،

میشه سه گانه. میشه سه، پیشه سه (ش).

ملا : ا. مه لا، مه لا، میزه به سهر.

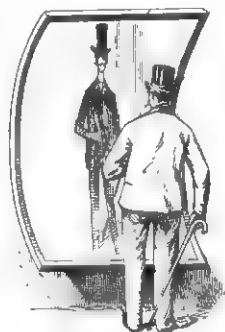
ملاج : ا. ملاشک، ملاشی (ه). سلکه

سهر (ش).

من، عنه (ه). فون، هه وین (س).

مقعر : ا. کاس، ناوچال، قول، چال،

گونوور.



مقلد : اف. لاسایی کهر، بهیرهو، مری.

مقنی : اف. قومش کن، کاریز کن.

کهن کن (ش).

مقوا : ا. موفوا، موقه با، مقهوا.

مقیم : اف. دانیشتو، نیسته جی.

مک : ص. موك، دوروس، کامل.

مگار : ص. قیل باز، حوقه باز.

مکاری : اف. قه تارچی، خه ره کدار.

هه ربه نه (ه).

مکافات : امص. سزا، توله، جهزا،

مکافات.

مکالمه : امص. گوب بیژ، وتو ویتز،

گاله، قسهو باس.

مکان : ا. جی، جی، ناست، باسک،

مه لوه، جیگه، سون، حهن، شوین،

عاست. یاگه، جاگه (ه).

مکتب : ا. قتاو خان. موباخته (ه).

مه کته بخانه (س).



ممنوع : فاحه، ساساخ، مهمنوع، منتشر کردن : م. بلاو کردن، بلاوه بی داد، بهر گیراو.

ممنون : امف. مهمنون.

مه : ا. مه مه، مه ملک.

من : صمیر. من، نهز، مه.

من : ا. مک.

مناجات : امف. مناجات، راز و نیاز.

منادی : اف. جاپچی، بانگ دهر،

هه لاله کهر.

منار : ا. مناره، گولده سه.

منازع : امف. کینه، کینه و گیره،

مش و می، جهنگ و داوا.

مناسب : مونسب، سیاو، به دهر دحور،

له بار.

مناصحه : امف. نیمه، نبوه کاری.

منافات : امف. دژه تی، ناکوکی،

ناته بایی، ناجوری.

منافق : اف. دوروو، دوزووان، موناقل.

دهوه گچی (ه).

منبر : ا. مه مه، کورسی. میمبر (ه).

مه مبر (ش).

منبع : ا. سرچاوه، سرچاوه که.

منت : امف. منت.

منت کشیدن : م. منت کسان، منت

کسای (ه).

منت گذاشتن : م. منت بیان، منت

نیای (ه). منت داناک (س).

منتخب : امف. هه لبرزاو، بزارده،

هه لبرزاده، هل کرناگ، هل دس

جس.

منتشر کردن : م. بلاو کردن، بلاوه بی داد.

منتظر : اف. به سادار، چاوه پروان،

چاوه نوای، مونه زر، چاوه ریگه،

چاوه ری. حاف ری، چافهر (س).

منتظر بودن : م. مونه زر بوون، نه مادار

بوون، چاوه ری بوون. چاف ری

بوون (س).

منتقد : امف. رخنه گر.

مجی : اف. رزگار کهر.

منجلاپ : امر. چلپاو، لئاو، مه به لئاو،

لیته، هه رگاو، سورپاو، زلعاو.

لبر (س).

منجمد شدن : م. ره هو بوون، یه ح

کردن، رسکان، رجان، رچین، رچان.

بیای (ه). فوفین (س).

مجبوق : ا. زهنگسانه، مه محووق،

موورگ.

منجیق : ا. برازه، به رازه.

منحرف : اف. هه له، چه پره و، چه و،

هه رزه.

منحل : امف. هل رووساگ، هل

رووشاو، هل چنیاگ.

منحنی : ا. اف. چه ماوه، چه میاگ.

منخره : ا. لووت، کونا لووت، برناخ.

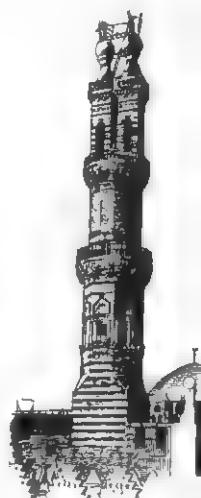
دفن (ه).

مند : مه، خاوه، مه ند، صاحب،

ساحب.

مندرس : اف. پرتوو کاو، دایزباگ،

شر، شر و شیوال، شره.



منار



منزل : ا. مال، مه‌نزل، خانوو، فوناخ،  
مه‌نرگا، ماوا، مه‌لوهن، خانگ،  
مه‌زل (س).

منزلت : ا. ناه، نرخ، به‌رزی.  
منزوی : افا. گۆسه‌نسین، تهریک،  
خانه‌نسین، گۆسه‌گیر. گۆسه‌یوو  
نستی، نه‌نتب رووبی (س).

منش : امص. منس، سروس، خو،  
ناکار، کردار.  
منشأ : ا. س‌راوه، س‌رجاوکه.

منشی : افا. میرزا، موشی.  
منصب : ا. یاه، مقام.  
منطقه : ا. ناویچه، مه‌ل‌ه‌ند، حه‌وزه،  
لۆک، قاج (س).

منظره : ا. به‌رجه‌وه‌ن، حاوه‌ناز،  
مه‌نزه‌ره، ساق، جه‌وه‌ن. وه‌رحم،  
دیمه‌ن (ه). بیهر (س).

منظم : امف. ریک، ریک و بیک، پوراو،  
پوریاگ، یه‌کده‌س، مونه‌زم.  
منظور : امف. مه‌مه‌س.

منظومه : امف. هونراوه.  
منع : امص. منع، به‌گری.  
منع کردن : م. به‌رگرم، منع کردن،  
منع‌کده‌دی، وه‌رگرمی (ه).

معقد : افا. به‌سیاک، گرسیاگ، به‌سه.  
منعرج : ص. ته‌فیو، نه‌فیاگ.  
منفخ : افا. باردار، وانه‌وه‌ر (ه).

فادار (ش).  
مفید : ا. کون، کونا، دیوه‌ده‌ر.  
منفعت : ا. باره، به‌هره، سووچه،

فازانج، سوو، خه‌یر، نه‌فع،  
مه‌نفع، فابه، که‌لک، باره، ماف.  
بوهر، به‌هردار (ش).  
منفعت بردن : م. سووکرده، باره  
بردن، خه‌یر کردن، ماف بردن، قازانج  
کردن. بوهر برن (ش).  
منفعل : افا. سووره و بوو، ته‌ریفه و  
بوو، شرمه‌نه. هه‌ل‌سکاو، خه‌جالت.  
منفور : امف. ناحه‌ز، نه‌به‌یست،  
له‌به‌رچاو که‌تنگ نه‌گه‌ویس.  
منقار : ا. ده‌ن‌ووک، ده‌م‌ک،  
ده‌ندووک، ده‌ندووک (ش).



منقل

منقرض : افا. دووایراو، دووایریاگ،  
ه‌ل‌آچو، بووایوگ.  
منقل : ا. مه‌نگه‌ل، ناگر دان، کوانوو،  
کوانگ. مه‌ه‌ل‌تی، مه‌گه‌له (ه).  
مه‌نقل، ناگر دانگ (س).

منقلب : افا. ریر یوو، ریره و ژوو،  
ناوه‌روو، شیواو، شیواگ.  
منقلب شدن : م. ریره و روور بوون،  
سوان، ناه‌روو بوون.

منکر شدن : م. له‌گوب دان، دانه‌ریریا،  
حاشا کردن، ژیربادان، موکر بوون.  
منکوحه : امف. ماره‌پریاگ، ماره‌پراو.



منگوله

منگ : ص. مننگ، ور، گنج، بهنگ،

رووم (ش).

گیز، گیر، باهیر، هیر (س).

موات (اراضی) : بوره.

منگنه : ا. منگنه، چاخه.

مواجب : ا. مانگانه، حوقوق، مۆجۆ،

منگوله : ا. منگوله، گوله‌نگ،

مواجب، موجه.

گونگ، یۆخك گینگ (ش).

موازی : ص. هاوریک، هاونیلّه،

هاوریک.

مین کردن : منگه منگ کردن، منه من

کردن، منجه منج کردن.

مواد : ا.ج. کبره‌سه، پی ناک.

منوال : ا. چشن، سیوه، ری، ره‌سم.

مواشی : ا.ج. نارال، نازمل، مال، مال و

مالاب، دنیایی (ه).

منور : امف. روئن، روناک، هتکراو،

مواظب : ا.فا. وریا، چاویار، هتیار،

نه‌گری.

مواظب، زیره‌فانی (س).

مها : جگه، ییجگه، تیرگه.

مواظبت کردن : م. حاویاری کردن،

منهدم : ا.فا. خاپوور، کاول. کاهل (س).

حاوردتری کردن، بارستن، بارازنن.

منی : ا. تۆم ناو، تۆم، ناو.

زیره‌فانی کرن (س).

مو : ا. میو، رهز، مه‌یو (ه)، میتف (ش).

موافق : ص. هاویا، هاو بیر، سازگار،



حۆر، موافق، پی حۆس، رازی (س).

مؤثر : ا.فا. کاری، کارنگهر، که‌سکون.

کارنگهر (ش).

موتق : امف. جی پروا، جی تمنان.

موج : ا. شه‌یول، که‌وریشکه، هتبه‌زه ،

قه‌لوه‌زه ، لوچاو، مه‌وج. پیل،

سیل (س).

موجب : ا.فا. بابیس، نه‌هانه، بۆنه، هو،

مانه.

موجد : ا.فا. داهتبر، رسکین.

مو، موی : ا. موو، قش، تووک ،

موجر : ا.فا. خاوون مال، کری‌دهر.

پورتکه، پرچ، پۆپ ، بژ<sup>۱</sup>، گیسکه

موجود : امف. مه‌وجوو، حازر،

موو<sup>۲</sup>. نیت (ه). رووک<sup>۳</sup>،

موربانه : ا. مۆر، مۆربانه، سوورك.

گارۆز، مرك، حوترك، گازيز (س).

مؤسس : دامه ريسر.

مويستان : امر. باخ، باخه ميو، ميوستان،

ساحه مهيۆ. مهيۆي (ه). رهزي

ميه (ش).

موسم : ا. چاخ، وهرز، موسم، كمش،

كر.

موس موس كردن : موس موس

كردن.

موسير : امر. موسسر، سحك،

بازه حوگانه.

موس : ا. مك. مله (ه). حتي

برك (س).



موش خرما : امر. رزق، رسي، جرح،

جرد. جهرد (س).

موشكافي : ح مص. بۆرنه وهر.

موش كور : امر. مسكه كوتره، مله

كۆره (ه). حرحه كوسره، كۆره

مسك (س)

موصوف : امف. پاس كراو، ناوبراو.

موضع : ا. سۆن، سۆين، جتي.

فهرهم، رسكاو، بونه وهر. يه (ه).

موچين : امر. مووچين، جفته، گورگه.

مووچنك (ش).

مؤدب : به شتوازه، به عه دم.

مؤذن : بانگ بيژ، بانگ ويژ، بانگ

هه لدهر.



موزي : افلا. زيانه خورو، موزي، زانه

خورو.

مورچه : امصف. مروچه، ميرۆله،

كهله ميروو<sup>۱</sup>، گيرك، ميروو، گيركه.



مورد : ا. مۆرد، بابته، باومت، باره،

سه بارمت.

مورمور : امر. مروچانه، نهز.

- موضوع : امف. سهریاس، مهیهس،  
مهوزوع، دۆز (س).  
موطن : ا. زید.  
موعظه : ا. مۆجباری، یهن، نامۆجباری.  
شیرمت (ش).  
موعد : ا. ماهه، دهرفهت.  
موفق : ص. زالی، سهرکهوتوو.  
موفقیت : زالی، سهرکهوتوو.  
موقتی : ص. نب. مهوهقهنی، سهردهمی.  
بهروهقت (ش).  
موقر : امف. سهنگین، جی که تنگ،  
قهیره، کامل.  
موقع : ا. زهمان، دهوران، وهخت، جا،  
تان، بر، چاخ، همل، دهم، دۆخ، ساء،  
مهوقع، عهده، کثر، کاب.  
گاف (س).  
موقوف شدن : م. وسان، نواو بوون،  
بهستن، نه دان، نه کردن.  
مول<sup>۱</sup> : ا. موولسه کی. زۆل (ه).  
بیر (س).  
مول<sup>۲</sup> : ا. فاس، مول.  
مولد : افا. زید.  
مؤلف : نووسه، کوکار. کوکار.  
موم : ا. موم، کراس. کراس (ه). قند،  
سهم، سهما (س).  
مؤمن : مؤمن. خودان نماک (س).  
مومبانی : ا. مومبانی، موما.  
مؤنت : مانه. متگه (س).  
موهوم : ص. خه مائی، گومانای.  
مویز : ا. مهویر، فریول، فریولا.  
همس کوچی (ه). میغیر، مفر (س).  
موی بر اندام سیخ شدن : م. مووراسه  
بوون، موو گر کردن. ییزی (س).  
موی دم اسب : نامووسک.  
داموس (ه). بری (س).  
موی وز کرده : گر، وز، گف.  
بیز (س).  
مویه کردن : م. لاوانن. لاوانای (ه).  
مویه گر : ص. فا. بلاو.  
مویی : ص. سب. موویی، موینه.  
مه : ا. مژ، نه م.  
مهاجر : افا. کوچهر.  
مهاجرت : امف. کوچهری.  
مهاجم : افا. هیرش کار.  
مهار : ا. مهار، عارهقه، مه هاری،  
شهیان، له عاو، قه منهر، دیمهک،  
ناله نگ.  
مهارت : امف. مه هارمت، خبره بی،  
مه لاجی، بسپوری، شاره زایی (ش).  
مهارت داشتن : م. خبره بوون، ماهر  
بوون، مه لاج بوون. ماهر بهی (ه).  
خبره بی (س).  
مهیل : ا. ناووزی.  
مهتاب : امر. مانگه سهو، دریمه. مه هبا

۱. نوزاد نارس.

۲. فاس، زانی.



مہمیز

لہ گاتہ، بی خو۔

مہمیز : ۱. مامیز، ناو زہنگی، وزہنگی،

زہنگو، مہمیز (ہ)، ہر رکتب (س)۔

مہدس : ہند بار، نہ نازہ بار۔

مہیا : امف۔ نامادہ، نہ بار، حازر،

فومراح۔

مہیب : ص۔ ساماک، برسناک، سامدار،

ساموہر، سافی، سادار (س)۔

مہیج : افا۔ بزوتہر، ہلخرتین، بیونہ۔

میان : ۱. ناو، بہن، جہی، دلی

راسہ (ہ)، نیہک (س)۔

میان پر : ۱. ناوی، فہدی، سہری (ہ)۔

فہر (س)۔

میان نا : امر۔ ناویا، ناو گہل، دلی

لگ (ہ)۔

میان نہی : ص مر۔ باوحالی، بوج،

بووب، کلور، ہولول۔

میانجی : ۱. ناوجی، نیوجی، بھر فاد،

ناق بہن (س)۔

میانہ<sup>۲</sup> : ۱. مانہ، کہن و بہن، بہن۔

ناق بہن (س)۔

میانہ<sup>۳</sup> : ۱. ناو، بہن، نیوان، ناوگ،

ناو گین، ناہن (س)۔

میانہ بہم زدن : م۔ بہن ستوان، میانہ

بہ کادان۔ میانہ ستوان (ہ)۔

ناق بہن لک دان (س)۔

میانہ قلیان : امر۔ مانہ۔

سہ (س)۔

مہتابی : ۱. ص نسب۔ ماداوی، مہتاوی،

ہیوان، شانین، سامجیلہ۔

وہر ہیوانی (ہ)، نہ فان (س)۔

مہتر : ۱. مہتر، میراخور۔

مہر : ۱. مارہی، کہن، کابہ۔

مہر : ۱. مؤر، موہر۔

مہر خرمن : سہل، حاب، دہستہر۔

داج (س)۔

مہربان : ص۔ مہروان، مہردان، خوہس

روو، دل حبیبی (س)۔

مہر نماز : امر۔ نردہ مؤرہ۔

مہرہ : ۱. مؤرہ، موورگ، ساس<sup>۱</sup>۔

کلانہ، موہرہ (س)۔

مہرہ یشت : امر۔ بربرہ، مروخہ،

مورخہ، موکہ سب (س)۔

مہلت : امف۔ موولہ، ماوہ، نامان،

نہ مان، دہرفت، ہل۔

مہم : ص فا۔ کہتین، مہزن، عومدہ،

موہم، گرنگ، کارہ سات۔

مہمان : ص، ۱. مہمان، میوان۔

مہمانخانہ : امر۔ مہمانخانہ، فواغ،

میوانخانہ۔

مہماندار : ص فا۔ مہماندار، خودان

مقانی (س)۔

مہمل : امف۔ بوج، موہمل،

چنہی (س)، جہہ گ، زرنی،

میثاق : ا. بریار، نه‌مان.	میش : ا. معی، ه‌راح . مهی (س).
میخ : ا. مَخ، بزماء، جهر <sup>۱</sup> .	میشن : ا. مَسن.
میخ‌آخور : امر. ناخیه، میخ‌ناخور، سگ.	میعاد : ا. رووان.
میخچه : امص. بزماره، میخچه.	میل : ا. میل، سووکه.
میخ‌طویله : امر. گول‌میخ، میخ‌توتله.	میل : امص. میل، حواز، هموس،
سکه (س).	ه‌به‌س، مرغ، نه‌سه‌ها، مه‌لان،
میحک : ا. میحک.	فلوفا، خوازگه، حوازه، خواست.
میخوش : ص. مر. مهی‌خوس، مزر،	میل، میل : امر. پاپاء، متل‌میل،
نورس و سربس. مهی‌وس (ه).	حب‌حب.
میدان : ا. مه‌مان، ناراء، ح‌عر،	میلادی : ص. نسب، زاینی.
گوره‌مان، فادی، نه‌سهرنر <sup>۲</sup>	میله : ا. میله، زه‌رگ، سووکه، سیتخ،
گوفان (س).	سووسه.
میدان‌نازی و ورزش : ره‌نگا.	میلیارد : ملبارد.
میراب : امر. متراو.	میلیون : ملوین، ملیون.
میراب : ا. میراس، نرس، کهل و نوور،	میمون : ا. مه‌مبون، عه‌نتر، فنگ
میراب، میرابی، میرابه.	سوور، سه‌کسار.
میراب‌حواز : ص. فا. میراس‌خوهر،	
میرابی‌هر، سپه‌گر.	
میراحور : امر. میراحور.	
میررا . ص. مد. سووس، میررا، میرا.	
میرشکار : ص. مر. میرشکار، بازه‌وان.	
میز : ا. متر. ماسه، سکه (س).	
میزان : نه‌نازه، مرازوو، رنگ.	
میزان‌الحرازه : امر. گهرمانتو.	میا : ا. ما.
میزنان : امر. متواندار، حاوه‌مال،	میو : ا. نه‌ه‌سب، نوح‌سب.
حانه‌خودا.	میوه : ا. میوه، میوه، نار، سه‌مهر، مسمه،



میوه نارس : باکوئه، میمی.

میمی، نیمش (س).

میوه ریخته یای درخت : ناساحه، میهن : ا. بسمان، رند.

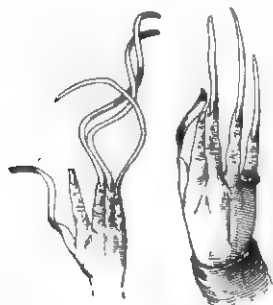
رزلهك، ررناگ، ررو.

# ن

خوبان، بڻي هٿي (ش).	ن : ن.
نااهل : ص. نائهـل، ناهال، ناباو.	نا <sup>۱</sup> : نا، نه.
ناباب (ش).	نا <sup>۲</sup> : وەرگه، گوړه، زوړ، گريک،
ناب : ص. ياک، خاوښ، بروښ، خالس،	تهوان، تاو، تاوښت، هيژ، گر،
رووب، زهنگ، پهنی، ناب، سوور،	بهـرگه، گو، هانا، گیر، تين.
زړ.	نا <sup>۳</sup> : ا. شو، دړن، نم، نمهـبو، بوـم
ناناب : ص. ناباو، ناباب.	چهـور، بوم چهـوگ. ښانم (ش).
نالغ : ص. نالغ، مالغ، بحوک،	ناآشنا : ص. ناناـسا، ماسارهـزا، مالهـد.
جاهيل	نهژناس (ه). نهښاس (ش).
نابساماني : ح مهـد. نابهـساماني، بښوه،	ناامن : ا. ناهـمن.
نازاو له، نازاوه. نالوړی (ش).	نااميد : ص. ناښم، مهـبوس، بښهر،



نابغه : ص. بلیغم، هه لکه وتوو، هه  
 کەتنگ.  
 نابگار : ص. جه لیب، نابه کار.  
 نابود : ص. مف. نابوو، نوqm، نه با، نه واء،  
 به زر، ون.  
 نابود کردن : م. نابوو کردن، نوqm  
 کردن، پووچاننه وه، فرتی خستن،  
 له به با بردن، به با دان، پووکاننه وه،  
 سوو حاله وه، ناباردن.  
 دلته به رده ی (ه). به یتن برن (ش).  
 نابینا : ص. کویتر، حافظ. خویر،  
 کور (ه). کور (ش).  
 ناباک : ص. ناباک، چه پل، یس، پوخل.  
 نابخته : ص. مف. کال، نه کو لیگ، خام.  
 نه گریا (ه). نه کولی، خاو (ش).  
 نابدری : ص. نسب. باوه پیاره، زیراب.  
 نابدید : ص. گوم، نوqm، بز، به زر،  
 ون، نوqm سار، نادیار، پیوار، نه یتن.  
 نابرهیزی : ح. مع. نابارتی.  
 ناپسری : ص. نسب. کولته و مس،  
 زیر کوپ.  
 ناپسند : ص. نه پور، ناپه سن.  
 ناپیدا : نک. ناپدید.  
 ناتمام : ص. ناتواو، نیمه چل، ناتمام،  
 گه لاله، ناقر، کورت، برنا، بجرناگ،  
 بریاگ، بچراو. خجل (ش).  
 ناتو : ص. نابو.



ناتوان : ص. عاجز، داماگ، نه رانه،  
 کوتول، داماو، دهرمنه، نه ووان،  
 سووده له، نه سه، دامای.  
 ناحک : امصع. ناحووهک.  
 هه گورهک (س).

- ناخوانده : ص مص. بئی واده، بئی ده‌نگ. ناراحت : ص. ناره‌حت، گلارو، نه‌خاندی (س).  
 ناخوش : ص. ناخوش، بیمار، نه‌ساق. ناراست : نک. نادرست.  
 ناخوشی : ح مص. ناخو‌ه‌شی، نازار، نه‌ساقی. نارس : ص. کال، کنج، خام، باکوفه، زورده، کولنج، که‌وگ، گرکه ۲.  
 ناخوش آیند : ص فا. ناگه‌وار، نه‌پور، نه‌پوریاگ. ناو‌ش (ه). نه‌گه‌ه‌یشنی، ه‌ریک، ک‌ارک، ک‌یرد (ش).  
 نادار : نه‌دار، نه‌قیر، نسک، ناهمی، نارگیل ۱. نارگیل.  
 ه‌رار، ره‌حال، لی‌که‌فنگ، نه‌دار، نارنج : ۱. نارنج.  
 چنه‌یی، نه‌رامنه، بئی‌نه‌وا، کوتول، نارنجستان : امر. نارنجستان.  
 بابه‌دس، دس ته‌نگ، دس کورت. نارنجک : امضه. نارنجوک.  
 برش، بله‌گاز، بله‌نگاز، زیقار (س). نارنجی : ص نسبه ۱. نارنجی.  
 نادان : ص. گه‌وج، باله، نه‌حسق، ناروا : ص. ناره‌وا، زلم، زور.  
 ه‌رد، گنج، بلح، نه‌زان، بئی‌مه‌زگ، نارون : ۱. نارون، بناو، به‌ناو، بله‌حش، نه‌قام، حاهیل، ریش‌گا، دارتوفانه، به‌ناف (ش).  
 نادان، لازگ، گوی سوپ، گوی لهی. ناز : ۱. ناز، نین، ناک، خنجه، خه‌مزه، خنچکه، نینجه و فینجه، غه‌مزه.  
 نادانی : ح مص. گه‌وجی، نه‌حسه‌یی، نازا : ص. ناوه‌سوو، نه‌زوک، نه‌تور، نه‌قامی، نه‌زای.  
 نادرستی : ۱. هه‌نه‌زاگ. نه‌نه‌زا (ه). نازا : ص. ناوه‌سوو، نه‌زوک، نه‌تور، نه‌قامی، نه‌زای.  
 کچ (س). نازک : ص. نازک، نه‌رجک، ناسک، نادر : ص. هه‌ل‌که‌فت، که‌م به‌دا، نادر، ده‌گمه، ده‌گمه‌نی، که‌م یاب.  
 نادرست : ص مر. نادرست، سهرجه‌وت، پیچ، ناوا، ناهال، نه‌سگ، باریک، زراف، حولوی، حولی، سووت (س).  
 سهرجه‌وت، پیچ، ناوا، ناهال، نازک دل : ص مر. دل ناسک.  
 چفت، جه‌وتل، نادرست (ه). نازیدن : م. ناز کردن، نازین.  
 حار، ناحار (ش). ناساز : ص. ناساز، ناریک، بابه‌نا، ناک و نادم : افا. باسگه‌ز، به‌سمان. لو.

ناسزا : ا. جنتو، جوتین، دژوتین، خراو، خراپ، خوشن، فحه‌ش، رف.	بیرهر (س).
دژمانی (ه). قسین، خمه‌ر (س).	ناظر : افا. چاویار، چاودیز.
ناسور : ا. بیراوی، ناسور.	ناف : ا. ناوک. نه‌ه (ه). نافک (ش).
ناسور (ه). ناخووب (س).	نافذ : افا. کاریگر، که‌سکون.
ناسور کردن : م. کولانن، کولانده‌وه، کولانه‌وه. کولسای (ه). ناخووب	نافرمان : ص. نافه‌رمان، سر‌کیش،
کرن (س).	جهرده، یاشی، جه‌به، ناشزه .
ناشیست : ص. نه‌سیاو، ناشاست،	ناه‌رمان (ه). حیج (ش).
نالایی، زور، نائل، ستم. نه‌ه‌ری،	نافع : افا، ص. به‌که‌لک، به‌ده‌ردخوهر.
نه‌زی‌هایی (س).	ناقص : ص. نانه‌واو، که‌سر، ناقر.
ناشتا : ص. ی. ساسنا. له‌رحب،	ناقلا : ص. ناهال، نه‌وهر، نه‌به‌رد،
هه‌ناشتا (ش).	شیتان، ناقولاً، چه‌وون.
ناشتایی : ا. به‌رقلیانی، سوبخانه، به‌ردل،	ناکس : ص. جه‌له‌و، جه‌له‌ب، ناگه‌س.
قاوه‌توون، پیش‌قلیانی، وهردل.	ناگاه : ق. ناگه، جه‌له‌و، به‌جاریکا،
وهرچای (ه). به‌رتیت (ش).	کوتوویر، ناخلاف، بی‌وخت، ناکاو،
ناشتایی کردن : م. به‌رقلیانی خواردن،	له‌پس، کوب و مزه‌فی، جی به‌جی،
ناشتایی کردن، به‌ردل کردن، قاوه	به‌ک‌ه‌و، له‌پرا، نشکفه (س).
نوون خواردن.	ناگزیر : ص. ناچار.
ناشکر : ص. ناشوکر، ناسویاس.	ناگفته : ص. مف. نه‌وتزیباگ،
ناشناس : ص. نه‌شناس، بیگانه، نه‌نیاس،	نه‌واجیا (ه). نه‌گویی (ش).
نه‌ژناس، غه‌واره، به‌رانی (ه).	ناگوار : ص. ا. ناخوش، نه‌مور،
بیانی (ش).	ناخوش، ناگوار. ناووش (ه).
ناشی : ص. نه‌زانکار، ناشی، تازه‌کار،	ناگهان : نک. ناگاه.
خام.	نالایی : نک. ناسایت.
ناشیگری : ح. مص. ناشی‌گه‌ری،	ناله : ا. ناله، نکه، نزووله، نزا .
نه‌زانمکاری، خامی. ناشیاتی (ش).	لرجه (ش).
ناشنا : ص. فا. که‌ر، نه‌نه‌وا، کرووس،	نالش : امص. نالش، نک و نال.
کریل، گوئی‌گران، بی‌گوئی.	نالای (ه).
ناطق : افا. بوتر. به‌مه‌ر، فه‌که‌ر،	ناله کردن : م. ناله کردن، نالانن،
	نالین، نکانن.
	نام : ا. ناو، نیو، نیم. نامی (ه).

ناف (ش).

ناوه رژن (ه). یتى خاړن (ش).

نامادری : امر. باوه رد، زېږداښک،

نان خالی : امر. نانوشک. نانه

زېږداښک، رد باب، باباره یی (ه).

پروونه (ه). نان ترسی، نان سی (ش).

نامادری زن : زهړحه سوو.

نان خانگی : امر. نان مائی. نان و

زهړه سړوه (ه).

بانې (ه).

نامحرم : ص. ټیگانه، غهواره، نامحرم.

نان خور : ص. فا. نانه خوهر،

نامدار : ص. مر. ناودار، په باوبیانگ،

بانه وهر (ه).

مه سپوږ، مه سووړ.

نان روغی : امر. نان روغی، نان

نامرد : ص. ناسا، ناساگ، نامرد.

که سمه، بجرک. کاده (س).

نامزد : ص. ممد. ده زېږان، ده زگیران،

نان سنگک : امر. سهنگ کی، سهنگک.

ده زووران، باوبریاگ، گراوی.

نانوا : ا. فانهوا، فانهو کمر، نان کمر. نان

ده زگیرانه (ه). ده زگیرى (ش).

نهج (ه).

نامه : ا. نامه، کاغه ز، دس نووس،

نانجیب : ص. مر. بوړه، نانه جیب.

سابه دس.

به دغه سل (س).

نامی : نک. نامدار.

ناو : ا. باوسمان، ناوه یی. سوول (س).

نامیدن : م. ناویدان، بانگ کردن، ناو

ناودان : ا. ملوور، ملووسک، سوولاوکه،

بردن.

نامیزان : ص. لاره سهنگ، نارېک،

سوړکه، جرووسک، سوولک،

نامیزان، باک و لو، فولوور، لاسهنگ.

سوولاوگه، سوولاف، کوول.

حار (س).

نان : ا. نان، بجرک، که سمه، نانه.

ناوسمان : امر. سرک، بوب، باوسمان،

گیتۍ، گیتکه<sup>۱</sup> (ه).

هم، کوول. لولوی (ه). سوول (س).

نان آور : ص. فا. نان هاور.

ناوه : ا. ناوه، ده سه وهره، ده سه وهره.

نان ارزن : امر. گالینه، گیته (ه). نان

ناهار : ا. نه هار، نه وروانه، نه وروانه،

گارس (ش).

ناشتی. فراخن (ش).

نان بیات : ص. مر. په زیره، بهیاب.

ناهموار : ص. ناهموار، ناکلوکار،

کارتو (ش).

نارېک، درشت، نادوروس، فولوور.

نان خورش : امر. نان خوره رشت.

نای : ا. خرخره، نای، سورچیکه،

فور فور اچکه، فورگ، کهله لووک،	حیواس، دارناس.
فورانحک، کیرکیر، فورم. گه لوه زی،	نجاست : امص. بیسی، چه پهل،
فرقه منی (ه). حلالو و جک، فر فروک،	یسانی، نه حاسب.
حلالووک (س).	نجس : ص. که سیف، چه بدل، نه جس،
ناماب : ص. نه روه نده، ناماب، ناماب،	سپوت. یس (ه). سلوک (س).
فاب، زاسمه.	نجوا (نجوی) : نجه، جبه، سره. فجه،
نایره : ا. کلیه، بلتسه، گور.	حفه (س).
نبات : ا. گیاه، هه ژگ، گزو گیاه، ئالاخ،	نجیب : ص. ره سده، نه جیب.
بزال. گبواو (ه). یینجار (س).	نحس : ص. وه سوومه، نه بنوومه،
نبات <sup>۱</sup> : ا. نهوات. نه بات (ه).	سوم، مه سووم، خراو، نه حس،
نبرد : ا. شهیر، جه ننگ، نه رقه شه،	دایس، هسان، قه سقه، قوشن.
ده مفره، داوا.	نحوه : ا. چونه بی، ریزمان، چه شن.
نبش کردن : م. دانه وه، هه لته کانش،	نحیف : ص. لاوازه لهی، بی گیان،
هه ل کنده وه.	بی بووس، لا گیان، زه رده له.
نبض : ا. نه بز.	نخ : ا. بدن، خه یانه <sup>۲</sup> ، ده زی، تیئل،
نمبره : ا. نه مبره، که مسکه زازا، کوریه	دهرگ <sup>۳</sup> ، نه رگ <sup>۲</sup> ، ناسورن، هسان،
زازا. نه یجرك (س).	ده زوو، قازم <sup>۴</sup> ، کشتهك <sup>۴</sup> . نه ی (ه)،
نیخته : یک. نایخته.	به ند، کندر (ش).
نترس : ص. نه برس، دیواندیر	نخاع : ا. ره زله، گیانه مه ژگه. مؤخ و
حاونه برس، دیر، نه زات، بی باک،	مازی (ه).
خره، گوساخ.	نخاله : ا. نوخاله، کرس، پاژینه، نفت،
نتیجه : ی. نه حه، حاسل، دهر، نه حدم.	سلپ، چیترو یجن، بن بیتزنگ (ه).
نجات : امص. نه حاسب.	چینک، کرشه <sup>۴</sup> (ش).
نجات دادن : م. رزگار کردن، نه حاب	نخبه : ص. هه ل بزارده، سه رنه ل.
دان، نازار کردن، رسگار کردن.	نخچیر : ا. نه چیر، راو، نیجیر، سه ی،
نچار : ص. سفله. حوئاش، نه چار،	سکار.

۴ - نخ بسم ما ابریم.

۱ - يك گونه سیرینی، بلور سکر.

۲ - نخ فرقه.

۳ - نخ برگ.

نخست : ی. نهوعل، ههوعل، به کهم،  
 سهر، سهرگین.  
 نعل : داخه ۱۰

ندبه : ا. لاله، ناره، سن، رۆرۆ.  
 ندرت : امص، ی. ده گمه، ههل کهفت،  
 نودرهت، ههل کهوب.

ندید بدید : ص. نهیی، به وکیسه، تازه  
 بئا که و بوو، مازه بئا که فگ.  
 نهدوڤ (س).

نذر : ا. نهزر، نیاز. فوو بوو، نه دره (ه).  
 نر : ص. ا. بتر.

نرخ : ا. نرخ، نه رزس، فیمهت، بایی،  
 به ها.

نرد : ا. نهره، نه خته.

نردبان : ا. بهینجه، به بژه، به بجه،  
 پاپاچینه، پا به نجه، پی بیلکه،  
 قالدرمه. بهرکهک، سرده، بئرک،  
 تر نجه، رهوز، ستر، ستاره، ستره،  
 سردی (ش).



نخ نما : ص مر. نه خنما، بان دهر کهفک.  
 بان دهر کهومهی (ه). بووک  
 حوی (ش).

نخود : ا. نۆک، هندیله<sup>۱</sup>. نووی (ه).

نخودچی : امر. نۆکه نهنی.

نذا : ا. بانگه وازه، بانگ، ده بگ.

نذار : نک. نادار.

نذافی : ص. هلاج، سیه وکهر.

ندامت : امص. به سیمانی، سۆن گزی.

نرده : ا. نهرده، مه عجر، رایله.

نرگس : ا. نیرگس، نهرگس.

نرم : ص. شل، نهرم، سن، لووس.

نسب : ا. ره چهلَك، بنه چه، نه به وه، فنگه زه.	به شووش (ش).
نسبت : ا. نسبت، حوبسی، حزمایه بی، ریره.	نرم نرم : ق مر. نرم نرم، سکه سکه، به سا به سا، هیدی هیدی، خاوه خاو.
نسترن : ا. نه ستره زن. ولی (ه).	نرمه : ا. نرمه، سلکه، ولمه.
نسج : ا. بافت، تان و پو.	نرمه گوش : به لگه، ححکه، جیجله.
نسل : ا. نسل، بنه چه، بنه توو، ره گ، قورم. ره هه (ش).	نروك : ص. نبروك، نبر (ه). بی به ر (س).
نسیم : ا. نسیم، شه. وا (ه).	نرخر : نبره کهر. نبره ههر، خهرمه (ه). سیکه (ش).
نسیه : قهرزه، قۆله. قهرده، قهر (ش).	نرینه : ص. ا. نیرینه.
نشا : ا. شتل، کان.	نزاع : امص. مس و می، به به ره کانی، حه بگ، داوا، کنه، گتره و کنه، دهم فیه.
نشاسته : ا. نشاسه، شاسه.	نزاكت : امص. ستواز.
نشاط : ا. گسه، خادی، خوه شی.	نزد : ح اص. لای، بال، بن بال، دون، به نب (س).
نشان : ا. نیسان، نیسانه، شون، نه به ر، به بگ، حه حهره، نه به ر، به لگه، به رگه، علامه، دروسم، ناو نیسان.	نزدیک : ح اص. نزیك، دهم دهم، قهره، بالوو، هورخه، هبرخه، لایك، نامهك.
نشان دادن : م. نیسان دان، بی نوان، نوان، ناو نیسان دان. نیسانه دای، نوانای (ه).	نزع : امص. گیان که نب، گانه لایو.
نشان کردن : م. دباری کردن، نیسان کردن، دوبردی.	نزله : ا. نه زله، پهیا، زو کام، نالامهت. به رسوو، نه رسی (س).
نشانه : ا. نیسانه، ناماج، دوز. سهرک (ش).	نژاد : ا. ره گهر، ره نه وه، نژاد، ره سدن، ره نه وه، به که، رسته، به بوو، بوحم، بنه بو، نه بار، نه وار، نورم، ست، سولان. ره هه (ش).
نشانه گرفتن : م. نیسانه گرفتن، یارتیز حوون، هره ول روبن.	نژند : ص. یه ستو، زاکاگ، راکاو.
نشانی : ا. نیشانی، نادر مس. حه خهر (ش).	نساج : ص. بافکار، بافه نه، جولآ، نه ونه گهر. کورس، کورس کهر (س).
نشت : ا. نشتر.	نصار : ا. نسا، زماك، زمهك، رۆز نه گر.
نشت کردن : م. نه شت کردن، نم دار،	کافزار (ش).

ده لائن. نم دای (ه).	ه ند، راوتر.
نشخوار : ا. کاوتر، کابیس.	نصیحت کردن : م. موحیاری کردن،
نشور (س).	ناموحیاری کردن، نه سیحبت کردن،
نشستن : م. سن، دانیس.	ه ند دان.
نهره نیسهی (ه). روونیس،	نطعه : ا. بوم، بومعه، بوحه، نلب،
رونیس (س).	بوحه، بوم.
نشست کردن : م. سی کردن، نه بیا،	نطق : به به، ویره.
ه نشن (س).	نظارت : امص. چاوماری، حاودتری.
نشست و برحاست : ه لسان و	نظاره : هریج.
دانیشتن، هات و چوون. وسه وره	نظر بلند : ص. سر. نه زهر به زهر،
نیتهی (ه).	نه زهر بلی.
نشگون : ا. نوکورچک، قورنچک،	نظر نگ : ص. سر. نه زهره نگ.
فونچرک. فولنجی (ه). فورنجین، چین	نه زهره فی (س).
چینک (ش).	نظر زدن : م. جاوولی دان، نه زهر کردن،
نشوء : ا. گه شه.	نه زهر لی دان.
نشیب : ا. نشیوه، لیترایی،	نظری بگیر : رهس بگیر.
سره و خوارایی، خوارایی.	نظریه : ا. را، پروا.
نشیمین : ا. نشیمه، مه لوئه، نشیمان،	نظم : امص. سه قام، به زم، هریب.
ماوا.	نظیر : ص. ماهه، نه ریر، و سه، وهک.
نص : ا. دوق.	قام، هاوئا، جف. ه کوو (س).
نصب کردن : م. داکوتان، دامه رزان،	نظیف : ص. پاک، نه میس، خاوتی.
دامه رزاندن، هل ختن.	نعره : ا. ناره، نه عره، نه عره به، بوره،
نصف : ص. ا. نیم، نیمه، لاء، له.	نرکه. نری (ش).
نث، بک (س).	نعره کشیدن : م. نه عره کیسان،
نهییب : ا. نه سیب، بهس، باره، سه هم،	بپوراندن، ناره نه کیسان. نری
سو، سمب.	کیسان (ش).
نصیحت : ا. به، موحیاری	نمشی : ا. نرم، لهش، جه سه ده، به دهن،
ناموحیاری، نه سیحبت، نامورباری،	لاشه، لاک، جه نازه، که لاک، لاس.



جه ندهك، زه مەز (ش).	خیر، حەبەر.
نعل : ۱. نال.	نقعه : ۱. بێ بریو، خەرج، بەهەهە.
نعلمکی : ۱. نالەکی، رەتەنە، جێر	نقله : ص. نقله، نابوو.
باله (ه). بێسکاک (س).	نفوذ : امص. نفووز، بێش، کاریگەر.
نعلبد : ص. فال، نال بەن.	نفوس زدن : م. فران، نوولانه دان،
نعلین : ۱. نەلەن، بالای (ه).	نفوس دان، فریای (ه).
نعمت : ۱. نعم.	نهم : بک. نادان.
نعناع : ۱. نەعنا، بودینه، نەربە.	نقیر : اص. پۆرە، نارهە.
بوینه (ه). نەناک (ش).	نقتیس : ص. گرانایی، بەنرخ.
نعمو ذبالله : خوانەخواه، دووروانە،	نقاب : ۱. رووینە، بەرجک، بێجە.
دووربای. خوانەخوازە (ه). خودی نە	نقار : امص. ساکوکی، بێ، بەین
خاستی (ش).	ناخوسی.
نعوظ : امص. راس، رەق، یراق، رەب.	نقاره : نەفاره.
نغمه : ۱. گۆرانی، دیلانی، شاهەنگ،	نقاش : نگار کس، سیوہ ساز، نەفاس.
هەوا، ترانە، چرە، ستران، لارە (س).	نقاشخانه : امر. نگارخانە، نەفاسخانە.
نعت : ۱. نەت، نەوت.	نقاشی : ح. مص. نەفاسی.
نخخ : ۱. با، وا، نەفخ، بەرحەوب،	نقال : ص. نەفال، جیروک بێر، بەب
خەمەرە.	خوتن، قەبیر (س).
نخخ کردن : م. با رکرن، خەمەرە	نقالی : ح. مص. نەفالی. قەبری (س).
کردن، نەفخ کردن. وا کردەوی (ه).	نهب : ۱. نەب، قومەس، نەعم،
نفر : ۱. زەلام، نەفر، کەس.	گۆرېسجە، کوورە، ولە (ه).
نفرت : امص. نەرم، نەلس، فین،	لەخمە (س).
بیزاری، زەحل (س).	نقد : امص. نەخت، دراو.
نفرین : ۱. نفرین، فرا، برا.	نقره : ۱. زیو، نوقرە، زیف (ش).
نفس : ۱. نەفس، هەناسە، سوو، سگ،	نق زدن : م. نووکه نووک کردن، نە
بێ، بەبو (س).	کردن، نکانن، نکای (ه).
نفس منگی : ح. مص. هەناسە بێکی،	نقش : ۱. نەخش، چەش، درۆشم، وێنە.
بەهەسە بەنگی، بەنگەبەهەس. بێس	نقش و نگار : نەقش و نگار، خال و مێل.
کورنی (س).	نقشه : ۱. نەسە، حەربە، رەنگ، ری و
نفع : ۱. فازایح، سوو، بارە، کەلک،	سوین، گالە، لەل.



نمذ زین : امر. نه که نتوو، نه مه زین،  
نهر مه زین. بن زین (س).  
نمد مال : ص. ف. سه مه دمال.  
په ره کمر (ش).  
نمره : ا. نمره، زماره، شماره.  
نم سنج : امر. نم پتو.  
نمک : ا. نه مک، نمک، خوا، خوئ، نام.  
مه کی (ه). خي (ش).  
نمک بحرام : ص. مر. سیله، نمک به  
حرام.  
نمکدان : امر. نه مکدان، خوادان.  
مه مکدان (ه). خوئ دان، خي  
دانک (ش).  
نمکزار : امر. نه مکزار، سوزار،  
سوره کاب. خي زار (س).  
نمک سگ : امر. حوا هوری.  
نمک : ص. نمک، نماوی، نمدار،  
سی دار.  
نم نم : امر. نم و نم، نم نم، ورده  
ورده، نروسه.  
نمو : امف. گهس، گهسه، نالا، روسد.  
هراری (س).  
نمور : نک. نمناک.  
نمونه : ا. نموونه، وتنه، سهرمه سی.  
نمیر : ص. نه مر.  
ننر : ص. لنوس، نوپور، عه زبر بی  
جه هب، بی مه زه.  
نگ : ا. ناهو، نه بگ، نهک، عه ب،  
به سک، داگا، عار.  
ننگین : ص. بس. نه نگین، نه بی دراوه،

- نوحه : امض. نوحه، جراع.  
نوحه : ا. نوحه، لاهه، سيوه، سيب،  
روپو. لازه (ش).  
نوحه خواندن : م. لوانن، روکردن،  
لاواندن، لاواندنهوه. لاواواي (ه).  
لازه گووين (ش).  
نود : عدد. نهوه، نهوه، ۹۰.  
نور : ا. نور، سهوي، رووناکي،  
روئنايي. روئنايي (ه).  
روئنايي (س).  
نورچشم : سوما.  
نوردیدن : م. رتي برين، رتي چوون.  
نورسيده : ص مف. نازه بي گيو، نازه  
بي گيگ.  
نوروز : امر. نهوروز.  
نوزاد : ص مف. بهبه، بهبك، نهوزا،  
مهلوكه، ساوا. بيچوو، ساقا (س).  
نوزاد درنده : برك.  
نوزاد زنبور عسل : نهلخه، سهلفه،  
كولووره.  
نوزاد قورباغه : كشيلاهه، سهلكه  
مهويژه. كهشكهسه (ه). تينكه  
ماسي كفليلك (ش).  
نوزاد ملخ : پاكوپه، بي كوپه،  
مهله كوپه، حورز، كوپه پا.  
نوزده : عدد. نوزده، ۱۹.  
نوساز : ص فا. نهوساز، تازه ساز.  
نوسان : امض. لهزه، لهزه.  
نوش : ص، ا. نوس.  
نوشادر : ا. نوساير.  
نوشت افزار : كه ره سي نويس.  
نوشتن : م. نوويس. نويسي (ه).  
حه سيمان (س).  
نوشته : امض. نووساگ. نويسا (ه).  
خه، هسار (س).  
نوشیدن : م. خواردنهوه، هلموژانن،  
نوس. ناسماي (ه).  
نوع : ا. جور، بهحر، بهور، جنس.  
گونه، بيه (ه). نهلب (س).  
نوعروسي : ص مر. نازه وهوي.  
نازه وهويه (ه). نوپوك (س).  
نوغان : ا. نوسخه، نوخسه، نهوغان.  
نوك : ا. ده نووك، نووك.  
نوك پستان : گو، گوان، گوي مهك.  
گوچي چي (ه).  
نوك درخت : سه ريل، هله بوته.  
نوكو : ص، ا. نوكر، بياگ، خوبزه،  
بيا، خزمهكار، رهنه، خولام.  
نوه : ا. بهوه، رولنه، كوپه را  
كه نيسكهزا، كنهحهزا (ه).  
نهئي (ش).  
نوید : ا. مزگيتي، مزگاني.  
نويسته : افا. نووسر.  
نه : نه، مه نا، نهري، خهبر.  
نه : عدد. نو، .



- بها : م. دایاک، داناک، هیس، روناک،  
لین. نیایره، ناسی، نهره‌نای (ه).  
هستن، هیلان (ش).
- نهال : ا. نه‌مام، بن‌ماو، ریس، چلاک.  
شینه (ش).
- نهان : ص. و. نهیتی، نادیار، سارناگ،  
سارناوه، نه‌نام، نووم. نه‌زر، نه‌نی،  
خف (س).
- نهر : ا. نه‌هر، نار، جو، رُحانه، زق.  
جوی، چوم (ه). رُبار (س).
- نهد : عدد. نوسه، ۹۰۰.
- نهفتن : م. سارده‌وه، فاسم کردن،  
سارین. به‌نهان‌کهرده‌ی.  
سارده‌وه (ه). به‌مارس، به  
سارین (س).
- نهگ : ا. گاماسی، به‌هنگ.
- نی : ا. نه‌ی، بلوول، سمسال، دوزله،  
خه‌زهران، زله، یلوور. به‌یجه،  
لوولی، حوزله (ه). له‌هن،  
خه‌یره‌ران، فامیس، لولک (س).
- نیزه : ا. نه‌یزه، رم، سونی (ش).  
نیست شدن : م. نوqm بوون، گوم بوون،  
نیس بوون، ون بوون. بزاین (س).  
نیستی : ح‌مص. نه‌بوونی، نه‌مانی.  
نیش : ا. چزه، چزه، چروو، زمرو.  
نه‌سنگ، درووشك (ش).  
نیشتر : ا. نشتر. نژده (ش).



نيشتر زدن : م. نشتر لټي دان.	نيم خشك : ص. مر. كزر. زورده (ه).
نيشخنده : امر. زمرده، زمرده خه نه، تاله بز، تاله خه نه.	نيم خورده : ص. مف. پاش مهنه، پاش ماوه، پاش خوان.
نيش زدن : م. چزانن، چزه لټي دان، دان پټه و، پټه و دان، درووشك لټي دان (ش).	نيم خيز : امر. لاخيزه، نيم خيز. نيمدار : ص. مر. نيم داش، نيم دار. نيم دست : امر. لامست، لاگوتل.
نيشگر : امر. نه يشه كړ، قاميشي شه كړ. نيشگون : نك. ننگون.	نيمرخ : امر. نيم روخ، لاتبلاگ، لاجلجك، لاشه وټله.
نيك : ص. خاس، باس، چاك، حومن، خوس.	نيم رس : ص. نيم رس، زورده. نيمه پاواي (ه).
نيكو : نك. يك.	نيمرو : امر. هيلكه وړون، هيله پوهني (ه). هيكه روون، هيرون.
نيكو كار : ص. مر. خه پړو مهن، شول باش (س).	نيم سوز : ص. مف. چټيك، كوتوره، قهره، برووت، سووتل، قوتوره، چلاسك، چيلك، بزووت.
نيكي : ح. مصد. خاسي، باشي، چاكه، خاسه، خوسي.	چلو سوك (ه). نيم سووتي، نزووك (س).
نيل : ا. ليه ننگ، بيل، لاجورد.	نيم كاره : ص. مر. نيمه كار، نيمه چل. خجل (س).
ني ليك : نك. ني.	نيمكت : امر. بيمكت، هه نه.
نيلگون : ص. ناوي، سين.	نيم كوپ، نيم كوبيده : ص. مف. بهل حورد. سه مار (ه).
نيلوفر : ا. له ولاو، نيلو ووهي.	نيم گرم : ص. مر. شيرين، نيم گهرم، وله رم.
لافلاك (س).	نيمه : نك. نصف.
نيله : ا. رهش كه ووگ.	نيم بند : ص. مر. نيم بهن، ډوله مه.
نيم : نك. نصف.	نيم تخت : امر. نه تنه، نيم نه خب.
نيمه : نك. نصف.	نيم تنه : امر. نيم به نه، سه لته، كوله، سوخمه، نه كمه، كه ميري، نافمه، بهل، زه خمه، كوره، كوله خه، كوله خه، كوله خه، كوله خه.
نيم بنده : ص. مر. كورهك (س).	نيم شيدن : م. بسس، رنه سن، شنه وين.

# و

- و : و  
وابستگی : ح.م.م. دوو که و سووی،  
لاکوی.  
وابسین : ص. ناحرین، ناخرمیس، دو  
واین، دوواگین، دمایین (ه).  
واجب : ص. پیویب، واجب، لازم.  
واجبی : ا. واجبی، داروو، نووره.  
موحور (ه).  
واخ : ص. ناخ، واخ، اوح، داح و  
واخ، ناح و داخ.  
واخواهی : ح.م.م. واحوازی.  
واخورده : امف. واخورده.  
وادار کردن : م. وادار کردن، ناچار  
کردن، بیسکه نیان، مهجیور کردن،  
ههت خیرانن. هور خیرنای (ه).  
سه رکرن (ش).  
واداشتن : نک. وادار کردن.  
وارث : اف. بهش بهر، وارث.  
میراثگر (ش).  
وارد شدن : م. جوونه ناو، وارد بوون،  
بی جوون. لووانه دلی (ه).  
وارسته : امف. نازا، نازاده، سهره سب.  
وارسی کردن : م. یسکتین، واره سی.  
لی گهریان (ش).  
وارفتن : م. بلیان، خاوه بوون، بی  
جوون، بزرکان<sup>۹</sup>.  
وارفته : امف. بزرکاو، سل، سله ره،  
ریبوتل، پروو سفاگ، په سووس،

ست. خلیجك (س).

هر (س).

وارونه : ص. ناوه‌روو، هه‌له‌وگه‌ریاگ،

واماندن : م. دامان، مان، په‌ك كه‌فتن،

دهمه‌و پروو، دهمه و نوخوون،

باحس، له‌ماكه‌فس. باوسه‌ی،

به‌رعكس، هه‌لگه‌پاوه.

باكه‌وه‌ی (ه). به‌لبین، به‌رمین،

وازدن : م. دوواوه‌دان. دماوه‌دای (ه).

بی‌دامان (س).

باس دان (س).

وامانده : امف. داماگ، داماو، بیرا،

واژگون : نك. وارونه.

باكه‌تگ. ماكه‌وه‌ی (ه). سن (ش).

واژه : ا. وشه، وازه، وه (ه).

وانمود کردن : م. نواندن، نیسان دان.

واسطه : اقا. ناوجی، نتوجی، واسه،

نهره مانای (ه). بی‌گه‌هاندن (ش).

وه‌سیله. ناف بهن (ش).

واهمه : ا. سام، درس، ساق (ش).

واشر : ا. به‌ره‌تیج.

وای : صت. وای، وی، وه‌ی، ناسخ.

واضح : ص. دیار، ناسکرا، ناسکهر،

فای (س).

روسن، روئن (س).

وبا : ا. وه‌با، جاوه‌موئه.

وافر : ص. زیبا، فره، زور، مسهمه‌ر.

وتر : ا. زی.

گه‌لك (ش).

وثیقه : ص. ا. بارمه، گره‌و، گره‌وی.

وافور : ا. بافور، بلول.

وجاهت : امف. هه‌سه‌نگی، زهریفی،

واق وای : صت. حه‌نه، وه‌په، حه‌حه،

جوانی.

حه‌ج و لوور.

وجپ : ا. بنگووس، وه‌حه‌ب، قولانج،

وافعه : ا. کاره‌سات.

گهر، یس، یس، یسگس.

واکردن : کردنه‌وه، واز کردن،

وه‌سه‌ه (ه). به‌هوس (س).

ره‌وانن، داچه‌قائن. گهرده‌پوه (ه).

وجد : ا. سادی، خواه‌سی، كه‌ف.

كرنه‌فه، فه‌كرن (ش).

وجدان : ا. ویردان.

واکس : ا. بویه، واکس.

وجود : امف. وجوو، بوونی، رسکان.

واکسی : ص‌نسب. بویه‌چی، واکسی.

وجین : ا. برار، وه‌جین، هه‌رتیز. فرس،

واکنش : امف. کیشه.

کشکه (ه). تالاج، ناشیف (ش).

واگو کردن : م. واویژ کردن، وتنه‌وه،

وجین کردن : م. بزاردن، برار کردن،

گووته‌وه. نه‌وه‌وانه‌ی (ه).

وه‌جین کردن، بزارونه‌وه، دوورین.

وام : ا. قه‌رز، وام، ده‌سه‌قه‌رز.

کسکه‌کرده‌ی (ه). ناسف



- کرن (ش).  
 وحدت : ا. به کینه‌ی.  
 وحشت : ا. سام، نرس، مهنرسی،  
 وه‌حب. ساف، سوهون (ش).  
 وحشت انگیز : ص‌فا. سامناک، ترسانک،  
 ساماوه‌ر. سافی، سافدار (ش).  
 وحشی : ص‌ن‌ب. وه‌حشی، کتفی،  
 بیاوانی، کتوی، کتفیله، کتوی، کتلی.  
 کتفی (ش).  
 وحی : ا. لیوه، خوریه، نلهم، وه‌حی.  
 های (ش).  
 وحید : ص. ناق، تاکانه، تافانه، تنیا.  
 نئی (س).  
 وداع : ام‌م. مالاوایی، خواحافزی.  
 ودیعه : ا. سبیراو، سبیراگ، وه‌دیعه،  
 نارمه.  
 ودیعه‌گذاشتن : م. سپاردن،  
 بارمته‌نیان، گرهو بیان.  
 وَر : ی‌جهب. همل. هور (ه).  
 وَر : وپ.  
 وَرّاج : ص. وپاج، هه‌رزه‌چهنه،  
 هه‌ره‌چناخ، چناکه‌سکاگ.  
 چه‌ناکه‌م‌ریا (ه).  
 وَرّآلدن : م. هه‌لّان. هور نامای، حباوه  
 بیی (ه). گه‌تشی (س).  
 وِرپریده : ص‌م‌م. بتا به‌ریک. پرای  
 بوَر (ه).  
 وِرجه : ا. فوه.  
 وِردنه : ا. وِردنه، بره‌نان، کولوه‌ر.  
 ورزا : ص‌فا، ا. که‌نه‌گا.
- ورز دادن : م. وه‌رزدان، مالتین.  
 وِرده‌وه‌دای (ه). هه‌کتیسه‌هه (ش).  
 ورزدن : م. وِری‌لّی‌دان. وِری‌دای (ه).  
 ورزش : ام‌م. ره‌پل، وه‌رّس، نه‌مرین.  
 ورزیده : ام‌م. وه‌رّزیده، راهابوو، فوب  
 و فوَل، کارکوسه. مووجیا (ه).  
 وِرت (س).  
 ورشکست شدن : م. هه‌لّانکان.  
 به‌رسکس بوون.  
 ورشکسته : ام‌م. به‌رشکه، لی قومباو،  
 لی قومباگ، هه‌لشکاو.  
 ورطه : ا. گبّراو، حه‌چل، قه‌ره‌شه،  
 گبّچل، وه‌رته، گوَم، گبّجاو.  
 ورق : ا. وه‌رق، به‌رگ، تو، به‌ره،  
 لاپه‌ره، قه‌رد، لا، لافه‌رد، نه‌وق،  
 نه‌لگ، لانه‌وق. ته‌بق، لانه‌بی (ه).  
 به‌ریک (ش).  
 ورق زدن : م. په‌ره‌داسه‌وه.  
 به‌ره‌وه‌دای (ه). قه‌رق لی‌دان (س).  
 ورقه : ا. وه‌ره، به‌ره، بووا.  
 ورقه‌ورقه کردن : م. نووا کردن،  
 تووا‌بووا کردن. تووا کرده‌ی (ه).  
 وَرّک : ا. سم، کلّوک.  
 ورم : ا. وه‌رمه‌م، به‌نام، بیش،  
 به‌رحوت، خیر، ناماس. وا (ه).  
 ورم‌الیدن : م. هه‌ل کردن. هور  
 کرده‌ی (ه). هه‌دانه‌هه (س).  
 ورم‌بیضه : امر. با‌گونه.  
 ورم کردن : م. وه‌رمه‌م هاوردن، نه‌نام  
 هاوردن، ماسیان، هه‌ل هاسن،

باهاوردن. هۆر نامای (ه). وهرمیں،  
به رچه ویس (س).  
وز : اصـ. گره، حره، گغه، گغه،  
فر (س).  
وزغ : ا. هورواي، بهی، بوق.



نه مراز (ش).  
وشگون : نک. نشگون.  
وصف : اصـ. وه سی، وه سف، تاريف.  
وصل کردن : م. چه سپاندن، چه سپان،  
لکان، لکاندن، نووسان.  
وصله : ا. سه، به یوه، به نه و به یوه،  
وه سه، ساسور.

وزش : اصـ. سه.  
وزن : ا. وه زن، فورسی، گراسی،  
سه بگی، سه بگی، کس.  
وزنه : ا. سه بگ، وه زن، حوه.

وروز : اصـ. وزهوز.  
وزیدن : م. نه بگووین، باهاتن، سان،  
س.

وساطت : اصـ. ناوحی گهری، تیوجی  
گهری.

وساطت کردن : م. ناوحی کردن و  
ناوحی گهری کردن.

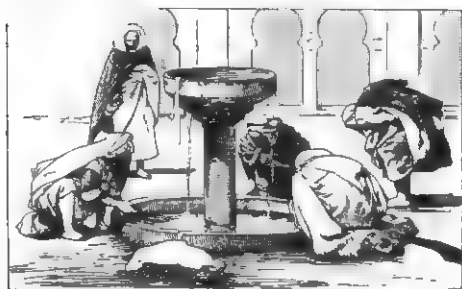
وسط : ا. ناو، ناو پراس، به سی، مانه،  
حقی، گازهره. دلی پراسه (ه). سه ک،  
ناهک (س).

وسعت : اصـ. گوساچی، دهره بان،  
بانان، بانی، دهروو.

وسمه : ا. وسه.

وسواس : ا. وه سواس، دودلی.

وسیع : ص. گوشاء، تاف، کر به وه،  
ده لپ، تاف، تاف، ناوا، ره ساء، خری،  
ناواق. شب (ش).  
وسيله : ا. نه سپاو، حاجت، نه بزار،  
به هانه، بیانک، بیانوو، نامیر.  
نه مراز (ش).  
وشگون : نک. نشگون.  
وصف : اصـ. وه سی، وه سف، تاريف.  
وصل کردن : م. چه سپاندن، چه سپان،  
لکان، لکاندن، نووسان.  
وصله : ا. سه، به یوه، به نه و به یوه،  
وه سه، ساسور.  
وصول : اصـ. گه بیه، ره سی.  
وصیت : ا. وه سه، وه سه، وه سه و  
به سه، به سه، ناموژناری.  
موجباری.  
وضو : ا. دس بویر. دس و دیم (ه).  
وضوح : اصـ. ناسکرای، رووی.  
وطن : ا. نیسماک، زنده، بانی.  
وظیفه : ا. نه رک، راسیاده، وه زنفه،  
رايوو. بی سارده (س).  
وعده : ا. وه عده، واده، نه آتین.  
وعده گرفتن : م. واده سه نن.  
واده گرهی (ه). واده گرهی (س).  
وعظ : اصـ. به ده، موجباری،  
ناموژناری.  
وفا : اصـ. وه آ، به سه. نه مهک (س).  
وفادار : ص. با. وه فادار، ناوه آ، به سه  
دار. نه مه کدار (س).  
وفات : اصـ. مهرگ، وه فاب.



### وضو

وول خوردن : م. هیل زلیویان. هور

سلیوای (ه).

وهم : نک. وحب.

وسار : ا. سرگ، سروو. مرن (ه).

نه بیران (س).

ویران : ص. وبران، رمباگ، کاول،

خراو، خاسوور، روخساگ، روخه،

وارسه، ره مهر، زه مهر، ورا (ه).

قران، کاف، که ماخ، خراب (س).

ویرانه : ا. که لاهو، خراوه، کاول،

ویرانه، که لاری (ه)، حوکان (س).

ویژه : ص. فی، به رحان، باوبه،

باوبه بی، بایه بی، نه عیب.

ویلان : ناوارة، وه میلان، سر گگردان،

به ره، بوونا، عه فاره، باسیلا، به نگاز،

لانه واره، سوخت. و به مه (س).

وفور : امص. رتیره، فره بی، فراوامی،

زوری، مسمه ری.

وفاحت : امص. بی سهرمی.

وقت : ا. وه غب، جاء، تاد، زه مان،

دهوران، دؤخ، ساء، کاب، عان، کتر.

کاف (س).

وقف : امص. وه صب.

ول : ص. ویتل، به ره زه، نازا، به ره لا،

هله. قیل (ش).

ولخرج : ص. سر. هله خهرج، ویتل

خهرج، دمس مایه، دمس بلاو.

ول شلن : م. ویتل بوون، به ره لا بوون.

قیل بین (س).

ولرم : ص. سیرتین، ولهرم، نیم گهرم.

ول کردن : م. ویتل کردن، نازا کردن،

به ره لا کردن، به ردان، وازلّی

هاوردن، به ره زه کردن، وازچنه

ناردهی، وه ردای (ه). قیل کرن (ش).

ولگرد : ص. فا. خویتی، دهله، هله.

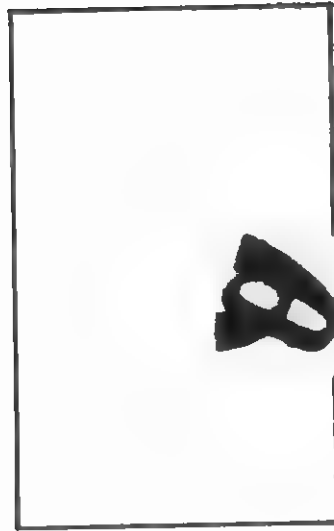
قیلمه، هلیب، حلوز (س).

ولو : ص. ولاو، بلاو، سراگ، سرر،

برس. وه لا (ه). نه لا (س).

لولوله : ا. بانگ، فال، ههرا.

ولی : ح. ربط. وه لی، نه ما، به لام.



هاون

- ه : ه
- هاون : ۱. ناوان، هاوان، هوننگ (ش).
- هاون سنگی : امر. دنگ، سندول.
- دۆلى (ه)، جوئى (ش).
- هاويه : ۱. دۆره.
- هيو : ص. ههوه. ههوى (ه).
- ههفي (ش).
- هجا : امص. ۱. حوبجى، كهت بهس، بهس.
- هجران : امص. دوورى.
- هجرت : امص. كوچ.
- هجو : امص. ههجو، ههجب، خوسب.
- هجوم : امص. هتس، بهلامار.
- ههلمت، ههلمه.
- هجي گردن : م. حوبجى كردن، كهت
- ه : ه
- هاج و واج : ص. مر. هاج و واج، هاژ، گهلحو، پهریشان، گهلوره، گهلور، په شوکیاگ، شه پوکیاگ، سه رشیت، واق، ماق، په شوکاو، پهل یسیاگ، گهوشك. ناژ و واژ (ه).
- هادی : اف. رى نوین، رابه.
- هار : ص. هار.
- هاری : ۱. هاری.
- هاژ : نک. هاج و واج.
- هالو : ص. ولح، سه پۆل، گیل، گهلحو.
- هاله : ۱. ناحله، هه رمانه، جوو حیکه.
- هامون : ۱. ده شب، سه حرا، سارا، حلگه، ده ستانی، هاموون، هاماره.

گهرجی.

ههرچه : ههرچی، ههرچهنی، ههرچه.  
ههرچیو (ه).

هرز : ص. ههرزه، لهق، شل.

هرزگی : ح. مص. ههرزهیی، ههرزه گئی.  
ههرزه : ص. ههرزه، باتزوک، فرت،  
جرت، دهله، رووال، فعلیت، ههرتیز.  
ههرزه گو : ص. فا. ههرزهوئیز، قهره چناخ،  
دهلوو، ههرزه چهنه، گهفوک، لهچهر.

هرس کردن : م. لاخه کردن، لاس  
کردن، ههرس کردن، شیخمل کردن،  
تهراف کردن، داپاجین، داپاجان،  
باجین کردن، داهیتان، فونار کردن.  
باهی، یاهه بره، نهره یانهی (ه).  
کرخانندن، بهر جنین، گهزاخه  
کرن (ش).

هرکدام : ههرکام، ههرکامیک.  
ههریک. کینک (ش).

هرکس : ههرکس.  
هرگز : ق. ههرگیز، فعت.

هرم : ا. ههرم، ههرارمت، هالاو،  
گهرما، ههلمی (ه).  
هزار : عدد. هزار، زال، ۱۰۰۰.

هزاریا : امر. ههزاریا، پریه، خشک،  
خشکه، چلبی، زوف، ریقزیف،  
شه مار، کزی (ش).

هزارلا : امر. ههزارلا، ههزارلوحانه.

بهش کردن. هینجی کردهی (ه).

هدایت : امص. ری نویتی، ری نمایی.  
هدایت کردن : م. ری نوانندن، ری  
نمایی کردن.

هدر : ص. ههدر، بی چنه، قیرو، بیخو.  
هدف : ا. ههدهف، نیشانه، نامانج.  
سهرک (ش).

هدهد : ا. به بوو سلیمان، به بوو،  
مودهود، شانه به سر، داوودیرنکل.  
به بووک (ش).

هدیه : ا. حل و گول، هدیه، سهوقات،  
دیاری، پیتی ککش، تارف، دمس  
به رنماه، به رنلا نه<sup>۱</sup>، به رنلا نه<sup>۲</sup>،  
به رنا وکانه<sup>۲</sup>

هذیان : امص. ا. ههزبان، ههذیان.  
هر : ههر، گ.

هراس : ا. ههراس، بیم، ترس، سام.  
ساف، سهوون (ش).

هرجا : ههر کوئیتیک. ههریا گبوه (ه).  
ههرجی (ش).

ههرجایی : ص. نسب. دهله، سهر گهردان،  
سوزانی، سووزمانی.  
ههرجور : ههرجور.

ههرج و ههرج : امر. ناژاوله، ناژاوه،  
بشتوه، ههرج و ههرج، ههرکه بو  
حوهی.

ههرچند : ح. ربط. ههرچهنه، ههرچهنه،



هزارپا

۱. سهر کرده.

۲. ههده داماد به عروس.

۱. ههدهای برای زن فارغ شده یا دختر

۲. ههده بولد فرزند.

هزارلۆ (ه).	هم آمدن : م. هاتنه بک. یۆنامای (ه).
هزینە : ١. خەرج.	تیک هاتن (ش).
هسته : ١. پێشه، ناوکه، کرۆک، نیۆک، پلپ، کورک، کورۆک. دندک (ش).	همباز : ص. نامباز.
هستی : ح. مص. ههستی. بیه (ه).	همبازی : ح. مص. هاوکایه، پاء نامبازی.
ههیی (ش).	هاکایه (ه).
هسر : ١. تهرزه، زوقم، سووخار، سیخ، نه لاسه، قر. ئالشت، ئالبشک (ه).	هم پشت : ص. هاوپشت، شۆن.
خوسر، سووخ (ش).	هام پشت (ه). هم پوشت (ش).
هشت : عدد. ههشت، ههشت (ش)، ٨.	ههت : اص. هیمعت.
هشتاد : عدد. ههشتا، ههشتا (ش)، ٨٠.	ههتا : ص. هاوتا، هاوجفت، لف، هانتا.
هشدار دادن : م. وازر کردن، وریاوه کردن.	هام جفت (ه). هه مگوف (ش).
هشیار : نک. هوسیار.	هم جنس : ص. هاوجنس، هام جنس، ههجنس.
هضم کردن : م. ههزم کردن، بگاردن.	همجوار : ص. هاوسی، دهراوسی.
ویارای (ه).	هم چشمی : ح. مص. چاولی گهری.
هفت : عدد. ههفت، ههوت، ٧.	همچنان : ق. نیه. ههرووا.
هفتاد : عدد. ههفتا، ههفتاد، ههوتا، ٧٠.	همچون : ق. وک، وه کوو.
هفت سین : امر. ههف سین.	همخانه : ص. هاومال، نا مال، هام بهنزل (ه).
هفته : ١. ههفته، ههوته. ههوتی (ه).	همخرج : ص. هاوخهرج، هام خهرج (ه). خهرج بک (ش).
هفتی (ش).	همدرد : ص. هاودهدرد، هام دهدرد (ه).
ههده : عدد. ههده، ١٧.	ههدهرد (ش).
هل : ١. حل، حیل.	همدرس : ص. هاو دهرس، هام دهرس (ه). ههدهرس (ش).
هلو : ١. ههشالوو، قوڤ.	همدست : ص. هاودمس، هامدمس (ه).
هَم : ق. یش، یج، هم، هاو. هام (ه).	دهست گه لیک (ش).
زی (ش).	همدم : ص. هاودهم، هاومونس، هامدم (ه). رتهاف (ش).
همانند : هاوتا، وه کوو.	همدیگر : ص. مر. یه کترین، یه کتر، به کدی. یۆرین (ه).
همایون : ص. موارک، به فهر، پیروژ، خاوهن سکۆ.	
هم آواز : ص. هاودهنگ.	

- همراز : ص. هاوړاز. هامراز (ه).  
 نامراز، نه‌فراز (ش).  
 همراه : ص. هاوپی، هاوړیگه، تنک،  
 هاوړا، هه‌سپی، له‌تنک، هامرا.  
 چینی (ه). کریف، هه‌فری (ش).  
 همراه داشتن : م. پی بوون، ته‌کابوون.  
 هم‌رنگ : ص. هاوړه‌نگ، ناوړه‌نگ.  
 هام‌ره‌نگ (ه).  
 هم‌ریش : ص. هاوړیش، ناوړل زاوا،  
 هاوړزاوا.  
 هم‌زبان : ص. هاوړزووان. هام  
 زووان (ه).  
 هم‌زمن : م. به‌یه‌کا دان، همل‌فله‌قاندن،  
 شله‌ژاندن، شله‌قاندن، شیانن،  
 شله‌قان. دای پی‌ومره، هوړ  
 قلیقای (ه). نایک دان، ټیک دان (ش).  
 هم‌زمان : ص. هاوکات، به‌یه‌که‌وه،  
 پیکه‌وه، هاوړه‌مان.  
 هم‌زیستی : ح‌مص. پیکه‌ویی، به‌یه‌که‌و  
 یوونی.  
 همسال : ص. هاوته‌مدن، هاوسال، به‌زا.  
 هامال (ه). هه‌مال (ش).  
 همسایه : ص. هاوسا، ناوسا، ناوستی،  
 ده‌راوسا، ده‌راوستی. هامسا (ه).  
 جینار (ش).  
 همسر : ص. هاوسر، نامسر، جووب،  
 خیزان، هاوکووف، ژن، خانم،  
 هاوسرین. هه‌سر (ه).  
 هم‌سفر : ص. هاوسه‌فر، هاوړتی، هام  
 سه‌فر.  
 هم‌سن : نک. همال.  
 هم‌سوگند : ص. هاوکه‌سم، هاوسوین،  
 هاوپه‌بان.  
 هم‌شهری : ص. هاوشاری. هام  
 شاری (ه).  
 هم‌شیره : ص. ا. خوه‌یشک، خوشک،  
 هاوشیره، باجی، والی، ددی، تانک،  
 دایه، واره (ه). خوه (ش).  
 هم‌صدا : ص. هاوده‌نگ، ناوده‌نگ.  
 هم‌قد : ص. ناوکه‌د، هاوکه‌د.  
 همکار : ص. هاوکار.  
 همکاری : ح‌مص. هاوکاری،  
 هاریکاری، یارم‌تی.  
 همکلاس : ص. هاوپول، هاوکلاس.  
 همگان : هه‌موان، گشت.  
 همگانی : ص‌نب. گشتی، هه‌موویی.  
 هم‌نام : ص. هاوناو، هاونیو. هام  
 ناو (ه).  
 هم‌نشین : ص. هاونشین. هام‌نشین (ه).  
 هموار : ص. ریک، ساف، هامار،  
 هه‌مووار.  
 همه : ا. هه‌موو، هه‌موو، گشت، گمل.  
 همه‌کاره : ص. هه‌مه‌کاره.  
 همه‌مه : ا. هه‌مه‌مه، هه‌را، قال، زله،  
 هه‌را و هوړا، غولوو، حه‌له‌لا.  
 همیان : ا. هه‌وانه، نه‌بان، همبان،  
 که‌مه‌ریس. مانی (ه).  
 همیشه : ق. هه‌میشه، دایمه، په‌یوه‌سه،  
 گجاری، گرد جاری.  
 همین : هه‌رنه‌مه. هه‌رنیشه (ه).

نهه (س).

قووکھوتسنهزه (ه). دهننگ

گهریان (ش).

هندوانه : ا. ههني، لوراسي، سامي،

هوچی : صفا. ههوچی، دهننگ دهراوو.

نهرح، شفتي، شووتني، کوژله،

هوس : ا. ههوس، نهلهها، کهلکهله،

شمتي، زههژ، شمتن، شمتو (ش).

مرخ، کورکه.

هنر : ا. هونهر، حونهر.

هوش : ا. هوس، بیر، زهیس، یاد.

هنگام : ا. جاء، نان، زهمان، وهحب،

ویر (ه). هدام (ش).

دوخ، ساء، کاب، عان، کاو.

هوشیار : ص. هوشیار، باهوش، وریا،

گاف (س).

بهیار، بزهوس.

هنگامه : ا. هنگامه، غهوغا، ههرا،

هول دادن : م. دمس پیهو نیان. بوو

حهلهسی، رومهل خهزا، ههرا، گوپهن،

بوهیای (ه). هافتن، نالدان (ش).

خولوو، حهسرهلا، گوپهنده، گوپهنگ،

هول شدن : م. هول بووون،

حهلهلا، گوناوهرو، گونگر، حهشر و

داهرووسکیان. هول بیی (ه).

حهلهلا، گوپهنهز.

هوله، حوله : ا. هوله، مهرحهمه

هنگفت : ص. زهمن، زور، فره، قهلو،

هههغه (س).

کولف، زتا.

هوو : نک. هو.

هوز : ی. هسا، نانیه، جاری،

هویت : دیارده، ناویسان.

ههوز، حارتکان، ههسهنهیر (ه).

هویش : ا. گهره، گهیزه.

ههلا، نهوکه (س).

گزه رکی (ه).

هو : است. ههو، هوو، ههرا، های.

هویدا : ص. ی. ناسکرا، دیار،

هوا : ههوا، ههوا.

ههساوی، بهه، رؤسن، روون.

هواپما : امر. پوکه، فروکه.

کیس (س).

هواخواه : ص. ها. ههواخواز، لانگیر،

هههاو : است. هههاوو، جهنهال،

لاگر، کهلین، لانگر، نههههه.

حهلهسی، حهسرهلا، هوو، حهسر و

ههواخوری : ح. هههه. ههواخوهری،

حهلهلا. ههلاههلا (س).

گهردس.

ههیت : نک. هراس.

هوار : هاوار، گازي، ههوار.

ههيجان : ا. سوز، خوروس.

هواسج : امر. ههوا بیو.

ههيج : ی. ههچ، حی. حومه (ه).

ههواکش : ا. بانهنگو، ههواکش.

ههيجکاره : ص. مر. ی. ههیکاره.

ههوايی : ص. نب. ههوايی.

ههيجک : ههکام.

ههويچیدن : م. قوو داکهفتن.



هوچ



هیزم : ص. حر.	هی کردن : م. لیّ خورین، ناروان.
هیزم : ا. دار، چیلکه. هترم (ه).	خوړایونه (ه).
فرسک (س).	هیکل : ا. هه بکهل، سافهل،
هیزم تنگستن : م. داره و کردن، دار	قهقهه (ش).
کرده وه.	هیمه : ا. چیلکه، دار، چیلک.
هیزم سکن : ص. فا. داره و کهر.	فرسک (ش).
هترمه و کهره (ه). دارسکتس،	هیولا : ا. حۆل، دتو.
دارفان (س).	هیهات : هه ی هو.

# ی

یاد گرفتن : م. قتر بوون، راهاس.	ی : ی
یار : ص. دۆس، یار، ره قیق.	یا : ح. رندا، یاه، یام.
یارستن : م. وئران، زاب کردن.	یانشه : ص. نه شۆر.
یارو : یارو، کابرا، نه وه کی.	یابو : ا. یارگیر، یابوو، ئولاق، باره گی.
نه وه هه (س).	کورتیه (ش).
یاری : ح. مص. یاربه، یارمه بی، یاری.	یاد : ا. یاد، بیر، هوش. پیاسه، ویر (ه).
یازده : عدد. یازده، دانگزه، ۱۱.	فلوفا (ش).
یاس : ا. یاس.	یاد آوردن : م. بیرهاوردن، بیرخستن،
یاسمن : ا. یاسمهمن، یاسه مین.	یاد هاوردن، بیرهو کردن.
یاغی : ص. یاخی، جهرده، جهبه،	بیرننان (ش).
به له سه، جهته، جیج.	یاد دادن : قیر کردن. هووره کرن،
یافتن : م. دۆزبنه وه، گیرهاوردن، دمس	علما تندن (ش).
که وئتن، به ما کردن.	یادداشت : ا. بیرنامه.
یافته : امف. دمس که فنگ، ده که و بوو،	یادگار : ا. یادگار.

یك : ا. به دهك، بی نهك.	به رهه م.
یراق : ا. به راق.	یاقوت : ا. باقوت.
یرتمه، یورتمه : ا. لوقه، نورخه، لوق، لوق.	یاقوتی : ص. نسبه، ا. یاقوتی، رمش میو، سته یی، زووی رس.
یرغہ : ا. بورغہ، لۆك.	یال : ا. یال، بزی. یزوو (ش).
یرقان : ا. زهردی، زهرده یی.	یال و گوپال : گوپال، گوپار، یال و گوپال، شان و باهوو.
یزدان : ا. خوا، خودا. خودی (ش).	یاور : ص. یار، یاوهر، یارمه تی دهر، یار به دهر، ده سیار.
یشم : ا. به شم.	یاوه : ا. وپ، کا و با، یاوه، تهره هات، هلیت و پلِت.
یغر : ص. نه بلؤس، جه پؤل، جه بلؤس.	یوست : ا. وشکی، یو بوسمت، فه بزی.
یغما : ا. به غما، تاراج، تالان، غارمت.	یتیم : ص. هه تیم، هه تیو، جه تیو. ستر، سیو (ش).
یقه : ا. به ستو، به خه، به رك، به رۆك.	یتیمچه : ا. بایتقان، هه تیمچه.
یه خئی (ه). ییسیر، به رجیل، پستو (ش).	یتحمل : گاههس.
یقین : ا. دل نیایی، بی گومان، به قین، باور.	یخ : ا. به خ، خوتس، رچ، سه هول، شخته، فه شام. جه مه د (ش).
یك : عدد. یك، یك، ا.	یخ بستن : م. به خ کردن، رچان، رچیان، رمق بوونه وه، ره وه بوون.
یکبارگی : ق. یك باره گی، یك جاره، یك جاره کی.	یبای (ه). جه مه د بیان، فوفلین، قهرمین، قوفین، قهر سین (ش).
یك باره : یك باره، کوت و پر، به جاریکا، یك هه و. کهره تیو (ه).	یخ بسته : ص. مض. به سته لك.
یك بند : ق. مر. به سابه سا، له په سا، په یتا، په یتا.	یخ بندان : امر. به خ به نان، رچان، سه هول به نان. جه مه دی (ش).
یك پارچه : ص. مر. یك پارچه، تیکر، به کدس. به کیو (ه).	یخچال : امر. به خه حال، چاله به قهر. ساریگ (ش).
یکتا : ص. مر. به کتا، تاکانه، تاقه.	یخدان : ا. به خدان، سه هول دان.
یك تنه : ق. یك تنه، به ته نیا.	یخ کردن : نک. یخ بستن.
یك جا : ق. مر. به جاریکا، به کجاره، نیگجاری.	یخنی : ا. به خنی، کله ی.
یك دنده : ص. مر. قوت، سه رپه ق، به کده نده، کله شق. رق گر.	

يكدیگر : نك . همدیگر .

يكر است : ق.مر . راسته خو .

يکرو : ص.مر . يك روو ، رووراس .

يکسان : ص.مر ، ق.مر . به کسان ، بهك جوړ .

يکړه : ق.مر . سراسه ری ، بهك سره .

يكلا : ص.مر . بهك لؤ ، بهك لؤنه ، بهكلا .

يكنواخت : ق.مر . وگډهك ، بهك

نه واخت ، بهك جوړ ، بهك بنوون ،

به کسان ، هه کوو بهك (ش) .

يك وجبی : ص.نسب . یونگسه بالا .

يکه تاز : ص.مر . بله ریزه .

يکه خور دن : م . داخله کسان ،

داخوړپيان ، پي چوون ، دانرووسکيان .

چله کيايره (ه) ، جينينه وه (ش) .

يکهو : ق.مر . کوتووبير ، ناکاو ، ناگا ،

به جار يکا ، ناخلاف ، ناکاو ، له پير .

شکفه (ش) .

يکی يكدانه : ص.مر ، ق.مر . ناقانه ،

ناکانه .

يگانه : ص.مر . به گانه ، بهكدانه ، ناکانه ،

ناقانه ، ناك ، نهك ، نهكه ، دهك .

يگانگی : ح.مص . بهکيه تي ، هاوده سي ،

دهس بهكي ، خويه تي ، لشهاد .

يکته (ش) .

يل<sup>۱</sup> : ا . نيم نه نه ، کوله ، سوخمه ،

که مەري ، بهك ، کورته ، کوله جه .

کورتهك (ش) .

يل<sup>۲</sup> : ص . دتير ، يالهوان ، بهل .

يلدا : ا . سهو حله .

ينجه ، يونجه : ا . يونجه ، وتنجه ، نونجه ،

پتوره .

ينگه : ا . پاخه سوو ، بهريووك .

پاوه يوه (ه) . سه رسي (ش) .

يواش : ص . ي . ناهسته ، يتي حركه ،

ياجر كي ، هتي ، نه ساسي ، سكه ،

نارام ، ناسه م ، سته يي .

يواش يواش : له قله ق ، نه واس به واس .

هتي هتي (ش) .

يواشكي : ق.مر . به واسه كي .

به واسليو (ه) . هتي (س) .

يورت : ا . يورت ، هه رارگا ، نه گا ، نوبه .

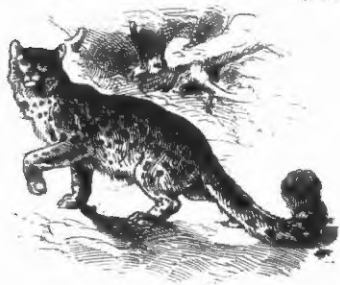
يورتمه : نك . مرسمه .

يورش : اصص . هتيرس . به لامار ،

هه لمه ب ، حه لمه .

يوز : ا . يوز .

يوز پلنگ : امر . يوز پلنگ . پلنگ (ه) .



يوغ : ا. كەلەن، خەلەم، كىلۆه، كەلەم. يهودى : ص. نىسب. موساى، رەسە  
ئىلە، ئىر. ئىل (س).  
يۈنچە : نك. بىچە.  
يۈنچە زار : امر. وتچە زار.  
يىلاق : ا. بىنەن، لەبىلاخ، ئىلاخ.  
ئىلاق (ھ). زۆزان، ئىر (س).